فہرس مضامین خیر المواعظ

تمّت

هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين

قد طبع النصف الاول من هذا الكتاب المستطاب نافع كل المتعظ والواعظ



بالسعي الجميل الذي عزي الى الاخ الاصغر الاكبر بالفضل متنانی المصنف الشهير والان مولوي محمد مسيح الزمان خان

في المطبعة الاسلامية حفظها الله عن الفتن والفساد

بسم الله الرحمن الرحيم

شروع میکنم بنام خدای بخشنده مهربان

الحمد لله الذي خلق السماوات والارض وانزل من السماء ماء فاخرج

همه ستایش خدای را که آفرید آسمانها و زمین را و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد

به من الثمرات رزقا لكم هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا وينشئ

بسبب آن از انواع میوه ها روزی برای شما اوست آنکه مے نماید شما را برق برای پیدا کردن ترس امید و برمیدارد

السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته لا اله

ابرهای گران را و پاکی یاد میکند رعد بستایش او و فرشتگان از ترس او نیست هیچ معبود

الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فاذا قضى امرا

مگر او زنده میکند و می میراند پروردگار شماست و پروردگار پدران نخستین شماست پس چون میکند کارے

فانما يقول له كن فيكون يعذب من يشاء ويرحم من يشاء واليه تقلبون

پس جز این نیست که میگوید ورا بشو پس میشود عذاب کند هرکرا خواهد و رحم کند هرکرا خواهد و بسوی او بازگردانیده خواهید شد

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَّالْقَمَرَ نُورًا وَّقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا

او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و مقرر ساخت برای او منزلها تا بدانید

عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۖ إِنْ يَّشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ

شمار سالها و حساب را اگر خواهد دور کند شمارا ای مردمان و بوجود آرد دیگران را

وَكَانَ اللّٰهُ عَلَىٰ ذٰلِكَ قَدِيرًا ۝ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ

و هست خدا بر این کار توانا بسیار با برکت است آنکه فرود آورد فرقان را بر بندهٔ خویش

لِيَكُونَ لِلْعٰلَمِينَ نَذِيرًا ۝ قَدْ جَاءَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ نُورٌ وَّكِتَابٌ مُّبِينٌ ۝ يَهْدِي

تا باشد ترساننده عالمیان را هر آئینه آمد شمارا از جانب خدا نوری و کتابی روشن بسبب آن هدایت

بِهِ اللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى النُّورِ

می نماید خدا کسی را که طلب رضا کرد بسوی راه نجات و بیرون می آرد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنی

بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ

بحکم خود و راه می نماید ایشانرا بسوی راه راست هر آئینه نعمت فراوان داد خدا بمومنان آنگاه که فرستاد

فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيٰتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیتهای خود و پاک میسازد ایشانرا و می آموزاند ایشانرا

الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ۝ فَآمِنُوا

کتاب علم و هر آئینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهیی ظاهر پس ایمان آرید

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمٰتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ

بخدا و به پیغمبر او که نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدارا و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بود که شما

تَهْتَدُونَ ۝ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللّٰهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

راه یاب شوید محمد پیغمبر خداست و آنانکه همراه وی اند سخت اند بر کافران مهربان اند

بَيْنَهُمْ تَرٰهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ

در میان خود ها می بینی ایشانرا رکوع کنندگان و سجده نمایندگان می طلبند فضل را از خدا و خوشنودی را نشان صلاح ایشان

فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

در روی ایشان است از اثر سجود هر آئینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝ وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ

ای مسلمانان درود فرستید بروی و سلام سلام گفتنی و سبقت کنندگان نخستیان

مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا از ایشان

وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

و خوشنود شدند ایشان ازوی و آماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود زیر آن جویها جاوید باشند در آنجا

أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

همیشه اینست فیروزی بزرگ ای پروردگار بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کردند برما

بِالْإِيمَانِ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

بایمان آوردن ای پروردگار ما تمام کن مارا نور ما و بیامرز مارا هر آئینه تو بر هر چیز توانا است

فِي ثَنَاءِ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَعَزَّ اسْمُهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ

حمد و ستایش خدا راست که بدست اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر اوراست ستایش در آخرت

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ

و اوست باحکمت آگاه میداند آنچه در میآید بزمین و آنچه بر میآید ازوی و آنچه فرود میآید

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۝ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ

از آسمان و آنچه بالا میرود دروی و اوست مهربان آمرزنده آفریننده آسمانها

وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ۝ وَهُوَ

و زمین است و چون میکند کاری پس جز این نیست که میگوید اورا بشو پس میشود و اوست

ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ وَلَوْ اَنَّ مَا فِی الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَّالْبَحْرُ يَمُدُّهٗ

آیا معبودی است با خدا و اگر آنچه در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا سیاهی آن شود

مِنْ بَعْدِهٖ سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ

از پس او هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنان خدا هر آینه خدا غالب با حکمت است

فَسُبْحٰنَ الَّذِيْ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝

پس پاکست آنکه بدست اوست بادشاهی هر چیز و بسوی او باز گردانیده شوید

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ اَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَّاحِدَةً بَيْنَ الْجِنِّ

وسلم مر خدای تعالی راست صد رحمت فرود آورده است از آن صد رحمت یک رحمت را میان

وَالْاِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا يَتَعَاطَفُوْنَ وَبِهَا يَتَرَاحَمُوْنَ

پریان و آدمیان و میان چارپایان و جنبندی های روی زمین بآن رحمت آنها مهربانی میکنند بر یکدیگر

وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلٰى وَلَدِهَا وَاَخَّرَ اللّٰهُ تِسْعًا وَّتِسْعِيْنَ رَحْمَةً

و بآن رحمت میبخشایند بر یکدیگر و بآن رحمت مهربانی میکند جانور وحشی بر فرزند خود و پس گذاشته است خدای تعالی نود و نه رحمت

يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِّمُسْلِمٍ عَنْ

که رحم میکند بآن رحمت بندگان خود را روز قیامت متفق علیه و در روایتی مر مسلم را از سلمان فارسی

سَلْمَانَ نَحْوَهٗ وَفِيْ اٰخِرِهٖ قَالَ فَاِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ اَكْمَلَهَا بِهٰذِهِ الرَّحْمَةِ

مانند این آمده است و در آخرش این عبارت است که گفت پس چون باشد روز قیامت تمام میگرداند آنرا بآن یک رحمت

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از وی رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا رحمت خدا باد بروی

وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الْعُقُوْبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهٖ

و سلام اگر بداند مومن چیزیرا که نزد خداست از عذاب طمع نکند به بهشت خدا

أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللهِ مَا قَنِطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ متفق عليه

یکی از مومنان و اگر بداند کافر چیزیرا که نزد خداست از رحمت ناامید نگردد از بهشت او هیچ یکی از کافران

وَعَنْهُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایتست از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدُ اللهِ مَلْأَى لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ

دست عنایت خدا پرست یعنی پر است نمیسازد او را هیچ نفقه عطای ریزنده و سیل کننده در شب و روز چه

مُذْ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ وَكَانَ عَرْشُهُ

دیدید که چه قدر انفاق و عطا کرده است وی تعالی از آن باز که پیدا کرده است آسمان و زمین را پس بدرستی که عطای او کم نساخت چیزی را از دست او

عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ متفق عليه

و بود در وقت پیدا کردن آسمان و زمین عرش او بر آب و بدست قدرت اوست ترازو پست میکند و بر میدارد ترازو را متفق علیه

وَعَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَامَ فِينَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى

روایتست از ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه گفت استاد میان ما پیغمبر خدا صلی الله علیه

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَقَالَ إِنَّ اللهَ لَا يَنَامُ وَ

وسلم برای وعظ و تذکیر پنج سخن پس گفت آنحضرت بدرستی که خدا تعالی خواب

لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ يُرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ

نمیکند و نمی سزد او را که خواب کند پست میکند ترازو را و بالا میبرد او را بر داشته میشود بسوی درگاه وی عمل‌های

اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابُهُ النُّورُ

شب پیش از عملهای روز و برداشته میشود عمل روز پیش از عمل شب پرده وی تعالی نور است

لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ

اگر برداشتی این پرده را هر آینه بسوختی انوار روی وی هر چیز را که رسیده بسوی آن چیز بصر خدا

مِنْ خَلْقِهِ رواه مسلم وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

که خلق خدا باشد رواه مسلم و روایتست از ابی ذر رض گفت فرمود پیغمبر خدا

یعنی نگاه بهشت زننده ... (handwritten margin notes, largely illegible)

صلی اللہ علیہ وسلم یقول اللہ تعالیٰ یا عبادی کلکم ضال

صلی اللہ علیہ وسلم میگوید خدای تعالیٰ ای بندگان من ہمہ شما گمراہید

الا من ہدیت فاسئلونی الہدیٰ اہدکم وکلکم فقراء الا

مگر کسی کہ راہ نمودم من او را پس سوال کنید از من راہ راست بنمایم شمارا راہ راست و ہمہ شما فقیرانید

من اغنیت فسئلونی ارزقکم وکلکم مذنب الا من عافیت

مگر کسی کہ غنی گردانم من او را پس سوال کنید از من کہ رزق دہم شمارا و ہمہ شما گناہگارانید مگر کسی کہ معفو کردم من

فمن علم انی ذو قدرۃ علی المغفرۃ فاستغفرنی غفرت لہ

او را پس کسیکہ بداند کہ من خداوند قدرتم بر آمرزیدن گناہان پس طلب آمرزش کنید از من می آمرزم

ولا ابالی ولو ان اولکم وآخرکم وحیکم ومیتکم ورطبکم

او را و باک ندارم و اگر بدرستی کہ اول شما و آخر شما و زندہ شما و مردہ شما و تر شما

ویابسکم اجتمعوا علی اتقی قلب عبد من عبادی ما ازداد

و خشک شما جمع شوند بر ترسندہ تر دل بندہ از بندگان من زیادہ نگرداند

ذلک فی ملکی جناح بعوضۃ ولو ان اولکم وآخرکم وحیکم

آن در ملک من مقدار بازوی پشہ و اگر بدرستی کہ اول شما و آخر شما و زندہ شما

ومیتکم ورطبکم ویابسکم اجتمعوا علی اشقی قلب عبد

و مردہ شما و تر شما و خشک شما جمع شوند بر بدبخت ترین دل بندہ

من عبادی ما نقص ذلک من ملکی جناح بعوضۃ ولو ان

از بندگان من کم نگرداند آن از ملک من مقدار بازوی پشہ و اگر بدرستی

اولکم وآخرکم وحیکم ومیتکم ورطبکم ویابسکم اجتمعوا

کہ اول شما و آخر شما و زندہ شما و مردہ شما و تر شما و خشک شما جمع شوند

فی صعید واحد فسال کل انسان منکم ما بلغت امنیتہ

در یک روی زمین پس سوال کند ہر آدمی از شما چیزی کہ نہایت آرزوی اوست۔

فأعطيت كل سائل منكم ما نقص ذلك من ملكي إلا كما

پس بدہم ہر سایل را ہر چہ خواہد کم نکند آن از ملک من مگر چنانکہ اگر بگذرد

لو أن أحدكم مر بالبحر فغمس فيه إبرة ثم رفعها ذلك

یکی از شما در دریا پس فرو برد دران سوزنی را پستر بردارد آن سوزن را

بأني جواد ماجد أفعل ما أريد عطائي كلام وعذابي كلام

ان بجہت اینکہ من بخشندہ کم بخشایش کنندہ بزرگم میکنم ہر چہ میخواہم دادن من سخن ست وعذاب من سخن ست

إنما أمري لشيء إذا أردت أن أقول له كن فيكون رواه أحمد

ہست کار من بچیزی وقتیکہ خواہم مگر اینکہ بگویم مر آنچیز را شو پس میشود آنچیز روایت کرد

والترمذي وابن ماجه وعن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما

این حدیث را احمد وترمذی وابن ماجہ وروایت ست از عبد اللہ ابن عمر رضی اللہ تعالی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يطوي الله السموات

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بپیچید خدای تعالی آسمانہا را

يوم القيمة ثم يأخذهن بيده اليمنى ثم يقول أنا الملك

روز قیامت پس بگیرد آسمانہا بدست راست خود باز میگوید منم بادشاہ

أين الجبارون أين المتكبرون ثم يطوي الأرضين بشماله

کجا اند جبر کنندگان وکجا اند تکبر کنندگان پستر بپیچید زمینہا را بدست چپ خود

وفي رواية يأخذهن بيده الأخرى ثم يقول أنا الملك أين

ودر روایت دیگر ست کہ بگیرد آنہا را بدست دیگر خود پستر میگوید منم بادشاہ کجا اند

المتكبرون رواه مسلم وعن ابن الديلمي قال أتيت

تکبر کنندگان روایت کرد این حدیث را مسلم وروایت ست از فرزند دیلمی گفت کہ آمدم

أبي بن كعب فقلت له قد وقع في نفسي شيء من القدر

نزد ابی ابن کعب پس گفتم مر او را بتحقیق در افتاد در دل من چیزی از شک از قضا وقدر

تحدثني لعل الله ان يذهبه من قلبي فقال لو ان الله

پس حدیثی بخوان مرا شاید که خدا تعالی ببرد آن شک را از دل من پس گفت اگر برآینه خدا تعالی

عذب اهل سمواته واهل ارضه عذبهم وهو غير ظالم

عذاب میکرد تمام آسمانیانرا و زمینیانرا عذاب کند ایشانرا وحال آنکه وی غیر ظالم

لهم ولو رحمهم كانت رحمته خيرا لهم من اعمالهم

کننده است مر ایشانرا واگر رحمت میکرد برآنها میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهای ایشان

الحديث رواه احمد وابو داود وابن ماجة وعن ابي ذر

تا آخر حدیث روایت احمد و ابو داود و ابن ماجه روایت است از ابی ذر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فيما يروي عن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آنچه روایت می کند از

الله تبارك وتعالى انه قال يا عبادي اني حرمت الظلم

خدا تعالی که تحقیق وی گفت ای بندگان من تحقیق که من حرام گردانیده ام ظلم را

على نفسي وجعلته بينكم محرما فلا تظالموا يا عبادي كلكم

بر نفس خود و گردانیده ام ظلم را در میان شما حرام پس ظلم نکنید بر یکدیگر ای بندگان من همه

ضال الا من هديته فاستهدوني اهدكم يا عبادي كلكم جائع

گمراهید مگر کسیکه راه نموده ام او را پس طلب هدایت کنید از من که هدایت کنم شما را ای بندگان من همه شما گرسنه

الا من اطعمته فاستطعموني اطعمكم يا عبادي كلكم عار

مگر کسیکه طعام دهم او را پس طلب طعام کنید از من که طعام کنم شما را ای بندگان من همه شما برهنه اید

الا من كسوته فاستكسوني اكسكم يا عبادي انكم

مگر کسی که جامه پوشانم او را پس طلب کسوت کنید از من که کسوت دهم شما را ای بندگان من تحقیق شما

تخطئون بالليل والنهار وانا اغفر الذنوب جميعا

گناه میکنید شب و روز و من می آمرزم همه گناهان را

فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَمْ تَبْلُغُوا

پس طلب آمرزش کنید از من که بیامرزم مر شما را ای بندگان من تحقیق که شما هرگز نمی رسید

ضَرِّي فَتَضُرُّونِي وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي يَا عِبَادِي

ضرر مرا تا آنکه ضرر رسانید مرا و هرگز نمی رسید سود مرا تا سود رسانید مرا ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَتْقَى

اگر باشند اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر پرهیزگارترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یک مرد از شما زیاده نمی کند آن در ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر گناه کننده ترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یک مرد از شما کم نه کند آن از ملک من چیزے را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما بایستند در یک روی زمین

وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا

پس سوال کنند مرا پس بدهم هر آدمی را کم نکند آن از آنچه

عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ

نزد من است مگر چنانچه کم میگرداند سوزن چون در آورده شود در دریا ای بندگان من نیست آن

أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيهَا عَلَيْكُمْ ثُمَّ أُوَفِّيكُمْ إِيَّاهَا فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا

عملهای شما که بر شما می شمارم برای شما پس تمام میدهم شما را جزای آن اعمال پس کسیکه یابد نیکی را

فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس باید که شکر کند خدا را و کسیکه یابد غیر نیکی را پس باید که ملامت نکند مگر نفس خود را رواه مسلم

في مدح النبي القريشي الهاشمي المكي صلوة الله وسلامه عليه وعلى آله وصحبه

لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
البته تحقیق آمده است بشما پیغمبری از قبیله شما دشوار است بروی رنج شما حریص است

عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم وما ينطق عن الهوى ان
بر هدایت شما بمسلمانان شفقت کننده مهربان است و سخن نمیگوید از خواهش نفس نیست

هو الا وحي يوحى قال الله تعالى انا ارسلنك بالحق بشيرا
آن سخن مگر وحی که بسوی او فرستاده میشود فرمود خدای تعالی هر آینه ما فرستادیم ترا بحق مژده دهنده

ونذيرا ولا تسئل عن اصحب الجحيم وانزل الله عليك الكتب
و ترساننده و پرسیده نخواهی شد از اهل دوزخ و فرود آورده است خدا بر تو کتاب

والحكمة وعلمك ما لم تكن تعلم وكان فضل الله عليك
و دانش و آموخته است ترا آنچه نمیدانستی و هست فضل خدا بر تو

عظيما وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى وما كان الله
بزرگ و نه افگندی تو وقتیکه افگندی ولیکن خدا افگند و نیست خدا که عذاب کند

ليعذبهم وانت فيهم وما ارسلنك الا رحمة للعلمين
ایشان را و تو در میان ایشان باشی و نه فرستادیم ما ترا مگر رحمت برای عالمیان

يايها النبي انا ارسلنك شاهدا ومبشرا ونذيرا وداعيا
ای پیغامبر هر آینه فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده دهنده و ترساننده و خواننده

الى الله باذنه وسراجا منيرا وبشر المؤمنين بان لهم
بسوی خدا بحکم او و چراغ روشن و بشارت ده مومنان را بآنکه ایشان را

جزو ١١ سوره ٩ ع ٥
جزو ٢٧ سوره ٥٣ ع ٥
جزو ١ سوره ٢ ع ١٤
جزو ٥ سوره ٤ ع ١٧
جزو ٩ سوره ٨ ع ١٧
جزو ٩ سوره ٨ ع ١٨
جزو ١٧ سوره ٢١ ع ٧
جزو ٢٢ سوره ٣٣ ع ٦

مِّنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ

از جانب خدا بخشش بزرگ بگو که ای مردمان هر آینه من فرستاده خدا ام بسوی

جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

همه شما آنکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست معبود مگر او زنده میکند

يُحْيِي وَيُمِيتُ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ

و می میراند او ست آنکه برانگیخت در ناخوانندگان پیغامبر را از قوم ایشان

يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

میخواند برایشان آیات او را و پاک میکند ایشان را و می آموزد ایشان را کتاب و دانش

وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ

و اگرچه ایشان بودند پیش از این در گمراهی ظاهر هر آینه خدا و فرشتگان او درود

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

میخوانند بر پیغامبر ای مسلمانان درود بخوانید بر وی و سلام گوئید سلام گفتنی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَوَّلُ مَن يَنشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ

من سردار فرزندان آدم روز قیامت و نخست کسی ام که شگافته خواهد شد از وی قبر

وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ

و من نخستین شفاعت کننده ام و نخستین کسیکه قبول کرده شود شفاعت وی رواه مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم من بهتر فرزندان آدمم روز قیامت

وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لِوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِن نَّبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ

و میگویم بطریق فخر و بدست من است رایت حمد و نیست فخر و نیست هیچ پیغمبر آن روز قیامت چه آدم

وَمَنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لِوَائِي وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ
وجه سواى اوست مگر آنکه در زیر لواى من در آید و من آنم که نخستین شگافته شود از وی زمین

وَلَا فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ
ونیست فخر رواه ترمذی و روایت ست از جابر که آنحضرت صلى الله علیه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا خَاتَمُ
وسلم فرمود من پیشوای مرسلینم ونیست فخر و من خاتم

النَّبِيِّينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَمُشَفَّعٍ وَلَا فَخْرَ
الانبیاءام ونیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده شده ام و نیست فخر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
رواه ترمذی و روایت ست از انس گفت فرمود پیغامبر خداست صلى الله

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ خُرُوجًا إِذَا بُعِثُوا وَأَنَا
علیه وسلم من نخستین مردم ام از روی بیرون آمدن از قبر وقتیکه برانگیخته شوند از قبر و من

قَائِدُهُمْ إِذَا وَفَدُوا وَأَنَا خَطِيبُهُمْ إِذَا أَنْصَتُوا وَأَنَا مُسْتَشْفِعُهُمْ
پیشوای مردمم وقتیکه بیایند بدرگاه خدا و من خطبه خواننده ایشانم وقتیکه خاموش شوند و من طلب کرده شده ام شفاعت را

إِذَا حُبِسُوا وَأَنَا مُبَشِّرُهُمْ إِذَا أَيِسُوا الْكَرَامَةُ وَالْمَفَاتِيحُ
شفاعت ایشان نزد خدا وقتیکه حبس کرده شوند مردم و من بشارت دهنده ام مردم را وقتیکه نومید شوند بزرگی و کلیدها

يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَلِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَأَنَا أَكْرَمُ وُلْدِ
آنروز بدست من باشد ولواى حمد دران روز بدست من باشد و من بزرگترین فرزندان

آدَمَ عَلَى رَبِّي يَطُوفُ عَلَيَّ أَلْفُ خَادِمٍ كَأَنَّهُمْ بَيْضٌ مَكْنُونٌ
آدم نزد پروردگار خود گرد من میگردند هزار خادم گویا این خادمان بیضهای پوشیده اند

أَوْ لُؤْلُؤٌ مَنْثُورٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ
یا مرواریدهای پراگنده شده روایت کرد این را ترمذی و دارمی و روایت ست از وی

الذهن

قائد
معنای پیشوا
پیشوای مرسلین
فرع ۱۲

۳
فی منازل ظهر اند
شفاعت طلب
بیه بروز بشارت
مسائل
ولواء الحمد
الرادیات
جلالین ۱۲

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ شَفِيْعٍ فِي

گفت فرمود پیغامبر صلی الله علیه وسلم من نخستین کسی ام که شفاعت کنندہ

الْجَنَّةِ لَمْ يُصَدَّقْ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ وَاِنَّ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

بہشت تصدیق کردہ نشد هیچ پیغامبر از پیغامبران آنمقدار که تصدیق کردہ شدم و تحقیق از جمله پیغامبران

نَبِيًّا مَا صَدَّقَهُ مِنْ اُمَّتِهِ اِلَّا رَجُلٌ وَّاحِدٌ رواه مسلم وَعَنْ

پیغمبری است که تصدیق نکرد او را از امت وی مگر یک مرد رواه مسلم و روایت است

جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

از جبیر ابن مطعم رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میفرمود

اِنَّ لِي اَسْمَاءً اَنَا مُحَمَّدٌ وَاَنَا اَحْمَدُ وَاَنَا الْمَاحِي الَّذِي يَمْحُو اللهُ

تحقیق که مرا نامهاست من محمدم و من احمدم و من ماحی ام آنکه محو می کند خدا

بِيَ الْكُفْرَ وَاَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُحْشَرُ النَّاسُ عَلٰى قَدَمِي وَاَنَا

بوجود من کفر را و نام من حاشر است که برانگیخته شوند مردم بر قدم من و نام من

الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ نَبِيٌّ متفق عليه وَعَنْ

عاقب است و عاقب آنکه نیست پس از وی پیغمبری متفق علیه ست و روایت است

اَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَحْمَةٌ

از ابی هریره رض از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود که آنچه من رحمت ام

مُهْدَاةٌ رواه الدارمي والبيهقي في شعب الايمان وَعَنْ عَمْرِو

و راه یافته شده رواه دارمی و البیهقی در شعب الایمان و روایت ست از عمرو

بْنِ قَيْسٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَحْنُ

بن قیس تحقیق که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ما در وجود

الْاٰخِرُوْنَ وَنَحْنُ السَّابِقُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنِّي قَائِلٌ قَوْلًا غَيْرَ فَخْرٍ

پستر آمدیم و در مرتبه سابق و پیشینیم روز قیامت و تحقیق من گوینده ام گفتاری بی گمان فخر

اِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللّٰهِ وَمُوسٰى صَفِيُّ اللّٰهِ وَاَنَا حَبِيبُ اللّٰهِ وَمَعِي

کہ ابراہیم خلیل الله است و موسی برگزیده خدا است و من محبوب خدا ام و با من باشد

لِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنَّ اللّٰهَ وَعَدَنِي فِي اُمَّتِي وَاَجَارَهُمْ

لوای حمد روز قیامت و بتحقیق خدای تعالے وعده کرد مرا در باب امت من و امان داد ایشانرا

مِنْ ثَلٰثٍ لَا يَعُمُّهُمْ بِسَنَةٍ وَلَا يَسْتَاصِلُهُمْ عَدُوٌّ وَلَا يَجْمَعُهُمْ

از سه چیز در نگیرد ایشانرا بقحط سال و هلاک نکرد ایشانرا دشمنان و جمع نمی کند

عَلٰى ضَلَالَةٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى

ایشان را بر گمراهی روایت کرد دارمی روایت است از ابن عباس رض گفت تحقیق که خدای تعالے

فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ وَعَلٰى اَهْلِ السَّمَاءِ

فضیلت داد آنحضرت صلے الله علیه وسلم را بر پیغمبران و بر اهل آسمان

فَقَالُوا يَا اَبَا عَبَّاسٍ بِمَ فَضَّلَهُ عَلٰى اَهْلِ السَّمَاءِ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى

گفتند ای ابا عباس بچه چیز فضل داد خدا آنحضرت را بر اهل آسمان گفت تحقیق که خدای تعالے

قَالَ لِاَهْلِ السَّمَاءِ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ اِنِّي اِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ

فرمود فرشتگان را این کلام و کسی که گوید از فرشتگان که من خدا ام جز خدا پس آنکس پاداش

نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِينَ وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ

میدهیم او را دوزخ همچنین پاداش میدهیم ظالمان را و فرمود خدای تعالے مر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِّيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ

صلے الله علیه وسلم را تحقیق که فتح دادیم ترا فتح ظاهر تا بیامرزد مر خدای تعالے

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ قَالُوا وَمَا فَضْلُهُ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ

هرچه پیش رفته از گناه تو و هرچه که پس آید گفتند و چیست فضل محمد بر انبیا

قَالَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ اِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهٖ

گفت فرمود خدای تعالے و نفرستادیم ما هیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَّشَآءُ الْاٰيَةِ وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

تا بیان کند برای قوم خود پس گمراه میگرداند خدا هر کرا میخواهد تا تمام آیه و گفت خدای تعالی مر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ فَاَرْسَلَهٗ اِلَى الْجِنِّ

علیه و سلم و نفرستادیم ترا مگر برای کافه آدمیان پس فرستاد خدای تعالی او را بسوی پریان

وَالْاِنْسِ رواه الدارمی وَعَنِ الْعَبَّاسِ رض اَنَّهٗ جَآءَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

و آدمیان روایت کرده دارمی و روایت است از عباس رض که وی آمد بسوی آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَاَنَّهٗ سَمِعَ شَيْئًا فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ

علیه و سلم پس گویا که عباس شنیده بود چیزی را پس ایستاد آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر سر منبر

فَقَالَ مَنْ اَنَا فَقَالُوْا اَنْتَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَنَا

پس فرمود که من کیستم پس گفتند صحابه تو پیغمبر خدای صلی الله علیه و سلم فرمود که من

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ام تحقیق که خدای تعالی پیدا کرد خلق را پس گردانید

خَيْرِهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ فِرْقَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ

مرا در بهترین ایشان بستر گردانید آدمیان را دو گروه پس گردانید مرا در بهترین فرقه ایشان پستر گردانید ایشانرا

یعنی عرب و عجم را

قَبَآئِلَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ قَبِيْلَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ بُيُوْتًا فَجَعَلَنِيْ

قبیله پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی قبیله بستر گردانید ایشانرا خانه ها پس گردانید مرا

یعنی عرب را

فِيْ خَيْرِهِمْ بَيْتًا فَاَنَا خَيْرُهُمْ نَفْسًا وَّخَيْرُهُمْ بَيْتًا رواه الترمذی

در بهترین خانه های ایشان پس من بهترین ایشانم از روی نفس و بهترین ایشانم از روی خانه روایت کرده ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِيْ

و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم مثال من

وَمَثَلُ الْاَنْبِيَآءِ كَمَثَلِ قَصْرٍ اُحْسِنَ بُنْيَانُهٗ تُرِكَ مِنْهُ مَوْضِعُ

و مثل پیغمبران سابق همچو مثل کوشکی است که نیکو کرده شد بنای او گذاشته شد از آن جای

لَبِنَةٍ فَطَافَ بِهِ النُّظَّارُ يَتَعَجَّبُونَ مِنْ حُسْنِ بُنْيَانِهِ اِلَّا مَوْضِعَ

خشت پس گرد اگرد گشتند نظر کنندگان درحالیکہ تعجب میکردند از خوبی بناے آن مگر جاے

تِلْكَ اللَّبِنَةِ فَكُنْتُ اَنَا سَدَدْتُّ مَوْضِعَ اللَّبِنَةِ خُتِمَ بِيَ

آن خشت کہ خالی ماندہ پس بودم من کہ بستم جاے آن خشت را ختم کردہ شد بمن

الْبُنْيَانُ وَخُتِمَ بِيَ الرُّسُلُ وَفِيْ رِوَايَةٍ فَاَنَا اللَّبِنَةُ وَاَنَا خَاتَمُ

بنا وختم کردہ شد بمن پیغمبران و در روایت دیگر پس منم مثل آن خشت و من ختم کنندہ

النَّبِيِّيْنَ متفق عليه وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

پیغمبران ام متفق علیہ ست و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰتِيْ بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَاَسْتَفْتِحُ

صلے الله علیہ وسلم می آیم در بہشت را روز قیامت پس طلب کنم کشادن در را

فَيَقُوْلُ الْخَازِنُ مَنْ اَنْتَ فَاَقُوْلُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُوْلُ

پس میگوید داروغہ بہشت کہ تو کیستے پس میگویم من محمد ام صلے الله علیہ وسلم پس میگوید داروغہ

بِكَ اُمِرْتُ اَنْ لَّا اَفْتَحَ لِاَحَدٍ قَبْلَكَ رواه مسلم وَعَنِ الْعِرْبَاضِ

بسبب تو امر کردہ شدم کہ نہ کشایم برای کسے پیش از تو رواہ مسلم در روایتیست از عرباض

بْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ قَالَ

ابن ساریہ رض از پیغامبر خدا صلے الله علیہ وسلم بتحقیق آنحضرت فرمود

اِنِّيْ عِنْدَ اللّٰهِ مَكْتُوْبٌ خَاتَمُ النَّبِيِّيْنَ وَاِنَّ اٰدَمَ لَمُنْجَدِلٌ

کہ تحقیق من نزد خدا نوشتہ شدہ ام خاتم پیغمبران حال آنکہ آدم ہر آئینہ افتادہ بود

فِيْ طِيْنَتِهٖ وَسَاُخْبِرُكُمْ بِاَوَّلِ اَمْرِيْ دَعْوَةُ اِبْرٰهِيْمَ وَبِشَارَةُ

در گل خود و قریب است کہ خبر دہم شما را بہ نخست کار خود دعاے ابراہیم است و خوشخبری

عِيْسٰى وَرُؤْيَا اُمِّيَ الَّتِيْ رَاَتْ حِيْنَ وَضَعَتْنِيْ وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُوْرٌ

عیسی ست و خواب مادر من است کہ دید وقتیکہ زائید مرا و بتحقیق برآمد مر آنرا روشنی

اَضَاءَ لَهَا مِنْهُ قُصُوْرُ الشَّامِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَرَوَاهُ
که ظاهر شد برای آمنه ازان نور کوشکهای شام روایت کرد آنرا در شرح سنه و روایت کرد آنرا

اَحْمَدُ عَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ مِنْ قَوْلِهٖ سَاُخْبِرُكُمْ اِلَخْ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ
احمد از ابی امامه از قول او که ساخبرکم است تا آخر و روایت است از ابی هریرة

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَاُكْسٰى حُلَّةً مِّنْ حُلَلِ
از پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت پس پوشانیده میشوم من حله از حلهای

الْجَنَّةِ ثُمَّ اَقُوْمُ عَنْ يَّمِيْنِ الْعَرْشِ لَيْسَ اَحَدٌ مِّنَ الْخَلَائِقِ
بهشت پستر می ایستم من از جانب راست عرش نیست کسے از خلق

يَقُوْمُ ذٰلِكَ الْمَقَامَ غَيْرِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَفِيْ رِوَايَةِ
که باستد دران مقام بجز من رواه ترمذی و در روایه

جَامِعِ الْاُصُوْلِ عَنْهُ اَنَا اَوَّلُ مَنْ يَّنْشَقُّ عَنْهُ الْاَرْضُ فَاُكْسٰى
جامع اصول اینست که من اول آنکسے ام که شگافته میگردد از وی زمین پس پوشانیده میشوم

وَعَنْ اُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا
و روایت است از ابی بن کعب از پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ كُنْتُ اِمَامَ النَّبِيِّيْنَ وَخَطِيْبَهُمْ وَصَاحِبَ
باشد روز قیامت باشم پیشوائے پیغمبران و باشم خطیب ایشان و خداوند

شَفَاعَتِهِمْ غَيْرَ فَخْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
شفاعت میان ایشان بے آنکه فخر کنم رواه ترمذی و روایت است از نبی صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَلُوا اللّٰهَ لِيَ الْوَسِيْلَةَ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ
الله علیه وسلم فرمود بخواهید از خدا برای من وسیله گفتند ای پیغمبر خدا

وَمَا الْوَسِيْلَةُ قَالَ اَعْلٰى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا اِلَّا رَجُلٌ
وچیست وسیله فرمود وسیله بلندترین پایه ایست در بهشت نمی یابد آنرا مگر یک مرد

وَاحِدٌ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

امید میدارم که باشم من آن مرد رواه ترمذی و روایت است از

وَاثِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واثله بن اسقع گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

يَقُولُ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَى كِنَانَةَ مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيلَ وَاصْطَفَى

که میگفت که بتحقیق که خدا برگزید کنانه را از اولاد اسمعیل و برگزید

قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفَى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِي هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِي

قریش را از کنانه و برگزید از قریش بنی هاشم را و برگزید مرا

مِنْ بَنِي هَاشِمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِي رِوَايَةٍ لِلتِّرْمِذِيِّ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَى

از بنی هاشم رواه مسلم و در روایت ترمذی اینقدر زیاده کرد بتحقیق خدا برگزید

مِنْ وُلْدِ إِبْرَاهِيمَ إِسْمٰعِيلَ وَاصْطَفَى مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيلَ بَنِي كِنَانَةَ

از فرزند ابراهیم اسمعیل را و برگزید از اولاد اسمعیل بنی کنانه را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست از پیغمبران

مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا قَدْ أُعْطِيَ مِنَ الْآيَاتِ مَا مِثْلُهُ آمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ

هیچ پیغمبری مگر بتحقیق داده شد از معجزات معجزه که مثل وی را اعجاز ایمان آورده اند بر آن آدمیان

وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيتُ وَحْيًا أَوْحَى اللّٰهُ إِلَيَّ فَأَرْجُو أَنْ

و جز این نیست معجزه که داده شده ام من وحی است که فرستاده است خدا بسوی من پس امید میدارم که

أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

باشم من اکثر پیغمبران از روی تابعان روز قیامت متفق علیه و روایت است از وی

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فُضِّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ

بتحقیق پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود فضیلت داده شدم من بر پیغمبران

بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَأُحِلَّتْ

بشش چیز داده شدم کلمات جامع را و نصرت داده شدم برعب و حلال کرده شد

لِيَ الْغَنَائِمُ وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا وَأُرْسِلْتُ

برائے من غنیمت ها و گردانیده شد برای من همه زمین مسجد و پاک و فرستاده شدم من

إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَخُتِمَ بِيَ النَّبِيُّونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بسوے تمام خلق و ختم کرده شدند بمن پیغمبران رواه مسلم و روایت است از

ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ

ثوبان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم بتحقیق خدا

زَوَى لِيَ الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ أُمَّتِي

جمع آورد برای من زمین را پس دیدم من بلاد مشرق و مغرب را و هر آئینه امت من

سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا وَأُعْطِيتُ الْكَنْزَيْنِ

نزدیک است که برسد بادشاهی ایشان آنقدر که فراهم آورده شد برای من از زمین و داده شدم مراد و گنج

الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ الْحَدِيثَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالُوا يَا

سرخ و سفید تا آخر حدیث و روایت است از ابی هریره رض گفت گفتند صحابه ای

رَسُولَ اللهِ مَتَى وَجَبَتْ لَكَ النُّبُوَّةُ قَالَ وَآدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ

پیغمبر خدا کی لازم شد ترا نبوت فرمود در انحال که آدم میان روح

وَالْجَسَدِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ لَقِيتُ

و جسد بود رواه ترمذی و روایت است از عطاء بن یسار گفت ملاقات کردم

عَبْدَ اللهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ

عبد الله ابن عمرو بن عاص را گفتم خبر ده مرا از بعضے صفات

رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي التَّوْرَاةِ قَالَ أَجَلْ وَاللهِ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم که در توریت است گفت آرے سوگند بخدا

إِنَّهُ لَمَوْصُوفٌ فِي التَّوْرَاةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ فِي الْقُرْآنِ

تحقیق کہ آنحضرت وصف کردہ شدہ ست در توریت ببعض صفات وے کہ در قرآن ست

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَحِرْزًا

ای پیغمبر ما فرستادیم ترا گواہی دہندہ و بشارت دہندہ و بیم کنندہ و پناہ

لِلْأُمِّيِّينَ أَنْتَ عَبْدِي وَرَسُولِي سَمَّيْتُكَ الْمُتَوَكِّلَ لَيْسَ بِفَظٍّ

مر عرب را تو بندہ خاص من و پیغمبر من ہستے نام نہادہ ام ترا متوکل کہ نیست درشت خو

وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يَدْفَعُ بِالسَّيِّئَةِ

و نہ درشت سخن و نہ آواز بلند کنندہ در بازار و نہ دور کند بہ بدے

السَّيِّئَةَ وَلَكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ وَلَنْ يَقْبِضَهُ اللهُ حَتَّى يُقِيمَ

بدے را و لیکن درگذر میکند و می پوشد و ہرگز قبض نمیکند خدا تعالے او را تا آنکہ راست میکرد

بِهِ الْمِلَّةَ الْعَوْجَاءَ بِأَنْ يَقُولُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَيُفْتَحُ بِهَا أَعْيُنًا

بوجود وے دین قوم کج را کہ بگویند لا الٰہ الا اللہ و تا آنکہ میکشاید خدا باین کلمہ چشمہای

عُمْيًا وَآذَانًا صُمًّا وَقُلُوبًا غُلْفًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَكَذَا الدَّارِمِيُّ

کور را و گوشہاے کر را و دلہای را کہ نمی فہمد رواہ بخارے و ہمچنین روایت کرد دارمی

عَنْ عَطَاءِ ابْنِ سَلَامٍ نَحْوَهُ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ

از عطا بن سلام مانند آن و روایت ہست از جابر رض تحقیق کہ پیغمبر صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللهَ بَعَثَنِي لِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

علیہ و سلم فرمود ہر آئینہ خدا فرستادہ ہست مرا برای اتمام خوبیہای نیک

وَكَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

و برای کامل گردانیدن نیک اعمال رواہ فی شرح السنۃ و روایت ہست از

كَعْبٍ يَحْكِي عَنِ التَّوْرَاةِ قَالَ نَجِدُ مَكْتُوبًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ

کعب رض حکایت میکند از توریت گفت کہ یافتم من نوشتہ کہ محمد رسول اللہ

عَبْدِي الْمُخْتَارُ لَا فَظٌّ وَلَا غَلِيظٌ وَلَا صَخَّابٌ فِي الْأَسْوَاقِ
بندہ برگزیدہ من است نہ سخت خوست و نہ درشت سخن و نہ آواز بلند کنندہ در بازار
وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَّعْفُوْ وَيَغْفِرُ مَوْلِدُهٗ
و پاداش نمیدہد بدی را بہ بدے وا و لیکن محو میکند و می بخشد ولادت او
بِمَكَّةَ وَهِجْرَتُهٗ بِطَيْبَةَ وَمُلْكُهٗ بِالشَّامِ وَأُمَّتُهُ الْحَمَّادُوْنَ
در مکہ است و ہجرت او بمدینہ و بادشاہی او در شام و امت وے بسیار حمد گویان اند
يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي كُلِّ
کہ حمد میگویند مر خدارا در شادی و غمے حمد میگویند مر خدارا در ہر
مَنْزِلَةٍ وَيُكَبِّرُوْنَهٗ عَلٰى كُلِّ شَرَفٍ رُعَاةٌ لِّلشَّمْسِ يُصَلُّوْنَ
منزل و تکبیر میگویند خدارا در ہر جاے بلند رعایت کنندگان آفتاب را میگذارند
الصَّلٰوةَ إِذَا جَاءَ وَقْتُهَا يَتَأَزَّرُوْنَ عَلٰى أَنْصَافِهِمْ
نماز چون آید وقت نماز ازار می بندند بر میانہاے خود
وَيَتَوَضَّئُوْنَ عَلٰى أَطْرَافِهِمْ مُنَادِيْهِمْ يُنَادِيْ فِي جَوِّ
و وضو میکنند بر اطراف خود آواز کنندۂ ایشان آواز میکند در میان
السَّمَاءِ صَفُّهُمْ فِي الْقِتَالِ وَصَفُّهُمْ فِي الصَّلٰوةِ سَوَاءٌ لَهُمْ
آسمان و صف بستن ایشان در کارزار و صف بستن ایشان در نماز برابر است مر ایشان را
بِاللَّيْلِ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ هٰذِهٖ لَفْظُ الْمَصَابِيْحِ
در شب آوازیست مانند آواز مگس شہد این لفظ مصابیح است
وَرَوَى الدَّارِمِيُّ مَعَ تَغَيُّرٍ يَسِيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ
و روایت کرد دارمے باندکے تغیر از عبد اللہ بن سلام
قَالَ مَكْتُوْبٌ فِي التَّوْرٰىةِ صِفَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت نوشتہ است در توریت صفت محمد صلے اللہ علیہ و سلم

وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يُدْفَنُ مَعَهُ قَالَ اَبُوْ مَوْدُوْدٍ وَقَدْ بَقِيَ
و اینکه عیسی بن مریم دفن خواهد شد با آنحضرت گفت ابو مودود بتحقیق باقیمانده است
فِي الْبَيْتِ مَوْضِعُ قَبْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
در خانه آنحضرت جاے یکقبر رواه ترمذے و روایت است از ابن عباس رض
قَالَ جَلَسَ نَاسٌ مِّنْ اَصْحٰبِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت نشسته بودند مردمان از یاران رسول خدا صلے الله علیه وسلم
فَخَرَجَ حَتّٰى اِذَا دَنَا مِنْهُمْ سَمِعَهُمْ يَتَذَاكَرُوْنَ قَالَ بَعْضُهُمْ
پس برون آمد آنحضرت تا آنکه چون نزدیک شد آنحضرت ایشانرا شنید اصحاب را که تذکره میکردند گفت بعض ایشان
اِنَّ اللّٰهَ اتَّخَذَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا وَقَالَ اٰخَرُ مُوْسٰى
بتحقیق که خدا تعالے گرفت ابراهیم را دوست و گفت دیگر که موسی
كَلَّمَهُ تَكْلِيْمًا وَقَالَ اٰخَرُ عِيْسٰى كَلِمَةُ اللّٰهِ وَرُوْحُهُ
سخن کرد خدا او را سخن کردنی و گفت دیگر که عیسے کلمه خدا و روح خداست
وَقَالَ اٰخَرُ اٰدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُوْلُ
و گفت دیگر که آدم برگزیده و یرا خدا پس ناگاه بیرون آمد برایشان پیغمبر
اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ قَدْ سَمِعْتُ كَلَامَكُمْ
خدا صلے الله علیه وسلم و فرمود بتحقیق شنیدم من سخن شمارا
وَعَجَبَكُمْ اَنَّ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلُ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَمُوْسٰى
و تعجب آوردن شمارا که ابراهیم دوست خداست و وی همچنین است و موسے
نَجِيُّ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَعِيْسٰى رُوْحُهُ وَكَلِمَتُهُ وَهُوَ
همراز خداست و وی همچنین است و عیسے روح خدا و کلمه خداست و وی
كَذٰلِكَ وَاٰدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ وَهُوَ كَذٰلِكَ اَلَا وَاَنَا حَبِيْبُ اللّٰهِ
همچنین است و آدم برگزیده خداست و وی همچنین است آگاه باشید من دوست خدا ام

وَلَا فَخْرَ وَاَنَا حَامِلُ لِوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

ونیست فخر ومن بردارندهٔ لواے حمد روز قیامت ام

تَحْتَهٗ اٰدَمُ فَمَنْ دُوْنَهٗ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا اَوَّلُ

زیر آن لوا حمد آدم است وهرکه جز اوست ونیست فخر ومن اول

شَافِعٍ وَّاَوَّلُ مُشَفَّعٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا

شفاعت کننده واول شفاعت قبول کرده شده ام روز قیامت ونیست فخر ومن

اَوَّلُ مَنْ يُّحَرِّكُ حِلَقَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ اللّٰهُ لِيْ

اول آنم که جنباند حلقهاے بهشت را پس میکشاید خدا برای من

فَيُدْخِلُنِيْهَا وَمَعِيْ فُقَرَآءُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا فَخْرَ

پس آورد مرا در بهشت حال آنکه با من باشند درویشان مسلمانان ونیست فخر

وَاَنَا اَكْرَمُ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ عَلَى اللّٰهِ وَلَا

ومن بزرگترین اولین وآخرین ایشانم بر خدا ونیست

فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ كِتَابُ الْاِيْمَانِ

فخر رواه ترمذے ودارمے

هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة

اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا

هو الرحمن الرحيم ۝ هو الله الذي لا إله إلا

اوست بخشاینده مهربان اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود مگر

هو الملك القدوس السلام المؤمن

او بادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیبها امن دهنده

المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان

نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی

الله عما يشركون ۝ هو الله الخالق البارئ

خدا راست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا آفریدگار نو پیدا آرنده

المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما

صورت سازنده او راست نامهاے نیک پاکی یاد میکند او را هرچه

في السماوات والأرض وهو العزيز الحكيم ۝

در آسمانها و زمین است و اوست غالب با حکمت

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا

اوست آنکه آفرید شمارا از گل باز مقرر کرد وقت مرگ

وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ

و مدتی معین هست نزدیک او باز شما شک میکنید و اوست

الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

آنکه بیافرید برای شما شنوائی و دیدها و دلها

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

اندکی شکرگزاری میکنید و اوست آنکه پیدا کرد شمارا

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَهُوَ الَّذِ

در زمین و بسوی او برانگیخته خواهید شد و اوست آنکه

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

زنده میکند و می میراند و او راست آمد و شد شب و روز

أَفَلَا تَعْقِلُونَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

آیا نمی فهمید فرمود حق تعالی ای مردمان

إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

اگر در شک اید از رستخیز پس هر آینه ما

خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ

آفریدیم شمارا از خاک باز از نطفه باز

مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ

از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده

وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

و غیر صورت داده تا واضح سازیم برای شما و قرار میدهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ

در رحم ها چیزے را که خواهیم تا میعادے

مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

معین باز بیرون مے آریم شمارا کودک باز

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ

تربیت میکنیم تا برسید بنهایت جوانی خود و از شما کسے بود که قبض روح کرده شود

وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

و از شما یکی بود که باز گردانیده شود طرف بدترین عمر تا نه

يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ

داند چیزی را بعد از آنکه میدانست بگو که ایمان آوردیم بخدا

وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

وانچه فرود آورده شده است بر ما وانچه فرود آورده شده است بر ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیره گان وی

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ

وانچه داده شد موسی و عیسی و پیغمبران را

مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ

از پروردگار ایشان فرق نمی کنیم میان هیچ یکی از ایشان

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و ما خدارا منقادیم سوال میکنند ترا از قیامت

أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي

كى باشد استقرار وى · بگو جز اين نيست كه علم قيامت نزديك پروردگار

لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ

پديد نيارد او را در وقت او مگر او · گران شده است در آسمانها

وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً إِنَّمَا

و زمين · نيايد بشما مگر ناگهان · جز اين نيست

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ

كه مومنان آنانند كه چون ياد كرده شود خدا

وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

بترسد دل ايشان و چون خوانده شود بر ايشان

آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

آيات خدا زياده سازد آن آيات ايمان ايشان و بر پروردگار خويش

يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا

توكل مى كنند · آنانكه برپا ميدارند نماز را و از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

روزى داده ايم ايشان را خرج مى كنند · اين جماعت ايشانند مومنان به تحقيق

لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

ايشان راست مرتبها نزديك پروردگار ايشان و آمرزش و روزى نيك

وعن عمر بن الخطاب رضه قال بينما نحن

روایت ست از عمر بن خطاب رض گفت در اثنای آنکه ما نزد

عند رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بودیم

يوم اذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب

روزی ناگاه پیدا گشت بر ما مردی سخت سفید جامها سخت

شديد سواد الشعر لا يرى عليه اثر السفر ولا يعرفه

سخت سیاه موی دیده نمی شد بروی نشان سفر حال آنکه نمی شناخت او را

منا احد حتى جلس الى النبي صلى الله عليه

از ما هیچ یکی تا آنکه نشست پیش آنحضرت صلی الله علیه

وسلم فاسند ركبتيه الى ركبتيه ووضع كفيه

وسلم پس تکیه داد هر دو زانوی خود را بر دو زانوی آنحضرت و نهاد آن مرد هر دو کف دست خود را

على فخذيه وقال يا محمد اخبرني عن الاسلام

بر هر دو ران آنحضرت و گفت ای محمد خبر ده مرا از حقیقت اسلام

قَالَ الْاِسْلَامُ اَنْ تَشْهَدَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ

فرمود آنحضرت اسلام اینست که گواهی دهی تو که نیست هیچ معبود بحق مگر خدا و بتحقیق

مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَتُقِيْمَ الصَّلٰوةَ وَتُؤْتِيَ

محمد فرستادهٔ خداست و برپا داری نماز را و بدهید

الزَّكٰوةَ وَتَصُوْمَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ اِنِ

زکوة را و روزه داری بماه رمضان و بگذاری مناسک حج را اگر

اسْتَطَعْتَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا قَالَ صَدَقْتَ فَعَجِبْنَا

میتوانی بسوی وی راه گفت آمرد راست گفتی پس شگفت داشتیم ما

لَهٗ يَسْئَلُهٗ وَيُصَدِّقُهٗ قَالَ فَاَخْبِرْنِيْ عَنِ الْاِيْمَانِ

حال آمرد را که می پرسد آنحضرت را و تصدیق میکند وی را گفت آمرد پس خبر ده مارا از ایمان

قال ان تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله

فرمود که بگروی بخدا و بفرشتگان وی و بکتبهای وی و به پیغمبران او

واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره

و بروز پسین و ایمان آری که خدا همه چیز را از نیک و بد در ازل نوشته و تقدیر

قال صدقت قال فاخبرني عن الاحسان قال

گفت راست گفتی گفت پس خبر ده مرا از احسان فرمود احسان

ان تعبد الله كانك تراه فان لم تكن تراه فانه

آنست که عبادت کنی خدا را گویا که می بینی او را پس اگر نیستی تو بایں حال که می بینی او را پس او

يراك قال فاخبرني عن الساعة قال ما المسؤل

عبادت کن که وی می بیند ترا گفت آگاه کن مرا از وقت قیامت فرمود نیست آنکس پرسیده شده

عنها بأعلم من السائل قال فأخبرني

از قیامت داناتر از کسیکه پرسنده است گفت پس خبر ده مرا

عن أماراتها قال أن تلد الأمة ربتها

از علامتهای قیامت فرمود اینکه بزاید کنیزک مولی خود را

وأن ترى الحفاة العراة العالة رعاء

و به بینی برهنه پایان برهنه تنان فقیران چرانندگان

الشاء يتطاولون في البنيان قال ثم

گوسفندان را بالا می کنندگان بر یکدیگر در بناها گفت عمر رض پس

انطلق فلبثت مليا ثم قال لي يا عمر

روان شد پس درنگ کردم زمانی دراز باز فرمود آنحضرت مرا ای عمر رض

أتدري من السائل قلت الله ورسوله

آیا درمی یابی که بود سائل گفتم خدا و رسول خدا

أعلم قال فإنه جبرئيل أتاكم يعلمكم

داناتر است فرمود پس این سائل جبرئیل بود آمد شمارا درحالیکه تعلیم میکند

دينكم رواه مسلم ورواه أبو هريرة مع

بشما دین شمارا روایت کرد آنرا مسلم و روایت کرد اینحدیث را ابوهریره

اختلاف وفيه إذا رأيت الحفاة العراة

اختلافی که با حدیث عمر دارد و در حدیث ابوهریره است که چون بینی تو برهنه

۳۷

الصُّمُّ الْبُكْمُ مُلُوكُ الْاَرْضِ فِي خَمْسٍ

کران و گنگان را صاحب ملک جاه علم قیامت در آن پنج چیز نیست

لَا يَعْلَمُهُنَّ اِلَّا اللّٰهُ ثُمَّ قَرَءَ اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗ

که نمیداند آنها را بجز خدا پس خواند آنحضرت صلعم بدرستیکه نزد خداست

عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي

علم قیامت و علم باران و علم آنچه در

الْاَرْحَامِ الْاٰيَة مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ

شکم زنان حامله است تا آخر آیت متفق علیه است و روایت است از ابن عمر

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

بُنِيَ الْاِسْلَامُ عَلٰى خَمْسٍ شَهَادَةِ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

بنا کرده شده است خانه مسلمانی بر پنج چیز اول گواهی دادن است بخدا

وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ

و پیغامبری محمد صلی الله علیه و سلم دوم برپا کردن نماز

٣٨

وَاِيْتَاءِ الزَّكوٰةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ

وسوم دادن زکوٰة چهارم حج وپنجم روزهٔ ماه رمضان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضه قَالَ

متفق علیه ست و روایت ست از ابی هریره رضه گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

اَلْاِيْمَانُ بِضْعٌ وَّسَبْعُوْنَ شُعْبَةً فَاَفْضَلُهَا

ایمان هفتاد و چند شاخ است پس فاضلترین شعبهای ایمان

قَوْلُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَدْنَاهَا اِمَاطَةُ الْاَذٰى

گفتن لا اله الا الله کلمه طیبه وفروترین شعبها دور کردن انچه ایذا کند مردم را

عَنِ الطَّرِيْقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِّنَ الْاِيْمَانِ

از راه و شرم داشتن شعبهٔ عظیمه است از ایمان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ

متفق علیه ست و روایت ست از عبد الله بن

عَمْرٍو رضه قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

عمرو رضه که گفت فرمود رسول الله صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُوْنَ

علیه وسلم مسلمان کامل کسی هست که سلامت مانند مسلمانان

مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى

از زبان وی و از دست وی و هجرت کننده کسی است که ترک کند چیزی را که نهی کرده است

اللهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ

خدا از ان روایت کرد بخاری این حدیث را از انس گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ

یکی از شما تا آنکه باشم من دوست داشته تر بسوی او از پدرش

وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

و فرزندش و همه مردم متفق علیه است و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ

الله علیه و سلم سوگند بخدا ایکه بقای ذات محمد

بيده لا يسمع بي احد من هذه الامة يهودي ولا نصراني

در دست اوست نشنود مرا هيچ كس ازين امت يهودي باشد يا نصراني

ثم يموت ولم يؤمن بالذي ارسلت به الا كان من

پس تر بميرد المحسن حال آنكه ايمان نيارد بدين وشريعتيكه فرستاده شده ام من بآن مگر آنكه باشد

اصحاب النار رواه مسلم وعن ابي هريرة قال قال

المحسن از دوزخيان روايت كرد مسلم و روايت است از ابي هريره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الله تعالى يؤذيني

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم گفت خداي تعالى مي رنجاند مرا

ابن آدم يسب الدهر وانا الدهر بيدي الامر اقلب

فرزند آدم دشنام ميدهد ابن آدم روزگار را وحال آنكه منم در حقيقت گرداننده كار ميگردانم

الليل والنهار متفق عليه وعن ابي موسى الاشعري رض

شب و روز را متفق عليه است روايت است از ابي موسى اشعري رضي الله

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما احد اصبر على

گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم نيست هيچ كس صابرتر از خدا بر

اذى يسمعه من الله يدعون له الولد ثم يعافيهم ويرزقهم

مرا آنكه ميشنود آنرا دعوى كنند براى وى فرزند پس تندرست ميدارد و روزى ميرساند ايشان را

متفق عليه وعن ابي ذر قال اتيت النبي صلى الله عليه

متفق عليه و روايت است از ابي ذر رض گفت آمدم پيغمبر را صلى الله عليه

وسلم وعليه ثوب ابيض وهو نائم ثم اتيته وقد

وسلم وحال آنكه بود بر آنحضرت جامه سفيد و آنحضرت در خواب بود پس باز آمدم وحال آنكه بتحقيق

استيقظ فقال ما من عبد قال لا اله الا الله ثم مات

بيدار شده بود پس گفت نيست هيچ بنده كه گفت لا اله الا الله پس تر مرد

على ذلك الا دخل الجنة قلت وان زنى

بر اینکه مگر اینکه در می آید آن بنده بهشت را گفتم اگرچه زنا کرده باشد و

وان سرق قال وان زنى وان سرق

دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قلت وان زنى وان سرق قال وان زنى

گفتم اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد

وان سرق قلت وان زنى وان سرق

و اگرچه دزدی کرده باشد گفتم من اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قال وان زنى وان سرق على رغم انف

گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد داخل شود بر خاک آلوده شدن بینی

ابي ذر وكان ابو ذر اذا حدث بهذا

ابی ذر و بود ابو ذر در وقتی که بیان میکرد این حدیث را

قال وان رغم انف ابي ذر متفق عليه

میگفت اگرچه خاک آلوده شود بینی ابو ذر رض متفق علیه است

وعن ابي امامة رض قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من احب لله وابغض لله واعطى

علیه وسلم کسیکه دوست دارد کسی را برای خدا و کسیکه دشمن دارد برای خدا و دهد

لله ومنع لله فقد استكمل الايمان رواه

برای خدا و ندهد برای خدا پس بتحقیق کامل گردانید ایمان خود را رواه

ابوداود وعن ابي ذر رض قال قال

ابوداود و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فاضلترین

الاعمال الحب في الله والبغض في الله رواه

عملها دوست داشتن است کسی را از جهت خدا و دشمن داشتن از جهت خدا روایت کرد

ابوداود وعن جابر رض قال قال

ابوداود و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ثنتان

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

موجبتان قال رجل يا رسول الله ما الموجبتان

واجب گردانندہ اند گفت مردی ای پیغمبر خدا چیست معنی موجبتان

قَالَ مَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ

فرمود کسیکه مرد در حالیکه شریک میگردانید با خدا چیزی را می درآید آتش دوزخ

وَمَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ

وکسیکه بمیرد در حالیکه شریک نگردانید بخدا چیزی را میدرآید بهشت

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

روایت کرد مسلم و روایت است از معاذ ابن جبل

قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفت فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلٰهَ

وسلم کلیدهای بهشت گواهی دادن است باین کلمه که لا اله

إِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ وَهْبِ بْنِ

الا الله است روایت کرد احمد روایت است از وهب ابن

مُنَبِّهٍ رض قِيلَ لَهُ أَلَيْسَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِفْتَاحُ

منبه رض گفته شد او را آیا نیست لا اله الا الله کلید

الجنة قال بلى ولكن ليس مفتاح الا وله اسنان

بهشت گفت آری ولیکن نیست کلیدے مگر آنکه مر اورا دندانها ست

فان جئت بمفتاح له اسنان فتح لك والا لم يفتح لك

پس اگر آری تو کلیدیرا که مر اورا دندانها است کشاده میشود برائے تو وگرنه کشاده نشود برائے تو

رواه البخاري في ترجمة باب وعن ابي هريرة رض

رواه بخاری در ترجمه باب روایت هست از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا احسن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون نیک گرداند

احدكم اسلامه فكل حسنة يعملها تكتب بعشر

یکی از شما اسلام خود را پس هر کار نیک که بکند او را نوشته می شود

امثالها الى سبع مائة ضعف وكل سيئة يعملها

برابره چند تا هفت صد زیادتی و هر بدی که می کند

تكتب بمثلها حتى لقي الله متفق عليه وعن

نوشته می شود بمثل وے تا دم مرگ و لقاے خدا متفق علیه و روایت هست از

ابي امامة رض ان رجلا سأل رسول الله صلى

ابی امامه رض بدرستیکه مردی پرسید پیغامبر خدا را صلی الله

عليه وسلم ما الايمان قال اذا سرتك

علیه وسلم چیست نشان ایمان فرمود چون شاد گرداند ترا

حسنتك وساءتك سيئتك فانت مؤمن

عمل نیک تو و غمگین گرداند ترا بدی تو پس تو مومن هستی

قال يا رسول الله فما الاثم قال

گفت ای پیغامبر خدا پس چیست گناه

اِذَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ فَدَعْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ

چون بخلد در سینه تو چیزی پس بگذار آنکار را روایت کرد آنرا احمد

وَعَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رض قَالَ قَالَ

در روایت است از عباس ابن عبد المطلب رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاقَ طَعْمَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چشید ذوق

الْاِيْمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا

ایمان آنکس که راضی باشد با خدا از روی پروردگار و باسلام از روی دین

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَسُوْلًا

و با محمد صلی الله علیه وسلم از روی نبی

رَوَاهُ مُسْلِمٌ بَابُ الْكَبَائِرِ وَعَلَامَاتِ النِّفَاقِ

روایت کرده مسلم این باب در بیان گناهان کبیره و نشانهای نفاق ست

يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنٰتُ يُبَايِعْنَكَ

ای پیغامبر چون بیایند نزدیک تو زنان با ایمان که بیعت کنند با تو

عَلٰٓى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَّلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِيْنَ

باین شرط که نکنند شریک باخدا چیزیرا و نکنند دزدی و نکنند زنا

وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ

يَّفْتَرِيْنَهٗ بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ

که بربسته باشند آنرا درمیان دستهای خویش و پایهای خویش و نافرمانی نکنند ترا

فِيْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ

در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان

اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ

هر آئینه خدا آمرزگار مهربان ست هر آئینه خدا نه آمرزد آنرا

يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ

که شریک آرد بخدای وی آمرزد غیر شریک را هر که را خواهد

وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا بَعِيْدًا

و هر که شریک مقرر کند با خدا هر آئینه گمراه شد از حق گمراهی دور یعنی در نهایت ضلالت

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت ست از ابی هریره رضو گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوْبِقَاتِ

صلی الله علیه وسلم پرهیز کنید از هفت خصلت که ... گناهان اند

قالوا یا رسول الله وما هن قال الشرك

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چه چیز اند آن هفت فرمود شرک آوردن

بالله والسحر وقتل النفس التي حرم

با خدا وجادو کردن وکشتن ذاتیکه حرام کرده است

الله الا بالحق واكل الربوا واكل مال اليتيم

خدا مگر بحق وخوردن ربا وخوردن مال یتیم را

والتولي يوم الزحف وقذف المحصنت

وپشت دادن روز جنگ ودشنام دادن بزنان پارسا

الغافلات المؤمنات متفق عليه وعنه

مسلمانان غافل از بدکرداری مسلمانان متفق علیه است و مروی است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يزني الزاني حين يزني وهو مؤمن

زنا نمیکند زنا کننده در هنگامی که زنا میکند وحال آنکه وی مؤمن است

وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِيْنَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ

و دزدی نمیکند دزدی کننده هنگامی که دزدی میکند و حال آنکه مومن است و نمینوشد شراب را کسی

حِيْنَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْتَهِبُ نُهْبَةً يَرْفَعُ النَّاسُ

هنگامی که مینوشد و حال آنکه وی مومن است و غارت نمیکند کسی غارت کردنی که بر میدارند مردم

إِلَيْهِ فِيْهَا أَبْصَارَهُمْ حِيْنَ يَنْتَهِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَغُلُّ

بسوی آن غارت کننده در آن غارت کردن چشمهای خود را هنگامیکه غارت میکند و حال آنکه وی مومن است و خیانت نمیکند

أَحَدُكُمْ حِيْنَ يَغُلُّ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَإِيَّاكُمْ إِيَّاكُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

یکی از شما از غنیمت هنگامیکه خیانت میکند و حال آنکه وی مومن است پس دور دارید خود را از این گناه متفق علیه است

وَفِيْ رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَلَا يَقْتُلُ حِيْنَ يَقْتُلُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

و در روایت ابن عباس است و نمیکشد هیچکس هنگامیکه میکشد و حالانکه وی مومن است

قَالَ عِكْرِمَةُ قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ كَيْفَ يُنْزَعُ الْإِيْمَانُ مِنْهُ

گفت عکرمه گفتم من مر ابن عباس را چگونه کشیده میشود ایمان از این شخص

قَالَ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا فَإِنْ تَابَ

گفت اینچنین و تشبیک کرد میان انگشتان خود پس از هم بیرون آورد انگشتانرا پس

عَادَ إِلَيْهِ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَقَالَ

اگر توبه کرد و برگشت از آن معصیت باز میگردد ایمان بسوی وی و تشبیک کرد میان انگشتان خود و گفته است

أَبُوْ عَبْدِ اللهِ لَا يَكُوْنُ هٰذَا مُؤْمِنًا تَامًّا وَلَا يَكُوْنُ

ابو عبدالله بخاری نباشد این شخص مومن کامل و نباشد

لَهُ نُوْرُ الْإِيْمَانِ هٰذَا لَفْظُ الْبُخَارِيِّ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ

مر او را نور ایمان این عبارت بخاری است روایت است از ابو هریره

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا زَنَى الْعَبْدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم چون زنا میکند بنده

خرج منه الإيمان فكان فوق رأسه كالظلة فإذا

بیرون می آید از وی ایمان پس میباشد بالای سر وی مانند سایبان پس چون

خرج من ذلك العمل رجع إليه الإيمان رواه

بیرون میآید بنده از آن عمل باز میگردد بسوی وی ایمان روایت کرد

الترمذي وأبو داود رح وعن أبي هريرة رض

ترمذی و ابو داود رح و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود رسول الله صلى الله عليه وسلم

آية المنافق ثلث زاد مسلم وإن صام

نشان منافق سه خصلت است زیاده کرده است مسلم اگرچه روزه دارد

وصلى وزعم أنه مسلم ثم اتفقا إذا

نماز میگذارد و گمان می برد که من مومن ام پس متفق اتفاق دارند [illegible]

حدث كذب وإذا وعد خلف وإذا ائتمن

دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت نهاده شود

خان متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

خیانت کند متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أربع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم چهار خصلت

مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ

هرکس که باشند این چهار دروی باشد آنکس منافق خالص و هرکه باشد دروی

خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ

یک خصلت ازین چهار باشد دروی یک خصلت از نفاق

حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ

تا آنکه بگذارد آنرا چون امانت سپرده شود خیانت کند وچون سخن گوید دروغ گوید

وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وچون عهد بندد بشکند وچون پیکار کند سرکشی ورزد متفق علیه

بَابٌ فِي الْوَسْوَسَةِ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا

این باب در بیان وسوسه است و هر آئینه آفریدیم

الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

آدمی را و میدانیم چیزیکه بخاطر میگذراند اندیشه نفس او

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بِسْمِ اللَّهِ

و نزدیکتریم بآدمی از رگ جان بنام خدای بزرگ

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ

بخشاینده مهربان بگو پناه میگیرم به پروردگار مردمان پادشاه

النَّاسِ إِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

خدای مردمان معبود مردمان از شر وسوسه اندازنده پس رونده

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ

آنکه وسوسه می افکند در سینه های مردمان از جنس جن باشد یا از جنس

وَالنَّاسِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مردمان روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ تَجَاوَزَ عَنْ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی درگذرانیده است

أُمَّتِي مَا وَسْوَسَتْ بِهِ صُدُورُهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ

از امت من چیزیکه وسوسه کرد بدان چیز سینهای ایشان مادام که عمل نکرده

بِهِ أَوْ تَتَكَلَّمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

بدان چیز یا گفته متفق علیه است روایت است از وی گفت

جاء ناس من اصحاب رسول الله صلى الله عليه

آمدند جماعت از یاران پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم الى النبي صلى الله عليه وسلم فسألوه

وسلم بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسیدند آنحضرت را

انا نجد في انفسنا ما يتعاظم احدنا ان يتكلم

بتحقیق می‌یابیم در دلهای خودها از وسواس چیزی که سخت بزرگ میدارد یکی از ما که

به قال او قد وجدتموه قالوا نعم قال ذاك

از گفت آیا بتحقیق یافتید شما آنرا گفتند آری گفت این

صريح الايمان رواه مسلم عن ابن مسعود رض

محض ایمان است روایت کرد مسلم و روایت است از ابن مسعود رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ما منكم من احد الا وقد وكل به قرينه

نیست از شما کسی یک مگر آنکه به تحقیق گماشته شده است بروی قرین

من الجن وقرينه من الملائكة قالوا واياك

از جنیان و قرین وی از فرشتگان گفتند صحابه و خود را اراده میکنی

يا رسول الله قال واياي ولكن الله اعانني

ای پیغمبر خدا فرمود و خود را نیز و لیکن خدا یاری داد مرا

عَلَيْهِ فَاَسْلَمَ فَلَا يَاْمُرُنِي اِلَّا بِخَيْرٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

بر وی پس اسلام آورد وپس امر نمیکند مرا بهیچ چیز مگر بنیکی روایه مسلم

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِيْ

الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان میرود

مِنَ الْاِنْسَانِ مَجْرَى الدَّمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

در آدمی مانند رفتن خون در بدن متفق علیه است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اِبْلِيْسَ يَضَعُ عَرْشَهُ

الله علیه وسلم بدرستیکه ابلیس مے نهد تخت خود را

عَلَى الْمَاءِ ثُمَّ يَبْعَثُ سَرَايَاهُ يَفْتِنُوْنَ النَّاسَ

بر آب پس میفرستد فوجهای خود را که در فتنه می اندازند مردم را

فَاَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَنْزِلَةً اَعْظَمُهُمْ فِتْنَةً يَجِيْءُ

پس نزدیک تر ایشان از روی مرتبه بزرگترین ایشانست از روی فتنه می آید

اَحَدُهُمْ فَيَقُوْلُ فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا فَيَقُوْلُ

یکی از شیاطین پس میگوید کردم من چنین وچنین پس میگوید ابلیس

ما صنعت شيئا قال ثم يجيء احدهم فيقول

نكردي چيزي را گفت جابر پس مي آيد يكي از لشكريان او پس بگويد

ما تركته حتى فرقت بينه وبين امرأته قال

نگذاشتم فرزند آدم را تا آنكه جدائي افگندم ميان وي و ميان زن وي گفت

فيدنيه منه فيقول نعم انت قال الاعمش

پس نزديك ميگرداند او را پس ميگويد نيكو يارني تو گفت اعمش

اراه قال فيلتزمه رواه مسلم وعن

گمان ميبرم من جابر را كه گفت پس بكنار ميگيرد او را روايت كرد اين حديث را مسلم و روايت است

عثمان بن ابي العاص رض قال قلت يا

از عثمان ابن ابي العاص رضي الله عنه گفت گفتم اي

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بدرستيكه

الشيطان قد حال بيني وبين صلوتي و

شيطان حائل ميگردد ميان من و ميان نماز من و

بين قراءتي يلبسها علي فقال رسول الله صلى

ميان قراءة من و تخليط ميكند قراءة را بر من پس گفت پيغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم ذاك شيطان يقال له

الله عليه وسلم آنكه حائل ميشود شيطانيست كه گفته ميشود مر او را

خنزب فاذا احسسته فتعوذ بالله منه واتفل

خنزب پس چون دريابي اين وسواس پس پناه جو بخدا از ان شيطان و تف كن

على يسارك ثلثا ففعلت ذلك فاذهبه الله

بر جانب چپ خود سه بار پس كردم آنرا پس دور گردانيد او را خدا از من

عنه رواه مسلم باب الايمان بالقدر

ازمن روا ه مسلم   این باب ایمان تقدیر است

وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ اِلَّا هُوَ ۚ

ونزدیک اوست کلیدهای غیب نمیداندش مگر او

وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ

ومیداند آنچه در بیابان و دریاست و نمی افتد هیچ

وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمٰتِ الْاَرْضِ

برگ مگر میداندش و نمی افتد هیچ دانه در تاریکیهای زمین

وَلَا رَطْبٍ وَّلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ۚ

و نه هیچ تری و نه هیچ خشکی مگر ثبت است در کتاب روشن

وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا

نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی

وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتٰبٍ

ومیداند جای ماندن او را و جای نگاه داشتن او را هر یک در کتاب

مبين ۵ وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

روشن ست وروایت ست از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم كتب الله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نوشت خدا تعالی

مقادير الخلائق قبل ان يخلق السموات والارض

اقدار خلایق را پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین

بخمسين الف سنة قال وكان عرشه على الماء

پنجاه هزار سال گفت وبود عرش خدا بر آب

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال قال

رواه مسلم وروایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم احتج ادم و

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مباحثه کردند یکدیگر آدم و

موسى عند ربهما فحج ادم موسى قال موسى انت ادم

موسی نزدیک پروردگار ایشان پس غالب آمد حجت آدم بر موسی گفت موسی تو آن آدمی

الذي خلقك الله بيده ونفخ فيك من روحه

که پیدا کرد خدا ترا از دست قدرت خود ودمید در تو از روح خود

واسجد لك ملئكته واسكنك في جنته

وساجد گردانید مر ترا فرشتگان خود را وسکونت داد ترا در بهشت

فرو فرستادن وی ایشان را بر زمین فهماند پس با وجود این قدر و مرتبه که تو داشتی نمی بایست این کار کرد و مقصود آنست که بایستی گناه

ثم اهبطت الناس بخطيئتك الى الارض قال

خود بیستر فرود افگند تو مردم را بسبب گناهی که کردی بر زمین گفت

ادم انت موسى الذي اصطفيك الله برسالته

آدم تو آن موسی هستی که برگزید ترا خدا تعالی به پیغمبری خود

وبكلامه واعطاك الالواح فيها تبيان كل شيء

و بکلام و داد ترا الواح که در آن بیان هر چیز هست

وقربك نجيا فبكم وجدت الله كتب التورية

و نزدیک گردانید ترا راز گوینده پس بگو بچند مدت یافتی خدا را که نوشت

قبل ان اخلق قال موسى باربعين عاما قال

پیش از آنکه پیدا کرده شوم گفت موسی بچهل سال گفت

ادم فهل وجدت فيها وعصى ادم ربه

آدم پس آیا یافتی تو در تورت وگناه کرده آدم پروردگار خود را

فغوى قال نعم قال افتلومني على ان عملت عملا

پس گم کرد راه را گفت موسی آری یافتم گفت آدم آیا پس ملامت میکنی مرا بر آنکه کردم

كتبه الله على ان اعمله قبل ان يخلقني باربعين

نوشته خدا بر من كه بكنم آنرا پيش از انكه پيدا كند مرا بچهل

سنة قال رسول الله صلى الله عليه

سال فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم فحج آدم موسى رواه مسلم وعن

وسلم پس غالب آمد آدم بر موسى رواه مسلم و روايت است

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از ابي هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم ما من مولود الا يولد على الفطرة فابواه

وسلم نيست هيچ زائيده شده مگر انكه زائيده ميشود بر فطرت پس مادر و پدر

يهودانه او ينصرانه او يمجسانه كما تنتج

يهودي ميگردانند او را يا نصراني يا مجوسي ميسازند او را چنانكه زايانيده ميشود

البهيمة بهيمة جمعاء هل تحسون فيها من

چهارپايه چهارپايه تمام كامل در اعضا آيا مي بينيد شما در آن بهائم هيچ بهيمه

جدعاء ثم يقول فطرة الله التي فطر الناس

با گوش بريده پس گفت و خواند اين آيه را لازم گيريد خلقت خدا كه پيدا كرده است

عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم

آدميان را بر آن نيست تغيير پيدايش خدا را اين مقتضاي دين راست است

٥٩

متفق عليه وعن عبادة بن الصامت قال قال

متفق علیه و روایت ست از عباده بن صامت رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اول ما

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که نخستین چیزیکه پیدا کرد

القلم فقال له اكتب قال ما اكتب قال اكتب القدر

خدا قلم است پس گفت مر او را بنویس گفت چه نویسم گفت بنویس تقدیر را

فكتب ما كان وما هو كائن الى الابد رواه

از تقدیر کرده شده است پس نوشت انچه بود و انچه خواهد بود تا ابد روایه

الترمذي وعن ابي خزامة عن ابيه قال قلت

ترمذی و روایت ست از ابی خزامة واو از پدر خود گفت گفتم

يا رسول الله أرأيت رقى نسترقيها ودواء

ای پیغمبر خدا خبر ده ما را از حال افسونها که افسون گری میکنیم ما بانها واز

نتداوى به وتقاة نتقيها هل ترد من قدر

تداوی میکنیم بان و حمایها که پناه میجوییم بدان آیا باز می گرداند آنها

الله شيئا قال هي من قدر الله رواه احمد

از قضا و قدر خدا تعالی چیزیرا گفت این چیزها از قضا و قدر خدا ست رواه احمد

والترمذي وابن ماجة وعن ابي هريرة قال

و ترمذی و ابن ماجه و روایت ست از ابی هریره رض گفت

خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم

برآمد از خانه بر ما پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ونحن نتنازع في القدر فغضب حتى احمر

و ما بحث و نزاع میکردیم در مسئله قضا و قدر پس خشم کرد آنحضرت تا آنکه سرخ شد

وجهه حتى كانما فقئ في وجنتيه حب

روی مبارک وی گویا شکسته شده است در هر دو رخسار وی دانهای

الرمان فقال ابهذا امرتم ام بهذا

انار پس گفت آیا باین امر کرده شده است شما را یا باین

ارسلت اليكم انما هلك من كان قبلكم

فرستاده شده ام من بسوی شما هلاک شدند کسانیکه بودند پیش از شما

حين تنازعوا في هذا الامر عزمت عليكم

که هنگامیکه بحث کردند در قضا و قدر واجب میگردانم بر شما

عزمت عليكم الا تنازعوا فيه رواه

واجب میگردانم بر شما که نزاع نکنید در این امر رواه

الترمذي وعن عبد الله بن عمر قال

ترمذی و در روایت است از عبدالله ابن عمر رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم

٦١

يقول ان الله خلق خلقه في ظلمة

كه ميگفت بدرستى كه خدا تعالى پيدا كرد خلق خود را در تاريكى

فالقى عليهم من نوره فمن اصابه

پس بينداخت بر خلق از نور خود پس كسيكه رسيد اورا

من ذلك النور اهتدى ومن اخطأه

ازان نور راه راست يافت و كسيكه نرسيد

ضل فلذلك اقول جف القلم

گمراه شد پس ازين جهت ميگويم خشك شد قلم

على علم الله رواه الترمذي

برانچه دانست خدا روا كرده ترمذى

وعن عايشة رض قالت قال رسول الله

روايت است از عايشه رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ستة لعنتهم لعنهم الله

صلى الله عليه وسلم شش كس اند كه لعنت كرده ام ايشانرا لعنت كناد ايشانرا خدا

وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٌ الزَّائِدُ فِي كِتَابِ

وهر پیغمبری قبول کرده شده است دعای او یکی از آن زیاده کننده در کتاب

اللهِ وَالْمُكَذِّبُ بِقَدَرِ اللهِ وَالْمُتَسَلِّطُ

خدا دوم تکذیب کننده تقدیر الهی سوم غلبه نماینده بر مردم

بِالْجَبَرُوتِ لِيُعِزَّ مَنْ أَذَلَّهُ اللهُ وَ

بتکبر تا گرامی وارجمند گرداند کسیرا که خوار گردانیده است خدا ورا

يُذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللهُ وَالْمُسْتَحِلُّ لِحَرَمِ

و خوار گرداند کسیرا که عزیز گردانیده است او را خدا چهارم استحلال کننده مر حرم

اللهِ وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللهُ

خدا را پنجم حلال داننده از اهل قرابت من چیزیرا که حرام گردانیده است خدا

ایشان را تا از اهل عترت و قدرت نه بینند بعده امام احمد فرمود که آیا فساد اعظم از قتل آل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هست

وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الْمَدْخَلِ
وششم ترک کننده سنت مرا رواه بیهقی در مدخل
وَرَزِيْنٌ فِي كِتَابِهٖ وَعَنْ مَطَرِ بْنِ عُكَامِسٍ رض
و رزین در کتاب خود و روایت است از مطر بن عکامس رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که چون
قَضَى اللّٰهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوْتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهٗ
حکم کند خدا برآنکه بنده که بمیرد در زمین بگرداند مرآن بنده را
إِلَيْهَا حَاجَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
بسوی آن زمین حاجتی رواه احمد والترمذی و روایت است
أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَغَ إِلٰى كُلِّ عَبْدٍ
علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی فارغ شده بسوی هر بنده

که گفته صفت بندگان را افعال پس هر دو باید گروید و هر دو را ایمان باید آورد ۱۲ مرقات مسوی

مِنْ خَلْقِهِ مِنْ خَمْسٍ مِنْ أَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَمَضْجَعِهِ

که از مخلوقات اوست از پنج چیز از اجل او و از عمل هر بنده و از سکون

وَأَثَرِهِ وَرِزْقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ

و حرکت و رزق هر بنده رواه احمد و روایت است از ابن دیلمی

قَالَ أَتَيْتُ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ

گفت آمدم من نزد ابی بن کعب پس گفتم من او را تحقیق که افتاد

فِي نَفْسِي مِنَ الْقَدَرِ فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللهَ أَنْ يُذْهِبَهُ

در دل من چیزی از شک در قضا و قدر پس حدیث بگو ان مرا شاید که خدای تعالی ببرد آن شک

مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ أَنَّ اللهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمٰوَاتِهِ

از دل من پس گفت اگر هر آینه است که خدا عذاب بکند تمامه آسمانیان را

٦٥

وَاَهْلَ اَرْضِهٖ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ لَّهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ

و زمینیان را عذاب میکرد ایشانرا و حال آنکه وی غیر ظالم است مر ایشان را و اگر رحمت میکرد

كَانَتْ رَحْمَتُهٗ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْ اَعْمَالِهِمْ وَلَوْ اَنْفَقْتَ مِثْلَ اُحُدٍ

میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهای ایشان اگر خرج کنی مانند کوه احد

ذَهَبًا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ مَا قَبِلَهُ اللّٰهُ مِنْكَ حَتّٰى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ

طلا را در راه خدا قبول نکند خدا او را از تو تا آنکه ایمان بیاری بقضا و قدر

وَتَعْلَمَ اَنَّ مَا اَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِّيُخْطِئَكَ وَاَنَّ مَا اَخْطَاَكَ

و تا آنکه بدانی که آنچه رسیده است ترا نبود که نرسد ترا و بدانی که آنچه نرسیده است ترا

لَمْ يَكُنْ لِّيُصِيْبَكَ وَلَوْ مُتَّ عَلٰى غَيْرِ هٰذَا لَدَخَلْتَ النَّارَ

نبود که برسد ترا و اگر بمیری بر غیر این حال هر آئینه در آئی باتش دوزخ

قَالَ ثُمَّ اَتَيْتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ مَسْعُوْدٍ فَقَالَ مِثْلَ

گفت پس آمدم من عبد الله ابن مسعود رض را پس گفت مانند

ذٰلِكَ قَالَ ثُمَّ اَتَيْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالَ

این سخن پس آمدم من نزد حذیفه بن یمان پس گفت

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ اَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِيْ

مانند این سخن پس آمدم زید بن ثابت را پس حدیث کرد

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذٰلِكَ

مرا از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مانند آن

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاؤُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

روایت کرد احمد و ابو داود و ابن ماجه

بَابُ الْاِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

این باب در چنگ زدن کتاب و سنت است

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ

بگو اگر دوست میدارید خدارا پس پیروی من کنید تا دوست دارد شمارا خدا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قُلْ

و بیامرزد شمارا گناهان شما و خدا آمرزنده مهربان است بگو

أَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

فرمان برید خدارا و پیغمبر را پس اگر رو گردانیدند هر آئینه خدا دوست ندارد

الْكٰفِرِينَ ۝ وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ

کافران را هرکه فرمان برد خدا و رسول را پس این جماعت

مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ

همراه کسانند که انعام کرده است خدا برایشان از پیغمبران و

الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصّٰلِحِينَ وَحَسُنَ

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق

أُولٰئِكَ رَفِيقًا ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ

اند ایشان این بخشایش از خدا است و بس است خدا

عَلِيمٌ ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

دانا و نیافریدم جن و انس را

لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ

مگر تا که پرستند مرا نمیخواهم از ایشان رزق را

وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

که مرا طعام دهند هر آینه خدا هموست رزق دهنده

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ

خداوند توانائی استوار و هر چه بدهد شما را پیغمبر

فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

بگیرید انرا و هر چه منع کند شما را ازان باز استید و بترسید از خدا

إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

هر آینه خدا سخت کننده عقوبت است و فرمان برداری کنید خدا و فرمان برداری

الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

کنید رسول را پس اگر رو گردان شوید پس جز این نیست که بر پیغمبر ما پیغام رسانیدن

الْمُبِينُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ

آشکارا است ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تامل کند

نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

هر شخص چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدا هر آینه خدا خبردار است

بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ

بانچه میکنید هر آینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

و بر زمین و بر کوه ها پس قبول نکردند که بردارند از او و بترسیدند

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

از آن و برداشت از آدمی هر آینه وی هست ستمگار نادان

ستے جزء ۲۸ رکوع ۶ ستے جزء ۲۲ رکوع ۵

وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَتَتَّبِعُنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا

وسلم هر آئینه پیروی خواهید کرد شما طریقهٔ پیشینیان را شبر بشبر و دست

بِذِرَاعٍ حَتّٰى لَوْ دَخَلُوْا جُحْرَ ضَبٍّ تَبِعْتُمُوْهُمْ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

بدست تا آنکه اگر داخل شوند ایشان سوراخ سوسمار را پیروی خواهید کرد شما ایشان را گفتند ای پیغمبر خدا

اَلْيَهُوْدُ وَالنَّصَارٰى قَالَ فَمَنْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

اراده میکنی یهود و نصاری را فرمود پس کیست متفق علیه و روایت است

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ اَحْدَثَ فِيْ اَمْرِنَا هٰذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

کسیکه نو پیدا کرد در دین ما چیزی را که نیست از دین پس آن چیز مردود است متفق علیه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّ خَيْرَ الْحَدِيْثِ كِتَابُ اللّٰهِ وَخَيْرَ الْهَدْيِ

در خطبه بعد از حمد و نعت پس بهترین سخنان کتاب خدا است و بهترین طریقه

هَدْيُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَرَّ الْاُمُوْرِ مُحْدَثَاتُهَا

طریقهٔ محمد است صلی الله علیه وسلم و بدترین چیزها آنست که نو پیدا کرده شده است

وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

و هر بدعت سبب گمراهی است رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَبْغَضُ النَّاسِ اِلَى اللّٰهِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

ثلثة ملحد في الحرم ومبتغ في الإسلام سنة الجاهلية

سه کس الحاد کننده در زمین حرم وطلب کننده در اسلام طریقه جاهلیت را

ومطلب دم امرئ بغير حق ليهريق دمه رواه البخاري

وطلب کننده خون مردیرا ناحق برای آنکه بریزد اورا رواه بخاری

وعن ابي موسى رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابوموسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم انما مثلي ومثل ما بعثني الله به كمثل رجل

وسلم جز این نیست که قصه من و قصه چیزی که فرستاده است مرا پروردگار بدان چیز مانند قصه مردیست که

اتى قوما فقال يا قوم اني رايت الجيش بعيني واني انا

آمد قومی را پس گفت ای قوم بدرستی که من دیده ام لشکر را بدو چشم خود و بدرستیکه من

النذير العريان فالنجا النجا فاطاعه طائفة من قومه

خبر خوف رساننده ام برهنه شتابی کنید شتابی کنید پس فرمانبرداری کردند او را بعض از قوم او

فادلجوا فانطلقوا على مهلهم فنجوا وكذبت طائفة

پس رفتند شبا شب پس رفتند بر آهستگی خود پس رستگاری یافتند و تکذیب کردند بعض

منهم فاصبحوا مكانهم فصبحهم الجيش فاهلكهم

از قوم وی پس صبح کردند وبایستادند بمکان خود پس صبح گردانید برایشان لشکر در آمد ایشانرا پس هلاک گردانید ایشانرا

واجتاحهم فذلك مثل من اطاعني فاتبع ما جئت به

و از بیخ برکند ایشانرا پس این قصه کسی است که فرمانبرداری کرد مرا پس پیروی کرد چیزیرا که آورده ام آنرا

ومثل من عصاني وكذب ما جئت به من الحق

و حال کسیکه نافرمانی کرد مرا و دروغ داشت چیزیرا که آورده ام من آنرا از نزد خدا

متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

برسر مرده و فال بد گرفتن از طیور و امثال آن سوم طلب کننده خون مردی بقصد مجرد خونریزی اگرچه خون ریختن مطلقا مذموم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا

صلی الله علیه وسلم حال من بمچو حال مردی است که افروخت آتشی

فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهَا جَعَلَ الْفَرَاشُ وَهٰذِهِ الدَّوَابُّ

پس هرگاه که روشن کرد آن آتش آنچه که گرد اوست در ایستادند پروانه ها و این جنبیده دیگر جهای

الَّتِي تَقَعُ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا وَجَعَلَ يَحْجُزُهُنَّ وَيَغْلِبْنَهُ

که عادت ایشان هست که می افتند در آتش در ایستاد آن مرد که منع میکند آن دواب را و غالب میشدند آن دواب بر آن کس

فَيَتَقَحَّمْنَ فِيهَا فَأَنَا آخِذٌ بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ وَأَنْتُمْ

پس ازدحام کردند در آتش پس من گیرنده ام جای بند ازار شما را که باز دارم شما را از آتش و شما

تَقَحَّمُونَ فِيهَا هٰذِهِ رِوَايَةُ الْبُخَارِيِّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهَا

ازدحام میکنید در آن آتش این روایت بخاریست و مر مسلم را مانند این روایت است

وَقَالَ فِي آخِرِهَا قَالَ فَذٰلِكَ مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ أَنَا آخِذٌ

و گفته است مسلم در پایان روایت خود گفت پس آنچه گفته شد حال من و حال شماست من گیرنده ام

بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ فَتَغْلِبُونِي

جای بند های ازار شما را از آتش بیائید بسوی من از آتش پس غالب می آئید مرا

تَقَحَّمُونَ فِيهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

می افتید در آتش متفق علیه و روایت است از ابی هریره رضی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ دَجَّالُونَ كَذَّابُونَ يَأْتُونَكُمْ

میباشند در آخر زمان تلبیس کنندگان دروغ گویان می آرند شما را

مِنَ الْأَحَادِيثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ

از احادیث آنچه نشنیده آید شما و نه پدران شما

۴

فَإِيَّاكُمْ وَإِيَّاهُمْ لَا يُضِلُّونَكُمْ وَلَا يَفْتِنُونَكُمْ

دور دارید خود را از ایشان و ایشان را از خود تا گمراه نکنند و در فتنه نیندازند شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا

صلی الله علیه وسلم بس است مرد را از روی دروغ گفتن

أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

اینکه حدیث کند هر چیز را که شنیده است رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ

کسیکه بخواند بسوی راه راست باشد او را از اجر مقدار

أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ

مزدهای کسانیکه پیروی میکنند او را کم نمیکند این از

أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ

اجرهای ایشان چیزی را و کسیکه بخواند کسی را بگمراهی

۷۳

۴

۵ احادیث برای ترویج مذاهب خود مے ساختند و بعد از توبه و رجوع اقرار بدان مے کردند

كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ

باشد بر وے از بزه مقدار بزهای کسانیکه پیروے کنند او را

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ

کم نمی کند این بار از آثام ایشان چیزیرا روایه

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مسلم و روایت است از وی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيْبًا

صلی الله علیه وسلم پیدا شد اسلام در آغاز کار غریب

وَسَيَعُوْدُ كَمَا بَدَأَ فَطُوْبٰى لِلْغُرَبَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و قریب است که باز گردد غریب چنانکه ابتدا بود پس خوشی باد مر غریبان را روایه مسلم

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الْإِيْمَانَ لَيَأْرِزُ إِلَى الْمَدِيْنَةِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ إِلَى جُحْرِهَا

ایمان گرد می آید بسوی مدینه چنانکه باز میگردد مار بسوی سوراخ خود

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رض قَالَ فِي

متفق علیه است و روایت است از عرباض ابن ساریه رض گفت در

حَدِيْثِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي

حدیث خود از پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس لازم گیرید بر خود سنت مرا

وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِيْنَ الْمَهْدِيِّيْنَ تَمَسَّكُوْا بِهَا

و سنت خلفای راشدین که راه یافتگان اند چنگ در زنید بسنت من

وَعَضُّوْا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْأُمُوْرِ

و سخت گزید بر سنت بدندانها را و دور دارید خود را از کارهای نو پیدا

فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ

پس بدرستیکه هر خصلت احداث کرده شده بدعت است و هر بدعت ضلالت است روایت کرد احمد

وَأَبُوْ دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو

و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبد الله ابن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

أَحَدُكُمْ حَتّٰى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهٖ

یکی از شما تا آنکه باشد هوای نفس او تابع مر چیزی را که آورده ام من آنرا

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ

روایت کرد در شرح سنه این حدیث را و روایت است از بلال ابن حارث

الْمُزَنِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

مزنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحْيٰى سُنَّةً مِنْ سُنَّتِي

علیه وسلم کسیکه زنده گرداند سنتی از سنتهای مرا

قَدْ أُمِيتَتْ بَعْدِي فَإِنَّ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أُجُورِ

که به تحقیق میرانیده شده است پس از من پس بدرستیکه مراورا است از مزد مانند مزدهای

مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ

کسانیکه کار کنند بآن سنت بی آنکه کم کرده شود از مزدهای ایشان

شَيْئًا وَمَنِ ابْتَدَعَ بِدْعَةَ ضَلَالَةٍ لَا يَرْضَاهَا اللّٰهُ

چیزی و کسی که بدعت پیدا کرد بدعت ضلالت که راضی نیست از آن بدعت خدا

ورسوله كان عليه من الاثم مثل آثام من عمل بها

بہ پیغمبر خدا باشد بروی از بزه مقدار بزه های کسانیکه پیروی کرده اند

لا ينقص ذلك من اوزارهم شيئا رواه الترمذي وعن

اوراکم نمیکند این از اثام ایشان چیزیرا رواه ترمذی و روایت است

عمرو بن عوف رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از عمرو بن عوف رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم ان الدين ليأرز الى الحجاز كما تأرز الحية

وسلم بدرستیکه اسلام گرد می آید بسوی حجاز چنانکه بازمیگردد مار

الى جحرها وليعقلن الدين من الحجاز معقل الاروية

بسوی سوراخ خود و هر آینه پناه میجوید دین از زمین حجاز پناه جستن بز کوهی

من راس الجبل ان الدين بدأ غريبا وسيعود كما بدأ

از سر کوه بدرستیکه دین پیدا شده است غریب و تنها و قریب است که باز گردد چنانکه

فطوبى للغرباء وهم الذين يصلحون ما افسد الناس

پیدا شده پس خوش خبری باد مر غریبان را و غریبان آن کسانی اند که نیکوی سازند چیزیرا که بد ساخته اند مردم

من بعدي من سنتي رواه الترمذي وعن عبد الله

بعد از من از سنت من رواه ترمذی و روایت است از عبد الله

بن عمرو رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

ليأتين على امتي كما اتى على بني اسرائيل حذو النعل

هر آینه بیاید بر امت من مانند آنچه آمده بر بنی اسرائیل مطابق یکدیگر

بالنعل حتى ان كان منهم من اتى امه علانية لكان

تا آنکه اگر بود از بنی اسرائیل کسیکه آمد مادر خود را آشکارا هر آینه باشد

فِي أُمَّتِي مَنْ يَصْنَعُ ذٰلِكَ وَإِنَّ بَنِي إِسْرَآئِيلَ

در امت من کسیکه میکند آن فعل شنیع را و هر آئینه بنی اسرائیل

تَفَرَّقَتْ عَلٰى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً وَتَفَرَّقَ

جدا شدند هفتاد و دو ملت و جدا بخواهند شد

أُمَّتِي عَلٰى ثَلٰثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلُّهُمْ

امت من بر هفتاد و سه مذهب همه ایشان

فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً قَالُوا مَنْ هِيَ يَا

مستحق در آمدن دوزخ باشند مگر یک ملت گفتند کیست آن یک ملت ای

رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي رَوَاهُ

پیغمبر خدا فرمود آن ملت که من بر آنم و صحابه من بر آنند روایت کرد

التِّرْمِذِيُّ وَفِي رِوَايَةِ أَحْمَدَ وَأَبِي دَاوُدَ

ترمذی و در روایت احمد و ابی داؤد

عَنْ مُعَاوِيَةَ ثِنْتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ

از معاویه آمده که اهل هفتاد و دو ملت در آتش اند

وواحدة في الجنة وهي الجماعة وانه سيخرج

و اهل یک ملت در بهشت آن مسمی به جماعت است و بدرستی که شان اینست که بیرون خواهند آمد

في امتي اقوام تتجارى بهم تلك الاهواء

در امت من گروه های که روان میشود با ایشان آن اهواء

كما يتجارى الكلب بصاحبه لا يبقى منه عرق

چنانکه سرایت میکند گزیدن سگ در صاحب خود را باقی نمیماند از صاحب او هیچ رگ

ولا مفصل الا دخله وعن ابن عمر رض قال قال

و بندی مگر در می آید در آن و روایت است از ابن عمر رضی الله عنه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله لا يجمع

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه گرد نمی آرد خدا

امتي او قال امة محمد صلى الله عليه وسلم

امت مرا یا گفت امت محمد صلی الله علیه وسلم را

على ضلالة ويد الله على الجماعة ومن شذ شذ

بر گمراهی و دست احسان خدا بر جماعت است و کسیکه تنها انداخته شد از جماعت انداخته شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

در آتش روایت ترمذی ودر روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّبِعُوا السَّوَادَ الْاَعْظَمَ فَاِنَّهُ مَنْ شَذَّ شُذَّ

الله علیه وسلم پیروی کنید جمهور را بدرستیکه شان اینست که کسیکه تنها اند از جماعت انداخته میشود

فِي النَّارِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ لِي

در آتش روایت ابن ماجه ودر روایت است از انس رض گفت فرمود مرا

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بُنَيَّ اِنْ قَدَرْتَ اَنْ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ای پسرک من اگر توانی که

تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِاَحَدٍ فَافْعَلْ

صبح کنی و شام کنی در حال آنکه نیست در دل تو کینه با هیچ کسی پس بکن

ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ وَذٰلِكَ مِنْ سُنَّتِي وَمَنْ اَحَبَّ سُنَّتِي فَقَدْ

بستر گفت ای پسرک من و آن کار از سنت من است وکسیکه دوست داشت سنت مرا پس تحقیق

اَحَبَّنِي وَمَنْ اَحَبَّنِي كَانَ مَعِي فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

دوست میدارد مرا وکسیکه دوست دارد مرا باشد با من در بهشت روایت ترمذی

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ودر روایت است از ابو هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ اُمَّتِي فَلَهُ

علیه وسلم کسیکه چنگ در زند به سنت من نزد فساد امت من پس او راست

أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ لَهُ مِنْ

مزد وثواب صد شهید روایت کرد بیهقی درکتاب الزهد لفظ له بغیر از فا

حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

از حدیث ابن عباس رض وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود رسول الله

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ مَنْ تَرَكَ مِنْكُمْ عُشْرَ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه شما در زمانی هستید که هرکه بکند از شما دهم حصه

مَا أُمِرَ بِهِ هَلَكَ ثُمَّ يَأْتِي زَمَانٌ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ بِعُشْرِ

آنچه امر کرده شده است بدان هلاک شود وپس ترمی آید زمانیکه هرکه بکند از ایشان دهم حصه

مَا أُمِرَ بِهِ نَجَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رض

آنچه امر کرده شده است بدان نجات یابد روایت کرد ترمذی وروایت است از معاذ ابن جبل

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الشَّيْطَانَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان

ذِئْبُ الْإِنْسَانِ كَذِئْبِ الْغَنَمِ يَأْخُذُ الشَّاذَّةَ وَالْقَاصِيَةَ

گرگ آدمی است مانند گرگ گوسفند که میگیرد گوسفندرا که از انس ناگیرنده است بگله

وَالنَّاحِيَةَ وَإِيَّاكُمْ وَالشِّعَابَ وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ

ودور رونده از گله ویک جانب ایستاده است ودور دارید خودرا از راههای میان دو کوه لازم گیرید جماعت

الْعَامَّةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ

وکثیررا روایت کرد احمد وروایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه جدائی کرد جماعت را

شِبْرًا فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

مقدار یک شبر پس بتحقیق برکشید ربقه اسلام را از گردن خود روایت کرد احمد

وابوداود وعن ابراهيم بن ميسرة رض

وابوداود و روایت است از ابراهیم ابن میسره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من وقر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه تعظیم کرد

صاحب بدعة فقد اعان على هدم الاسلام

خداوند بدعت را پس تحقیق مدد کرد بر ویران کردن دین اسلام

رواه البيهقي في شعب الايمان مرسلا وعن

روایت کرد بیهقی در شعب الایمان مرسل و روایت است از

ابن مسعود رض قال من كان مستنا فليستن بمن

ابن مسعود رض گفت کسیکه بخواهد که برود در راه سنت پس باید که برود در راه

قد مات فان الحي لا تؤمن عليه الفتنة اولئك

کسانیکه بتحقیق از عالم گذشته اند پس بدرستیکه زندگان ایمنی کرده نمیشود بر ایشان از فتنه آن مردگان

اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم كانوا افضل

یاران محمد صلی الله علیه وسلم اند بودند فاضل تر

هذه الامة ابرها قلوبا واعمقها علما واقلها

از هر که جز ایشان است درین امت و نیک ترین است از روی دلها و دور اندیش تر از روی علم و کم تر

تكلفا اختارهم الله لصحبة نبيه ولاقامة دينه

از روی تکلف برگزیده ایشان را خدا از برای صحبت پیغمبر خود و برای برپا داشتن دین وی

٨٢

فاعرفوا لهم فضلهم واتبعوهم على آثرهم وتمسكوا

پس بشناسید برای ایشان بفضل ایشان و پیروی کنید ایشان را بر نشانهای ایشان و چنگ زنید

بما استطعتم من اخلاقهم وسيرهم فانهم كانوا

بانچه توانید از خوبهای ایشان و روشهای ایشان که بتحقیق بودند

على الهدى المستقيم رواه رزين وعن

بر راه راست روایه رزین و روایت است از

انس رضـ انه قال قال رسول الله صلى الله عليه

انس رض مروی است که وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يؤمن احدكم حتى اكون احب اليه

و سلم ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه باشم من دوست داشته تر بسوی او

من نفسه وماله وولده ووالده والناس اجمعين

از جانش و از مالش و از فرزندش و پدرش و مردمان همه

رواه الشيخان واحمد والنسائي وابن ماجة

روا و شیخان و احمد و نسائی و ابن ماجه

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتٰى أَكُونُ

و گفته شد مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که کی باشم

مُؤْمِنًا وَفِي لَفْظٍ آخَرَ مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ

مومن و در لفظ آخر مومن صادق گفت چون دوست داشته باشی

اللّٰهَ فَقِيلَ وَمَتٰى أُحِبُّ اللّٰهَ فَقَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ رَسُولَهُ

خدا را پس گفته شد که کی باشم که دوست دارم خدا را پس فرمود چون دوست داشته باشی پیغمبر او را

فَقِيلَ وَمَتٰى أُحِبُّ رَسُولَهُ قَالَ إِذَا اتَّبَعْتَ طَرِيقَتَهُ

پس گفته شد کی دوست دارم پیغمبر او را فرمود چون پیروی کنی طریقه او را

وَاسْتَعْمَلْتَ سُنَّتَهُ وَأَحْبَبْتَ بِحُبِّهِ وَأَبْغَضْتَ بِبُغْضِهِ

و عمل کنی سنت او را و دوست داری کسی را بسبب دوستی وی و دشمن داری کسی را بسبب دشمنی وی

وَوَالَيْتَ بِوَلَايَتِهِ وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهِ وَيَتَفَاوَتُ

و دوست شوی بدوستی وی و عداوت کنی بعداوت وی و متفاوت اند

النَّاسُ فِي الْإِيمَانِ عَلٰى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي مَحَبَّتِي

مردمان در ایمان بمقدار تفاوت ایشان در محبت من

۸۷

جاء رجل الى النبى صلى الله عليه وسلم فقال كيف تقول في رجل احب قوما ولم يلحق بهم فقال المرء مع من احب

٨٥

وَيَتَفَاوَتُونَ فِي الْكُفْرِ عَلَىٰ قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي بُغْضِي أَلَا

ومتفاوت میشوند در کفر براندازهٔ تفاوت ایشان در بغض من آگاه باشید

لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهُ أَلَا لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهُ

نیست ایمان مرآن شخص را که نیست محبت مر ویرا آگاه باش نیست ایمان مرآنکس را که نیست محبت مراو را

أَلَا لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهُ كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقِيلَ

آگاه باش نیست ایمان مرآنکس را که نیست محبت آنرا چنین است در دلائل خیرات - و گفته شد

لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَرَىٰ مُؤْمِنًا يَخْشَعُ وَ

مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را می بینیم مومنی را که خوف میکند

مُؤْمِنًا لَا يَخْشَعُ مَا السَّبَبُ فِي ذٰلِكَ فَقَالَ مَنْ وَجَدَ لِلْإِيمَانِ

و مومنی را که خوف نمیکند چیست سبب درامیان پس گفت کسیکه یابد برای ایمان خو

حَلَاوَةً خَشَعَ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهَا لَمْ يَخْشَعْ فَقِيلَ بِمَ تُوجَدُ

ذائقه خوف میکند و کسیکه نیافت آنرا خوف نمی کند پس گفته شد بچه یافته میشود آن حلاوت

أَوْ بِمَ تُنَالُ وَبِمَا تُكْتَسَبُ قَالَ بِصِدْقِ الْحُبِّ فِي اللّٰهِ فَقِيلَ

یا بچه حاصل کرده میشود و باچه کسب کرده میشود گفت به راست محبت در مقدمهٔ خدا پس گفته شد

وَبِمَ يُوجَدُ حُبُّ اللّٰهِ أَوْ بِمَ يُكْتَسَبُ فَقَالَ بِحُبِّ رَسُولِهِ

و بچه یافته میشود محبت خدا یا بچه کسب کرده شود پس گفت بسبب محبت پیغمبر وی

فَالْتَمِسُوا رِضَاءَ اللّٰهِ وَرِضَاءَ رَسُولِهِ فِي حُبِّهِمَا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ

پس بجوئید رضاء خدا و رضاء پیغمبر او در محبت هر دو چنانست در دلائل الخیرات

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ آلُ مُحَمَّدٍ

وگفته شده مر پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم را کیستند آل محمد

الَّذِينَ أُمِرْنَا بِحُبِّهِمْ وَإِكْرَامِهِمْ وَالْبُرُورِ بِهِمْ فَقَالَ

که امر کرده شده ایم بمحبت ایشان وگرامی کردن ایشان ونیکوکاری کردن با ایشان پس گفت

أَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ آمَنَ وَأَخْلَصَ فَقِيلَ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ

صاحب صفا و وفا احسان که ایمان آورد وخالص کرد پس گفته شد وچیست نشان های ایشان

فَقَالَ إِيثَارُ مَحَبَّتِي عَلَى كُلِّ مَحْبُوبٍ وَاشْتِغَالُ الْبَاطِنِ

پس گفت اختیار کردن محبت من بر همه دوست داشته شده ومشغول داشتن باطن خود را

بِذِكْرِي بَعْدَ ذِكْرِ اللهِ وَفِي أُخْرَى عَلَامَتُهُمْ إِدْمَانُ

بذکر من بعد از ذکر خدا و در روایت دیگر نشان ایشان دوام کردن

ذِكْرِي وَالْإِكْثَارُ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ دَلَائِلُ وَقِيلَ

ذکر من وبسیار درود فرستادن بر من است وگفته شد

لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْإِيمَانِ

مر پیغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم کیست قوی در ایمان آوردن

بِكَ فَقَالَ مَنْ آمَنَ بِي وَلَمْ يَرَنِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ بِي عَلَى

بتو پس فرمود کسیکه ایمان آرد بمن وندید مرا پس بدرستیکه وی مومن است بمن بر

شَوْقٍ مِنْهُ وَصِدْقٍ فِي مَحَبَّتِي وَعَلَامَةُ ذَلِكَ مِنْهُ أَنَّهُ

شوقیکه اوراست وبر صدق که در محبت من است ونشان انکار از او انست که او

يَوَدُّ رُؤْيَتِي بِجَمِيعِ مَا يَمْلِكُ وَفِي أُخْرَى مِلْءَ الْأَرْضِ

دوست میدارد دیدار مرا باتمام آنچه که مالک شده است و در روایت دیگر لفظ ملا الارض

ذَهَبًا ذَلِكَ الْمُؤْمِنُ بِي حَقًّا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ

زر پیداست آنکس مومن است بامن حقیقة چنین آمده است در دلایل وگفته است

صَاحِبُ الْمَطَالِعِ فِيْ هٰذِهِ الْأَحَادِيْثِ الْأَرْبَعَةِ لَا

صاحب المطالع درین چهار حدیث که

أَعْرِفُهَا وَلَمْ أَجِدْهَا كِتَابُ الْعِلْمِ إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ

نیشناسم اینها را و نیافتم این هر چهار را جز این نیست که میترسد از خدا

مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ

عالمان از بندگان او و شتابی مکن بخواندن قران پیش از انکه

أَنْ يُّقْضٰٓى إِلَيْكَ وَحْيُهٗ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا

انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او و بگو ای پروردگار من بیفزا مرا علم

بَابُ مَا جَاءَ فِيْ فَضْلِ الْعِلْمِ

وَالْعُلَمَاءِ وَعَنْ كَثِيْرِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ كُنْتُ

و روایت است از کثیر ابن قیس گفت بودم من

جَالِسًا مَعَ اَبِي الدَّرْدَاۤءِ فِيْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ فَجَاۤءَهٗ رَجُلٌ

نشسته با ابو درداء در مسجد دمشق پس آمد او را مردی

فَقَالَ يَا اَبَا الدَّرْدَاۤءِ اِنِّيْ جِئْتُكَ مِنْ مَدِيْنَةِ الرَّسُوْلِ

پس گفت ای ابا درداء بدرستیکه من آمده ام ترا از مدینه پیغمبر

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَدِيْثٍ بَلَغَنِيْ اَنَّكَ تُحَدِّثُهٗ

صلی الله علیه و سلم جهت شنیدن حدیثی که رسیده است مرا که تو خبر میدهی ازان

عَنْ رَّسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا جِئْتُ لِحَاجَةٍ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نیامده ام از جهت حاجتی دیگر

قَالَ فَاِنِّيْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت پس بدرستیکه من شنیده ام پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را

يَقُوْلُ مَنْ سَلَكَ طَرِيْقًا يَطْلُبُ فِيْهِ عِلْمًا سَلَكَ اللّٰهُ بِهٖ

گفت کسیکه برود راه را که طلب کند در وی علمی ببرد خدا او را

طَرِيْقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَاِنَّ الْمَلٰۤئِكَةَ لَتَضَعُ اَجْنِحَتَهَا

براهی از راههای بهشت و بدرستیکه فرشتگان هر آئینه می نهند بازوهای خود را

رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَاِنَّ الْعَالِمَ يَسْتَغْفِرُ لَهٗ مَنْ

بجهت رضامندی طالب علم و بدرستیکه عالم هر آئینه آمرزش میخواهد برای او هر که

فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَالْحِيْتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ

درآسمانهاست وهرکه در زمین است وماهیان درمیان آب

وَاِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

وبدرستیکه فضیلت عالم برعابد همچو فضل ماه شب

الْبَدْرِ عَلٰى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَاِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

چهاردهم است برباقی همه کواکب وبدرستیکه عالمان وارثان

الْاَنْبِيَاءِ وَاِنَّ الْاَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوْا دِيْنَارًا وَّلَا دِرْهَمًا

پیغمبران اند وبدرستیکه پیغمبران وارث نگردانیده اند دینار را ونه درهم را

وَاِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ اَخَذَهٗ اَخَذَ بِحَظٍّ وَّافِرٍ رَوَاهُ

ونگذاشته اند بارث مگر علم را پس کسیکه گرفت علم را گرفت نصیبی تمام روایت کرد

اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَ

احمد وترمذی وابوداود وابن ماجه و

الدَّارِمِيُّ وَسَمَّاهُ التِّرْمِذِيُّ قَيْسَ ابْنَ كَثِيْرٍ

دارمی ونام نهاد راوی را ترمذی به قیس ابن کثیر

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا مَاتَ الْاِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهٗ

علیه وسلم چون بمیرد آدمی بریده میشود از وی هر عملی که میکند

إِلَّا مِنْ ثَلٰثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ

مگر از سه عمل یکی از ان صدقه جاریه و یا علمی که نفع گرفته شود

بِهٖ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوْ لَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

بان یا فرزند نیک کردار که دعا کند اورا رواه مسلم و در روایت است

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي الْاِثْنَيْنِ رَجُلٌ اٰتَاهُ اللّٰهُ

وسلم نیست حسد مگر در دو کس مردیکه داد اورا خدا

مَالًا فَسَلَّطَهٗ عَلٰى هَلَكَتِهٖ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٌ اٰتَاهُ اللّٰهُ

مالی پس برگماشت وی تعالی انمرد را بر هلاک کردن ان مال در طاعت حق و مردیکه داد اورا خدا

الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِيْ بِهَا وَيُعَلِّمُهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

حکمت پس انمرد عمل میکند بدان و تعلیم میکند انرا متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و در روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلِّغُوْا عَنِّيْ وَلَوْ اٰيَةً

صلی الله علیه وسلم برسانید از من اگرچه آیتی باشد

وَحَدِّثُوْا عَنْ بَنِيْ إِسْرَآئِيْلَ وَلَا حَرَجَ

و حکایت کنید از بنی اسرائیل و نیست گناهی

وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

وهركه دروغ بربندد برمن قصدا پس بايد كه بگيرد جاى نشست خود را از آتش

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

روايه بخارى رحمه ازوى روايت است گفت فرمود پيغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً

صلى الله عليه وسلم كسيكه راحت دهد ودور گرداند از مسلمانى اندوهى را

مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ

از اندوه هاى دنيا آسايش دهد ودور گرداند خدا تعالى از آنكس اندوه را از

كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلٰى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللهُ عَلَيْهِ

اندوه هاى روز قيامت وكسيكه آسان گرداند كار بر شخصى در دشوارى افتاده است آسان گرداند بر وى خداى

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللهُ فِي

در دنيا و آخرت وكسيكه بپوشد عيب مسلمانى بپوشد او را خدا تعالى

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ

در دنيا و آخرت و خداى تعالى در يارى كردن بنده است مادام كه بنده

فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللهُ

در يارى كردن برادر خود است وكسيكه برود در راهى كه طلب كند در وى علمى را آسان گرداند حق تعالى

لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللهِ

مر آنكس را بسبب آن طريقى بسوى بهشت و نه فراهم آيند گروهى در خانه از خانه هاى خدا

يَتْلُونَ كِتَابَ اللّٰهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ اِلَّا نَزَلَتْ

که بخوانند قرآن را بطریق ورد و یا تعلیم کنند آنرا با یکدیگر مگر آنکه فرود آید بر ایشان

عَلَيْهِمُ السَّكِيْنَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ

آرام باطن و بپوشد ایشان را رحمت و گرد میگیرند ایشان را

الْمَلٰئِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيْمَنْ عِنْدَهٗ وَمَنْ بَطَّأَ

فرشتگان و یاد میکند ایشان را خدا تعالی در میان جمعی که نزد او بند و کسیکه

بِهٖ عَمَلُهٗ لَمْ يُسْرِعْ بِهٖ نَسَبُهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس انداخت او را عمل او پیش نمی آرد او را نسب او رواه مسلم

وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رض قَالَ ذُكِرَ

روایت است از ابی امامه باهلی رض گفت ذکر کرده شد برای

لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلَانِ

رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو مرد یکی

اَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالْاٰخَرُ عَالِمٌ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

از آن دو مرد عابد و دیگر عالم پس فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ

صلی الله علیه وسلم فضل عالم بر عابد

كَفَضْلِيْ عَلٰى اَدْنَاكُمْ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

همچو فضل من است بر ادنای شما پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمٰوَاتِ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی و فرشتگان او و اسمانیان

وَالْأَرْضِ حَتَّى النَّمْلَةَ فِي جُحْرِهَا وَحَتَّى الْحُوتَ لَيُصَلُّونَ

و زمینیان تا مورچه در سوراخ خود و تا ماهی هر آینه درود میفرستند

عَلٰى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بر تعلیم کنند خیر مردم را روا ه ترمذی و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْحَكِيمِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ

سخن علم و حکمت چیز گم شده حکیم است پس هر جا که یافت آنکلمه را پس حکیم

أَحَقُّ بِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

سزاوار تر است بانکلمه روا ه ترمذی و ابن ماجه روایت است

ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَقِيهٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ

وسلم یک فقیه سخت تر است بر شیطان از هزار

عَابِدٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض

عابد روا ه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَبُ الْعِلْمِ

گفت فرستادہ پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم طلب علم

فَرِيضَةٌ عَلٰى كُلِّ مُسْلِمٍ وَوَاضِعُ الْعِلْمِ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ

فرض است بر ہر مسلم و نہندہ علم نزد کسیکہ اہل آن نیست

كَمُقَلِّدِ الْخَنَازِيرِ الْجَوْهَرَ وَاللُّؤْلُؤَ وَالذَّهَبَ

ہمچو اندازندہ است بگردن خوکان قلادہ جواہر و مروارید و طلا

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

روایت کرد ابن ماجہ و روایت کرد بیہقی در شعب ایمان

إِلٰى قَوْلِهِ مُسْلِمٍ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ مَتْنُهُ مَشْهُورٌ

تا قول او کہ مسلم است و گفت این حدیث حدیثی است کہ مشہور شدہ است

وَإِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَقَدْ رُوِيَ مِنْ أَوْجُهٍ كُلُّهَا ضَعِيفٌ

در میان مردم و اسناد او ضعیف است و تحقیق روایت کردہ شدہ است از وجوہ طرق کہ ہمہ ضعیف است

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از انس رض گفت فرستادہ پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَهُوَ فِي سَبِيلِ

علیہ وسلم کسیکہ بیرون آمد برای طلب علم پس وی در راہ

اللّٰهِ حَتّٰى يَرْجِعَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

خدا است تا ہنگام بازگشتن روایت کرد ترمذی و دارمی

تا ہنگام باز آمدن بخانہ چنانکہ کسیکہ بجہاد با کفار بر آید تا باز آمدن در راہ خدا است و در حج نیز ہمچنین گفتہ اند

و آنرو كه اين حديث روايت كرده بود روے او از هيبت زرد تر گشت و موے بر اندام او باليستاد و گوشتے كه در ميان دو كتف

وعن سخبرة الأزدي قال قال رسول الله

وروايت است از سخبره ازدي رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من طلب العلم كان كفارة

صلى الله عليه وسلم هر كه طلب كند علم را باشد اين طلب او كفارت

لما مضى رواه الترمذي والدارمي وعن أبي سعيد

گناهان را كه گذشته است رواه ترمذي و دارمي و روايت است از ابي سعيد

الخدري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

خدري رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

لن يشبع المؤمن من خير يسمعه حتى يكون منتهاه

هرگز سير نشود مومن از شنيدن سخن نيك تا آنكه باشد نهايت كار او

الجنة رواه الترمذي وعن ابن مسعود قال سمعت

بهشت رواه ترمذي و روايت است از ابن مسعود رض گفت شنيدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول نضر الله

پيغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم كه ميگفت تر و تازه گرداند خداي تعالى

٩٥

عرض داشت كرد كه يا رسول الله صلى الله عليه وسلم من هرچه از زبان مبارك شنوم ياد ميگيرم بعضے حديث يادم نمي ماند رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود

امْرَءً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ اَوْعٰى لَهُ مِنْ

مردی را که شنید از ما چیزی را پس برسانید آنرا همچنانکه شنید آنرا پس بسا کسیکه رسانیده شده بوی نگاهدارنده تر از

سَامِعٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الْاَشْجَعِيِّ

شنونده رواه ترمذی و روایت است از عوف ابن مالک اشجعی رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقُصُّ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم وعظ نمیگوید

اِلَّا اَمِيْرٌ اَوْ مَامُوْرٌ اَوْ مُخْتَالٌ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

مگر حاکم یا کسیکه امر کرده است او را حاکم یا مردی متکبر رواه ابو داود و روایت

اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی علیه و سلم کسیکه

اُفْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ اِثْمُهُ عَلٰى مَنْ اَفْتَاهُ وَمَنْ اَشَارَ عَلٰى

فتوی داده شد بیدانش باشد گناه او بر کسی که استفتا نمود و او را کسیکه امر کرد

اَخِيْهِ بِاَمْرٍ يَعْلَمُ اَنَّ الرُّشْدَ فِيْ غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ رَوَاهُ

برادر خود را بکاری که میداند آنکه صلاح کار در غیر آن کار است پس بتحقیق خیانت کرد او را رواه

٩٧

ابو داود وعن معاوية قال ان النبي صلى الله عليه

ابو داود ودر روایت ست از معاویه رض گفت بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله

وسلم نهى عن الأغلوطات رواه ابو داود وعن

علیه وسلم نهی کرد از اغلوطات یعنی از مغالطات رواه ابو داود وروایت ست

ابي هريرة رواية يوشك ان يضرب الناس اكباد

از ابی هریره رض بطریق روایت نزدیکست که بزنند مردم جگرهای

الابل يطلبون العلم فلا يجدون احدا اعلم

شتران را دراثنای آنکه طلب می کنند علم را پس نیابند هیچ یکی را داناتر

من عالم المدينة رواه الترمذي

از عالم مدینه مطهره رواه ترمذی

وعنه فیما اعلم عن رسول الله صلی الله علیه وسلم

و روایت است از وی در آنچه میدانم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم این حدیث را فرمود

قال ان الله عزوجل یبعث لهذه الامة علی راس کل

پیغمبر خدا بتحقیق خدا برانگیزد برای نفع این امت بر سر هر

مائة سنة من یجدد لها دینها رواه ابوداود وعن

صد سالی کسی را که نو می گرداند برای این امت دین او را رواه ابوداود و روایت است از

الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

حسن رض از وی مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من جاءه الموت وهو یطلب العلم لیحیی به الاسلام

کسیکه بیاید او را موت حال آنکه وی طلب میکند علم را تا زنده گرداند بآن علم دین اسلام

فبینه وبین النبیین درجة واحدة فی الجنة رواه

پس میان او و میان پیغمبران یکپایه تفاوت است در جنت رواه

الدارمی وعن واثلة بن الاسقع قال قال رسول الله

دارمی و روایت است از واثله بن اسقع رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلی الله علیه وسلم من طلب العلم فادرکه کان له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بجوید علم دین را پس دریابد آنرا باشد مر او را

کفلان من الاجر فان لم یدرکه کان له کفل من الاجر

دو نصیب از ثواب پس اگر در نیافت آن علم را باشد مر او را یک ثواب

رواه الدارمي وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

روايه دارمي وروايت ست از ابي هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان مما يلحق المؤمن من عمله

صلى الله عليه وسلم بدرستيكه از انچه ميرسد مسلمان را از ثواب كردار وى

وحسناته بعد موته علما علمه ونشره وولدا

واز نيكيهاى وى بعد از مرگ وى علميست آنست اورا و پراگنده كرد آن را و فرزندى

صالحا تركه او مصحفا ورثه او مسجدا بناه او بيتا

نيك كردار كه گذاشت اورا يا مصحفى كه بارث گذاشت اورا يا مسجدى كه بنا كرد اورا يا خانه

لابن السبيل بناه او نهرا اجراه او صدقة اخرجها

كه براى مسافران بنا كرده است يا نهرى كه روان ساخت آنرا يا صدقه كه بيرون آورد آنرا

من ماله في صحته وحياته تلحقه بعد موته

از مال خود در تندرستى خود و در حيات خود ميرسد ثواب اين چيزها آن مسلمان را پس مرگ او

رواه ابن ماجه والبيهقي في شعب الايمان

روايه ابن ماجه و بيهقى در شعب الايمان

وعن عائشة رض انها قالت سمعت رسول الله

وروايت ست از عائشه رض بدرستيكه گفت شنيدم من آنحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول ان الله عز وجل اوحى الي

صلى الله عليه وسلم ميگفت بدرستيكه خداتعالى وحى كرد بسوى من

۹۹

أنه من سلك مسلكا في طلب العلم سهلت له طريق

هر كه برود راهى در طلب علم آسان گردانم مر او را راه

الجنة ومن سلبت كريمتيه أثبته عليهما الجنة وفضل

بهشت وكسيكه بربايم من هر دو چشم او را ثواب دهم او را در مقابله دو چشم بهشت وزيادتى

في علم خير من فضل في عبادة وملاك الدين الورع

در علم بهتر است از زيادتى در عبادت وسبب استحكام وقوة دين ورع وتقوى است

رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن ابن عباس رض

رواه بيهقى در شعب الايمان ودر روايت است از ابن عباس رض

قال تدارس العلم ساعة من الليل خير من إحيائها

گفت درس گفتن علم يك ساعت از شب بهتر است از زنده گردانيدن تمام شب

رواه الدارمي وعن عبد الله بن عمرو رض أن

رواه دارمى ودر روايت است از عبد الله بن عمرو رض بدرستيكه

رسول الله صلى الله عليه وسلم مر بمجلسين في مسجده

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم گذشت بدو مجلس كه در مسجد شريف وى بود

فقال كلاهما على خير وأحدهما أفضل من صاحبه أما

پس فرمود آن حضرت اهل هر دو مجلس ثابت اند بر نيكى ويكى از ان دو اهل مجلس فاضلتر از ديگر

هؤلاء فيدعون الله ويرغبون إليه فإن شاء

اين جماعت مشغول اند بدعا پس ميخوانند خدا را ورغبت مى كنند بسوى او پس اگر بخواهد

أعطاهم وإن شاء منعهم وأما هؤلاء فيتعلمون

بدهد ايشان را واگر بخواهد منع كند ايشان را واما اين طايفه كه مشغول اند بعلم آموختن

الفقه أو العلم ويعلمون الجاهل فهم أفضل

فقه را يا علم را ومى آموزند نادان را پس ايشان فاضلتر اند

وَإِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا ثُمَّ جَلَسَ فِيهِمْ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي

و فرستاده شده‌ام من مگر آموزنده علم را پس نشست آنحضرت درمیان آنقوم رواه دارمی و روایت است از ابی

الدَّرْدَاءِ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَدُّ الْعِلْمِ الَّذِي

درداء رض گفت پرسیده شد از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که چیست نهایت علمی که

إِذَا بَلَغَهُ الرَّجُلُ كَانَ فَقِيهًا فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چون برسد مرد آن مرتبه را باشد در اعداد فقها پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ حَفِظَ عَلٰى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِي أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللّٰهُ فَقِيهًا

کسیکه یاد کرد و برساند برامت من چهل حدیث از کار دین ایشان برانگیزد خدا تعالی او را در زمره فقها

وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شَافِعًا وَّشَهِيدًا وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

و باشم من او را روز قیامت شفاعت کننده و گواهی دهنده و روایت است از انس ابن مالک

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ تَدْرُونَ مَنْ أَجْوَدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا در یابید که کیست زیاده تر

جُودًا قَالُوا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى أَجْوَدُ جُودًا ثُمَّ أَنَا

از روی جود و کرم گفتند صحابه خدا و رسول خدا داناتر است گفت کامل‌تر از روی جود خدا تعالی است پس‌تر من

أَجْوَدُ بَنِي آدَمَ وَأَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهُ

جوادترم از میان آدمیان و جوادترین نوع انسان بعد از من مردیست که حاصل کرد علم را پس نشر کرد علم را

يَأْتِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَمِيرًا وَحْدَهُ أَوْ قَالَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَعَنْهُ

می‌آید روز قیامت تنها مانند امیری که همراه او تابعان باشند یا گفت راوی مانند امت واحده و روایت است از وی

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دو حریص سیر نمی شوند

مَنْهُومٌ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ وَمَنْهُومٌ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ

یکی حریص در علم سیر نمی شود از تحصیل علم و حریص در دنیا سیر نمیشود

مِنْهَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَقَالَ

ازان روایت کرد بیهقی این هر سه احادیث را در شعب الایمان وگفت

قَالَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ فِيْ حَدِيْثِ أَبِي الدَّرْدَاءِ هٰذَا مَتْنٌ مَشْهُوْرٌ فِيْمَا

گفت امام احمد در حدیث ابی درداء متن این حدیث مشهور است درمیان

بَيْنَ النَّاسِ وَلَيْسَ لَهُ إِسْنَادٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ عَوْنٍ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ

مردم و نیست مرورا اسناد صحیح و روایت از عون گفت گفت عبداللہ

بْنُ مَسْعُوْدٍ رضـ مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ صَاحِبُ الْعِلْمِ وَصَاحِبُ الدُّنْيَا

ابن مسعود رضـ دو حریص سیر نمی شوند اهل علم و اهل دنیا

وَلَا يَسْتَوِيَانِ أَمَّا صَاحِبُ الْعِلْمِ فَيَزْدَادُ رِضًا لِلرَّحْمٰنِ وَأَمَّا

و برابر نیستند این هر دو اما صاحب علم پس زیاده میکند خوشنودی خدای مهربان را ولیکن

صَاحِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادٰى فِي الطُّغْيَانِ ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللّٰهِ كَلَّا إِنَّ

صاحب دنیا پس نهایت میرود در سرکشی باز خواند عبداللہ این آیة را حقا هر آئینه

الْإِنْسَانَ لَيَطْغٰى أَنْ رَّاٰهُ اسْتَغْنٰى قَالَ وَقَالَ الْآخَرَ

آدمی از حد میگذرد وقتیکه می بیند خود را توانگر شده گفت و گفت بار دیگر

إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

جز این نیست که می ترسند از خدا عالمان از بندگان او روایت کرد دارمی و مرویست ازوی

مُرْسَلًا قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلَيْنِ

از روی مرسل گفت پرسیده شد پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم از حال دو مرد

كَانَا فِيْ بَنِيْ إِسْرَائِيْلَ أَحَدُهُمَا كَانَ عَالِمًا يُصَلِّي الْمَكْتُوْبَةَ ثُمَّ

که بودند در فرزندان یعقوب علیه السلام یکے ازان دو مرد بود عالم که میگذارد نماز فرض را پس تر

يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَالْآخَرُ يَصُوْمُ النَّهَارَ وَيَقُوْمُ

می نشست پس می آموخت مردم را علم و مرد دیگر روزه میداشت بروز و نماز میگذارد

اللَّيْلَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ هٰذَا

در شب کدام یکے ازین دو مرد فاضلترست فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم زیادتی ثواب این

الْعَالِمِ الَّذِي يُصَلِّي الْمَكْتُوبَةَ ثُمَّ يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ عَلَى

عالم کہ صفتش اینست کہ میگذارد نماز فرض را پستر می نشست و تعلیم میکرد مردم را علم بران

الْعَابِدِ الَّذِي يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ

مرد عابد کہ روزہ میداشت بروز و نماز میگذارد بشب ہمچو فضل من ست بر مرد یکیست پایہ ترست از شما

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ بَابُ مَا جَاءَ فِي عِلْمٍ بِلَا عَمَلٍ وَشِرَارِ الْعُلَمَاءِ

روایت دارمی باب احادیثیکه وارد شدہ است در علم بلا عمل و بدترین علماء

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ

آیا دیدی کسے را کہ معبود خود گرفتہ است خواہش نفس خود را و گمراہ کرد او را خدا با وجود دانش و مہر نہاد

عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ

بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پردہ پس کیست کہ راہ نماید او را

بَعْدِ اللّٰهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

بعد از خدا آیا پند نمی گیرید آیا میفرمائید مردمان را بنکوکاری و فراموش میکنید

أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

خویشتن را و شما میخوانید کتاب آیا نمی فہمید و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ عِلْمٍ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم مثال علمے کہ نفع گرفتہ نمی شود بوے

كَمَثَلِ كَنْزٍ لَا يُنْفَقُ مِنْهُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ

ہمچو حال گنجے است کہ دادہ نمی شود از وے در راہ خدا روایت احمد و دارمی

وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوشِكُ

و روایت است از علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نزدیک است

أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ

که بیاید بر مردم روزگاری که باقی نماند از دین مگر نام او

وَلَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ

و باقی نماند از قرآن مگر آئین وی مسجدهای ایشان آبادانست وحال آنکه آن مسجدها ویرانست

مِنَ الْهُدَى عُلَمَاؤُهُمْ شَرُّ مَنْ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِهِمْ

از هدایت دانشمندان ایشان بدترین مردم اند که زیر آسمان اند از نزد ایشان

تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَفِيهِمْ تَعُودُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

بیرون مے آید فتنه و باز هم در ایشان باز میگردد روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این حدیث را

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَعَوَّذُوا بِاللهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

پناه جوئید بخدا از جب حزن گفتند ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَمَا جُبُّ الْحُزْنِ قَالَ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ

وسلم وچیست جب حزن فرمود وادیست در دوزخ پناه میجوید از وی دوزخ هر

يَوْمٍ أَرْبَعَ مِائَةِ مَرَّةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ وَمَنْ يَدْخُلُهَا قَالَ

روز چهار صد مرتبه گفته شد ای پیغمبر خدا که مے در آید آنرا فرمود

الْقُرَّاءُ الْمُرَاؤُونَ بِأَعْمَالِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَكَذَا ابْنُ مَاجَةَ

قرآن خوانندگان ریا کنندگان بعملهای خود رواه ترمذی و همچنین ابن ماجه

وَزَادَ فِيهِ وَإِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الْقُرَّاءِ إِلَى اللهِ الَّذِينَ يَزُورُونَ الْأُمَرَاءَ

و زیاده کرده در آن حدیث این کلام را و بدرستیکه از جمله دشمن داشته شده ترین قراء بسوی خدا آن کسان اند که ملاقات میکنند امرا را

قَالَ الْمُحَارِبِيُّ يَعْنِي الْجَوَرَةَ وَعَنِ الْحَسَنِ قَالَ الْعِلْمُ عِلْمَانِ

گفت محاربی مراد به امرا جابران اند و روایت هست از حسن رض گفت علم دو علم است

فَعِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَاكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ وَعِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَاكَ حُجَّةُ

پس یک علم علمی ست که در دل ست پس آن علمی ست سود بخشنده و دیگر علمی ست که بر سر زبانست پس این علم حجت

اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ابْنِ آدَمَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ زِيَادِ بْنِ

خداست بر آدمیان که بدان الزام خواهد داد ابن آدم را رواه الدارمی و روایت ست از زیاد ابن

حُدَيْرٍ قَالَ لِي عُمَرُ رض هَلْ تَعْرِفُ مَا يَهْدِمُ الْإِسْلَامَ قُلْتُ لَا قَالَ

حدیر که گفت مرا عمر رض آیا می شناسی چه چیز می شکند بنای اسلام را گفتم من نمی شناسم گفت عمر

يَهْدِمُهُ زَلَّةُ الْعَالِمِ وَجِدَالُ الْمُنَافِقِ بِالْكِتَابِ وَحُكْمُ الْأَئِمَّةِ

می شکند بنای اسلام را لغزیدن عالم و نزاع منافقان بکتاب خدا و حکم کردن امرای جور

الْمُضِلِّينَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ إِنَّ مِنْ

که گمراه کنندگان خلق اند رواه دارمی و مرویست از ابی درداء گفت بدرستیکه از جمله

أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ رَوَاهُ

بدترین مردمان نزد خدا تعالی از روی مرتبه روز قیامت عالمی ست که فایده نمیگیرد از علم خود رواه

الدَّارِمِيُّ وَعَنِ الْأَحْوَصِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ النَّبِيَّ

دارمی و روایت ست از احوص بن حکیم از پدر خود رض گفت پرسید مردی پیغمبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشَّرِّ فَقَالَ لَا تَسْأَلُونِي عَنِ الشَّرِّ وَسَلُونِي

صلی الله علیه وسلم از بدی پس فرمود مپرسید مرا از شر و بپرسید مرا

عَنِ الْخَيْرِ يَقُولُهَا ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ أَلَا إِنَّ شَرَّ الشَّرِّ شِرَارُ الْعُلَمَاءِ وَإِنَّ

از خیر فرمود این کلمه را سه بار بعد فرمود بدانید که بدرستی بدترین بدان بدان علما اند و بدرستی که

خَيْرَ الْخَيْرِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ سُفْيَانَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ

نیکترین نیکان نیکان علما اند رواه دارمی و مرویست از سفیان بدرستی که عمر ابن

الْخَطَّابِ رض قَالَ لِكَعْبٍ مَنْ أَرْبَابُ الْعِلْمِ قَالَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ بِمَا يَعْلَمُونَ

خطاب رض گفت مر کعب را که کیستند خداوندان علم گفت آنکسان اند که عمل میکنند بانچه علم دارند

قَالَ فَمَا أَخْرَجَ الْعِلْمَ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ قَالَ الطَّمَعُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

گفت پس چه چیز بیرون می کند نور علم را از دلهای علماء گفت طمع بیرون می کند رواه دارمی

وَعَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفَةُ الْعِلْمِ

و روایت است از اعمش رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آفت علم

النِّسْيَانُ وَإِضَاعَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَهْلِهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ مُرْسَلًا

فراموشی است و ضائع کردن آن علم اینست که حدیث کنی علم را بغیر اهل علم رواه دارمی بطریق مرسل

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ صَانُوا الْعِلْمَ

و روایت است از عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه گفت اگر بودی که اهل علم نگاه میداشتند علم را

وَوَضَعُوهُ عِنْدَ أَهْلِهِ لَسَادُوا بِهِ أَهْلَ زَمَانِهِمْ وَلٰكِنَّهُمْ بَذَلُوهُ

و می نهادند علم را نزد اهل آن هر آئینه مهتر می شدند بسبب علم اهل زمان خود را و لیکن اهل علم در باختند علم را

لِأَهْلِ الدُّنْيَا لِيَنَالُوا بِهِ مِنْ دُنْيَاهُمْ فَهَانُوا عَلَيْهِمْ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ

مر اهل دنیا را تا بیابند بدان علم چیزی از دنیای ایشان پس خوار شدند نزد اهل دنیا شنیدم پیغمبر شما را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا هَمَّ آخِرَتِهِ

صلی الله علیه وسلم می فرمود کسی که بگرداند قصدهای خود یک قصد که قصد آخرت است

كَفَاهُ اللهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ أَحْوَالَ الدُّنْيَا

بسنده کند او را خدا تعالی مقصود دنیای وی را و کسی که پریشان گرداند او را قصدهای او که احوال دنیا است

لَمْ يُبَالِ اللهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَتِهَا هَلَكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

باک ندارد خدا که در کدام یکی از وادیهای دنیا هلاک گردد رواه ابن ماجه و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُنَاسًا

ابن عباس رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بعض مردم

مِنْ أُمَّتِي سَيَتَفَقَّهُونَ فِي الدِّينِ وَيَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ وَيَقُولُونَ

از امت من نزدیک است که فقیه شوند در دین و خوانند قرآن را و بگویند

تأتي الأمراء فنصيب من دنياهم ونعتزلهم بديننا ولا يكون

می آئیم امرا را پس میرسیم چیزی از دنیای ایشان و گوشه میگیریم از ایشان با دین خود و نمی شود

ذلك كما لا يجتنى من القتاد إلا الشوك كذلك لا يجتنى من قربهم

آن چنانکه چیده نمی شود از درخت خاردار مگر خار همچنین حاصل نمی شود از قرب امرا

إلا قال محمد بن الصباح كأنه يعني الخطايا رواه ابن ماجه وعنه

مگر گفت محمد بن صباح گویا میخواهد ازان گناهان را رواه ابن ماجه و روایتست ازو

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أول الناس يقضى عليه

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه نخستین مردیکه حکم کرده شود برو

يوم القيمة رجل استشهد فأتي به فعرفه نعمه فعرفها فقال

روز قیامت مردیست که کشته شده در راه خدا پس آورده میشود پس شناسانده خدا او را نعمت خود را پس شناسد آنرا گفت خدا پس

فما عملت فيها قال قاتلت فيك حتى استشهدت قال كذبت

با آنها پس بگو چه عمل کردی در شکر این نعمت بگوید کارزار کردم برای تو تا آنکه کشته شدم میگوید خدا دروغ گفتی

ولكنك قاتلت لأن يقال جريء فقد قيل ثم أمر به فسحب

ولیکن تو کارزار کردی برای اینکه گفته شود که فلان دلیرست پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود در حق وی پس کشیده شود

على وجهه حتى ألقي في النار ورجل تعلم العلم وعلمه وقرأ

بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش دوزخ و دیگر مردیکه آموخت علم را و آموزانید آنرا و خواند

القرآن فأتي به فعرفه نعمه فعرفها قال فما عملت فيها قال

قرآن را پس آورده میشود او را پس شناسانید او را خدا نعمتهای خود پس شناسد آن نعمتها را بگو بعد از آن چه کار کردی در شکر این نعمتها میگوید آموختم

تعلمت العلم وعلمته وقرأت فيك القرآن قال كذبت ولكنك

آموختم علم را و آموزانیدم آنرا و خواندم قرآن را در رضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی و لیکن تو

تعلمت العلم ليقال إنك عالم وقرأت القرآن ليقال هو قارئ

علم آموختی تا اینکه گفته شود بتحقیق که تو عالمی و خواندی قرآن را تا بگویند مردم که فلان خواننده قرآنست

فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه حتى ألقي في النار ورجل وسّع

پس تحقیق گفته شد پستر امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی وی تا آنکه انداخته شود در دوزخ و دیگر مردیکه فراخ گردانیده است

الله عليه الرزق وأعطاه من أصناف المال كله فأتي به فعرّفه نعمه

خدا بر وی روزی و داده است او را گونه از گونه‌های مال همه پس آورده شود او را پس شناسانند خدا او را نعمتهای خود

فعرفها قال فما عملت فيها قال ما تركت من سبيل تحب أن ينفق

پس شناسد آن نعمتها را میگوید پس چه عمل کردی در شکر این نعمت میگوید آنمرد نگذاشتم هیچ راهی را که دوست داری تو که صرف کرده شود

فيها إلا أنفقت فيها لك قال كذبت ولكنك فعلت ليقال هو

دران مگر آنکه صرف کردم دران برضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی ولیکن تو کردی این کار تا که گفته شود که او

جواد فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه ثم ألقي في النار رواه

سخی است پس تحقیق گفته شد پستر امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی خود پستر انداخته شود در دوزخ رواه

مسلم وعن عبد الله بن عمرو رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه

مسلم و روایت است از عبد الله بن عمرو رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله علیه

وسلم إن الله لا يقبض العلم انتزاعا ينتزعه من العباد ولكن يقبض

وسلم بدرستیکه خدا نمی گیرد علم را بطریق کشیدن که بکشد آنرا از دست بندگان ولیکن باز میگیرد

العلم بقبض العلماء حتى إذا لم يبق عالما اتخذ الناس رءوسا

علم را بمیرانیدن علماء تا آنکه چون باقی نگذارد هیچ عالمی را میگیرند مردم سران

جهالا فسئلوا فأفتوا بغير علم فضلوا وأضلوا متفق عليه وعن

قوم جاهلان را پس پرسیده شوند پس فتوی بدهند بی علم پس خود هم گمراه میشوند و هم دیگران را گمراه میکنند متفق علیه و روایت است از

أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سئل عن علم

ابی هریره رضـ گفت فرمود رسول خدا صلى الله علیه وسلم کسیکه پرسیده شود از علمی

علمه ثم كتمه ألجم يوم القيمة بلجام من نار رواه أحمد

که میداند آنرا پستر بپوشد آنرا لگام کرده شود در دهن او روز قیامت از آتش دوزخ رواه احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ أَنَسٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ

و ابوداود و ترمذی وروا ابن ماجه از انس رض وروایت از کعب ابن

مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُجَارِيَ بِهِ

مالک رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه طلب کند علم را تا که همراهی کند علما را

الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ أَدْخَلَهُ

بآن یا آنکه جدال کند بآن علم جاهلان را یا بگرداند بآن علم روی های مردم بسوی خود در آورد او را

اللهُ النَّارَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَعَنْ

خدا در آتش دوزخ رواه ترمذی وروایت کرد ابن ماجه از ابن عمر رض وروایت از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم هرکه بگوید در قرآن تفسیر

بِرَأْيِهِ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

از قیاس خود پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش رواه ترمذی وروایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ

گفت فرمود رسول خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه بیاموزد علمی را از جنس علمی که طلب کرده شود بدان علم

وَجْهُ اللهِ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ

ذات الهی نیاموزد آن علم را مگر آنکه برسد بسبب آن علم متاعی را از دنیا نیابد آنکس بوی

الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَعْنِي رِيحَهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

بهشت روز قیامت رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت از اسامه بن زید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُهُ فِي النَّارِ

آورده شود مردے روز قیامت پس انداخته شود در آتش پس بیرون آید بسرعت روده های او در آتش

فيطحن فيها كطحن الحمار برحاه فيجتمع اهل النار عليه فيقولون اي

پس اس میکند گرد رود های خودرا همچو اس کردن خر باسیاے خود پس گرد آیند اهل دوزخ بر آنمرد پس بگویند ای

فلان ما شانك اليس كنت تامرنا بالمعروف وتنهانا عن المنكر

فلان چه حال تست آیا نبودهٔ تو که امر میکردی مارا بمعروف ونهی میکردی مارا از منکر

قال كنت امركم بالمعروف ولا اتيه وانهاكم عن المنكر واتيه

میگوید آنمرد بودم من که امر میکردم شمارا بمعروف و خود نمیکردم آنرا ونهی میکردم شمارا از منکر و خود میکردم آنرا

متفق عليه وعن انس ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

متفق علیه وروایت از انس رض بدرستے پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت

رايت ليلة اسري بي رجالا تقرض شفاههم بمقاريض من نار

دیدم من شبے که سیر کنانیدند مرا مردمان را که بریده میشد لبهای اوشان از مقراض هاے آتش

قلت من هؤلاء يا جبرئيل قال هؤلاء خطباء من امتك

گفتم من کیستند ایشان ای جبرئیل گفت ایشان خطیب ها اند از امت تو که

يامرون الناس بالبر وينسون انفسهم رواه في شرح السنة

بودند امر کنندگان مردم را بانیکی و فراموش میکردند ذات های خودرا رواه در شرح سنة

كتاب الطهارة

این کتاب طهارت است

يا ايها الذين امنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وايديكم

ای مسلمانان چون برخیزید بسوے نماز پس بشوئید روهای خودرا و دستهای خودرا

الى المرافق وامسحوا برءوسكم وارجلكم الى الكعبين وان كنتم

تا آرنج ومسح کنید سرهاے خودرا وبشوئید پاهای خودرا تا شتالنگ واگر باشید

جنبا فاطهروا وان كنتم مرضى او على سفر او جاء احد منكم

با جنابت پس غسل کنید واگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکے از شما

مِنَ الْغَائِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا

از خلا جائے یا مساس کردہ باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک

طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِّنْهُ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ

پاک را پس مسح کنید بر روہائے خود و دستہائے خود از آن خاک نہ میخواہد خدا تعالےٰ کہ مشروع کند بر شما

مِنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ

مشقتے ولیکن میخواہد کہ پاک سازد شمارا و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود کہ

تَشْكُرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شکر کنید و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اَلَا اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَا يَمْحُو اللّٰهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوْا بَلٰى

آیا راہ نمایم شمارا بر عملہائیکہ محو میکند خدا تعالےٰ بسبب آن گناہان را و بلند میگرداند بسبب آن مرتبہ ہا را گفتند آرے

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اِسْبَاغُ الْوُضُوْءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطٰى اِلَى

راہ نما ای پیغمبر خدا فرمود تمام و کمال کردن وضو در ہنگام مشقت و بسیارے گامہا در رفتن بسوے

الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ فَذٰلِكُمُ الرِّبَاطُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

مسجدہا و انتظار نماز بعد از نماز پس اینست رباط رواہ مسلم

وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

و مروی است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ

تَوَضَّاَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهٖ حَتّٰى تَخْرُجَ مِنْ

وضو کند و نیک کند وضو را می برآیند گناہان او از بدن او تا آنکہ مے برآیند از

تَحْتِ اَظْفَارِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

زیر ناخنہائے او متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَوَضَّاَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ اَوِ الْمُسْلِمُ فَغَسَلَ وَجْهَهٗ

صلے اللہ علیہ وسلم چون وضو میکند بندۂ مومن یا مسلم پس می شوید روئے خود

خرج من وجهه كل خطيئة نظر إليها بعينيه مع الماء أو مع آخر

بیرون می آید از روی وی هر گناه که نظر کرده است بسوی آن گناه بهر دو چشم خود همراه آب یا با آخر

قطر الماء فإذا غسل يديه خرج من يديه كل خطيئة بطشتها

قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آید از دست وی هر گناهی که میگرفت آن گناه را

يداه مع الماء أو مع آخر قطر الماء فإذا غسل رجليه خرج كل

هر دو دست او همراه آب یا همراه آخر قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو پای خود بیرون می آید هر

خطيئة مشتها رجلاه مع الماء أو مع آخر قطر الماء حتى يخرج

گناهیکه رفته است بسوی آن هر دو پای او همراه آب یا با آخر قطره از قطرهای آب تا آنکه بیرون می آید

نقيا من الذنوب رواه مسلم وعن عثمان قال قال رسول الله

از جای وضو پاک از گناهان رواه مسلم و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من امرئ مسلم تحضره صلوة مكتوبة

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مردے مسلمان که حاضر میشود او را وقت نماز فرض

فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها إلا كانت كفارة لما قبلها

پس نیک میکند وضوی نماز را و نیک میکند خشوع نماز را و نیک کند رکوع نماز را مگر باشد این نماز کفاره مر آنچیز را که پیش

من الذنوب ما لم يؤت كبيرة وذلك الدهر كله رواه مسلم

از وی کرده است از گناهان مادام که بوجود نیارد گناه کبیره را و این کفاره بودن همیشه است رواه مسلم

وعن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عقبه ابن عامر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ما من مسلم يتوضأ فيحسن وضوءه ثم يقوم فيصلي ركعتين

نیست هیچ مسلمانے که وضو کند پس نیک سازد وضوء خود را پس بایستد پس بگذارد دو رکعت

مقبل عليهما بقلبه ووجهه إلا وجبت له الجنة رواه مسلم

درحالیکه وی پیش آینده است بدان دو رکعت بدل خود و روے خود مگر آنکه واجب گردد مر وی را بهشت رواه مسلم

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان امتي

و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه امت من

يدعون يوم القيمة غرا محجلين من آثار الوضوء فمن استطاع منكم

خوانده شود در محشر غر محجلین از آثار وضو پس کسیکه می تواند از شما

ان يطيل غرته فليفعل متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله

که دراز کند غره خود را باید که بکند متفق علیه و از وی روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم تبلغ الحلية من المؤمن حيث يبلغ الوضوء رواه مسلم

علیه وسلم میرسد سیما و نشان وضو در دست و پای مومن تا آنجا که میرسد آب وضو رواه مسلم

وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو سازد

على طهر كتب له عشر حسنات رواه الترمذي وعن جابر رض

بر طهارت نوشته شود برای وی ده نیکی رواه ترمذی و روایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مفتاح الجنة الصلوة ومفتاح

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کلید بهشت و مقدمه درآمدن آن نماز است و کلید

الصلوة الطهور رواه احمد وعن عبد الله الصنابحي رض قال

نماز و مقدمه او طهارت است رواه احمد و روایت است از عبد الله صنابحی رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا توضأ العبد المؤمن فمضمض

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون وضو سازد بنده مسلمان پس آب در دهن میکند

خرجت الخطايا من فيه واذا استنثر خرجت الخطايا من

بیرون می آیند گناهان از دهن وی و چون بینی می افشاند بیرون می آیند گناهان از

انفه واذا غسل وجهه خرجت الخطايا من وجهه حتى تخرج من تحت

بینی وی و چون میشوید روی خود را بیرون می آیند گناهان از روی وی تا آنکه بیرون می آیند از زیر

أَشْفَارِ عَيْنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ يَدَيْهِ حَتَّى تَخْرُجَ

موی پلک دو چشم او پس چون می شوید هردو دست خود را بیرون می آیند گناهان از هردو دست وی تا آنکه بیرون آیند

مِنْ أَظْفَارِ يَدَيْهِ فَإِذَا مَسَحَ بِرَأْسِهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى

از ناخنهای هردو دست وی پس چون مسح میکند به سر خود بیرون می آیند گناهان از سر وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ أُذُنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رِجْلَيْهِ حَتَّى

بیرون می آیند از هردو گوش وی پس چون می شوید هردو پای خود را بیرون می آیند گناهان از هردو پای وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِ رِجْلَيْهِ ثُمَّ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَصَلٰوتُهُ

بیرون می آیند از زیر ناخنهای هردو پای او پس رفتن او بسوی مسجد و نماز گذاردن او

نَافِلَةً لَهُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ أُهْدِيَتْ

زیادتی بر پاک شدن از گناهان مراو را روایت کرده مالک و نسائی و مرویست از ابی رافع رضه گفت بهدیه فرستاده شد

لَهُ شَاةٌ فَجَعَلَهَا فِي الْقِدْرِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

مراو را گوسفندی پس گردانید آن گوسفند را ابورافع در دیگ پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود

مَا هٰذَا يَا أَبَا رَافِعٍ فَقَالَ شَاةٌ أُهْدِيَتْ لَنَا يَا رَسُولَ اللهِ فَطَبَخْتُهَا فِي

آنحضرت چیست اینکه در دیگست ای ابا رافع پس گفت این گوشت گوسفندیست که بهدیه فرستاده شده است برای ما ای پیغمبر خدا پس پختم آنرا

الْقِدْرِ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ يَا أَبَا رَافِعٍ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي

درین دیگ فرمود آنحضرت بده مرا دست ای ابا رافع پس دادم آنحضرت را ذراع پستر فرمود بده مرا

الذِّرَاعَ الْآخَرَ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ الْآخَرَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ الْآخَرَ

ذراع دیگر پس دادم آنحضرت را ذراع دیگر پستر فرمود بده مرا ذراع دیگر

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّمَا لِلشَّاةِ ذِرَاعَانِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

پس گفت ای پیغمبر خدا نمی باشد گوسفند را مگر دو ذراع پس فرمود مراو را پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ سَكَتَّ لَنَاوَلْتَنِي ذِرَاعًا فَذِرَاعًا مَا سَكَتَّ

علیه وسلم آگاه باش بدرستیکه اگر خاموش میبودی هرآینه میدادی مرا ذراع بعد از ذراع مادامی که خاموش می بودی

ثم دعا بماء فتمضمض فاه وغسل اطراف اصابعه ثم قام فصلى

پس طلبید آنحضرت آب را پس مضمضه کرد دهان مبارک خود را و شست کرانهای انگشتان خود را پس برخاست پس گذارد نماز

ثم عاد الیهم فوجد عندهم لحما باردا فاكل ثم دخل المسجد

پس بازگشت بسوی اهل و عیال ابی رافع پس یافت نزد ایشان گوشت سرد را پس بخورد آنحضرت پس در آمد مسجد را

فصلى ولم يمس ماء رواه احمد وعن انس قال كان رسول الله

پس گذارد نماز را و مس نکرد آب را رواه احمد و مرویست از انس رض گفت بود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يتوضأ برطلين ويغتسل بالصاع جمع الجوامع

صلی الله علیه وسلم که وضو میکرد از دو رطل و غسل میکرد از یک صاع مرویست در جمع الجوامع

وعن ابى الدرداء قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

انا اول من يؤذن له بالسجود يوم القيمة وانا اول من يؤذن

من اول کسے ام که دستوری داده شود مرا و را بسجده روز قیامت و من نخستین کسے ام که اذن کرده شود

له ان يرفع راسه فانظر الى ما بين يدي فاعرف امتي من بين

مرا و را که بر دارد سر خود را پس نگاه کنم بسوی خلقے که استاده اند پیش رو دست من پس شناسم امت خود را از میان

الامم ومن خلفي مثل ذلك وعن يميني مثل ذلك وعن شمالي

امتها دیگر و ببینم از جانب پس پشت خود مانند آن و ببینم از جانب راست مانند آن و از جانب چپ

مثل ذلك فقال رجل يا رسول الله كيف تعرف امتك من بين

مانند آن پس گفت مردے ای پیغمبر خدا چگونه شناسی امت خود را از میان

الامم فيما بين نوح الى امتك قال هم غر محجلون من اثر

امت ها در میان شده اند که در میان نوح است تا امت تو گفت است من نورانی پیشانی اند از نشان

الوضوء ليس احد كذلك غيرهم واعرفهم انهم يؤتون كتبهم

وضو نیست هیچکس باین صفت غیر ایشان و شناسم ایشان را بآنکه داده شود ایشان را نامها

بايمانهم واعينهم تسعى بين ايديهم ذريتهم رواه احمد

بدست راست ایشان و شناسم ایشان را بآنکه بروند پیش پیش ایشان فرزندان خرد ایشان رواه احمد

باب آداب الخلاء

این باب در ادب بیت الخلاء است

عن ابي ايوب الانصاري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا

روایت از ابی ایوب انصاری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون

أتيتم الغائط فلا تستقبلوا القبلة ولا تستدبروها ولكن شرقوا

بیائید شما قضای حاجت را پس رو مکنید بسوی قبله و نه پشت دهید بجانب آن ولیکن رو بجانب شرق کنید

او غربوا متفق عليه وعن سلمان قال نهانا يعني رسول الله

یا بجانب غرب متفق علیه و روایت از سلمان رض گفت نهی کرد مارا یعنی پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان نستقبل القبلة لغائط او بول او ان نستنجي

صلی الله علیه وسلم از روی آوردن بقبله برای پاگانه و شاشه و از استنجا کردن ما

باليمين او ان نستنجي باقل من ثلثة احجار او ان نستنجي برجيع

بدست راست و از استنجا کردن بکمتر از سه سنگ و نهی کرد از استنجا کردن بسرگین

او بعظم رواه مسلم وعن انس قال كان رسول الله صلى

یا باستخوان رواه مسلم و روایت از انس رض گفت انس که بود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم اذا دخل الخلاء يقول اللهم اني اعوذ بك من

الله علیه وسلم چون درمی آمد بخانه را میگفت اللهم انی اعوذ بک من

الخبث والخبائث وعن ابن عباس قال مر النبي صلى الله

الخبث والخبائث و روایت از ابن عباس رض گفت گذشت پیغمبر خدا صلی الله

عليه و[illegible] فقال انهما ليعذبان وما يعذبان في كبير

علیه [illegible] دو گور پس گفت هر آئینه عذاب کرده میشوند و عذاب کرده نمیشوند

أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ لَا يَسْتَنْزِهُ

امّا یکی ازان دو حالش این بود که پرده نمیگرفت در بول و در روایت دیگر مسلم راست که طلب نزاهت نمیکرد

مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً

از بول اما دیگر پس بود که میرفت بسوی مردم بسخن چینی پس گرفت شاخی از خرما که تر بود

فَشَقَّهَا بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ غَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

پس باز کرد آن شاخ را بدو پاره پس خلانید در هر قبر یکی ازان دو پاره را پس گفتند ای پیغامبر خدا

لِمَ صَنَعْتَ هٰذَا فَقَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَيْبَسَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چرا کردی تو این فعل را پس گفت کردم باُمید آنکه سبک گردانیده شود عذاب ازان دو قبر تا آنکه تر باشند متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّقُوا

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بپرهیزید

اللَّاعِنَيْنِ قَالُوا وَمَا اللَّاعِنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از دو کار که سبب لعنت میشوند گفتند چیست آن دو کار ای پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

قَالَ الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

فرمود آنکه قضاء حاجت میکند در راه مردم یا در سایه ایشان رواه مسلم و روایت است از

أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ

انس رض گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم چون میخواست که درآید در متوضا

نَزَعَ خَاتَمَهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ أَبُو دَاوُدَ هٰذَا

می کشید انگشتری خود را رواه ابو داؤد و نسائی و ترمذی و گفت ابو داؤد این

حَدِيثٌ مُنْكَرٌ وَفِي رِوَايَةٍ وَضَعَ بَدَلَ نَزَعَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ

حدیث منکر است و در روایت دیگر وضع آمده است در بدل نزع و مرویست از زید ابن ارقم رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ هٰذِهِ الْحُشُوشَ مُحْتَضَرَةٌ فَإِذَا أَتَى

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بدرستی که این انجاها جای حاضر شدن جن و شیاطین اند پس چون بیاید

أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

یکے از شما بخلانہ را باید کہ پناہ بجوید و بگوید این کلمہ را کہ اعوذ باللہ من الخبث والخبائث روا ه ابو داود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و ابن ماجہ و روایت است از علی رضی اللہ عنہ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

سِتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ أَنْ

پردہ میان چشمہای جن و اندام شرم آدمیان چون در آید یکے از شما محل قضای حاجت را اینست

يَقُولَ بِسْمِ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَمَّا قَدِمَ

کہ بگوید بسم اللہ روا ه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رضی اللہ عنہ گفت ہر گاہ کہ آمدند

وَفْدُ الْجِنِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ انْهَ أُمَّتَكَ

ایلچیان پریان بر آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفتند اے پیغامبر خدا منع کن امت خود را

أَنْ يَسْتَنْجُوا بِعَظْمٍ أَوْ رَوْثَةٍ أَوْ حُمَمَةٍ فَإِنَّ اللّٰهَ جَعَلَ لَنَا فِيهَا رِزْقًا

از استنجا کردن ایشان باستخوان یا سرگین یا انگشت زیرا کہ خدا تعالی گردانیده برای ما دران چیز روزی

فَنَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذٰلِكَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

پس نہی کرد ما را پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ازان روا ه ابو داود

بَابُ السِّوَاكِ

این باب در بیان مسواک کردن است

عَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرٌ

روایت است از عائشہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم دہ خصلت

مِنَ الْفِطْرَةِ قَصُّ الشَّارِبِ وَإِعْفَاءُ اللِّحْيَةِ وَالسِّوَاكُ وَاسْتِنْشَاقُ

از فطرت است کوتاه کردن سبلت و فرو گذاشتن ریش و مسواک کردن و آب در بینی

الْمَاءِ وَقَصُّ الْأَظْفَارِ وَغَسْلُ الْبَرَاجِمِ وَنَتْفُ الْإِبْطِ وَحَلْقُ الْعَانَةِ

کردن و گرفتن ناخنہا و شستن بندہای انگشتان و برکندن موی بغل و ستردن موے زہار

وَانْتِقَاصُ الْمَاءِ يَعْنِي الْاِسْتِنْجَاءَ قَالَ الرَّاوِي وَنَسِيتُ الْعَاشِرَةَ اِلَّا اَنْ

وکم کردن آبست یعنی راوی گوید مراد استنجا باشد وگفت راوی حدیث وفراموش کردم خصلت دهم را مگر آنکه

تَكُونَ الْمَضْمَضَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

باشد مضمضه رواه مسلم وهر روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم مسواک پاک کننده است مر دهن را وراضی کننده است پروردگار را رواه

الشَّافِعِيُّ وَاَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ بِلَا اِسْنَادٍ

الشافعی واحمد والدارمی والنسائی وروایت کرد بخاری در صحیح خود بغیر از اسناد

وَعَنْ اَبِي اَيُّوبَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرْبَعٌ

وهر روایت است از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت اند

مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ اَلْحَيَاءُ وَيُرْوَى الْخِتَانُ وَالتَّعَطُّرُ وَالسِّوَاكُ

از سنتهای پیغمبران سابق یکی حیا است وروایت کرده می شود ختان بجای حیا دوم استعمال بوی خوش نمودن سوم مسواک

وَالنِّكَاحُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِي اُمَامَةَ رض اَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

وچهارم نکاح کردن است رواه ترمذی وروایت است از ابی امامه رض بدرستیکه پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا جَاءَنِي جِبْرِيلُ قَطُّ اِلَّا اَمَرَنِي بِالسِّوَاكِ

صلی الله علیه وسلم گفت نیامد جبرئیل هرگز مگر آنکه امر کرد مرا بمسواک کردن

لَقَدْ خَشِيتُ اَنْ اُحْفِيَ مُقَدَّمَ فِيَّ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ

هر آئینه ترسیدم از بس مبالغه کردنست کنم پیش دهان خود را رواه احمد وهر روایت است از انس رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ اَكْثَرْتُ عَلَيْكُمْ فِي السِّوَاكِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه بتحقیق بسیار کردم بر شما سخن از جهت مسواک رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَفْضُلُ الصَّلٰوةُ

وهر روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زیاده می شود در ثواب نمازیکه

الَّتِي يُسْتَاكُ لَهَا عَلَى الصَّلٰوةِ الَّتِي لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِينَ ضِعْفًا رَوَاهُ

مسواک کرده شد برای وی بر نمازیکه مسواک کرده نمیشود برای وی هفتاد چند روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى ابْنِ حَبَّانَ قَالَ قُلْتُ

بیهقی در شعب ایمان و مرویست از محمد بن یحیی ابن حبان رض گفت گفتم

لِعُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ اَرَأَيْتَ وُضُوْءَ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ

من مر عبید الله بن عبد الله بن عمر را خبر ده مرا از وضوء عبد الله بن عمر

لِكُلِّ صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ عَمَّنْ اَخَذَهُ فَقَالَ حَدَّثَتْهُ اَسْمَاءُ

برای هر نماز وضو باشد یا بے وضو از که گرفته است پس گفت که حدیث کرد اسماء

بِنْتُ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ اَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ حَنْظَلَةَ ابْنِ اَبِي عَامِرٍ الْغَسِيْلِ

دختر زید بن خطاب بدرستیکه عبد الله بن حنظله بن ابی عامر غسیل

حَدَّثَهَا اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اُمِرَ بِالْوُضُوْءِ لِكُلِّ

حدیث کرد اسما بنت زید را بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود امر کرده شده بوضو برای هر

صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذٰلِكَ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نماز باوضو باشد یا بے وضو پس هرگاه که سخت آمد آن بر پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلٰوةٍ وَوُضِعَ عَنْهُ الْوُضُوْءُ اِلَّا مِنْ

علیه وسلم امر کرده شد بمسواک کردن نزدیک هر نماز و نهاده شد از ذمه شریف آنحضرت وضو مگر

حَدَثٍ قَالَ فَكَانَ عَبْدُ اللّٰهِ يَرٰى اَنَّ بِهٖ قُوَّةً عَلٰى ذٰلِكَ فَفَعَلَهُ حَتّٰى

از جهة بیوضوئے گفت عبید الله پس عبد الله را اعتقاد میکرد که در وی توانست بر این پس میکرد آنکار را تا آنکه

مَاتَ رَوَاهُ اَحْمَدُ كِتَابُ الصَّلٰوةِ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ

مرد روایه احمد این کتاب صلوة است و بر پا دارید نماز را

وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ

و بدهید زکوة را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود و مدد طلبید بشکیبائی

وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخٰشِعِيْنَ الَّذِيْنَ يَظُنُّوْنَ اَنَّهُمْ مُّلٰقُوْا

و نماز و ہر آئینہ نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکہ میدانند کہ ایشان ملاقات خواہند کرد

رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ حٰفِظُوْا عَلَى الصَّلَوٰتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى

با پروردگار خویش و آنانکہ ایشان بسوی وی باز خواہند گشت محافظت کنید بر ہمہ نمازہا و بر نماز میانہ

وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قٰنِتِيْنَ فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوْعِ

و بایستید برای خدا فرمان بردار شدہ پس صبر کن بر انچہ میگویند و بپاکی یاد کن ہمراہ ستایش پروردگار خود

الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوْبِ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُوْدِ

آفتاب پیش از فرو شدن و در بعضے اوقات شب پس بپاکے یاد کن خدا را و عقب نماز نیز

بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّرْغِيْبِ فِيْهَا

باب احادیثے کہ در ترغیب آن وارد شدند

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ

ہر آئینہ کسانیکہ ایمان آوردند و کردند کارہای شایستہ و برپا داشتند نماز را و دادند زکوۃ را مر ایشان راست

اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ اَقِمِ الصَّلٰوةَ

مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نہ ایشان اندوہگین شوند برپا دار نماز را

لِدُلُوْكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ كَانَ

وقت زوال آفتاب تا ہجوم تاریکی شب و لازم گیر قرآن خواندن فجر را ہر آئینہ قرآن خواندن فجر را

مَشْهُوْدًا عَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ سَاَلْتُ النَّبِيَّ

حاضر میشوند فرشتگان روایت است از ابن مسعود رضی اللہ تعالی عنہ گفت پرسیدم پیغامبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الْاَعْمَالِ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الصَّلٰوةُ لِوَقْتِهَا

صلے اللہ علیہ وسلم کدام عمل از عملہا محبوب تر است نزد خدا گفت نماز گزاردن در وقتش

قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

گفتم پس تر کدام گفت نیکے کردن بما در و پدر گفتم پس تر کدام فرمود کارزار کردن با کافران در راہ خدا

قَالَ حَدَّثَنِیْ بِهِنَّ وَلَوِ اسْتَزَدْتُهٗ لَزَادَنِیْ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ اَبِیْ ذَرٍّ

گفت ابن مسعود حدیث کرد مرا آنحضرت باین اعمال اگر طلب زیادہ میکردم از آنحضرت ہر آئینہ زیادہ میکرد متفق علیہ مروی ست از

اَنَّ النَّبِیَّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ زَمَنَ الشِّتَآءِ وَالْوَرَقُ تَهَافَتُ

ابوذر ست کہ پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بیرون آمد در زمستان و حال آنکہ برگہائے درختان می افتاد پیاپے

فَاَخَذَ بِغُصْنَیْنِ مِنْ شَجَرَةٍ قَالَ فَجَعَلَ ذٰلِكَ الْوَرَقُ تَهَافَتُ وَقَالَ

پس گرفت آنحضرت دو شاخ را از درختی گفت ابوذر پس افتادن گرفت برگہای آن درخت بیشتر از آنکہ بطور خود می

فَقَالَ یَا اَبَا ذَرٍّ قُلْتُ لَبَّیْكَ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ

پس فرمود آنحضرت ای ابوذر گفتم بخدمت استادہ ام ای رسول خدا فرمود ہر آئینہ ہر بندہ مسلمان

لَیُصَلِّی الصَّلٰوةَ یُرِیْدُ بِهَا وَجْهَ اللّٰهِ تَعَالٰی فَتَهَافَتُ عَنْهُ ذُنُوْبُهٗ كَمَا

ہر آئینہ میگذارد نماز را در حالیکہ میخواہد بآن نماز ذات خدا تعالیٰ پس پیاپے می افتد از بندہ گناہان او چنانکہ

تَهَافَتُ هٰذَا الْوَرَقُ عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ زَیْدِ بْنِ

مے افتد این برگہا از این درخت روا احمد و مروی ست از زید بن

خَالِدِ الْجُهَنِیِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰی

خالد جہنی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگذارد

سَجْدَتَیْنِ لَا یَسْهُوْ فِیْهِمَا غَفَرَ اللّٰهُ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ رَوَاهُ

دو رکعت را کہ سہو و غفلت نکند دران بیامرزد خدا مر او را ہر چہ گذشتہ است از گناہ وے رواہ

اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

احمد و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اَلصَّلٰوةُ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ اِلَی الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانُ اِلٰی رَمَضَانَ

نمازہای پنجگانہ و نماز جمعہ تا جمعہ دیگر و روزہ رمضان تا رمضان دیگر

مُكَفِّرَاتٌ لِّمَا بَیْنَهُنَّ اِذَا اجْتُنِبَتِ الْكَبَآئِرُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ

محو کنندہ اند گناہان را کہ واقع شدہ اند میان آنہا وقتیکہ پرہیز کنے از گناہان کبیرہ رواہ مسلم و ہم از ابی ہریرہ است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أرأيتم لو أن نهرا بباب أحدكم

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم خبر دہید مرا اگر ثابت شود کہ جوی روان است بر در خانہ یکے از شما

يغتسل فيه كل يوم خمسا هل يبقى من درنه شيء قالوا لا يبقى من

کہ غسل میکند وی در آن جوی ہر روز پنج وقت آیا باقی می ماند از چرک وے ہیچ گفتند باقی نمی ماند

درنه شيء قال فذلك مثل الصلوات الخمس يمحو الله بهن الخطايا

از چرک وے ہیچ چیزے فرمود پس آنحال نمازہای پنجگانہ است کہ محو میکند خدا تعالے بآنہا گناہان

متفق عليه وعن عبادة بن الصامت رض قال قال رسول الله

متفق علیہ و روایت است از عبادہ بن صامت رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم خمس صلوات افترضهن الله تعالى من أحسن

صلے اللہ علیہ وسلم پنج نماز است کہ فرض گردانیدہ است آنہارا خدا تعالے کسیکہ نیک کند

وضوءهن وصلاهن لوقتهن وأتم ركوعهن وخشوعهن كان

وضوء آن نمازہا و بگذارد آنہارا در وقت شان و بتمام بجاآرد رکوع شان و خشوع و خضوع شان میباشد

له على الله عهد أن يغفر له ومن لم يفعل فليس له على الله

مر او را بر خدا تعالے عہد کہ بیامرزد مر او را و کسے کہ نکند آنرا و نگذارد نماز بر آن وجہ پس نیست مر او را بر خدا

عهد إن شاء غفر له وإن شاء عذبه رواه أحمد وأبو داود وروى

عہد لازم اگر بخواہد آمرزد او را و اگر بخواہد عذاب کند او را روایت کرد احمد و ابوداود و روایت کرد

مالك والنسائي نحوه وعن أبي أمامة رض قال قال رسول الله

مالک و نسائی مانند آن و روایت است از ابی امامہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم صلوا خمسكم وصوموا شهركم وأدوا زكوة

صلے اللہ علیہ وسلم بگذارید پنج نماز خود را و روزہ دارید ماہ خود را کہ رمضان است و بدہید زکوۃ

أموالكم وأطيعوا ذا أمركم تدخلوا جنة ربكم رواه أحمد والترمذي

مالہائے خود را و فرمانبردار بے کنید خداوند امر خود را تا درآئید بہشت پروردگار خود را روایت کرد احمد و الترمذی

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ اِنَّ رَجُلًا اَصَابَ مِنِ امْرَأَةٍ قُبْلَةً فَاَتَى

و مرویست از ابن مسعود رض گفت بدرستیکه مردی رسید از زنی بوسه را پس آمد

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاَخْبَرَهٗ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ تَعَالٰى وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ

پیغمبر را صلی الله علیه وسلم پس خبر داد آنحضرت را پس فرو فرستاد خدای تعالی این آیه را و برپا دار نماز

طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ

در هر دو طرف روز و بگذار نماز در چند ساعت که نزدیک روز اند بدرستیکه نیکیها می برند بدیها را

فَقَالَ الرَّجُلُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَلِيْ هٰذَا قَالَ لِجَمِيْعِ اُمَّتِيْ كُلِّهِمْ وَفِيْ رِوَايَةٍ

پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا آیا مراست این حکم فرمود آنحضرت مر همه امت مراست و در روایت دیگر این چنین است

لِمَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ اُمَّتِيْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَارَةَ بْنِ رُوَيْبَةَ

مر هر کس را که عمل کند بحسنات از امت من متفق علیه و مرویست از عمارة بن رویبه

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ لَنْ يَّلِجَ النَّارَ اَحَدٌ

گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت البته در نیاید آتش دوزخ را کسیکه

صَلّٰى قَبْلَ طُلُوْعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوْبِهَا يَعْنِي الْفَجْرَ وَالْعَصْرَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

نماز گذارده است پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب یعنی نماز فجر و نماز عصر را رواه مسلم

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَتَعَاقَبُوْنَ فِيْكُمْ مَلٰئِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلٰئِكَةٌ بِالنَّهَارِ وَيَجْتَمِعُوْنَ فِيْ

در پی یکدیگر فرود می آیند در میان شما جماعت فرشتگان در شب و جماعت از فرشتگان در روز و جمع میشوند این جماعت

صَلٰوةِ الْفَجْرِ وَصَلٰوةِ الْعَصْرِ ثُمَّ يَعْرُجُ الَّذِيْنَ بَاتُوْا فِيْكُمْ فَيَسْئَلُهُمْ

نماز فجر و در نماز عصر پس بالا میروند آن کسانیکه شب کردند در میان شما پس می پرسد ایشان را

رَبُّهُمْ وَهُوَ اَعْلَمُ بِهِمْ كَيْفَ تَرَكْتُمْ عِبَادِيْ فَيَقُوْلُوْنَ تَرَكْنَاهُمْ

پروردگار ایشان و حال آنکه وی تعالی داناتر است باحوال بندگان چگونه گذاشتید بندگان مرا پس میگویند گذاشتیم ایشان را

وَهُمْ يُصَلُّوْنَ وَاٰتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

درحالیکه ایشان نماز میکردند و آمدیم درحالیکه ایشان نماز میکردند متفق علیه و مرویست از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بدانند مردم ثوابی که در اذان گفتن است

وَالصَّفِّ الْاَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوْا اِلَّا اَنْ يَّسْتَهِمُوْا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوْا وَلَوْ

و دریافتن صف اول پستر نیابند مگر آنکه قرعه بیندازند بران هر آئینه قرعه می اندازند و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِي التَّهْجِيْرِ لَاسْتَبَقُوْا اِلَيْهِ وَلَوْ يَعْلَمُوْنَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ

بدانند فضیلتی که در نیم روز رفتن است هر آئینه پیشی میجویند بسوی آن اگر بدانند فضیلتی که در گزاردن نماز عشا و صبح است

لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

هر آئینه بیایند آنرا رونده بر هر دو دست و سینه متفق علیه و مرویست از وی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ صَلٰوةٌ اَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِيْنَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ

علیه وسلم نیست هیچ نمازی گران تر بر منافقان از نماز بامداد و نماز خفتن و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِيْهِمَا لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُثْمَانَ

بدانند ثوابی که درین دو نماز است هر آئینه می آمدند این دو نماز را اگرچه بطریق حبو باشند و مرویست از عثمان رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِيْ جَمَاعَةٍ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز عشا را بجماعت

فَكَاَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِيْ جَمَاعَةٍ فَكَاَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ

پس چنانکه نماز گذارد نیم شب و کسیکه بگذارد نماز فجر بجماعت پس گویا نماز گذارد تمام شب

كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت کرد مسلم و مرویست از سلمان رض گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ غَدَا اِلٰى صَلٰوةِ الصُّبْحِ غَدَا بِرَايَةِ الْاِيْمَانِ وَمَنْ غَدَا

وسلم که میگفت کسیکه بامداد میرود بسوی نماز بامداد میرود برایت ایمان و کسیکه بامداد برود

إِلَى السُّوقِ غَدَا بِرَايَةِ إِبْلِيسَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ

بسوے بازار میرود برایت ابلیس رواه ابن ماجه و مرویست از ابن عمر رضی الله عنه گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجْعَلُوا فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ صَلَوَاتِكُمْ

فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه و سلم بگردانید در خانهاے خود چیزے از نماز هاے شما

وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ

و مگیرید خانهاے خود را مانند گور متفق علیه و مرویست از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ

پیغامبر خدا صلے الله علیه و سلم که نزدیکترین بودن بنده از آفریدگار خود حاصل است در حالیکه بنده

سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

سجده کننده است پس زیاده کنید دعا در حال سجده رواه مسلم و مرویست از و رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَرَأَ ابْنُ آدَمَ السَّجْدَةَ فَسَجَدَ اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ

صلے الله علیه و سلم چون میخواند آدمی زاد آیت سجده را پس سجده میکند گوشه میگیرد دیو لعین

يَبْكِي يَقُولُ يَا وَيْلَتَى أُمِرَ ابْنُ آدَمَ بِالسُّجُودِ فَسَجَدَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَأُمِرْتُ

در حالیکه میگرید میگوید اے اندوه و امر کرده شد آدمی زاد بسجده پس سجده کرد پس مر او راست بهشت و امر کرده شدم

بِالسُّجُودِ فَأَبَيْتُ فَلِيَ النَّارُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ رَبِيعَةَ بْنِ كَعْبٍ

بسجده پس سر باز زدم از سجده پس دوزخ شد مرا آتش رواه مسلم و روایت است از ربیعه بن کعب رض

قَالَ كُنْتُ أَبِيتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَتَيْتُهُ بِوَضُوئِهِ

گفت بودم من که شب میگزاردم با آنحضرت صلے الله علیه و سلم پس آوردم برائے آنحضرت آب وضو را

وَحَاجَتِهِ فَقَالَ لِي سَلْ فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ مُرَافَقَتَكَ فِي الْجَنَّةِ قَالَ أَوَ غَيْرَ

و میکردم خدمتهاے دیگر او را پس فرمود مرا بخواه گفتم میخواهم از تو همراه تو بودن در بهشت فرمود چیزی دیگر جز آن

ذٰلِكَ قُلْتُ هُوَ ذَاكَ قَالَ فَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

که این مرتبه بس عظیم است گفتم مقصود من همانست فرمود پس یاری ده مرا بر نفس خود به بسیار کردن سجده رواه مسلم

وعن معدان بن طلحة قال لقيت ثوبان مولى رسول الله صلى الله
ودر روایت از معدان بن طلحه رضی گفت پیش آمدم ثوبان را که آزاد کردۂ آنحضرت صلے الله
عليه وسلم فقلت اخبرني بعمل اعمله يدخلني الله به الجنة فسكت
علیه وسلم بود پس گفتم خبر ده مرا از کارے که کنم آن کار را تا در آرد مرا خدا تعالی بسبب آن کار بهشت را پس
ثم سألته فسكت ثم سألته الثالثة فقال سألت عن ذلك رسول الله
باز پرسیدم او را پس خاموش ماند پستر پرسیدم او را بار سوم پس گفت پرسیدم من ازین عمل پیغامبر خدا را
صلى الله عليه وسلم فقال عليك بكثرة السجود فانك لا تسجد لله
صلے الله علیه وسلم پس فرمود بر تو باد که بسیار سجده کنے پس بدرستیکه تو نے کنے مر خدا را
سجدة الا رفعك الله بها درجة وحط عنك بها خطيئة قال
سجده مگر آنکه بر میدارد ترا خدا تعالے بسبب آن سجده پایۂ بزرگ وکم میکند از تو بسبب آن سجده گناه باز گفت
معدان ثم لقيت ابا الدرداء فسألته فقال لي مثل ما قال لي ثوبان
معدان پستر ملاقات کردم ابو درداء را پس پرسیدم او را نیز پس گفت مرا مانند آنچه که گفته بود مرا ثوبان
رواه مسلم وعن ابن عمر قال كانت الصلوة خمسين والغسل
رواه مسلم ودر روایت است از ابن عمر رضی گفت بوده است نماز پنجاه گانه وغسل
من الجنابة سبع مرات وغسل البول من الثوب سبع مرات فلم يزل
از جنابت هفت مرتبه وشستن نشاشه از پارچه هفت بار پس همیشه بود
رسول الله صلى الله عليه وسلم يسأل حتى جعلت الصلوة خمسا وغسل
رسول خدا صلے الله علیه وسلم که سوال میکرد تا آنکه گردانیده شد نماز پنجگانه وغسل
الجنابة مرة وغسل الثوب من البول مرة رواه ابو داود
از جنابت یک مرتبه وشستن ثیاب از بول یک مرتبه رواه ابو داؤد

باب ما جاء في اثم تارك الصلوة

باب احادیثے که وارد شده است در گناه ترک کننده نماز

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ

و مروی است از ابی ہریرہ رض گفت شنیدم از پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم که میگفت بدرستیکه

اَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنْ عَمَلِهٖ صَلٰوتُهٗ فَاِنْ صَلُحَتْ

نخستین چیزیکه محاسبه کرده شود بسبب آن چیز بنده روز قیامت از عمل او نماز اوست پس اگر درست شد نماز

فَقَدْ اَفْلَحَ وَاَنْجَحَ وَاِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ فَاِنِ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيْضَتِهٖ شَيْءٌ

پس بتحقیق فلاح و نجات یافت آن مرد و اگر فاسد شد آن نماز پس بتحقیق نا امید و خاسر شد آن مرد پس اگر ناقص شود از فریضهٔ آن بنده چیزے

قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اُنْظُرُوْا هَلْ لِعَبْدِيْ مِنْ تَطَوُّعٍ فَيُكَمَّلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ

بگوید پروردگار تبارک و تعالے به بینید آیا هست مر بنده مرا چیزے از نفل تا کامل کرده شود بسبب آن نفل آنچه ناقص شده

مِنَ الْفَرِيْضَةِ ثُمَّ يَكُوْنُ سَائِرُ عَمَلِهٖ عَلٰى ذٰلِكَ وَفِيْ رِوَايَةٍ ثُمَّ الزَّكٰوةُ

از فرض و پستر می باشد باقی عمل او برین طور و در روایت دیگر همچنین است پستر زکوة

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ تُؤْخَذُ الْاَعْمَالُ عَلٰى حَسَبِ ذٰلِكَ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَرَوَاهُ

مانند آن پستر مواخذه کرده شود اعمال برین طریق روایت ابوداؤد و روایت

اَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ طَلْقِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَنَفِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

احمد از مردے و روایت است از طلق بن علے حنفے رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اِلٰى صَلٰوةِ عَبْدٍ لَا يُقِيْمُ فِيْهَا صُلْبَهٗ

اللہ علیہ و سلم قبول نمیکند خدا برتر نماز بنده را که راست نمیکند استخوان پشت خود را

بَيْنَ خُشُوْعِهَا وَسُجُوْدِهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

در رکوع و سجود نماز روایت احمد و مرویست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِيْ تَفُوْتُهٗ صَلٰوةُ الْعَصْرِ فَكَاَنَّمَا وُتِرَ اَهْلُهٗ

صلے اللہ علیہ و سلم آن کسیکه فوت گردد او را نماز عصر گویا نقصان کرده شد اهل خانهٔ او

وَمَالُهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و مال آنکس متفق علیه و از بریده مروی است که گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ صَلٰوةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیہ وسلم کسیکہ ترک کند نماز عصر دیدہ و دانستہ پس تحقیق باطل شود تمام عمل او رواہ بخاری

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ اَوْصَانِيْ خَلِيْلِيْ اَنْ لَّا تُشْرِكَ بِاللّٰهِ شَيْئًا

و روایت ست از ابی ذر گفت وصیت کرد مرا دوست من کہ شریک مگردان بخدا چیزے را

وَاِنْ قُطِّعْتَ وَحُرِّقْتَ وَلَا تَتْرُكْ صَلٰوةً مَّكْتُوْبَةً مُّتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا

اگرچہ پارہ پارہ کردہ شوے و سوختہ شوے و ترک مکن نماز فرض را دیدہ و دانستہ پس ہرکہ ترک کند نماز فرض را

مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ وَلَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَاِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ

دیدہ و دانستہ پس بیزار شد از وی عہد مسلمانی و منوش شراب را پس بدرستیکہ آن کلید ہمہ

شَرٍّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ شَقِيْقٍ قَالَ كَانَ اَصْحَابُ

بدی ست رواہ ابن ماجہ و روایت ست از عبد اللہ بن شقیق رض گفت بودند یاران

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَرَوْنَ شَيْئًا مِّنَ الْاَعْمَالِ تَرْكُهٗ كُفْرًا

پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم اعتقاد نمیکردند ہیچ عملے را کہ ترک وے کفر باشد

غَيْرَ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض

جز نماز رواہ ترمذی و روایت ست از عبد اللہ بن عمرو بن عاص رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ ذَكَرَ الصَّلٰوةَ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافَظَ

از پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کہ آنحضرت ذکر کردہ نماز را روزے پس فرمود کسیکہ نگاہبانی کند

عَلَيْهَا كَانَتْ لَهٗ نُوْرًا وَّبُرْهَانًا وَّنَجَاةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَّمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا

بر نماز باشد مر او را نماز سبب روشنائی و حجت قوی و نجات روز قیامت و کسیکہ محافظت نکند بر نماز

لَمْ تَكُنْ لَّهٗ نُوْرًا وَّلَا بُرْهَانًا وَّلَا نَجَاةً وَّكَانَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ قَارُوْنَ وَ

نباشد مرو یرا نور و نہ حجت و نہ سبب رستگاری و باشد آنکس روز قیامت با کافران کہ قارون و

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَاُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ

فرعون و ہامان ست و ابی ابن خلف کہ اشقیای امت ست روایت کرد آنرا احمد و دارمی و بیہقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ
در شعب الایمان و روایت ست از عمرو بن شعیب وا و از پدر خود وا و از جد او رضـ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلٰوةِ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کنید فرزندان خود را بنماز گذاردن
وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ وَ
و ایشان هفت ساله باشند و بزنید فرزندان خود را بر گذاردن نماز چون ده ساله شوند و
فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَكَذَا رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ عَنْهُ
جدا کنید میان فرزندان در خوابگاه روایت کرد این حدیث را ابو داود و همچنین روایت کرده است در شرح السنہ از عمرو بن شعیب
وَفِي الْمَصَابِيحِ عَنْ سَبْرَةَ بْنِ مَعْبَدٍ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
و در مصابیح روایت کرد از سبره بن معبد و روایت ست از بریده رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلٰوةُ فَمَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ
صلی الله علیه وسلم عهد و امانتیکه درمیان ما و میان منافقان ہست نماز ہست پس کسیکه گذارد نماز را
فَقَدْ كَفَرَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
پس تحقیق ظاهر شد کفر او روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه
وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت ست از جابر رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
حدیکه واقع شده ست میان بنده و میان کفر همین نماز ہست روایت کرد اینحدیث را مسلم

بَابُ تَعْجِيلِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که در فضیلت عجلت نماز وارد شده اند

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ ۵
نگاه دارید بر همه نمازها و بر نماز میانه که نماز عصر ست و بایستید برای خدا فرمانبردار شده

وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْوَقْتُ الْاَوَّلُ
وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اول وقت
مِنَ الصَّلٰوةِ رِضْوَانُ اللّٰهِ وَالْوَقْتُ الْاٰخِرُ عَفْوُ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
از نماز سبب رضای خدا تعالی است و گذاردن نماز در آخر وقت عفو خداست رواه ترمذی وروایت است
عَلِيٍّ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَا عَلِيُّ ثَلٰثٌ لَا تُؤَخِّرْهَا الصَّلٰوةُ
از علی رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ای علی سه خصلت است تاخیر مکن دران یکی نماز
اِذَا اَتَتْ وَالْجَنَازَةُ اِذَا حَضَرَتْ وَالْاَيِّمُ اِذَا وَجَدْتَّ لَهَا كُفُوًا رَوَاهُ
چون بیاید دوم جنازه وقتیکه حاضر شود سوم زن بی شوهر وقتیکه بیابی مراورا کفو رواه
التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيْجٍ قَالَ كُنَّا نُصَلِّي الْمَغْرِبَ مَعَ رَسُوْلِ اللّٰهِ
ترمذی وروایت است از رافع بن خدیج رض گفت بودیم ما که میگذاردیم نماز مغرب را با پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَنْصَرِفُ اَحَدُنَا وَاِنَّهُ لَيُبْصِرُ مَوَاقِعَ نَبْلِهٖ مُتَّفَقٌ
صلی الله علیه وسلم پس میگشت یکی از ما وحال آنکه وی هر آئینه میدید جای افتادن تیر خود را متفق
عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ اَيُّوْبَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
علیه وروایت است از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم
لَا يَزَالُ اُمَّتِيْ بِخَيْرٍ اَوْ قَالَ عَلَى الْفِطْرَةِ مَا لَمْ يُؤَخِّرُوا الْمَغْرِبَ اِلٰى اَنْ
همیشه اند امت من پیوسته به نیکی یا گفت همیشه اند بر آفرینش اسلام مادام که تاخیر نکنند نماز مغرب را تا آنکه
تَشْتَبِكَ النُّجُوْمُ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيْرٍ رض قَالَ
مختلط شوند ستارها رواه ابوداود وروایت از نعمان بن بشیر رض گفت
اَنَا اَعْلَمُ بِوَقْتِ هٰذِهِ الصَّلٰوةِ صَلٰوةِ الْعِشَاءِ الْاٰخِرَةِ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
من داناترم بوقت این نماز که نماز عشاء پسین باشد میگذارد پیغامبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّيْهَا لِسُقُوْطِ الْقَمَرِ لِثَالِثَةٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ
صلی الله علیه وسلم آنرا در وقت افتادن ماه و غروب وی در شب سوم رواه ابوداود و دارمی

وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيْجٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از رافع بن خدیج رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَسْفِرُوْا بِالْفَجْرِ فَاِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْأَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ

اسفار کنید در فجر در روشنی بگذارید آنرا پس بدرستیکه اسفار بزرگتر است از جهت مزد و ثواب روایت کرد آنرا ترمذی و ابوداود و دارمی

وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اشْتَدَّ

و روایت از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه سخت شود

الْحَرُّ فَأَبْرِدُوْا بِالصَّلٰوةِ وَفِيْ رِوَايَةٍ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِيْ سَعِيْدٍ بِالظُّهْرِ

گرمی پس سرد کنید بنماز و در روایت بخاری از ابی سعید لفظ بالظهر وارد

فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ وَاشْتَكَتِ النَّارُ إِلٰى رَبِّهَا فَقَالَتْ

زیرا که سختی گرمی از جوشیدن دوزخ است و گله کرد آتش بسوی پروردگار خود پس گفت

يَا رَبِّ أَكَلَ بَعْضِيْ بَعْضًا فَأَذِنَ لَهَا بِنَفَسَيْنِ نَفَسٍ فِي الشِّتَاءِ

ای پروردگار من خورد اجزاء من یکدیگر را پس دستوری داد پروردگار مر آتش را بدو نفس یکی در زمستان

وَنَفَسٍ فِي الصَّيْفِ أَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ مِنَ الْحَرِّ وَأَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ

و دمی دیگر در تابستان سخت تر آنچه می یابید شما از گرمی و سخت تر آنچه می یابید شما

مِنَ الزَّمْهَرِيْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلْبُخَارِيِّ فَأَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ

از سرد سرمای از آن دو نفس است متفق علیه و در روایت دیگر مر بخاری را چنین آمده است پس سخت تر آنچه می یابید

مِنَ الْحَرِّ فَمِنْ سَمُوْمِهَا وَأَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ مِنَ الْبَرْدِ فَمِنْ زَمْهَرِيْرِهَا

از گرمی پس از دم گرم آتش است و سخت تر آنچه می یابید شما از سردی پس از دم سرد اوست

بَابُ فَضْلِ الْأَذَانِ وَإِجَابَةِ الْمُؤَذِّنِ

عَنْ أَبِيْ سَعِيْدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يسمع مدى صوت المؤذن جن ولا انس ولا شيء الا شهد له

وسلم نمی شنوند غایت آواز موذن را نه جن ونه انس ونه هیچ شیء مگر آنکه گواهی میدهد برای او

يوم القيمة رواه البخاري وعن معاوية قال سمعت رسول الله صلى

روز قیامت روایت کرد آنرا بخاری و مرویست از معاویه رضی الله عنه گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی

الله عليه وسلم يقول المؤذنون اطول الناس اعناقا يوم القيمة رواه مسلم

الله علیه وسلم که میگفت موذنان گردن دراز ترند از مردمان روز قیامت روایت کرد آنرا مسلم

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نودي

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه آواز کرده میشود

للصلوة ادبر الشيطان له ضراط حتى لا يسمع التاذين فاذا قضي

برای نماز پشت میدهد شیطان و حالیکه تیز میزند تا نشنود اذان را پس چون تمام کرده میشود

النداء اقبل حتى اذا ثوب بالصلوة ادبر حتى اذا قضي التثويب اقبل

اذان پیش می آید تا آنکه وقتیکه اقامت گفته شود برای نماز پشت میدهد تا آنکه چون تمام کرده شد اقامت حاضر می آید

حتى يخطر بين المرء ونفسه يقول اذكر كذا اذكر كذا لما لم يكن يذكر

تا آنکه وسوسه می اندازد در میان مرد و میان نفس او میگوید یاد کن چنین را یاد کن چنان را برای چیزیکه نبود یاد داشت

حتى يظل الرجل لا يدري كم صلى متفق عليه وعن ابي هريرة قال

تا آنکه میگردد مرد چنانکه در نمی یابد که چند رکعت گزارده است متفق علیه مرویست از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الامام ضامن والمؤذن مؤتمن

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امام برخود گیرنده است کار را و موذن امانت دار است

اللهم ارشد الائمة واغفر للمؤذنين رواه احمد وابو داود والترمذي

خدایا راه راست نما امامانرا و بیامرز موذنانرا روایت کرد آنرا احمد و ابوداود و ترمذی

والشافعي وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و شافعی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ اَذَّنَ سَبْعَ سِنِيْنَ مُحْتَسِبًا كُتِبَ لَهٗ بَرَاءَةٌ مِّنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
کسیکه اذان گوید هفت سال برای طلب اجر نوشته شود برای او بیزاری از آتش دوزخ روایه ترمذی
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
وابن ماجه و روایت است از عقبه بن عامر رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْجَبُ رَبُّكَ مِنْ رَاعِيْ غَنَمٍ فِيْ رَأْسِ شَظِيَّةٍ لِلْجَبَلِ يُؤَذِّنُ
علیه وسلم عجب دارد پروردگار تو از چراننده گوسفندان در سر بلندی کوه که اذان میگوید
بِالصَّلٰوةِ وَيُصَلِّيْ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ انْظُرُوْا اِلٰى عَبْدِيْ هٰذَا يُؤَذِّنُ
برای نماز و میگذارد نماز را پس میگوید خدای بزرگ بفرشتگان نظر کنید بسوی بنده من که اینست اذان میگوید
وَيُقِيْمُ الصَّلٰوةَ يَخَافُ مِنِّيْ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِيْ وَاَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ
و برپای دارد نماز را میترسد از من بتحقیق آمرزیدم این بنده خود را و در آوردم او را در بهشت روایه
اَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
ابوداود و نسائی و روایت است از ابن عمر رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ عَلٰى كُثْبَانِ الْمِسْكِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَبْدٌ اَدّٰى حَقَّ اللّٰهِ
علیه وسلم سه کس بر تلهای مشک در روز قیامت یکی بنده که گذارد حق خدا را
وَحَقَّ مَوْلَاهُ وَرَجُلٌ اَمَّ قَوْمًا وَهُمْ بِهٖ رَاضُوْنَ وَرَجُلٌ يُنَادِيْ بِالصَّلٰوةِ
و حق خداوند خود را و دیگر مردیکه امامت کرد گروهی را و ایشان از وی راضی بودند دیگر مردیکه اذان میگوید
الْخَمْسِ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ وَعَنْ
نماز را هر روز و شب روایه ترمذی و گفت این حدیث غریب است و روایت است از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْمُؤَذِّنُ يُغْفَرُ لَهٗ مَدٰى
ابی هریره رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بانگ نماز گوینده آمرزیده شود مر او را تا غایة
صَوْتِهٖ وَيَشْهَدُ لَهٗ كُلُّ رَطْبٍ وَّيَابِسٍ وَشَاهِدُ الصَّلٰوةِ يُكْتَبُ لَهٗ خَمْسٌ
آواز او و گواهی میدهد برای او هر تر و خشک و حاضر آینده نماز را نوشته میشود بیست و پنج

[illegible marginal notes]

وعشرون صلوٰة ويكفر عنه ما بينهما رواه احمد وابو داود وعن

نماز وبخشیده میشود ازوی گناهان که واقع میشوند میان هردو نماز روایت کرده احمد وابوداود در روایت است از

عثمان بن ابي العاص قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلني

عثمان بن ابی العاص رض گفت گفتم ای پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردان مرا

امام قومي قال انت امامهم واقتد باضعفهم واتخذ مؤذنا لا ياخذ

امام قوم من فرمود تو امام قومی واقتدا کن بضعیف ترین ایشان وبگیر موذنی را که نگیرد

على اذانه اجرا رواه احمد وابو داود وعن ابن عمر ان رسول الله صلى

بر اذان خود اجرت روایت کرده احمد وابو داود در روایت است از ابن عمر بدرستیکه پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم قال من اذن ثنتي عشرة سنة وجبت له الجنة و

الله علیه وسلم فرمود کسیکه اذان گوید دوازده سال واجب گردد مر او را بهشت

كتب له بتاذينه في كل يوم ستون حسنة وبكل اقامة ثلثون

ونوشته میشود مر او را بجزا اذان گفتن وی هر روز هر بار شصت نیکی ومر هر اقامت را سی

حسنة رواه ابن ماجة وعن سهل بن سعد قال قال رسول الله

نیکی روایت کرده ابن ماجه در روایت است از سهل ابن سعد رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ثنتان لا تردان الدعاء عند النداء وعند

صلی الله علیه وسلم دو چیز است که رد کرده نمیشود دعا نزد بانگ نماز ونزدیک

البأس حين يلحم بعضهم بعضا وفي رواية وتحت المطر رواه ابو داود

جنگ کافران وقتیکه بکشند بعضی ایشان بعض را ودر روایتی آمده که دعا زیر باران مقبول است رواه ابوداود

وعن ام سلمة قالت علمني رسول الله صلى الله عليه وسلم

در روایت است از ام سلمه رضی الله عنها گفت که تعلیم کرد مرا رسول الله صلی الله علیه وسلم

ان اقول عند اذان المغرب اللهم هذا اقبال ليلك وادبار نهارك

اینکه بخوانم نزد بانگ نماز شام ای بار خدا این وقت پیش آمدن شب تست ووقت پشت دادن روز تست

واصوات دعاتك فاغفرلي رواه ابوداود والبيهقي في الدعوات الكبير

و این آوازهای خوانندگان تست بعبادت پس بیامرز مرا رواه ابوداود و روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا علي فانه من صلى علي

چون بشنوید موذن را که اذان میگوید پس بگوئید مانند آنچه وی میگوید باز درود بفرستید بر من زیرا که هر که درود فرستد

صلوة صلى الله عليه بها عشرا ثم سلوا الله لي الوسيلة فانها منزلة

یکبار درود بفرستد خدا تعالی بر وی بجزای آن ده بار پس سوال کنید خدا را از برای من وسیله زیرا که وسیله مرتبه ایست

في الجنة لا ينبغي الا لعبد من عباد الله تعالى وارجو ان اكون انا

در بهشت نمی سزد آن منزلت مگر برای یک بنده از بندگان خدا تعالی و امید میدارم که باشم من آن بنده

فمن سئل لي الوسيلة حلت عليه الشفاعة رواه مسلم وعن

پس هر که سوال کند برای من وسیله فرود آمد بر وی شفاعت رواه مسلم و روایت است از

جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع النداء

جابر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر که بگوید بهنگام شنیدن اذان

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة ات محمدا

خداوندا ای پروردگار این دعای تامه و صلوة قایمه بده محمد صلعم را

الوسيلة والفضيلة وابعثه مقاما محمودا الذي وعدته حلت له

وسیلت و فضیلت و استاده کن محمد را در مقام محمود آن مقام که وعده کرده او را فرود آید مرا ورا

شفاعتي يوم القيمة رواه البخاري وعن سعد بن ابي وقاص

شفاعت من روز قیامت رواه البخاری و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع المؤذن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر که بگوید هنگام شنیدن اذان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

اینکه گواهی میدهم که نیست هیچ معبود بحق مگر خدای واحد لاشریک است و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و رسول اوست

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ رَوَاهُ

راضی شدم با خدا تعالیٰ از روی رب و با محمد از روی رسول و با اسلام از روی دین آمرزیده شوند مر او را گناهان صغار روایه

مُسْلِمٌ وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَصْلَتَانِ

مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

مُعَلَّقَتَانِ فِي أَعْنَاقِ الْمُؤَذِّنِينَ لِلْمُسْلِمِينَ صِيَامُهُمْ وَصَلٰوتُهُمْ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

آویخته شده اند در گردنهای بانگ نماز گویندگان مر مسلمانان روزه شان و نماز ایشان روایه ابن ماجه

بَابُ فَضْلِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

باب فضیلت درود بر نبی صلی الله علیه وسلم

إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر ای آن کسانیکه ایمان آورده اند درود فرستید برو

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و سلام گوئید سلام گفتنی و روایت است از انس رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ صَلٰوةً وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَحُطَّتْ

وسلم کسیکه درود بفرستد بر من یکبار بفرستد خدا تعالیٰ بروی ده بار درودها و افگنده شود

عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَرُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ

از وی ده گناه و برداشته شود مر او را ده پایه در قرب حق روایه نسائی

وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلَى

و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکترین

النَّاسِ بِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلٰوةً رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

مردم بمن روز رستخیز بیشترین ایشان است بر من درود گوینده روایه ترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ مَلٰٓئِكَةً

و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم مر خدای را فرشتگانند

سَیَّاحِیْنَ فِی الْاَرْضِ یُبَلِّغُوْنِیْ مِنْ اُمَّتِیَ السَّلَامَ رَوَاهُ النَّسَائِیُّ وَالدَّارِمِیُّ

رونده در زمین که میرسانند مرا از امت من سلامی که میگویند بر من رواه نسائی و دارمی

وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ اَحَدٍ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ یکے

یُسَلِّمُ عَلَیَّ اِلَّا رَدَّ اللّٰهُ عَلَیَّ رُوْحِیْ حَتّٰی اَرُدَّ عَلَیْهِ السَّلَامَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ

که سلام میفرستد بر من مگر آنکه باز میفرستد خداتعالے بر من روح مرا تا آنکه جواب گویم بر وی سلام را رواه ابوداود

وَالْبَیْهَقِیُّ فِی الدَّعَوَاتِ الْكَبِیْرِ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و بیہقی روایت کرد در دعوت کبیر و مرویست از وی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ لَا تَجْعَلُوْا بُیُوْتَكُمْ قُبُوْرًا وَّلَا تَجْعَلُوْا قَبْرِیْ عِیْدًا

علیہ وسلم را که میگفت مگردانید خانہاے خود را مانند قبرہا و مگردانید قبر مرا عیدگاه

وَصَلُّوْا عَلَیَّ فَاِنَّ صَلٰوتَكُمْ تَبْلُغُنِیْ حَیْثُ كُنْتُمْ رَوَاهُ النَّسَائِیُّ وَعَنْهُ

و درود فرستید بر من زیرا که درود شما میرسد مرا ہر جا که باشید رواه نسائی و روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ رَغِمَ اَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عِنْدَهٗ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم خاک آلوده باد بینی مردے که ذکر کرده شوم نزد آن مرد

فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ وَرَغِمَ اَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَیْهِ رَمَضَانُ ثُمَّ انْسَلَخَ قَبْلَ

پس درود نه فرستد بر من و ہلاک باد مردیکه درآید بروے ماه رمضان پستر بگذرد از وی پیش از آنکه

اَنْ یُّغْفَرَ لَهٗ وَرَغِمَ اَنْفُ رَجُلٍ اَدْرَكَ عِنْدَهٗ اَبَوَاهُ الْكِبَرَ اَوْ

آمرزیده شود آنمرد و خوار باد مردیکه دریابد نزد وی مادر و پدر ش بزرگ سالے را یا

اَحَدُهُمَا فَلَمْ یُدْخِلَاهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِیُّ وَعَنْ اَبِیْ طَلْحَةَ اَنَّ

یکے از مادر و پدرش پس نیارند بدر ہر دو او را در بہشت رواه ترمذی و روایت است از ابی طلحہ رض

(حاشیہ: ایجا سلام کے نمی رسد ... درود و سلام ... بعد از وفات ... بہ ہر عالم بہشت ...)

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ ذَاتَ يَوْمٍ وَالْبُشْرُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد پیش اصحاب در روزی در حالیکه خوشی ظاهر بود بر روی مبارک وی پس فرمود

إِنَّهُ جَاءَنِي جِبْرِيلُ فَقَالَ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ أَمَا يُرْضِيكَ يَا مُحَمَّدُ أَنْ لَا يُصَلِّي

بدرستیکه شان اینست که آمد جبرئیل مرا پس گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید ای آیا نمی‌سازد ترا ای محمد آنکه درود نفرستد

عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ

بر تو هیچ یکی از امت تو مگر درود بفرستم بر وی ده بار و سلام نفرستد بر تو هیچ یکی از

أُمَّتِكَ إِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رض

امت تو مگر آنکه سلام بفرستم بر وی ده بار روایت کرد نسائی و روایت است از ابی بن کعب رض

قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي أُكْثِرُ الصَّلٰوةَ عَلَيْكَ فَكَمْ

گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه من بسیار میفرستم درود بر تو پس چه مقدار

أَجْعَلُ لَكَ مِنْ صَلٰوتِي فَقَالَ مَا شِئْتَ قُلْتُ الرُّبُعَ قَالَ مَا شِئْتَ فَإِنْ

زمان معین گردانم برای درود فرستادن بر تو پس فرمود بر مقداریکه میخواهی گفتم چهار یک از زمان فرمود هر قدر که میخواهی اگر

زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ قُلْتُ النِّصْفَ قَالَ مَا شِئْتَ فَإِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ

زیاده کنی از ربع پس آن بهتر است مر ترا گفتم نصف زمان را بگردانم فرمود هر چه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است

لَكَ قُلْتُ فَالثُّلُثَيْنِ قَالَ مَا شِئْتَ فَإِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ قُلْتُ

مر ترا گفتم پس دو ثلث کنم فرمود هر چه میخواهی پس اگر زیاده کنی آن بهتر است مر ترا گفتم

أَجْعَلُ لَكَ صَلٰوتِي كُلَّهَا قَالَ إِذًا يُكْفٰى هَمُّكَ وَيُكَفَّرُ لَكَ ذَنْبُكَ رَوَاهُ

میگردانم برای تو زمان دعای خود را همه فرمود آنگاه کفایت کرده شود همه مقصودهای تو و آمرزیده گردد همه گناهان تو

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت کرد ترمذی و روایت است از علی رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

الْبَخِيلُ الَّذِي مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بخیل سخت کسیکه ذکر کرده شوم من نزد وی پس او درود نفرستد بر من روایت کرد ترمذی

وَرَوَاهُ أَحْمَدُ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ رض وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

و رواه احمد از حسین بن علی رض و روایت ست از ابی ہریرہ رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ وَمَنْ صَلَّى

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ درود فرستد بر من نزد قبر من می شنوم درود او را و کسیکہ درود

عَلَيَّ نَائِيًا أُبْلِغْتُهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ

بر من از دور رسانیدہ شود درود او مرا رواہ بیہقی در شعب الایمان و روایت ست از عبد اللہ

بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاحِدَةً صَلَّى

بن عمرو رض گفت کسیکہ درود فرستد بر آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم یکبار درود فرستد

اللهُ عَلَيْهِ وَمَلٰئِكَتُهُ سَبْعِينَ صَلٰوةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ رُوَيْفِعٍ أَنَّ

خداتعالے بروی و فرشتگان وی ہفتاد بار درود رواہ احمد و روایت ست از رویفع بدرستیکہ

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَقَالَ اللّٰهُمَّ أَنْزِلْهُ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ درود فرستد بر محمد صلی اللہ علیہ وسلم و بگوید خداوندا در آر محمد را

الْمَقْعَدَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي رَوَاهُ أَحْمَدُ

در نشستگاہی کہ نزدیک گردانیدہ شدہ نزد تو در روز رستخیز واجب گردد باو شفاعت من رواہ احمد

وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ إِنَّ الدُّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ

و روایت ست از عمر بن الخطاب رض گفت بدرستیکہ دعا ایستادہ گردانیدہ شود میان آسمان

وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهَا شَيْءٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى نَبِيِّكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و زمین نمیرود و بالا بردہ نمیشود از دعوت چیزی تا آنکہ درود بفرستی بر نبی خود رواہ ترمذی

وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلٰئِكَةُ مَا دَامَ

و فرمود صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ درود فرستد بر من درود میفرستند بروی فرشتگان تا وقتیکہ آن بندہ

يُصَلِّي عَلَيَّ فَلْيُقِلَّ عِنْدَ ذٰلِكَ أَوْ لِيُكْثِرْ أَخْرَجَهُ ابْنُ حِبَّانَ بِسَنَدٍ ضَعِيفٍ

درود میفرستد بر من پس باید کہ کم کند نزد مرزد چنین یا زیادہ کند آن بندہ روایت کرد ابن حبان بسند ضعیف

وَالطَّبْرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ بِسَنَدٍ حَسَنٍ وَالْاِمَامُ اَحْمَدُ وَسَعِيْدُ ابْنُ مَنْصُوْرٍ
وطبرانی در اوسط بسند حسن وامام احمد وسعید ابن منصور

وَاَبُوْ نُعَيْمٍ كُلُّهُمْ عَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيْعَةَ كَذَا فِيْ مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ شَرْحِ
وابونعیم همه ایشان از عامر بن ربیعه همچنین ست در مطالع مسرات که شرح

دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ اَفْضَلِ اَيَّامِكُمْ يَوْمُ
دلائل خیرات ست وفرمود صلے الله علیه وسلم فاضلترین روزهای شما روز

الْجُمُعَةِ فِيْهِ خُلِقَ اٰدَمُ وَفِيْهِ قُبِضَ وَفِيْهِ النَّفْخَةُ وَفِيْهِ الصَّعْقَةُ
جمعه ست دروے آفریده شد آدم ودروی وفات یافت ودروے نفخه ست ودروے صعقه ست

فَاَكْثِرُوْا عَلَيَّ مِنَ الصَّلٰوةِ فِيْهِ فَاِنَّ صَلٰوتَكُمْ مَعْرُوْضَةٌ عَلَيَّ قَالُوْا
پس زیاده کنید برمن از درود در روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده شود برمن گفتند

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَكَيْفَ تُعْرَضُ عَلَيْكَ صَلٰوتُنَا وَقَدْ اَرِمْتَ اَيْ بَلِيْتَ اَيْ
یا رسول الله صلے الله علیه وسلم وچه طور عرض کرده شود بر تو درود ما حالی اینکه جسد شما در قبر کهنه شده باشد یعنی

صِرْتَ رَمِيْمًا قَالَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى حَرَّمَ عَلَى الْاَرْضِ اَنْ تَاْكُلَ اَجْسَادَ
خاک شده باشد فرمود بدرستیکه خداتعالے حرام کرده ست برزمین اینکه بخورد اجساد

الْاَنْبِيَاءِ اَخْرَجَهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ بِاَسَانِيْدَ صَحِيْحَةٍ وَابْنُ
پیغمبران را روایت کرد ابوداود ونسائے وابن ماجه بسندهاے صحیحه وابن

حِبَّانَ وَالْحَاكِمُ وَقَالَ صَحِيْحٌ عَلٰى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ مِنْ حَدِيْثِ اَوْسِ
حبان وحاکم وگفت این حدیث صحیح ست بر شرط بخارے از حدیث اوس

بْنِ اَوْسٍ الثَّقَفِيِّ مَطَالِعُ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ
ابن اوس ثقفے نقل این حدیث در مطالع ست وفرمود صلے الله علیه وسلم کسیکه درود نوشت برمن

فِيْ كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلٰٓئِكَةُ تُصَلِّيْ عَلَيْهِ مَا دَامَ اسْمِيْ فِيْ ذٰلِكَ الْكِتَابِ
در کتاب همیشه اینست که فرشتگان درود میفرستند برو تا وقتیکه نام من در ان کتاب باقی باشد

قال العراقي رواه الطبراني في الاوسط وابو الشيخ في الثواب والمستغفري
گفت عراقی روایت کرد طبرانی در اوسط و ابو شیخ در ثواب والمستغفری
في الدعوات من حديث ابي هريرة بسند ضعيف مطالع وقال
در دعوات از حدیث ابی هریره رضی الله عنه بسند ضعیف این حدیث در مطالع است و گفت
ابو سليمان الداراني من اراد ان يسئل حاجته فليكثر بالصلوة على
ابو سلیمان دارانی کسیکه خواهد که سوال کند حاجت خود را پس باید که زیاده بفرستد درود را بر
النبي صلى الله عليه وسلم ثم يسئل الله حاجته وليختم بالصلوة على النبي
نبی صلی الله علیه وسلم پستر سوال کند خدا تعالی حاجت خود را و باید که تمام کند دعا بدرود شریف بر نبی
صلى الله عليه وسلم فان الله يقبل الصلوتين وهو اكرم من ان يدع
صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه خدا قبول میکند هر دو درود را و آنخدا بزرگتر است ازینکه ترک کند دعائیکه
ما بينهما كذا في دلائل الخيرات وروي عنه صلى الله عليه وسلم
درمیان هر دو درود است چنان است در دلائل الخیرات و روایت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
انه قال من صلى علي يوم الجمعة مائة مرة غفرت له خطيئة
است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه یکصد مرتبه آمرزیده شود برای وی گناه
ثمانين سنة اخرجه الديلمي عن انس مطالع وفي رواية
هشتاد ساله تخریج کرد این حدیث را دیلمی از انس رضی الله عنه از مطالع نقل کرده شد و در روایت
عبد الرحمن بن عوف قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم جاءني جبرئيل
عبد الرحمن بن عوف گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد نزد من جبرئیل
عليه السلام وقال يا محمد لا يصلي عليك احد الا يصلي عليه سبعون
علیه السلام و گفت ای محمد صلی الله علیه وسلم درود نمیفرستد بر تو کسی یک مگر درود میفرستند بروی هفتاد
الف ملك ومن صلت عليه ملئكة كان من اهل الجنة هكذا ذكره
هزار فرشتگان و کسیکه درود میفرستند بروی فرشتگان میباشد آن شخص از اهل بهشت همچنین ذکر کرد آنرا

بهذا اللفظ ابن فرحون مطالع وقال صلى الله عليه وسلم أكثركم

باين الفاظ ابن فرحون از مطالع و فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بيشترين شما

على صلوة أكثركم أزواجا في الجنة ذكره ابن وداعة بهذا اللفظ

برمن از روی درود بسیارترین شما از روی ازواج است در جنت ذکر کرد این حدیث را ابن وداعه باین لفظ

ونقله السخاوي عن صاحب الدر المنتظم مطالع وعنه صلى الله عليه

ونقل کرد این حدیث را سخاوی از صاحب در المنتظم از مطالع و از وی صلى الله عليه

وسلم أنه قال من صلى على صلوة تعظيما لحقي خلق الله عز وجل من ذلك

وسلم مرویست که فرمود کسیکه درود فرستد بر من یکبار برای تعظیم حق من آفریند خدای بزرگ عز شانه از این

القول ملكا له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مقرورتان

قول یک فرشته که مر ویرا باشد یک بازو در مشرق و دیگر در مغرب و هر دو پاے او قرار یافته

في الأرض السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله

در زمین هفتم تحتانی و گردن وی متصل زیر عرش میگوید خدا تعالی

عز وجل له صل على عبدي كما صلى على نبيي صلى الله عليه وسلم

عز وجل مر ویرا درود بفرست بر بنده من چنانکه درود فرستاده است آن بنده بر پیغامبر من صلى الله عليه وسلم

فهو يصلي عليه إلى يوم القيامة الحديث ذكره ابن سبع من دون

پس آن فرشته درود میفرستد برو تا روز قیامت تا آخر حدیث ذکر کرد این حدیث را ابن سبع بغیر

ذكر صحابي ولا مخرج وذكره ابن جبير عن أنس ولم يعزه وكذا

ذکر صحابی و بغیر ذکر صاحب تخریج و ذکر کرد این حدیث را ابن جبیر از انس و نسبت نکرد بطرف او و چنان کرد

ابن وداعة وأسنده ابن بشكوال عن أنس إلا أني لم أجد عنده قوله

ابن وداعه و باسناد رسانید این حدیث را ابن بشکوال از انس رض مگر این لفظ نیز گفت که بدرستیکه من نیافته ام نزد وی قول

ورجلاه إلى تحت العرش مطالع وروى عنه صلى الله عليه وسلم

که و رجلاه تلفظ تحت عرش است از مطالع و روایت است از وی صلى الله عليه وسلم

أَنَّهُ قَالَ لَيَرِدَنَّ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَقْوَامٌ مَا أَعْرِفُهُمْ إِلَّا بِكَثْرَةِ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هرآئینه وارد شوند بر حوض کوثر روز رستخیز قومها که نمی شناسم من ایشانرا مگر بسبب زیادتی

الصَّلٰوةِ عَلَيَّ ذَكَرَهُ الْقَاضِي عِيَاضٌ فِي الشِّفَاءِ وَعَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

درود که بر من فرستاده اند ذکر کرده است قاضی عیاض در کتاب شفا در حقوق مصطفی در روایت است از آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ مَرَّةً وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَمَنْ

وسلم بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستاد بر من یکبار درود میفرستد خدای تعالی بر وی ده بار و کسیکه

صَلّٰى عَلَيَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ مِائَةً وَمَنْ صَلّٰى عَلَيَّ مِائَةً صَلَّى

درود فرستد بر من ده مرتبه درود میفرستد خدای تعالی بر وی صد بار و کسیکه درود فرستد بر من صد بار درود میفرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ أَلْفَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلّٰى عَلَيَّ أَلْفَ مَرَّةٍ حَرَّمَ اللّٰهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ

بر وی خدای تعالی هزار مرتبه و کسیکه درود فرستد بر من هزار مرتبه حرام گرداند خدای تعالی جسد ویرا بر آتش دوزخ

وَثَبَّتَهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ عِنْدَ الْمَسْئَلَةِ

و ثابت میدارد ویرا با قول ثابت که توحید است در حیات دنیا و در آخرت نزدیک سوال

وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَجَاءَتْ صَلٰوتُهُ عَلَيَّ نُورًا لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلَى الصِّرَاطِ

و داخل کند خدای تعالی آن بنده را در بهشت و آید درود وی بر من نور مر ویرا روز رستخیز بر پل صراط

مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَأَعْطَاهُ اللّٰهُ بِكُلِّ صَلٰوةٍ صَلَّاهَا قَصْرًا فِي

که راه وی پنج صد ساله است و میدهد او را خدای تعالی بسبب هر درود که خوانده است آنرا یک محل در

الْجَنَّةِ قَلَّ ذٰلِكَ أَوْ كَثُرَ ذَكَرَهُ ابْنُ وَدَاعَةَ كُلَّهُ مِنْ غَيْرِ نِسْبَةٍ

بهشت کم کند آن بنده یا زیاده کند ذکر کرد ابن وداعه همه اینرا بغیر نسبت

وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا خَرَجَتِ الصَّلٰوةُ

و فرمود صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی بنده که درود میفرستد بر من مگر آنکه بیرون می آید آن درود

مُسْرِعَةً مِنْ فِيهِ فَلَا يَبْقٰى بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ وَلَا شَرْقٌ وَلَا غَرْبٌ إِلَّا وَتَمُرُّ

بسرعت از دهن آن بنده پس باقی نمی ماند هیچ یک بیابان و نه دریا و نه شرق و نه غرب مگر اینکه گذر میکند آن درود

بہ وتقول انا صلوٰۃ فلان بن فلان صلی علی محمد المختار خیر خلق اللہ

بر ان ومیگوید کہ درود فلان بن فلان ام کہ درود فرستادہ بود بر محمد برگزیدہ و بہترین مخلوق خداوند

فلا یبقی شیء الا وصلی علیہ ویخلق من تلک الصلوٰۃ طائر لہ

پس باقی نماند ہیچ شی مگر حال اینکہ درود میفرستد بروی و آفریدہ میشود ازین درود یک طایر کہ میباشد مر وی را

سبعون الف جناح فی کل جناح سبعون الف ریشۃ فی کل ریشۃ

ہفتاد ہزار بازو و در ہر بازو ہفتاد ہزار پر در ہر پر

سبعون الف راس فی کل راس سبعون الف وجہ فی کل وجہ

ہفتاد ہزار سر در ہر سر ہفتاد ہزار روے در ہر روے

سبعون الف فم فی کل فم سبعون الف لسان کل لسان یسبح اللہ

ہفتاد ہزار دہان و در ہر دہان ہفتاد ہزار زبان ہر زبان تسبیح میکند خدا

تعالیٰ بسبعین الف لغات ویکتب اللہ تعالیٰ لہ ثواب ذلک کلہ ہکذا

تعالیٰ را بہفتاد ہزار لغت و مینویسد خدا تعالیٰ مر ویرا ثواب اینہمہ ہمچنین ہست

فی دلائل الخیرات وقال صاحب مطالع المسرات ہذا لماجدہ وعن

در دلائل الخیرات وگفت صاحب مطالع المسرات این لفظ را نیافتم و مرویست از

علی ابن ابی طالب انہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم من صلی

علی بن ابی طالب رض بدرستیکہ علی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ درود میفرستد

علی یوم الجمعۃ مائۃ جاء یوم القیمۃ ومعہ نور لو قسم ذلک النور بین

بر من روز جمعہ صد بیاید روز رستخیز حالانکہ ہمراہ او نورے باشد کہ اگر تقسیم کردہ شود این نور میان

الخلق کلہم لوسعہم اخرجہ ابو نعیم فی الحلیۃ وفی الحرز الثمین

مخلوق ہمہ ایشان ہر آئینہ گنجائش دارد ایشانرا روایت کرد آنرا ابو نعیم در حلیہ شریف و در حرز ثمین

للحصن الحصین ما جلس قوم مجلسا لم یذکروا اللہ فیہ ولم یصلوا

شرح حصن حصین مذکور ہست بنشیند قومی مجلسے کہ نیاد کنند خدا تعالیٰ را در آن مجلس و درود نفرستند

على نبيهم إلا كان عليهم حسرة يوم القيمة وإن دخلوا الجنة للثواب

بر نبی خود مگر باشد بر ایشان حسرتی در روز رستخیز اگرچه که داخل شوند در بهشت برای ثواب

رواه ابن حبان وأحمد وأبو داود والنسائي والحاكم كلهم عن أبي هريرة

رواه ابن حبان و احمد و ابو داود و نسائی و حاکم همه ایشان روایت کرده اند از ابی هریره

أكثروا علي من الصلوة يوم الجمعة فإن صلاتكم معروضة علي رواه

زیاده بفرستید بر من درود در روز شریف جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من رواه

أبو داود والنسائي وابن ماجة وابن حبان كلهم من حديث أوس ابن

ابوداود و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان همه ایشان از حدیث اوس ابن

أوس الثقفي ما من أحد يسلم علي إلا رد الله علي روحي حتى

اوس ثقفی نیست هیچ کسی که سلام کند بر من مگر باز پس میفرستد خدا تعالی بر من روح من تا آنکه

أرد عليه السلام رواه أبو داود عن أبي هريرة ورواه أحمد أيضا

رد میکنم بر وی سلام او را رواه ابوداود از ابی هریره و روایت کرد احمد نیز

أولى الناس بي يوم القيمة أكثرهم علي صلوة رواه الترمذي وابن

نزدیکترین مردمان با من روز قیامت در درود فرستنده تر از آنها بر من رواه ترمذی و ابن

حبان كلاهما عن ابن مسعود البخيل من ذكرت عنده فلم يصل

حبان هر دو از ابن مسعود رضه بخیل کسیکه ذکر کرده شوم من نزد او پس درود نه فرستد

علي رواه الترمذي والنسائي عن علي وابن حبان والحاكم عن حسين

بر من روایت کرد ترمذی و نسائی از علی رضی الله عنه و ابن حبان و حاکم از حسین

بن علي أكثروا الصلوة علي فإنها زكوة لكم رواه أبو يعلى عن

بن علی رضه زیاده بفرستید درود بر من پس بدرستیکه درود شما زکوة است مر شما را رواه ابو یعلی از

أبي هريرة إني لقيت جبرئيل فبشرني وقال إن ربك يقول من صلى

ابی هریره رضه بدرستیکه من ملاقات کردم جبرئیل را علیه السلام پس بشارت داد مرا و گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید

عَلَيْكَ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَسَجَدْتُ لِلّٰهِ

بر تو درود میفرستم بروے ده بار وکسیکه سلام کند بر تو سلام میفرستم بروے پس سجده شکر کردم خدا تعالی را

شُكْرًا رَوَاهُ الْحَاكِمُ وَاَحْمَدُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ مَنْ صَلّٰى عَلَى النَّبِيِّ وَاحِدَةً

رواه حاکم و احمد از عبد الرحمن بن عوف رض کسیکه درود بفرستد بر نبی یکبار

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ سَبْعِيْنَ صَلٰوةً رَوَاهُ اَحْمَدُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَرُوِيَ

درود میفرستد خدا تعالے بروی و فرشتگان وی هفتاد درود رواه احمد از ابن عمر و مروی

قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوْبٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

گفت علی رضی الله عنه همه دعاها محجوب ست تا آنکه درود فرستی تو بر محمد صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ وَعَنْ عُمَرَ اَنَّ الدُّعَاءَ

علیه وسلم و بر آل محمد رواه طبرانی در اوسط و مرویست از عمر رضه بدرستیکه دعا

مَوْقُوْفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى نَبِيِّكَ

موقوف میماند میان آسمان و میان زمین بالا نمیرود از ان دعا چیزی تا آنکه درود فرستی بر نبی خود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ اِنْتَهٰى ذُكِرَ فِي بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّهُ مَكْتُوْبٌ عَلٰى سَاقِ

رواه ترمذی آخر شد مذکورست در بعض اخبارات بدرستیکه شان اینست که نوشته است بر ساق

الْعَرْشِ مَنِ اشْتَاقَ اِلٰى رَحْمَتِهِ وَمَنْ سَاَلَنِيْ اَعْطَيْتُهُ وَمَنْ تَقَرَّبَ اِلَيَّ

عرش کسیکه مشتاق است بسوے من رحم میکنم او را و کسیکه سوال کرد از من میدهم او را هر چه خواسته است و کسیکه تقرب خواست بسوی من

بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوْبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ ذَكَرَهُ

با درود فرستادن بر محمد آمرزیدم مر او را گناهان او را اگر چه باشد مانند کف دریا ذکر کرد این حدیث را

ابْنُ سَبُعٍ وَمَرْوِيٌّ عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ رِضْوَانُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ

ابن سبع و روایة کرده شده است از بعض صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

اَنَّهُ قَالَ مَا مِنْ مَجْلِسٍ يُصَلّٰى فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَّا قَامَتْ

بدرستیکه فرمود آنحضرت نیست مجلسیکه درود فرستاده شد در وی بر محمد صلی الله علیه وسلم مگر آنکه برخیزد

مِنْهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ حَتّٰى تَبْلُغَ عَنَانَ السَّمَاءِ فَتَقُوْلُ الْمَلٰئِكَةُ هٰذَا مَجْلِسٌ

ازان مجلس بوی خوش تا آنکه میرسد آن بوی ابر آسمان میگویند فرشتگان این مجلسی هست

صُلِّيَ فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَا فِىْ دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ قَالَ الشَّيْخُ

که درود فرستاده شده هست درین مجلس محمد صلی الله علیه وسلم همچنین هست در دلائل خیرات گفت شیخ

اَبُوْ جَعْفَرٍ ابْنُ وَدَاعَةَ رَحِمَهُ اللّٰهُ فِى الْحَدِيْثِ عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ اَنَّهُ قَالَ مَا مِنْ

ابو جعفر ابن وداعه رحمه الله در حدیث که مرویست از بعض صحابه رضی الله عنهم بدرستیکه گفت نیست هیچ

مَوْضِعٍ يُذْكَرُ فِيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُصَلّٰى عَلَيْهِ فِيْهِ اِلَّا نَمَتْ مِنْهُ

جائی که ذکر کرده شود در آن جا اسم نبی صلی الله علیه وسلم و درود فرستاده شود بروی در آن جا مگر میخیزد از ان جای

رَائِحَةٌ تَخْرِقُ السَّمٰوٰتِ السَّبْعَ حَتّٰى تَنْتَهِيَ اِلَى الْعَرْشِ يَجِدُ رِيْحَهَا كُلُّ مَنْ

بوی که میشگافد آسمانهای هفت را تا آنکه میرسد تا عرش بر بین می یابد آن بوی را هر آنکس که

خَلَقَ اللّٰهُ فِى الْاَرْضِ اِلَّا الْاِنْسَ وَالْجِنَّ فَاِنَّهُمْ لَوْ وَجَدُوْا رِيْحَهَا يَشْتَغِلُ كُلُّ وَاحِدٍ

آفریده هست خدا تعالی در زمین سوای انسان و پریان بدرستیکه ایشان اگر می یافتند بوی آن هر آئینه باز میماند هریک

مِنْهُمْ بِلَذَّتِهَا عَنْ مَعِيْشَتِهٖ وَلَا يَجِدُ تِلْكَ الرَّائِحَةَ مَلَكٌ وَلَا خَلْقٌ مِنْ

از ایشان بسبب لذت آن از معیشت خود و نمی یابد این بوی خوش را هیچ فرشته و نه هیچ مخلوق از

خَلْقِ اللّٰهِ تَعَالٰى اِلَّا اسْتَغْفَرَ لِاَهْلِ الْمَجْلِسِ وَيُكْتَبُ لَهُمْ بِعَدَدِهِمْ حَسَنَاتٌ

مخلوق خدا تعالی مگر مغفرت میخواهد برای اهل مجلس نوشته میشود مر ایشان را بشمار ایشان نیکیها

وَتُرْفَعُ لَهُمْ بِعَدَدِهِمْ دَرَجَاتٌ سَوَاءٌ كَانَ فِى الْمَجْلِسِ وَاحِدٌ اَوْ مِائَةُ اَلْفٍ

و بلند کرده میشود ایشان را بشمار ایشان پایه ها برابر هست که باشد در مجلس یک واحد یا صد هزار

يَاْخُذُ مِنَ الْاَجْرِ هٰذَا الْعَدَدَ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَاَجْرٌ كَذَا فِى الْمَطَالِعِ

میگیرد از ثواب بتعداد شمار را آنچه که نزد خدا هست از نیکی بهتر و عطای کثیر هست در مطالع

ذُكِرَ فِىْ بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ اَوِ الْاَمَةَ الْمُؤْمِنَةَ اِذَا بَدَاَ

ذکر کرده شد در بعض اخبار بدرستیکه بنده مومن یا زن مومنه چون شروع میکند

بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فُتِحَتْ لَهُ اَبْوَابُ السَّمَآءِ

درود فرستادن بر محمد صلی اللہ علیہ وسلم کشادہ میشود مر وی را بابہاے آسمان

وَالسُّرَادِقَاتُ حَتّٰى اِلَى الْعَرْشِ فَلَا يَبْقٰى مَلَكٌ فِي السَّمٰوَاتِ اِلَّا صَلّٰى عَلٰى

و پردہ ہا تا آنکہ تا عرش پس باقی نمیماند ہیچ فرشتہ در آسمانہا مگر درود میفرستد بر

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِذٰلِكَ الْعَبْدِ اَوِ الْاَمَةِ مَاشَآءَ

محمد صلی اللہ علیہ وسلم و مغفرت میخواہند مر این مرد یا زن را آنقدر کہ خواستہ است

اللّٰهُ كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَعَنْ جَابِرِ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

خدا تعالے چنین ہست در دلائل و از جابر بن عبد اللہ رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قُضِيَتْ

صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ درود فرستد بر من در ہر روز صد مرتبہ روا کردہ شود

لَهٗ مِائَةُ حَاجَةٍ مِنْهَا ثَلٰثُوْنَ لِلدُّنْيَا وَسَائِرُهَا لِلْاٰخِرَةِ اَخْرَجَهُ

مر ویرا صد حاجت از ان صد سی حاجت دنیا وے و باقی شان اخروی با تقدیر روایت کرد این حکایت را

الْمُسْتَغْفِرِيُّ كَذَا فِي الْمَطَالِعِ وَعَنْ بَعْضِ الصَّالِحِيْنَ اَنَّهٗ

مستغفری در مطالع است چنین و از بعض صالحین مرویست کہ بدرستیکہ

قَالَ كَانَ لِيْ جَارٌ نَسَّاخٌ فَمَاتَ فَرَاَيْتُهٗ فِي الْمَنَامِ فَقُلْتُ لَهٗ مَا فَعَلَ

گفت کہ بود مرا ہمسایہ ای کاتب پس مرد آن پس دیدم من ویرا در خواب پس گفتم مر او را چہ معاملہ کرد

اللّٰهُ بِكَ فَقَالَ غَفَرَ لِيْ فَقُلْتُ لَهٗ فِيْمَ ذٰلِكَ فَقَالَ كُنْتُ اِذَا كَتَبْتُ

خدا با تو پس گفت آمرزید مرا پس گفتم مر او را پس بچہ چیز حاصل شد این آمرزش پس گفت بودم من چونکہ مینوشتم

اسْمَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ كُتُبٍ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ فَاَعْطَانِيْ رَبِّيْ

اسم مبارک محمد صلی اللہ علیہ وسلم در کتابہا درود میفرستادم بر آنحضرت پس داد مرا پروردگار من

مَا لَا عَيْنٌ رَاَتْ وَلَا اُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلٰى قَلْبِ بَشَرٍ كَذَا

آنچہ کہ نہ چشمے دیدہ است و نہ گوشی شنیدہ است و نہ خطور کردہ است بر دل کسی بشر چنین است

فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ الْمُرَادُ بِهٰذَا الْبَعْضِ هُنَا عُبَيْدُ اللّٰهِ

در دلائل خیرات گفت صاحب مطالع مراد بایں بعض درینجا عبید الله

بِالتَّصْغِيرِ ابْنُ عُمَرَ الْقَوَارِيرِيُّ بِفَتْحِ الْقَافِ رَحِمَهُ اللّٰهُ تَعَالٰى وَقَالَ

بصیغه تصغیر ابن عمر قواریری است بفتح قاف رحمه کناد خدا تعالی او را و نیز گفت

أَيْضًا وَحِكَايَتُهُ هٰذِهِ ذَكَرَهَا غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْهُمُ ابْنُ سَبُعٍ وَابْنُ بَشْكُوَالٍ

حکایت این کاتب کہ اینست ذکر کرده اند آنرا بسیار کسان بعض از ایشان ابن سبع وابن بشکوال

وَجَبْرٌ وَابْنُ وَدَاعَةَ وَابْنُ الْفَاكِهَانِيِّ وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وجبر وابن وداعه وابن فاکهانی است و گفته شد مر رسول خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَرَأَيْتَ صَلٰوةَ الْمُصَلِّيْنَ عَلَيْكَ مِمَّنْ غَابَ عَنْكَ وَمَنْ يَأْتِيْ

وسلم را چه میفرمایند در حق فرستندگان درود بر تو از آن کسان که غایب اند از تو در حق آنکسانکه می آیند

بَعْدَكَ مَا حَالُهُمَا عِنْدَكَ فَقَالَ أَسْمَعُ صَلٰوةَ أَهْلِ مَحَبَّتِيْ وَأَعْرِفُهُمْ

بعد تو چه مرتبه دارند نزد تو این هر دو پس فرمود میشنوم درود اهل محبت من و میشناسم ایشان را

وَتُعْرَضُ عَلَيَّ صَلٰوةُ غَيْرِهِمْ عَرْضًا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ

و عرض کرده میشود بر من درود غیر ایشان نوع عرض کردنی چنین است در دلائل و گفت صاحب مطالع

لَا أَعْرِفُهُ وَلَمْ أَجِدْهُ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ ارْتَقٰى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نمیشناسم من آنرا و نیافتم آنرا و از انس مرویست که گفت بر منبر آمد پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ اٰمِيْنَ ثُمَّ ارْتَقٰى ثَانِيَةً فَقَالَ اٰمِيْنَ ثُمَّ

علیه وسلم پس گفت آمین پستر بر منبر آمد آنحضرت دو بار پس گفت آنحضرت آمین پستر

ارْتَقٰى ثَالِثَةً فَقَالَ اٰمِيْنَ ثُمَّ اسْتَوٰى فَقَالَ اٰمِيْنَ فَقَالَ أَصْحَابُهُ

سوم بار بر منبر آمد پس فرمود آمین پستر برابر شد بر منبر پس فرمود آمین پس گفت یاران آنحضرت

عَلَامَ أَمَّنْتَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَقَالَ أَتَانِيْ جِبْرَئِيْلُ فَقَالَ لِيْ يَا مُحَمَّدُ

چه چیز را آمین گردانیده یا پیغامبر خدا پس فرمود آمد مرا جبرئیل علیه السلام پس گفت مرا ای محمد

رغم انف امرئ ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت امين وقال

خوار باد امرئ کہ ذکر کردہ شدی نزد وے پس درود نفرستاد بر تو پس گفتم امین وگفت

رغم انف امرئ ادرك والديه او احدهما فلم يدخلاه الجنة فقلت

خوار باد مردیکہ یافت والدین را یا یکی از ان ہا پس داخل نکردند آنہا ویرا در بہشت پس گفتم

امين وقال رغم انف امرئ ادرك شهر رمضان فلم يغفر له

آمین وگفت خوار باد امرئ کہ یافت ماہ رمضان مبارک پس آمرزیدہ نشود مر وے را

فقلت امين ابن النجار جمع الجوامع

پس گفتم آمین ذکر کرد ابن نجار در جمع الجوامع

باب الذكر بعد الصلوة

این باب در فضیلت ذکر بعد نماز است

عن ابي هريرة قال ان فقراء المهاجرين اتوا رسول الله صلى

وروایت است از ابی ہریرہ گفت بدرستیکہ فقراء مہاجرین آمدند پیش پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم فقالوا قد ذهب اهل الدثور بالدرجت العلى والنعيم

اللہ علیہ وسلم پس گفتند بتحقیق بردند خداوندان اموال بسیار پایہاے بلند ونعمت

المقيم فقال وما ذاك قالوا يصلون كما نصلي ويصومون كما

پایندہ را پس فرمود چیست این سخن گفتند ایشان نماز میگذارند ایشان چنانکہ نماز میگذاریم ما وروزہ میدارند چنانکہ

نصوم ويتصدقون ولا نتصدق ويعتقون ولا نعتق فقال رسول الله

روزہ میداریم ما وصدقہ میدہند ایشان وصدقہ نمیدہیم وبندہ آزاد میکنند ایشان آزاد نمیکنیم پس فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم افلا اعلمكم شيئا تدركون به من سبقكم

صلی اللہ علیہ وسلم آیا نیاموزم شمارا عملے کہ دریابید بسبب آن عمل فضل کسانے را کہ پیشی کردند

وتسبقون به من بعدكم ولا يكون احد افضل منكم الا من صنع

وپیشی کنید بسبب آن عمل کسانے را کہ بعد از شما باشند ونباشد ہیچ یکی از اغنیا زیادہ تر از شما مگر کسی کہ کند اینست

مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ قَالُوا بَلٰى يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ تُسَبِّحُونَ وَتُكَبِّرُونَ وَ
مانند آن عملی که شما کنید گفتند آری تعلیم کن ای پیغامبر خدا فرمود تسبیح کنید و تکبیر گوئید و
تَحْمَدُونَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ مَرَّةً قَالَ اَبُو صَالِحٍ فَرَجَعَ فُقَرَاءُ
حمد گوئید پس هر نماز سی و سه بار گفت ابو صالح راوی پس باز گشتند فقرا
الْمُهَاجِرِيْنَ اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوْا سَمِعَ اِخْوَانُنَا
مهاجرین بسوی آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفتند که شنیدند برادران ما
اَهْلُ الْاَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا فَفَعَلُوْا مِثْلَهٗ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
که مالدارانند عملی را که کردیم ما پس کردند مانند آن پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاءُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَيْسَ قَوْلُ
و سلم این افزونی اغنیا بر شما فضل خداست که میدهد فضل خود را هر که میخواهد متفق علیه و نیست قول
اَبِىْ صَالِحٍ اِلٰى اٰخِرِهٖ اِلَّا عِنْدَ مُسْلِمٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ قَالَ قَالَ
ابی صالح تا آخر مگر نزد مسلم و مرویست از کعب ابن عجره گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعَقِّبَاتٌ لَا يَخِيْبُ قَائِلُهُنَّ اَوْ
پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم کلماتی که بعضی عقب بعضی آینده اند نومید گردانیده نمیشود گوینده آن کلمات
فَاعِلُهُنَّ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوْبَةٍ ثَلٰثٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَسْبِيْحَةً وَّثَلٰثٌ
کننده آن در پس هر نماز فریضه سی و سه بار سبحان الله گفتن و سی
وَّثَلٰثُوْنَ تَحْمِيْدَةً وَّاَرْبَعٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَكْبِيْرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن روایت کرده مسلم و مرویست از
... قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ
... فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم کسی که سبحان الله
... ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَحَمِدَ اللّٰهَ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَكَبَّرَ
... سی و سه بار و الحمد لله بگوید سی و سه بار و الله اکبر بگوید

طِيبِ الرِّيحِ فَيَقُولُ أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُرُّكَ هٰذَا يَوْمُكَ

خوشبوئی پس میگوید آنمرد که مژده باد ترا بآنچه شادمان گرداند ترا این روز تست

الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ

که وعده کرده میشدی تو پس میگوید مرده مرآنمرد را که چه کسے تو پس روی تو روی کامل در حسن و جمال

يَجِيءُ بِالْخَيْرِ فَيَقُولُ أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحُ فَيَقُولُ رَبِّ أَقِمِ

که می آرد نیکی را پس میگوید آنمرد که من عمل نیک توام پس می گوید اے پروردگار برپا کن

السَّاعَةَ أَقِمِ السَّاعَةَ حَتّٰى أَرْجِعَ إِلٰى أَهْلِي وَمَالِي قَالَ

قیامت که کنایه است از احیا تا آنکه باز برگردم بسوے اهلخانه خود و بسوئے مال خود فرمود آنحضرت ﷺ

وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِّنَ الدُّنْيَا

بدرستیکه بنده کافر وقتیکه می باشد در بریدگی از دنیا

وَإِقْبَالٍ مِّنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ مَلٰئِكَةٌ سُودُ

و روے آوردن از آخرت فرود می آید بسوے وے از آسمان فرشتگان سیاه

الْوُجُوهِ وَمَعَهُمُ الْمُسُوحُ وَيَجْلِسُونَ مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ

روے و با ایشان پلاسها و می نشینند از میت تا آنجا که نظر کار می کند

ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ حَتّٰى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ

بستر می آید ملک الموت تا آنکه می نشیند نزد سر او پس می گوید

أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيثَةُ اخْرُجِي إِلٰى سَخَطٍ مِّنَ اللّٰهِ قَالَ

ای جان خبیث بیرون آئے بسوئے خشم و ناخوشنودی از خدا فرمود آنحضرت ﷺ

فَتَفَرَّقُ فِي جَسَدِهِ فَيَنْتَزِعُهَا كَمَا يُنْزَعُ السَّفُّودُ مِنَ

پس پریشان می شود روح در جسد کافر پس میکشد آن روح را ملک الموت چنانکه کشیده میشود سیخ گرم از

الصُّوفِ الْمَبْلُولِ فَيَأْخُذُهَا فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوهَا

پشم تر پس میگیرد ملک الموت آن روح را پس چون میگیرد ملک الموت آن روح را نمیگذارند فرشتگان آن روح را

فِي يَدِهِ طَرْفَةُ عَيْنٍ حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تِلْكَ الْمُسُوحِ

در دست او چشم زدنی تا آنکه می کنند فرشتگان آن روح را درین مسوح

وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنْتَنِ رِيحِ جِيفَةٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ

و بیرون آید از آن روح بویی همچو بد بوی ترین مردار که یافته می شود بر روی

الْأَرْضِ فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِنَ

زمین پس بالا می برند فرشتگان او را پس نمی گذرند فرشتگان او بر جماعتی از

الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الْخَبِيثَةُ فَيَقُولُونَ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح خبیث پس میگویند فرشتگان همراهیان که

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِأَقْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَ يُسَمَّى بِهَا فِي

فلان بن فلان است میخوانند او را به بدترین نامهایی که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيُسْتَفْتَحُ لَهُ

دنیا با مذمت تا آنکه میرسند با وی تا آسمان دنیا پس طلب در گشادن میکنند برای وی

فَلَا يُفْتَحُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس گشاده نمی شود در برای وی پس خواند پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى

گشاده نمی شود برای کافران درهای آسمانها و در نمی آیند کافران در بهشت تا آنکه

يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ فَيَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ

در آید شتر با آن ضخامت در سوراخ سوزن پس میگوید حق تعالی بزرگ و بلند

اكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سِجِّينٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى فَتُطْرَحُ

بنویسید نامه او را در سجین که نام جایی است در تحت زمین پایین ترین پس انداخته می شود

رُوحُهُ طَرْحًا ثُمَّ قَرَأَ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ

مِنَ السَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ اَوْ تَهْوِيْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ مَكَانٍ

از آسمان پس میرباید او را پرندگان یا می اندازد او را باد در جاے

سَحِيْقٍ فَتُعَادُ رُوْحُهٗ فِيْ جَسَدِهٖ وَيَاْتِيْهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهٖ

دور پس عود کرده میشود روح او در تن او و می آید او را دو فرشته پس می نشانند او را

فَيَقُوْلَانِ لَهٗ مَنْ رَّبُّكَ فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ

پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید کافر ہاہ ہاہ کلمہ تحیر است نمی دانم پس میگویند فرشتگان

لَهٗ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ

مر او را چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما پس میگوید کافر ہاہ ہاہ در نیافتم کیست او

فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَآءِ اَنْ كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ

پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که دروغ گفت پس فرش گردانید برای وی از آتش

وَافْتَحُوْا لَهٗ بَابًا اِلَى النَّارِ فَيَاْتِيْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا

و بکشایید برای وی دری بسوی آتش پس می آید وی را از حرارت دوزخ و باد گرم از آتش

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهٗ حَتّٰى تَخْتَلِفَ فِيْهِ اَضْلَاعُهٗ وَيَاْتِيْهِ

و تنگ گردانیده میشود بر کافر قبر او تا آنکه در هم شکنند در وے استخوانهای پهلوی وے و می آید او را

رَجُلٌ قَبِيْحُ الْوَجْهِ قَبِيْحُ الثِّيَابِ مُنْتِنُ الرِّيْحِ فَيَقُوْلُ

مردے بد شکل و بد جامه گنده بوے پس میگوید آمرد

اَبْشِرْ بِالَّذِيْ يَسُوْءُكَ هٰذَا يَوْمُكَ الَّذِيْ كُنْتَ تُوْعَدُ

مژده باد ترا بانچه که غمگین گرداند ترا این روز [illegible] که وعده کرده میشدی تو

فَيَقُوْلُ مَنْ اَنْتَ فَوَجْهُكَ [illegible] الْوَجْهُ يَجِيْءُ بِالشَّرِّ فَيَقُوْلُ

پس میگوید میت کافر کیست تو پس روی تو روی کامل است در زشتی روے که میآرد روی تو شر را پس میگوید آمرد

اَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيْثُ فَيَقُوْلُ رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ وَفِيْ رِوَايَةٍ

نحوہ وزاد فیہ اذا خرج روحہ صلی علیہ کل ملک بین
مانند آنچہ کہ مذکور شدہ است و زیادہ کردہ در وی کہ چون بیرون آید جان مومن درود میفرستد بر وی ہر فرشتہ کہ
السماء والارض وکل ملک فی السماء وفتحت ابواب السماء
آسمان و زمین است و ہر فرشتہ کہ در آسمان است و کشادہ شود برائے وے درہای آسمان
لیس من اہل باب الا وہم یدعون اللہ ان یعرج بروحہ
نیست ہیچ جماعہ از اہل ہیچ درے از درہا آسمان مگر آنکہ ایشان میخواہند خدا را و دعا میکنند کہ بردا شتہ شود روح او
من قبلہم وتنزع نفسہ یعنی الکافر مع العروق
از جانب ایشان و کشیدہ میشود جان وے یعنی جان کافر با رگہا ے او
فیلعنہ کل ملک بین السماء والارض وکل ملک فی
پس لعنت میکند او را ہر فرشتہ کہ میان آسمان و زمین است و ہر فرشتہ کہ در میان
السماء وتغلق ابواب السماء لیس من اہل باب الا وہم
آسمان است و بستہ می شود درہائے آسمان نیستند از اہل ہر در مگر آنکہ ایشان
یدعون اللہ ان لا یعرج روحہ من قبلہم رواہ احمد
میخواہند خدا را و دعا میکنند کہ نبر داشتہ شود روح او از جانب ایشان رواہ احمد
وعن عبد الرحمن بن کعب عن ابیہ قال لما حضرت
و روایت است از عبد الرحمن بن کعب از پدر خود گفت ہر گاہ کہ حاضر شد
کعبا الوفاۃ اتتہ ام بشر بنت البراء بن معرور
کعب را وفات آمد او را ام بشر بنت براء بن معرور
فقالت یا ابا عبد الرحمن ان لقیت فلانا فاقرأ علیہ
پس گفت اے ابا عبد الرحمن اگر ملاقات کنی فلان را پس بخوان بر وے
منی السلام فقال غفر اللہ لک یا ام بشر نحن اشغل
از جانب من سلام پس گفت کعب بن مالک بیامرزد ترا خدا اے ام بشر ما مشغول تر ایم

(حاشیہ) آسمان

(حاشیہ) ۴ قوله لا یعرج روحه کنایه است از آنکه رو کرده میشود و نمی آید روح او ... (marginal note, partly illegible)

وعن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم سبعة

وازابی هریرة روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هفت قوم اند از مردم

یظلهم الله فی ظله یوم لا ظل الا ظله امام عادل وشاب نشأ فی عبادة

که ببیدار د ایشان را خدای تعالی در پناه خود روزیکه نیست هیچ پناهی مگر پناه وی یکی پادشاه عادل دوم جوانیکه نشو نما یافت در پرستش

الله ورجل قلبه معلق بالمسجد اذا خرج منه حتی یعود الیه

خدا وسوم مردیکه دلش معلق است بمسجد یعنی که بیرون آید از آن تا آنکه باز گردد بسوی مسجد

ورجلان تحابا فی الله اجتمعا علیه وتفرقا علیه ورجل ذکر الله

چهارم هر یکی از دو مرد یکدیگر را دوست دارند یکدیگر را از جهت خدا فراهم آمدند بر محبت خدا وجدا شدند بر محبت خدا پنجم مردیکه ذکر کرد خدا را

خالیا ففاضت عیناه ورجل دعته امرأة ذات حسب وجمال

تنها پس اشک ریخت هر دو چشم وی وششم مردیکه خواند او را زنی صاحب جاه و جمال

فقال انی اخاف الله ورجل تصدق بصدقة فاخفاها حتی لا تعلم

پس گفت آن مرد بدرستیکه من میترسم خدا را هفتم مردیکه صدقه کرد صدقه پس پنهان کرد صدقه را تا آنکه نداند

شماله ما تنفق یمینه متفق علیه وعنه قال قال رسول الله صلی

دست چپ او آنچه میدهد دست راست وی متفق علیه واز وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله علیه وسلم صلوة الرجل فی الجماعة تضعف علی صلوته فی

الله علیه وسلم نماز مردیکه میگذارد در مسجد بجماعت زیاده گردانیده میشود ثواب بر نماز او که میکند تنها در

بیته وفی سوقه خمسا وعشرین ضعفا وذلك انه اذا توضأ

خانه خود و در بازار خود بیست وپنج درجه و این تضعیف ثواب بسبب آنست که چون وضو کند

فاحسن الوضوء ثم خرج الی المسجد لا یخرجه الا الصلوة لم یخط

پس نیک کرد وضو را پس بیرون آمد بسوی مسجد در حالیکه بیرون نمی آرد او را مگر نماز نمی نهد

خطوة الا رفعت له بها درجة وحط عنه بها خطیئة فاذا صلی

هیچ گامی مگر بلند گردانیده میشود برای او بآن گام یک درجه ثواب کم کرده میشود از وی بآن گام گناهی پس چون نماز گذارد

لم تزل الملائكة تصلي عليه ما دام في مصلاه اللهم صل عليه اللهم

همیشه اند فرشتگان که درود میفرستند برو تا آنکه نشسته است می در جای نماز خود با این صیغه که خداوندا درود بفرست برو خداوندا

ارحمه ولا يزال احدكم في صلوة ما ينتظر الصلوة وفي رواية قال اذا

رحمت کن برو و همیشه است از شما در نماز تا آنکه انتظار میکند نماز را و در روایتی چنین آمده است که گفت آنحضرت چون

دخل المسجد كانت الصلوة تحبسه وزاد في دعاء الملائكة اللهم اغفر

درآمد مسجد را در حالیکه تحقیق باشد نماز که منع کند او را از بیرون رفتن و زیاده کرده است در این روایت در دعای فرشتگان این عبارت را خداوندا بیامرز

له اللهم تب عليه ما لم يؤذ فيه ما لم يحدث فيه متفق عليه

مراد را خداوندا رجوع کن برحمت برو مادام که نرنجاند در مسجد هیچ مسلمانی را مادام که حدث نکند در مسجد متفق علیه است

وعن ابي اسيد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از ابی اسید رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا دخل احدكم المسجد فليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج

چون درآید یکی از شما مسجد را پس باید که بگوید خداوندا بگشا برای من درهای رحمت خود را و چون برآید از مسجد

فليقل اللهم اني اسئلك من فضلك رواه مسلم وعن ابي قتادة

پس باید که بگوید خداوندا من سوال میکنم ترا از فضل تو روایت کرد او را مسلم و روایت است از ابی قتاده رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اذا دخل احدكم المسجد

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون درآید یکی از شما مسجد را

فليركع ركعتين قبل ان يجلس متفق عليه وعن معاوية ابن

پس باید که گذارد دو رکعت پیش از آنکه بنشیند متفق علیه و از معاویه ابن

قرة عن ابيه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن هاتين

قره مرویست روایت میکند از پدر خود که بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نهی کرد از خوردن این

الشجرتين يعني البصل والثوم وقال من اكلهما فلا يقربن مسجدنا

دو درخت یعنی پیاز و سیر و فرمود آنحضرت کسیکه بخورد این دو درخت را پس نزدیک نشود مسجد ما را

وقال إن كنتم لا بد آكليهما فأميتوهما طبخا رواه ابو داود وعن

وگفت اگر هستید شما که ناچار خورندگان این دو درخت را این میرانید و دور کنید بوی آنها را بپختن روایت کرد ابوداود و مرویست از

جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من أكل من هذه الشجرة

جابر رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بخورد از این درخت ناخوش بوی یعنی پیاز یا سیر را

المنتنة فلا يقربن مسجدنا فان الملائكة تتأذى مما يتأذى منه

پس باید که قریب نشود و نیاید مسجد ما را زیرا که فرشتگان آزار می کشند از آن چیزی که آزار میکشند ازوی

الإنس متفق عليه وعن عائشة قالت أمر رسول الله صلى الله

آدمیان متفق علیه و مرویست از عائشه رضی گفت امر کرد پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ببناء المسجد في الدور وأن ينظف ويطيب رواه ابو داود

علیه وسلم به بنا کردن مسجد در صحرا یا محلها و امر کرد که پاکیزه داشته شوند مسجدها و خوشبو کرده شوند روایت کرد ابو داود

والترمذي أي المحلات وابن ماجة وعنه قال قال رسول الله صلى الله

و ترمذی مراد داشته است از دور محلها را و ابن ماجه و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم عرضت علي أجور أمتي حتى القذاة يخرجها الرجل من

علیه وسلم عرض کرده شد بر من ثوابهای امت من که برآن ثواب بیابند تا آنکه خس و خاشاک و چرک که بیرون آرد مرد از

المسجد وعرضت علي ذنوب أمتي فلم أر ذنبا أعظم من سورة من

مسجد و عرض کرده شد بر من گناهان امت من پس ندیدم هیچ گناهی بزرگتر از فراموش کردن سوره از

القرآن أو آية أوتيها رجل ثم نسيها رواه الترمذي وابو داود وعن

قرآن یا آیتی که داده شد آن سوره یا آن آیه آن مرد را پس فراموش کرد آن را روایت کرد ترمذی و ابو داود و از

بريدة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بشر المشائين في الظلم

بریده رضی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بشارت ده مر روندگان را در تاریکیها

إلى المساجد بالنور التام يوم القيامة رواه الترمذي وابو داود

بمسجد بروشنی تام در روز رستخیز روایت کرد ترمذی و ابو داود

وابن ماجة عن سهل بن سعد وانس وعن ابي سعيد الخدري رضي الله
وابن ماجه از سهل ابن سعد واز انس رضه واز ابی سعید خدری مرویست رضه
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رأيتم الرجل يتعاهد المسجد
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون به بینید مردی را که عهده برای مسجد میکند
فاشهدوا له بالايمان فان الله يقول عز وجل انما يعمر مساجد الله من
پس گواهی دهید حکم کنید مر او را که او مومن است زیرا که خدا تعالی میفرماید معمور نمیدارد مسجدهای خدا را مگر کسیکه
امن بالله واليوم الاخر رواه الترمذي وابن ماجة والدارمي وعن
ایمان آورد به خدا و روز قیامت روایت کرد ترمذی وابن ماجه والدارمی در روایتست
ابي امامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من خرج من
از ابی امامه رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیرون آید از
بيته متطهرا الى صلوة مكتوبة فاجره كاجر الحاج المحرم
خانه خود با وضو بسوی نماز فرض پس اجر او همچو اجر کسیکه حج بر آینده است احرام بسته
ومن خرج الى تسبيح الضحى لا ينصبه الا اياه فاجره كاجر المعتمر
و کسیکه بیرون آید بسوی نماز چاشت نه در آید او را مگر تسبیح ضحی پس او را ثواب همچو کسیکه عمره می آرد
وصلوة على اثر الصلوة لا لغو بينهما كتب في عليين رواه احمد
و نماز بر نماز دیگر که نیست کلامی بیهوده درمیان آن هر دو علیین است که نوشته شود در اعلی مرتب روایه احمد
وابو داؤد وعن ابي هريرة رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
وابو داود واز ابی هریره رضه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
اذا مررتم برياض الجنة فارتعوا قيل يا رسول الله صلى الله عليه
وقتیکه بگذرید شما به باغ های بهشت پس بچرید گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم وما رياض الجنة قال المساجد قيل وما الرتع يا رسول الله
وسلم وچیست ریاض جنة فرمود مساجد گفته شد وچیست چریدن ای پیغمبر خدا

هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِیْ فَیَقُوْلَانِ لَهٗ مَا دِیْنُكَ فَیَقُوْلُ هَاهْ

هاه هاه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند مر او را چیست دین تو پس میگوید هاه

هَاهْ لَا اَدْرِیْ فَیَقُوْلَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِیْ بُعِثَ فِیْكُمْ

هاه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند چیست حال اینمرد که برانگیخته شده است در شما

فَیَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِیْ فَیُنَادِیْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَآءِ اَنْ

پس میگوید هاه هاه نمی دانم و در نمی یابم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که

كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ وَاَلْبِسُوْهُ مِنَ النَّارِ وَافْتَحُوْا لَهٗ

دروغ گفت این کافر پس بگسترانید فرشی برای وی از آتش و بپوشانید او را از پوششها دوزخ و بکشایید برای وی

بَابًا اِلَی النَّارِ قَالَ فَیَاْتِیْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا قَالَ

دری بسوی دوزخ فرمود آنحضرت پس می آید او را از گرمی و تاب آتش و باد گرم آن گفت آنحضرت

وَیُضَیَّقُ عَلَیْهِ قَبْرُهٗ حَتّٰی تَخْتَلِفَ فِیْهِ اَضْلَاعُهٗ ثُمَّ

و تنگ کرده میشود بر کافر گور او تا آنکه مختلف و متبدل گردد در قبر وی استخوان های وی او پستر

یُقَیَّضُ لَهٗ اَعْمٰی وَاَصَمُّ مَعَهٗ مِرْزَبَّةٌ مِّنْ حَدِیْدٍ

مسلط گردانیده میشود برو کوری و کری که نمی شنود و گوش نمی نهد بفریاد او با وی کلوخ کوب است از آهن

لَوْ ضُرِبَ بِهَا جَبَلٌ لَصَارَ تُرَابًا فَیَضْرِبُهٗ بِهَا ضَرْبَةً

اگر زده شود بر کوهی هر آئینه میگردد خاک پس میزند او را با آن زدنی

یَسْمَعُهَا مَا بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اِلَّا الثَّقَلَیْنِ فَیَصِیْرُ

میشنود آواز زدن را هر چه درمیان مشرق و مغرب است مگر جن و انس پس میگردد کافر

تُرَابًا ثُمَّ یُعَادُ فِیْهِ الرُّوْحُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ

خاک بستر باز آورده بشود روح در بدن او رواه احمد و ابو داؤد و روایت است

عُثْمَانَ رض اَنَّهٗ كَانَ اِذَا وَقَفَ عَلٰی قَبْرٍ بَكٰی حَتّٰی یَبُلَّ لِحْیَتَهٗ

از عثمان رض بدرستیکه بود وی رض چون می استاد بر سر گوری میگریست تا آنکه تر میساخت ریش خود

قال الله تعالی لقد خلقنا الانسان فی کبد

فَقِيلَ لَهُ تَذْكُرُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ فَلَا تَبْكِي وَتَبْكِي مِنْ هٰذَا

پس گفته شود او را که ذکر میکنی بهشت را و دوزخ را پس نمیگریی و گریه میکنی ازین یعنے از ایستادن بر قبر

فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْقَبْرَ

پس گفت بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه قبر

أَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ

نخستین منزلیست از منزلهای آخرت پس اگر کسیے برست از عذاب قبر پس چیزیکه پس از وست از عذاب

أَيْسَرُ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ وَقَالَ

آسان تر است و اگر نرست از عذاب قبر پس آنچه بعد از وست سخت تر است ازان و گفت عثمان

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا رَأَيْتُ مَنْظَرًا قَطُّ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ندیده ام هیچ نظرگاه هرگز زشت

إِلَّا وَالْقَبْرُ أَفْظَعُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

مگر آنکه گور زشت تر است ازان روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي سَعِيدِنِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَلَّطُ عَلَى الْكَافِرِ فِي قَبْرِهِ تِسْعَةٌ وَّتِسْعُونَ

علیه وسلم هر آئینه گماشته می شود بر کافر در گور او نود و نه

تِنِّينًا تَنْهَسُهُ وَتَلْدَغُهُ حَتّٰى تَقُومَ السَّاعَةُ لَوْ أَنَّ تِنِّينًا

اژدها میگزد کافر را دمیگزد او را تا آنکه بر پا میشود قیامت اگر اژدهاے

مِنْهَا نَفَخَ فِي الْأَرْضِ مَا أَنْبَتَتْ خَضِرًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

ازان دم زند در زمین نمی رویاند زمین هیچ سبزه را رواه الدارمی

وَالتِّرْمِذِيُّ نَحْوَهُ وَقَالَ سَبْعُونَ بَدَلَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

و الترمذی مانند وے و گفت هفتاد بجاے نود و نه

وعن جابر رض قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وسلم الى سعد بن معاذ حين توفي فلما صلى عليه

وسلم بسوے سعد بن معاذ رض هنگامی که وفات یافت پس هرگاه که نماز گذارد بروے

رسول الله صلى الله عليه وسلم ووضع في قبره وسوي

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم و نهاده شد معاذ در قبرش و برابر کرده شد خاک

عليه سبح رسول الله صلى الله عليه وسلم فسبحنا طويلا

بر وے تسبیح کرد پیغامبر خدا و گفت سبحان اللہ صلی اللہ علیہ وسلم پس تسبیح کردیم ما نیز تسبیح دراز

ثم كبر فكبرنا فقيل يا رسول الله لم سبحت ثم

پستر تکبیر گفت پس تکبیر گفتیم ما پس گفته شد ای پیغمبر خدا برای چه تسبیح کردی پستر

كبرت قال لقد تضايق على هذا العبد الصالح قبره

تکبیر بر آوردی فرمود آنحضرت تحقیق تنگ گردید بر این بنده نیک قبر وے

حتى فرجه الله تعالى عنه رواه احمد وعن ابن عمر

تا آنکه کشاد و بیرون آورد او را خدا تعالی از آن دشواری رواه احمد و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم هذا الذي تحرك

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم در حق سعد بن معاذ این آن کسے است که جنبید

له العرش وفتحت له ابواب السماء وشهده سبعون

بجهت وے عرش و کشاده شد برائے وے درها آسمان بجهت نزول رحمت و حاضر گردید او را هفتاد

الفا من الملائكة لقد ضم ضمة ثم فرج عنه رواه الترمذي

هزار فرشته بتحقیق تنگ کرده شد تنگ کردنی سخت پستر آسان کرده شد از وے رواه ترمذی

وعن جابر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم گفت

إذا أدخل الميت القبر مثلت له الشمس عند غروبها

چون در آورده میشود مرده در گور متمثل کرده می شود و نموده میشود مرادرا آفتاب چنانکه در وقت غروب

فيجلس يمسح عينيه ويقول دعوني أصلي رواه ابن ماجة

پس نشیند میت در حالیکه میمالد هر دو چشم خود را و میگوید بگذارید مرا که نماز شام بگذارم رواه ابن ماجه

وعن أبي هريرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رض . از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال إن الميت يصير إلى القبر فيجلس الرجل في قبره

گفت بدرستیکه میت میرود بسوی قبر پس می نشیند مرد در گورش در حالیکه

غير فزع ولا مشعوب ثم يقال فيم كنت فيقول كنت

ترسنده نیست و غیر مفتون سپس گفته می شود که در چه دین و ملت بوده تو پس میگوید بوده ام

في الإسلام فيقال ما هذا الرجل فيقول محمد رسول الله

در دین اسلام پس گفته می شود که چیست صفت این مرد پس میگوید میت که وی محمد فرستاده خدا است

صلى الله عليه وسلم جاءنا بالبينات من عند الله فصدقناه

صلی الله علیه وسلم که آورد ما را معجزات ظاهر و باهر از نزد خدا پس تصدیق کردیم ما اورا

فيقال له هل رأيت الله فيقول ما ينبغي لأحد أن يرى

پس گفته می شود اورا آیا دیده تو خدا را پس میگوید که نمیرسد و نمی سزد مر کسی را که به بیند

الله فيفرج له فرجة قبل النار فينظر إليها يحطم بعضها

خدا تعالی را پس کشاده می شود مر او را شگافی بجانب آتش دوزخ پس نگاه میکند بجانب آتش می شکند و پامال میکند

بعضا فيقال له انظر إلى ما وقاك الله ثم يفرج له فرجة

بعض بعض را پس گفته می شود مر او را که بنگر بجانب چیزیکه نگاهداشته است ترا خدا تعالی پس کشاده میشود مر اورا شگافی

قبل الجنة فينظر إلى زهرتها وما فيها فيقال له هذا

بجانب بهشت پس نگاه میکند بجانب خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته می شود مر او را این

شادان و هر که در آید درین عالم بیرون آید ازین دو نسخه ١٢

وَاِذَا اَرَدْتَ فِتْنَةً فِي قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُوْنٍ وَاَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ

و چون خواهی فتنه در قومی پس بمیران مرا پیش از آنکه گرفتار فتنه شوم و سوال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی

مَنْ يُّحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُّقَرِّبُنِيْ اِلٰى حُبِّكَ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

کسی که دوست دارد ترا و دوستی کاری که مرا قریب گرداند بسوی دوستی تو پس فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّهَا حَقٌّ فَادْرُسُوْهَا ثُمَّ تَعَلَّمُوْهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ

الله علیه وسلم این واقعه که دیدم حق است پس بخوانید از بستر تعلیم کنید از او رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَسَاَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ اِسْمٰعِيْلَ

و ترمذی و گفت که این حدیث حسن صحیح است و پرسیدم محمد بن اسمٰعیل

عَنْ هٰذَا الْحَدِيْثِ فَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ صَحِيْحٌ

یعنی بخاری را از این حدیث که چه حال دارد پس گفت که این حدیث صحیح است

بَابُ فَضِيْلَةِ الْجَمَاعَةِ

باب در فضیلت نماز با جماعت

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوْا مَعَ الرّٰكِعِيْنَ

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع کنید همراه رکوع کنندگان

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ

مرویست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز یکه

الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَّعِشْرِيْنَ دَرَجَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بجماعت بگذارند زیاده میشود در ثواب به نماز یکه تنها بگذارند بیست و هفت درجه متفق علیه است

وَعَنْ اُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ صَلّٰى بِنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مرویست از ابی بن کعب گفت نماز کرد با ما آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يَوْمًا الصُّبْحَ فَلَمَّا سَلَّمَ قَالَ اَشَاهِدٌ فُلَانٌ قَالُوْا لَا قَالَ اَشَاهِدٌ

روزی نماز بامداد پس هرگاه که سلام داد فرمود آیا حاضر است فلان گفتند حاضر نیست فرمود آیا حاضر است

فلان قالوا لا قال إن هاتين الصلوتين أثقل الصلوات على المنافقين

فلان شخص گفتند که حاضر نیست فرمود آنحضرت که این دو نماز صبح و شام گرانترین نمازهاست بر منافقین

ولو تعلمون ما فيهما لأتيتموهما ولو حبوا على الركب وإن الصف الأول

و اگر بدانید ثوابیکه در گذاردن این دو نماز است هر آینه می آیید این دو نماز را بر زانو رونده و بدرستیکه صف اول

على مثل صف الملائكة ولو علمتم ما فضيلته لابتدرتموه وإن صلوة

بر مانند صف فرشتگان است در فضل و اگر بدانید که چیست فضیلت صف اول هر آینه شتابی سبقت گیرید بر یکدیگر به آن و بدرستیکه نماز

الرجل مع الرجل أزكى من صلوته وحده وصلوته مع الرجلين أزكى من

مرد با یک مرد پاکیزه تر است از گذاردن تنها و نماز وی با دو مرد پاکیزه تر است

صلوته مع الرجل وما كثر فهو أحب إلى الله رواه أبو داود والنسائي

از نماز گذاردن با یک مرد و هر چه بسیار است از جماعت پس آن محبوب تر است بسوی خدا رواه ابو داود و نسائی

وعن أم الدرداء قالت دخل علي أبو الدرداء وهو مغضب فقلت

و روایت است از ام درداء گفت در آمد بر من ابو درداء و حال آنکه وی در غضب در آمده بود پس گفتم

ما أغضبك قال والله ما أعرف من أمر أمة محمد صلى الله عليه وسلم

چه چیز در غضب آورد ترا گفت بخدا که نمیشناسم من از کار امت محمد صلی الله علیه وسلم

شيئا إلا أنهم يصلون جميعا رواه البخاري وعن أبي بكر

چیزی را مگر آنکه نماز میگذارند بجماعت رواه بخاری و از ابی بکر

بن سليمان بن أبي حثمة أن عمر بن الخطاب فقد سليمان بن

بن سلیمان بن ابی حثمه مرویست که بدرستیکه عمر بن الخطاب رضی الله عنه گم کرد سلیمان بن

أبي حثمة في صلوة الصبح وإن عمر غدا إلى السوق ومسكن سليمان

ابی حثمه را در نماز بامداد و بدرستیکه عمر رفته بود بامداد بجانب بازار و خانه سلیمان

بين المسجد والسوق فمر على الشفاء أم سليمان فقال لها لم أر

در میان مسجد و بازار بود پس بگذشت بر شفا که مادر سلیمان است پس گفت عمر مر شفا را که ندیدم

سليمان في الصبح قالت إنه بات يصلي فغلبت عيناه فقال عمر

سلیمان را در نماز صبح چه شد گفت شفا بدرستیکه سلیمان شب نماز میگذارد پس غالب آمد او را خواب پس فرمود عمر رضی

لأن أشهد صلوة الصبح في جماعة أحب إلي من أن أقوم ليلة

هر آینه حاضر شدن من نماز صبح را در جماعت محبوب تر است بسوی من از آنکه تمام شب بایستم

رواه مالك وعن أبي موسى الأشعري قال قال رسول الله صلى

روایت کرد مالک و روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم اثنان فما فوقهما جماعة رواه ابن ماجة وعنه

الله علیه و سلم دو کس و آنچه زیاده از آنها باشد جماعت است روایت کرد ابن ماجه و مرویست از وی رضی

قال أتى النبي صلى الله عليه وسلم رجل أعمى فقال يا رسول الله إنه

گفت آمد آنحضرت را صلی الله علیه و سلم مرد نابینا پس گفت ای پیغمبر خدا بدرستیکه شان اینست

ليس لي قائد يقودني إلى المسجد فسأل رسول الله صلى الله عليه

که نیست مرا کشنده که دست مرا بگیرد و بکشد مرا بسوی مسجد پس سوال کرد و درخواست از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم أن يرخص له فيصلي في بيته فرخص له فلما ولى دعاه

و سلم که رخصت دهد باو تا نماز گزارد در خانه خود پس رخصت داد مرا پس هرگاه که بازگشت خواند او را

فقال هل تسمع النداء بالصلوة قال نعم قال فأجب رواه مسلم

پس فرمود آیا میشنوی آواز اذان را برای نماز گفت آری میشنوم فرمود پس اجابت کن یعنی بیا روایت کرد مسلم

وعن عائشة أنها قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از عایشه مرویست بدرستیکه عایشه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را که

يقول لا صلوة بحضرة الطعام ولا هو يدافعه الأخبثان رواه

میگفت نیست نماز در حضور طعام و نه در حالیکه بازمیدارد مصلی را کنایتین بول و غایط روایت

مسلم وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

مسلم روایت است از ابن عمر رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلٰوةُ فَلَا صَلٰوةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
چو اقامت کرده شود نماز پس جائز نیست نماز غیر از نماز فرض رواه مسلم در روایت است از
ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمُ
ابن عمر رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم منع مکنید زنان خود را
الْمَسَاجِدَ وَبُيُوتُهُنَّ خَيْرٌ لَهُنَّ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ
از رفتن بمساجد و خانه ایشان بهتر است مر ایشان را رواه ابو داود و از ابی هریره رضی گفت
أَمَرَنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْمَسْجِدِ فَنُودِيَ بِالصَّلٰوةِ
امر فرمود ما را رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم که وقتیکه باشید در مسجد پس اذان گفته شد
فَلَا يَخْرُجْ أَحَدُكُمْ حَتّٰى يُصَلِّيَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ أُمِّ
پس باید که بیرون نرود کسے از شما تا آنکه نماز گزارده شود رواه احمد و مرویست از عبد اللہ ابن ام
مَكْتُومٍ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَدِينَةَ كَثِيرَةُ الْهَوَامِّ
مکتوم رضی گفت ای پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکه در مدینه بسیار است گزندها
وَالسِّبَاعِ وَأَنَا ضَرِيرُ الْبَصَرِ فَهَلْ تَجِدُ لِي مِنْ رُخْصَةٍ قَالَ هَلْ تَسْمَعُ حَيَّ
و درندها و من نابینام پس آیا رخصت می یابی برای من فرمود میشنوی این کلمات را که حیے
عَلَى الصَّلٰوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَحَيَّهَلًا وَلَمْ يُرَخِّصْ رَوَاهُ
علی الصلوٰة حے علی الفلاح است گفت بلے اسے میشنوم فرمود اجابت کن و بیار رخصت نداد رواه
أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
ابو داود و نسائی در روایت است از ابی هریره رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ رَاحَ فَوَجَدَ النَّاسَ قَدْ صَلَّوْا
علیہ وسلم کسیکه وضو کرد پس نیک کرد وضوء خود را پس رفت بسوی مسجد پس یافت مردم را که نماز گذارده اند
أَعْطَاهُ اللّٰهُ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَلَّاهَا وَحَضَرَهَا لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ
میدهد او را خدای بزرگ مانند ثواب کسیکه گذارده است نماز را بجماعت و حاضر شده است و کم نمیکند این ثواب او از ثواب ایشان

فلبسها ثم قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول

پس پوشید آنها را بس گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می گفت

الميت يبعث في ثيابه التي يموت فيها رواه ابو داود

مرده برانگیخته شود در جامه های خود که میرد در وے رواه ابو داود

باب المشي بالجنازة والصلوة عليها

باب در رفتن همراه جنازه و نماز گذاردن بر آن

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اسرعوا بالجنازة فان تك صالحة فخير تقدمونها

کو شتاب کنید بجنازه یعنی بر داشتن او بسوے قبر پس اگر باشد میت نیکوکار پس نیکی کردن

اليه وان تك سوى ذلك فشر تضعونه عن رقابكم متفق

و اگر باشد میت غیر صالح پس دور بردن سبب دفع شری ست که می نهید آنرا از گردن

عليه وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

علیه و روایت ست از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم اذا وضعت الجنازة فاحتملها الرجال على اعناقهم

وسلم وقتی که نهاده می شود جنازه بر نعش پس بردارند مردان بر گردنهای خود

فان كانت صالحة قالت قدموني وان كانت غير صالحة

پس اگر باشد مرده نیکوکار گوید پیش فرستید مرا بسوے قبر و اگر باشد بدکار

قالت لاهلها يا ويلها اين تذهبون بها يسمع صوتها

می گوید بکسان خود اے وای کجا مے برید او را می شنود آواز او را

كل شيء الا الانسان ولو سمع الانسان لصعق رواه البخاري

هر چیز از حیوانات و جمادات غیر انسان و اگر می شنید آدمی هر آئینه هلاک می شد گشته بیهوش رواه بخاری

٢٦٩

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا رأيتم

وهم از وے روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید

الجنازة فقوموا فمن تبعها فلا يقعد حتى توضع متفق عليه

جنازه را پس بایستید و هر کی که پیروی کند جنازه را پس نه نشیند تا آنکه نهاده شود

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

و روایت از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من اتبع جنازة مسلم إيمانا واحتسابا وكان معه

علیه وسلم هر کسیکه پیروی کند جنازه مسلمانے را از روی ایمان و طلب کردن ثواب و باشد با وے

حتى يصلى عليه ويفرغ من دفنها فإنه يرجع من الأجر

تا آنکه نماز گزارده شود و تا آنکه فارغ گردد از دفن وے پس بدرستیکه باز میگردد از اجر

بقيراطين كل قيراط مثل أحد ومن صلى عليها ثم رجع

بدو قیراط هر قیراط مانند کوه احد است و کسیکه نماز گذارد بر وے پستر برگردد

قبل أن تدفن فإنه يرجع بقيراط متفق عليه وعن

پیش از آنکه دفن کرده شود پس بدرستیکه برمیگردد با یک قیراط متفق علیه و روایت است از

عوف بن مالك قال صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

عوف ابن مالک رض گفت نماز گزارد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

على جنازة فحفظت من دعائه وهو يقول اللهم اغفر له وارحمه

بر جنازه پس یاد گرفتم من از دعای آنحضرت و وے میگفت بار خدایا بیامرز مر او را و

وعافه واعف عنه وأكرم نزله ووسع مدخله واغسله

و عافیت ده او را و سلامت بخش و عفو کن از وی و گرامی دار مهمانی او و کشاده گردان جای درآمدن او را و بشوی او را

بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطايا كما نقيت الثوب

به آب و برف و ژاله و پاکیزه گردان او را از گناهان چنانکه پاکیزه گردانیده شود جامه

الأبيض من الدنس وأبدله دارا خيرا من داره وأهلا

سفید را از چرک و بدل کن او را سرا بهتر از سرای او که در اینجا بود و اہل بهتر

خيرا من أهله وزوجا خيرا من زوجه وأدخله الجنة

بهتر از اہل او و جفتی بهتر از جفت وی و در آر او را در بهشت

وأعذه من عذاب القبر أو من عذاب النار وفي رواية

و پناه ده او را از عذاب گور یا گفت آنحضرت پناه ده از عذاب آتش و در روایتی آمده

وقه فتنة القبر وعذاب النار قال حتى تمنيت أن

و نگهدار او را از فتنهٔ گور و از عذاب آتش گفت راوی تا آنکه رشک بردم و آرزو کردم که

أكون أنا ذلك الميت رواه مسلم وعن أبي هريرة

کاشکی من می بودم آن مرده که آنحضرت این دعا در حق من میکرد رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

أن امرأة سوداء كانت تقم المسجد أو شاب ففقدها

بدرستیکه زنی سیاه بود که جاروب میزد مسجد را یا جوانی بود پس گم کرد آن زن را

أو فقده رسول الله صلى الله عليه وسلم فسأل عنها أو عنه

یا آن جوان را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسید آنحضرت از حال آن زن

فقالوا مات قال أفلا كنتم آذنتموني قال فكأنهم

پس گفتند مرد وی فرمود آنحضرت آیا پس چرا خبر نکردید مرا گفت ابو هریره پس گویا که صحابه خرد

صغروا أمرها أو أمره فقال دلوني على قبره فدلوه فصلى

پنداشتند شان آن زن را یا شان آن مرد را پس فرمود آنحضرت که راه نمائید مرا بر گور آن

عليها ثم قال إن هذه القبور مملوءة ظلمة على أهلها وإن

بر قبر وی پس فرمود بدرستیکه این قبرها پر کرده شده اند تاریکی بر اہل خود و بدرستیکه

الله ينورها لهم بصلاتي عليهم متفق عليه ولفظه لمسلم

خداوند تعالی منور میگرداند گورها را برای ایشان بسبب نماز کردن من بر ایشان متفق علیه و لفظ مر مسلم راست

وعن كريب مولى ابن عباس عن عبد الله بن عباس
و روایت ست از کریب کہ مولای ابن عباس ست رض از عبد اللہ ابن عباس رض
انه مات له ابن بقديد او بعسفان فقال يا كريب انظر
کہ مرد پسری مر ابن عباس را در موضع قدید یا در موضع عسفان پس گفت ابن عباس ای کریب نگاہ کن
ما اجتمع له من الناس قال فخرجت فاذا ناس قد اجتمعوا
انچہ فراہم آمدند برای نماز وی از مردان گفت کریب پس بیرون آمدم پس ناگاہ مردان تحقیق جمع شدہ اند از جہت نماز
له فاخبرته فقال تقول هم اربعون قال نعم قال اخرجوه
وی پس خبر دادم مر عباس را پس گفت ابن عباس کہ میگوئی تو ایشان کہ چہل اند گفت آری گفت بیرون آرید جنازہ را
فاني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من
پس بتحقیق من شنیدہ ام رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم را کہ می گفت نیست ہیچ
رجل مسلم يموت فيقوم على جنازته اربعون رجلا
مرد مسلمانی کہ بمیرد پس بایستند بر جنازہ وی چہل مرد
لا يشركون بالله شيئا الا شفعهم الله فيه رواه مسلم
کہ شریک نمی گردانند آن چہل مرد بخدا چیزی را مگر آنکہ قبول کند شفاعت ایشان را خدا در حق وے رواہ مسلم
وعن عائشة عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ما من
و روایت ست از عائشہ رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ نیست ہیچ
ميت تصلي عليه امة من المسلمين يبلغون مائة كلهم
مردہ کہ نماز بگذارند بروے گروہے از مسلمانان کہ برسند عدد صد را ہمہ ایشان
يشفعون له الا شفعوا فيه رواه مسلم وعن انس
شفاعت و دعا کنند او را مگر آنکہ شفاعت ایشان قبول کردانیدہ شود رواہ مسلم و روایت ست از انس رض
قال مروا بجنازة فاثنوا عليها خيرا فقال النبي صلى الله
گفت انس گذشتند جماعتی بجنازہ پس ثنا کردند بر وے بہ نیکی پس فرمود آنحضرت صلی اللہ

حيث ينادى بهن فان الله شرع لنبيكم سنن الهدى وانهن من

در جاییکه ندا کرده شود برای آنها پس بدرستیکه خدای تعالی شرع کرده است برای پیغامبر شما طریقه‌های هدایت را و بدرستیکه این پنج نماز از

سنن الهدى ولو انكم صليتم في بيوتكم كما يصلي هذا المتخلف في

جمله طریقه‌های هدایت است و اگر ثابت شود آنکه شما گذارید نماز را در خانهای خود چنانکه میگذارد این شخص باز مانده در

بيته لتركتم سنة نبيكم ولو تركتم سنة نبيكم لضللتم وما من

خانه خود هر آئینه ترک کرده باشید طریقه پیغامبر خود را و اگر ترک کنید طریقه پیغمبر خود را هر آئینه گمراه شوید و نیست هیچ

رجل يتطهر فيحسن الطهور ثم يعمد الى مسجد من هذه المساجد الا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را پس قصد رفتن کند بسوی مسجدی از این مساجد مگر آنکه

كتب الله له بكل خطوة يخطوها حسنة ورفعه بها درجة وحط عنه

بنویسد خدای تعالی برای او به هر گامیکه مینهد نیکی و ثواب و بلند گرداند برای او به آن یک درجه و دور کند و کم گرداند از و

بها سيئة ولقد رأيتنا وما يتخلف عنها الا منافق معلوم النفاق

بسبب آن بدی را و بتحقیق دیدیم اصحاب را که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافق که نفاق او ظاهر بود

ولقد كان الرجل يؤتى به يهادى بين الرجلين حتى يقام في الصف

و بتحقیق بود مرد بیماری که آورده میشد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف بر دو مرد تا آنکه ایستاده کرده میشد در صف نماز

رواه مسلم وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه

رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم من سمع المنادي فلم يمنعه من اتباعه عذر قالوا وما

وسلم کسیکه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد او را از پیروی آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

العذر قال خوف او مرض لم تقبل منه الصلوة التي صلى رواه

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمیشود از وی نمازیکه گذارده است رواه

ابو داود والدارقطني وعن ابي الدرداء قال قال رسول الله

ابو داود و دار قطنی و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ ثَلٰثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَّلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيْهِمُ الصَّلٰوةُ

صلی الله علیه وسلم نیست سه مرد در دیهی و یا در بادیه که بر پا کرده نشود در میان ایشان نماز جماعت

اِلَّا قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَاِنَّمَا يَاْكُلُ الذِّئْبُ

مگر آنکه غالب آمد بر ایشان شیطان پس بر تو باد که لازم گیری جماعت را زیرا که میخورد گرگ گوسفند را

الْقَاصِيَةَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ

که دور افتاده است رواه احمد وابو داود ونسائی و روایت است از ابی هریره رضی

اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ صَلٰوةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَّعِشْرِيْنَ دَرَجَةً

الله تعالی عنه نماز یکه بجماعت گذارند زیادتی میکند بر نماز که تنها گذارد به بست و هفت درجه

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَقَدْ هَمَمْتُ اَنْ اٰمُرَ بِحَطَبٍ فَيُحْطَبَ ثُمَّ اٰمُرَ

بخدای که بقای ذات من بدست قدرت اوست تحقیق آهنگ کردم که امر کنم بجمع کردن هیزم پس جمع کرده شود هیزم پس امر کنم

بِالصَّلٰوةِ فَيُؤَذَّنَ لَهَا ثُمَّ اٰمُرَ رَجُلًا فَيَؤُمَّ النَّاسَ ثُمَّ اُخَالِفَ اِلٰى

باذان گفتن برای نماز پس اذان گفته شود و بعد نماز پس امر کنم مردی را تا امامت کند مردم را پس بیایم بسوی

رِجَالٍ وَفِيْ رِوَايَةٍ لَا يَشْهَدُوْنَ الصَّلٰوةَ فَاُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوْتَهُمْ

مردمانیکه و در روایتی این کلمات است حاضر نشوند برای نماز پس بسوزانم بر ایشان خانهای ایشان

وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَوْ يَعْلَمُ اَحَدُهُمْ اَنَّهٗ يَجِدُ عَرْقًا سَمِيْنًا اَوْ مِرْمَاتَيْنِ

بخدا سوگند اگر بداند یکی از ایشان که او می یابد استخوان فربه یا دو سم گاو

حَسَنَتَيْنِ لَشَهِدَ الْعِشَاءَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهٗ

و گوسفند که نیکو در آید در نظر مردم هر آینه حاضر شود نماز عشا را رواه بخاری و مسلم را مانند است

بَابُ تَسْوِيَةِ الصَّفِّ

باب در برابر کردن صف وقت نماز

عن النعمان ابن البشير رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى

و در روایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم يسوي صفوفنا حتى كأنما يسوي بها القداح حتى رأى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را در نماز تا آنکه گویا برابر میکرد بان صفوف قداح را یعنی چوب تیر تا آنکه دید آنحضرت

انا قد عقلنا عنه ثم خرج يوما فقام حتى كاد أن يكبر فرأى رجلا

که ما بتحقیق فهمیدیم از قول و فعلش پس بیرون آمد آنحضرت روزی پس ایستاد تا آنکه قریب بود که الله اکبر بگوید پس دید مردی را

باديا صدره من الصف فقال عباد الله لتسون صفوفكم أو

که بیرون رست سینه او از صف پس گفت ای بندگان خدا هر آینه باید که برابر کنید شما صفهای خود را یا آنکه

ليخالفن الله بين وجوهكم رواه مسلم وعن عائشة

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا تعالی در میان ذاتهای شما رواه مسلم و در روایت است از عائشه

رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الله

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

وملئكته يصلون على ميامن الصفوف وعن أبي أمامة

و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای دست راست از صفوف و از ابی امامه مرویست

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الله

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی

وملئكته يصلون على الصف الأول قالوا يا رسول الله وعلى

و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثاني قال إن الله وملئكته يصلون على الصف الأول قالوا يا

صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای

رسول الله وعلى الثاني قال إن الله وملئكته يصلون على الصف

پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف

الاول قالوا يا رسول الله وعلى الصف الثاني قال وعلى الثاني وقال

اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم و فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم سووا صفوفكم وحاذوا بين

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را و برابر کنید میان

مناكبكم ولينوا في ايدي اخوانكم وسدوا الخلل فان الشيطن

دوشهای خود و نرمی کنید در پیش دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

يدخل فيما بينكم بمنزلة الحذف يعني اولاد الضأن الصغار

میدر آید در میان شما در رنگ حذف مراد است از لفظ حذف بچهای میش که خرد باشند

رواه احمد وعن ابن عمر رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد احمد و از ابن عمر مرویست رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم اقيموا الصفوف وحاذوا بين المناكب وسدوا

صلی الله علیه وسلم بر پای دارید صفوف را و برابر کنید در میان دوشها [illegible] ببندید

الخلل ولينوا بايدي اخوانكم ولا تذروا فرجات الشيطن ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما و مگذارید فرجها شیطان را و کسیکه

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه ابوداود

وصل کند صف را وصل کند او را خدا [illegible] و کسیکه ببرد و رخنه کند صف را ببرد [illegible] خدا روایت کرد ابوداود

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لا يزال قوم يتاخرون عن الصف الاول حتى يؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می مانند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله في النار رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه

خدا تعالی در آتش روایت کرد ابوداود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَمَا يَخْشَى الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم آیا نمی ترسد آنکس که برمیدارد سر خود را

قَبْلَ الْاِمَامِ اَنْ يُّحَوِّلَ اللّٰهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَنَسٍ

پیش از امام ازینکه بگرداند خدا تعالی سراو را همچو سر خر متفق علیه است واز انس رضی اللہ عنہ مرویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُصُّوْا صُفُوْفَكُمْ وَقَارِبُوْا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم پیوسته دارید واستوار کنید صفهای خود را ونزدیکی کنید

بَيْنَهَا وَحَاذُوْا بِالْاَعْنَاقِ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهٖ اِنِّي لَاَرَى الشَّيْطٰنَ

میان صفها وبرابر کنید گردنها را پس سوگند بخدا ایکه ذات من بدست اوست بدرستیکه من هر آئینه می بینم شیطان را

يَدْخُلُ مِنْ خَلَلِ الصَّفِّ كَاَنَّهَا الْحَذَفُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ

که در می آید از رخنهٔ صف گوئیا آن شیطان بچه بزیست رواه ابوداود ودروایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ

ابیهریره رضی اللہ تعالے عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بهترین

صُفُوْفِ الرِّجَالِ اَوَّلُهَا وَشَرُّهَا اٰخِرُهَا وَخَيْرُ صُفُوْفِ النِّسَاءِ اٰخِرُهَا

صفهای مردان اولین آنهاست وبدترین صفها مردان پسین آنهاست وبهترین صفهای زنان پسین آنهاست

وَشَرُّهَا اَوَّلُهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدِ الْخُدْرِيِّ

وبدترین صفهای زنان پیشین آنها رواه مسلم واز ابی سعید الخدری

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ رَاٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ اَصْحَابِهٖ تَاَخُّرًا

رضی اللہ عنہ مرویست دید پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم در یاران خود پس ماندن را در صف نماز

فَقَالَ لَهُمْ تَقَدَّمُوْا وَائْتَمُّوْا بِيْ وَلْيَاْتَمَّ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ لَا يَزَالُ

پس گفت مر ایشانرا پیش آئید واقتدا کنید بمن باید که اقتدا کنند بشما کسیکه پس شما ده اند وهمیشه اند

قَوْمٌ يَتَاَخَّرُوْنَ حَتّٰى يُؤَخِّرَهُمُ اللّٰهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ مَسْعُوْدٍ

قومی که پس می ایستند تا آنکه پس می افگند ایشانرا خدا تعالی از ثواب عظیم رواه مسلم وروایت است از ابی مسعود

الانصاري رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

انصاری رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يمسح مناكبنا في الصلوة ويقول استووا ولا تختلفوا فتختلف

که مسح میکرد کتفهای ما را در نماز و میفرمود که برابر شوید و اختلاف مکنید پس مختلف گردد

قلوبكم ليلني منكم اولو الاحلام والنهى ثم الذين يلونهم

دلهای شما باید که متصل شوند مرا از شما خداوندان بلوغ و عقل در صف اول پس آنکسانیکه قریب باشند بایشان پس از آن

ثم الذين يلونهم قال ابو مسعود فانتم اليوم اشد اختلافا

بعد آنکسانیکه قریب باشند بایشان گفت ابو مسعود انصاری رض پس شما امروز سخت تر آید از روی اختلاف

رواه مسلم وعن البراء بن عازب رضي الله تعالى عنه قال كان

روایت کرد مسلم و روایت است از براء بن عازب رضی الله عنه گفت بود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان الله وملئكته يصلون

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند

على الذين يلون الصفوف الاولى وما من خطوة احب

بر آنانکه متصل اند صفهای پیشین را و نیست هیچ گامی محبوب تر

الى الله من خطوة يمشيها يصل بها صفا رواه ابو داود

بسوی خدا از گامی که بسپرد وی که پیوند دهد بوی صف را روایت کرد ابو داود

باب السترة واثم المرور بين يدي المصلى

باب در احادیثی که وارد است در بیان ستره و گناه گذشتن از روبروی مصلی

عن طلحة بن عبيد الله قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از طلحه ابن عبید الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا وضع احدكم بين يديه مثل مؤخرة الرحل فليصل ولا يبال

چون بنهد یکی از شما پیش خود مانند چوبی پالان ستره پس باید که نماز گزارد و باک ندارد ... اگر ... گذرد

من قدر ذراع ذلك رواه مسلم وعن ابي جهيم رضي الله تعالى عنه

بیش از سترہ رواہ مسلم و روایت است از ابی جہیم رضی اللہ عنہ

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم المار بين يدي المصلي

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم اگر بداند گذرندہ پیش مصلی

ماذا عليه لكان ان يقف اربعين خيرا له من ان يمر بين يديه قال

کہ چہ گناہ است بروی ہر آئینہ باشد ایستادن او تا چہل بہتر مر او را از گذشتن در پیش مصلی گفت

ابو النضر لا ادري قال اربعين يوما او شهرا او سنة متفق عليه

ابو نضر کہ یکی از راویان است کہ در نمی یابم کہ گفت چہل روز یا چہل ماہ یا چہل سال است متفق علیہ

وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی ہریرہ رضی اللہ عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ

وسلم اذا صلى احدكم فليجعل تلقاء وجهه شيئا فان لم يجد فلينصب

وسلم چون نماز گزارد یکی از شما پس باید کہ بگرداند در مقابل روی خود چیزی را پس اگر نیابد چیزی را پس باید کہ ایستادہ کند

عصاه فان لم يكن معه عصا فليخطط خطا ثم لا يضره ما مر

عصای خود را پس اگر نباشد با وی عصا پس باید کہ بکشد خطی را در زمین پس ضرر نیان ندارد او را چیزی کہ بگذرد

امامه رواه ابوداود وابن ماجه وعن ابي سعيد رضي الله

پیش او رواہ ابو داود و ابن ماجہ و روایت است از ابی سعید رضی اللہ

تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يقطع الصلوة شئ

تعالی عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم باطل نمیگرداند نماز را چیزی

وادرءوا ما استطعتم فانما هو شيطان رواه ابوداود وعن

پیش مصلی گذرندہ را دفع کنید بقدر یکہ توانید زیرا کہ آن گذرندہ شیطان است رواہ ابو داود و روایت است از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم احدكم

مَا لَهُ فِي اَنْ يَّمُرَّ بَيْنَ يَدَيْ اَخِيْهِ مُعْتَرِضًا فِي الصَّلٰوةِ كَانَ لَاَنْ يُّقِيْمَ

اگناه در گذشتن می ازپیش برادر مسلمان از مقابل . در نماز باشد هر آئینه ایستادن او

مِائَةَ عَامٍ خَيْرًا لَّهُ مِنَ الْخُطْوَةِ الَّتِيْ خَطَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

صد سال بهتر مر او را از گامے که میزند آنرا رواه ابن ماجه واز

كَعْبِ الْاَحْبَارِ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيْ مَاذَا

کعب اخبار مرویست گفت اگر بداستنے گذرنده ازپیش مصلے انچه براو ست

عَلَيْهِ لَكَانَ اَنْ يُّخْسَفَ بِهٖ خَيْرًا لَّهُ مِنْ اَنْ يَّمُرَّ بَيْنَ

ازگناه هرآئینه بهتر بود فرو برده شدن او در زمین از گذشتن در اازپیش

يَدَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ اَهْوَنُ عَلَيْهِ رَوَاهُ مَالِكٌ

مصلے و در روایتی این لفظ یعنی آسانتر است بروے رواه مالک

بَابُ السُّنَنِ

این باب در بیان سنت هاست

عَنْ اُمِّ حَبِيْبَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ام حبیبه رضی الله تعالے عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى فِيْ يَوْمٍ وَّلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بُنِيَ لَهٗ بَيْتٌ

علیه وسلم کسیکه بگذارد در روز و شب دوازده رکعت بنا کرده شود برای وی خانه

فِي الْجَنَّةِ اَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ

دربهشت چهار رکعت سنت پیش از نماز پیشین و دو رکعت پس از ظهر و دو رکعت نماز بعد از نماز شام

وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلٰوةِ الْفَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و دو رکعت نماز بعد از نماز خفتن و دو رکعت پیش از نماز فجر رواه ترمذے

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

واز عائشه رضی الله عنها مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عليه وسلم ركعتا الفجر خير من الدنيا وما فيها رواه مسلم وعن

عليه وسلم دو ركعت سنت فجر بهتر است از عالم دنيا و هرچه در ويست رواه مسلم واز

ابن عمر رضي الله عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم لا يصلي بعد

ابن عمر رضى الله عنه مرويست گفت كه بود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كه نميكرد بعد از نماز

الجمعة حتى ينصرف فيصلي ركعتين في بيته متفق عليه وعن

جمعه تا آنكه برگشت از نماز پس بگزارد دو ركعت در خانه خود متفق عليه ومرويست از

أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان

ابوهريره رضى الله تعالى عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه هست

منكم مصليا بعد الجمعة فليصل أربعا رواه مسلم وعن ابن عمر رضي الله

از شما نماز گزارنده بعد از جمعه پس بايد كه بگذارد چهار ركعت رواه مسلم واز ابن عمر رضى الله

تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله امرء صلى

تعالى عنه مرويست گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم رحمت كند خداى تعالى مرد را كه بگذارد

قبل العصر أربعا رواه أحمد والترمذي وأبو داود وعن عائشة رضي

پيش از نماز عصر چهار ركعت رواه احمد و ترمذى و ابوداود و روايت است از عائشه

الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى بعد المغرب

الله تعالى عنها گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه بگذارد بعد از مغرب

عشرين ركعة بنى الله له بيتا في الجنة رواه الترمذي وعن

بيست ركعت را بنا كند خدا براى وى خانه در بهشت رواه ترمذى و روايت است از

مكحول يبلغ به أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى بعد المغرب

مكحول ميرساند حديث را بآنحضرت پيغمبر صلى الله عليه وسلم كسيكه بگذارد بعد از مغرب

قبل أن يتكلم ركعتين وفي رواية أربع ركعات رفعت صلوته

پيش از آنكه تكلم كند دو ركعت و در روايتى آمده است كه بگذارد چهار ركعت برداشته شود نماز او

فِي عِلِّيِّينَ مُرْسَلًا وَعَنْ حُذَيْفَةَ نَحْوَهُ وَزَادَ فَكَانَ يَقُولُ

در علیین از روی مرسل و از حذیفہ رض مانند این حدیث و زیادہ کردہ است این عبارت پس بود کہ میگفت آنحضرت

عَجِّلُوا الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فَإِنَّهُمَا تُرْفَعَانِ مَعَ الْمَكْتُوبَةِ رَوَاهُمَا

شتابی کنید دو رکعت را کہ بعد از مغرب اند زیرا کہ این دو رکعت برداشتہ میشوند بعلیین با فرض رزین روایت کرد ہر دو را

رَزِينٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ الزِّيَادَةَ عَنْهُ نَحْوَهَا فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

رزین و روایت کرد بیہقی زیادت را از حذیفہ مانند آن در شعب ایمان

بَابُ صَلٰوةِ التَّهَجُّدِ وَالتَّحْرِيضِ عَلٰى قِيَامِ اللَّيْلِ

باب در بیان احادیثیکہ در باب فضیلت نماز تہجد و تحریض بر قیام شب واقع شدہ

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهٖ نَافِلَةً لَّكَ عَسٰى اَنْ يَّبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا

و بعضی شب بیدار باش بقرآن شب چیزی زیادہ برای تو قریب است کہ ایستادہ کند ترا پروردگار تو بمقامی

مَّحْمُوْدًا ۝ تَتَجَافٰى جُنُوْبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَّطَمَعًا

پسندیدہ و دور مانند پہلوی ایشان از خوابگاہ میخوانند پروردگار خود را بترس امید وار سے

وَّمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا اُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةِ اَعْيُنٍ

و از آنچہ روزی دادہ ایم ایشانرا خرچ میکنند پس نمیداند ہیچ نفس چیزی پنہان داشتہ شد برای ایشان از خنکی چشم

جَزَآءً ۢ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ وَعَنْ اَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيْدَ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ

بپاداش دادہ شد بآنچہ میکردند و روایت است از اسما بنت یزید رض از پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُحْشَرُ النَّاسُ فِي صَعِيْدٍ وَّاحِدٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود فراہم آوردہ میشود مردم بر صعید واحد روز قیامت

فَيُنَادِيْ مُنَادٍ فَيَقُوْلُ اَيْنَ الَّذِيْنَ كَانَتْ تَتَجَافٰى جُنُوْبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

پس آواز میدہد آواز دہندہ پس میگوید کجا اند آنکسانیکہ دور و جدا میشد پہلوہای ایشان از خوابگاہہای ایشان

فَيَقُوْمُوْنَ وَهُمْ قَلِيْلٌ فَيَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ ثُمَّ يُؤْمَرُ

پس برخیزند و حال آنکہ ایشان کم باشند پس میدرآیند بہشت بی آنکہ حساب گرفتہ شوند پس امر کردہ میشود

بنده را اسعم
بند اسلم سیوعع

يُسَاقُ النَّاسُ إِلَى الْحِسَابِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ بَابُ الْحِسَابِ

ساقه گردند مردم را بحساب گرفتن روایه البیهقی در شعب الایمان باب حساب

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْزِلُ رَبُّنَا

و مرویست از ابوهریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرود آید پروردگار ما

تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ

که بزرگ بلند است هر شب باسمانیکه فرود تر وباپان تر است وقتیکه باقی میماند سیوم حصه که شب آخر است

يَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ مَنْ يَسْتَغْفِرُ

میفرماید حق تعالی کیست که دعا کند مرا تا قبول کنم دعا او را کیست که درخواست کند از من تا بدهم آنچه میخواهد کیست که آمرزش خواهد

لِي فَأَغْفِرَ لَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ ثُمَّ يَبْسُطُ يَدَيْهِ يَقُولُ

از من بیامرزم او را متفق علیه است و در روایت مسلم آمده است فراخ میکند پروردگار هر دو دست خود را میگوید پروردگار

مَنْ يُقْرِضُ غَيْرَ عَدُومٍ وَلَا ظَلُومٍ حَتَّى يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ وَعَنْ جَابِرٍ

کیست که قرض دهد کسیرا که نه فقیر است و نه ظلم کننده میگوید خدا تا بشگافد فجر واز جابر مرویست

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ

رضی الله عنه گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه

فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللّٰهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا

در شب هر آئینه ساعتی است که موافق نمیشود امر مرد مسلمان در حالیکه سوال میکند خدا را چیزی از کار دنیا

وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللّٰهُ إِيَّاهُ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و آخرت مگر آنکه میدهد خدا تعالی آنچیز را و این ساعت در هر شب است رواه مسلم و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَحَبُّ الصَّلٰوةِ إِلَى اللّٰهِ تَعَالَىٰ صَلٰوةُ دَاوُدَ وَأَحَبُّ الصِّيَامِ إِلَى اللّٰهِ

وسلم دوست داشته شده ترین نماز بسوی خدا تعالی نماز داود علیه السلام است و دوست داشته شده ترین روزه بسوی

صِيَامُ دَاوُدَ وَكَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللَّيْلِ وَيَقُومُ ثُلُثَهُ وَيَنَامُ سُدُسَهُ وَيَصُومُ

روزه داود است وبود داود که خواب میکرد نصفه شب و برمیخاست دو دانگ خواب میکرد باز یک دانگ و روزه می گرفت

يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى

یک روز وروزه کشاد در دیگر متفق علیه است واز ابی امامه رضی الله تعالی

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ

عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر شما باد برخواستن شب برای نماز زیرا که شب خیزی

دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَهُوَ قُرْبَةٌ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ وَمُكَفِّرَةٌ لِلسَّيِّئَاتِ

عادت نیکوکاران است که پیش از شما بودند وقیام لیل سبب نزدیکیست مر شما را بسوی پروردگار شما وسبب پوشیدنست مر بدیها را

وَمَنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

وباز دارنده است از گناهان رواه ترمذی واز ابی سعید الخدری

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يَضْحَكُ

رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سه کس اند که میخندد

اللّٰهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يُصَلِّي وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي

خدا تعالی برای ایشان یکی مردیکه چون برخیزد برای نماز شب دوم قوم چون صف میزنند در

الصَّلٰوةِ وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي قِتَالِ الْعَدُوِّ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

نماز سوم قومیکه چون صف میزنند در کشتن دشمنان دین رواه در شرح سنة

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلٰثَ

وسلم گره می بندد شیطان بر پس سر یکی از شما وقتیکه او در خواب میکند سه

عُقَدٍ يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ فَإِنِ اسْتَيْقَظَ

گره میزند بر گرهی لازم گیر بر خود خوابرا که شب دراز است پس خواب بکن پس اگر بیدار شود

اللهُ لِمَلٰئِكَتِهٖ انْظُرُوْا اِلٰى عَبْدِيْ ثَارَ عَنْ فِرَاشِهٖ وَوِطَائِهٖ مِنْ بَيْنِ

خدا تعالی بفرشتگان خود نگاه کنید بسوی بنده من که برخاست از فراش خود و از لحاف خود از میان

حِبِّهٖ وَاَهْلِهٖ اِلٰى صَلٰوتِهٖ رَغْبَةً فِيْمَا عِنْدِيْ وَشَفَقًا مِمَّا عِنْدِيْ وَرَجُلٌ غَزَا

محبوب خود و اهل خود بسوی نماز خود از جهت رغبت نمودن در ثوابی که نزد منست و از جهت ترسیدن از عقابی که نزد منست و مردی که جنگ کرد با کفار

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَانْهَزَمَ مَعَ اَصْحَابِهٖ فَعَلِمَ مَا عَلَيْهِ فِي الْاِنْهِزَامِ وَمَا

در راه خدا پس شکست خورد با یاران خود پس دانست آنچه او را است از گناه در گریختن و آنچه

لَهٗ فِي الرُّجُوْعِ فَرَجَعَ حَتّٰى اُهَرِيْقَ دَمُهٗ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ لِمَلٰئِكَتِهٖ انْظُرُوْا

مر او راست در بازگشتن پس برگشت تا آنکه ریخته شد خون او پس میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود نظر کنید

اِلٰى عَبْدِيْ رَجَعَ رَغْبَةً فِيْمَا عِنْدِيْ وَشَفَقًا مِمَّا عِنْدِيْ حَتّٰى اُهَرِيْقَ دَمُهٗ

بسوی بنده من که برگشت از جهت خواهش در ثوابی که نزد منست و از جهت ترسیدن از عقابی که نزد منست تا آنکه ریخته شد خون او

رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ

روایت کرد او را در شرح سنة

بَابُ صَلٰوةِ الضُّحٰى

باب نماز چاشت

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصْبِحُ عَلٰى كُلِّ سُلَامٰى مِنْ

روایت است از ابی ذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ثابت میگردد بر هر بند از استخوان

اَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِيْحَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِيْدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِيْلَةٍ

یکی از شما صدقه پس هر بار سبحان الله گفتن صدقه است و هر بار الحمد لله گفتن صدقه است و هر بار لا اله الا الله

صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِيْرَةٍ صَدَقَةٌ وَاَمْرٌ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ وَنَهْيٌ عَنِ

صدقه است و هر بار الله اکبر گفتن صدقه است و فرمودن کسی را بکار مشروع صدقه است و باز داشتن از

الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَيُجْزِئُ مِنْ ذٰلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحٰى

کار نامشروع صدقه است کفایت میکند از شکرانه سلامی و صدقه آن دو رکعت که بگذارد آن دو رکعت را از چاشت

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ وَاَبِيْ ذَرٍّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُمَا

روایت کرد او را مسلم و روایت است از ابی درداء و ابی ذر رضی الله تعالی عنهما

قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الله تبارك وتعالى انه

گفتند هردو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از خدا تعالی

قال يا ابن آدم اركع لي اربع ركعات من اول النهار اكفك آخره

که فرمود ای آدمی زاد بگذار برای من چهار رکعت را در اول روز بسنده و کارگذاری میکنم ترا در آخر روز

رواه الترمذي ورواه ابو داود والدارمي عن نعيم بن همار

رواه ترمذی و رواه ابو داود والدارمی از نعیم بن همار

الغطفاني واحمد عنهم وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال

غطفانی واحمد از هر سه در روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في الانسان ثلث مائة

شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت در آدمی سه صد

وستون مفصلا فعليه ان يتصدق عن كل مفصل منه بصدقة

وشصت بندست پس بر آدمی است که تصدق کند از هر بندی از خود بصدقه

قالوا ومن يطيق ذلك يا نبي الله قال النخاعة في المسجد تدفنها

گفتند صحابه که طاقت دارد آنرا ای پیغمبر خدا فرمود آنحضرت آب دهن افتاده در مسجد دفن کنی آنرا

والشيء تنحيه عن الطريق فان لم تجد فركعتا الضحى تجزئك

و چیزی یکسو کنی آنرا از راه مردم پس اگر نیابی آنرا پس دو رکعت نماز چاشت بسند گی میکند ترا

رواه ابو داود وعن انس رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

رواه ابو داود در روایت است از انس رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى الضحى ثنتي عشرة ركعة بنى الله له

صلی الله علیه وسلم کسی که بگذارد نماز ضحی را دوازده رکعت بنا کند خدا تعالی برای او

قصرا من ذهب في الجنة رواه الترمذي وابن ماجة وعن

کوشکی از طلا در بهشت رواه ترمذی وابن ماجه در روایت است از

مُعاذِ بنِ انسٍ الجُهنيّ قال قال رسول الله صلّى الله عليه وسلّم من

معاذ بن انس جهنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه

قعد في مصلّاه حين ينصرف من صلوة الصبح حتى يسبّح ركعتي

بنشیند در جای نماز وقتیکه بر گردد از نماز بامداد تا آنکه بگذارد دو رکعت

الضحى لا يقول الا خيرا غفر له خطاياه وان كانت اكثر من زبد البحر

چاشت را نگوید مگر سخن نیک امرزیده شود مر اورا گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا در بسیاری

رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال

رواه ابوداود روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود

رسول الله صلّى الله عليه وسلّم من حافظ على شفعة الضحى غفرت

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه محافظت کند هر دو رکعت ضحی آمرزیده شود

له ذنوبه وان كانت مثل زبد البحر رواه احمد والترمذي وابن

مر اورا گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا رواه احمد و الترمذی و ابن

ماجة وعن عائشة رضي الله تعالى عنها انها كانت تصلّي الضحى

ماجه روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها که حضرت عائشه میگذارد نماز چاشت را

ثماني ركعات ثم تقول لو نشر لي ابواي ما تركتهما رواه مالك

هشت رکعت پس میگفت اگر زنده کردانیده شوند برای من پدر و مادر من ترک نکنم رواه مالک

وعن ابي سعيد رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلّى الله

روایت است از ابی سعید رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلّم يصلّي الضحى حتى نقول لا يدعها ويدعها حتى نقول

علیه وسلم که میگذارد چندگاه نماز ضحی را تا آنکه میگفتیم هرگز ترک نخواهد کرد او را و گاهی میگذاشت او را تا آنکه میگفتیم

لا يصلّيها رواه الترمذي

هرگز نخواهد گذارد آنرا رواه ترمذی

بَابُ التَّطَوُّعِ

باب در احادیثی که در نوافل وارد اند

عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

در روایت است از جابر رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يُعَلِّمُنَا الْاِسْتِخَارَةَ فِي الْاُمُوْرِ كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّوْرَةَ مِنَ الْقُرْاٰنِ

وسلم تعلیم میکرد ما را دعای استخاره و نماز در کارهای مقصوده چنانکه تعلیم میکرد ما را سوره از قرآن

يَقُوْلُ اِذَا هَمَّ اَحَدُكُمْ بِالْاَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيْضَةِ

میگفت چون قصد کند یکی از شما بکاری پس باید که بگذارد دو رکعت را غیر نماز فرض

ثُمَّ لِيَقُلْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ

پس باید که بخواند این دعا را خداوندا من طلب میکنم خیر از تو باستعانت علم تو و طلب قدرت میکنم از تو بسبب قدرت تو

وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ

و سوال میکنم از تو چیزی از فضل تو که بزرگ است پس بدرستیکه تو قادری و من قدرت ندارم و تو میدانی

وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا

و من نمیدانم و تو دانندهٔ غیب ها را خداوندا اگر هستی تو که میدانی که این

الْاَمْرَ خَيْرٌ لِّيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِيْ اَوْ قَالَ فِيْ عَاجِلِ

کار من بهتر است مرا در دین من و در زندگانی من و در پایان کار من یا گفت آنحضرت بجای

اَمْرِيْ وَاٰجِلِهٖ فَاقْدُرْهُ لِيْ وَيَسِّرْهُ لِيْ ثُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْهِ وَاِنْ كُنْتَ

فی معاشی در اینجهان و در آنجهان پس تقدیر کن آنرا برای من و آسان کن آنرا برای من پس برکت ده مرا در آن کار و اگر

تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لِّيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِيْ اَوْ قَالَ

میدانی تو که این کار بدست مرا در دین من و در زندگانی من و در پایان کار من یا گفت

فِيْ عَاجِلِ اَمْرِيْ وَاٰجِلِهٖ فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ وَاصْرِفْنِيْ عَنْهُ وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيْرَ

در این جهان و در آنجهان پس بگردان آنرا از من و بگردان مرا از آن و تقدیر کن مرا نیکی را

حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ قَالَ وَيُسَمِّي حَاجَتَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ

هر جا که باشد پس تر راضی گردان مرا بدان گفت آنحضرت یا راوی نام برد حاجت را رواه بخاری و روایت ست از

عَلِيٍّ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ وَصَدَقَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ

علی رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا ابو بکر رض و راست گفت ابو بکر رضی الله عنه گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مردی که بکند گناهی را

ثُمَّ يَقُومُ فَيَتَطَهَّرُ ثُمَّ يُصَلِّي ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ إِلَّا غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ

پس برخیزد و پس طهارت کند پس تر نماز بگذارد پس تر آمرزش خواهد از خدا مگر آنکه بیامرزد خدا تعالی مر او را پس تر خواند

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوا

آنحضرت این آیت را و آنکسانیکه چون میکنند کار بد را یا ظلم کنند بر جانهای خود یاد میکنند خدا تعالی را پس طلب مغفرت میکنند

لِذُنُوبِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ إِلَّا أَنَّ ابْنَ مَاجَةَ لَمْ يَذْكُرِ الْآيَةَ

مر گناهان ایشان را رواه ترمذی و ابن ماجه مگر اینکه ابن ماجه ذکر نکرد آیت را

وَعَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ أَصْبَحَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت صبح کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَدَعَا بِلَالًا فَقَالَ بِمَا سَبَقْتَنِي إِلَى الْجَنَّةِ مَا دَخَلْتُ الْجَنَّةَ قَطُّ إِلَّا سَمِعْتُ

پس خواند بلال را رض پس گفت بچه عمل پیشی کردی تو مرا بسوی بهشت نه در آمدم بهشت را هرگز مگر شنیدم

خَشْخَشَتَكَ أَمَامِي قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ مَا أَذَّنْتُ قَطُّ

آواز نعلین ترا گفت بلال ای فرستادهٔ خدا صلی الله علیک وسلم اذان نگفتم هرگز

إِلَّا صَلَّيْتُ رَكْعَتَيْنِ وَمَا أَصَابَنِي حَدَثٌ قَطُّ إِلَّا تَوَضَّأْتُ عِنْدَهُ وَرَأَيْتُ

مگر آنکه گذاردم دو رکعت را بعد از آن و نرسید مرا بیوضوی هرگز مگر آنکه وضو ساختم نزد آن و اعتقاد کردم

أَنَّ لِلّٰهِ عَلَيَّ رَكْعَتَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِهِمَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

که مر خدا راست دو رکعت بر من پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بسبب این دو رکعت یافتی این مرتبه را

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْعَبَّاسِ بْنِ

وروایت ست از ابن عباسؓ بدرستیکہ نبی صلے اللہ علیہ وسلم فرمود مر عباس ابن

عَبْدِ الْمُطَّلِبِ يَا عَبَّاسُ يَا عَمَّاهُ اَلَا اُعْطِيْكَ اَلَا اَمْنَحُكَ اَلَا اُخْبِرُكَ

عبد المطلب را ای عباس ای عم من آیا ندہم ترا آیا نہ بخشم ترا آیا خبر ندہم ترا

اَلَا اَفْعَلُ بِكَ عَشْرَ خِصَالٍ اِذَا اَنْتَ فَعَلْتَ ذٰلِكَ غَفَرَ اللّٰهُ لَكَ ذَنْبَكَ اَوَّلَهُ

آیا نکنم باتو دہ خصلت چون تو بکنی آنرا بیامرزد خداے تعالے ترا گناہ ترا کہ پیش ازان کردے

وَاٰخِرَهُ قَدِيْمَهُ وَحَدِيْثَهُ خَطَأَهُ وَعَمْدَهُ صَغِيْرَهُ وَكَبِيْرَهُ سِرَّهُ وَعَلَانِيَتَهُ

و پس ازین خواہی کرد گناہ کہنہ و نو گناہان کہ بے قصد کردہ و بقصد کردہ گناہان خرد و کلان پوشیدہ و آشکارا

اَنْ تُصَلِّيَ اَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِيْ كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُوْرَةً فَاِذَا

بگذار تو چہار رکعت نماز را بخوان در ہر رکعت سورۂ فاتحہ و سورۂ از قرآن پس چون

فَرَغْتَ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِيْ اَوَّلِ رَكْعَةٍ وَاَنْتَ قَائِمٌ قُلْتَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

فارغ شوی از قراءة در اول رکعت و حالانکہ تو ایستادہ میگوئے این کلمہ تمجید را یعنی

وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَرْكَعُ فَتَقُوْلُهَا وَاَنْتَ رَاكِعٌ

سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر پانزدہ بار بعدہ میگوئی تو این کلمات را و حالانکہ تو راکع باشے

عَشْرًا ثُمَّ تَرْفَعُ رَاْسَكَ مِنَ الرُّكُوْعِ فَتَقُوْلُهَا عَشْرًا ثُمَّ تَهْوِيْ سَاجِدًا

دہ بار بعد از سبحان ربی العظیم بعدہ بر میداری سر خود را از رکوع پس میگوئی تو این کلمات را دہ بار بعد از سمع اللہ بعدہ بپایان

فَتَقُوْلُهَا وَاَنْتَ سَاجِدٌ عَشْرًا ثُمَّ تَرْفَعُ رَاْسَكَ مِنَ السُّجُوْدِ فَتَقُوْلُهَا

پس میگوئی آنرا و حالانکہ تو در سجدہ باشی دہ بار بعدہ بر میداری سر خود را از سجدہ و میگوئے آنرا

عَشْرًا ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُوْلُهَا عَشْرًا ثُمَّ تَرْفَعُ رَاْسَكَ فَتَقُوْلُهَا عَشْرًا

دہ بار بعدہ سجدہ میکنی پس میگوئی آنرا دہ بار بعدہ بر میدارے سر خود را پس میگوئے آنرا دہ بار

فَذٰلِكَ خَمْسٌ وَّسَبْعُوْنَ فِيْ كُلِّ رَكْعَةٍ تَفْعَلُ ذٰلِكَ فِيْ اَرْبَعِ رَكَعَاتٍ

پس مجموع آن ہفتاد و پنج بار میشود در ہر رکعت میکنی آنرا در چہار رکعت

إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

اگر میتوانی بگذاری این نماز را در هر روز یکبار پس بکن پس اگر نکنی تو در هر روز

فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

پس بکن در هر جمعه یکبار پس اگر نکنی در هر جمعه پس بکن در هر ماه پس اگر نکنی در هر ماه

فَفِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي عُمْرِكَ مَرَّةً رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

پس بکن در هر سال یکبار پس اگر نکنی در هر سال بکن در عمر خود یکبار روا و ابو داؤد و ابن ماجه

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي رَافِعٍ نَحْوَهُ وَعَنْ

و بیهقی در دعوات کبیر و روایت کرد ترمذی از ابی رافع رضی الله عنه مانند آن و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَذِنَ اللهُ لِعَبْدٍ فِي

ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گوش نمیدهد خدا تعالی مر بنده را در

شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا وَإِنَّ الْبِرَّ لَيُذَرُّ عَلَى رَأْسِ الْعَبْدِ

چیزی که فاضلتر است از دو رکعت که میگذارد آنها را و بدرستی که نیکی و رحمت نثار کرده میشود بر سر بنده

مَا دَامَ فِي صَلٰوتِهِ وَمَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى اللهِ بِمِثْلِ مَا خَرَجَ مِنْهُ

مادام که بنده در نماز خود است و نزدیکی نجستند بندها بسوی خدا بمانند چیزیکه بیرون آمده از خدا تعالی

يَعْنِي الْقُرْآنَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

که قرآنست روا و احمد و ترمذی

بَابُ الْجُمُعَةِ

باب در بیان جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس سعی کنید بسوی

ذِكْرِ اللهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَتِ

یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شما را اگر شما میدانید پس چون تمام کرده شود

الصلوٰۃ فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل اللہ واذکروا اللہ کثیرا

نماز پس متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار

لعلکم تفلحون وعن ابی ہریرۃ رضی اللہ تعالیٰ عنہ قال قال رسول اللہ

تا شما رستگار شوید و روایت ست از ابی ہریرہ رضی اللہ تعالیٰ عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا

صلی اللہ علیہ وسلم نحن الاٰخرون السابقون یوم القیٰمۃ بید انہم

صلی اللہ علیہ وسلم ما پسینانیم در دنیا پیشینانیم در آخرت در شرف جز این نیست کہ اہل کتاب

اوتوا الکتٰب من قبلنا واوتیناہ من بعدہم ثم ھذا یومہم الذی فرض

داده شدند کتاب را پیش از ما و داده شدیم ما کتاب را پس از ایشان پستر این روز ہست کہ فرض کرده شده

علیہم یعنی یوم الجمعۃ فاختلفوا فیہ فہدانا اللہ لہ والناس لنا فیہ

بر ایشان مراد باین روز جمعہ ست پس اختلاف کردند ایشان در وے پس راه نمود ما را خدا تعالیٰ آن روز را مردم یعنی یہود

تبع الیہود غدا والنصاریٰ بعد غد متفق علیہ وعن ابی ہریرۃ رضی اللہ عنہ

یہود فردا کہ شنبہ ہست و نصارے پس فردا کہ یکشنبہ ہست متفق علیہ روایت ست از ابی ہریرہ رض

قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم خیر یوم طلعت علیہ الشمس

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بہترین روز کہ برآمد بر وے آفتاب

یوم الجمعۃ فیہ خلق اٰدم وفیہ ادخل الجنۃ وفیہ اخرج منہا ولا تقوم

روز جمعہ ست در وے پیدا کرده شد آدم علیہ السلام و در وے در آورده شد آدم در بہشت و در وے بر آورده شد آدم از بہشت

الساعۃ الا فی یوم الجمعۃ مسلم وعنہ قال قال رسول اللہ

قیامت مگر در روز جمعہ و مروی ست از وے رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلی اللہ علیہ وسلم ان فی الجمعۃ لساعۃ لا یوافقہا عبد مسلم

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ در روز جمعہ ہر آئینہ ساعتے ہست کہ موافق نمیشود اورا بنده مسلمان

یسأل اللہ فیہا خیرا الا اعطاہ ایاہ متفق علیہ وزاد مسلم قال وہی

در حالتیکہ سوال میکند خدا را در ان ساعت نیکے مگر آنکہ میدہد خدا تعالیٰ آن بنده را آن نیکی متفق علیہ زیاده کرده ست مسلم

سَاعَةً خَفِيفَةً وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ خَرَجْتُ إِلَى الطُّورِ

ساعتی سبک یعنی کوتاه و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت بیرون آمدم بسوی کوه طور

فَلَقِيتُ كَعْبَ الْأَحْبَارِ فَجَلَسْتُ مَعَهُ فَحَدَّثَنِي عَنِ التَّوْرَاةِ وَحَدَّثْتُهُ

پس یافتم کعب احبار را پس نشستم با او پس حدیث کرد مرا از توریت و حدیث کردم او را

عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَانَ فِيمَا حَدَّثْتُهُ أَنْ قُلْتُ قَالَ

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پس بود از جمله آنچه حدیث کردم او را آنکه گفتم فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه تافت بر وی آفتاب روز

الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ أُهْبِطَ وَفِيهِ تِيبَ عَلَيْهِ وَفِيهِ مَاتَ

جمعه است که پیدا کرده شد آدم در آن روز و درین روز فرود آورده شد و درین روز رجوع برحمت کرده شد بر وی و در آن روز مرد

وَفِيهِ تَقُومُ السَّاعَةُ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَهِيَ مُصِيخَةٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

و درین روز برپا میشود قیامت و نیست هیچ جنبنده بر زمین مگر آنکه وی گوش نهنده و انتظار برنده است روز جمعه

مِنْ حِينِ تُصْبِحُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ شَفَقًا مِنَ السَّاعَةِ إِلَّا الْجِنَّ وَ

از وقتیکه صبح میکند تا آنکه برآید آفتاب از جهت ترسیدن از قیامت مگر پریان

الْإِنْسَ وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يُصَادِفُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ وَهُوَ يُصَلِّي يَسْأَلُ

و آدمیان و درین روز جمعه ساعتی است که نمی یابد از آن بنده مسلم در حالیکه او نماز و دعا میکند بخواهد

اللهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَقَالَ كَعْبٌ ذٰلِكَ فِي كُلِّ سَنَةٍ يَوْمٌ

از خدا چیزی را مگر آنکه عطا کند آن بنده را آنچیز گفت کعب احبار آن ساعت در هر سالی روزی است و در یک جمعه است

فَقُلْتُ بَلْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَقَرَأَ كَعْبٌ التَّوْرَاةَ فَقَالَ صَدَقَ

پس گفتم بلکه در هر جمعه است پس خواند کعب توریة را پس گفت راست گفته است

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَدِيثَ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُو دَاوُدَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آخر حدیث روایه مالک و ابو داود

وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَاَحْمَدُ اِلٰى قَوْلِهٖ صَدَقَ كَعْبٌ وَعَنْ اَنَسٍ

و ترمذی و نسائی و احمد در روایت است از انس

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلْتَمِسُوْا

رضی اللہ تعالی عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم طلب کنید

السَّاعَةَ الَّتِيْ تُرْجٰى فِيْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ اِلٰى غَيْبُوْبَةِ الشَّمْسِ

ساعتی را که امید داشته میشود اجابت دعا را در روز جمعه بعد از نماز عصر تا غایب شدن آفتاب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَوْسِ بْنِ اَوْسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد ترمذی و از اوس بن اوس مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ مِنْ اَفْضَلِ اَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيْهِ خُلِقَ

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ از فاضل ترین روزهای شما روز جمعہ است کہ در وی پیدا کردہ شد

اٰدَمُ وَفِيْهِ قُبِضَ وَفِيْهِ النَّفْخَةُ وَفِيْهِ الصَّعْقَةُ فَاَكْثِرُوْا عَلَيَّ

آدم و در وی قبض کردہ شد جان او و در وی نفخہ است و در وی صعقہ است پس بسیار کنید بر من

مِنَ الصَّلٰوةِ فِيْهِ فَاِنَّ صَلٰوتَكُمْ مَعْرُوْضَةٌ عَلَيَّ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

درود فرستادن درین روز زیرا کہ بدرستیکہ درود شما عرض کردہ شود بر من گفتند ای پیغمبر خدا

وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلٰوتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ اَرِمْتَ قَالَ يَقُوْلُوْنَ بَلِيْتَ

و چگونہ عرض کردہ شود درود ما بر تو حال آنکہ پوسیدہ شدہ تو گفت راوی میگویند صحابہ بلفظ ارمت میخواہند بلیت یعنی کہنہ شدہ

قَالَ اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ عَلَى الْاَرْضِ اَجْسَادَ الْاَنْبِيَاءِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

گفت آنحضرت کہ خدای تعالی حرام گردانید بر زمین تنہای پیغمبران خدا روایت کرد ابوداود

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعْوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ

و نسائی و ابن ماجہ و دارمی و بیہقی در دعوات کبیر و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْيَوْمُ الْمَوْعُوْدُ يَوْمُ

ابی ہریرہ رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کہ مراد بیوم موعود روز

الْقِيَامَةِ وَالْيَوْمُ الْمَشْهُودُ يَوْمُ عَرَفَةَ وَالشَّاهِدُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَمَا طَلَعَتِ

قیامت است و مراد بیوم مشهود عرفه است و مراد بشاهد روز جمعه است و نه طلوع کرد

الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتْ عَلٰى يَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْهُ فِيهِ سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ

آفتاب و نه فرو رفت بر روزی که فاضل تر از روز جمعه باشد و در این روز ساعتی است که موافق نیفتد آن ساعت را بنده

مُؤْمِنٌ يَدْعُو اللّٰهَ بِخَيْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللّٰهُ لَهُ وَلَا يَسْتَعِيذُ مِنْ شَيْءٍ

مومن که دعا کند خدا را بخیر مگر آنکه قبول کند خدا ایشان را دعا و در امان بگیرد از چیزی بد

إِلَّا أَعَاذَهُ مِنْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي لُبَابَةَ ابْنِ

مگر آنکه پناه دهد او را از وے رواه احمد و ترمذی و روایت است از ابی لبابه ابن

عَبْدِ الْمُنْذِرِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

عبد المنذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ روز جمعه

سَيِّدُ الْأَيَّامِ وَأَعْظَمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَهُوَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحٰى

بهتر روزهاست و بزرگترین روزهاست نزد خدا تعالی و روز جمعه بزرگ تر است نزد خدا از روز عید قربان

وَيَوْمِ الْفِطْرِ فِيهِ خَمْسُ خِلَالٍ خَلَقَ اللّٰهُ فِيهِ آدَمَ وَأَهْبَطَ اللّٰهُ فِيهِ

و عید رمضان در روز جمعه پنج خصلت است پیدا کرد خدا در وے آدم را و فرود آورد خدا در این روز

آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ وَفِيهِ تَوَفَّى اللّٰهُ آدَمَ وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يَسْأَلُ

آدم را بسوے زمین و در وے بمیرانید خدا تعالے آدم را و در وے ساعت است که نطلبد

الْعَبْدُ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ حَرَامًا وَفِيهِ تَقُومُ السَّاعَةُ

بنده در وے چیزی را مگر آنکه بدهد خدا او را مادام که نطلبد چیزی را که حرام است و در روز جمعه برپا شود قیامت

مَا مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا رِيَاحٍ وَلَا جِبَالٍ

نیست هیچ فرشته نزدیک گردانیده شده و نه آسمانے و نه زمینے و نه بادها و نه کوهها

وَلَا بَحْرٍ إِلَّا هُوَ مُشْفِقٌ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

و نه دریاها مگر آنکه وے ترسنده است از روز جمعه رواه ابن ماجه و روایت است از

أبي هريرة قال قيل للنبي صلى الله عليه وسلم لأي شيء سمي يوم

ابی ہریرہ رض گفت گفتہ شد مر آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم کہ از چہ چیز نامیدہ شد روز

الجمعة قال لأن فيها طبعت طينة أبيك آدم وفيه الصعقة

جمعہ بجمعہ فرمود آنحضرت از جہتہ آنکہ در جمعہ ساختہ شد گل تو کہ آدم ست و روز جمعہ ہلاک شدن جانوران است

والبعثة وفيها البطشة وفي آخر ثلاث ساعات منها ساعة

و برانگیختن انسان در و بطشت ای اخذ قوی شدید بود در آخر سہ ساعت از ساعات جمعہ ساعتی است

من دعا الله فيها استجيب له رواه أحمد وعن عبد الله بن عمرو

کہ کسیکہ دعا کند خدا را دران ساعت قبول کردہ میشود دعا برا او رواہ احمد و روایت است از عبد اللہ بن عمرو

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من مسلم يموت يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ مسلمانی کہ بمیرد روز

الجمعة أو ليلة الجمعة إلا وقاه الله فتنة القبر رواه أحمد

جمعہ یا شب جمعہ مگر آنکہ نگاہ دارد او را خدا تعالی از عذاب قبر رواہ احمد

والترمذي وعن ابن عباس رضي الله عنه أنه قرأ اليوم

والترمذی و روایت است از ابن عباس رضی اللہ عنہ بدرستیکہ وی خواند این آیت را

أكملت لكم دينكم الآية وعنده يهودي فقال لو نزلت هذه

کہ امروز کامل گردانیدم دین شما را تا آخر آیت و نزد ابن عباس یہودی بود پس گفت یہودی اگر فرود می آمدی این

الآية علينا لاتخذناها عيدا فقال ابن عباس فإنها نزلت في

آیت بر ما ہر آئینہ مگر فتیم ما نزول این آیت را روز نزول او عید پس گفت ابن عباس بدرستیکہ این آیت فرود آمدہ است در

يوم عيدين في يوم جمعة ويوم عرفة رواه الترمذي وعن

روز دو عید در روز جمعہ و در روز عرفہ رواہ ترمذی و روایت است از

أنس رضي الله عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

انس رضی اللہ عنہ گفت بود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

إِذَا دَخَلَ رَجَبُ قَالَ اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبَ وَشَعْبَانَ وَبَلِّغْنَا

چون می درآمد ماه رجب میگفت خداوندا افزونی ده ما را در خیر در جستجو ماه رجب و شعبان و برسان ما را

رَمَضَانَ قَالَ وَكَانَ يَقُولُ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ لَيْلَةٌ أَغَرُّ وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ

برمضان گفت انس رض و بود آنحضرت که میگفت شب جمعه شبے است سفید و روز جمعه

يَوْمٌ أَزْهَرُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَعَنْ سَلْمَانَ

روزیست سفید و روشن روایة کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از سلمان

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَغْتَسِلُ

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم غسل نکند

رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طُهْرٍ وَيَدَّهِنُ مِنْ دُهْنِهِ

مردی روز جمعه برای نماز جمعه و بهاله نکند در پاکی آنقدر که تواند پاکی الکه چیزی و بمالد بر بدن روغن را از روغن

أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ ثُمَّ يَخْرُجُ فَلَا يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ ثُمَّ يُصَلِّي

یا بمالد از بوی خوش هرچه در خانه وی باشد بعد ازان بیرون آید بسوی مسجد پس جدا نکند میان دو کس پس نماز گذارد

مَا كُتِبَ لَهُ ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الْإِمَامُ إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ

آنچه تقدیر کرده شده است برای وی از نوافل پس خاموش نشیند وقتیکه خطبه خواند امام مگر آنکه آمرزیده شود مراو را آن گناه که میان

بَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ

و میان جمعه دیگر گذشت روایه البخاری و روایت است از ابو هریره رضی

اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ

الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم کسیکه وضو کند

فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ

پس نیک کند وضو را پستر بیاید بجمعه پس بشنود خاموش نشیند آمرزیده شود آنچه گذشت میان او

بَيْنَ الْجُمُعَةِ وَزِيَادَةُ ثَلٰثَةِ أَيَّامٍ وَمَنْ مَسَّ الْحَصَا فَقَدْ لَغَا

و میان جمعه و زیاده سه روز و کسیکه مساس کند سنگریزه را بیهوده سخن گفت

رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روا مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

إذا كان يوم الجمعة وقفت الملائكة على باب المسجد يكتبون

چون بباشد روز جمعه مے ایستند فرشتگان بر در مسجد جمعه مے نویسند نام

الأول فالأول ومثل المهجر كمثل الذي يهدي بدنة ثم

هر که پیشتر آید بترتیب و مقصود حال آنکه اول وقت آید همچو حال کسیکه مے فرستد شتر را که برائے قربانی پستر

كالذي يهدي بقرة ثم كبشا ثم دجاجة ثم بيضة فإذا خرج

حال آنکس که پس از وی آید همچو گاو فرستنده است پستر شاه پستر ماکیان پستر بیضه تصدق کنند پس چون بیرون می آید

الإمام طووا صحفهم ويستمعون الذكر متفق عليه وعن

امام می پیچند نامهائے خود را و استماع میکنند ذکر خطبه را متفق علیه است و روایت است از

أبي سعيد وأبي هريرة قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی سعید و از ابی هریره رض گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

من اغتسل يوم الجمعة ولبس من أحسن ثيابه ومس من طيب

کسیکه غسل کند روز جمعه و بپوشد از نیکترین جامهائے خود و مساس کند از بوئے خوش

إن كان عنده ثم أتى الجمعة فلم يتخط أعناق الناس ثم صلى

اگر باشد نزد وی پستر بیاید جمعه را پس نگذارد پای خود بر گردن مردمان پستر نماز بگذارد

ما كتب الله له ثم أنصت إذا خرج إمامه حتى يفرغ من صلوته

آنچه نوشته است خدا برائے وی پستر خاموش شود و قتیکه بیرون آید امام وے تا آنکه فارغ شود از نماز خود

كانت كفارة لما بينها وبين جمعة التي قبلها رواه أبو داود

باشند این اعمال پوشنده مر آن گناهان را که میان آنهااند و جمعه که پیشتر ازین جمعه بود رواه ابو داود

وعن أوس بن أوس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

خدا ... علیه وسلم

مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ وَبَكَّرَ وَابْتَكَرَ وَمَشٰى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا

کسیکه غسل کناند روز جمعه و خود غسل کند و بیاید نماز را در اول وقت و دریابد اول خطبه را و بپای رفت و سوار نشد و نزدیک شد

مِنَ الْاِمَامِ وَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهٗ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلُ سَنَةٍ اَجْرُ

از امام و بشنید خطبه را و لغو نکرد ثابت شود او را بهر گام ثواب عبادت یک سال یاد داشت

صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

روزه یکساله و نماز شب یکساله رواه ترمذی وابو داود و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

در روایت است از عبد الله بن سلام رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَلٰى اَحَدِكُمْ اِنْ وَجَدَ اَنْ يَتَّخِذَ ثَوْبَيْنِ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ

الله علیه وسلم نیست بر یکے از شما باکی و نقصی اگر بیابد و تواند که بگیرد و بسازد دو جامه برای روز جمعه

سِوٰى ثَوْبَيْ مِهْنَتِهٖ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ مَالِكٌ عَنْ يَحْيٰى

ورای دو جامه خدمت خود رواه ابن ماجه و روایت کرد این حدیث را مالک از یحیی

بْنِ سَعِيْدٍ وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ السَّبَّاقِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بن سعید و در روایت است از عبید الله بن سباق از وی مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ جُمُعَةٍ مِنَ الْجُمَعِ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِيْنَ اِنَّ هٰذَا

صلی الله علیه وسلم در روز جمعه از جمعها ای گروه مسلمانان بتحقیق این

يَوْمٌ جَعَلَهُ اللّٰهُ عِيْدًا فَاغْتَسِلُوْا وَمَنْ كَانَ عِنْدَهٗ طِيْبٌ فَلَا يَضُرُّهٗ

روزیست که گردانیده است او را خدای تعالی روز جشن و اجتماع پس غسل کنید و کسیکه باشد نزد وی بوی خوش پس زیان ندارد او را

اَنْ يَمَسَّ مِنْهُ وَعَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

که بمالد از آن و بر شما باد که مسواک کنید رواه مالک و روایت کرد ابن ماجه

عَنْهُ وَهُوَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مُتَّصِلًا وَعَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

از وی و او از ابن عباس متصل و روایت است از براء رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حقا على المسلمين ان يغتسلوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق و ثابت است بر مسلمانان که غسل کنند

يوم الجمعة وليمس احدهم من طيب اهله فان لم يجد فالماء له

روز جمعه و باید که ساس کند یکی از ایشان از بوی خوش زن خود پس اگر نیابد طیب پس آب برای او

طيب رواه احمد والترمذي وعن سهل بن سعد رضي

طیب است روایت کرده احمد و ترمذی و روایت است از سهل بن سعد ساعدی رضی

الله عنه قال ما كنا نقيل ولا نتغدى الا بعد الجمعة متفق عليه

الله عنه گفت نبودیم ما که قیلوله میکردیم و نه طعام چاشت بخوردیم مگر بعد از نماز جمعه متفق علیه است

وعن السائب بن يزيد قال كان النداء يوم الجمعة اوله

و روایت است از سائب بن یزید گفت بود اذان روز جمعه اول وی

اذا جلس الامام على المنبر على عهد رسول الله صلى الله عليه

وقتیکه می نشست امام بر منبر در زمان پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم وابي بكر وعمر فلما كان عثمان وكثر الناس زاد النداء

وسلم و ابی بکر و عمر این گاه که موجود شد زمان عثمان و بسیار شدند مردم زیاده کرد اذان

الثالث على الزوراء رواه البخاري وعن ابن عمر رضي الله

سیوم را بر مقام زوراء روایت کرد این حدیث را بخاری و از ابن عمر رضی الله تعالی

عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخطب خطبتين كان يجلس اذا

عنه مروی است گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خطبه میخواند دو خطبه و بود که می نشست چون بر می آید

صعد المنبر حتى يفرغ اراه المؤذن ثم يقوم فيخطب ثم يجلس ولا يتكلم ثم

منبر را تا آنکه فارغ میشد گفت راوی گمانی برم که گفت ابن عمر رضی تا فارغ المؤذن بر منبر پس خطبه میخواند پس بر منبر می نشست و تکلم نمیکرد پس

يقوم فيخطب رواه ابو داود وعن ابي هريرة رضي الله عنه

بخاست پس خطبه دوم را روایت کرده ابو داود و روایت است از ابو هریره رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ آوَاهُ اللَّيْلُ إِلَى أَهْلِهِ

از پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود جمعہ فرض است بر کسیکہ جای دہد اورا شب بسوی خانہ وے

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

رواہ الترمذی و روایت است از طارق بن شہاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فِي جَمَاعَةٍ إِلَّا

اللہ علیہ وسلم جمعہ حق واجب است بر ہر مسلمان در جماعت مگر

عَلَى أَرْبَعَةٍ عَبْدٍ مَمْلُوكٍ أَوِ امْرَأَةٍ أَوْ صَبِيٍّ أَوْ مَرِيضٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

بر چہار گروہ یکی بندہ کہ در ملک کسی است دوم زن سوم کودک چہارم بیمار رواہ ابوداود

بَابُ بَيَانِ إِثْمِ تَرْكِ الْجُمُعَةِ

باب در بیان گناہ ترک جمعہ

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِقَوْمٍ

روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود مر گروہے را کہ

يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِالنَّاسِ

پس میمانند از نماز جمعہ ہر آئینہ بتحقیق قصد کردم من کہ بفرمایم مردی را کہ بگذارد نماز جمعہ را با مردم وامامت کند ایشان را

ثُمَّ أُحَرِّقَ عَلَى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوتَهُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پستر بسوزم بر سر مردانی کہ حاضر نمیشوند نماز جمعہ را خانہای ایشانرا رواہ مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَرَكَ

روایت است از ابن عباس رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ ترک کند

الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ كُتِبَ مُنَافِقًا فِي كِتَابٍ لَا يُمْحَى وَلَا يُبَدَّلُ

نماز جمعہ را بی ضرورت نوشتہ میشود از جملہ منافقان در کتابے کہ سوزدہ نمیشود و نہ تغیر داده میشود

وَفِي بَعْضِ الرِّوَايَاتِ ثَلَاثًا رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ

در بعض روایات واقع شدہ است سہ کرت یعنی سہ بار ترک کند جمعہ را رواہ شافعی و از جابر رض کہ پیغمبر

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فعليه

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس برو فرض است بروی

الجمعة يوم الجمعة إلا مريض أو مسافر أو امرأة أو صبي أو مملوك

نماز جمعه در روز جمعه مگر بیمار و مسافر و زن و کودک و بنده

فمن استغنى بلهو أو تجارة استغنى الله عنه والله غني حميد

پس کسیکه بی نیاز شود از نماز جمعه ببازی کردن و بازرگانی کردن بی نیاز گردد خدا تعالی از وی خدا تعالی بی نیاز است ستوده

رواه الدارقطني وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرد دارقطنی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة أنصت والإمام يخطب فقد لغوت

وقتیکه بگوئی مر یار خود را که با تو نشسته است روز جمعه خاموش باش حال آنکه امام خطبه میخواند پس تحقیق تو لغو گفتی

متفق عليه وعن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق علیه و روایت است از جابر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يقيمن أحدكم أخاه يوم الجمعة ثم يخالف إلى مقعده فيقعد

باید که برنخیزاند یکی از شما برادر خود را روز جمعه پس برود بجای نشستنگاه [illegible] پس بنشیند

فيه ولكن يقول افسحوا رواه مسلم وعن سمرة بن جندب

در وی ولیکن بگوید کشاده کنید جائی را روایت کرد مسلم و از سمره بن جندب رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم احضروا الذكر وادنوا من

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر شوید ذکر را یعنی خطبه را و نزدیک شوید از

الإمام فإن الرجل لا يزال يتباعد حتى يؤخر في الجنة وإن دخلها

امام را [illegible] همیشه [illegible] و پس میماند از موضع فضائل تا آنکه پس افگنده میشود در بهشت اگرچه در آید بهشت را

رواه أبو داود وعن سهل بن معاذ بن أنس الجهني عن أبيه

روایت کرد ابو داود و روایت است از سهل بن معاذ بن انس جهنی از پدر خود

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تخطى رقاب الناس يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذرد بر گردنهای مردم روز

الجمعة اتخذ جسرا الى جهنم رواه الترمذي وعن معاذ بن

جمعه گرفته میشود آنکس پل بسوی دوزخ روایت کرد ترمذی و روایت است از معاذ بن

انس ان النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الحبوة يوم الجمعة

انس رضی الله عنهما روایت است بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرد از احتبا یعنی تکیه زده نشستن روز جمعه

والامام يخطب رواه الترمذي وابو داود وعن ابن عمر

و امام خطبه میخواند روایت کرد الترمذی و ابو داود و روایت است از ابن عمر رض

رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نعس احدكم يوم الجمعة

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون بخسپد یکی از شما روز جمعه

فليتحول من مجلسه ذلك رواه الترمذي وعن نافع قال

پس باید بگردد از جای خود که در آنجا نشسته است روایت کرد ترمذی و از نافع رحمه الله روایت است گفت

سمعت ابن عمر يقول نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يقيم

شنیدم از ابن عمر رض که میگفت نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از برخیزانیدن

الرجل الرجل من مقعده ويجلس فيه قيل لنافع في الجمعة قال

مردی را از جای نشست وی و نشستن وی در آنجای گفته شد مر نافع را این نهی در روز جمعه است گفت

في الجمعة وغيرها متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

در جمعه و غیر جمعه است متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يحضر الجمعة ثلثة نفر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر میشود جمعه را سه نفر

فرجل حضرها بلغو فذلك حظه ورجل حضرها بدعاء فهو

پس مردیست که حاضر میشود جمعه را بلغو پس آن لغو حصه اوست و مردیست که حاضر میشود را بدعا کننده

رجل دعا الله إن شاء أعطاه وإن شاء منعه ورجل حضرها

کردہ مکر وہ است خدا را اگر خواہد خدا تعالی بدہد مطلوب او را اگر خواہد نبدہد و دیگر مردیست کہ حاضر شد

بإنصات وسكوت ولم يتخط رقبة مسلم ولم يؤذ أحداً فهي

جمعہ را با استماع و خاموشی و گذر نکردہ است گردن مسلمی و ایذا نکردہ است کسی را پس این

كفارة إلى الجمعة التي تليها وزيادة ثلثة أيام وذلك بأن

کفارہ است تا جمعہ دیگر کہ متصل است با جمعہ و زیادتی سہ روز و این بسبب این ست

الله يقول من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها رواه أبو داود

کہ خدا تعالی میگوید کسیکہ بیارد نیکی را پس او راست دہ مانند آن رواہ ابو داؤد

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس ... فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

من تكلم يوم الجمعة والإمام يخطب فهو كمثل الحمار يحمل

کسی کہ سخن کند روز جمعہ و حالا نکہ امام خطبہ میخواند پس او مانند ہمچون خر است کہ بر میدارد

أسفاراً والذي يقول له أنصت ليس له جمعة رواه أحمد

کتابہا را بر پشت و آنکس کہ گوید مر او را خاموش باش نیست مر او را ثواب جمعہ رواہ احمد

وعن ابن عمر وأبي هريرة أنهما قالا سمعنا رسول الله

و روایت است از ابن عمر رض و ابو ہریرہ بدرستیکہ آن ہر دو گفتند کہ شنیدیم پیغمبر

صلى الله عليه وسلم يقول على أعواد منبره لينتهين أقوام

صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت بر چوبہای منبر خود ہر آئینہ باز آیند گروہہا مسلمان از

عن ودعهم الجمعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن

ترک کردن مردم ایشان جمعہ ہا را یا ہر آئینہ مہر می کند خدا تعالی بر دلہای ایشان پس ہر آئینہ باشند

من الغافلين رواه مسلم وعن أبي الجعد الضمري رض

رواہ مسلم و در روایت است از ابی جعد ضمری رضی اللہ عنہ

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك ثلث جمع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند سه جمعه را

تهاونا بها طبع الله على قلبه رواه ابوداود والترمذي والنسائي

از جهت آسان و حقیر پنداشتن آنرا مهر میکند خدای بر دل وی رواه ابوداود و ترمذی و نسائی

وابن ماجة والدارمي ورواه مالك عن صفوان بن سليم

وابن ماجه و دارمی و روایت کرد آنرا مالک از صفوان ابن سلیم

واحمد عن ابي قتادة وعن سمرة ابن جندب رضي الله عنه قال

و احمد از ابی قتاده و روایت است از سمره بن جندب رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك الجمعة من غير

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند جمعه را اتفاقی بغیر کند

عذر فليتصدق بدينار فان لم يجد فبنصف دينار رواه احمد

بعذر شرعی پس باید که تصدق کند بیک دینار پس اگر نیابد دینار را پس بنصف دینار تصدق کند رواه احمد

وابوداود وابن ماجة وعن صالح بن ابراهيم بن عبد الرحمن

و ابو داود و ابن ماجه و از صالح بن ابراهیم بن عبد الرحمن

بن عوف قال دخل علينا انس يوم الجمعة والامام يخطب

بن عوف مرویست گفت در آمد بر ما انس رض روز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند

ونحن نتحدث فقال مه فلما اقيمت الصلوة قال اني اخاف

و ما سخن میکردیم پس گفت انس رض خاموش باشید پس هرگاه که تکبیر نماز گفته شد گفت تحقیق که من

ان اكون قد ابطلت جمعتي بقولي لكم مه ابن سعد كر

میترسم باینکه باشم من بدرستیکه باطل کرده شود جمعه من بسبب گفتن من مر شما را مه ای باز ایستید

جمع الجوامع باب العيدين وعن ابي سعيد

از جمع الجوامع این باب در بیان احکام عید الفطر و عید اضحی است و روایت است از ابی سعید

الخدري قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخرج يوم الفطر

الخدري رض گفت بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد روز عید فطر

والاضحى الى المصلى فاول شيء يبدء به الصلوة ثم ينصرف

و روز اضحی بسوی مصلی پس نخست چیزیکه آغاز میکرد آنحضرت بآن چیز نماز بود پس بر میگشت

ثم يقوم مقابل الناس والناس جلوس على صفوفهم فيعظهم

از نماز پس استاده میشد روبروی مردم و حالانکه مردم نشسته بودند بر صفهای خود پس پند میکرد

ويوصيهم ويامرهم وان كان يريد ان يقطع بعثا قطعه

مردم را و اندرز میکرد بخیر و امر میکرد ایشانرا و اگر خواست که جدا کند و بفرستد لشکری را جدا میکرد اورا

او يامر بشيء امر به ثم ينصرف متفق عليه وعن ابن

یا اگر خواست که بفرماید کاری را امر میفرمود انرا پس ازین بر میگشت متفق علیه و روایت است از ابن

عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من ايام

عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ از روزها

العمل الصالح فيهن احب الى الله من هذه الايام العشر قالوا

که کار نیک در وی دوست داشته تر باشد نزد خدا ازین ده روز که ذی حجه است گفتند

يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا الجهاد في

ای پیغمبر خدا و نه کارزار کردن در راه خدا فرمود آنحضرت و نه جهاد در

سبيل الله الا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك

راه خدا مگر جهاد مردیکه بیرون آید بنفس خود و مال خود پس باز برنگشت از نفس و نه مال خود

بشيء رواه البخاري وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

بهیچ چیز رواه بخاری و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من ايام احب الى الله ان يتعبد له

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ روزی از روزها که دوست داشته تر نزد خدا باشد که کرده شود عبادت

فِيهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ صِيَامُ كُلِّ يَوْمٍ مِنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ

در این روزها از دهه ذی‌حجه برابر است روزه هر روز در این روزها برروزه یکسال

وَقِيَامُ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهَا بِقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

و برابر است برخاستن هر شب از شبهای آن روزها بنماز شب قدر روایت کرد ترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

ماجه و روایت است از عایشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللهِ مِنْ

و سلم نکرد آدمی هیچ کاری روز نحر دوست داشته شده تر بسوی خدا تعالی از

إِهْرَاقِ الدَّمِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقُرُونِهَا وَأَشْعَارِهَا

ریختن خون و بدرستیکه آن جانور می آید روز قیامت بشاخهای خود و موهای خود

وَأَظْلَافِهَا وَإِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ

و سمهای خود و بدرستیکه خون هر آئینه می افتد نزد خدا بمرتبه قبول پیش از آنکه افتد

بِالْأَرْضِ فَطِيبُوا بِهَا نَفْسًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

بزمین پس خوشحال گردانید بدان نفس را روایت کرد ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از زید ابن ارقم گفت گفتند یاران پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللهِ مَا هٰذِهِ الْأَضَاحِيُّ قَالَ سُنَّةُ أَبِيكُمْ

علیه و سلم ای پیغمبر خدا چیست این قربانیها و چیست اصل این قربانی فرمود این سنت پدر شما

إِبْرَاهِيمَ قَالُوا فَمَا لَنَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ

ابراهیم است گفتند صحابه پس چیست ما را در آن از جزا و ثواب ای رسول خدا فرمود بمقابل هر موئی نیکی است

قَالُوا فَالصُّوفُ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِنَ الصُّوفِ حَسَنَةٌ

گفتند پس ثواب پشم دار چیست ای رسول الله فرمود بمقابله هر موی از پشم حسنه است

رواه احمد وابن ماجة وعن عبد الله

روایت کرد احمد و ابن ماجه و روایت است از عبد الله

بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم امرت بيوم الاضحى عيدا جعله الله لهذه

وسلم امر کرده شده ام بروز اضحی در حالیکه این عید می است که گردانید او را خدا تعالی برای

الامة قال له رجل يا رسول الله ارايت

این امت گفت آنحضرت را مردی ای پیغمبر خدا که خبر ده مرا

ان لم اجد الا منيحة انثى افاضحي

که اگر نیابم مگر منیحه انثی که مرست آیا پس قربانی کنم

بها قال لا ولكن خذ من شعرك

بدان فرمود نکن و لیکن بگیر از موی خود

واظفارك وتقص شاربك وتحلق عانتك

و ناخنهای خود و ببرے بروتهای خود را و بستری موی زیر ناف خود

فذلك تمام اضحيتك عند الله رواه ابو داود والنسائي

پس آن افعال از تمام قربانی تست نزد خدا تعالی روایت کرد ابو داود و نسائی

كتاب الجنائز

[illegible handwritten marginal notes]

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ یَعُوْدُ

گفت علی شنیدم پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم را کہ میگفت نیست ہیچ مسلمانے کہ بیمار

مُسْلِمًا غُدْوَۃً اِلَّا صَلّٰی عَلَیْہِ سَبْعُوْنَ اَلْفَ مَلَکٍ حَتّٰی

مسلمانے را در وقت بامداد مگر آنکہ صلوۃ بفرستند برے ہفتاد ہزار فرشتہ تا آنکہ

یُمْسِیَ وَاِنْ یُمْسِی وَاِنْ عَادَہٗ عَشِیَّۃً اِلَّا صَلّٰی عَلَیْہِ سَبْعُوْنَ اَلْفَ مَلَکٍ

شام کند و اگر عیادت کرد او را بوقت شام مگر دعای رحمت کنند بروی ہفتاد ہزار فرشتہ

حَتّٰی یُصْبِحَ وَکَانَ لَہٗ خَرِیْفٌ فِی الْجَنَّۃِ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ

تا آنکہ صبح کند و باشد مر ویرا بستانے در بہشت روایت ترمذی و ابوداؤد

وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

مَنْ تَوَضَّأَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ وَعَادَ اَخَاہُ الْمُسْلِمَ مُحْتَسِبًا بُوْعِدَ

کسیکہ وضو کند پس نیک کند وضو را و بیمار پرسے کند برادر مسلمان را بقصد ثواب دور کردہ شود

مِنْ جَہَنَّمَ مَسِیْرَۃَ سِتِّیْنَ خَرِیْفًا رَوَاہُ اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنِ

از دوزخ مقدار راہ شصت سال روایت ابوداؤد و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ یَعُوْدُ مُسْلِمًا فَیَقُوْلُ سَبْعَ مَرَّاتٍ اَسْئَلُ

نیست ہیچ مسلمانے کہ عیادت کند مسلمانے را پس گوید ہفت کرت سوال میکنم

اللّٰہَ الْعَظِیْمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ اَنْ یَّشْفِیَکَ اِلَّا شُفِیَ

خدائے بزرگ را کہ پروردگار عرش بزرگ است کہ تندرستی دہد ترا مگر آنکہ تندرستی دادہ شود

اِلَّا اَنْ یَّکُوْنَ قَدْ حَضَرَ اَجَلُہٗ رَوَاہُ اَبُوْدَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِیُّ

آن مسلمان مگر آنکہ باشد کہ بتحقیق حاضر شدہ وقت موت او روایت ابوداؤد و ترمذی

وَعَنْ اَبِیْ سَعِیْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ
وروایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلْتُمْ عَلَی الْمَرِیْضِ فَنَفِّسُوْا لَہٗ فِیْ اَجَلِہٖ فَاِنَّ ذٰلِکَ
وسلم چون در آئید بہ بیمارے برائے عیادت پس کشادہ سہید برید غم اورا در درازی مدت حیات وی
لَا یَرُدُّ شَیْئًا وَّیُطَیِّبُ بِنَفْسِہٖ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَابْنُ مَاجَۃَ
زیراکہ تنفیس باز نمیگرداند چیزے راکہ مقدر است وخوش میگرداند نفس اورا رواہ ترمذی وابن ماجہ
وَقَالَ التِّرْمِذِیُّ ھٰذَا حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
وگفت ترمذی این حدیث غریب است وروایت است از ابن عباس رض
قَالَ اِنَّ عَلِیًّا رض خَرَجَ مِنْ عِنْدِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ
گفت کہ علی رض برآمد از نزد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم
فِیْ وَجَعِہِ الَّذِیْ تُوُفِّیَ فِیْہِ فَقَالَ النَّاسُ یَا اَبَا الْحَسَنِ کَیْفَ
در بیمارے وی کہ وفات کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم در وے پس گفتند مردم ای ابو الحسن چگونہ
اَصْبَحَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اَصْبَحَ بِحَمْدِ اللّٰہِ
صبح کرد پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم گفت شکر کردہ شد بخدا
بَارِئًا رَوَاہُ الْبُخَارِیُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ
بہ شوندہ از بیمارے رواہ بخارے وروایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِیْضًا لَمْ یَزَلْ یَخُوْضُ الرَّحْمَۃَ
صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بپرسد بیمارے را ہمیشہ در آید دریاے رحمت را
حَتّٰی یَجْلِسَ فَاِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِیْہَا رَوَاہُ مَالِکٌ وَاَحْمَدُ
تا آنکہ می نشیند پس چون مے نشیند فرومیرود دران رواہ مالک واحمد
وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ مِنَ السُّنَّۃِ تَخْفِیْفُ الْجُلُوْسِ
وروایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس از سنت است سبکے کردن در نشستن

وَقِلَّةُ الصَّخَبِ فِي الْعِيَادَةِ عِنْدَ الْمَرِيضِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللهِ

وکم کردن بانگ وفریاد در عیادت نزد بیمار گفت ابن عباس وفرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا كَثُرَ لَغَطُهُمْ وَاخْتِلَافُهُمْ قُومُوا عَنِّي

صلے الله علیہ وسلم ہرگاہ کہ بسیار شد آواز اصحاب آنحضرت واختلاف شان برخیزید از نزد من

رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

روایت کرد رزین و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِيضًا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ

صلے الله علیہ وسلم کسیکہ بپرسد بیمارے را آواز میدہد آواز دہندہ از آسمان

طِبْتَ وَطَابَ مَمْشَاكَ وَتَبَوَّأْتَ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا رَوَاهُ

یعنے فرشتہ خوش باد ترا در دنیا وخوش باد بر بیمار رفتن تو بجائے تو در آخرت وگرفتی تو از بہشت منزلت را

ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عُمَرَ ابْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

روایت ابن ماجہ و روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَمُرْهُ يَدْعُو

صلے الله علیہ وسلم چون در آئی بر بیمارے پس امر کن او را کہ دعا کند

لَكَ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَاءِ الْمَلٰئِكَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

ترا زیراکہ بدرستیکہ دعائے او یعنے بیمار مانند دعائے فرشتگان است روایت ابن ماجہ

بَابُ مَا جَاءَ فِي أَجْرِ الْمَصَائِبِ إِذَا صَبَرَ عَلَيْهَا

باب احادیثیکہ وارد شدہ در اجر مصائب وقتیکہ صبر بر آن کند

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیہ وسلم

مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

کسیکہ بخواہد خدا تعالے باکسی نیکے را گرفتہ میشود یا میگیرد حق ازوے روایت بخاری و ازوے

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ

واز ابی سعید خدری مرویست از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ

علیه وسلم که فرمود نمیرسد مسلمان را از هیچ رنج وتعب

وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا

ونمیرسد درد ونه اندوه ونه غم ونه آزار ونه

غَمٍّ حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللهُ بِهَا

اندوه تا آنکه خلانیده میشود آدمیرا خارے مگر آنکه می پوشد خدا تعالی

مِنْ خَطَايَاهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ

مذکورات از مصائب گناهان که صغایر باشند متفق علیه و روایتست از عبد الله

بْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ

بن مسعود رض گفت در آمدم بر آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُوعَكُ فَمَسِسْتُهُ بِيَدِي

علیه وسلم در حالتیکه وے تپ زده شده بود پس بسودم آنحضرت را بدست خود

فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّكَ لَتُوعَكُ وَعْكًا

پس گفتم ای پیغامبر خدا بدرستیکه هر آینه تپ زده میشوی تپ زده شدنے

شَدِيدًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سخت پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

إني أُوعَكُ كَمَا يُوعَكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ قَالَ فَقُلْتُ

آزرده تب زده میشوم چنانکه تب زده میشوند دو مرد از شما ابن مسعود گوید پس گفتم

ذٰلِكَ لِأَنَّ لَكَ أَجْرَيْنِ فَقَالَ أَجَلْ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ

آن یعنی شدت تپ بسبب آنست که ترا دو اجر است پس گفت آنحضرت آری پس گفت آنحضرت نیست

مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللّٰهُ

هیچ مسلمانی که برسد او را آزارے از بیماری یا چیزیکه جز بیماریست مگر آنکه فرو می افگند خدا

بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بدیہائے او را چنانکه فرو افگند درخت برگ ہائے خود را متفق علیہ است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رض گفت در آمد پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ عَلٰى أُمِّ السَّائِبِ فَقَالَ مَا لَكِ تُزَفْزِفِينَ

وسلم بر مادر سائب پس گفت آنحضرت صلعم چه شد است ترا که میلرزی

قَالَتِ الْحُمّٰى لَا بَارَكَ اللّٰهُ فِيهَا فَقَالَ لَا تَسُبِّي الْحُمّٰى

گفت ام سائب سبب لرزیدن من تپ است برکت نکند خدا در وے پس گفت مکن دشنام تپ را

فَإِنَّهَا تُذْهِبُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ كَمَا يُذْهِبُ الْكِيرُ خَبَثَ

زیراکه تپ می برد گناہان بنے آدم را چنانکه مے برد دم آہنگران چرک و پلیدی

الْحَدِيدِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي مُوسٰى قَالَ قَالَ

آہن را رواه مسلم و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم چون بیمار شود بنده

أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا

یا سفر میکند نوشته میشود برای آن بنده آنچه بود عمل میکرد در حالیکه مقیم و تندرست بود

رواه البخاري وعن كعب بن مالك قال قال

رواه البخاری و روایت است از کعب بن مالک گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن كمثل

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حال مومن همچو حال

الخامة من الزرع تفيئها الرياح تصرعها مرة

شاخ تر و نرم از کشت است مایل و راجع میگرداند آنرا بادها کر می افگند آنرا یکبارگی

وتعدلها اخرى حتى يأتيه اجله ومثل المنافق

و راست میگرداند آنرا بار دیگر تا آنکه میرسد او را وقت موت و حال منافق

كمثل الارزة المجذية التي لا يصيبها شيء حتى يكون

همچو حال درخت صنوبر است که محکم و ثابت است آن درختیکه نمیرسد آنرا چیزی از بادها تا آنکه

انجعافها مرة واحدة متفق عليه وعن ابي هريرة

می باشد افتادن آن درخت یکبارگی متفق علیه و روایت است از ابوهریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حال مومن

كمثل الزرع لا يزال الريح تميله ولا يزال المؤمن

همچو حال کشت است که همیشه باد مایل میگرداند و همیشه است مومن

يصيبه البلاء ومثل المنافق كشجرة الارزة لا تهتز

که میرسد او را بلا و حال منافق همچو حال درخت صنوبر است که نمی جنبد

حتى تستحصد متفق عليه وعن اسامة بن زيد

تا آنکه درود ده شود و بریده شود متفق علیه و روایت است از اسامه بن زید رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الطاعون

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طاعون

رجز ارسل على طائفة من بني اسرائيل او على من

عذابی ست که فرستاده شده است برگروهے از بنی اسرائیل یا برکسانیکه

كان قبلكم فاذا سمعتم به بارض فلا تقدموا عليه

بودند پیش از شما پس چون بشنوید شما طاعون را در زمینی پس پیش نیائید بران زمین

واذا وقع بارض وانتم بها فلا تخرجوا فرارا منه

وچون بیفتد طاعون بر زمینے حال آنکه شما دران زمین باشید پس بیرون نیائید بجهت گریختن ازان

متفق عليه وعن انس رض قال سمعت النبي

متفق علیه است و روایت است از انس رض گفت شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول قال الله سبحانه وتعالى

صلے الله علیه وسلم را که میگفت میگوید الله سبحانه وتعالے

اذا ابتليت عبدي بحبيبتيه ثم صبر عوضته منهما

چون مبتلا گردانم بنده خود را بدو محبوب وے پس صبر کند آن بنده عوض دهم آن

الجنة يريد عينيه رواه البخاري وعن علي بن

بنده را از هر دو محبوب بهشت را میخواهد دو چشم وے رواه البخاری و روایت است از علی بن

زيد عن امية انها سألت عائشة عن قول الله عز

زید از امیه هر آینکه امیه پرسید از عائشه رض از حقیقت معنی قول حق جل

وجل ان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم

وعلا که میفرماید (اگر آشکارا کنید چیزے را که در نفسهای شماست یا نهان دارید آن را حساب کند شما را

به الله وعن قوله عز وجل من يعمل سوءا يجز به

بآن خدا تعالے و پرسید از قول وے تعالے (هر که بکند بدی را پاداش داده شود بآن

فقالت ما سألني عنها احد منذ سألت رسول الله

پس گفت عائشه رض سوال نکرد مرا ازین محاسبه و مجازات هیچ یکے از آنگاه که پرسیده پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم فقال هذه معاتبة الله العبد

صلى الله عليه وسلم پس گفت آنحضرت این محاسبه و مجازات عتاب دلخواه خدا است بنده را

بما يصيبه من الحمى والنكبة حتى البضاعة

بآنچه میرسد بنده را از تپ و از نکبت تا آنکه این مصیبت که پاره از مال

يضعها في يد قميصه فيفقدها فيفزع لها حتى

می نهد بنده آنرا در دست پیراهن خود پس گم میکند آن بضاعت را پس می ترسد آن بضاعت را تا آنکه

ان العبد ليخرج من ذنوبه كما يخرج التبر

بنده هر آئینه بیرون می آید از گناهان خود چنانکه بیرون می آید زر

الأحمر من الكير رواه الترمذي وعن

سرخ از بوته رواه ترمذی و روایت است از

ابي موسى ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی موسی رض که بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

قال لا يصيب عبدا نكبة فما فوقها او دونها

فرمود نمیرسد هیچ بنده را مصیبتی حقیر پس آنچه بالای اوست یا فرود اوست

الا بذنب وما يعفو الله عنه اكثر وقرأ

مگر بسبب گناهی که کرده است و آنچه عفو و محو میکند خدایتعالی از وی بیشتر است و خواند آنحضرت این آیت

وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم

که و هر چه میرسد شما را از مصیبت پس بسبب چیزیست که کرده است آنرا دستهای شما یعنی ذاتهای

ويعفو عن كثير رواه الترمذي وعن

و عفو میکند خدایتعالی از بسیاری از آن رواه ترمذی و روایت است از

عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله

عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ عَلَى طَرِيقَةٍ حَسَنَةٍ مِنَ

علیه وسلم بدرستیکه بنده چون میباشد بر حالت نیک از

الْعِبَادَةِ ثُمَّ مَرِضَ قِيلَ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ اكْتُبْ لَهُ

عبادات پس بیمار شود گفته میشود مر فرشته را که گماشته شده است بر وی بنویس

مِثْلَ عَمَلِهِ إِذَا كَانَ طَلِيقًا حَتَّى أُطْلِقَهُ أَوْ أَكْفِتَهُ

برای وی مانند عمل وی در وقتیکه بود رها غیر مقید مانند بیمار تا آنکه رها کنم او را یا قبض کنم و گرد آرم او را

إِلَيَّ وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بسوی خود و روایت است از انس رضی بدرستیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم

قَالَ إِذَا ابْتُلِيَ الْمُسْلِمُ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ قِيلَ لِلْمَلَكِ اكْتُبْ لَهُ

گفت چون مبتلا گردانیده می شود مسلمان ببلای در تن وی گفته میشود مر فرشته را بنویس برای وی

صَالِحَ عَمَلِهِ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ فَإِنْ شَفَاهُ غَسَلَهُ وَطَهَّرَهُ

عمل نیک وی را که می کرد پیش از ابتلا پس اگر شفا دهد او را می شوید او را و پاک میگرداند

وَإِنْ قَبَضَهُ غَفَرَ لَهُ وَرَحِمَهُ رَوَاهُمَا فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

واگر قبض کند او را بیامرزد مر او را و رحمت میکند او را روایت کرد این دو حدیث را در شرح سنه

وَعَنْ سَعْدٍ قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ النَّاسِ

روایت ست از سعد ابن ابی وقاص گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ کدام از

اَشَدُّ بَلَاءً قَالَ الْاَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْاَمْثَلُ فَالْاَمْثَلُ وَيُبْتَلَى الرَّجُلُ

سخت تر ست از روی بلا و آزمایش فرمود سخت ترین از آدمیان در بلا پیغامبران اند پستر ہر کہ افضل

عَلٰى حَسَبِ دِيْنِهٖ فَاِنْ كَانَ فِيْ دِيْنِهٖ صُلْبًا اشْتَدَّ بَلَاؤُهٗ وَاِنْ كَانَ

اندر وی مرتبہ از مرتبہ جہان و مبتلا گردانیدہ میشود مرد باندازہ دین وی پس اگر باشد در دین خود سخت

فِيْ دِيْنِهٖ رِقَّةٌ هُوِّنَ عَلَيْهِ فَمَا زَالَ كَذٰلِكَ حَتّٰى يَمْشِيَ مَالَهٗ

در دین وی نرمی و تنگی سبک کردہ میشود بروی پس ہمیشہ ہمچنین حال ست تا آنکہ میرود بر زمین و حال آنکہ نیست

ذَنْبٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ

مر او را گناہی روایت کرد ترمذی و ابن ماجہ و الدارمی و گفت ترمذی

هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

این حدیث حسن صحیح ست روایت ست از انس رضی اللہ عنہ گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستی بزرگی پاداشت با بزرگی

الْبَلَاءِ وَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ اِذَا اَحَبَّ قَوْمًا

بلا ست و بدرستی کہ خدا تعالی بزرگ و برتر چون دوست میدارد گروہی را

ابْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضٰى وَمَنْ سَخِطَ

مبتلا گرداند ایشان را پس کسیکہ خوشنود بود از خدا و بلا پس مر او راست خوشنودی و کسیکہ

فَلَهُ السَّخَطُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

پس مر او راست خشم روایت کرد ترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ماجہ و از وی روایت ست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَرَادَ اللّٰهُ بِعَبْدِهِ الْخَيْرَ عَجَّلَ لَهُ

علیه وسلم چون خواهد خدا تعالی به بنده خود نیکی را شتاب کند در

الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا وَاِذَا اَرَادَ اللّٰهُ بِعَبْدِهِ الشَّرَّ

سزای گناهان او را در دنیا و چون خواهد خدا تعالی به بنده خود بدی را

اَمْسَكَ عَنْهُ بِذَنْبِهِ حَتّٰى يُوَافِيَهُ بِهِ يَوْمَ

نگاه دارد از وی عقوبت وی گذارد او را بگناهان وی تا آنکه تمام بدهد بوی روز

الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

آنچه مستحق است و در دنیا روایت کرد او را الترمذی و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَزَالُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم همیشه می باشد

الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِيْ نَفْسِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ

بلا در مرد مسلمان یا زن مسلمان در ذات هر یکی و در مال هر یکی و در اولاد هر یکی

حَتّٰى يَلْقَى اللّٰهَ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ خَطِيْئَةٍ رَوَاهُ

تا آنکه می ملاقات کند خدا را در روز جزا و حال آنکه نیست بر وی هیچ گناهی

التِّرْمِذِيُّ وَرَوٰى مَالِكٌ نَحْوَهُ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ

روایت کرد او را الترمذی و روایت کرد مالک مانند وی و روایت است از محمد بن خالد

السُّلَمِيِّ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

سلمی از پدر وی از جد وی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِنَّ الْعَبْدَ اِذَا سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللّٰهِ مَنْزِلَةٌ لَمْ

وسلم بدرستی که بنده چون گذشته باشد برای وی از خدا مرتبه در علم

يَبْلُغْهَا بِعَمَلِهِ ابْتَلَاهُ اللّٰهُ فِيْ جَسَدِهِ اَوْ فِيْ مَالِهِ اَوْ فِيْ وَلَدِهِ ثُمَّ

که نرسیده است بدان بنده بعمل خود مبتلا گرداند خدا تعالی او را در تن وی یا

عَلىٰ ذٰلِكَ حَتّٰى يُبَلِّغَهُ الْمَنْزِلَةَ الَّتِي سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللّٰهِ

بر آن خدا تعالی بر آن بلا تا آنکه برساند این بلا بنده را بمرتبه که گذشته است مراو را از

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُوْ دَاؤُدَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الشِّخِّيْرِ

روایت کرد احمد و ابو داود و روایت است از عبد الله بن شخیر

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُثِّلَ ابْنُ آدَمَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم تصویر کرده شده فرزند آدم

وَإِلىٰ جَنْبِهِ تِسْعٌ وَّتِسْعُوْنَ مَنِيَّةً إِنْ أَخْطَأَتْهُ الْمَنَايَا وَقَعَ فِي

و حال آنکه بجانب پهلوی او است نود و نه مرگ اگر خطا کنند او را مرگها در افتد

الْهَرَمِ حَتّٰى يَمُوْتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ

پیری تا آنکه بمیرد روایت کرد ترمذی و گفت این حدیث غریب است

وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و از جابر رضی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَوَدُّ أَهْلُ الْعَافِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِيْنَ يُعْطٰى أَهْلُ

وسلم دوست میدارند اهل عافیت روز قیامت وقتیکه داده شوند اهل

الْبَلَاءِ الثَّوَابَ لَوْ أَنَّ جُلُوْدَهُمْ كَانَتْ قُرِضَتْ فِي الدُّنْيَا

بلا ثواب این را کاشکے پوستهای ایشان بریده و پاره کرده میشد در دنیا

بِالْمَقَارِيْضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ

بمقراضها روایت کرد ترمذی و گفت این حدیث غریب است

وَعَنْ عَامِرٍ الرَّامِ قَالَ ذَكَرَ رَسُوْلُ اللّٰهِ الْأَسْقَامَ

و روایت است از عامر رام مخفف رامی گفت ذکر کرد پیغامبر خدا بیماریها را

فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السَّقَمُ

پس فرمود که مسلمان چون میرسد او را بیماری

ثم عافاه الله عز وجل منه كان كفارة لما مضى من

پس صحت می بخشد او را خدا تعالی ازان می باشد پوشنده مر گناهان گذشته را

ذنوبه وموعظة له فيما يستقبل وان المنافق

و می باشد نصیحت و پند مر او را در آنچه پیش می آید از زمان و بدرستی که منافق

اذا مرض ثم اعفي كان كالبعير عقله اهله ثم

چون بیمار شود پس عافیت داده شود می باشد مانند شتر که ببستند او را کسان او پس

ارسلوه فلم يدر لم عقلوه ولم ارسلوه فقال

رها کردند او را پس نیافت آن شتر بجهت عدم تمیز که چرا بستند او را و چرا گشادند او را پس گفت

رجل يا رسول الله وما الاسقام والله ما مرضت

مردی ای پیغامبر خدا چه چیز است بیماریها بخدا سوگند بیمار نشدم من

قط فقال قم عنا فلست منا رواه ابوداود وعن

هرگز پس فرمود آنحضرت برخیز از پیش ما پس نیستی تو از ما روایت کرد ابوداود و روایت است از

عطاء بن ابي رباح قال قال لي ابن عباس الا اريك

عطاء بن ابی رباح گفت فرمود مرا ابن عباس آیا بنمایم ترا

امرأة من اهل الجنة قلت بلى قال هذه

زنی از اهل بهشت گفتم بلی بنمای گفت این

المرأة السوداء اتت النبي صلى الله عليه وسلم

زن سیاه که نام وی سعدیه است آمد بنزد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

فقالت يا رسول الله اني اصرع واني اتكشف

پس گفت ای پیغامبر خدا بدرستی که من صرع زده میشوم و بدرستی که من برهنه میشوم

فادع الله لي فقال ان شئت صبرت ولك الجنة

پس دعا کن خدا را برای من پس فرمود آنحضرت اگر خواهی صبر کنی و باشد مر ترا بهشت

الذُّنُوبَ كَمَا تَنْفِي النَّارُ خَبَثَ الْحَدِيدِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گناهان را چنانکه دور میکند آتش چرک آهن را رواه ابن ماجه

وَعَنْهُ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَادَ

وهم از ابی هریرہ رض گفت بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم عیادت کرد

مَرِيضًا فَقَالَ أَبْشِرْ فَإِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يَقُولُ هِيَ نَارِي

بیمار رسیده را که تب داشت پس فرمود خوش باش زیراکه بدرستیکه حق تعالی میفرماید تب آتش من است

أُسَلِّطُهَا عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا لِتَكُونَ حَظَّهُ مِنَ

مسلط میگردانم آنرا بر بنده خود که مومن است در دنیا تا باشد تب بخش آن بنده از

النَّارِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي

آتش دوزخ روز قیامت رواه احمد و ابن ماجه و بیهقی در

شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

شعب ایمان و روایت است از انس رض که آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الرَّبَّ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَقُولُ

اللہ علیہ وسلم فرمود که پروردگار سبحانه و تعالے میفرماید

وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُخْرِجُ أَحَدًا مِنَ الدُّنْيَا أُرِيدُ أَغْفِرُ

سوگند بعزت ذات من و جلال صفت من بیرون نمی آرم هیچ یکے را از دنیا میخواهم بیامرزم

لَهُ حَتَّى أَسْتَوْفِيَ كُلَّ خَطِيئَةٍ فِي عُنُقِهِ بِسُقْمٍ فِي بَدَنِهِ

مراورا تا آنکه میگیرم جزاے هر گناهے را که در گردن اوست بسبب بیماری در تن وی

وَإِقْتَارٍ فِي رِزْقِهِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ شَقِيقٍ قَالَ

و تنگی در رزق وی رواه رزین و روایت است از شقیق گفت

مَرِضَ عَبْدُ اللّٰهِ فَعُدْنَاهُ فَجَعَلَ يَبْكِي فَعُوتِبَ فَقَالَ إِنِّي

بیمار شد عبد الله بن مسعود رض پس عیادت کردیم او را پس گریستن گرفت پس ملامت کرده شد پس گفت بدرستیکه من

لَا أَبْكِي لِأَجْلِ الْمَرَضِ لِأَنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

من نمیگریم از بهر بیماری زیرا که من شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ الْمَرَضُ كَفَّارَةٌ وَإِنَّمَا أَبْكِي أَنَّهُ أَصَابَنِي عَلَى

و سلم که میفرمود بیماری کفاره است گناهان را و نمیگریم مگر از جهت آنکه رسید بیماری مرا بر

حَالِ فَتْرَةٍ وَلَمْ يُصِبْنِي فِي حَالِ اجْتِهَادٍ لِأَنَّهُ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ

حال فتور و ضعف و پیری و نرسید مرا مرض در حال قوت و کوشش زیرا که نوشته میشود مر بنده را

مِنَ الْأَجْرِ إِذَا مَرِضَ مَا كَانَ يُكْتَبُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَمْرَضَ فَمَنَعَهُ

از مزد وقتیکه بیمار میشود چیزیکه نوشته میشود مر او را پیش از آنکه بیمار گردد پس باز داشته بنده را

مِنْهُ الْمَرَضُ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ

از آن عمل بیماری رواه رزین و روایت است از انس رض شنیدم من پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ أَيُّمَا رَجُلٍ عَادَ مَرِيْضًا فَإِنَّمَا يَخُوْضُ

صلی الله علیه و سلم که میفرمود هر مردیکه بپرسد بیمار را پس جز این نیست که میدر آید

فِي الرَّحْمَةِ فَإِذَا قَعَدَ عِنْدَ الْمَرِيْضِ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ هٰذَا الصَّحِيْحُ

در دریای رحمت را پس چون نشیند نزد بیمار غرق میسازد آنرا رحمت الهی این ثوابی صحیح است

فَمَا لِلْمَرِيْضِ قَالَ تُحَطُّ ذُنُوْبُهُ هب وَعَنْ أَنَسٍ رض

پس چه قدر ثواب باشد بیمار را گفت ساقط میشود گناهان او و روایت است از انس رض

قَالَ عَطِشَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ رض عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت تشنه شد عثمان بن عفان نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُبَشِّرُكَ فَقَالَ بَلٰى

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم آیا خوشخبری ندهم ترا گفت آری

بِأَبِيْ أَنْتَ وَأُمِّيْ قَالَ هٰذَا جِبْرَئِيْلُ يُخْبِرُنِيْ عَنِ اللهِ تَعَالٰى

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است که خبر میدهد مرا از جانب خدای تعالی

اَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَطَشَ ثَلٰثَ عَطَشَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ اِلَّا كَانَ

نمی ماند مومن تشنه سه تشنگیهای پیاپی مگر آنکه می باشد

اَلْاِيْمَانُ ثَابِتًا فِىْ قَلْبِهٖ الديلمى

ایمان او ثابت وقوی در دل وی دیلمی

بَابُ تَمَنِّى الْمَوْتِ وَذِكْرِهٖ

باب در آرزو کردن موت و ذکر آن

عَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در روایت از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَتَمَنّٰى اَحَدُكُمُ الْمَوْتَ اِمَّا مُحْسِنًا فَلَعَلَّهٗ اَنْ يَّزْدَادَ خَيْرًا

آرزو نمیکند یکے از شما مرگ را یا او نیکوکار باشد پس شاید که زیاده کند نیکے از برای حیات

وَاِمَّا مُسِيْئًا فَلَعَلَّهٗ اَنْ يَّسْتَعْتِبَ رَوَاهُ الْبُخَارِىُّ

و یا اینکه می باشد بدکار پس شاید که وی طلب کند رضا رحق را بتوبه و تلافی مافات رواه بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وهم از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَتَمَنّٰى اَحَدُكُمُ الْمَوْتَ وَلَا يَدْعُ بِهٖ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَهٗ

که آرزو نکند یکے از شما موت را و دعا نکند بردن پیش از انکه بیاید مرگ او را

اِنَّهٗ اِذَا مَاتَ انْقَطَعَ اَمَلُهٗ وَاِنَّهٗ لَا يَزِيْدُ الْمُؤْمِنَ عُمُرُهٗ

بدرستیکه او وقتیکه بمیرد بریده میشود امید او و بدرستیکه شان آنست که زیاده نمی کند مسلمان را عمر وی

اِلَّا خَيْرًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مگر نیکی را رواه مسلم و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَتَمَنَّيَنَّ اَحَدُكُمُ الْمَوْتَ مِنْ ضُرٍّ

صلی الله علیه وسلم باید که آرزو نکند یکے از شما مرگ را از گزند دنیا

اصابه فإن كان لا بدّ فاعلا فليقل اللهم

گر رسیده است او را پس اگر هست البته آرزو کننده پس باید که بگوید خداوندا

أحيني ما كانت الحيوة خيرا لي وتوفني

زنده دار مرا تا آن زمانیکه باشد زندگی بهتر مرا و بمیران مرا

إذا كانت الوفاة خيرا لي متفق عليه

وقتیکه باشد مردن بهتر مرا متفق علیه

وعن عبادة بن الصامت رض قال قال

و روایت است از عباده بن الصامت رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من احب

پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه دوست دارد

لقاء الله احب الله لقاءه ومن كره لقاء

لقاء خدا را دوست دارد خدا تعالی لقاء او را و کسیکه ناخوش دارد لقاء

الله كره الله لقاءه فقالت عائشة رض

خدا را ناخوش دارد خدا تعالی لقاء او را پس گفت عائشه صدیقه رض

او بعض ازواجه إنا لنكره الموت قال

یا گفت بعض ازواج مطهره آنحضرت صلعم بدرستیکه ما هر آیینه مکروه میداریم موت را فرمود آنحضرت

ليس ذلك ولكن المؤمن إذا حضره الموت

نیست آنچه تو فهمیده ولیکن مسلمان وقتیکه نزدیک شود او را مرگ

بُشِّرَ بِرِضْوَانِ اللّٰهِ وَكَرَامَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا

بشارت داده شود برضاء خدا تعالی و کرامت او پس نیست هیچ چیزی محبوب تر بسوی وی از چیزی

أَمَامَهُ فَأَحَبَّ لِقَاءَ اللّٰهِ وَأَحَبَّ اللّٰهُ لِقَاءَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ

که پیش اوست پس دوست دارد مومن لقای خدا را و دوست دارد خدا لقای او را و بدرستیکه کافر

إِذَا حُضِرَ بُشِّرَ بِعَذَابِ اللّٰهِ وَعُقُوبَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ

چون حاضر کرده شود موت او خبر داده شود بعذاب خدا و سزا دادن وی پس نیست هیچ چیز مکروه تر

إِلَيْهِ مِمَّا أَمَامَهُ فَكَرِهَ لِقَاءَ اللّٰهِ وَكَرِهَ اللّٰهُ لِقَاءَهُ

بسوی وی از چیزی که پیش اوست پس ناخوش دارد کافر لقای خدا را و ناخوش میدارد خدا تعالی لقای او را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةِ عَائِشَةَ وَالْمَوْتُ قَبْلَ لِقَاءِ اللّٰهِ

متفق علیه و در روایت عایشه صدیقه است و موت پیش از لقاء خداست و مقدمه اوست

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

و از ابی قتاده مرویست که وی بود که حدیث میکرد که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرَّ عَلَيْهِ بِجَنَازَةٍ فَقَالَ مُسْتَرِيحٌ

صلی الله علیه وسلم گذرانیده شد بروی جنازه پس فرمود آنحضرت آسوده یا راحت

أَوْ مُسْتَرَاحٌ مِنْهُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَا الْمُسْتَرِيحُ

یا راحت یافته شده است از وی پس گفتند صحابه ای پیغامبر خدا چیست معنی مستریح

وَمَا الْمُسْتَرَاحُ مِنْهُ فَقَالَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يَسْتَرِيحُ مِنْ

و مستراح منه پس فرمود آنحضرت که بنده مومن صالح راحت می یابد از مرگ از

نَصَبِ الدُّنْيَا وَأَذَاهَا إِلَى رَحْمَةِ اللّٰهِ وَالْعَبْدُ الْفَاجِرُ

تعب و رنج دنیا و آزار دنیا بسوی رحمت خدا و بنده فاسق

يَسْتَرِيحُ مِنْهُ الْعِبَادُ وَالْبِلَادُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

راحت می یابند از وی بندگان و شهرها و درختان و جنبندگان زمین متفق علیه است

وعن جابر رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روایت ست از جابر رض گفت شنیدم من پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وسلم قبل موته بثلاثة ايام يقول لا يموتن احدكم

وسلم پیش از موت او بسه روز که میگفت باید نمیرد یکی از شما

الا وهو يحسن الظن بالله رواه مسلم وعن

مگر آنکه نیک دارد گمان خود را بخدا رواه مسلم و روایت ست از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اكثروا ذكر هادم اللذات الموت رواه الترمذي

بسیار کنید یاد ویران کننده و قطع کننده لذتها را که موت ست رواه ترمذی

والنسائي وابن ماجة وعن ابن مسعود رض ان نبي الله

و نسائی و ابن ماجه و روایت ست از ابن مسعود رض بدرستیکه حضرت

صلى الله عليه وسلم قال ذات يوم لاصحابه استحيوا

صلی الله علیه وسلم فرمود روزی بیاران خود شرم دارید

من الله حق الحياء قالوا انا نستحيي من الله يا نبي الله والحمد

از خدا چنانکه باید شرم داشتن گفتند صحابه که ما شرم میداریم از خدا ای پیغمبر خدا و حمد و سپاس

لله قال ليس ذلك ولكن من استحيى من الله حق الحياء

مر خدا را بر توفیق دادن و فرمود نیست این حق حیا ولیکن کسیکه شرم دارد از خدا حق شرم داشتن

فليحفظ الرأس وما وعى وليحفظ البطن وما حوى

پس باید که نگاه دارد سر را و نگاه دارد چیز را که جمع کرده است آن سر و باید نگاه دارد شکم را از اکل حرام و چیزی

وليذكر الموت والبلى ومن اراد الآخرة ترك زينة

و باید که یاد دارد مرگ را و بوسیده شدن استخوان را و کسیکه خواهد ثواب آخرت ترک دهد آرایش

الدنیا فمن فعل ذلك فقد استحیی من الله حق الحیاء رواه

دنیا را پس کسیکه بکند این مذکور را پس بتحقیق شرم داشت از خدا حق شرم داشتن رواه

احمد والترمذي وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

احمد و ترمذی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم تحفة المؤمن الموت

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم تحفه و هدیه مسلمان مرگ است

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبيد الله

یعنی موصل بجنت و قرب اوست رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از عبید الله

بن خالد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

موت الفجاءة اخذة الاسف رواه ابو داود وزاد

موت ناگهانی گرفتن خشم است رواه ابو داود و زیاده کرد

البيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه اخذة اسف

بیهقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود این لفظ را که گرفتن غضب است

للكافر ورحمة للمؤمنين وعن جابر رض قال قال

مر کافران را و مهربانی حق تعالی مر مؤمنان را و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنوا الموت فان هول

پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم که آرزو نکنید مرگ را زیرا که بدرستی ترس

المطلع شديد وان من السعادة ان يطول عمر العبد

مطلع سخت است و بدرستی که از نیک بختی است که دراز شود عمر بنده

ويرزقه الله عز وجل الانابة رواه احمد وعن

و روزی گرداند او را خدا تعالی رجوع و توجه بجناب خود رواه احمد و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رضـ قَالَ جَلَسْنَا إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَّرَنَا

ابی امامه رض گفت که نشستیم رو بروی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس یاد داد ما را

وَرَقَّقَنَا فَبَكَى سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ رضـ فَأَكْثَرَ الْبُكَاءَ فَقَالَ يَا لَيْتَنِي

احوال آخرت و نرم گردانید دلهای ما را پس گریه کرد سعد بن ابی وقاص رض پس بسیار گریه کرد پس گفت ای کاشکی

مُتُّ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا سَعْدُ أَعِنْدِي تَتَمَنَّى

بمردمی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای سعد آیا نزد من آرزو میکنی

الْمَوْتَ فَرَدَّدَ ذَلِكَ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ يَا سَعْدُ إِنْ كُنْتَ

موت را که نا مرضی حق است پس تکرار کرد آنحضرت این لفظ را سه بار پس فرمود ای سعد اگر هستی تو

خُلِقْتَ لِلْجَنَّةِ فَمَا طَالَ عُمُرُكَ وَحَسُنَ مِنْ عَمَلِكَ فَهُوَ خَيْرٌ

که پیدا کرده شدی برای بهشت پس آنچه دراز شود عمر تو و نیک شود عمل تو پس آن بهتر است

لَكَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ حَارِثَةَ بْنِ مُضَرِّبٍ قَالَ دَخَلْتُ

مر ترا رواه احمد و روایت است از حارثه بن مضرب گفت در آمدم

عَلَى خَبَّابٍ وَقَدِ اكْتَوَى سَبْعًا فَقَالَ لَوْلَا أَنِّي سَمِعْتُ

بر خباب و حال آنکه داغ سوخته بود خباب بر بدن هفت جا پس گفت خباب اگر نه آنکه شنیدم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا يَتَمَنَّ أَحَدُكُمُ

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت باید که تمنا نکند یکی از شما

الْمَوْتَ لَتَمَنَّيْتُهُ وَلَقَدْ رَأَيْتُنِي مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

مرگ را هر آینه آرزو میکردم اورا و بتحقیق دیدم و دانستم خود را با پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَمْلِكُ دِرْهَمًا وَإِنَّ فِي جَانِبِ بَيْتِي

علیه وسلم که مالک نبودم یک درهم را و بدرستی در گوشه خانه من

الْآنَ لَأَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ أُتِيَ بِكَفَنِهِ فَلَمَّا رَآهُ بَكَى

اکنون هر آینه چهل هزار درهم است پس بعد آورده شد نزد خباب کفن او پس چون دید کفن را گریست

قَالَ وَلٰكِنْ حَمْزَةُ لَمْ يُوجَدْ لَهُ كَفَنٌ إِلَّا بُرْدَةٌ مَلْحَاءُ إِذَا جُعِلَتْ

گفت و لیکن حمزه بن عبد المطلب یافته نشد برای وی کفن مگر چادر رنگیه در وی خطوط سیاه و سفید بود چون کرده شد

عَلٰى رَأْسِهٖ قَلَصَتْ عَنْ قَدَمَيْهِ وَإِذَا جُعِلَتْ عَلٰى قَدَمَيْهِ

بر سر وے کوتاه می آمد از پایهاے وی و چون گردانیده می شد بر پایهای وے

قَلَصَتْ عَنْ رَأْسِهٖ حَتّٰى مُدَّتْ عَلٰى رَأْسِهٖ وَجُعِلَ عَلٰى

کوتاه می آمد از سر وے تا آنکه کشیده شد آن برده بر سر حمزه و گردانیده شد بر

قَدَمَيْهِ الْإِذْخِرُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ إِلَّا أَنَّهُ لَمْ يَذْكُرْ

پایهای حمزه گیاه که مشهورست در مکه معظمه رواه احمد و ترمذی مگر ترمذی ذکر نکرد لفظ

ثُمَّ أُتِيَ بِكَفَنِهٖ الخ

ثم اتی بکفنه تا آخر

بَابُ مَا يُقَالُ عِنْدَ مَنْ حَضَرَهُ الْمَوْتُ

باب بیان چیزیکه گفته می شود نزد کسیکه حاضر شده او را موت

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَا قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

روایتست از ابی سعید و ابی هریره رض گفتند این هر دو که فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ

صلی الله علیه و سلم تلقین کنید مرده های خود را کلمه طیبه که لا اله الا الله محمد رسول الله است

مُسْلِمٌ وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

رواه مسلم و روایت است از ام سلمه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا حَضَرْتُمُ الْمَرِيضَ أَوِ الْمَيِّتَ فَقُولُوا

الله علیه و سلم وقتیکه حاضر شوید شما بیمار را یا میتی را که نزدیک بموت رسیده پس بگوئید

خَيْرًا فَإِنَّ الْمَلٰٓئِكَةَ يُؤَمِّنُونَ عَلٰى مَا تَقُولُونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خیر سے را زیرا که فرشتگان آمین میگویند بر آنچه میگوئید شما در دعا میکنید رواه مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

وہم از ام سلمہ است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ

مُسْلِمٍ تُصِيْبُهٗ مُصِيْبَةٌ فَيَقُوْلُ مَا اَمَرَهُ اللّٰهُ بِهٖ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا

مسلمان کہ برسد او را مصیبتے پس بگوید چیزیرا کہ امر کردہ است خدا تعالی بگفتن آن آن کلمہ

اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَاَخْلِفْ لِيْ خَيْرًا

است جا ہست للہ واین کلمہ تا آخر یعنی بار خدایا اجر دہ مرا در مصیبت من و بدل گردان مرا بہتر

مِنْهَا اِلَّا اَخْلَفَ اللّٰهُ لَهٗ خَيْرًا مِنْهَا فَلَمَّا مَاتَ اَبُوْ سَلَمَةَ قُلْتُ

ازان مگر آنکہ بدل میگرداند خدا برای وے بہتر از انچہ فوت شد پس ہرگاہ مرگ یافت ابو سلمہ زوج من گفتم

اَيُّ الْمُسْلِمِيْنَ خَيْرٌ مِّنْ اَبِيْ سَلَمَةَ اَوَّلُ اَهْلِ بَيْتٍ هَاجَرَ

کدام یکے از مسلمانان بہتر است از ابی سلمہ کہ بدل او بمن خواہد رسید کہ او اول صاحب خانہ بود کہ ہجرت کرد

اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ اِنِّيْ قُلْتُهَا فَاَخْلَفَ

بسوئے پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پس تر درستی من باوجود این استبعاد کلمہ اللہم اجرنی تا آخر گفتم پس

اللّٰهُ لِيْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خدای تعالی برای من رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را روا ہ مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ دَخَلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم از ام سلمہ رض گفت در آمد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

عَلٰى اَبِيْ سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ بَصَرُهٗ فَاَغْمَضَهٗ ثُمَّ قَالَ اِنَّ الرُّوْحَ

برابو سلمہ حال آنکہ بتحقیق باز ماندہ بود چشم ابی سلمہ پس فرو خوابانید آنحضرت بصر او را پس فرمود آنحضرت

اِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِّنْ اَهْلِهٖ فَقَالَ

کہ جان چون قبض کردہ میشود پس روی میکند او را بصر پس بانگ و فریاد کردند مردمان از اہل خانہ ابی سلمہ پس گفت

لَا تَدْعُوْا عَلٰى اَنْفُسِكُمْ اِلَّا بِخَيْرٍ فَاِنَّ الْمَلٰٓئِكَةَ

آنحضرت دعا مکنید برذاتہاے خود مگر بہ نیکی زیرا کہ فرشتگان

يُؤْمِنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ ثُمَّ قَالَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِاَبِي سَلَمَةَ

آمین مے گویند بر چیزیکہ میگوئید شما پس گفت آنحضرت خداوندا بیامرز ابی سلمہ را

وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ فِي

وبلند گردان پایہ اورا در کسانیکہ راہ راست نمودہ شدہ اند و خلیفہ شو در پس وے در

الْغٰبِرِيْنَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ وَافْسَحْ لَهُ

باقی ماندگان وے و بیامرز ما را و مر او را ای پروردگار جہانیان و فراخی کن مر او را

فِي قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ

در قبر او و روشن گردان مر او را در قبرش رواہ مسلم و روایت ست از عائشہ صدیقہ رض

قَالَتْ اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِيْنَ تُوُفِّيَ

گفت بدرستیکہ آن حضرت صلے اللہ علیہ وسلم وقتیکہ وفات یافت

سُجِّيَ بِبُرْدٍ حِبَرَةٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

پوشیدہ شد بجامہ حبرہ یعنے بردیمانی مخطط متفق علیہ و روایت ست از معاذ بن جبل رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ اٰخِرُ

گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ باشد آخر

كَلَامِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ

سخن او لا الہ الا اللہ می درآید بہشت را روایت کردآنرا ابو داؤد

وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت ست از معقل بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِقْرَءُوْا سُوْرَةَ يٰسٓ عَلٰى مَوْتَاكُمْ رَوَاهُ

علیہ وسلم بخوانید سورة یس برمردہ ہا شما یعنی کسیکہ بود قریب بمرگ رواہ

اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ

احمد و ابو داؤد وابن ماجہ و روایت ست از عائشہ صدیقہ رض

قَالَتْ إِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبَّلَ عُثْمَانَ

گفت بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم بوسه داد عثمان

بْنَ مَظْعُوْنٍ وَهُوَ مَيِّتٌ وَهُوَ يَبْكِيْ حَتّٰى سَالَ دُمُوْعُ

بن مظعون را وحال آنکه وی مرده بود وآنحضرت گریه می کرد تا آنکه روان شد اشکهای

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلٰى وَجْهِ عُثْمَانَ رَوَاهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر روی عثمان رواه

التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهَا قَالَتْ

ترمذی وابو داود وابن ماجه وهم از عایشه رض مرویست که گفت

إِنَّ اَبَا بَكْرٍ رض قَبَّلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ

بدرستی که ابوبکر رض بوسه داد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را وحال آنکه

مَيِّتٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ حُصَيْنِ بْنِ وَحْوَحٍ

آنحضرت مرده بود رواه ترمذی وابن ماجه وروایت ست از حصین بن وحوح

اَنَّ طَلْحَةَ بْنَ الْبَرَاءِ مَرِضَ فَاَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بدرستیکه طلحه بن براء انصاری بیمار شد پس آمد اورا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعُوْدُهٗ فَقَالَ اِنِّيْ لَا اَرٰى طَلْحَةَ اِلَّا قَدْ حَدَثَ بِهِ

وسلم درحالتیکه عیادت میکرد اورا پس فرمود بدرستیکه من گمان نمی برم طلحه را مگر آنکه تحقیق پیدا شده است

الْمَوْتُ فَاٰذِنُوْنِيْ بِهٖ وَعَجِّلُوْا فَاِنَّهٗ لَا يَنْبَغِيْ لِجِيْفَةِ

مرگ پس خبر کنید مرا بموت وی وشتابی کنید در تجهیز وتکفین وی زیرا که سزاوار نیست مرده

مُسْلِمٍ اَنْ تُحْبَسَ بَيْنَ ظَهْرَانَيْ اَهْلِهٖ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

مسلمانی را که بند داشته شود میان اهل خانه وی زیرا که مبادا گندیده شود رواه ابوداود

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت ست از عبدالله بن جعفر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ

علیه وسلم تلقین کنید مردهای شما را این کلمه و توصیف باین صفت بشارت بعفو و کرم الٰهی ست تا که امید جان دهد

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

اشارت بعظمت و کبریائی حق ست تا بشوق حضور درگاه نعمت عزت و عظمت و بما برفتن ازین محنت آباد شاد و راضی شده بحضور

قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ كَيْفَ لِلْأَحْيَاءِ قَالَ أَجْوَدُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چگونه ست ازین اذکار مر زنده گان را اگر بیاریم و تلقین کنیم فرمود بهتر و نیکوتر ست رواه ابن ماجه

بَابُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَمَا يَلْحَقُ الْمَيِّتَ بَعْدَ مَوْتِهِ

باب در بیان سکرات موت و آنچه که لاحق میشود مرده را بعد از موت وی

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ

و تعجب میکردی اگر میدیدی چون قبض ارواح کافران میکنند فرشتگان میزنند بر روی ایشان

وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ

و بر پشت ایشان و میگویند بچشید عذاب سوزان این بسبب آن کردارست که پیش فرستاده ست دستهای شما

وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ

و تحقیق که خدای ظلم کننده نیست بر بندگان و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان

فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا

در شدائد مرگ باشند و فرشتگان دست خود را دراز میکنند میگویند بیرون آرید

أَنْفُسَكُمُ ۖ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ

روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آن که

تَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ۖ

می گفتید بر خدا ناحق و بسبب آنکه از تصدیق آیات او سرکشی میکردید

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ

و گوئیم هر آئینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید

مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

انچه داده بودیم شمارا پس پشت خویش هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند

ظَالِمِيٓ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ

درحالیکه ستمگار بودند بر خویشتن فرشتگان گفتند در چه حال بودید شما گفتند بودیم بیچارگان

فِي الْأَرْضِ قَالُوٓا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا

در زمین گفتند آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت میکردید در آن

فَأُولٰٓئِكَ مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا

پس این جماعت جای ایشان جهنم است و بد جائیست مگر

الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند

حِيلَةً وَّلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَأُولٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ أَنْ

و هیچ راه نمی یابند پس آنجماعت نزدیک است که خدا

يَّعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده و آمرزنده و می فرستد بر شما

حَفَظَةً حَتّٰىٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا

ملائکه نگاهبان تا وقتیکه بیاید یکیرا از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما

وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۝ ثُمَّ رُدُّوٓا إِلَى اللّٰهِ مَوْلٰىهُمُ الْحَقِّ

و ایشان تقصیر نمیکنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی خدا خداوند ایشان حق

أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝ اَللّٰهُ يَتَوَفَّى

مر او راست حکم و او شتاب ترین حساب کنندگان است خدا تعالی قبض میکند

الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ

ارواح را نزدیک مرگ آن و آن روح که نمرده است قبض آن میکند در میان خواب آن پس نگاه میدارد

الَّتِي قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرٰى إِلٰى أَجَلٍ مُّسَمًّى

آنرا که حکم موت کرده است بر دے دمی گذارد آن دیگر را تا وقتے معین رضا

إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

هر آئینه درین مقدمه نشانهاست برائے قومیکه تامل می کنند و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَيِّتُ تَحْضُرُهُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم شخصے که بمیرد حاضر می شوند اورا

الْمَلٰٓئِكَةُ فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحًا قَالُوْا اُخْرُجِيْ أَيَّتُهَا

فرشتگان پس چون میباشد مرد میرنده نیکوکار میگویند فرشتگان بیرون آئی ای

النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ اُخْرُجِيْ حَمِيْدَةً

جان پاک که بوده است در تن پاک بیرون آئے ستوده نزد خدا

وَأَبْشِرِيْ بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا يَزَالُ

وخوش باش براحت و رزق پاک در بهشت و پروردگار خشم ناکننده پس همیشه است آن نفس

يُقَالُ لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا إِلَى السَّمَآءِ

که گفته می شود مراورا آنکلام مذکور از روح و بشارت تا آنکه بیرون می آید پس برده می شود اورا بسوی

فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ هٰذَا فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانٌ فَيُقَالُ مَرْحَبًا

پس کشاده می شود برائے اوی در آسمان پس گفته می شود کیست این پس میگویند ملائکه که او فلان بن فلان است پس گفته

بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ اُدْخُلِيْ حَمِيْدَةً وَّأَبْشِرِيْ

جان پاک را که بود در تن پاک در آئی ستوده وخوش باش

بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا تَزَالُ يُقَالُ لَهَا

براحت و رزق و پروردگار خشم نکننده پس همیشه است آن نفس که گفته می شود مراورا

ذٰلِكَ حَتّٰى يُنْتَهٰى بِهَا إِلَى السَّمَآءِ الَّتِيْ فِيْهَا اللّٰهُ فَإِذَا كَانَ

آنکلام و برده می شود از آسمانے بآسمان دیگر تا آنکه میرسد بآسمانی که در وے خداست یعنی رحمت خاص میرسد

الرَّجُلِ السُّوْءِ قَالَ اُخْرُجِيْ اَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيْثَةُ كَانَتْ

مرد بد میگوید یکی از فرشتگان حاضر بیرون آی ای جان پلید که بودی

فِي الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ اُخْرُجِيْ ذَمِيْمَةً وَاَبْشِرِيْ بِحَمِيْمٍ

در تن پلید بیرون آی نکوهیده وخوش باش بآب گرم

وَّغَسَّاقٍ وَّاٰخَرَ مِنْ شَكْلِهٖ اَزْوَاجٌ فَمَا تَزَالُ يُقَالُ

وریم وبعذاب دیگر که متشابه عذاب مذکور اند طرح طرح پس همیشه است که گفته می شود

لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَاءِ فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ

آن نفس را این کلمه تا آنکه بیرون می آید پس تر برده می شود بسوی آسمان پس گشاده میشود برای وی در آسمان پس گفته می شود که کیست

هٰذَا فَيُقَالُ فُلَانٌ فَيُقَالُ لَا مَرْحَبًا بِالنَّفْسِ الْخَبِيْثَةِ كَانَتْ فِي

این پس گفته می شود که فلان بن فلان است پس گفته می شود که مبادا فراخی جائی جان پلیدرا که بود در

الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ ارْجِعِيْ ذَمِيْمَةً فَاِنَّهَا لَا تُفْتَحُ لَكِ

تن پلید برگرد نکوهیده زیرا که گشاده نشود برای تو

اَبْوَابُ السَّمَاءِ فَتُرْسَلُ مِنَ السَّمَاءِ ثُمَّ تَصِيْرُ اِلَى الْقَبْرِ

درهای آسمان پس فرستاده وانداخته می شود بر زمین از آسمان پس تر باز میگردد بسوی قبر

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت کرده ابن ماجه وهم از ابی هریره روایت است بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا خَرَجَتْ رُوْحُ الْمُؤْمِنِ تَلَقَّاهَا

علیه وسلم فرمود چون بیرون می آید جان مسلمان پیش می آیند اورا

مَلَكَانِ يُصْعِدَانِهَا قَالَ حَمَّادٌ فَذَكَرَ مِنْ طِيْبِ رِيْحِهَا

دو فرشته که بالا میبرند آنرا گفت حماد که یکی از راویان این حدیث است پس ذکر کرده ابو هریره یا آنحضرت از خوش بوئی آن روح

وَذَكَرَ الْمِسْكَ قَالَ وَيَقُوْلُ اَهْلُ السَّمَاءِ رُوْحٌ طَيِّبَةٌ

وذکر کرده مشک را گفت ابو هریره یا آنحضرت ومیگویند آسمانیان جانیست پاک

جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْاَرْضِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ وَعَلٰى جَسَدٍ

که آمده است از جانب زمین درود فرستد خدا تعالی بر تو و بر تنے

كُنْتِ تَعْمُرِيْنَهٗ فَيُنْطَلَقُ بِهٖ اِلٰى رَبِّهٖ ثُمَّ يَقُوْلُ انْطَلِقُوْا

که آبادان زنده میداشتے تو آنرا پس پیش برده می شود او را بسوی پروردگار وے پستر میگوید ببرید

بِهٖ اِلٰى اٰخِرِ الْاَجَلِ قَالَ وَاِنَّ الْكَافِرَ اِذَا خَرَجَتْ رُوْحُهٗ

او را بسوے آخرت که مراد از ان قیامت است فرمود آنحضرت و بدرستیکه کافر چون بیرون می آید روح او

قَالَ حَمَّادٌ وَذَكَرَ مِنْ نَتْنِهَا وَذَكَرَ لَعْنًا وَيَقُوْلُ اَهْلُ

گفت حماد و ذکر کرد ابو هریره یا آنحضرت از بوی ناخوش آن روح و ذکر کرد لعنت را و میگویند

السَّمَاءِ رُوْحٌ خَبِيْثَةٌ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْاَرْضِ فَيُقَالُ

آسمانیان جانیست پلید که آمده است از جانب زمین پس گفته می شود

انْطَلِقُوْا بِهٖ اِلٰى اٰخِرِ الْاَجَلِ قَالَ اَبُوْ هُرَيْرَةَ فَرَدَّ رَسُوْلُ اللهِ

ببرید او را بسوے آخرت که مراد بآن قیامت است گفت ابو هریره پس باز گردانید آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَيْطَةً كَانَتْ عَلَيْهِ عَلٰى اَنْفِهٖ

صلی الله علیه وسلم چادریکه بود بروی بر بینی خود

هٰكَذَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

همچنین روایت کرد مسلم و هم از ابی هریره مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا حُضِرَ الْمُؤْمِنُ اَتَتْ مَلٰٓئِكَةُ

الله علیه وسلم چون حاضر کرده می شود مومن یعنے حاضر می شود او را شو می آیند ملائکه

الرَّحْمَةِ بِحَرِيْرَةٍ بَيْضَاءَ فَيَقُوْلُوْنَ اُخْرُجِيْ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً

رحمت با بریشم پاره سفید پس میگویند فرشتگان بیرون آی خوشنود از خدا خوشنود کرده شده

عَنْكِ اِلٰى رَوْحِ اللهِ وَرَيْحَانٍ وَرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَتَخْرُجُ

از تو بسوے راحت که از جانب خداست و بسوے رزق روحانی و پروردگار خشم نکننده پس بیرون می آید

كَأَطْيَبِ رِيحِ الْمِسْكِ حَتَّى أَنَّهُ لَيُنَاوِلُهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

روح مچو بهترین بوئ مشک تا آنکه هر آئینه میدهند آن روح را بعضے از فرشتگان بعضی را بعضے دست بدست

حَتَّى يَأْتُوا بِهِ أَبْوَابَ السَّمَاءِ فَيَقُولُونَ مَا أَطْيَبَ هَذِهِ الرِّيحَ الَّتِي

تا آنکه می آرند اورا نزد درهاے آسمان پس میگویند ملائکه چه خوش است این بوئے که

جَاءَتْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَيَأْتُونَ بِهِ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَهُمْ

آمده است شمارا از زمین پس می آرند اورا نزد ارواح مومنان پس هر آئینه ارواح مومنان

أَشَدُّ فَرَحًا مِنْ أَحَدِكُمْ بِغَائِبِهِ يَقْدَمُ عَلَيْهِ فَيَسْأَلُونَهُ

سخت تراند از روی شادمانی از یکے از شما بغایب خود که باز می آید از سفر بروی پس میپرسند اورا

مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ فَيَقُولُونَ دَعُوهُ فَإِنَّهُ

چه شد وچه حال دارد فلان وفلان نام آشنائی برند وحال ایشان می پرسند پس میگویند که بگذارید اورا زیرا که وی

فِي غَمِّ الدُّنْيَا فَيَقُولُ قَدْ مَاتَ أَمَا أَتَاكُمْ فَيَقُولُونَ قَدْ

در غم دنیا است پس میگوید بتحقیق مرده است آن آیا نیامده است پیش شما پس میگویند بتحقیق

ذُهِبَ بِهِ إِلَى أُمِّهِ الْهَاوِيَةِ وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا حُضِرَ

برده شده اورا بسوئے مادر وے که آتش دوزخ است وبدرستیکه کافر وقتے که حاضر می شود اورا موت

أَتَتْهُ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ بِمِسْحٍ فَيَقُولُونَ أَخْرُجِي سَاخِطَةً

می آیند اورا ملائکه عذاب بپلاس درشت پس میگویند بروح کافر بیرون آئی ناخوشنود

مَسْخُوطًا عَلَيْكِ إِلَى عَذَابِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتَخْرُجُ كَأَنْتَنِ

وناخوشنودی کرده شده بر تو بسوئے عذاب خدائے بزرگ پس بیرون می آید روح ببوئے ناخوش همچو گنده ترین

رِيحِ جِيفَةٍ حَتَّى يَأْتُونَ بِهِ إِلَى بَابِ الْأَرْضِ فَيَقُولُونَ

بوئے مردار تا آنکه می آرند اورا نزد در زمین پس میگویند

مَا أَنْتَنَ هَذِهِ الرِّيحَ حَتَّى يَأْتُونَ بِهِ أَرْوَاحَ الْكُفَّارِ رَوَاهُ

چه گنده است این بوئے تا آنکه می آرند اورا نزد ارواح کافران رواه

أَحْمَدُ وَالنَّسَائِي وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ خَرَجْنَا مَعَ

احمد و النسائی و روایت است از براء بن عازب رض گفت بیرون آمدیم با

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ

بآنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم در جنازہ مردے از انصار

فَانْتَهَيْنَا إِلَى الْقَبْرِ وَلَمَّا يُلْحَدْ فَجَلَسَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

پس آخر رسیدیم تا قبر و لحد کرده نشده بود پس نشست پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ كَأَنَّ عَلَى رُءُوسِنَا الطَّيْرَ

علیہ وسلم و نشستیم ما گرد آنحضرت سر فرو برده گویا بر سر ما پرنده نشسته است

وَفِي يَدِهِ عُودٌ يَنْكُتُ بِهِ فِي الْأَرْضِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ

و در دست آنحضرت چوبے بود که می کاوید و خط می کشید بآن چوب در زمین پس برداشت سر خود را

اسْتَعِيذُوا بِاللّٰهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلٰثًا ثُمَّ قَالَ

پناه جوئید بخدا از عذاب قبر دو بار گفت این سخن را یا سه بار پس گفت آنحضرت

إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالٍ

بدرستیکه بنده مسلمان وقتی که می باشد در پے بریدگی از دنیا و میباشد در رو آوردن

مِنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مَلٰئِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِيضُ الْوُجُوهِ

باخرت فرود می آیند بسوئے وے فرشتگان از آسمان که رو های ایشان سفید است

كَأَنَّ وُجُوهَهُمُ الشَّمْسُ مَعَهُمْ كَفَنٌ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ

گویا که روهای ایشان آفتاب است با ایشان کفنی است از کفنهاے بهشت

وَحَنُوطٌ مِنْ حَنُوطِ الْجَنَّةِ حَتّٰى يَجْلِسُوا مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ

و حنوط است از حنوطهای بهشت تا آنکه می نشینند این فرشتگان از میت دور تا درازی بصر

ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتّٰى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ

باز می آید فرشته موت که عزرائیل است تا آنکه می نشیند نزد سر میت پس میگوید

اَيَّتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ اخْرُجِي اِلَى مَغْفِرَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ

ای جان پاک بیرون آی بسوی آمرزش از خدا و رضای عظیم از وی

قَالَ فَتَخْرُجُ تَسِيْلُ كَمَا تَسِيْلُ الْقَطْرَةُ مِنَ السِّقَاءِ فَيَاْخُذُهَا

فرمود آنحضرت پس بیرون آید روح در حالیکه روان میشود چنانکه روان میگردد آب از مشک پس میگیرد ملک الموت

فَاِذَا اَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوْهَا فِيْ يَدِهٖ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتّٰى يَاْخُذُوْهَا

پس چون میگیرد ملک الموت آنرا نمیگذارند فرشتگان آن روح را در دست ملک الموت یک زدن تا آنکه میگیرند فرشتگان روح را

فَيَجْعَلُوْهَا فِيْ ذٰلِكَ الْكَفَنِ وَفِيْ ذٰلِكَ الْحَنُوْطِ وَتَخْرُجُ مِنْهَا

پس میکنند آن روح را در آن کفن و در آن حنوط و بیرون آید از ان روح

كَاَطْيَبِ نَفْحَةِ مِسْكٍ وُّجِدَتْ عَلٰى وَجْهِ الْاَرْضِ قَالَ

بیمچو خوشبوترین دمیدن بوی مشک که یافته شده است بر روی زمین فرمود آنحضرت م

فَيَصْعَدُوْنَ بِهَا فَلَا يَمُرُّوْنَ يَعْنِيْ بِهَا عَلٰى مَلَاٍ مِّنَ

پس بالامی برند فرشتگان آنرا پس نمیگذرند فرشتگان یعنی با آن روح بر هیچ جماعتی از

الْمَلٰٓئِكَةِ اِلَّا قَالُوْا مَا هٰذَا الرُّوْحُ الطَّيِّبُ فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانُ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح پاک پس میگویند فلان

بْنُ فُلَانٍ بِاَحْسَنِ اَسْمَآئِهِ الَّتِيْ كَانُوْا يُسَمُّوْنَهٗ بِهَا فِي

بن فلان است مینامند آنرا به نیکوترین نامهای وی که مینامیدند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتّٰى يَنْتَهُوْا بِهَا اِلَى السَّمَآءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَفْتِحُوْنَ

دنیا تا آنکه میرسند با وی تا آسمان که فرودترین آسمانها است پس طلب در کشادن میکنند

لَهٗ فَيُفْتَحُ لَهُمْ فَيُشَيِّعُهٗ مِنْ كُلِّ سَمَآءٍ مُقَرَّبُوْهَا اِلَى السَّمَآءِ

برای وی پس کشاده می شود در برای ایشان پس متابعت میکنند او را از هر آسمان مقربان آن آسمان

الَّتِيْ تَلِيْهَا حَتّٰى يُنْتَهٰى بِهٖ اِلَى السَّمَآءِ السَّابِعَةِ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ

که متصل است تا آنکه با آخر رسیده می شود با آن روح تا آسمان هفتم پس میگوید خدای تعالی

عز وجل اكتبوا كتاب عبدي في عليين واعيدوه الى

بنویسید نامهٔ بندهٔ مرا در علیین که نام موضعی است در آسمان و باز گردانید او را

الارض فاني منها خلقتهم وفيها اعيدهم ومنها اخرجهم

بسوی زمین برا که من از زمین پیدا کرده ام آدمیان را و در زمین باز میگردانم ایشان را و از زمین بیرون می آرم ایشان

تارة اخرى قال فتعاد روحه في جسده فياتيه ملكان

بار دیگر فرمود آنحضرت پس باز گردانیده می شود روح وے در تن وے پس می آیند پیش وے دو

فيجلسانه فيقولان له من ربك فيقول ربي الله

پس می نشانند او را پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید بنده پروردگار من خدا است

فيقولان له ما دينك فيقول ديني الاسلام فيقولان

پس میگویند او را چیست دین تو پس میگوید دین من اسلام است پس میگویند

له ما هذا الرجل الذي بعث فيكم فيقول هو رسول الله

او را چیست این مردے که برانگیخته شده است در شما پس میگوید هست وے پیغمبر خدا است

فيقولان له وما علمك فيقول قرات كتاب الله فامنت

پس میگویند او را چیست دلیل دانستن تو رسالت وے را پس میگوید خواندم کتاب خدا را که قرآن است پس ایمان

به وصدقت فينادي مناد من السماء ان صدق عبدي

آوردم بوے و راست گردانستم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که راست گفت بندهٔ من

فافرشوه من الجنة والبسوه من الجنة وافتحوا له بابا

پس فرش گردانید برای او از بهشت و پوشانید او را لباسی از بهشت و بکشائید برای وے درے

الى الجنة قال فياتيه من روحها وطيبها ويفسح له في

بسوی بهشت فرمود آنحضرت پس می آید او را از راحت بهشت و خوشبوی بهشت پس کشاده می شود برای وے در

قبره مد بصره قال ويأتيه رجل حسن الوجه حسن الثيا

قبر وے تا درازئی بصر فرمود آنحضرت و می آید او را مردے نیک روے نیکو جامه

طِيبُ الرِّيحِ فَيَقُولُ أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُرُّكَ هٰذَا يَوْمُكَ

خوشبوی پس میگوید آنمرد که مژده باد ترا بآنچه شادمان گرداند ترا این روز تست

الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ

که وعده کرده میشدی تو پس میگوید مرده مر آنمرد را که چه کسی تو پس روی تو روی کامل و حسن و جمال

يَجِيءُ بِالْخَيْرِ فَيَقُولُ أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحُ فَيَقُولُ رَبِّ أَقِمِ

که می آرد نیکی را پس میگوید آنمرد که من عمل نیک توام پس می گوید ای پروردگار بر پا کن

السَّاعَةَ أَقِمِ السَّاعَةَ حَتّٰى أَرْجِعَ إِلٰى أَهْلِي وَمَالِي قَالَ

قیامت که کنایه است از احیا تا آنکه باز بر گردم بسوی اهلخانه خود و بسوی مال خود فرمود آنحضرت ص

وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِنَ الدُّنْيَا

بدرستیکه بنده کافر وقتیکه می باشد در بریدگی از دنیا

وَإِقْبَالٍ مِنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ سُودُ

و روی آوردن از آخرت فرود می آید بسوی وی از آسمان فرشتگان سیاه

الْوُجُوهِ وَمَعَهُمُ الْمُسُوحُ وَيَجْلِسُونَ مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ

روی و با ایشان پلاسها آدمی نشینند از میت تا آنجا که نظر کار می کند

ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ حَتّٰى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ

بستر می آید ملک الموت تا آنکه می نشیند نزد سر او پس می گوید

أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيثَةُ اخْرُجِي إِلٰى سَخَطٍ مِنَ اللّٰهِ قَالَ

ای جان خبیث بیرون آی بسوی خشم و ناخوشنودی از خدا فرمود آنحضرت ص

فَتَفَرَّقُ فِي جَسَدِهِ فَيَنْتَزِعُهَا كَمَا يُنْتَزَعُ السَّفُّودُ مِنَ

پس پریشان می شود روح در جسد کافر پس میکشد آنروح را ملک الموت چنانکه کشیده میشود سیخ گرم از

الصُّوفِ الْمَبْلُولِ فَيَأْخُذُهَا فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوهَا

پشم تر پس میگیرد ملک الموت آنروح را پس چون میگیرد ملک الموت آنروح را نمیگذارند فرشتگان آنروح را

فِي يَدِهٖ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتّٰى يَجْعَلُوْهَا فِي تِلْكَ الْمُسُوْحِ

در دست او چشم زدن تا آنکه می کنند فرشتگان آن روح را درین مسوح

وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَاَنْتَنِ رِيْحِ جِيْفَةٍ وُجِدَتْ عَلٰى وَجْهِ

و بیرون می آید از آن روح بوئے همچو بدبوئے تر بن مردار که یافته می شود بر روئے

الْاَرْضِ فَيَصْعَدُوْنَ بِهَا فَلَا يَمُرُّوْنَ بِهَا عَلٰى مَلَاٍ مِّنَ

زمین پس بالا می برند فرشتگان او را پس نمی گذرند فرشتگان او را بر جماعتے از

الْمَلٰٓئِكَةِ اِلَّا قَالُوْا مَا هٰذَا الرُّوْحُ الْخَبِيْثَةُ فَيَقُوْلُوْنَ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح خبیث پس میگویند فرشتگان همراهیان که

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِاَقْبَحِ اَسْمَآئِهِ الَّتِيْ كَانَ يُسَمّٰى بِهَا فِي

فلان بن فلان است میخوانند او را به بدترین نامهاے که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتّٰى يُنْتَهٰى بِهٖ اِلَى السَّمَآءِ الدُّنْيَا فَيُسْتَفْتَحُ لَهٗ

دنیا بالمذمت تا آنکه میرسند با وی تا آسمان دنیا پس طلب کشادن میکنند براے وے

فَلَا يُفْتَحُ لَهٗ ثُمَّ قَرَاَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس کشاده نمی شود در برای وے پس خواند پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ اَبْوَابُ السَّمَآءِ وَلَا يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ حَتّٰى

کشاده نمی شود برای کافران درهاے آسمانها و در نمی آیند کافران در بهشت تا آنکه

يَلِجَ الْجَمَلُ فِيْ سَمِّ الْخِيَاطِ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ

درآید شتر با آن ضخامة در سوراخ سوزن پس میگوید حق تعالے بزرگ و بلند

اُكْتُبُوْا كِتَابَهٗ فِيْ سِجِّيْنٍ فِي الْاَرْضِ السُّفْلٰى فَتُطْرَحُ

بنویسید نامهٔ او را در سجین که نام جاے است در تحت زمین پائین ترین پس انداخته می شود

رُوْحُهٗ طَرْحًا ثُمَّ قَرَاَ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَكَاَنَّمَا خَرَّ

روح کافر انداختنی سخت پس خواند آنحضرت این آیت را که کسیکه شرک کرد با خدا پس گویا که بروی افتد

مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

از آسمان پس میربایند او را پرندگان یا می اندازد او را باد در جائے

سَحِيقٍ فَتُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ وَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهِ

دور پس عود کرده میشود روح او در تن او و می آید او را دو فرشته پس می نشانند او را

فَيَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ

پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید کافر هاه هاه که کلمهٔ تحسر و تحیر است نمی دانم پس میگویند

لَهُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ فَيَقُولُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي

مر او را چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما پس میگوید کافر هاه هاه در نیافتم کیست او

فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ كَذَبَ فَافْرِشُوهُ مِنَ النَّارِ

پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که دروغ گفت پس فرشے گردانید برای وی از آتش

وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ فَيَأْتِيهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُومِهَا

و بکشائید برای وی دری بسوئے آتش پس می آید وی را از حرارت دوزخ و باد گرم از آتش

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ فِيهِ أَضْلَاعُهُ وَيَأْتِيهِ

و تنگ گردانیده میشود بر کافر قبر او تا آنکه درهم شکند در وے استخوانهای پهلوی وے و می آید او را

رَجُلٌ قَبِيحُ الْوَجْهِ قَبِيحُ الثِّيَابِ مُنْتِنُ الرِّيحِ فَيَقُولُ

مرد بد شکل و بد جامه گنده بوے پس میگوید آمرزد

أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُوءُكَ هٰذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ

مژده باد ترا بانچه که غمگین گرداند ترا این روز تست که وعده کرده میشدی تو

فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ يَجِيءُ بِالشَّرِّ فَيَقُولُ

پس میگوید میت کافر کیست تو پس روی تو روئے کامل است در زشتی روئے که میآرد رو تو شر را پس میگوید آمرزد

أَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيثُ فَيَقُولُ رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ وَفِي رِوَايَةٍ

که من عمل بد توام پس میگوید میت کافر ای پروردگار من قایم مکن قیامت را و در روایتے دیگر

نحوه وزاد فيه اذا خرج روحه صلى عليه كل ملك بين

مانند آنچه که مذکور شده است و زیاده کرده که چون بیرون آید جان مومن درود میفرستد بروی هر فرشته که

السماء والارض وكل ملك في السماء وفتحت ابواب السماء

آسمان و زمین است و هر فرشته که در آسمان است و گشاده شود برای وی درهای آسمان

ليس من اهل باب الا وهم يدعون الله ان يعرج بروحه

نیست هیچ جماعه از اهل هیچ در از درهای آسمان مگر آنکه ایشان میخواهند خدا را و دعا میکنند که برداشته شود روح او

من قبلهم وتنزع نفسه يعني الكافر مع العروق

از جانب ایشان و کشیده میشود جان وی یعنی جان کافر با رگهای او

فيلعنه كل ملك بين السماء والارض وكل ملك في

پس لعنت میکند او را هر فرشته که میان آسمان و زمین است و هر فرشته که در میان

السماء وتغلق ابواب السماء ليس من اهل باب الا وهم

آسمان است و بسته می شود درهای آسمان نیستند از اهل هر در مگر آنکه ایشان

يدعون الله ان لا يعرج روحه من قبلهم رواه احمد

میخواهند خدا را و دعا میکنند که بر داشته نشود روح او از جانب ایشان رواه احمد

وعن عبد الرحمن بن كعب عن ابيه قال لما حضرت

و روایت است از عبد الرحمن بن کعب از پدر خود گفت هر گاه که حاضر شد

كعبا الوفاة اتته ام بشر بنت البراء بن معرور

کعب را وفات آمد او را ام بشر بنت براء بن معرور

فقالت يا ابا عبد الرحمن ان لقيت فلانا فاقرأ عليه

پس گفت ای ابا عبد الرحمن اگر ملاقات کنی فلان را پس بخوان بر وی

مني السلام فقال غفر الله لك يا ام بشر نحن اشغل

از جانب ما سلام پس گفت کعب بن مالک بیامرزد ترا خدا ای ام بشر ما مشغول تر ایم

[illegible]

بفتح انداختن ... بسیار ...

مِنْ ذٰلِكَ فَقَالَتْ يَا اَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ اَمَا سَمِعْتَ رَسُوْلَ اللّٰهِ

ازینکه سلام وپیام برسانم پس گفت ام بشر ای ابو عبد الرحمن آیا نشنیدی تو آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِيْنَ فِىْ طَيْرٍ

صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه ارواح مومنان نهاده میشوند در مرغان

خُضْرٍ تَعْلُقُ بِشَجَرِ الْجَنَّةِ قَالَ بَلٰى قَالَتْ فَهُوَ ذَاكَ رَوَاهُ

سبز که میچرند در درختان بهشت گفت آری شنیدم گفت ام بشر پس این آن فضل و کرم است روایت کرد

ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِىُّ فِىْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ

ابن ماجه وبیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ كَعْبٍ اَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از کعب رضی الله عنه که او بود که حدیث میکرد بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

۲۵۷

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّمَا نَسَمَةُ الْمُؤْمِنِ طَيْرٌ تَعْلُقُ فِىْ شَجَرِ الْجَنَّةِ

علیه وسلم فرمود نیست روح مومن مگر طیری که می چرد در درختان بهشت

حَتّٰى يَرْجِعَهُ اللّٰهُ فِىْ جَسَدِهٖ يَوْمَ يَبْعَثُهٗ رَوَاهُ مَالِكٌ

تا آنکه باز میگرداند او را خدای تعالی در تن او روزیکه برانگیزد او را از خاک روایت کرد مالک

وَالنَّسَائِىُّ وَالْبَيْهَقِىُّ فِىْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ

و النسائی وبیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى جَابِرِ بْنِ

و روایت است از محمد بن منکدر گفت درآمدم بر جابر بن

عَبْدِ اللّٰهِ وَهُوَ يَمُوْتُ فَقُلْتُ اقْرَأْ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ

عبد الله رض حال آنکه وی میمیرد پس گفتم بخوان بر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّلَامَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

صلی الله علیه وسلم سلام را از جانب ما روایت کرد ابن ماجه

وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از بریده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اَلْمُؤْمِنُ يَمُوْتُ بِعَرَقِ الْجَبِيْنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ

وسلم مومن بمیرد با عرق پیشانی رواه ترمذی و

النَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

النسائی وابن ماجه وروایت است از عبد اللہ بن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَحَدَكُمْ اِذَا مَاتَ عُرِضَ

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکه یکے از شما چون بمیرد ظاہر کرده شود

عَلَيْهِ مَقْعَدُهٗ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ اِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ

بروے نشست گاه او بامداد و شبانگاه اگر باشد آن شخص از اہل بہشت

فَمِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَاِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ النَّارِ فَمِنْ اَهْلِ النَّارِ

پس باشد جاے او از بہشت و اگر باشد آنکس از اہل دوزخ پس باشد جای نشست او از دوزخ

هٰذَا مَقْعَدُكَ حَتّٰى يَبْعَثَكَ اللّٰهُ اِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ

گفته شود که این جاے نشست تو است تا آنکه برانگیزد ترا خدای تعالی بسوے خود روز قیامت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

علیہ است وروایت کرده شده است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ اَتَاهُ مَلَكَانِ اَسْوَدَانِ

صلے اللہ علیہ وسلم چون نهاده میشود میت در قبر می آیند او را دو فرشته در صورت آدمی سیاه رنگ

اَزْرَقَانِ يُقَالُ لِاَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَلِلْاٰخَرِ النَّكِيْرُ فَيَقُوْلَانِ

کبود چشم گفته میشود مر یکے را از ایشان منکر و دیگری را نکیر پس میگویند آن ہر دو

مَا كُنْتَ تَقُوْلُ فِيْ هٰذَا الرَّجُلِ فَيَقُوْلُ هُوَ عَبْدُ اللّٰهِ وَرَسُوْلُهٗ

چه بودی تو که میگفتی در حال این مرد پس میگوید میت که آن مرد بنده خدا و پیغمبر او ست

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ فَيَقُوْلَانِ

گواهی میدهم باینکه نیست هیچ معبودی مگر خدای و گواهی میدهم که محمد بنده خدا و رسول اوست پس میگویند هر دو

قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُوْلُ هٰذَا ثُمَّ يُفْسَحُ لَهٗ فِيْ قَبْرِهٖ سَبْعُوْنَ

که بدرستیکه ما بودیم بر دانستن که بتحقیق تو میگوید این سخن را پس گشاده کرده می شود برای وی در قبر وی هفتاد

ذِرَاعًا فِيْ سَبْعِيْنَ ثُمَّ يُنَوَّرُ لَهٗ فِيْهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهٗ نَمْ فَيَقُوْلُ

ذراع در هفتاد ذراع پس روشن کرده شود در قبر او پس گفته میشود برای وی که خواب بکن پس

يَقُوْلُ أَرْجِعُ إِلٰى أَهْلِيْ فَأُخْبِرُهُمْ فَيَقُوْلَانِ نَمْ كَنَوْمَةِ الْعَرُوْسِ

میگوید که باز میروم بسوی اهل خانه من پس خبر میدهم ایشان را پس میگویند هر دو فرشته خواب بکن همچو خواب عروس

الَّذِيْ لَا يُوْقِظُهٗ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهٖ إِلَيْهِ حَتّٰى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ

که بیدار نمیکند او را مگر محبوب ترین از اهل وی بسوی وی یعنی زوج تا آنکه بر خیزاند او را خدای تعالی از

مَضْجَعِهٖ ذٰلِكَ وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُوْلُوْنَ

جای آرام او که قبر است و اگر باشد آن میت منافق میگوید در جواب فرشته که شنیدم من مردمان را که میگفتند

قَوْلًا فَقُلْتُ مِثْلَهٗ لَا أَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ

قولی پس گفتم من مثل آن قول نمیدانم از واقعیت آن پس میگویند بتحقیق ما می دانستیم که تو

تَقُوْلُ ذٰلِكَ فَيُقَالُ لِلْأَرْضِ الْتَئِمِيْ عَلَيْهِ فَتَلْتَئِمُ عَلَيْهِ فَتَخْتَلِفُ

میگوئی همچنین پس گفته میشود مر زمین را که بر هم آی بر وی پس بر هم می آید و می پیچد زمین بر وی پس مختلف میشود

أَضْلَاعُهٗ فَلَا يَزَالُ فِيْهَا مُعَذَّبًا حَتّٰى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ مَضْجَعِهٖ

پهلوی وی پس همیشه باشد آن میت در آن قبر عذاب کرده شده تا آنکه برانگیزد او را خدا از آن جای خوابگاه

ذٰلِكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

وی رواه ترمذی و روایت است از براء بن عازب رض

عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون بمیرد مرد مؤمن

فيأتيه ملكان فيجلسانه فيقولان له ما دينك فيقول

ميايند آنرا دو فرشته پس مى نشانند او را پس ميگويند مر آنميت را كه چيست دين تو پس ميگويد آنميت

ديني الاسلام فيقولان ما هذا الرجل الذي بعث

دين من اسلام است پس ميگويند چيست حال اين مرد كه برانگيخته شده است

فيكم فيقول هو رسول الله فيقولان له وما يدريك

در شما پس ميگويد مومن كه وى فرستاده خدا است پس ميگويند مر او را چه دريابانيد ترا كه رسول خدا است

فيقول قرأت كتاب الله فآمنت به وصدقت فذلك

پس ميگويد مومن خواندم كتاب خدا را پس ايمان آوردم بوے و گرويدم پس آنست مراد

قوله تعالى يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في

بقول خداوند تعالى مراد تثبيت درين قول جواب فرشتگان است در قبر

الحيوة الدنيا الآية قال فينادي مناد من السماء

بر آن وجه كه مذكور شده فرمود آنحضرت پس آواز ميدهد آواز دهنده از آسمان

ان صدق عبدي فافرشوه من الجنة والبسوه من

كه راست گفت بنده من بگسترانيد براے بنده فرشے از فرشهاے بهشت و بپوشانيد او را از

الجنة وافتحوا له بابا الى الجنة فيفتح له قال فيأتيه

پوشهاى جنت و بگشايند براے وى دريچه بهشت پس گشاده ميشود براے وى دريچه پس فرمود آنحضرت پس ميايد مومن را

من روحها وطيبها ويفسح له فيها مد بصره واما

از راحت بهشت و نسيم آن و فراخ كرده ميشود او را در بهشت تا غايتے كه ميرسد نظر وى و ليكن

الكافر فذكر موته قال ويعاد روحه في جسده و

كافر پس ذكر كرد آنحضرت مرگ او را فرمود و باز آورده ميشود روح او در تن وے و

يأتيه ملكان فيجلسانه فيقولان من ربك فيقول

ميايند وى را دو فرشته پس مى نشانند او را پس ميگويند كيست پروردگار تو پس ميگويد كافر

هاه هاه لا ادري فيقولان له ما دينك فيقول هاه

هاه هاه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند مر او را چیست دین تو پس میگوید هاه

هاه لا ادري فيقولان ما هذا الرجل الذي بعث فيكم

هاه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما

فيقول هاه هاه لا ادري فينادي مناد من السماء ان

پس میگوید هاه هاه نمی دانم و در نمی یابم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که

كذب فافرشوه من النار والبسوه من النار وافتحوا له

دروغ گفت این کافر پس بگسترانید فرشی برای وی از آتش و بپوشانید او را از پوششهای دوزخ و بگشائید برای وی

بابا الى النار قال فياتيه من حرها وسمومها قال

دری بسوی دوزخ فرمود آنحضرت پس می آید او را از گرمی و تاب آتش و باد گرم آن گفت آنحضرت

ويضيق عليه قبره حتى تختلف فيه اضلاعه ثم

و تنگ کرده میشود بر کافر گور او تا آنکه مختلف و متبدل گردد در قبر وی استخوان های او پستر

يقيض له اعمى واصم معه مرزبة من حديد

مسلط گردانیده میشود برو کور و کر که نمی شنود و گوش نمی نهد بفریاد او و با وی کلوخ کوب است از آهن

لو ضرب بها جبل لصار ترابا فيضربه بها ضربة

اگر زده شود بر کوهی هر آئینه میگردد خاک پس میزند او را بآن زدنی

يسمعها ما بين المشرق والمغرب الا الثقلين فيصير

میشنود آواز زدن را هر چه درمیان مشرق و مغرب است مگر جن و انس پس میگردد کافر

ترابا ثم يعاد فيه الروح رواه احمد وابوداود وعن

خاک بستر باز آورده میشود روح در بدن او روایت کرده احمد و ابو داؤد و روایت است

عثمان رض انه كان اذا وقف على قبر بكى حتى يبل لحيته

از عثمان رض بدرستیکه بود وی رض چون می استاد بر سر گوری میگریست تا آنکه تر میشد ریش او

فَقِيلَ لَهُ تَذْكُرُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ فَلَا تَبْكِي وَتَبْكِي مِنْ هٰذَا

پس گفته شود اورا که ذکر میکنی بهشت را و دوزخ را پس نمیگریی وگریه میکنی ازین یعنے از استادن بر قبر

فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْقَبْرَ

پس گفت بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه قبر

أَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ

نخستین منزلیست از منزلهای آخرت پس اگر کسے برست از عذاب قبر پس چیزیکه پس از وست ازین

أَيْسَرُ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ وَقَالَ

آسان تر است واگر نرست از عذاب قبر پس آنچه بعد از وست سخت تر است ازان وگفت عثمان

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا رَأَيْتُ مَنْظَرًا قَطُّ

فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم ندیده ام هیچ نظرگاه هرگز زشت

إِلَّا وَالْقَبْرُ أَفْظَعُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

مگر آنکه گور زشت تر است ازان رواه ترمذی وابن ماجه وروایت است از

أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَلَّطُ عَلَى الْكَافِرِ فِي قَبْرِهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

علیه وسلم هر آئینه گماشته می شود بر کافر در گور او نود و نه

تِنِّينًا تَنْهَسُهُ وَتَلْدَغُهُ حَتّٰى تَقُومَ السَّاعَةُ لَوْ أَنَّ تِنِّينًا

اژدها میگزد کافر را ومیگزد اورا تا آنکه برپا میشود قیامت اگر اژدهاے

مِنْهَا نَفَخَ فِي الْأَرْضِ مَا أَنْبَتَتْ خَضِرًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

ازان دم زند در زمین نمی رویاند زمین هیچ سبزیرا رواه الدارمی

وَالتِّرْمِذِيُّ نَحْوَهُ وَقَالَ سَبْعُونَ بَدَلَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

والترمذی مانند وے وگفت هفتاد بجاے نود و نه

وعن جابر رض قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه
در روایت است از جابر رض گفت بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلی الله
وسلم الى سعد بن معاذ حين توفى فلما صلى عليه
وسلم بسوی سعد بن معاذ رض هنگامی که وفات یافت پس هرگاه که نماز گذارد
رسول الله صلى الله عليه وسلم ووضع فى قبره وسوى
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ونهاده شد معاذ در قبرش و برابر کرده شد خاک
عليه سبح رسول الله صلى الله عليه وسلم فسبحنا طويلا
بر وی تسبیح کرد پیغامبر خدا وگفت سبحان الله صلی الله علیه وسلم پس تسبیح کردیم ما نیز تسبیح
ثم كبر فكبرنا فقيل يا رسول الله لم سبحت ثم
بستر تکبیر گفت پس تکبیر گفتیم ما پس گفته شد ای پیغمبر خدا برای چه تسبیح کردی پس
كبرت قال لقد تضايق على هذا العبد الصالح قبره
تکبیر برآوردی فرمود آنحضرت بتحقیق تنگ گردید بر این بنده نیک قبر او
حتى فرجه الله تعالى عنه رواه احمد وعن ابن عمر
تا آنکه کشاد وبیرون آورد او را خدا تعالی از ان دشواری رواه احمد در روایت است از ابن عمر
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم هذا الذى تحرك
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم در حق سعد بن معاذ این آن کسی است که جنبید
له العرش وفتحت له ابواب السماء وشهده سبعون
بهجت وی عرش وکشاده شد برای وی درهای آسمان بجهت نزول رحمت وحاضر گردید او را هفتاد
الفا من الملئكة لقد ضم ضمة ثم فرج عنه رواه النسائی
هزار فرشته بتحقیق تنگ کرده شد تنگ کردنی سخت پس تر آسان کرده شد از وی رواه
وعن جابر رض عن النبى صلى الله عليه وسلم قال
در روایت است از جابر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

إذا أدخل الميت القبر مثلت له الشمس عند غروبها

چون در آورده میشود مرده در گور متمثل کرده می شود و نموده میشود مر او را آفتاب چنانکه در وقت غروب

فيجلس يمسح عينيه و يقول دعوني أصلي رواه ابن ماجة

پس نشیند میت در حالیکه میمالد هر دو چشم خود را و میگوید بگذارید مرا که نماز شام بگذارم رواه ابن ماجه

وعن أبي هريرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریرة رض از آنحضرت صلی الله علیه و سلم

قال إن الميت يصير إلى القبر فيجلس الرجل في قبره

گفت بدرستیکه میت میرود بسوی قبر پس می نشیند مرد در گورش در حالیکه

غير فزع ولا مشغوب ثم يقال فيم كنت فيقول كنت

ترسنده نیست و غیر مفتون سپس گفته می شود که در چه دین و ملت بودی تو پس میگوید مرده که بودم

في الإسلام فيقال ما هذا الرجل فيقول محمد رسول الله

در دین اسلام پس گفته می شود که چیست صفت این مرد پس میگوید میت که وے محمد فرستادهٔ خدا

صلى الله عليه وسلم جاءنا بالبينات من عند الله فصدقناه

صلی الله علیه وسلم که آورد ما را معجزات ظاهره و باهره از نزد خدا پس تصدیق کردیم ما او را

فيقال له هل رأيت الله فيقول ما ينبغي لأحد أن يرى

پس گفته می شود او را آیا دیدهٔ تو خدا را پس میگوید که نمیرسد و نمی سزد مر کسے را که به بیند

الله فيفرج له فرجة قبل النار فينظر إليها يحطم بعضها

خدا تعالی را پس کشاده می شود مر او را شگافے بجانب آتش دوزخ پس نگاه میکند بجانب آتش می شکند و پامال میکند

بعضا فيقال له انظر إلى ما وقاك الله ثم يفرج له فرجة

بعض بعض را پس گفته می شود مر او را که بنگر بجانب چیزیکه نگاه داشته است ترا خدا ازان پس کشاده میشود مر او را شگافے

قبل الجنة فينظر إلى زهرتها وما فيها فيقال له هذا

بجانب بهشت پس نگاه میکند بجانب خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته می شود مر او را که این

شادانی و هرکه در آید در دین عاصے بیرون آید از دین دوزخے ۱۲

فَأَلْبِسْهَا ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

پس پوشید آنها را بس گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم می گفت

اَلْمَيِّتُ يُبْعَثُ فِيْ ثِيَابِهِ الَّتِيْ يَمُوْتُ فِيْهَا رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

مرده برانگیخته شود در جامهای خود که میرد در وے رواه ابو داود

بَابُ الْمَشْيِ بِالْجَنَازَةِ وَالصَّلٰوةِ عَلَيْهَا

باب در رفتن همراه جنازه و نماز گذاردن بر آن

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَسْرِعُوْا بِالْجَنَازَةِ فَاِنْ تَكُ صَالِحَةً فَخَيْرٌ تُقَدِّمُوْنَهَا

شتابی کنید بجنازه یعنی بر داشتن او بسوی قبر پس اگر باشد میت نیکو کار پس شتابی کردن

اِلَيْهِ وَاِنْ تَكُ سِوٰى ذٰلِكَ فَشَرٌّ تَضَعُوْنَهُ عَنْ رِقَابِكُمْ مُتَّفَقٌ

واگر باشد میت غیر صالح پس دور کردن سبب وضع شری ست که می نهید آن را از گردن

عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

علیه ست و روایت ست از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِذَا وُضِعَتِ الْجَنَازَةُ فَاحْتَمَلَهَا الرِّجَالُ عَلٰى اَعْنَاقِهِمْ

وسلم وقتی که نهاده شود جنازه بر نعش پس بردارند و برادرد ان بر گردنهای خود

فَاِنْ كَانَتْ صَالِحَةً قَالَتْ قَدِّمُوْنِيْ وَاِنْ كَانَتْ غَيْرَ صَالِحَةٍ

پس اگر باشد مرده نکو کار نیکو پیش فرستید مرا بسوے ثواب و اگر باشد بد کار

قَالَتْ لِاَهْلِهَا يَا وَيْلَهَا اَيْنَ تَذْهَبُوْنَ بِهَا يَسْمَعُ صَوْتَهَا

مے گوید بکسان خود اے وای کجا مے برید او را می شنود آواز او را

كُلُّ شَيْءٍ اِلَّا الْاِنْسَانَ وَلَوْ سَمِعَ الْاِنْسَانُ لَصَعِقَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

هر چیز از حیوانات و جمادات و غیره مگر انسان و اگر می شنید آدمی هر آئینه هلاک شد بهیبت آن رواه بخاری

۲۶۹

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا رأيتم

و هم از وی روایتست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه ببینید

الجنازة فقوموا فمن تبعها فلا يقعد حتى توضع متفق عليه

جنازه را پس بایستید از برای آن و کسیکه پیروی کند جنازه را پس باید که ننشیند تا آنکه نهاده شود

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایتست از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من اتبع جنازة مسلم إيمانا واحتسابا وكان معه

علیه وسلم کسیکه پیروی کند جنازهٔ مسلمانی را از روی ایمان و طلب کردن ثواب و باشد با وی

حتى يصلى عليه ويفرغ من دفنها فإنه يرجع من الأجر

تا آنکه نماز گزارده شود بر وی و تا آنکه فارغ گردد از دفن وی پس بتحقیق آن کس باز میگردد از اجر

بقيراطين كل قيراط مثل أحد ومن صلى عليها ثم رجع

بدو قیراط هر قیراط از آن مانند کوه احد است و کسیکه نماز گذارد بر وی پس باز گردد

قبل أن تدفن فإنه يرجع بقيراط متفق عليه وعن

پیش از آنکه دفن کرده شود پس بتحقیق که بر میگردد بیک قیراط متفق علیه و روایتست از

عوف بن مالك قال صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

عوف ابن مالک رض گفت نماز گزارد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

على جنازة فحفظت من دعائه وهو يقول اللهم اغفر له وارحمه

بر جنازه پس یاد گرفتم من از دعای آنحضرت و وی میگفت بار خدایا بیامرز مر او را و

وعافه واعف عنه وأكرم نزله ووسع مدخله واغسله

و عافیت ده او را و سلامت بخش و عفو کن از وی و گرامی دار مهمانی او را و فراخ کن جای در آمدن او را و بشوی او را

بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطايا كما نقيت الثوب

بآب و برف و ژاله و پاکیزه گردان او را از گناهان چنانکه پاکیزه گردانیدی تو جامه

الابيض من الدنس وابدله دارا خيرا من داره واهلا

سفید را از چرک و بدل کن او را سرائے بهتر از سرائے او کہ در انجهان بود و اہل

خيرا من اهله وزوجا خيرا من زوجه وادخله الجنة

بهتر از اہلی که او را و جفتی بهتر از جفت وے و در آر او را در بهشت

واعذه من عذاب القبر او من عذاب النار وفي رواية

و پناہ ده او را از عذاب گور یا گفت آنحضرت پناه ده از عذاب آتش و در روایتی آمده

وقه فتنة القبر وعذاب النار قال حتى تمنيت ان

و نگهدار او را از فتنه گور و از عذاب آتش گفت راوی تا آنکه آرزو کردم که

اكون انا ذلك الميت رواه مسلم وعن ابي هريرة

من می بودم آن مرده که آنحضرت این دعا در حق من میکرد رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

ان امراة سوداء كانت تقم المسجد او شاب ففقدها

بدرستیکه زنی سیاه بود که جاروب میداد مسجد را یا جوانے بود پس گم کرد آن زن را

او ففقده رسول الله صلى الله عليه وسلم فسال عنها او عنه

یا آن جوان را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسید آنحضرت از حال آن زن

فقالوا مات قال افلا كنتم اذنتموني قال فكانهم

پس گفتند مرد وی از مردم آنحضرت ایا پس چرا خبر نکردید مرا گفت ابو هریره پس گویا که ایشان خرد

صغروا امرها او امره فقال دلوني على قبره فدلوه فصلى

ساختند شان آن زن را یا شان آن مرد را پس فرمود آنحضرت که راه نمائید مرا بر گور آن

عليها ثم قال ان هذه القبور مملوة ظلمة على اهلها وان

بر قبر وے بستر فرمود بدرستیکه این قبرها پر کرده شده اند تاریکی بر اہل خود و بدرستیکه

الله ينورها لهم بصلوتي عليهم متفق عليه ولفظه لمسلم

خداوند تعالی منور میگرداند گورها را برای ایشان بسبب نماز کردن من بر ایشان متفق علیه و لفظ مر مسلم راست

وَعَنْ كُرَيْبٍ مَوْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض

در روایت است از کریب که مولی ابن عباس ست رض از عبد الله ابن عباس رض

أَنَّهُ مَاتَ لَهُ ابْنٌ بِقُدَيْدٍ أَوْ بِعُسْفَانَ فَقَالَ يَا كُرَيْبُ انْظُرْ

که مرد پسری مر ابن عباس را در موضع قدید یا در موضع عسفان پس گفت ابن عباس ای کریب نگاه کن

مَا اجْتَمَعَ لَهُ مِنَ النَّاسِ قَالَ فَخَرَجْتُ فَإِذَا نَاسٌ قَدِ اجْتَمَعُوا

آنچه فراهم آمدند برای نماز وی از مردمان گفت کریب پس بیرون آمدم پس ناگاه مردمان بتحقیق جمع شده اند از جهت نماز

لَهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ تَقُولُ هُمْ أَرْبَعُونَ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَخْرِجُوهُ

وی پس خبر دادم ابن عباس را پس گفت ابن عباس میگوئی تو ایشان که چهل اند گفت آری گفت بیرون آرید جنازه را

فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ

پس بدرستیکه من شنیده ام رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که می گفت نیست هیچ

رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا

مرد مسلمانی که بمیرد پس بایستند بر جنازه وی چهل مرد

لَا يُشْرِكُونَ بِاللهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَّعَهُمُ اللهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

که شریک نمی گردانند آن چهل مرد بخدا چیزی را مگر آنکه قبول کند شفاعت ایشان را خدا در حق وی رواه مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا مِنْ

در روایت است از عایشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که نیست هیچ

مَيِّتٍ تُصَلِّي عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْلُغُونَ مِائَةً كُلُّهُمْ

مرده که نماز بگذارند بر وی گروهی از مسلمانان که برسند عدد صد را همه ایشان

يَشْفَعُونَ لَهُ إِلَّا شُفِّعُوا فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض

شفاعت و دعا کنند او را مگر آنکه شفاعت ایشان قبول گردانیده شود رواه مسلم در روایت است از انس رض

قَالَ مَرُّوا بِجَنَازَةٍ فَأَثْنَوْا عَلَيْهَا خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ

گفت انس رض گذشتند جماعتی بجنازه پس ثنا کردند بر وی به نیکی پس فرمود آنحضرت صلی الله

حيث ينادى بهن فان الله شرع لنبيكم سنن الهدى وانهن من

در جاییکه ندا کرده شود برای آنها پس بدرستیکه خدای تعالی شرع کرد برای پیغامبر شما طریقهای هدایت را و بدرستیکه این پنجنماز از

سنن الهدى ولو انكم صليتم في بيوتكم كما يصلي هذا المتخلف في

جمله این طریقهاست اگر ثابت شوید آنکه شما گذارید نماز را در خانهای خود چنانکه میگذارد این شخص باز مانده در

بيته لتركتم سنة نبيكم ولو تركتم سنة نبيكم لضللتم وما من

خانه خود هر آئینه ترک کرده شده باشید طریقه پیغامبر خود را و اگر ترک کنید طریقه پیغمبر خود را هر آئینه گمراه شوید و نیست هیچ

رجل يتطهر فيحسن الطهور ثم يعمد الى مسجد من هذه المساجد الا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را پستر بقصد رفتن کند بسوی مسجدی از این مساجد مگر آنکه

كتب الله له بكل خطوة يخطوها حسنة ورفعه بها درجة وحط عنه

بنویسد خدای تعالی برای او بهر گامیکه میزند نیکی و ثوابی و بلند گرداند برای او پایه ار بسبب آن و کم گرداند از و

بها سيئة ولقد رأيتنا وما يتخلف عنها الا منافق معلوم النفاق

بسبب آن بدی را بتحقیق دیدیم ما صحابه خود را که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافق که نفاق او ظاهر بود

ولقد كان الرجل يؤتى به يهادى بين الرجلين حتى يقام في الصف

به تحقیق بود مرد بیماری که آورده میشد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف میان دو مرد تا آنکه ایستاده کرده میشد در صف نماز

رواه مسلم وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه

رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم من سمع المنادى فلم يمنعه من اتباعه عذر قالوا وما

وسلم کسیکه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد او را از پیروی کردن آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

العذر قال خوف او مرض لم تقبل منه الصلوة التي صلى رواه

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمیشود از وی نمازیکه گذارده است رواه

ابوداود والدارقطني وعن ابي الدرداء قال قال رسول الله

ابو داود و دارقطنی و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من ثلثة في قرية ولا بدو لا تقام فيهم الصلوة

صلى الله عليه وسلم نيست سه مرد در دهي و با در باديه كه برپا كرده نميشود در ميان ايشان نماز بجماعت

الا قد استحوذ عليهم الشيطان فعليك بالجماعة فانما ياكل الذئب

مگر آنكه غالب آيد بر ايشان شيطان پس بر تو باد كه لازم گيري جماعت را زيرا كه ميخورد گرگ گوسفند را

القاصية رواه احمد وابو داود والنسائي وعن ابي هريرة رضي

كه دور افتاده است رواه احمد وابو داود ونسائي در روايت است از ابي هريره رضي

الله تعالى عنه صلوة الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة

الله تعالى عنه نمازي كه بجماعت گذارند زيادتي ميكند بر نمازيكه تنها بگذارد به بست وهفت درجه

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق عليه روايه است از ابي هريره رضي الله عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

والذي نفسي بيده لقد هممت ان امر بحطب فيحطب ثم امر

بخدائي كه بقاي ذات من بدست قدرت اوست بتحقيق آهنگ كردم كه امر كنم بجمع كردن هيزم پس جمع كرده شود هيزم پس امر كنم

بالصلوة فيؤذن لها ثم امر رجلا فيؤم الناس ثم اخالف الى

باذان گفتن براي نماز پس اذان گفته شود براي نماز پس امر كنم مردي را تا امامت كند پس امامت كند مردم را پس بيايم بسوي

رجال وفي رواية لا يشهدون الصلوة فاحرق عليهم بيوتهم

مردمانيكه و در روايتي اين كلمات است حاضر نشوند براي نماز پس بسوزانم بر ايشان خانهاي ايشان

والذي نفسي بيده لو يعلم احدهم انه يجد عرقا سمينا او مرماتين

بخدا سوگند اگر بداند يكي از ايشان كه ادمي يابد استخوان فربه يا دو سم گاو

حسنتين لشهد العشاء رواه البخاري ولمسلم نحوه

وگوسفند كه نيكو در آيد در نظر مردوزن هر آئينه حاضر ميگردد نماز عشا را رواه بخاري ودر مسلم مانند اوست

باب تسوية الصف

باب در برابر كردن صف وقت نماز

عن النعمان ابن البشير رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى

و روایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم يسوي صفوفنا حتى كانما يسوي بها القداح حتى راى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را در نماز تا آنکه گویا برابر میکرد با صفهای ما قداح را یعنی چوب تیر تا آنکه دید آنحضرت

انا قد عقلنا عنه ثم خرج يوما فقام حتى كاد ان يكبر فراى رجلا

که ما بتحقیق فهمیدیم از قول او تعلیم او پس بیرون آمد آنحضرت روزی پس ایستاد تا آنکه قریب بود که الله اکبر گوید پس دید مردی را

باديا صدره من الصف فقال عباد الله لتسون صفوفكم او

که بیرون است سینهٔ او از صف پس گفت ای بندگان خدا هر آئینه باید که برابر کنید شما صفهای خود را یا آنکه

ليخالفن الله بين وجوهكم رواه مسلم وعن عائشة

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا تعالی در میان ذاتهای شما رواه مسلم و روایت است از عائشه

رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا

وملئكته يصلون على ميامن الصفوف وعن ابي امامة

و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای راست از صفوف و از ابی امامه مرویست

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی

وملئكته يصلون على الصف الاول قالوا يا رسول الله وعلى

و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثاني قال ان الله وملئكته يصلون على الصف الاول قالوا يا

صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای

رسول الله وعلى الثاني قال ان الله وملئكته يصلون على الصف

پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف

الاول قالوا يا رسول الله وعلى الصف الثاني قال وعلى الثاني وقال

اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم و فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم سووا صفوفكم وحاذوا بين

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را و برابر کنید میان

مناكبكم ولينوا في ايدي اخوانكم وسدوا الخلل فان الشيطن

دوشهای خود و نرمی کنید در پیش دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

يدخل فيما بينكم بمنزلة الحذف يعني اولاد الضان الصغار

میدر آید در میان شما در رنگ حذف خواست راوی بلفظ حذف بچهای میش که خرد باشند

رواه احمد وعن ابن عمر رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد احمد و از ابن عمر روایت رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم اقيموا الصفوف وحاذوا بين المناكب وسدوا

صلی الله علیه وسلم برپا کنید صفوف را و برابر کنید در میان دوشها و ببندید

الخلل ولينوا بايدي اخوانكم ولا تذروا فرجات الشيطن ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما مگذارید فرجها شیطان را و کسیکه

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه ابوداود

وصل کند صف را وصل کند او را خدا تعالی و کسیکه ببرد و رخنه کند صف را ببرد و دور اندازد او را خدا تعالی روایت کرد ابو داود

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لا يزال قوم يتاخرون عن الصف الاول حتى يؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می مانند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله في النار رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه

خدا تعالی در آتش روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

صلى الله عليه وسلم حثى على الميت ثلث حثيات بيديه

صلى الله عليه وسلم خاک انداخت بر مرده سه بار خاک انداختنی بهر دو دست خود

جميعا وانه رش على قبر ابنه ابراهيم ووضع عليه حصباء

و بدرستیکه آب پاشید بر گور پسر خود ابراهیم و نهاد بر قبر وے سنگریزه ها

رواه في شرح السنة **وعن** جابر رض قال نهى رسول الله

روایت کرد این حدیث را در شرح سنة و روایت است از جابر رض گفت جابر نهی کرده است پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان يجصص القبور وان يكتب عليها

صلی الله علیه وسلم از گچکاری کردن قبرها و از آنکه نوشته شود بر قبور

وان يبنى عليها وان توطأ رواه الترمذي **وعنه** قال

و نهی کرد از آنکه بنا کرده شود بر قبر و از آنکه پامال کرده شود قبور رواه ترمذی و هم از وے مرویست گفت جابر

رش قبر النبي صلى الله عليه وسلم وكان الذي رش الماء

که آب پاشیده شد قبر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و بود آنکسی که پاشید آب را

على قبره بلال بن رباح بقربة بدأ من قبل رأسه

بر قبر آنحضرت ص بلال ابن رباح از مشک که شروع کرد از جانب سر آنحضرت ص

حتى انتهى الى رجليه رواه البيهقي في دلائل النبوة

تا آنکه رسید بهر دو پائے مبارک آنحضرت رواه بیهقی در دلائل نبوة

وعن القاسم بن محمد قال دخلت على عائشة رض

و روایت است از قاسم بن محمد گفت که در آمدم بر عائشه رضه

فقلت يا امّاه اكشفي لي عن قبر رسول الله صلى الله عليه

پس گفتم ای مادر من بکشاے و پرده بردار برای من از قبر آنحضرت صلی الله علیه

وسلم وصاحبيه فكشفت لي عن ثلثة قبور لا مشرفة

وسلم و هر دو یار وے پس پرده برداشت برای من از سه قبر که نه بلند بود

وَلَا لَاطِئَةٍ مَبْطُوحَةٍ بِبَطْحَاءِ الْعَرْصَةِ الْحَمْرَاءِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

و نہ متصل بزمین سنگریزہ چیدہ شدہ بروے سنگریزہاے سرخ رواہ ابوداؤد

وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عائشہ رضہ بدرستیکہ پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكَسْرِهٖ حَيًّا رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَبُوْدَاوُدَ

فرمود شکستن استخوان مردہ ہمچو شکستن استخوان اوست در حال حیات رواہ مالک و ابوداؤد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ حَزْمٍ قَالَ رَاٰنِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

و ابن ماجہ و روایت است از عمرو بن حزم گفت دید مرا آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِئًا عَلٰى قَبْرٍ قَالَ لَا تُؤْذِ صَاحِبَ

علیہ وسلم تکیہ زنندہ بر قبرے فرمود آزار مکن صاحب

هٰذَا الْقَبْرِ اَوْ لَا تُؤْذِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ

این قبر را یا فرمود آزار مکن آنرا رواہ احمد

بَابُ الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ وَبَيَانِ

باب گریستن بر مردہ و بیان

اَجْرِ مَنْ صَبَرَ عَلٰى مَوْتِ اَوْلَادِهٖ

مزد کسیکہ صبر کرد بر موت اولاد خود

عَنْ اَنَسٍ رض قَالَ دَخَلْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از انس رض گفت انس کہ درآمدیم ماہمراہ آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ عَلٰى اَبِيْ سَيْفٍ الْقَيْنِ وَكَانَ ظِئْرًا لِاِبْرَاهِيْمَ فَاَخَذَ

وسلم بر ابی سیف آہنگر و بود وے شوہر دایہ ابراہیم بن محمد پس گرفت

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِبْرَاهِيْمَ فَقَبَّلَهٗ وَشَمَّهٗ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ابراہیم را پس بوسہ داد اورا و بوکرد اورا

ثُمَّ دَخَلْنَا عَلَيْهِ بَعْدَ ذٰلِكَ وَاِبْرَاهِيْمُ يَجُوْدُ بِنَفْسِهٖ

پستر درآمدیم بابرِ وی بعد از این همراه آنحضرت و حال آنکه ابراهیم جود و سخاوت میکرد بجان خود

فَجَعَلَتْ عَيْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس درایستاد هر دو چشم آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تَذْرِفَانِ فَقَالَ لَهٗ عَبْدُ الرَّحْمٰنِ ابْنُ عَوْفٍ وَاَنْتَ

که روان شد اشکها ازان پس گفت بآنحضرت عبد الرحمن ابن عوف و تو گریه میکنی

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَقَالَ يَا ابْنَ عَوْفٍ اِنَّهَا رَحْمَةٌ ثُمَّ

ای پیغمبر خدا باین معرفت پس فرمود ای فرزند عوف این اشکها اثر رحمت است پستر

اَتْبَعَهَا بِاُخْرٰى فَقَالَ اِنَّ الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ

پس درگردانید آن اشکها را باشکهای دیگر پس فرمود بدرستیکه چشم اشک میریزد و دل

يَحْزَنُ وَلَا نَقُوْلُ اِلَّا مَا يَرْضٰى رَبُّنَا وَاِنَّا بِفِرَاقِكَ

اندوهگین میگردد و نمیگوئیم مگر آنچه که خوشنود است پروردگار ما و بدرستیکه ما بجدائی تو

يَا اِبْرَاهِيْمُ لَمَحْزُوْنُوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

ای ابراهیم هر آئینه اندوهگینیم متفق علیه است وروایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُوْدَ

الله علیه وسلم نیست از اهل طریقه ما کسیکه بزند رخسارها را

٢٧٩

گنج مخفی چو بیاز ازظهور آمده است ۔ عارف آن به که زخلوت سوی بازار شود ۔ پردهٔ آب و گل از روی دل وجان بردارد

وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وپاره کند گریبان ها را وبخواند بخواندن جاهلیة چنانکه نوحه ودعا بویل وغیره متفق علیه

وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ أُغْمِيَ عَلَى أَبِي مُوسَى فَأَقْبَلَتْ

وروایت است از ابی بردة گفت که بیهوش شد ابوموسی اشعری پس پیش آمد

امْرَأَتُهُ أُمُّ عَبْدِ اللهِ تَصِيحُ بِرَنَّةٍ ثُمَّ أَفَاقَ فَقَالَ

زن او که کنیت او ام عبد الله است در حالتیکه آواز میکرد به بکا بستر بهوش آمد پس گفت

أَلَمْ تَعْلَمِي وَكَانَ يُحَدِّثُهَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

آیا نمی دانی تو و بود ابوموسی که خبر میداد که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَخَرَقَ

علیه وسلم فرمود که من بیزارم از کسیکه بتراشد موی سر را و بلند کند آواز و پاره کند گریبان را در تعزیت

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَفْظُهُ لِمُسْلِمٍ وَعَنْ أَبِي مَالِكٍ

متفق علیه ولفظ این مر مسلم راست وروایت است از ابی مالک

الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُونَهُنَّ الْفَخْرُ

چهار خصلت است در امت من از کار جاهلیت که نمی گذارند آنها را یکی نازیدن

فِي الْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالْاِسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ

در حسبها و دوم طعن کردن در نسبهای مردم و سوم طلب باران کردن بستارها و چهارم

وَالنِّيَاحَةُ وَقَالَ النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ

نوحه کردن در ماتم و فرمود آنحضرت که زن نوحه گر چون توبه نکند پیش از مرگ خود استاده کرده شود

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ

روز قیامت در حال آنکه بر آن زن پیراهنی است از قطران و پیراهنی است از جرب

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

رواه مسلم   وروایت است از انس رض گفت گذشت آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ بِامْرَأَةٍ تَبْكِي عِنْدَ قَبْرٍ فَقَالَ اتَّقِي اللهَ وَاصْبِرِي

وسلم بزنیکه گریه میکرد نزد گورے پس فرمود آنحضرت که بترس از خدا ای زن و شکیبائی کن

قَالَتْ اِلَيْكَ عَنِّي فَاِنَّكَ لَمْ تُصَبْ بِمُصِيْبَتِي وَلَمْ تَعْرِفْهُ

گفت آن زن بآنحضرت که یکسو شو از من زیرا که تو مصیبت زده نشده بمصیبت من و نشناخت آن زن حضرت را

فَقِيْلَ لَهَا اِنَّهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاَتَتْ بَابَ النَّبِيِّ

پس گفته شد آن زن را آنکه این سخن گفت پیغامبر بود صلی الله علیه وسلم پس آمد آن زن بر در پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ تَجِدْ عِنْدَهُ بَوَّابِيْنَ فَقَالَتْ

صلی الله علیه وسلم   پس نیافت آن زن نزد آنحضرت دربانانرا پس گفت آن زن

لَمْ اَعْرِفْكَ فَقَالَ اِنَّمَا الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْاُوْلٰى

که من نشناختم ترا پس فرمود آنحضرت جز این نیست که صبر نزد کوفت نخستین است

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي سَعِيْدِ نِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ

متفق علیه   وروایت است از ابی سعید   خدری   رض گفت

لَعَنَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّائِحَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ

لعنت کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زن نوحه کننده را و زن گوش دارنده نوحه را

رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ اَبِي وَقَّاصٍ رض قَالَ قَالَ

روایت کرد ابو داود   وروایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجَبٌ لِلْمُؤْمِنِ اِنْ اَصَابَهُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم   عجب است مسلمان را که اگر برسد اورا

خَيْرٌ حَمِدَ اللهَ وَشَكَرَ وَاِنْ اَصَابَتْهُ مُصِيْبَةٌ حَمِدَ اللهَ وَصَبَرَ

نیکی و نعمت ستایش میکند خدا را و سپاس میگوید و اگر برسد او را سختی و اندوه ثنا میگوید خدا را و شکیبائی میورزد

فَالْمُؤْمِنُ يُوجَرُ فِي كُلِّ اَمْرِهِ حَتّٰى فِي اللُّقْمَةِ يَرْفَعُهَا اِلٰى

پس مسلمان مزد داده می شود در ہمه کارے تا آنکه در لقمه که بر می دارد آنرا

فِي امْرَأَتِهٖ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسٍ

در دہن زن خود رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ اِلَّا

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که نیست ہیچ مومن مگر آنکه

وَلَهٗ بَابَانِ بَابٌ يَصْعَدُ مِنْهُ عَمَلُهٗ وَبَابٌ يَنْزِلُ مِنْهُ

اورا دو در است دریکه که بالا میرود ازان عمل او و دریست که فرود مے آید ازان در

رِزْقُهٗ فَاِذَا مَاتَ بَكَيَا عَلَيْهِ فَذٰلِكَ قَوْلُهٗ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ

رزق او پس چون بمیرد مسلمان میگریند آن ہر دو در بر وے پس آن مراد است بقول حق تعالی که بس نگریست

السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ

آسمان و زمین رواه ترمذی و روایت است از عبد الله بن

مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسے که تعزیت کند و تسلی دهد

مُصَابًا فَلَهٗ مِثْلُ اَجْرِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

مصیبت زده را پس مراورا است مانند اجر وے رواه الترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ بَرْزَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی برده گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى ثَكْلٰى كُسِيَ بُرْدًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وسلم کسیکه تعزیت کند و صبر فرماید ثکلی را پوشانیده شود مراورا جامه در بہشت رواه ترمذی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ رض قَالَ لَمَّا جَآءَ نَعْيُ جَعْفَرٍ

و روایت است از عبد الله بن جعفر رض گفت ہر گاه که آمد خبر موت جعفر رض

قال النبي صلى الله عليه وسلم اصنعوا لآل جعفر طعاما فقد

فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بسازيد براے آل و اولاد جعفر طعامے را پس بتحقيق

أتاهم ما يشغلهم رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجة

آمده است ايشان را چيزے كه باز ميدارد ايشان را از طعام رواه ترمذي و ابو داود و ابن ماجه

وعن المغيرة بن شعبة رض قال سمعت رسول الله صلى

و روايت است از مغيره بن شعبه رض گفت شنيدم من آنحضرت صلى

الله عليه وسلم يقول من نيح عليه فانه يعذب بما نيح

الله عليه وسلم را كه ميگفت كسيكه نوحه كرده ميشود برو پس بدرستيكه او عذاب كرده شود بچيزے كه نوحه كرده

عليه يوم القيمة متفق عليه وعن ابي موسى رض قال

برو روز قيامت متفق عليه است و روايت است از ابي موسى رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من ميت

شنيدم آنحضرت صلى الله عليه وسلم را كه ميگفت نيست هيچ مرده كه

يموت فيقوم باكيهم فيقول واجبلاه واسيداه ونحو

ميميرد پس مى ايستد گريه كننده قوم پس ميگويد آن گريه كننده واے كوه واے مهتر و مانند آن

ذلك الا وكل الله به ملكين يلهزانه ويقولان

الفاظ ديگر مگر آنكه مى سپارد خداى باو دو فرشته را كه بزنند آن ميت را و ميگويند او را

أهكذا كنت رواه الترمذي وعن ابن عباس رض

بطريق استهزا آيا همچنين بوده تو رواه ترمذي و روايت است از ابن عباس رض

قال ماتت زينب بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت مرد زينب بنت پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم

فبكت النساء فجعل عمر رض يضربهن بسوطه فأخره

پس گريستند زنان پس در گرفت عمر رض كه ميزد ايشان را بتازيانه خود پس دور كرد عمر را

رسول الله صلى الله عليه وسلم بيده وقال مهلا يا عمر

آنحضرت صلى الله عليه وسلم بدست مبارك خود دفع زود كه آهسته شو اى عمر

ثم قال اياكن ونعيق الشيطان ثم قال انه مهما كان

پستر فرمود آنحضرت آن زنان را كه دور دارید خود را از آواز شیطان پستر گفت آنحضرت صلعم بدرستیکه هرچه باشد

من العين ومن القلب فمن الله عز وجل ومن الرحمة وما كان

باشد از چشم و از دل پس آن از خدا است عز و جل و از مهربانیست و چیزے که باشد

من اليد ومن اللسان فمن الشيطان رواه احمد

از دست و از زبان پس آن از شیطان است رواه احمد

وعن البخاري تعليقا قال لما مات الحسن بن الحسن

و بخاری در صحیح خود بطریق تعلیق آورده است که چون مرد حسن بن امام حسن

بن علي رض ضربت امرأته القبة على قبره سنة ثم

بن علی رضه زد زن او خیمه را بر قبر او تا یکسال بستر

رفعت فسمعت صائحا يقول الا هل وجدوا ما فقدوا

برداشت خیمه را پس شنید آواز کننده را که میگوید آگاه باشید که آیا یافتند چیزے را که گم کرده بودند

فاجابه آخر بل يئسوا فانقلبوا وعن عمران بن

پس آواز داد دیگر بلکه نومید شدند پس برگشتند و روایت است از عمران بن

حصين وابي برزة رض قالا خرجنا مع رسول الله صلى

حصین و از ابی برزه رضه گفتند که بیرون آمدیم ما با پیغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم في جنازة فرأى قوما قد طرحوا ارديتهم

الله علیه وسلم همراه بمتابعت جنازه پس دید آنحضرت گروهی را که بتحقیق انداختند رداهای خود را

يمشون في قمص فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

میرفتند در پیراهنهای خود پس فرمود پیغمبر خدا صلى الله علیه وسلم

أَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَأْخُذُونَ أَوْ بِصَنِيعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُونَ

آیا بکردار اهل جاهلیت عمل میکنید یا بکار و پیشه جاهلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُونَ فِي غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم که دعای بد کنم بر شما اینچنین دعا که برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَأَخَذُوا أَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُودُوا لِذَلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی که پس گرفتند ردا های خود را و باز برنگشتند بآن فعل رواه ابن ماجه

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ

و روایت است از ابن عمر رض گفت که نهی کرد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از آنکه

تُتْبَعَ جَنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پس روی کرده شود جنازه را که با او نوحه گری باشد رواه احمد و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُولُ

ابی امامه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خدا تعالی ای فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْأُولَى لَمْ أَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول کوفتن مصیبت راضی نمیشوم ترا از روی ثواب غیر بهشت یعنی البته در عوض ترا بهشت رواه ابن ماجه

وَعَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست هیچ مرد مسلمانی و نه زن مسلمان که رسیده میشود به مصیبت پس یاد میکند آن مصیبت را

وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذَلِكَ اسْتِرْجَاعًا إِلَّا جَدَّدَ اللهُ

اگرچه دراز بود زمان آن پس نو پدید کند مر آن را ذکر انا لله بسبب آن مصیبت استرجاع مگر آنکه نو میکند

انا لله وانا الیه راجعون

تبارك وتعالى عند ذلك فاعطاه مثل اجرها يوم اصيب

تبارک وتعالی ثواب را نزدان پس میدهد خدا او را مانند اجر در روزے که رسیده است

بها رواه احمد والبیهقي في شعب الایمان وعن

بآن مصیبه روایه احمد وبیهقی در شعب ایمان درروایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اذا انقطع شسع احدكم فليسترجع فانه من المصائب

که چون بگسلد دوال نعل یکے از شما پس باید که استرجاع کند زیراکه گسستن دوال نیز از مصیبت

وعن ام الدرداء قالت سمعت ابا الدرداء يقول سمعت

درروایت است از ام الدرداء که گفت شنیدم ابوالدرداء را که میگفت شنیدم

ابا القاسم صلى الله عليه وسلم يقول ان الله تبارك

آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدا تبارک

وتعالى قال يا عيسى اني باعث من بعدك امة اذا اصابهم

وتعالی فرمود بعیسی اے عیسی بدرستیکه من برانگیزنده ام پس از تو گروهی را که چون برسد ایشانرا

ما يحبون حمدوا الله وان اصابهم ما يكرهون احتسبوا

چیزیکه دوست میدارند آنرا از نعمت شکر میگویند خدا را واگر برسد ایشانرا چیزیکه ناخوش دارند آنرا از بلیه امید

وصبروا ولا حلم ولا عقل فقال يا رب كيف

وصبر میکنند وحال آنکه نیست ایشانرا بردباری عقل وتدبیر پس گفت عیسی ای پروردگار من چگونه

يكون هذا لهم ولا حلم ولا عقل فقال اعطيهم من

باشد این صبر واحتساب ایشانرا وحال آنکه نیست حلم وعقل پس گفت پروردگار که میدهم من ایشان را از

حلمي وعلمي رواهما البيهقي في شعب الايمان وعن

حلم خود وعلم خود روایت کرد این دو حدیث بیهقی در شعب ایمان درروایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

لَا يَمُوتُ لِمُسْلِمٍ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْوَلَدِ فَيَلِجُ النَّارَ إِلَّا تَحِلَّةَ الْقَسَمِ

نمی میرد مسلمانے را سه کس از فرزندان پس در آید آتش دوزخ را مگر برائے حلال گردانیدن سوگند حق تعالیٰ

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

متفق علیه و روایت است ازو گفت ابوهریره که فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لِنِسْوَةٍ مِّنَ الْأَنْصَارِ لَا يَمُوتُ لِإِحْدٰكُنَّ ثَلَاثَةٌ

وسلم مر جماعهٔ زنان را از قبیله انصار که نمی میرد مر یکے را از شما سه

مِنَ الْوَلَدِ فَتَحْتَسِبُهُ إِلَّا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ فَقَالَتِ امْرَأَةٌ مِّنْهُنَّ

فرزند پس صبر کند و طلب ثواب دارد مگر آنکه در آید بهشت را پس گفت زنے از میان ایشان

أَوِ اثْنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ أَوِ اثْنَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِي رِوَايَةٍ

یا دو فرزند هم میرند ای پیغامبر خدا فرمود آنحضرت یا دو میرند حکم از همین است روایت کرده مسلم و در روایتے

لَهُمَا ثَلَاثَةٌ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مر شیخین بخاری و مسلم را اینچنین آمده نمی میرند سه کس که نرسیده اند بحد گناه یعنی بالغ نشده اند و هم ازو گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ اللهُ مَا لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي

صلی الله علیه وسلم در حدیث قدسی که میگوید خدای تعالیٰ نیست مر بندهٔ مسلمان را نزد من

جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا

پاداشی چون قبض کنم و میرانم دوست خالص او را از اهل دنیا چنانچه فرزند است پس صبر کند و نظر بر ثواب دارد مگر

الْجَنَّةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ

بهشت را رواه البخاری و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهُ فَرَطَانِ مِنْ أُمَّتِي

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسے که باشد او را دو فرط از امت من

أدخله الله بهما الجنة فقالت عائشة رض فمن كان له

در سرای آرد او را خدا تعالی بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عایشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فرط من أمتك قال ومن كان له فرط يا موفقة فقالت

یک فرط از امت تو پس آرا ای صاحب امت فرمود و کسیکه باشد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بر تعلیم شرایع

فمن لم يكن له فرط من أمتك قال فأنا فرط أمتي لن يصابوا

پس گفت عایشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو حال او چه باشد فرمود آنحضرت پس من فرط امت من ام هرگز مصیبت رسیده

بمثلي رواه الترمذي وعن أبي موسى الأشعري رض

یمانند مصیبت من رواه ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا مات ولد

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون می میرد فرزند

العبد قال الله تعالى لملائكته قبضتم ولد عبدي

بنده میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بنده مرا

فيقولون نعم فيقول قبضتم ثمرة فؤاده فيقولون نعم

پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم پس میگوید باری تعالی قبض کردید میوه دل او را پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم

فيقول ماذا قال عبدي فيقولون حمدك واسترجع

پس میگوید حق تعالی چه چیز گفت بنده من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله وانا الیه راجعون گفت

فيقول الله ابنوا لعبدي بيتا في الجنة وسموه بيت

پس میگوید حق تعالی بسازید برای بنده من خانه در بهشت و میگوید حق تعالی و نام نهید آنرا خانه

الحمد رواه أحمد والترمذي وعن أبي هريرة رض

حمد رواه احمد و الترمذی و روایت است از ابی هریره رض

أن رجلا قال له مات ابن لي فوجدت عليه هل سمعت

که مردی گفت مر او را مرد پسرے که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وے آیا شنیدی تو

مِنْ خَلِيلِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ شَيْئًا يُطَيِّبُ بِأَنْفُسِنَا عَنْ

از دوست تو درودهای خدا براو باد چیزی که خوش سازد نفسهای ما را از جانب

مَوْتَانَا قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُهُ قَالَ صِغَارُهُمْ دَعَامِيصُ الْجَنَّةِ

مردهای خود گفت آری شنیدم آنحضرت را که گفت خردان مسلمانان دعامیص بهشت اند

يَلْقَى أَحَدُهُمْ أَبَاهُ فَيَأْخُذُ بِنَاحِيَةِ ثَوْبِهِ فَلَا يُفَارِقُهُ حَتّٰى

پیش می آید یکی از خردان پدر خود را پس میگیرد کنار جامه پدر را پس جدا نمی شود از وی تا آنکه

يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَأَحْمَدُ وَاللَّفْظُ لَهُ وَعَنْ مُعَاذِ

در می آرد او را در بهشت رواه مسلم واحمد ولفظ حدیث مر احمد راست ودر روایت است از معاذ

ابْنِ جَبَلٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

ابن جبل رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیستند

مُسْلِمَيْنِ يُتَوَفّٰى لَهُمَا ثَلَاثَةٌ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللّٰهُ الْجَنَّةَ

دو مسلمان یعنی مادر و پدر که بمیرد مر ایشانرا سه کس از فرزندان مگر آنکه در آرد آن دو مسلمانرا خدای تعالی در بهشت

بِفَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ إِيَّاهُمَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَوِ اثْنَانِ

بفضل خود و مهربانی خود هر دو مادر و پدر را پس گفتند ای پیغامبر خدای یا دو کس بمیرند

قَالَ أَوِ اثْنَانِ قَالُوا أَوْ وَاحِدٌ قَالَ أَوْ وَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي

گفت آنحضرت یا دو کس بمیرند گفتند یا یک کس بمیرد فرمود یا یک کس بمیرد پس فرمود سوگند بآنخدای

نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ السِّقْطَ لَيَجُرُّ أُمَّهُ بِسَرَرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ

که بقای ذات من بدست اوست بدرستیکه بچه ناتمام هر آئینه میکشد مادر خود را بسر خود بسوی بهشت

إِذَا احْتَسَبَتْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ قَوْلِهِ

چون صبر کند بروی رواه احمد و روایت کرد ابن ماجه از قول آنحضرت که

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضـ قَالَ

والذی نفسی بیده است وروایت است از عبد الله بن مسعود رضـ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَدَّمَ ثَلَاثَةً مِّنَ

گفت پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسے کہ پیش میفرستد سہ کس را از

الْوَلَدِ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ كَانُوْا لَهُ حِصْنًا حَصِيْنًا مِّنَ النَّارِ

اولاد کہ نرسیدند بحد بلوغ را باشند این سہ ولد مرا او پناہ استوار از آتش دوزخ

فَقَالَ اَبُوْ ذَرٍّ قَدَّمْتُ اثْنَيْنِ قَالَ وَاثْنَيْنِ قَالَ اُبَيُّ ابْنُ

پس گفت ابو ذر کہ پیش فرستادم دو کس را گفت آنحضرت دو کس ہم پناہ باشند گفت ابی ابن

كَعْبٍ اَبُو الْمُنْذِرِ سَيِّدُ الْقُرَّاءِ قَدَّمْتُ وَاحِدًا قَالَ وَوَاحِدًا

کعب کہ کنیت او ابو منذر ہست و در شان وے سید القراء واقع شدہ ہست پیش فرستادہ ام یکی را گفت آنحضرت یکی ہم

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ قُرَّةَ الْمُزَنِيِّ

روایت الترمذی وابن ماجہ و روایت است از قرہ مزنی

اَنَّ رَجُلًا كَانَ يَاْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ

بدرستیکہ بود مردے کہ می آمد نزد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم و حال آنکہ با وے بود

ابْنٌ لَهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَتُحِبُّهُ

پسرے مراو را پس گفت او را پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم آیا دوست میداری این پسر را

فَقَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَحَبَّكَ اللّٰهُ كَمَا اُحِبُّهُ فَفَقَدَهُ النَّبِيُّ

پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا دوست دارد ترا خدا تعالیٰ چنانکہ دوست دارم او را پس گم کرد و ندید آن پسر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا فَعَلَ ابْنُ فُلَانٍ فَقَالُوْا

صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت آنحضرت کہ چہ شد فرزند فلانے پس گفتند

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَاتَ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ای پیغامبر خدا مرد آن پسر پس فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اَمَا تُحِبُّ اَنْ لَا تَاْتِيَ بَابًا مِّنْ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ اِلَّا وَجَدْتَهُ

کہ آیا دوست نمیداری تو کہ نیائی تو ہیچ درے از درہای بہشت مگر آنکہ یابی تو او را کہ

بِنَظِرُكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللهِ لَهُ خَاصَّةً

انتظار میبرد ترا پس گفت مردے کہ اے پیغامبر خدا امر اوراست این شرده خاص

أَمْ لِكُلِّنَا قَالَ بَلْ لِكُلِّكُمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ

یا بہمہ ماست گفت آنحضرت بلکہ بہمہ شما رواہ احمد و روایت است از

عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

علی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

إِنَّ السِّقْطَ لَيُرَاغِمُ رَبَّهُ إِذَا أَدْخَلَ أَبَوَيْهِ النَّارَ

بدرستیکہ بچہ افگندہ ہر آئینہ حجت میکند بر وردگار خود را وقتیکہ در آرد پروردگار پدر و مادر او را در آتش

فَيُقَالُ أَيُّهَا السِّقْطُ الْمُرَاغِمُ رَبَّهُ أَدْخِلْ أَبَوَيْكَ

پس گفتہ می شود ای سقط مراغمہ کنندہ پروردگار خود را در آر مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ فَيَجُرُّهُمَا بِسَرَرِهِ حَتَّى يُدْخِلَهُمَا

در بہشت پس میکشد این سقط مادر و پدر خود را بسر رخود تا آنکہ در می آرد مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

در بہشت رواہ ابن ماجہ

بَابُ زِيَارَةِ الْقُبُورِ

باب در بیان زیارۃ قبور

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ زَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت ابو ہریرہ زیارت کرد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

بعد از وفات وی ویکی از مشایخ عظام گفتہ است کہ دیدیم از مشایخ چہار کس را کہ تصرف می کنند در قبور خود مانند تصرفہا ایشان

قَبْرَ أُمِّهٖ فَبَكٰى وَأَبْكٰى مَنْ حَوْلَهٗ فَقَالَ اسْتَأْذَنْتُ رَبِّيْ

قبر مادر خود پس گریه کرد و گریانید کسے را که گرد آنحضرت بود پس فرمود که طلب اذن کردم پروردگار خود را

فِيْ أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يُؤْذَنْ لِيْ فَاسْتَأْذَنْتُهٗ فِيْ

در آنکه طلب آمرزش کنم برای مادر پس اذن داده نشد مرا پس اذن طلب کردم پروردگار خود را در

أَنْ أَزُوْرَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِيْ فَزُوْرُوا الْقُبُوْرَ فَإِنَّهَا

آنکه زیارت کنم قبر مادر خود را پس اذن داده شد مرا پس زیارت کنید قبرها را زیرا که قبرها

تُذَكِّرُ الْمَوْتَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ

یاد میدهند موت را رواه مسلم و روایت است از بریده رض گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَلِّمُهُمْ إِذَا خَرَجُوْا

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تعلیم میکرد صحابه را چون بیرون می آمدند

إِلَى الْمَقَابِرِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ

بسوی مقبرها این کلمات را که سلام بر شما اے اهل سراها از گروندگان

وَالْمُسْلِمِيْنَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَلَاحِقُوْنَ نَسْأَلُ

و گردن نهندگان و ما اگر خواسته است خدا تعالی بشما رسندگانیم و پیوستگانیم میطلبیم از

اللّٰهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

خدا برای خود و برای شما عافیت و سلامت از عذاب رواه مسلم و روایت است از

مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ يَرْفَعُ الْحَدِيْثَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

محمد بن نعمان در حالتیکه میرساند حدیث را به پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبَوَيْهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِيْ كُلِّ جُمُعَةٍ

وسلم گفت آنحضرت کسیکه زیارت کرد قبر مادر و پدر خود را یا قبر یکے از این دو را در هر هفته

غُفِرَ لَهٗ وَكُتِبَ بَرًّا رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ مُرْسَلًا

آمرزیده میشود مر آنکس را و نوشته شود بر ضد عاق والدین نیکی رواه بیهقی در شعب ایمان از روی مرسل

وعن ابن مسعود رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فانها

فرمود که بودم که نهی کرده بودم شما را از زیارت قبرها پس اکنون زیارت کنید آنها را زیرا که قبرها

تزهد في الدنيا وتذكر الآخرة رواه ابن ماجة

بی‌رغبت میگرداند در دنیا و یاد میدهد آخرت را رواه ابن ماجه

كتاب الزكوة

کتاب الزکوة

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی کنند آنرا در

سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم ٥ يوم يحمى عليها

راه خدا پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده شود بر آن

في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشان را و پهلو ایشانرا و پشت ایشان

هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون ٥

اینست آنچه ذخیره کردید برای خویشتن پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

واقيموا الصلوة واتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم

و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش میفرستید برای خویشتن

من خير تجدوه عند الله ان الله بما تعملون بصير ٥

از نیکوکاری خواهید یافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه میکنید بیناست

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا

نیست هیچ خداوند زر و سیم که نمیدهد ازان حق آن را مگر آنکه چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي

باشد روز قیامت گردانیده ساخته شود برای او صفحها از آتش پس گرم کرده می شود بر آن صفائح در

نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوٰى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ كُلَّمَا رُدَّتْ

آتش دوزخ پس داغ کرده می شود بآن صفائح پهلوی آنکس پیشانی او و پشت او هر گاه برآورده شوند آن

أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى

باز گردانیده شوند برای آنکس در روزی که باشد اندازه وی پنجاه هزار سال تا آنکه

يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيَرٰى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى

حکم کرده شود میان بندگان پس دیده شود راه وی بسوی بهشت ویا بسوی

النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَالْإِبِلُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ

دوزخ گفتند صحابه یا رسول الله پس حکم شتر چیست گفت آنحضرت و نیست هیچ خداوند شتران که

لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا وَمِنْ حَقِّهَا حَلَبُهَا يَوْمَ وِرْدِهَا

ادا نمیکند ازان حق آنرا و از جمله حقوق شتران دوشیدن شتران است روز ورود شتران

إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ أَوْفَرَ مَا كَانَتْ

مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر روی انداخته شود صاحب شتران بصحرای فراخ هموار در حالیکه بود

لَا يَفْقِدُ مِنْهَا فَصِيلًا وَاحِدًا تَطَؤُهُ بِأَخْفَافِهَا وَتَعَضُّهُ

شتران فربه تر تمام در حالیکه گم نکند از آن شتران یک بچه شتر را پامال میکنند آنکس بسمهای خود و میگزند آن شتران

بِأَفْوَاهِهَا كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أُولَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ

بدهنهای خود هرگاه که بگذرد بروی قطار اولین باز گردانیده شود بروی قطار پسین آنها در روزی

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ

که باشد اندازه آن پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان

فَيَرٰى سَبِيلَهٗ اِمَّا اِلَى الْجَنَّةِ وَاِمَّا اِلَى النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

پس می بیند آنکس راه خود یا بسوئے بہشت ویا بسوئے دوزخ گفتند صحابه اے پیغامبر خدا

فَالْبَقَرُ وَالْغَنَمُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ بَقَرٍ وَلَا غَنَمٍ لَا يُؤَدِّي

پس چیست حکم بقر وغنم فرمود ونه خداوند بقر ونه خداوند غنم که ادا نمی کند

مِنْهَا حَقَّهَا اِلَّا اِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ

از آن حق آن مگر آنکه چون باشد روز قیامت بروے انداخته شود برائے آن بصحرائے فراخ

وَلَا يَفْقِدُ مِنْهَا شَيْئًا لَيْسَ فِيهَا عَقْصَاءُ وَلَا جَلْحَاءُ

حالیکه گم نمیکند صاحب آن ازان گاوان وگوسپندان چیزی را حالیکه نیست در آن گاوان وگوسپندان پیچیده شاخ ونیست بی شاخ

وَلَا عَضْبَاءُ تَنْطَحُهٗ بِقُرُونِهَا وَتَطَأُهٗ بِاَظْلَافِهَا كُلَّمَا

ونه شکسته شاخ میزنند آن گاوان صاحب خود را بشاخها خود ویامال میکنند این گاوان وگوسپندان آنکس را باظلافها خود هرگاه که

مَرَّ عَلَيْهِ اُولَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ اُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ

بگذرد برو طائفه نخستین باز گردانیده شود برو طائفه پسین آنها در روزے که باشد اندازه آن

خَمْسِينَ اَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيَرٰى سَبِيلَهٗ

پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان پس می بیند راه خود

اِمَّا اِلَى الْجَنَّةِ وَاِمَّا اِلَى النَّارِ الْحَدِيثَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

یا بسوئے بہشت ویا بسوئے دوزخ تا آخر حدیث روایت کرد مسلم

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از وے گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ اٰتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكٰوتَهٗ مُثِّلَ لَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

کسیکه بدهد او را خداے تعالی مالی پس ادا نکند زکوة آنرا مصور گردانیده شود برائے او مال وے روز قیامت

شُجَاعًا اَقْرَعَ لَهٗ زَبِيبَتَانِ يُطَوَّقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَأْخُذُ

بصورت شجاع اقرع یعنی مار نر که دو نقطه سیاه است بالاے دو چشم گردانیده شود آن مار مانند طوق در گردن آنکس روز قیامت

بِلِهْزِمَتَيْهِ يَعْنِي شِدْقَيْهِ يَقُولُ أَنَا مَالُكَ أَنَا كَنْزُكَ

هردو طرف کنج دهن وے پس میگوید آن مار بزبان حال من مال توام من گنج توام که زکوة آن ندادی

ثُمَّ تَلَا وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ الْآيَةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پس خواند آنحضرت این آیت را تا آخر رواه بخاری

وَعَنْ عَدِيِّ بْنِ عُمَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از عدی بن عمیره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعْمَلْنَاهُ مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ فَكَتَمَنَا مِخْيَطًا

علیه وسلم هر کس که عامل گردانیدیم ما او را از شما بر عملے پس پوشید از ما چیزیرا که بالیست و سوزن است

فَمَا فَوْقَهُ كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس پوشید چیزیرا که بالاے سوزن است یا باشد آن کتمان غلول می آید آنکس باین فعل روز قیامت و عقوبت کرده شود

وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از رافع بن خدیج گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَامِلُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِالْحَقِّ كَالْغَازِي

علیه وسلم عمل کننده بر صدقه بطریق حق و عدل همچو کسے است که غزا کننده است

فِي سَبِيلِ اللهِ حَتّٰى يَرْجِعَ إِلٰى بَيْتِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

در راه خدا تا آنکه باز گردد بسوے خانه خود رواه ابو داؤد و الترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ لَمَّا تُوُفِّيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره چون وفات یافت آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَاسْتُخْلِفَ أَبُو بَكْرٍ بَعْدَهُ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ

وسلم و خلیفه گرفته شد ابو بکر بعد وے و کافر شد با نکار زکوة آنکه کافر شد از عرب

قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِأَبِي بَكْرٍ رض كَيْفَ نُقَاتِلُ النَّاسَ

گفت عمر بن خطاب مر ابی بکر صدیق را رض چگونه مقاتله میکنیم مردمان را

وقد قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أمرت أن

و حال آنکه بتحقیق فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کرده شده ام که

أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فمن قال لا إله

قتال کنم مردم را تا آنکه بگویند لا اله الا الله پس کسیکه بگوید لا اله

إلا الله عصم مني ماله ونفسه إلا بحقه وحسابه على

الا الله نگاه دارد از من مال خود را و نفس خود را مگر بحق اسلام و حسابش بر

الله فقال أبو بكر والله لأقاتلن من فرق بين الصلوة

خداست پس گفت ابو بکر بخدا سوگند هر آئینه قتال می کنم کسے را که فرق کند میان نماز

والزكوة فإن الزكوة حق المال والله لو منعوني عناقا

و میان زکوة زیرا که زکوة حق واجب در مال است بخدا سوگند اگر منع کنند مرا بزغاله

كانوا يؤدونها إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

که بودند که ادا میکردند آنرا بسوی پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لقاتلتهم على منعها قال عمر فوالله ما هو إلا رأيت

هر آئینه مقاتله می کنم ایشان را بر منع عناق گفت عمر پس سوگند بخدا نبود حال او ابو بکر مگر آنکه

أن الله شرح صدر أبي بكر للقتال فعرفت أنه الحق

بتحقیق که خدا کشاد سینه ابی بکر برای قتال پس شناختم که همین است حق که قتال کرد ابو بکر

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

متفق علیه و هم از وے است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم يكون كنز أحدكم يوم القيمة شجاعا أقرع يفر

وسلم میباشد گنج یکے از شما روز قیامت مار بزرگ که موی سر ندارد مے گریزد

منه صاحبه وهو يطلبه حتى يلقمه أصابعه رواه أحمد

از آن مار صاحب آن گنج و حال آنکه آن مار میجویدش تا آنکه لقمه مے گرداند آنرا انگشتان خود را رواه احمد

[illegible]

وعن عائشة رض قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه

وروایت ست از عایشه رض گفت عائشه شنیدم آنحضرت صلی الله علیه

وسلم يقول ما خالطت الزكوة مالا قط الا اهلكته

وسلم را که میگفت کہ نیامیخت زکوة ہیچ مالے را ہرگز مگر آنکہ ہلاک کرد زکوة او را

رواه الشافعي والبخاري في تاريخه والحميدي وزاد قال

روایت کرد الشافعی و روایت کرد البخاری در تاریخ خود وحمیدی و زیاده کرده تفسیر او بمیان آنست

يكون قد وجب عليك صدقة فلا تخرجها فيهلك الحرام

می باشد اینکه بحقیقی واجب شده ست بر تو زکوة بیرون نمی آری تو زکوة را پس ہلاک می کرد اندرام

الحلال الحديث وعن ام سلمة قالت كنت البس اوضاحا

حلال را تا آخر حدیث در روایت ست از ام سلمه رض گفت ام سلمه بودم که پوشیدم اوضاح

من ذهب فقلت يا رسول الله أكنز هو فقال ما بلغ

که نوعی از زیور طلاست پس گفتم ای رسول خدا آیا گنج ست این پس فرمود چیزیکه برسد بمقدار یرا

ان يؤدى زكوته فزكي فليس بكنز رواه مالك وابو داود

که ادا کرده میشود زکوة آن پس داده شود زکوة آن پس نیست کنز که بر آن وعید ست روایت کرد مالک و ابو داود

باب من لا تحل له المسئلة ومن تحل له

باب در بیان کسیکه حلال نیست او را سوال کردن و گدائی کردن و کسیکه حلال ست او را

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت ست از ابی ہریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم من سال الناس اموالهم تكثرا فانما يسئل

وسلم کسیکه سوال کند از مردم مالهای ایشان بقصد زیادت شدن مال خود برای جمع جز این نیست که

جمرا فليستقل او ليستكثر رواه مسلم وعن

انگار را پس گو کم طلب یا بسیار بهر تقدیر سوال مضر دارد روایت کرد مسلم و روایت ست از

الزُّبَيرِ بنِ العَوَّامِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ
زبیر بن عوام گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ حَطَبٍ عَلَى
هر آئینه بگیرد یکے از شما رسن خود را پس بیارد پشته هیزم را بر پشت خود
ظَهْرِهِ فَيَبِيعَهَا فَيَكُفَّ اللهُ بِهَا وَجْهَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ
پس بفروشد آنرا پس باز دارد حق تعالی بآن پشته هیزم آبروی او را بهتر ست مر او را
النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض
ازینکه طلب کند مردم را بدهند او را یا منع کنند رواه البخاری در روایت ست از ابن عمر رض
أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ
بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود در حال آنکه وی بر منبر بود
وَهُوَ يَذْكُرُ الصَّدَقَةَ وَالتَّعَفُّفَ عَنِ الْمَسْأَلَةِ الْيَدُ الْعُلْيَا
و آن حضرت ذکر میکرد صدقه را و باز ایستادن از سوال حرام دست بالا
خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَالْيَدُ الْعُلْيَا هِيَ الْمُنْفِقَةُ وَالسُّفْلَى
بهتر ست از دست پایان تفسیر کرد آنحضرت که دست علیا دستی ست که خرچ کننده است
هِيَ السَّائِلَةُ مُتَّفَقٌ عَلَيهِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ
سوال کننده متفق علیه در روایت ست از ابی سعید خدری رض
قَالَ إِنَّ أُنَاساً مِنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ
گفت که بعضے مردمان از انصار سوال کردند از رسول خدا صلے اللہ
عَلَيهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَاهُمْ ثُمَّ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتَّى
علیه وسلم پس داد آن حضرت ایشان را پس سوال کردند پس داد ایشان را تا آنکه
نَفِدَ مَا عِنْدَهُ فَقَالَ مَا يَكُونُ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهُ
تمام شد چیزیکه نزد آنحضرت بود پس فرمود آنچه میباشد نزد من از خیر یعنی از مال پس ذخیره نمی کنم

وَمَنْ يَسْتَعِفَّ يُعِفَّهُ اللّٰهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللّٰهُ وَمَنْ

و کسیکه باز ایستد از سوال و نگاهدارد خود را نگاهدارد او را خدا تعالی و کسیکه استغنا ورزد

يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللّٰهُ وَمَا اُعْطِيَ اَحَدٌ عَطَاءً هُوَ خَيْرٌ وَّاَوْسَعُ

تکلف کند در آید در صبر کردن صبر بخشد او را خدا و داده نشده است هیچ یکی دادنی که آن بهتر است

مِنَ الصَّبْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ

از صبر متفق علیه و روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِيْنِيَ الْعَطَاءَ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم میداد مرا بخشش

فَاَقُوْلُ اَعْطِهِ اَفْقَرَ اِلَيْهِ مِنِّيْ فَقَالَ خُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ

پس می گفتم که بده آنرا که محتاج تر بود بسوی آن از من پس گفت آنحضرت بگیر آنرا پس مال ساز آنرا

وَتَصَدَّقْ بِهٖ فَمَا جَاءَكَ مِنْ هٰذَا الْمَالِ وَاَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَّلَا

و تصدق کن بآن پس چیزیکه بیاید ترا ازین مال و حال آنکه انتظار نبرنده و نه سوال کننده

سَائِلٍ فَخُذْهُ وَمَا لَا فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَمُرَةَ

پس بگیر آنرا و چیزیکه چنین نیست پس مگردان آنرا نفس خود را متفق علیه و روایت است از

بْنِ جُنْدُبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سمرة بن جندب رض گفت سمرة فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اَلْمَسَائِلُ كُدُوْحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهٗ فَمَنْ شَاءَ

سوالها خراشها و جراحتها ست که مجروح می گرداند بآنها مرد روی خود را پس کسیکه خواهد

اَبْقٰى عَلٰى وَجْهِهٖ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَهٗ اِلَّا اَنْ يَّسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ

نگاهدارد روی خود را و کسیکه خواهد ترک کند آنرا مگر آنکه سوال کند مرد خداوند سلطنت یا که امیر

اَوْ فِيْ اَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

یا سوال کند در کاریکه نمی یابد از آن چاره رواه ابو داؤد و ترمذی و نسائی

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ

و روایت ست از سهل بن حنظلیه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيْهِ

صلی الله علیه و سلم کسیکه سوال کند و نزد وی چیزی باشد که بی نیاز گرداند او را از سوال بجز نیست وی

فَإِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّارِ قَالَ النُّفَيْلِيُّ وَهُوَ أَحَدُ رُوَاتِهِ فِيْ مَوْضِعٍ

مگر آنکه میکند طلب بسیاری از آتش گفته است نفیلی و آن یکی از راویان اینحدیث ست در جای دیگر نه درین حدیث

آخَرَ وَمَا الْغِنَى الَّذِيْ لَا يَنْبَغِيْ مَعَهُ الْمَسْأَلَةُ قَالَ قَدْرُ

و چیست غنا که روا نیست با وی سوال کردن گفت مقدار

مَا يُغَدِّيْهِ وَيُعَشِّيْهِ وَقَالَ فِيْ مَوْضِعٍ آخَرَ أَنْ يَكُوْنَ

چیزیست که آنرا قوت بامداد گرداند و قوت شبانگاه و گفته است نفیلے در جاے دیگر حد غنا اینست که باشد

لَهُ شِبَعُ يَوْمٍ أَوْ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ

مراو را چیزیکه سیر گرداند او را روز یا روز و شب رواه ابو داود روایت ست از

حُبْشِيِّ بْنِ جُنَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

حُبشی بن جناده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيٍّ وَلَا لِذِيْ مِرَّةٍ سَوِيٍّ

و سلم بدرستیکه سوال کردن حلال نیست مر توانگر را و نه مر خداوند قوة سلیم الاعضا را

إِلَّا لِذِيْ فَقْرٍ مُدْقِعٍ أَوْ غُرْمٍ مُفْظِعٍ وَمَنْ سَأَلَ النَّاسَ

و لیکن حلال ست مر خداوند فقر را که چسپانندہ است بخاک یا حلال ست مر خداوند دام را که

لِيُثْرِيَ بِهِ مَالَهُ كَانَ خُمُوْشًا فِيْ وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَرَضْفًا يَأْكُلُهُ

در فظاعت افگنده است و کسیکه سوال کند مردم را تا بسیار کند بآن مال خود را میباشد آن سوال خمها در روے او روز قیامت و سنگ

مِنْ جَهَنَّمَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُقِلَّ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ

از دوزخ پس کسیکه خواهد کم کند و هر که خواهد زیاده کند

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ الْفِرَاسِيِّ اَنَّ الْفِرَاسِيَّ قَالَ

روایت کرد آن را ترمذی و روایت است از ابن الفراسی که منسوب است بفراس بن غنم گفت

قُلْتُ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَسْأَلُ يَا رَسُوْلَ

ابن فراس از پدرش گفت گفتم مر پیغمبر خدا را صلی اللہ علیہ وسلم آیا سوال کنم من ای پیغمبر

اللّٰهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا وَاِنْ كُنْتَ

خدا از مردم چیزی پس فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم سوال مکن و اگر هستی تو

لَابُدَّ فَسْأَلِ الصّٰلِحِيْنَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ

که البتہ میخواهی پس سوال کن صالحان را از جهت کرم ایشان روایت کرد آن را ابوداود و النسائی و روایت است از

عَلِيٍّ رض اَنَّهُ سَمِعَ يَوْمَ عَرَفَةَ رَجُلًا يَسْأَلُ النَّاسَ

علی کرم اللہ وجهه که وی شنید روز عرفه مردی را که سوال می کند مردمان را

فَقَالَ اَفِيْ هٰذَا الْيَوْمِ وَفِيْ هٰذَا الْمَكَانِ تَسْأَلُ مِنْ

پس فرمود آیا درین روز که عرفه است و درین مکان که عرفات است سوال میکنی از

غَيْرِ اللّٰهِ فَخَفَقَهُ بِالدِّرَّةِ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ عُمَرَ رض

غیر خدا پس زد علی کرم اللہ وجهه آن مرد را بدره روایت کرد آن را رزین و روایت است از عمر رض

قَالَ تَعَلَّمُنَّ اَيُّهَا النَّاسُ اَنَّ الطَّمَعَ فَقْرٌ وَّاَنَّ الْاِيَاسَ غِنًى

گفت عمر رض بدانید ای مردم که امید داشتن از مال مردم سبب فقر است و نا امید بودن توانگری و بی نیازی است

وَاَنَّ الْمَرْءَ اِذَا يَئِسَ عَنْ شَيْءٍ اِسْتَغْنٰى عَنْهُ رَوَاهُ رَزِيْنٌ

و بدرستیکه مرد وقتیکه نا امید شود از چیزی بی نیاز میشود از آن روایت کرد آن را رزین رض

وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ثوبان مولای آنحضرت گفت که فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَنْ يَّكْفُلُ لِيْ اَنْ لَّا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا فَاَتَكَفَّلُ لَهٗ

کیست که ضامن شود مرا که سوال نکند از مردم چیزی پس ضامن شوم مر او را

بالجنة فقال ثوبان انا فكان لا يسأل احدا شيئا رواه

بہشت پس گفت ثوبان من ضامن می شوم پس بود ثوبان کہ سوال نمیکرد ہیچ یکے را چیزی رواه

ابوداود والنسائي وعن ابي ذر رض قال دعاني

ابوداود و النسائی وروایت ست از ابی ذر رض گفت ابوذر رض خواند مرا

رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو يشترط علي ان

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم وحال آنکہ وی طلب شرط میکند بر من کہ

لا تسأل الناس شيئا قلت نعم قال ولا سوطك ان

سوال نکنی تو از مردم چیزے گفتم آرے شرط کردم وگفت آنحضرت ونہ طلبی از کسے تازیانہ خود را کہ بیفتد

سقط منك حتى تنزل اليه فتأخذه رواه احمد باب

از دست تو تا آنکہ فرود آئی تو از اسپ بسوی تازیانہ پس بگیری آنرا رواه احمد باب

الانفاق وكراهية الامساك الذين ينفقون اموالهم

الانفاق وکراہت امساک کسانیکہ خرچ میکنند اموال خویش

بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم عند ربهم

شب و روز پنہان وآشکارا پس ایشان را مزد ایشان ست نزدیک پروردگار ایشان

ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ○ ولا يحسبن الذين

ونیست ترس بایشان ونہ ایشان اندوہگین شوند باید کہ گمان نکنند آنانکہ

يبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خيرا لهم

بخل می کنند بانچہ عطا کردہ است ایشان را خدا از فضل خود این بخل بہتر ست برای خویش

بل هو شر لهم سيطوقون ما بخلوا به

بلکہ او بدست برای ایشان نزدیک ست کہ بشکل طوق پوشانیدہ شود ایشان را آنچہ بخل کردہ اند بآن

يوم القيامة قل لعبادي الذين

روز قیامت بگو آن بندگان مرا

آمَنُوْا يُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً

که ایمان آورده اند برپا دارند نماز را و خرچ کنند از آنچه ما روزی داده ایم ایشان را پنهان و آشکارا

مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خِلٰلٌ مَنْ ذَا الَّذِيْ

پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست دران و نه بایکدیگر دوستی بود　کیست آنکه

يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ لَهٗۤ اَضْعَافًا كَثِيْرَةً

وام دهد خدا را وام دادن نیک　پس دو چند سازد خدا اعمال را برای او بمراتب بسیار

وَاللّٰهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ○ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا

و خدا تنگ میسازد و کشاده میکند روزی را و بسوی او بازگردانیده میشوید　اے مسلمانان

اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خُلَّةٌ وَّلَا

خرچ کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست دران و نه دوستی و نه

شَفَاعَةٌ ؕ وَالْكٰفِرُوْنَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ○ اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ

سفارش　و کافران ایشانند ظالمان　آنانکه خرچ میکنند

اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ مَاۤ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَاۤ

اموال خود را در راه خدا　باز از پی آن انفاق نمی آرند منت نهادن را　و نه

اَذًى لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

ایذا رسانیدن را ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان

يَحْزَنُوْنَ ○ قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ

اندوهگین شوند　سخن ملایم گفتن و در گذشتن از بی ادبی سائل　بهتر ست

مِّنْ صَدَقَةٍ يَّتْبَعُهَاۤ اَذًى ؕ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيْمٌ ○

از ان خیرات که از پئے آن آزرده کردن ست و خدا بے نیاز بردبار ست

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ

ای مومنان تباه مکنید خیرات خود را

بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى كَالَّذِىْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَآءَ النَّاسِ

بمنت نهادن و آزرده کردن همچو کسیکه خرج میکند مال خود را بر ای نمودن مردمان

وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ

و ایمان ندارد بخدا و بروز قیامت پس صفت او مانند

صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا

صفت سنگ صاف است که بر وی باشد از کمی خاکی پس رسید بوی باران عظیم پس گذاشت او را سخت و صاف مانده

لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَىْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى

توانائی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی نماید

الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ عَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

گروه کافران را در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ لِىْ مِثْلُ اُحُدٍ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر می بود مرا مانند کوه احد

ذَهَبًا لَسَرَّنِىْ اَنْ لَا يَمُرَّ عَلَىَّ ثَلٰثُ لَيَالٍ وَعِنْدِىْ

طلا هر آئینه شاد میکرد اینمرا اینکه نگذرد بر من سه شب و حال آنکه نزد من

مِنْهُ شَىْءٌ اِلَّا شَىْءٌ اُرْصِدُهٗ لِدَيْنٍ رَوَاهُ الْبُخَارِىُّ

چیزی از آن باقیست مگر چیزیکه آماده سازم آنرا برای وام روایه بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از وی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا وَمَلَكَانِ يَنْزِلَانِ

نیست هیچ روزیکه صبح میکنند بندگان در وی مگر آنکه فرود می آیند دو فرشته از آسمان

فَيَقُوْلُ اَحَدُهُمَا اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفًا وَيَقُوْلُ

پس میگوید یکی از ین دو فرشته خداوندا بده انفاق کننده را چیزی بجای آن و میگوید فرشته

الآخر اللّٰهم اعط ممسكا تلفا متفق علیہ وعن

دیگر خدا وندا بدہ بخیل را ہلاکی مال کہ نگاہ میدارد متفق است بخاری ومسلم وروایت است از

اسماء رض قالت قال رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ

اسماء بنت ابی بکر گفت اسماء فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وسلم انفقی ولا تحصی فیحصی اللّٰہ علیک ولا توعی

وسلم انفاق کن وشمار مکن کہ چند دہم پس احصا کند خدا بر تو ونگاہ مدار مال

فیوعی اللّٰہ علیک ارضخی ما استطعت متفق علیہ

پس نگاہدارد خدا بر تو بدہ آنچہ میتوانی اگرچہ اندک باشد متفق علیہ

وعن ابی ہریرۃ رض قال قال رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ

وروایت است از ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ

علیہ وسلم قال اللّٰہ تعالیٰ انفق یا ابن ادم انفق

علیہ وسلم فرمود خدا تعالے انفاق کن اے پسر آدم تا انفاق کنم

علیک متفق علیہ وعن ابی امامۃ رض قال قال

بر تو متفق علیہ وروایت است از ابی امامہ رض گفت فرمود

رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم یا ابن ادم ان تبذل

پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفت خدا در حدیث قدسی اے فرزند آدم بذل کردن تو

الفضل خیر لک وان تمسکہ شر لک ولا تلام

زیادہ از قدر حاجت بہتر است مر ترا ونگاہداشتن تو آنرا وبخل کردن بد تر است مر ترا ونکوہیدہ نمی شوی

علی کفاف وابدأ بمن تعول رواہ مسلم وعن

بر نگاہداشتن کفاف وآغاز کن در بذل زاید از کفاف بعیال خود رواہ مسلم وروایت است از

جابر رض قال قال رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم

جابر رض گفت جابر فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اتقوا الظلم فان الظلم ظلمات يوم القيمة واتقوا

وپرهیز کنید ظلم را زیرا که ظلم سبب ظلمات متعدده است روز قیامت و پرهیز کنید

الشح فان الشح اهلك من كان قبلكم حملهم

بخل وحرص را زیرا که بخل نیست گردانیده است کسانیرا که پیش از شما بودند برانگیخت ایشان را

على ان سفكوا دماءهم واستحلوا محارمهم

بر آنکه ریختند خون یکدیگر را و حلال گردانیدند چیزها را که حرام گردانیده است . جسه ا

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال قال رجل

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره گفت مردے

يا رسول الله اى الصدقة اعظم اجرا قال ان

ای پیغمبر خدا کدام صدقه بزرگتر است از روے اجر و ثواب فرمود که بزرگترین صدقها آنست که

تصدق وانت صحيح شحيح تخشى الفقر وتامل الغنى

تصدق کنی و حال آنکه تو تندرستی و بخیلی در حالیکه میترسی درویشی را و امید میداری تونگری را

ولا تمهل حتى اذا بلغت الحلقوم قلت لفلان

و توقف مکن تا آنکه برسد روح در گلو بگوئی فلانی را

كذا ولفلان كذا وقد كان لفلان متفق عليه

چنین و فلان را چنین و حال آنکه هست مر فلان را متفق علیه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم السخي قريب من الله قريب من الجنة

علیه وسلم سخی نزدیک است از جناب رحمت و رضاے حق نزدیک است از بهشت که در آید آنرا

قريب من الناس بعيد من النار والبخيل بعيد من الله

نزدیک است از دلهای مردم بجهت بعید است از دوزخ و بخیل بعید است از رحمت حق

بَعِيْدٌ مِّنَ الْجَنَّةِ بَعِيْدٌ مِّنَ النَّاسِ قَرِيْبٌ مِّنَ النَّارِ

بعید است از بهشت بعید است از محبت مردمان قریب است از دوزخ

وَلَجَاهِلٌ سَخِيٌّ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ مِنْ عَابِدٍ بَخِيْلٍ رَوَاهُ

و تحقیق جاهل سخی دوست داشته شده تر از عابد بخیل رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاَنْ يَّتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِيْ حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ

صلے الله علیه وسلم هر آئینه تصدق کردن مرد یک درهم را در زندگانی خود

خَيْرٌ لَّهُ مِنْ اَنْ يَّتَصَدَّقَ بِمِائَةٍ عِنْدَ مَوْتِهِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

بهتر است مر او را از تصدق کردن وے بصد درهم نزد مردن رواه ابو داود

وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی درداء گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ مَثَلُ الَّذِيْ يَتَصَدَّقُ عِنْدَ مَوْتِهِ اَوْ يُعْتِقُ كَالَّذِيْ

وسلم حال کسیکه تصدق کند نزد مردن خود یا آزاد میکند بنده را مانند حال کسے که

يُهْدِيْ اِذَا شَبِعَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَ

هدیه میفرستد طعام را بعد ازانکه سیر شد رواه احمد والنسائی والدارمی و

التِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ

الترمذی و حکم کرد بصحت آن و از ابی سعید روایت است گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِيْ

پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم دو خصلت جمع نشوند در

مُؤْمِنٍ اَلْبُخْلُ وَسُوْءُ الْخُلُقِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

هیچ مسلمانی یکے بخیلی دیگر بد خلقی رواه الترمذی و روایت است از

أَبِي بَكْرِنِ الصِّدِّيقِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی بکر الصدیق رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَلَا بَخِيلٌ وَلَا مَنَّانٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

درنمی آید بہشت را این سہ کس اول مرد فریبندہ دوم بخیل وسوم مردمنت نہندہ بعد از عطا رواہ الترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ شَرُّ مَا فِي الرَّجُلِ شُحٌّ هَالِعٌ وَجُبْنٌ خَالِعٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

وسلم بدترین خصلتہا کہ درمردم است دو خصلت است یکی بخل جزع وفزع کنندہ و دوم بزدلی ترسندگی کہ می آرد جان از تن

وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ بَيْنَا رَجُلٌ بِفَلَاةٍ

وروایت است از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت وقتیکہ مردے حاضر بود

مِنَ الْأَرْضِ فَسَمِعَ صَوْتًا فِي سَحَابَةٍ اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ

بہ بیابانے از زمین پس شنید آوازے در ابرے کہ میگوید آب دہ بستان فلان را

فَتَنَحَّى ذٰلِكَ السَّحَابُ فَأَفْرَغَ مَاءَهُ فِي حَرَّةٍ فَإِذَا شَرْجَةٌ

پس یکسو شد آن ابر پس ریخت آن آب خود را در زمین سنگستان پس ناگاہ آب راہے

مِنْ تِلْكَ الشِّرَاجِ قَدِ اسْتَوْعَبَتْ ذٰلِكَ الْمَاءَ كُلَّهُ فَتَتَبَّعَ

از ان آب راہہا بتحقیق فرا گرفتہ است آن آب را ہمہ پس پیروی کرد آنمرد

الْمَاءَ فَإِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِي حَدِيقَتِهِ يُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمِسْحَاتِهِ

آب را پس ناگاہ مردے ایستادہ است در حدیقہ خود میگرداند آب را بہ بیل آہنین

فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللّٰهِ مَا اسْمُكَ قَالَ فُلَانٌ لِلْاسْمِ الَّذِي

پس گفت مر این مرد را اے بندہ خدا چیست نام تو گفت نام من فلان است آن نامے کہ

سَمِعَ فِي السَّحَابَةِ فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللّٰهِ لِمَ تَسْأَلُنِي

شنیدہ بود در ابر پس گفت صاحب باغ مر آنمرد را اے بندہ خدا اے چہ میپرسی مرا

عَنِ اسْمِي فَقَالَ اِنِّي سَمِعْتُ صَوْتًا فِي السَّحَابِ الَّذِي

از نام من پس گفت آنمرد من شنیده ام آوازے را در ابر که

هٰذَا مَاءُهُ وَيَقُولُ اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ لِاسْمِكَ فَمَا تَصْنَعُ

این آب اوست میگفت آن آواز یعنی کسیکه آواز میکرد آب دہ حدیقه فلانرا میگفت مر نام ترا پس چه میکنی

فِيهَا قَالَ اَمَّا اِذَا قُلْتَ هٰذَا فَاِنِّي اَنْظُرُ اِلَى مَا يَخْرُجُ مِنْهَا

در حدیقه خود گفت من نخواسته بودم که اظهار کنم لیکن چون گفتی این را بگویم پس بدرستی من نگاه میکنم بسوے چیزے که بیرون می آید از آن

فَاَتَصَدَّقُ بِثُلُثِهِ وَاٰكُلُ اَنَا وَعِيَالِي ثُلُثًا وَاَرُدُّ فِيهَا ثُلُثَهُ

پس تصدق میکنم بسه یک آن و میخورم من و عیال من از ثلث آن و باز میگردانم در حدیقه خود ثلث آن

رَوَاهُ مُسْلِمٌ **وَعَنْهُ** اَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایه مسلم وهم از ابی هریره است رض که وے شنید آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يَقُولُ اِنَّ ثَلٰثَةً مِنْ بَنِي اِسْرَآئِيلَ اَبْرَصَ وَاَقْرَعَ وَاَعْمٰى

که میگفت بدرستیکه سه کس بودند از قوم بنی اسرائیل یکے ابرص دوم اقرع سوم کور

فَاَرَادَ اللّٰهُ اَنْ يَبْتَلِيَهُمْ فَبَعَثَ اِلَيْهِمْ مَلَكًا فَاَتَى الْاَبْرَصَ

پس خواست خدا تعالیٰ که ابتلا کند ایشانرا پس فرستاد خدا بسوے ایشان فرشته را پس آمد آن فرشته نزد ابرص

فَقَالَ اَيُّ شَيْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ لَوْنٌ حَسَنٌ وَجِلْدٌ حَسَنٌ

پس گفت فرشته کدام چیز دوست داشته شده تر است بسوے تو گفت رنگ نیک و پوست نیک

وَيَذْهَبُ عَنِّي الَّذِي قَدْ قَذِرَنِي النَّاسُ قَالَ فَمَسَحَهُ

و اینکه برود از من آنچه بتحقیق پلید زشت کرده بودند مرا مردم گفت آنحضرت پس مسح کرد فرشته او را

فَذَهَبَ عَنْهُ قَذَرُهُ فَاُعْطِيَ لَوْنًا حَسَنًا وَجِلْدًا حَسَنًا قَالَ

پس رفت از وے پلیدی وے پس داده شد او را رنگ نیک و پوست نیک گفت فرشته

فَاَيُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ الْاِبِلُ اَوْ قَالَ الْبَقَرُ شَكَّ

پس کدام مال محبوب تر است بسوے تو گفت شتر یا گفت بقر بجاے ابل شک کرده است

اسحٰق الا ان الابرص او الاقرع قال احدهما الابل

اسحٰق مگر اینکه ابرص یا اقرع گفت یکے ازان دو شتر

وقال الآخر البقر قال فاعطي ناقة عشراء فقال بارك

وگفت دیگر گاؤ گفت پس داده شد او را ماده شترے حامل ده ماه پس گفت فرشته برکت دهاد

الله لك فيها قال فاتى الاقرع فقال اى شيء احب اليك

خدای مر ترا در وے گفت پس آمد نزد اقرع پس گفت فرشته کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

قال شعر حسن ويذهب عني هذا الذي قد قذرني الناس

گفت موے نیک و اینکه برود از من آنچه که بتحقیق مکروه پنداشته اند مرا مردمان

قال فمسحه فذهب عنه قال واعطي شعرا حسنا قال فاي

گفت پس مسح کرد پس رفت ازوے گفت داده شد موے نیک گفت فرشته پس کدام

المال احب اليك قال البقر فاعطي بقرة حاملا قال

مال محبوب تر است بسوے تو گفت بقر پس داده شد او را گاوے باردار و حامله گفت فرشته

بارك الله لك فيها فاتى الاعمى فقال اى شيء احب اليك

برکت دهاد خدا مر ترا در آن گاو ان پس آمد فرشته نزد کور پس گفت کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

فقال ان يرد الله الي بصري فابصر به الناس قال

پس گفت کور اینکه باز گرداند خدای تعالیٰ بسوے من بینائی من پس ببینم بوے مردمان را گفت

فمسحه فرد الله اليه بصره قال فاي المال احب اليك

پس مسح کرد فرشته او را و باز گردانید خدا بسوے وے بینائی او را گفت فرشته پس کدام مال محبوب تر است بسوے تو

قال الغنم فاعطي شاة والدا فانتج هذان وولد هذا

گفت کور گوسپندان محبوب تر است پس داده شد گوسپند زاینده پس انتاج کردند این دو و تولید کرد این یعنے صاحب غنم

فكان لهذا واد من الابل ولهذا واد من البقر ولهذا

پس گشت حاصل مر این را وادی از شتر و مر این را وادی از گاوان و مر این را

وادٍ من الغنم قال ثم انه اتى الابرص في صورته وهيئته

وادی از گوسپندان گفت آنحضرت پستر بدرستیکه آن فرشته آمد ابرص را در همان صورت و هیئت

فقال اني رجل مسكين قد انقطعت بي الحبال في سفري

پس گفت من مردے مسکینم بتحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر

فلا بلاغ لي اليوم الا بالله ثم بك اسألك بالذي

پس نیست کفایت رسیدن مرا امروز مگر بخدا و فضل خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآنخدا که

اعطاك اللون الحسن والجلد الحسن والمال بعيرا اتبلغ

داده است ترا رنگ نیک و پوست نیک و داده است ترا مال شتری را که برسم

به في سفري فقال الحقوق كثيرة فقال انه كاني اعرفك

بآن در سفر خود پس گفت حقها بسیار است پس گفت فرشته بدرستیکه گویا من ترا می شناسم

الم تكن ابرص يقذرك الناس فقيرا فاعطاك الله

آیا نبودی تو ابرص که پلید و مکروه داشتند ترا مردم و فقیر که مال نبود نداشتے پس داد ترا خدا این مالے

فقال انما ورثت هذا المال كابرا عن كابر فقال ان كنت

پس گفت داده نشده ام این مال را مگر بمیراث از آبا و اجداد بمن رسیده پس گفت فرشته اگر باشی تو

كاذبا فصيرك الله الى ما كنت قال واتى الاقرع في صورته

دروغگو پس بگرداند ترا خدا تعالی بسوی حالی که بودی تو گفت و آمد آن فرشته اقرع را در همان صورت

فقال له مثل ما قال لهذا ورد عليه مثل ما رد على هذا

پس گفت مر آنرا مانند آنچه که گفته بود مر ابرص را و رد کرد اقرع بر فرشته مانند آنچه رد کرد بر این

فقال ان كنت كاذبا فصيرك الله الى ما كنت قال

پس گفت فرشته اگر باشی تو دروغگو پس بگرداند ترا خدا تعالی باز گرداند بسوی حالیکه بودی و فرمود حضرت

واتى الاعمى في صورته وهيئته فقال رجل مسكين

و آمد آن فرشته نزد اعمی در صورتے که گشته آمده بود پس گفت من مردے مسکینم

وابن سبيل قد انقطعت بي الحبال في سفري فلا بلاغ

ومسافر بتحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر پس نیست کفایت و رسیدن

لي اليوم الا بالله ثم بك اسألك بالذي رد عليك

مرا امروز مگر بتوفیق خدا پس بتو سوال میکنم ترا بآن خدا که داده است ترا

بصرك شاة اتبلغ بها في سفري فقال قد كنت

بینائی تو سوال میکنم گوسپندی که برسم بآن در حصول سفر من پس گفت آن اعمی بتحقیق بودم

اعمى فرد الله الي بصري فخذ ما شئت ودع ما شئت

کور پس باز گردانید خدا تعالی بسوی من بینائی من پس بگیر هرچه میخواهی از گوسپندان و بگذار هرچه میخواهی

فوالله لا اجهدك اليوم بشيء اخذته لله فقال امسك

پس بخدا سوگند که منع نمیکنم و در مشقت نمی اندازم ترا امروز بچیزی که بگیری تو آنرا برای خدا پس گفت فرشته

مالك فانما ابتليتم فقد رضي عنك وسخط على

مال خود را پس جز این نیست که ابتلا و آزمایش کرده شده اید پس بتحقیق خشنود شد پروردگار از تو و خشم

صاحبيك متفق عليه وعن ام بجيد قالت

دو یار تو متفق علیه است و روایت است از ام بجید انصاریه رض گفت

قلت يا رسول الله ان المسكين ليقف على بابي حتى

گفتم ای رسول خدا بدرستیکه مسکین هر آئینه می ایستد بر در من تا آنکه

استحيي فلا اجد في بيتي ما ادفع في يده فقال

شرم میدارم پس نمی یابم در خانه خود چیزی که بنهم آنرا در دست وی پس فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ادفعي في يده ولو

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بنه در دست وی اگرچه

ظلفا محرقا رواه ابوداود وعن مولى لعثمان رض

سم سوخته باشد رواه ابوداود و روایت است از مولای که مر عثمان را بود

قَالَ اُهْدِيَ لِاُمِّ سَلَمَةَ بِضْعَةٌ مِنْ لَحْمٍ وَكَانَ النَّبِيُّ

گفت فرستاده شده مر ام سلمہ را پارۂ از گوشت و بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ اللَّحْمُ فَقَالَتْ لِلْخَادِمِ ضَعِيهِ

صلی اللہ علیہ وسلم کہ خوش می آمد او را گوشت پس گفت ام سلمہ مر خادم را بنہ آن گوشت را

فِي الْبَيْتِ لَعَلَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُهُ فَوَضَعَتْهُ

در خانہ شاید کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بخورد آنرا پس نہاد خادم آنرا

فِي كُوَّةِ الْبَيْتِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ عَلَى الْبَابِ فَقَالَ

در طاقچہ خانہ پس آمد سوال کنندہ پس ایستاد بر در پس گفت

تَصَدَّقُوا بَارَكَ اللّٰهُ فِيكُمْ فَقَالُوا بَارَكَ اللّٰهُ فِيكَ

تصدق کنید برکت کناد حق تعالی در شما پس گفتند اہل خانہ مر سائل را کہ برکت کناد خدا در تو

فَذَهَبَ السَّائِلُ فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

پس رفت سائل پس در آمد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم یعنی در خانہ پس فرمود آنحضرت

يَا أُمَّ سَلَمَةَ هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ أَطْعَمُهُ فَقَالَتْ نَعَمْ قَالَتْ

اے ام سلمہ ایا ہست نزد شما چیزے کہ بخورم پس گفت آرے ہست پس گفت

لِلْخَادِمِ اذْهَبِي فَأْتِي رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مر خادم را کہ برو پس بیار نزد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

بِذَلِكَ اللَّحْمِ فَذَهَبَتْ فَلَمْ تَجِدْهُ فِي الْكُوَّةِ إِلَّا قِطْعَةَ

آن گوشت را پس رفت خادمہ پس نیافت آن گوشت را در طاقچہ مگر سنگ پارہ را

مَرْوَةٍ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ ذَلِكَ اللَّحْمَ

پس گفت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس بدرستیکہ ان گوشت

عَادَ مَرْوَةً لِمَا لَمْ تُعْطُوهُ السَّائِلَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

گشت سنگ سفید از جہت ندادن شما سائل را روایت کرد بیہقی در دلائل النبوۃ

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ مَنْزِلًا قِيلَ نَعَمْ قَالَ الَّذِي يُسْأَلُ

آیا خبر دہم شمارا بہ بدترین مردم از روئے مرتبہ گفتہ شد آرے خبر دہ فرمود آن کسے کہ سوال کردہ شود

بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض اَنَّ

بنام خدا و ندہد بنام خدا روایت کرد احمد وروایت است از ابی ہریرہ رض کہ

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلٰى بِلَالٍ وَعِنْدَهُ صُبْرَةٌ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم درآمد بر بلال ونزد او تودہ بود

مِنْ تَمْرٍ فَقَالَ مَا هٰذَا يَا بِلَالُ قَالَ شَيْءٌ اِدَّخَرْتُهُ لِغَدٍ

از خرما خشک پس گفت آنحضرت چیست این خرما ای بلال گفت این چیز یست کہ ذخیرہ کردہ بودم برائے فردا

فَقَالَ اَمَا تَخْشٰى اَنْ تَرٰى لَهُ غَدًا بُخَارًا فِي نَارِ جَهَنَّمَ يَوْمَ

فرمود آیا نمی ترسی کہ بہ بینی برائے این تمر را فردا دود در آتش دوزخ روز

الْقِيٰمَةِ اَنْفِقْ بِلَالُ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ اِقْلَالًا

قیامت خرچ کن اے بلال ومترس از خداوند عرش کم کردن را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اَلسَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ فَمَنْ كَانَ سَخِيًّا اَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْهَا

جوانمردی درختی است در بہشت پس کسیکہ باشد سخی گرفتہ است شاخی از آن درخت

فَلَمْ يَتْرُكْهُ الْغُصْنُ حَتّٰى يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَالشُّحُّ شَجَرَةٌ فِي

پس نمی گذارد او را آن شاخ تا آنکہ می درارد او را در بہشت وبخل درختیست در

النَّارِ فَمَنْ كَانَ شَحِيحًا اَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْهَا فَلَمْ يَتْرُكْهُ الْغُصْنُ

دوزخ پس ہر کہ بخیل است گرفتہ است شاخ آنرا پس نمی گذارد او را آن شاخ

حتى يدخله النار رواهما البيهقي في شعب الايمان وعن

تا آنکه در آرد او را در دوزخ روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت است از

علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بادروا

علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم شتابی کنید

بالصدقة فان البلاء لا يتخطاها رواه رزين

بصدقه زیراکه بدرستی بلا تجاوز نمی کند صدقه را روایت کرد رزین

باب فضل الصدقة في سبيل الله تعالى

وانفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة

و خرج کنید در راه خدا و میفکنید خویشتن را بسوی هلاک

واحسنوا ان الله يحب المحسنين ان تبدوا الصدقات

و نیکوکاری کنید هرآینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را اگر آشکارا کنید خیرات را

فنعما هي وان تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم

پس نیکو چیزیست آن و اگر پنهان کنید و بدهید آن را بفقیران پس این بهتر است شما را

ويكفر عنكم من سيئاتكم والله بما تعملون خبير عن

و این دور سازد از شما بعض گناهان شما را و خدا بانچه میکنید آگاه است روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

تصدق بعدل تمرة من كسب طيب ولا يقبل الله الا الطيب

تصدق کند برابر قیمت تمر از کسب پاک و نمی پذیرد خدا تعالی مگر پاک را

فان الله يتقبلها بيمينه ثم يربيها لصاحبها كما يربي

پس بدرستیکه خدا تعالی می پذیرد آنرا بدست راست خود پس تربیت میکند آن صدقه را برای صاحبش چنانکه

أَحَدُكُمْ فَلُوَّهُ حَتّٰى تَكُوْنَ مِثْلَ الْجَبَلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

یکے از شما کرہ اسپ خود را تا آنکہ بیا شد آن صدقہ مانند کوہ متفق علیہ وہم از ویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کم نکرد ہیچ صدقہ چیزے را

مِنْ مَالٍ وَمَا زَادَ اللّٰهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ اِلَّا عِزًّا وَمَا تَوَاضَعَ اَحَدٌ

از مال وزیادت نکرد اندخدا تعالے ہیچ بندہ را بسبب عفو کردن و لیکن عزت در دنیا وفروتنی نکند ہیچ یکے

اِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مگر آنکہ بلند گرداند قدر او را خدا تعالے رواہ مسلم وہم از ویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَنْفَقَ زَوْجَيْنِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْاَشْيَاءِ

صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ انفاق کند دو چیز را از چیزہا

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ دُعِيَ مِنْ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَلِلْجَنَّةِ اَبْوَابٌ فَمَنْ كَانَ

در راہ خدا خواندہ می شود آنکس از درہائے بہشت ومر بہشت را درہا است پس کسیکہ باشد

مِنْ اَهْلِ الصَّلٰوةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلٰوةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ

از اہل نماز یعنی غالبست بروے نماز خواندہ می شود از در بہشت کہ مخصوص است با اہل نماز وکسیکہ باشد از

اَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ وَمَنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ

اہل جہاد خواندہ می شود از در جہاد وکسیکہ باشد از اہل

الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ

صدقہ خواندہ می شود از باب صدقہ وکسیکہ باشد از اہل

الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ فَقَالَ اَبُوْ بَكْرٍ مَا عَلٰى مَنْ

روزہ خواندہ شود او را از در ریان یعنے در سیرابی پس گفت ابو بکر صدیق رضی اللہ عنہ نیست بر کسیکہ

دُعِيَ مِنْ تِلْكَ الْاَبْوَابِ مِنْ ضَرُوْرَةٍ فَهَلْ يُدْعٰى اَحَدٌ

خواندہ شود از آن درہا ضرورتے پس آیا خواندہ می شود ہیچ یکے

مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ وَأَرْجُوْ أَنْ تَكُوْنَ مِنْهُمْ

از همه درها گفت آنحضرت آرے هست و امید میدارم که باشی تو ای ابوبکرؓ از ان کسان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه وهم ازوے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ صَائِمًا قَالَ أَبُوْ بَكْرٍ أَنَا قَالَ وَمَنْ تَبِعَ

یعنی پرسید از صحابه کیست که صبح کرد از شما امروز روزه دار گفت ابوبکر صدیق منم یا رسول الله و فرمود آنحضرت آیا

مِنْكُمُ الْيَوْمَ جَنَازَةً قَالَ أَبُوْ بَكْرٍ أَنَا قَالَ فَمَنْ أَطْعَمَ مِنْكُمُ

از شما امروز جنازه را گفت ابوبکر صدیق منم گفت آنحضرت پس کیست که طعام خورانید از شما

الْيَوْمَ مِسْكِيْنًا قَالَ أَبُوْ بَكْرٍ أَنَا قَالَ وَمَنْ عَادَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ

امروز مسکین را گفت ابوبکر صدیق من هستم گفت وکیست که پرسید از شما امروز

مَرِيْضًا قَالَ أَبُوْ بَكْرٍ أَنَا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیمار را گفت ابوبکر صدیق انا پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَا اجْتَمَعْنَ فِيْ امْرِءٍ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

جمع نشوند این چهار چیز در یک روز هیچ مرد را مگر آنکه در آید در بهشت رواه مسلم و روایت است از

عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عایشه رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

خُلِقَ كُلُّ إِنْسَانٍ مِنْ بَنِيْ آدَمَ عَلَى سِتِّيْنَ وَثَلٰثِ مِائَةِ مَفْصِلٍ

پیدا کرده شده است هر شخص از اولاد آدم بر سه صد و شصت بند

فَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ وَحَمِدَ اللّٰهَ وَهَلَّلَ اللّٰهَ وَسَبَّحَ اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ

پس کسیکه بگوید الله اکبر و الحمد لله و لا اله الا الله و سبحان الله و طلب آمرزش کند از

اللّٰهَ وَعَزَلَ حَجَرًا عَنْ طَرِيْقِ النَّاسِ أَوْ شَوْكَةً أَوْ عَظْمًا

خدا و دور کند سنگے را از راه مردم یا خاری را یا استخوانی را

اَوْ اَمَرَ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ نَهَى عَنْ مُنْكَرٍ عَدَدَ تِلْكَ السِّتِّيْنَ وَالثَّلٰثِمِائَةِ

یا امر کند بمشروع یا نهی کند از نامشروع موافق عدد سه صد و شصت بند

فَاِنَّهٗ يَمْشِيْ يَوْمَئِذٍ وَقَدْ زَحْزَحَ نَفْسَهٗ عَنِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بدرستیکه آنکس راه میرود یا شام میکند در آن روز حال آنکه دور انداخته است خود را از آتش روم مسلم

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا اَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَاْكُلُ مِنْهُ

نیست هیچ مسلمانی که به نشاند درختے را یا بکارد کشتے را پس بخورد ازان

اِنْسَانٌ اَوْ طَيْرٌ اَوْ بَهِيْمَةٌ اِلَّا كَانَتْ لَهٗ صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

آدمی یا پرنده یا چارپایه مگر آنکه باشد مراورا صدقه متفق علیه

وَفِيْ رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رض وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهٗ صَدَقَةٌ

و در روایتے مر مسلم را از جابر آمده است و آنچه دزدیده شد ازان نیز اورا صدقه است

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ غُفِرَ لِامْرَاَةٍ مُّوْمِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلٰى رَاْسِ رَكِيٍّ

وسلم که آمرزیده شد مرزنے زانیه که گذشت بسگے بر سر چاهیا

يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خُفَّهَا فَاَوْثَقَتْهُ

در حالیکه می برآرد آن سگ زبان خود را از تشنگی نزدیکست که بکشد او را تشنگی پس بکشید آن زن زانیه موزه خود را پس بربست

بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهٗ مِنَ الْمَاءِ فَغُفِرَ لَهَا بِذٰلِكَ قِيْلَ اِنَّ

بسر پوش خود پس بکشید آن زن برای سگ چیزے از آب پس آمرزیده شد مرآن زن را بآن عمل گفته شد بدرستیکه

لَنَا فِي الْبَهَائِمِ اَجْرًا قَالَ فِيْ كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ رَطْبَةٍ اَجْرٌ

مارا در احسان کردن بهیمه ها و سیراب کردن آنها ثواب است فرمود آنحضرت در احسان کردن بر هر حیوان که خداوند جگر تر

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ رَجُلٌ بِغُصْنِ شَجَرَةٍ عَلَى ظَهْرِ

صلی الله علیه وسلم گذشت مردے بشاخ درختی که بر پشت

طَرِيقٍ فَقَالَ لَأُنَحِّيَنَّ هٰذَا عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ لَا يُؤْذِيهِمْ

راه است و فوق او پس گفت هر آئینه یکسو گردانم این شاخ را از راه مسلمانان تا ایذا نکند این شاخ مسلمانان را

فَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

پس در آورده شد آن مرد در بهشت متفق علیه و هم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ رَأَيْتُ رَجُلًا يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ

صلی الله علیه وسلم هر آئینه تحقیق دیدم مردیرا که میگردد و تنعم میکند در بهشت

فِي شَجَرَةٍ قَطَعَهَا مِنْ ظَهْرِ الطَّرِيقِ كَانَتْ تُؤْذِي النَّاسَ

بجهته درختیکه برید آنرا از ظاهر طریق و فوق آن بود آن درخت که آزار میکرد مردمرا

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي بَرْزَةَ رض قَالَ قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ

رواه مسلم و روایت از ابی برزه رض گفت ابو برزه گفتم اے نبی الله

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِّمْنِي شَيْئًا أَنْتَفِعُ بِهٖ قَالَ اعْزِلِ

صلی الله علیه وسلم بیاموزان مرا چیزے از اعمال که سود مند شوم بدان فرمود آنحضرت یکسو کن

الْأَذٰى عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

آنچه آزار کند از راه مسلمانان از خار و سنگ و جز آن رواه مسلم و روایت است از عبد الله

بْنِ سَلَامٍ رض قَالَ لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ

بن سلام رض گفت هنگامیکه قدوم آورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مدینه را از مکه بهجرت

جِئْتُ فَلَمَّا تَبَيَّنْتُ وَجْهَهُ عَرَفْتُ أَنَّ وَجْهَهُ لَيْسَ بِوَجْهِ

آمدم نزد آنحضرت پس هنگامیکه دیدم و تامل کردم روی مبارک آنحضرت را شناختم که روی وی نیست روے

كَذَّابٍ فَكَانَ اَوَّلُ مَا قَالَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اَفْشُوا السَّلَامَ

دروغ گوی پس بود آنحضرت نخستین چیزی که گفت در نصیحت ده ای گروه مردم این کلام امر نمود فاش گردانید سلام گفتن را

وَاَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصِلُوا الْاَرْحَامَ وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ

و بخورانید طعام مسکینان را و پیوند بدر رحمها را یعنی قرابت را و نماز بگذارید در شب در حالیکه مردم

نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

در خواب باشند اینکارها بکنید می در آیند به بهشت بسلامت از عذاب رواه الترمذی و ابن ماجه

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ

و الدارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُعْبُدُوا الرَّحْمٰنَ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عبادت کنید خدای مهربان را

وَاَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَاَفْشُوا السَّلَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ

و بخورانید طعام گرا را و بلند گویید سلام را می در آیید به بهشت بسلامت از عذاب و حجاب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه تصدق کردن هر آئینه میکشد آتش

غَضَبَ الرَّبِّ وَتَدْفَعُ مِيْتَةَ السُّوْءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

خشم الهی را و دور میگرداند مرگ بد را اشارتست بحصول سلامت رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَبَسُّمُكَ فِيْ وَجْهِ اَخِيْهِ صَدَقَةٌ وَاَمْرُكَ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ

تبسم کردن تو یعنی لب شیرین کردن در روی برادر خود صدقه است و امر کردن تو بمعروف صدقه است

وَنَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ

و نهی کردن تو از منکر صدقه است و راه نمودن تو مرد را در زمینے گمراهی که مردم در راه گم شوند

صَدَقَةٌ وَنَصْرُكَ الرَّجُلَ الرَّدِيَّ الْبَصَرِ لَكَ صَدَقَةٌ

صدقه است و یاری دادن تو مرد تباه بینائی را مر ترا صدقه است

وَإِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَالشَّوْكَ وَالْعَظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ وَإِفْرَاغُكَ

و دور کردن تو سنگ را و خار را و استخوان را از راه مر ترا صدقه است و ریختن تو

مِنْ دَلْوِكَ فِي دَلْوِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

از دلو یعنے آب را در دلو برادر خود مر ترا صدقه است رواه ترمذی و در روایت است از

سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سعد بن عباده رض گفت اے رسول خدا صلی الله علیه وسلم

إِنَّ أُمَّ سَعْدٍ مَاتَتْ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ الْمَاءُ

بدرستیکه مادر سعد مرده است پس کدام صدقه بروح وی گفتم بهتر است فرمود آنحضرت که آب

فَحَفَرَ بِئْرًا وَقَالَ هٰذِهِ لِأُمِّ سَعْدٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس کند سعد چاهی را بنام مادر و گفت این چاه برای ام سعد است رواه ابو داود و نسائی

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَى عُرْيٍ كَسَاهُ اللّٰهُ مِنْ

وسلم هر مسلمانے که بپوشاند مسلمانے دیگر را جامه بر برهنگی بپوشاند او را خدا از

خُضْرِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَى جُوعٍ

حلهای سبز بهشت و هر مسلمانے که بخوراند مسلمانے دیگر را بر گرسنگی

أَطْعَمَهُ اللّٰهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَى مُسْلِمًا

بخوراند او را خدا تعالی از میوه های بهشت و هر مسلمانے که بنوشاند مسلمانے را

عَلٰى ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللّٰهُ مِنَ الرَّحِيْقِ الْمَخْتُوْمِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

بر تشنگی بنوشاند اورا خدا تعالی از شراب خالص که مهر کرده شد ظروف آن رواه ابوداود

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّهُمْ ذَبَحُوْا شَاةً

والترمذی وروایت است از عایشه رض بدرستیکه ایشان یعنی اهل بیت ذبح کردند گوسپند

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَقِيَ مِنْهَا فَقَالَتْ

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چه چیز باقی ماند ازان گوسپند پس گفت عایشه

مَا بَقِيَ مِنْهَا اِلَّا كَتِفُهَا قَالَ بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرُ كَتِفِهَا رَوَاهُ

باقی نماند از وے مگر شانهٔ وے یعنی همه بخشش کردند بفقیران فرمود آنحضرت باقی ماند

التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

الترمذی وروایت است از ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا

صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مسلمانے که بپوشاند مسلمانیرا

ثَوْبًا اِلَّا كَانَ فِيْ حِفْظٍ مِنَ اللّٰهِ مَادَامَ عَلَيْهِ مِنْهُ خِرْقَةٌ

جامهٔ مگر آنکه باشد آنجامه پوشاننده در حفظ خدا تا آنوقت که باقی ماند ازان جامه پاره

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

رواه احمد والترمذی وروایت است از ابوذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سه کس اند که دوست میدارد ایشانرا

وَثَلٰثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللّٰهُ فَاَمَّا الَّذِيْنَ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ فَرَجُلٌ اَتٰى

و سه کس اند که دشمن میدارد ایشانرا خدا پس آن کسانیکه دوست میدارد ایشانرا خدا

قَوْمًا فَسَاَلَهُمْ بِاللّٰهِ وَلَمْ يَسْاَلْهُمْ بِقَرَابَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ فَمَنَعُوْهُ

که آید گروهے را پس سوال کرد ایشان را بمحض نام خدا و سوال نکرد ایشان را از جهة خویشی

فتخلف رجل باعیانهم فاعطاه سرًا لا یعلم بعطیته

پس سبقت کرد بر ایشان مردی و پس انداخت ایشانرا پس داد وے را نهانی در حالیکه نمیداند داده شده اورا

الا الله والذی اعطاه وقوم ساروا لیلتهم حتی اذا کان

مگر خدا تعالی و آن کسیکه داده است او را و دوم مردیست از میان قومیکه راه رفتند تمام شب تا آن وقتی که

النوم احب الیهم مما یعدل به فوضعوا رءوسهم

خواب دوست داشته شده تر است بسوی ایشان از هر چه برابر کرده شود بآن پس نهادند آنقوم سرهای ایشانرا

فقام یتملقنی ویتلو آیاتی ورجل کان فی سریة

پس ایستاد بنماز مردی در حالیکه ثنا میکند و میخواند آیات کتاب مرا سوم مردیکه بود در لشکرے

فلقی العدو فهزموا فاقبل بصدره حتی یقتل

پس ملاقات کرد دشمنانرا پس شکست داده شدند اهل آن پس اقبال کرد این مرد بسینه خود تا آنکه کشته شود مر

او یفتح له والثلاثة الذین یبغضهم الله الشیخ الزانی

یا کشایش کرده شود و آن سه کس که دشمن میدارد ایشانرا خدا تعالی یکے پیر زنا کننده

والفقیر المختال والغنی الظلوم رواه الترمذی والنسائی

دوم درویشے که تکبر کننده است سوم توانگر ظلم کننده روایت کرد ترمذی و نسائی را

مثله وعن انس رض قال قال رسول الله صلی الله علیه

مثل آنست و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم لما خلق الله الارض جعلت تمیل فخلق الجبال

وسلم وقتیکه پیدا کرد خدا تعالی زمین را شروع کرد زمین که میل کند و بجنبد پس پیدا کرد خدا کوه ها

فقال بها علیها فاستقرت فعجبت الملٰئکة من شدة

پس زد کوه را بر زمین پس قرار یافت زمین پس شگفت کردند فرشتگان از سختی

الجبال فقالوا یا رب هل من خلقك شیء اشد من الجبال

کوه ها پس گفتند ای پروردگار آیا هست از آفرینش تو چیزے سخت تر از کوه ها

قَالَ نَعَمْ اَلْحَدِيْدُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ

فرمود حق تعالیٰ آرے آہن سخت تر است از کوہ پس گفتند فرشتگان اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزی سخت تر

مِنَ الْحَدِيْدِ قَالَ نَعَمْ اَلنَّارُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ

از آہن گفت پروردگار آرے آتش است پس گفتند اے رب آیا ہست از

خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ اَلْمَاءُ فَقَالُوْا

پیدایش تو چیزے سخت تر از آتش گفت حق تعالیٰ آرے آب است پس گفتند

يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ قَالَ نَعَمْ

اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از آب گفت حق تعالیٰ آرے

اَلرِّيْحُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الرِّيْحِ

باد است پس گفتند اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از باد

قَالَ نَعَمْ اِبْنُ اٰدَمَ تَصَدَّقَ صَدَقَةً مِنْ يَمِيْنِهِ يُخْفِيْهَا

گفت حق تعالیٰ آرے سخت تر ازان صدقہ دادن فرزند آدم است کہ تصدق میکند بدست راست خود و پوشیدہ

مِنْ شِمَالِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

از دست چپ خود رواہ الترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ بندۂ مسلمان

يُنْفِقُ مِنْ كُلِّ مَالٍ لَهٗ زَوْجَيْنِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِلَّا

کہ خرج کند از ہر مالے کہ مر او راست دو چیز چنانکہ دو اسپ دو شتر در راہ خدا تعالیٰ مگر آنکہ

اِسْتَقْبَلَتْهُ حَجَبَةُ الْجَنَّةِ كُلُّهُمْ يَدْعُوْهُ اِلٰى مَا

پیش می آیند او را پردہ داران بہشت ہر یک از ایشان میخوانند او را بسوے چیزے کہ

عِنْدَهٗ قُلْتُ وَكَيْفَ ذٰلِكَ قَالَ اِنْ كَانَتْ اِبِلًا فَبَعِيْرَيْنِ

نزد اوست از نعمت گفتم و چگونہ است انفاق دو چیز از ہر مال فرمود آنحضرت اگر باشد اموال شتر پس دو شتر را انفاق کند

وَاِنْ كَانَتْ بَقَرَةً فَبَقَرَتَيْنِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ

واگر باشد مال گاوان پس انفاق کند دو گاو را روده النسائی درروایت است از

مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ قَالَ حَدَّثَنِيْ بَعْضُ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللهِ

مرثد بن عبداللہ گفت مرثد حدیث کردند مرا بعضے از اصحاب آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ سَمِعَ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

صلی اللہ علیہ وسلم کہ وے شنید آنحضرت را صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ ظِلَّ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ صَدَقَتُهُ رَوَاهُ

وسلم کہ میگفت کہ جامی پناہ مومن وسبب آسایش وے در روز قیامت صدقہ اوست روا

اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد درروایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَنْ وَسَّعَ عَلٰى عِيَالِهٖ فِي النَّفَقَةِ يَوْمَ عَاشُوْرَاءَ وَسَّعَ

کسیکہ فراخی کند بر اہل وعیال خود در خرچ روز عاشورا فراخ گرداند

اللهُ عَلَيْهِ سَائِرَ سَنَتِهٖ قَالَ سُفْيَانُ اِنَّا قَدْ جَرَّبْنَاهُ

خدائیتعالی بر وے در باقی سال وے گفتہ است سفیان ثوری بدرستی ما آزمودیم این را

فَوَجَدْنَاهُ كَذٰلِكَ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِيْ

پس یافتیم این را ہمچنین روداہ رزین درروایت کرد بیہقی اینحدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنْهُ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ وَاَبِيْ سَعِيْدٍ وَجَابِرٍ

شعب ایمان ازوے واز ابی ہریرہ رض واز ابی سعید واز جابر وحکم کرد بیہقی

وَضَعَّفَهُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ

بضعف اینحدیث درروایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلٰى اَهْلِهٖ

صلی اللہ علیہ وسلم کہ چون انفاق کند مسلمان نفقہ را بر اہل خود

وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهٗ صَدَقَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و حال آنکه وے نیت ثواب دارد میباشد آن انفاق مر او را صدقه اگرچه بقدر اندک است متفق علیه

بَابُ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ

باب در بیان افضلیت صدقه

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلٰى حُبِّهٖ مِسْكِينًا وَّيَتِيمًا وَّأَسِيرًا

و میدهند طعام را با وجود احتیاج بآن فقیر را و یتیم را و زندانی را میگویند

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَّلَا شُكُورًا

جزاین نیست که طعام میدهیم شما را برای ذات خدائی طلبیم از شما مزدے و نه شکرے

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ

صفت آنانکه خرچ میکنند اموال خود را در راه خدا مانند

حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ

صفت یک دانه است که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است

وَاللّٰهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَّشَاءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ لَنْ تَنَالُوا

و خدا دو چند میدهد هر کرا خواهد و خدا جواد داناست هرگز نیابید

الْبِرَّ حَتّٰى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ

نیکی را تا آنکه خرچ کنید از آنچه دوست میدارید و هر چیز که خرچ کنید

فَإِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيمٌ ۝ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض وَحَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ رض

پس هر آینه خدا بوے داناست و روایت است از ابی هریره رض و حکیم ابن حزام رض

قَالَا قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ الصَّدَقَةِ

گفتند هر دو که فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم بهترین صدقه

مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَّابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزیست که باشد از قوت غنی یعنی عیال را محتاج نگذارد و آغاز کن بانفاق کسیکه غمخواری میکنی از عیال روم

۳۲۷

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ حَكِيمٍ وَحْدَهُ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

ورروایت کرد مسلم از حکیم بن حزام تنها ودروایت است از ابی هریرة رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دِيْنَارٌ اَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيْلِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یک دینار یست که انفاق کردهٔ در راه

اللهِ وَدِيْنَارٌ اَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ وَدِيْنَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلٰى

خدا یعنی جهاد ودیگر دینار یست که انفاق کردهٔ تو آنرا در آزاد کردن بنده ودینار دیگر است که تصدق کردهٔ بدان بر

مِسْكِيْنٍ وَدِيْنَارٌ اَنْفَقْتَهُ عَلٰى اَهْلِكَ اَعْظَمُهَا اَجْرًا الَّذِيْ

مسکین ودینار دیگر است که انفاق کردهٔ تو بر اهل وعیال خود بزرگترین آن دینارها از روی اجر آن دینار است

اَنْفَقْتَهُ عَلٰى اَهْلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ ثَوْبَانَ رض

که انفاق کردهٔ بر اهل وعیال خود رواه مسلم ودروایت است از ثوبان رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَفْضَلُ دِيْنَارٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین دینارے

يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ عَلٰى عِيَالِهِ وَدِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ

که انفاق کند آنرا مرد دیناریست که انفاق کند آنرا بر عیال خود ودیناریست که انفاق کند آنرا

عَلٰى دَابَّتِهِ فِي سَبِيْلِ اللهِ وَدِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ عَلٰى اَصْحَابِهِ

بر چارپائ خود که در راه خداست ودیناریست که انفاق کند آنرا بر یاران خود

فِي سَبِيْلِ اللهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

در راه خدا این سه محل افضل مصارف صدقه است رواه مسلم ودروایت است از عائشه رض گفت

يَا رَسُوْلَ اللهِ اِنَّ لِي جَارَيْنِ فَاِلٰى اَيِّهِمَا اُهْدِيْ قَالَ

اے پیغامبر خدا بدرستی مرا دو همسایه است بسوئے کدام یکے از این دو هدیه بفرستم فرمود آنحضرت

اِلٰى اَقْرَبِهِمَا مِنْكِ بَابًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض

بفرست بسوئے کسیکه نزدیکتر است در وی از در تو رواه بخاری ودروایت است از ابی هریره رض

قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الصَّدَقَةِ

گفت اے پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کدام صدقہ

اَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ

فاضلتر است گفت آنحضرت آنکہ مرد قلیل المال باشد و مشقت کند و بدہد و ابتدا کن بکسیکہ عیال تست آنہا مکفی رواہ ابو داود

وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

وروایت است از سلیمان ابن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِيْنِ صَدَقَةٌ وَهِيَ

اللہ علیہ وسلم تصدق کردن بر مسکین ثواب یکصدقہ دارد وصدقہ

عَلٰى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَّصِلَةٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

بر کسیکہ قرابت ولادت ورحم دارد ثواب صدقہ دارد یکی صدقہ دوم صلہ رحم رواہ احمد والترمذی

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

والنسائی وابن ماجہ والدارمی وروایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلَا اُخْبِرُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم آیا خبر نکنم شما را

بِخَيْرِ النَّاسِ رَجُلٌ مُمْسِكٌ بِعِنَانِ فَرَسِهٖ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ

بہترین مردمان مردیست کہ نگاہ دارندہ است عنان اسپ را در راہ خدا یعنی جہاد با کافران

اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِالَّذِي يَتْلُوْهُ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي غُنَيْمَةٍ لَهٗ

آیا خبر نکنم شما را ببرد کہ تابع و تالی اوست مردیست کہ گوشہ گیرندہ است در گوسپند چند کہ مرا اوراست

يُؤَدِّي حَقَّ اللّٰهِ فِيْهَا اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ رَجُلٌ

کہ ادا میکند حق خدا را در آن گوسپندان آیا خبر نکنم شما را ببدترین مردم مردیست کہ

يُسْاَلُ بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِيْ بِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

سوال کردہ میشود بنام خدا و نمی دہد بدان رواہ الترمذی والنسائی

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
والدارمی وروایت است از ام بجید گفت فرمود پیغامبر خدا صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِظِلْفٍ مُحْرَقٍ رَوَاهُ
اللہ علیہ وسلم باز گردانید سائل را اگرچہ باشد سم سوختہ را رواہ
مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ مَعْنَاهُ
مالک و النسائی وروایت کرد ترمذی وابوداود معنے این حدیث را
وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعَاذَ بِاللّٰهِ فَاَعِيْذُوْهُ وَمَنْ سَئَلَ بِاللّٰهِ
وسلم کسیکہ پناہ طلبد بنام خدا پس پناہ دہید اورا و کسیکہ سوال کند بنام خدا
فَاَعْطُوْهُ وَمَنْ دَعَاكُمْ فَاَجِيْبُوْهُ وَمَنْ صَنَعَ اِلَيْكُمْ
پس بدہید اورا و کسیکہ دعوت کند شمارا پس اجابت کنید اورا و کسیکہ بکند بسوے شما
مَعْرُوْفًا فَكَافِئُوْهُ فَاِنْ لَمْ تَجِدُوْا مَا تُكَافِئُوْهُ فَادْعُوْا
نکوئی پس پاداش کنید اورا پس اگر نیابید چیزے کہ پاداش کنید اورا پس دعا کنید
لَهٗ حَتّٰى تَرَوْا اَنْ قَدْ كَافَاْتُمُوْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوُدَ
مر اورا تا آنکہ بدانید وگمان برید کہ مکافات کردید اورا رواہ احمد و ابو داؤد
وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
والنسائے وروایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَفْضَلُ الصَّدَقَةِ اَنْ تُشْبِعَ كَبِدًا
اللہ علیہ وسلم فاضل ترین صدقہ آنست کہ سیر گردانی جگر
جَائِعًا رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ عَائِشَةَ
گرسنہ را مومن باشد یا کافر رواہ بیہقی در شعب ایمان وروایت است از عائشہ رض

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا انفقت
گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم چون انفاق کند و تصدق نماید
المرأة من طعام بيتها غير مفسدة كان لها اجرها بما
زنے از طعام ماخود در حالیکه اسراف نماینده است باشد مر آنزن را ثواب آن بسبب
انفقت ولزوجها اجره بما كسب وللخازن مثل ذلك
انفاق کردن و باشد مر شوہر او را ثواب آن بسبب کسب کردن و باشد مر خزینه دار را مانند آن ثواب مرزن
لا ينقص بعضهم اجر بعض شيئا متفق عليه وعن
کم نمی گرداند بعضے ازین سه تن ثواب بعض را چیزے متفق علیه است و در روایت است از
ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم
اذا انفقت المرأة من كسب زوجها من غير امره
چون انفاق کند زن از مال شوہر خود بے حکم وے با علم زن بر رضاے زوج
فلها نصف اجره متفق عليه وعن ابي موسى
پس باشد مر آن زن را نصف ثواب آن متفق علیه و در روایت است از ابی موسے
الاشعري رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم
الخازن المسلم الامين الذي يعطي ما امر به كاملا
گنجینه دار مسلمان امانت دار کسیکه میدهد آنچه که امر کرده شده است بدان بکمال و تمام
موفرا طيبة به نفسه فيدفعه الى الذي امر له به
در حالیکه خوش است بدادن نفس وے پس میرساند آنرا بسوے کسیکه امر کرده شده است مر او را بدان
احد المتصدقين متفق عليه وعن عائشة رض قالت
یکے از دو تصدق کنندگان است متفق علیه و در روایت است از عائشه رض گفت عائشه

اَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اُمِّيْ اُفْتُلِتَتْ

مردے گفت آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ مادر من مردہ است بمرگ ناگہانی

نَفْسُهَا وَاَظُنُّهَا لَوْ تَكَلَّمَتْ تَصَدَّقَتْ فَهَلْ لَهَا اَجْرٌ اِنْ

و گمان میبرم او راکہ اگر سخن میکرد وہشیار میبود تصدق میکرد بچیزے پس آیا ہست مراورا ثواب

تَصَدَّقْتُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ

تصدقے کہ میکنم از جانب وے فرمود آنحضرت آرے میرسد ثواب متفق علیہ وروایت است از ابی امامہ رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ فِيْ خُطْبَتِهٖ

گفت شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت در خطبۂ خود

عَامَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ لَا تُنْفِقُ امْرَاَةٌ شَيْئًا مِّنْ بَيْتِ زَوْجِهَا

در سال حجۃ الوداع انفاق نکند ہیچ زنے ہیچ چیزرا از خانہ شوہر خود

اِلَّا بِاِذْنِ زَوْجِهَا قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مگر بحکم شوہر خود گفتہ شد یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

وَلَا الطَّعَامَ قَالَ ذٰلِكَ اَفْضَلُ اَمْوَالِنَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و طعام را نیز انفاق نکند فرمود آن بہترین مالہای ما است رواہ الترمذی

كِتَابُ صِيَامِ رَمَضَانَ وَقِيَامِ لَيَالِيْهِ

کتاب روزہ رمضان و قیام شبہای آن

يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

اے کسانیکہ ایمان آوردند لازم کردہ شد بر شما روزہ داشتن چنانکہ لازم کردہ شد

الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ اَيَّامًا مَّعْدُوْدَاتٍ

کسانیکہ پیش از شما بودند تا باشد کہ پرہیزگاری کنید روزہ داشتن در روزے چند شمردہ شدہ

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ

پس کسیکہ باشد از شما بیمار یا مسافر پس لازم است بروے شمار آن روز از روزہاے

أُخَرَ ۚ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ

دیگر و لازم است بر آنانکه می توانند روزه داشتن فدیه از خوراک یک درویش

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ ۚ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ

پس هرکه بجا آرد نیکی را این بهتر است او را و آنکه روزه دارید بهتر است شما را

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ

اگر میدانید ماه رمضان آنست که نازل شد درو

الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ

قرآن هدایت برای مردمان و نشانهای روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ

پس هرکه دریابد از شما آن ماه را پس باید که روزه دارد آنرا و هرکه بیمار باشد یا

عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ

مسافر پس لازم است شمار آنچه فوت شد از روزها دیگر میخواهد خدا بشما آسانی

وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ۖ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا

و نمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار و به بزرگی یاد کنید

اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝

خدا را بشکرانه آنکه راه نمود شما را و تا باشد که شاکر شوید

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَفِي رِوَايَةٍ

وسلم چون می درآید رمضان گشاده می شود درهای آسمان و در روایتے

فُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتْ

گشاده می شود درهای بهشت و بسته می شود درهای دوزخ و زنجیرها کرده می شود

الشَّيَاطِيْنُ وَفِي رِوَايَةٍ اَبْوَابُ الرَّحْمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

شیاطین و در روایت دیگر گشاده می شود درهاے رحمت متفق علیه

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از سهل بن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ اَبْوَابٍ مِنْهَا بَابٌ يُسَمَّى

علیه وسلم که در بهشت هشت در است از جمله درها دریست که نامیده می شود آنرا

الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ اِلَّا الصَّائِمُوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

ریان در نمی آید آنرا مگر روزه داران متفق علیه است و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ

اینکه روزه دارد رمضان را از جهت ایمان بخدا و چشم داشت اجر امرزیده شود مراو را آنچه پیش گذشته است

مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ رَمَضَانَ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ

از گناه وے و کسیکه قیام کند رمضان را یعنی نماز گذارد در شبهاے او از جهت ایمان و حسبة لله آمرزیده می شود مراو را

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا

آنچه پیش رفته است از گناه وے و کسیکه قیام کند در شب قدر بجهة ایمان و احتساب

غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

آمرزیده شود او را گناه گذشته متفق علیه و هم از وے مرویست گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ عَمَلِ ابْنِ اٰدَمَ

فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم همه عمل نیک آدمی زاد

يُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ اَمْثَالِهَا اِلٰى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ

زیاده کرده می شود یک نیکی بده چندے تا هفت صد مانند

قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی اِلَّا الصَّوْمَ فَاِنَّهٗ لِیْ وَاَنَا اَجْزِیْ بِهٖ یَدَعُ

گفت خدای تعالی مگر روزه زیرا که آن برای من است و من جزا میدهم با آن هر چه میخواهم ترک میدهد

شَهْوَتَهٗ وَطَعَامَهٗ مِنْ اَجْلِیْ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ

خواهش نفس و طعام خود را از برای من مر روزه دار را دو فرحت است یک فرحت

عِنْدَ فِطْرِهٖ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهٖ وَلَخُلُوْفُ فَمِ الصَّائِمِ

نزد کشادن روزه و فرحت دیگر نزد لقای پروردگار خود در آخرت و هر آیینه بوی دهن روزه دار

اَطْیَبُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ رِیْحِ الْمِسْكِ وَالصِّیَامُ جُنَّةٌ فَاِذَا كَانَ

خوشتر است نزد خدا از بوی مشک و روزه سپر است پس چون باشد

یَوْمُ صَوْمِ اَحَدِكُمْ فَلَا یَرْفُثْ وَلَا یَصْخَبْ فَاِنْ سَابَّهٗ اَحَدٌ

روز روزه یکی از شما پس باید که تکلم نکند بکلام قبیح و فحش و خصومت نکند پس اگر دشنام دهد روزه دار را کسے

اَوْ قَاتَلَهٗ فَلْیَقُلْ اِنِّیْ امْرُءٌ صَائِمٌ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ

یا خصومت کند او را پس باید که بگوید بدرستیکه من مرد روزه دارم متفق علیه و روایت است از

اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِذَا كَانَ اَوَّلُ لَیْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّیَاطِیْنُ

چون بباشد نخستین شب از ماه رمضان بند کرده می شوند شیاطین

وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَغُلِّقَتْ اَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ یُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ

و سرکشان از جن و بسته می شود درهای دوزخ پس کشاده نمی شود از ان درها هیچ درے

وَفُتِّحَتْ اَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ یُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَیُنَادِیْ

و کشاده می شوند درهای بهشت پس بند کرده نمی شود از ان درها هیچ درے و ندا میکند

مُنَادٍ یَا بَاغِیَ الْخَیْرِ اَقْبِلْ وَیَا بَاغِیَ الشَّرِّ اَقْصِرْ وَلِلّٰهِ عُتَقَاءُ

آواز دهنده اے طلب کننده نیکی پیش آ و اے طالب بدی باز دار نفس خود را از گناهان مر خدای راست آزاد کردگان

مِنَ النَّارِ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از دوزخ وآن آزادگی در ہمہ شب است رواہ ترمذی وابن ماجہ

وَاَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ

واحمد از شخصے در روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا

اَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ

آمد شما را رمضان ماہے است برکت دادہ شدہ فرض گردانیدہ است خدا بر شما روزہ آنرا

تُفْتَحُ فِيْهِ اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُغْلَقُ فِيْهِ اَبْوَابُ الْجَحِيْمِ وَتُغَلُّ

کشادہ می شود در وے درہاے آسمان وبستہ می شود در وے درہاے دوزخ وغل کردہ میشوند

فِيْهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِيْنِ لِلّٰهِ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ

در وے گروہ شیاطین مرخدا است را در رمضان شبے بہتر است از ہزار ماہ

مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ

کسیکہ حرام گردانیدہ شد نیکی وثواب آنرا پس بہ تحقیق حرام گردانیدہ شد از خیر کثیر رواہ احمد والنسائی

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

در روایت است از عبداللہ بن عمر رض بدرستیکہ پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ الصِّيَامُ وَالْقُرْاٰنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَقُوْلُ الصِّيَامُ

وسلم گفت کہ روزہ وقرآن شفاعت میکنند مر بندہ را میگوید روزہ

اَيْ رَبِّ اِنِّيْ مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفِّعْنِيْ

اے پروردگار من بدرستیکہ من باز داشتم او را از خورش وشہوات دیگر بروز پس قبول کن شفاعت مرا

فِيْهِ وَيَقُوْلُ الْقُرْاٰنُ مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفِّعْنِيْ فِيْهِ

در وے ومیگوید قرآن منع کردم او را از خواب بشب پس قبول کن شفاعت مرا در وے

فَيُشَفَّعَانِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسِ بْنِ

پس قبول کردہ شود ہر دو روایت کرد این حدیث را بیہقی در شعب الایمان در روایت است از انس بن

وَبِيَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عُصَيَّةٌ فَأَضَاءَتْ عَصَا أَحَدِهِمَا لَهُمَا

و بدست هر یکے ازان عصائی بود پس روشن شد عصای یکے ازان دو برای هر دو

حَتّٰى مَشَيَا فِي ضَوْئِهِمَا حَتّٰى إِذَا افْتَرَقَتْ بِهِمَا الطَّرِيقُ

تا آنکه رفتند هر دو در روشنی آن عصا تا آنکه چون جدا شد بهر دو کس راه

أَضَاءَتْ لِلْآخَرِ عَصَاهُ فَمَشٰى كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي ضَوْءِ عَصَاهُ

روشن شد برای دیگر نیز عصای او پس رفت هر یکے ازان دو صحابی رض در روشنی عصای خود

حَتّٰى بَلَغَ أَهْلَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ لَمَّا

تا آنکه رسید هر یک اهل خانهٔ خود را رواه البخاری و در روایت ست از عایشه رض گفت عایشه

مَاتَ النَّجَاشِيُّ كُنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّهُ لَا يَزَالُ يُرٰى عَلٰى قَبْرِهِ نُورٌ

هنگامیکه مرد نجاشے بادشاه حبشه بودیم ما که بهمدیگر حدیث میکردیم و میگفتیم که بر مرقد همیشه بود و دیده میشد

رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْهَا قَالَتْ لَمَّا أَرَادُوْا غُسْلَ النَّبِيِّ

رواه ابو داؤد وهم از عایشه رض روایت ست که چون اراده کردند صحابه بعد از آن حضرت غسل

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوْا لَا نَدْرِيْ أَنُجَرِّدُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

آن حضرت را صلے الله علیه وسلم گفتند نمیدانیم که آیا برهنه کنیم پیغمبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ ثِيَابِهِ كَمَا نُجَرِّدُ مَوْتَانَا أَمْ نَغْسِلُهُ

صلے الله علیه وسلم از جامه های آنحضرت چنانکه برهنه میکنیم مردگان خود را یا غسل دهیم

وَعَلَيْهِ ثِيَابُهُ فَلَمَّا اخْتَلَفُوْا أَلْقَى اللّٰهُ عَلَيْهِمُ النَّوْمَ حَتّٰى

او را و حال آنکه باشد بر بدن شریف وی جامهای وی پس چون اختلاف کردند صحابه انداخت و برگماشت خدا بر ایشان

مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَذَقْنُهُ فِي صَدْرِهِ ثُمَّ كَلَّمَهُمْ مُكَلِّمٌ

نبود از ایشان هیچ مردے مگر آنکه زنخدان وی بر سینهٔ وی بود پس سخن کرد ایشان را سخن کننده

مِنْ نَاحِيَةِ الْبَيْتِ لَا يَدْرُوْنَ مَنْ هُوَ اغْسِلُوا النَّبِيَّ

از گوشهٔ خانه در حال آنکه در نمی یابند ایشان که کیست سخن کننده غسل دهید پیغمبر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ ثِيَابُهُ فَقَامُوْا فَغَسَلُوْهُ وَعَلَيْهِ

صلی الله علیه وسلم و حال آنکه بر وست جامها پس بر خاستند صحابه و غسل دادند آنحضرت را

قَمِيْصُهُ يَصُبُّوْنَ الْمَاءَ فَوْقَ الْقَمِيْصِ وَيُدَلِّكُوْنَهُ بِالْقَمِيْصِ

و حال آنکه بر وست پیراهن وی میریختند آب را بالای پیراهن و می مالیدند آنحضرت را به پیراهن

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ وَعَنِ ابْنِ الْمُنْكَدِرِ

روایت کرد البیهقی سئے دلائل النبوة و روایت است از محمد بن المنکدر

اَنَّ سَفِيْنَةَ مَوْلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَخْطَاَ

که سفینه مولای آن حضرت صلی الله علیه وسلم گم کرد راه

الْجَيْشَ بِاَرْضِ الرُّوْمِ اَوْ اُسِرَ فَانْطَلَقَ هَارِبًا يَلْتَمِسُ الْجَيْشَ

لشکر را که راست در زمین روم یا بند کرده شد پس روان گریخته از دست کافران در حالیکه

فَاِذَا هُوَ بِالْاَسَدِ فَقَالَ يَا اَبَا الْحَارِثِ اَنَا مَوْلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ

پس ناگاه وی یعنی سفینه با شیری ست که پیش آمد او را پس گفت سفینه که ابو الحارث من مولی آنحضرتم

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ مِنْ اَمْرِيْ كَيْتَ وَكَيْتَ فَاَقْبَلَ

صلی الله علیه وسلم بود کار من و حال من چنین و چنین چیزی از قصه خود بیان کرد

الْاَسَدُ لَهُ بَصْبَصَةٌ حَتّٰى قَامَ اِلٰى جَنْبِهِ كُلَّمَا سَمِعَ صَوْتًا اَهْوٰى

شیر در حالیکه مر او را چاپلوسی ست تا آنکه استاد شیر در پهلوی سفینه هر گاه می شنید آوازی را که اهوا شد

اِلَيْهِ ثُمَّ اَقْبَلَ يَمْشِيْ اِلٰى جَنْبِهِ حَتّٰى بَلَغَ الْجَيْشَ ثُمَّ رَجَعَ الْاَسَدُ

قصد میکرد بسوی آن آواز پستر روی آورد شیر در حالیکه میرود در پهلوی سفینه تا آنکه رسید سفینه لشکر را پستر بازگشت شیر

رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ اَبِي الْجَوْزَاءِ قَالَ قُحِطَ اَهْلُ

روایت کرد سئے شرح السنة و روایت است از ابو الجوزا تابعی گفت قحط کرده شدند اهل

الْمَدِيْنَةِ قَحْطًا شَدِيْدًا فَشَكَوْا اِلٰى عَائِشَةَ رض فَقَالَتْ اُنْظُرُوْا

مدینه قحط سخت پس شکایت کردند بسوی عائشه پس گفت عائشه نگاه کنید

قبر النبي صلى الله عليه وسلم فاجعلوا منه كوى إلى السماء

قبر مبارک آن حضرت را صلے اللہ علیہ و سلم پس بگردانید از قبر شریف منافذ بسوی آسمان

حتى لا يكون بينه وبين السماء سقف ففعلوا فمطروا مطرا

تا آنکہ نباشد میان قبر وی و میان آسمان سقف یعنے بردارید حجابے پس کردند ایشان پس باران

حتى نبت العشب وسمنت الإبل حتى تفتقت من الشحم فسمي

تا آنکہ روئید گیاہے و فربہ شدند شتران تا آنکہ بشگافتند شتران از پیہ پس نامیدہ شد

عام الفتق رواه الدارمي وعن سعيد بن عبد العزيز قال

این سال سال فتق یعنے سال ارزانی رواہ الدارمی و از سعید بن عبد العزیز روایت است گفت

لما كان أيام الحرة لم يؤذن في مسجد رسول الله صلى الله

وقتی بود در روزہای حرہ مراد مدینہ است گفتہ نشد اذان در مسجد آنحضرت صلے اللہ

عليه وسلم ثلاثا ولم يقم ولم يبرح سعيد بن المسيب المسجد

علیہ و سلم سہ روز و گفتہ نشد اقامت نیز و بیرون نرفت سعید بن المسیب از مسجد

وكان لا يعرف وقت الصلاة إلا بهمهمة يسمعها من قبر النبي

و بود سعید کہ نمی شناخت در آمدن وقت نماز مگر با وازے خفے کہ می شنید آنرا از درون حجرہ کہ قبر شریف

صلى الله عليه وسلم رواه الدارمي وعن ابن عمر أن عمر

صلے اللہ علیہ و سلم رواہ الدارمی و روایت است از ابن عمر رض کہ عمر فرستاد

بعث جيشا وأمر عليهم رجلا يدعى سارية فبينما عمر

بجانبے لشکری را و امیر گردانید بر این لشکر مردی را کہ نام بردہ میشد و را ساریہ پس در اثنائی آنکہ عمر رض

يخطب فجعل يصيح يا ساري الجبل فقدم رسول من الجيش

خطبہ میخواند پس گشت کہ آواز میکند و میگوید ساریہ بگیر کوہ را و پناہ آر بوی پس قدوم آورد قاصدے از لشکر

فقال يا أمير المؤمنين لقينا عدونا فهزمونا فإذا بصائح يصيح

پس گفت ای امیر المؤمنین ملاقات کردند مارا دشمنان پس شکست دادند مارا پس ناگاہ آواز میکند گویندہ

يَا سَارِيَ الْجَبَلَ فَاسْنَدْنَا ظُهُوْرَنَا اِلَى الْجَبَلِ فَهَزَمَهُمُ اللهُ تَعَالٰى

اے ساریہ جبل بگیر جبل پس تکیہ دادیم پشتہائے خود را بسوئے کوہ پس شکست داد ایشانرا خدا تعالیٰ

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ وَعَنْ نُبَيْهَةَ بْنِ وَهْبٍ اَنَّ

روایت کرد آنرا بیہقی در دلائل نبوت واز نبیہہ بن وہب روایت است کہ

كَعْبًا دَخَلَ عَلٰى عَائِشَةَ فَذَكَرُوْا رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کعب حبار در آمد بر عائشہ پس ذکر کرد عائشہ وہر کہ حاضر مجلس بودند رسول خدا صلے اللہ علیہ وسلم را

فَقَالَ كَعْبٌ مَا مِنْ يَوْمٍ يَطْلُعُ اِلَّا نَزَلَ سَبْعُوْنَ اَلْفًا مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ

پس گفت کعب نیست ہیچ روزیکہ طلوع میکند مگر آنکہ فرود می آیند ہفتاد ہزار از فرشتگان

حَتّٰى يَحُفُّوْا بِقَبْرِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَضْرِبُوْنَ

تا آنکہ گرداگرد میگیرند قبر آن حضرت را صلے اللہ علیہ وسلم مے زنند

بِاَجْنِحَتِهِمْ وَيُصَلُّوْنَ عَلٰى رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتّٰى

بازوہا را و درود میفرستند بر آن حضرت صلے اللہ علیہ وسلم تا آنکہ

اِذَا اَمْسَوْا عَرَجُوْا وَهَبَطَ مِثْلُهُمْ فَصَنَعُوْا مِثْلَ ذٰلِكَ حَتّٰى اِذَا انْشَقَّتْ

چون شام میکنند بالا میروند و فرود مے آیند مانند ایشان پس میکنند ایشان نیز مانند آنچہ میکردند تا شگافتہ شود

عَنْهُ الْاَرْضُ خَرَجَ فِيْ سَبْعِيْنَ اَلْفًا مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ يَزِفُّوْنَهٗ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

از آنحضرت زمین بر آید در ہفتاد ہزار فرشتہ در حالیکہ میبرند آنحضرت را فرشتگان بدرگاہ عزت روایت کرد آنرا دارمی

اَلْبَابُ مُشْتَمِلٌ عَلٰى ذِكْرِ وَفَاتِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

این باب مشتمل است بر ذکر وفات آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اِنَّكَ مَيِّتٌ وَّاِنَّهُمْ مَّيِّتُوْنَ وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ

یا محمد ہر آئینہ تو میمیرانی مردہ و ہر آئینہ ایشان خواہند مرد و نیست محمد مگر پیغمبر ہر آئینہ گذشتہ اند

قَبْلِهِ الرُّسُلُ عَنْ اَبِيْ سَعِيْدِ الْخُدْرِيِّ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ

پیش از وی پیغمبران روایت است از ابو سعید خدری رض کہ آن حضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَلَسَ عَلَى الْمِنْبَرِ فَقَالَ اِنَّ عَبْدًا خَيَّرَهُ اللّٰهُ بَيْنَ اَنْ

علیہ و سلم نشست بر منبر پس فرمود کہ بندہ بود مخیر گردانید اورا خدائے تعالیٰ میان اینکہ

يُؤْتِيَهُ مِنْ زَهْرَةِ الدُّنْيَا مَا شَاءَ وَبَيْنَ مَا عِنْدَهٗ فَاخْتَارَ مَا

بدہد اورا از ناز و نعمت دنیا ہر چہ خواہد آن بندہ و میان چیزیکہ نزد خداست از ثواب آخرت پس

عِنْدَهٗ فَبَكٰى اَبُوْ بَكْرٍ قَالَ فَدَيْنَاكَ بِاٰبَائِنَا وَاُمَّهَاتِنَا فَعَجِبْنَا

آن بندہ آخرت را پس گریہ کرد ابوبکر گفت ابوبکر بخطاب آنحضرت فدا بتو باد پدران و مادران ما پس تعجب گفت

لَهٗ فَقَالَ النَّاسُ اُنْظُرُوْا اِلٰى هٰذَا الشَّيْخِ يُخْبِرُ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مر ابوبکر را پس گفتند مردم نگاہ کنید بجانب این پیر کہ خبر میدہد آن حضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ عَبْدٍ خَيَّرَهُ اللّٰهُ بَيْنَ اَنْ يُّؤْتِيَهٗ مِنْ

صلے اللہ علیہ و سلم از حال بندہ کہ مخیر گردانید خدائے تعالیٰ او را میان آنکہ بدہد او را

زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَبَيْنَ مَا عِنْدَهٗ وَيَقُوْلُ فَدَيْنَاكَ بِاٰبَائِنَا وَاُمَّهَاتِنَا

زہرہ دنیا و میان آنچہ نزد اوست و آن پیر میگوید فدیناک بآبائنا و امہاتنا

فَكَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هُوَ الْمُخَيَّرُ وَكَانَ اَبُوْ بَكْرٍ

پس بود آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم آن بندۂ مخیر و بود ابو بکر

اَعْلَمَنَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ صَلّٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ

دانا ترین و فہم کنندہ ترین ما این کلام را متفق علیہ و از عقبہ بن عامر مرویست گفت عقبہ نماز جنازہ گذارد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلٰى قَتْلٰى اُحُدٍ بَعْدَ ثَمَانِ سِنِيْنَ كَالْمُوَدِّعِ

صلے اللہ علیہ و سلم بر کشتگان غزوۂ احد بعد از ہشت سال از دفن مانند وداع کنندہ

لِلْاَحْيَاءِ وَالْاَمْوَاتِ ثُمَّ طَلَعَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ اِنِّيْ بَيْنَ اَيْدِيْكُمْ

مر زندگان را و مر مردگان را پس بر آمد آنحضرت منبر را پس گفت بدرستی من در پیش شما

فَرَطٌ وَاَنَا عَلَيْكُمْ شَهِيْدٌ وَاِنَّ مَوْعِدَكُمُ الْحَوْضُ وَاِنِّيْ

فرطم کہ برای شما کارسازی میکنم و من بر شما گواہم گواہی میدہم بطاعت شما و بدرستی وعدہ گاہ دیدار شما حوض

لأنظر إليه وأنا في مقامي هذا وإني قد أعطيت مفاتيح

ہر آینہ می بینم بحوض و حال آنکہ من در جای خودم و بدرستی من بتحقیق داده شده ام کلید ہائے

خزائن الأرض وإني لست أخشى عليكم أن تشركوا بعدي

خزاین زمین و بدرستیکہ من نمی ترسم بر شما مشرک شدن و کافر گشتن شما را بعد از من

ولكني أخشى عليكم الدنيا أن تنافسوا فيها وتزاد بعضهم

ولیکن می ترسم بر شما دنیا را کہ رغبت کنید در دنیا و میل کنید در وے و زیادت کرده اند بعضے

فتقتلوا فتهلكوا كما هلك من كان قبلكم متفق عليه وعن

را دیگران پس قتل کنید و کشتن کنید میان خود پس ہلاک شوید چنانکہ ہلاک شدند کسانیکہ بودند پیش از شما متفق

أنس قال لما ثقل النبي صلى الله عليه وسلم جعل يتغشاه الكرب

علیہ از انس روایت است گفت انس ہنگامیکہ گران شد و سخت گشت مرض آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم گشت کہ می پوشید و بیہوش

فقالت فاطمة واكرب اباه فقال لها ليس على أبيك كرب

و محنت مرض پس گفت فاطمہ ای اندوه و سختی پدر پس گفت آنحضرت مر فاطمہ را نیست بر پدر تو محنت و شدت

بعد اليوم فلما مات قالت يا أبتاه أجاب ربا دعاه يا أبتاه

بعد از امروز پس چون گذشت آنحضرت گفت فاطمہ در ندبہ آنحضرت ای پدر من اجابت کرد دعوت بسوے پروردگار

من جنة الفردوس مأواه يا أبتاه إلى جبريل ننعاه فلما

ای کسیکہ بہشت برین جای اوست ای پدر من بسوے جبرئیل میرسانم خبر او را و میگریم نزد وی تعزیت

دفن قالت فاطمة يا أنس أطابت أنفسكم أن تحثوا على

و از انس ہنگامیکہ دفن کرده شد گفت فاطمہ ای انس آیا خوش و خورسند شد نفسہاے شما کہ بریزید بر

رسول الله صلى الله عليه وسلم التراب رواه البخاري

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم خاک روایت کرده بخاری

وعن أنس قال لما قدم رسول الله صلى الله عليه وسلم

و در روایت ست از انس رض گفت انس وقتی کہ قدوم آورد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

الْمَدِينَةَ لَعِبَتِ الْحَبَشَةُ بِحِرَابِهِمْ فَرَحًا لِقُدُومِهٖ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ

مدینہ را شادمانی کردند تمامہ مردم تا آنکہ بازی کردند حبشیان بحربہا خود از جہت شاد شدن مر قدوم آنحضرت

وَفِي رِوَايَةِ الدَّارِمِيِّ قَالَ مَارَأَيْتُ يَوْمًا قَطُّ كَانَ اَحْسَنَ

و در روایتے دارمے این چنین آمدہ است کہ گفت انس ندیدم من ہیچ روز را ہرگز کہ بود نیکوتر

وَلَا اَضْوَءَ مِنْ يَوْمٍ دَخَلَ عَلَيْنَا فِيْهِ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و نہ روشن تر از روزے کہ در آمد بر ما در ان روز پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ وَفِي رِوَايَةِ التِّرْمِذِيِّ قَالَ لَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الَّذِيْ دَخَلَ

وسلم و در روایت ترمذے این چنین آمدہ است کہ گفت انس چون شد روزے کہ در آمد

فِيْهِ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِيْنَةَ اَضَاءَ مِنْهَا كُلُّ

در وی آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم مدینہ را روشن شد از مدینہ ہر چیز

شَيْءٍ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الَّذِيْ مَاتَ فِيْهِ اَظْلَمَ مِنْهَا كُلُّ شَيْءٍ وَمَا نَفَضْنَا

پس ہرگاہ کہ شد روزے کہ مرد آنحضرت در وی تاریک شد از مدینہ ہر چیز و نیفشاندیم ما

اَيْدِيَنَا عَنِ التُّرَابِ وَاِنَّا لَفِيْ دَفْنِهٖ حَتّٰى اَنْكَرْنَا قُلُوْبَنَا وَعَنْ

دستہائے خود را از خاک و حال آنکہ ما بہ تحقیق بودیم در دفن آنحضرت تا آنکہ منکر شدیم دلہای خود را

عَائِشَةَ رضؓ قَالَتْ لَمَّا قُبِضَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عایشہ رضؓ گفت عایشہ ہنگامیکہ قبض کردہ شد روح آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اِخْتَلَفُوْا فِيْ دَفْنِهٖ فَقَالَ اَبُوْبَكْرٍ سَمِعْتُ مِنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

اختلاف کردند صحابہ در موضع دفن آنحضرت پس گفت ابوبکر رضؓ شنیدم از آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَيْئًا قَالَ مَا قَبَضَ اللّٰهُ نَبِيًّا اِلَّا فِي الْمَوْضِعِ الَّذِيْ يُحِبُّ

علیہ وسلم در این باب چیزی و آن اینست کہ گفت آنحضرت قبض نکردہ است خدا روح ہیچ پیغمبر را مگر در جائے

اَنْ يُّدْفَنَ فِيْهِ اُدْفُنُوْهُ فِيْ مَوْضِعِ فِرَاشِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

کہ دفن کردہ شود در انجا دفن کنید او را در جائے خوابگاہ وی رواہ الترمذے

وعنها قالت كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في

وہم از عائشہ رضی اللہ عنہا روایت است گفت بود آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم میگفت در

مرضه الذي مات فيه يا عائشة ما ازال اجد الم الطعام

بیمارے خود کہ فوت کرد دران بیمارے ای عائشہ ہمیشہ بودم مییافتم درد طعام را

الذي اكلت بخيبر وهذا اوان وجدت انقطاع ابهري

کہ خوردہ بودم بخیبر واین وقت یافتن من است بریدہ شدن رگ دل مرا

من ذلك السم رواه البخاري وعن جعفر بن محمد عن

ازان زہر رواہ البخاری وروایت است از جعفر بن محمد از

ابيه ان رجلا من قريش دخل على ابيه علي بن الحسين رضي الله عنه

پدرش کہ مردے از قریش درآمد بر پدر وی کہ علی بن حسین کہ زین العابدین ست رحمہ اللہ

فقال الا احدثك عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس گفت آمرد آیا حدیث نکنم ترا از ان حضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قال بلى حدثنا عن ابي القاسم صلى الله عليه وسلم قال

گفت امام زین العابدین بلے حدیث کن مارا از ابی القاسم صلی اللہ علیہ وسلم گفت

لما مرض رسول الله صلى الله عليه وسلم اتاه جبريل

ہنگامیکہ بیمار شد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم آمد اورا جبریل

فقال يا محمد ان الله ارسلني اليك تكريما لك وتشريفا

پس گفت ای محمد بدرستی کہ خدائے تعالے فرستادہ است مرا بسوی تو از جہت گرامی داشتن ترا و بزرگ

لك خاصة لك يسألك عما هو اعلم به منك يقول كيف

در حالیکہ این کرم مخصوص ست بتو میپرسد ترا از چیزیکہ وی تعالے دانا تر ست بآن چیز از تو میگوید

تجدك قال اجدني يا جبريل مغموما واجدني يا جبريل

مییابے خود را گفت آنحضرت مییابم خود را ای جبریل غمگین مییابم خود را اے جبریل

مَكْرُوْبًا ثُمَّ جَآءَهُ الْيَوْمَ الثَّانِيَ فَقَالَ لَهٗ ذٰلِكَ فَرَدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ

اندوہگین پس تر آمد جبرئیل نزد آنحضرت روز دوم پس گفت جبرئیل مر آنحضرت را آنچہ گفتہ بود پس جواب داد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا رَدَّ اَوَّلَ يَوْمٍ ثُمَّ جَآءَهُ الْيَوْمَ الثَّالِثَ

صلی اللہ علیہ وسلم چنانچہ جواب داد نخستین روز پس تر آمد نزد آنحضرت روز سوم

فَقَالَ لَهٗ كَمَا قَالَ اَوَّلَ يَوْمٍ وَرَدَّ عَلَيْهِ كَمَا رَدَّ عَلَيْهِ وَجَآءَ مَعَهٗ مَلَكٌ

پس گفت مر آنحضرت را چنانچہ گفتہ بود روز اول جواب داد آنحضرت رد کرد بروے چنانکہ رد کردہ بود بروے

يُقَالُ لَهٗ اِسْمٰعِيْلُ عَلٰى مِائَةِ اَلْفِ مَلَكٍ كُلُّ مَلَكٍ عَلٰى مِائَةِ اَلْفِ مَلَكٍ

کہ گفتہ میشود اورا اسمعیل موکل است بر صد ہزار فرشتہ ہر فرشتہ ازان موکل است بر صد ہزار فرشتہ

فَاسْتَاْذَنَ عَلَيْهِ فَسَاَلَهٗ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ جِبْرَئِيْلُ هٰذَا مَلَكُ الْمَوْتِ

پس طلب کرد اذن آن فرشتہ برای آمدن بروے صلعم پس پرسید آنحضرت از حال این فرشتہ پس تر گفت جبرئیل این

يَسْتَاْذِنُ عَلَيْكَ مَا اسْتَاْذَنَ عَلٰى اٰدَمِيٍّ قَبْلَكَ وَلَا يَسْتَاْذِنُ

طلب اذن میکند تا در آید بر تو استیذان نکردہ است برای در آمدن بر ہیچ آدمی پیش از تو و استیذان نخواہد کرد

عَلٰى اٰدَمِيٍّ بَعْدَكَ فَقَالَ ائْذَنْ لَهٗ فَاَذِنَ لَهٗ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ

بر ہیچ آدمے بعد از تو این مخصوص بحضرت است پس گفت آنحضرت اذن دہ ورا و اذن داد جبرئیل ملک الموت را پس

قَالَ يَا مُحَمَّدُ اِنَّ اللّٰهَ اَرْسَلَنِيْ اِلَيْكَ فَاِنْ اَمَرْتَنِيْ اَنْ اَقْبِضَ

گفت ای محمد بدرستی خدا فرستادہ است مرا بسوے تو پس اگر بفرمائی مرا کہ بستانم

رُوْحَكَ قَبَضْتُهٗ وَاِنْ اَمَرْتَنِيْ اَنْ اَتْرُكَهٗ تَرَكْتُهٗ فَقَالَ وَتَفْعَلُ

روح پاک ترا بستانم آنرا و اگر بفرمائی مرا بگذارم روح ترا بگذارم آنرا پس گفت آنحضرت میکنی

يَا مَلَكَ الْمَوْتِ قَالَ نَعَمْ بِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاُمِرْتُ اَنْ اُطِيْعَكَ

ای ملک الموت گفت ملک الموت آری میکنم و باین امر کردہ شدہ ام و امر کردہ شدہ ام کہ فرمانبرداری کنم

قَالَ فَنَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلٰى جِبْرَئِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گفت راوی پس نظر کرد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بسوے جبرئیل کہ چہ میگوید ملک الموت چہ باید کرد مرا

فَقَالَ جِبْرَئِيلُ يَا مُحَمَّدُ اِنَّ اللهَ قَدِ اشْتَاقَ اِلٰى لِقَائِكَ فَقَالَ

پس گفت جبرئیل ای محمد بدرستی خدای تعالیٰ بتحقیق آرزومند و خواہان است بدیدار تو پس فرمود

النَّبِيُّ لِمَلَكِ الْمَوْتِ اِمْضِ لِمَا اُمِرْتَ بِهٖ فَقَبَضَ رُوْحَهٗ فَلَمَّا

پیغمبر خدا مر ملک الموت را بکن مر آن چیز را کہ امر کردہ شدہ بدان پس قبض کرد ملک الموت روح آنحضرت را پس

تُوُفِّيَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَاءَتِ التَّعْزِيَةُ

وفات یافت پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم و آمد تعزیت یعنی آواز تسلے دادن

سَمِعُوْا صَوْتًا مِّنْ نَاحِيَةِ الْبَيْتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ

کہ شنیدند صحابہ آوازے را از گوشہ خانہ کہ میگوید سلام بر شما ای اہل بیت

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهٗ اِنَّ فِي اللهِ عَزَاءً مِّنْ كُلِّ مُصِيْبَةٍ وَّ

و باد بر شما مہربانی خدا و فزونیہای کرم وی بدرستی کہ مر خدا را عزا است از ہر مصیبت و

خَلَفًا مِّنْ كُلِّ هَالِكٍ وَّدَرَكًا مِّنْ كُلِّ فَائِتٍ فَبِاللهِ فَاتَّقُوْا

خلف خلعت ست از ہلاک شوندہ و تدارک ست از ہر در گذرندہ پس بیارے خدا تقوی کنید

وَاِيَّاهُ فَارْجُوْا فَاِنَّمَا الْمُصَابُ مَنْ حُرِمَ الثَّوَابَ فَقَالَ

و خدا را امید دارید نہ جز او را پس نیست مصیبت زدہ مگر کسیکہ محروم گردانیدہ شدہ است ثواب را پس گفت

عَلِيٌّ اَتَدْرُوْنَ مَنْ هٰذَا هُوَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

علی مر تضے آیا در می یابید کیست این مرد این خضر ست کہ بہ تعزیۂ اصحاب اہل بیت آمدہ ست روایت کردہ بیہقی

اَلْبَابُ مُشْتَمِلٌ عَلٰى تَرِكَةِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

این باب مشتمل ست بر ترکۂ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

عَنْ عَمْرِو بْنِ الْحَارِثِ اَخِيْ جُوَيْرِيَةَ قَالَ مَا تَرَكَ رَسُوْلُ اللهِ

روایت است از عمرو بن الحارث کہ صحابی بود و برادر جویریہ بنت الحارث کہ از امہات مومنین ست گفت عمرو

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ مَوْتِهٖ دِيْنَارًا وَّلَا دِرْهَمًا

صلے اللہ علیہ وسلم نزد موت خود نہ دینار و نہ درہم

لہ این عبارت را بچند وجہ معنی گفتہ اند بہتر معنی کہ بعد لیکن ... خدا تعزیۃ و تسلیت ... اشارتست ... انا للہ و انا الیہ راجعون ...

وَلَا عَبْدًا وَلَا اَمَةً وَلَا شَيْئًا اِلَّا بَغْلَتَهُ الْبَيْضَاءَ وَسِلَاحَهُ وَ

ونہ غلام ونہ کنیز ونہ چیزے مگر استر وی کہ سفید بود کہ آنرا دلدل نام بود وسلاح جنگ وی

اَرْضًا جَعَلَهَا صَدَقَةً رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رضی

و زمینے کہ گردانیدہ بود آنرا صدقہ وقف بر فقرا و اہل عیال روایت البخاری و از ابو ہریرہ رض روایت

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَقْتَسِمُ وَرَثَتِيْ

کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ و سلم فرمود بخش نکنند وارثان من

دِيْنَارًا مَا تَرَكْتُ بَعْدَ نَفَقَةِ نِسَائِيْ وَمَؤُنَةِ عَامِلِيْ فَهُوَ

یک دینار را چیزیکہ بگذارم من پس از نفقۂ زنان من بعد از وی و بعد از اجرت عامل من یعنی خلیفہ

صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ بَكْرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بر فقرا چنانکہ در حیات بود روایت بخاری و مسلم و روایت است از ابو بکر صدیق رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا نُوْرَثُ مَا تَرَكْنَاهُ صَدَقَةٌ

صلے اللہ علیہ وسلم میراث یافتہ نمیشود از ما چیزی کہ گذاشتہ ایم از مال صدقہ است

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و مصروف است بر فقرا متفق علیہ و از ابو موسے اشعری رض از پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اِذَا اَرَادَ رَحْمَةَ اُمَّةٍ مِّنْ عِبَادِهٖ

وسلم مرویست کہ آنحضرت فرمود بدرستی کہ خدائے تعالے چون خواہد رحمت امتی از بندگان خود

قَبَضَ نَبِيَّهَا قَبْلَهَا فَجَعَلَ لَهَا فَرَطًا وَسَلَفًا بَيْنَ يَدَيْهَا وَاِذَا اَرَادَ

قبض میکند و میمیراند پیغمبر آن امت را پیش از آن امت یعنی از نزول عذاب پس میگرداند خدا پیغمبر را پیرایہ امت

هَلَكَةَ اُمَّةٍ عَذَّبَهَا وَنَبِيُّهَا حَيٌّ فَاَهْلَكَهَا وَهُوَ يَنْظُرُ فَاَقَرَّ

ہلاک امتی را عذاب میکند آن امت را در حال آنکہ پیغمبر آن امت زندہ است پس ہلاک میگرداند خدا اتفاقا آن

عَيْنَهٗ بِهَلَكَتِهَا حِيْنَ كَذَّبُوْهُ وَعَصَوْا اَمْرَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

ہر دو چشم پیغمبر را بہلاک شدن آن امت ہنگامی کہ نسبت بدروغ کردند وی و نافرمانی کردند امر او را روایت مسلم

وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

واز ابو ہریرہ روایت است گفت فرمود آں حضرت صلی اللہ علیہ وسلم

وَالَّذِیْ نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهٖ لَیَاْتِیَنَّ عَلٰی اَحَدِکُمْ یَوْمٌ وَّلَا یَرَانِیْ ثُمَّ

سوگند بخدائے کہ بقای ذات محمد در دست قدرت اوست ہر آئینہ بیاید بر یکے از شمار روزے ونہ بیند مرا بعدہ

لَاَنْ یَّرَانِیْ اَحَبُّ اِلَیْهِ مِنْ اَهْلِهٖ وَمَالِهٖ مَعَهُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

گذشتن از عالم پس ہر آئینہ دیدن وی مرا دوست داشتہ شدہ تر است بسوی وی از اہل وعیال وی با اہل وعیال رواہ مسلم

کِتَابُ مَنَاقِبِ الصَّحَابَةِ رَضِیَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُمْ

این کتاب در بیان منقبتہائے صحابہ است رضی اللہ تعالے عنہم

وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِیْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِیْنَ

و پیشی گیرندگان پیشینیان از ہجرت کنندگان ویاری کنندگان وآنانکہ

اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ رَّضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ وَاَعَدَّ لَهُمْ

پیروی کردند ایشانرا بہ نیکوئے خوشنود شد خدا از ایشان وخوشنود شدند آنہا ازو وآمادہ کرد ایشانرا

جَنّٰتٍ تَجْرِیْ تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَآ اَبَدًا ذٰلِكَ الْفَوْزُ

بوستانہا کہ میرود زیر آن جویہا جاوید باشند دران ہمیشہ این رستگاری

الْعَظِیْمُ o اِنَّ الَّذِیْنَ یُبَایِعُوْنَكَ اِنَّمَا یُبَایِعُوْنَ اللّٰهَ یَدُ اللّٰهِ

بزرگ است بدرستی آنانکہ بیعت کردند ترا جز این نیست کہ بیعت کردند با خدا دست خدا

فَوْقَ اَیْدِیْهِمْ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِیْنَ مَعَهٗ اَشِدَّآءُ

بر دستہای ایشان است محمد فرستادہ خداست وآنانکہ با ویند سخت دل اند

عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَآءُ بَیْنَهُمْ تَرٰىهُمْ رُکَّعًا سُجَّدًا یَّبْتَغُوْنَ

بر کفار و مہربان اند باہم مے بینے تو ایشانرا رکوع آرندگان وسجود کنندگان مے طلبند

فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِیْمَاهُمْ فِیْ وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثَرِ

ایشان افزونی از خدائے تعالے وخشنودی حضرت او علامتہای ایشان در رویہا ایشان ظاہر بودہ از اثر

لہ جز ۱۱ رکوع ۲
ع۵ جز ۲۶ رکوع ۹
ع۴ جز ۲۶ رکوع ۱۲

السُّجُودِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيْلِ

سجده کردن این وصف که مذکور شد صفت ایشان در توریت موسیٰ صفت ایشان در انجیل که کتاب عیسیٰ

كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْئَهٗ فَاٰزَرَهٗ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوٰى عَلٰى سُوْقِهٖ

مانند کشتی است که بیرون آورد شاخ خود را پس قوی ساخت او را پس سطبر شد پس بار شد بر ساق خود

يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ

شگفت آورد مزارعان را تا خشم گیرند بدیشان ناگرویدگان وعده کرد خدا آنانرا که گرویدند و

عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَّاَجْرًا عَظِيْمًا ۝ لَا يَسْتَوِيْ

کردند کردارهای پسندیده ازایشان یعنی همه ایشانرا وعده فرموده است آمرزش گناهان و مزد بزرگ

مِنْكُمْ مَّنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ اُولٰٓئِكَ اَعْظَمُ دَرَجَةً

از شما آنکه نفقه کرد پیش از فتح و کارزار کرد آنگروه بزرگترند بمرتبه

مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوْا وَكُلًّا وَّعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى

از آنانکه انفاق کردند از پس آن و کارزار کردند و همه را وعده کرد خدا نیکو

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۝ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللّٰهُ النَّبِيَّ وَالَّذِيْنَ

و خدا بآنچه عمل میکنند داناست روزیکه رسوا نکند خدا پیغمبر را و آنانکه

اٰمَنُوْا مَعَهٗ نُوْرُهُمْ يَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ يَقُوْلُوْنَ

گرویدند باو روشنی شان می شتابد پیش شان و در راست شان میگویند

رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝

پروردگار ما تمام گردان برای ما روشنی ما و بیامرز ما را بدرستی که تو بر هر چیز توانا است

عَنْ اَبِيْ سَعِيْدِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابو سعید خدری رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا تَسُبُّوْا اَصْحَابِيْ فَلَوْ اَنَّ اَحَدَكُمْ اَنْفَقَ مِثْلَ اُحُدٍ

وسلم دشنام نکنید یاران مرا پس اگر ثابت شود که یکی از شما خرچ کند و به در راه خدا مانند

ذَهَبًا مَّا بَلَغَ مُدَّ اَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيْفَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

نرسد ثواب آن نیم پیمانہ یکے از ایشان را و نہ ثواب نیم نیم پیمانہ یکے از ایشان را متفق علیہ و از

اَبِيْ بُرْدَةَ عَنْ اَبِيْهِ قَالَ رَفَعَ يَعْنِي النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی بردہ رض و از پدرش کہ ابو موسیٰ است روایت است گفت بر داشت یعنی پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

رَاْسَهٗ اِلَى السَّمَآءِ وَكَانَ كَثِيْرًا مِّمَّا يَرْفَعُ رَاْسَهٗ اِلَى السَّمَآءِ

سر مبارک خود را بسوئے آسمان و بود آنحضرت اکثر بر میداشت سر مبارک خود را بسوئے آسمان

فَقَالَ النُّجُوْمُ اَمَنَةٌ لِّلسَّمَآءِ فَاِذَا ذَهَبَ النُّجُوْمُ اَتَى السَّمَآءَ

پس گفت آنحضرت ستارگان سبب امن اند مر آسمان را پس وقتیکہ بروند ستارگان می آید آسمان را

مَا تُوْعَدُ وَاَنَا اَمَنَةٌ لِّاَصْحَابِيْ فَاِذَا ذَهَبْتُ اَتَى اَصْحَابِيْ

آنچہ وعدہ کردہ شدہ است آسمان از انفطار و انشقاق و من سبب امن ام مر اصحاب خود را پس وقتیکہ بروم من

مَا يُوْعَدُوْنَ وَاَصْحَابِيْ اَمَنَةٌ لِّاُمَّتِيْ فَاِذَا ذَهَبَ اَصْحَابِيْ اَتَى

چیزیکہ وعدہ کردہ شدہ اند از فتن و حروب اصحاب من سبب امن اند مر امت مرا پس چون بروند اصحاب من می آید

اُمَّتِيْ مَا يُوْعَدُوْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدِ الْخُدْرِيِّ

امت مرا آنچہ وعدہ کردہ شدہ اند از بدع و حوادث و ظہور شر روایت کرد اورا مسلم و روایت است از ابو سعید خدری

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَاْتِيْ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ

گفت فرمود آن حضرت صلے اللہ علیہ وسلم می آید بر مردم زمانے

فَيَغْزُوْ فِئَامٌ مِّنَ النَّاسِ فَيَقُوْلُوْنَ هَلْ فِيْكُمْ مَّنْ صَاحَبَ

پس غزا میکند جماعتے از مردم پس گفتہ میشود و پرسیدہ میشود از ان جماعت آیا ہست درمیان شما

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُوْلُوْنَ نَعَمْ فَيُفْتَحُ لَهُمْ

با پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم پس میگویند آری ہست پس کشادہ میشود مر ایشان را

ثُمَّ يَاْتِيْ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَغْزُوْ فِئَامٌ مِّنَ النَّاسِ فَيُقَالُ هَلْ فِيْكُمْ مَّنْ

پس تر می آید بر مردم زمانے پس غزا میکند جماعتے از مردم پس گفتہ میشود و پرسیدہ میشود آیا ہست درمیان شما

صاحب اصحاب رسول الله فیقولون نعم فیفتح لهم ثم یاتی

کسیکه صحبت داشته است باصحاب پیغمبر خدا پس میگویند آرے هست پس کشاده میشود مرایشانرا

علی الناس زمان فیغزو فئام من الناس فیقال هل فیکم من

بر مردم زمانے پس غزا میکنند جماعتے از مردم پس گفته میشود آیا هست میان شما

صاحب من صاحب اصحاب رسول الله فیقولون نعم فیفتح

کسیکه صحبت داشته است با آنکسیکه صحبت داشته باشد باصحاب پیغمبر خدا پس میگویند آری هست

لهم متفق علیه وعن عمر رض قال قال رسول الله صلی الله

از برکت این هرسه طبقه متفق علیه و روایت است از عمر گفت فرمود آن حضرت صلی الله

علیه وسلم اکرموا اصحابی فانهم خیارکم ثم الذین یلونهم

علیه وسلم گرامی دارید یاران مرا ازیراکه بدرستی ایشان نیک ترین شما اند پسنتر آنکسانیکه می پیوندند

ثم الذین یلونهم ثم یظهر الکذب حتی ان الرجل لیحلف

پستر آنکسانیکه اند می پیوندند ایشانرا پسنتر ظاهر و شائع میگردد دروغ و خیانت در دین و دنیا تا آنکه مرد باشد که سوگند

ولا یستحلف ویشهد ولا یستشهد الا من سره بحبوحة

و سوگند داده نمیشود و گواهی میدهد و گواهی طلبیده نمیشود آگاه باشید کسیکه شاد میگرداند و را

الجنة فلیلزم الجماعة فان الشیطان مع الفذ وهو من

بهشت پس باید که لازم گیرد جماعت مسلمانانرا بدرستی شیطان با تنها و یگانه است و شیطان از

الاثنین ابعد ولا یخلون رجل بامرأة فان الشیطان

دو کس دور تر است نسبت بیک کس و باید که تنها نباشد مردے با زنے اجنبیه زیراکه شیطان

ثالثهم ومن سرته حسنته وساءته سیئته فهو مؤمن

سوم این سه کس است و کسیکه شاد گرداند او را نیکے او و اندوهگین گرداند او را بدی او پس آنکس مؤمن است

وعن جابر رض عن النبی صلی الله علیه وسلم قال لا تمس

و روایت است از جابر رض از آن حضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت مس نکند

النار مسلما رآني أو رأى من رآني رواه الترمذي وعن

آتش دوزخ مسلمانی را که دیده است مرا یا دیده است کسی را که دیده است مرا روایت کرده ترمذی و از

عبد الله بن مغفل قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

عبد الله بن مغفل مرویست گفت فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم

الله الله في أصحابي الله الله في أصحابي لا تتخذوهم غرضا

بترسید خدا را در حق اصحاب من و یاد کنید ایشان را جز به تعظیم و توقیر سه بار مکرر فرمود برای تاکید نگیرید

من بعدي فمن أحبهم فبحبي أحبهم ومن أبغضهم فببغضي

بعد از من پس کسیکه دوست میدارد ایشان را پس بدوستی من دوست میدارد و کسیکه دشمن میدارد ایشان را

أبغضهم ومن آذاهم فقد آذاني ومن آذاني فقد آذى الله

دشمن میدارد ایشان را و کسیکه برنجاند ایشان را پس بتحقیق برنجانید مرا و کسیکه برنجاند مرا پس

ومن آذى الله فيوشك أن يأخذه رواه الترمذي

خدای تعالی را و کسیکه برنجاند خدا را پس نزدیک که بگیرد و عذاب کند او را رواه الترمذی

وعن أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از انس مرویست که گفت آن حضرت صلی الله علیه و سلم

مثل أصحابي في أمتي كالملح في الطعام لا يصلح الطعام إلا بالملح

قصه عجیبه اصحاب من در میان امت من مانند نمک در طعام است صلاح نمی پذیرد طعام مگر بنمک

قال الحسن فقد ذهب ملحنا فكيف نصلح رواه في شرح

گفت حسن بصری بعد از شنیدن این حدیث پس بتحقیق رفت نمک ما پس چگونه اصلاح پذیریم ما روایت کرده در شرح

السنة وعن عبد الله بن بريدة عن أبيه قال قال رسول الله

السنة و روایت است از عبد الله بن بریده اسلمی از پدر خویش روایت میکند که گفت بریده

صلى الله عليه وسلم ما من أحد من أصحابي يموت في

صلی الله علیه و سلم نیست هیچ یکی از اصحاب من که بمیرد بر

الْمُسْلِمِيْنَ فَقَالَ خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحَى

مسلمانان پس گفت آنحضرت بیرون آمدم تا خبر دہم شمارا بشب قدر کہ کدام شب است پس نزاع کردند

فُلَانٌ وَفُلَانٌ فَرُفِعَتْ وَعَسٰى اَنْ يَّكُوْنَ خَيْرًا لَّكُمْ فَالْتَمِسُوْهَا

فلان وفلان پس برداشته شد آن شب از خاطر من و نزدیک است که باشد یعنی برداشتن از خاطر تعین آن بہتر

فِي التَّاسِعَةِ وَالسَّابِعَةِ وَالْخَامِسَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

در شب بست ونهم و بست وهفتم و بست وپنجم رواه البخاری

وَعَنْ اَبِيْ بَكْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی بکره گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ الْتَمِسُوْهَا يَعْنِيْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِيْ تِسْعٍ يَّبْقَيْنَ

وسلم که میگفت که طلب بکنید آنرا یعنی شب قدر را در نه شب که باقی می مانند

اَوْ فِيْ سَبْعٍ يَّبْقَيْنَ اَوْ فِيْ خَمْسٍ يَّبْقَيْنَ اَوْ ثَلٰثٍ اَوْ اٰخِرِ لَيْلَةٍ

یا در هفت شب که باقی می مانند یا در پنج شب که باقی می مانند یا در سه شب که باقی میمانند یا در شب اخیر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

رواه الترمذی و روایت است از ابن عباس رض که پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْتَمِسُوْهَا فِي الْعَشْرِ الْاَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

علیه وسلم فرمود طلب کنید او را در ده شب اخیر از رمضان

لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِيْ تَاسِعَةٍ تَبْقٰى فِيْ سَابِعَةٍ تَبْقٰى فِيْ خَامِسَةٍ تَبْقٰى

شب قدر را در شب بست ونهم که باقی میماند در شب بست وهفتم که باقی میماند در شب بست وپنجم که باقی میماند

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه البخاری و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوِتْرِ مِنَ الْعَشْرِ

صلی الله علیه وسلم بجوئید شب قدر را در شبهای طاق از عشره

الاواخر من رمضان رواه البخاري وعن زر

اخیر از رمضان روایه البخاری روایت است از زر

بن حبيش قال سألت ابي بن كعب فقلت ان اخاك ابن

بن حبیش گفت سوال کردم ابی ابن کعب را پس گفتم که برادر تو ابن

مسعود يقول من يقم الحول يصب ليلة القدر فقال

مسعود میگوید کسیکه قیام لیل کند سال تمام در می یابد شب قدر را پس گفت

رحمه الله اراد ان لا يتكل الناس اما انه قد علم انها

رحمت کند ابن مسعود را خدا ایتعالی میخواست ابن مسعود که اعتماد نکنند مردم آگاه باش بدرستیکه ابن مسعود

في رمضان وانها في العشر الاواخر وانها ليلة سبع و

که شب قدر در رمضان است در ده اخیر است از رمضان و بدرستیکه آن بست و هفتم است

عشرين ثم حلف لا يستثني انها ليلة سبع وعشرين

پس سوگند خورد ابی درحالیکه استثنا نمی کرد یعنی انشاء الله نمی گفت و جزم میکرد که شب قدر بست و هفتم است

فقلت باي شيء تقول ذلك يا ابا المنذر قال بالعلامة

پس گفتم ابی ابن کعب را بچه چیز و بکدام دلیل میگوئی آنرا ای ابا منذر گفت ابی رضی الله تعالی عنه بآن علامتیکه خبر داده است ما را آنحضرت

او بالاية التي اخبرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم

یا بآیت گفت شک راویست خبر داد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم

انها تطلع يومئذ لا شعاع لها رواه مسلم وعن

علامت اینست که آفتاب در صبح آن شب می برآید درحالیکه نیست روشنی مر او را روایه مسلم و روایت است از

عائشة رض قالت قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

عائشه رض گفت عائشه گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

ارأيت ان علمت اي ليلة ليلة القدر ما اقول فيها قال

خبر ده مرا اگر بدانم که کدام شب است شب قدر در باب آنرا چه گویم از ذکر و دعا در آن شب گفت آنحضرت

قُوْلِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّيْ

بگو این دعا را خداوندا بدرستیکه عفو کننده و دوست میداری عفو را پس عفو کن از ما

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ

رواه احمد و ابن ماجة والترمذی و صحیح گفت ترمذی این حدیث را

بَابُ قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

این باب در قیام ماه رمضان است و در قیام نصف از شعبان یعنی شب برات

عَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

خَرَجَ لَيْلَةً مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَصَلّٰى فِي الْمَسْجِدِ وَصَلّٰى رِجَالٌ

بر آمد شبی از میان شب پس نماز گذارد در مسجد و نماز گذاردند مردمان

بِصَلٰوتِهٖ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَاجْتَمَعَ اَكْثَرُ مِنْهُمْ

همراه نماز آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس جمع شدند زیاده تر از ایشان

فَصَلَّوْا مَعَهٗ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَكَثُرَ اَهْلُ الْمَسْجِدِ

پس نماز گذاردند با آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس بسیار شدند اهل مسجد

مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ فَخَرَجَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از شب ثالث پس بر آمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَصَلّٰى فَصَلَّوْا بِصَلٰوتِهٖ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ عَجَزَ

پس نماز گذارد و آنحضرت پس نماز گذاردند نماز آنحضرت یعنی با جماعت هرگاه که شد شب چهارم تنگ آمد

الْمَسْجِدُ عَنْ اَهْلِهٖ حَتّٰى خَرَجَ بِصَلٰوةِ الصُّبْحِ فَلَمَّا قَضَى

مسجد نبوی صلعم از کثرت اهل آن تا آنکه بر آمد آنحضرت برای نماز فجر پس هرگاه که ادا کرد آنحضرت

الْفَجْرَ اَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّهٗ

نماز فجر را متوجه شد به مردمان پس کلمه شهادت خواند پستر فرمود لیکن بعد حمد و نعت پس بدرستیکه شان این است

لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ مَكَانُكُمْ وَلٰكِنِّي خَشِيتُ أَنْ تُفْتَرَضَ عَلَيْكُمْ

که نخوف کرده شد بر شان شما ولیکن من خوف کردم که فرض شود این نماز تراویح بر شما با جماعت

فَتَعْجِزُوا عَنْهَا فَتُوُفِّيَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس عاجز آئید شما ازاد اے آن پس وفات کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

وَالْأَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

وحال آنکه حال تراویح براین بود رواه البخاری و روایت است از ابی هریرة رض

قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرَغِّبُ فِي قِيَامِ

گفت که بود پیغامبر صلے اللہ علیہ وسلم که ترغیب نمود صحابه را در گذاردن نماز شب

رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَأْمُرَهُمْ فِيهِ بِعَزِيمَةٍ فَيَقُولُ مَنْ

در رمضان بے آنکه امر کند ایشانرا در قیام رمضان بجد تاکید و ایجاب پس فرمود آنحضرت کسیکه

قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ

قیام کند رمضان را بجهت ایمان و تصدیق بثواب و طلب اجر آخرت آمرزیده شود او را چیزیکه پیش رفته ا

الْحَدِيثَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ

تا آخر حدیث رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض بدرستیکه

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَامَ رَمَضَانَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه قیام کند رمضان را

إِيمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ قَالَ ابْنُ شِهَابٍ

بجهت ایمان و طلب ثواب آخرت آمرزیده شود چیزیکه پیش رفته است از گناهان و گفت ابن شهاب

فَتُوُفِّيَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْأَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ

پس قبض کرده شد روح آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم و حال آنکه شان و کار قیام رمضان برین

ثُمَّ كَانَ الْأَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ وَّصَدْرًا

پستر بود امر برهمین روش در زمان خلافت ابی بکر صدیق بود امرش در زمان اول

مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ الْقَارِيِّ

خلافت عمر یعنی قیام رمضان بجماعت و روایت است از عبد الرحمن بن عبد القاری

اَنَّهٗ قَالَ خَرَجْتُ مَعَ عُمَرَ ابْنِ الْخَطَّابِ لَيْلَةً فِيْ رَمَضَانَ

گفت که بیرون آمدم با عمر ابن الخطاب شبے از رمضان

اِلَى الْمَسْجِدِ فَاِذَا النَّاسُ اَوْزَاعٌ مُّتَفَرِّقُوْنَ يُصَلِّي الرَّجُلُ

بسوے مسجد پس ناگاه مردم پریشان و جدا جدا نشستند نماز میکرد مردے

لِنَفْسِهٖ وَيُصَلِّي الرَّجُلُ فَيُصَلِّيْ بِصَلٰوتِهِ الرَّهْطُ فَقَالَ عُمَرُ

براے خود تنها و نماز میکرد مردے پس نماز میکردند با نماز وے تو مے پس گفت عمر بن الخطاب

اِنِّيْ اَرٰى لَوْ جَمَعْتُ هٰؤُلَاءِ عَلٰى قَارِئٍ وَّاحِدٍ لَّكَانَ اَمْثَلَ

بدرستیکه من اگر جمع کنم اینمردم را بر یک امام هر آینه باشد افضل

ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلٰى اُبَيِّ ابْنِ كَعْبٍ ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهٗ لَيْلَةً

پستر عزم کرد پس جمع کرد مردم را بر ابی ابن کعب گفت عبد الرحمن بن قاری پستر بیرون آمدم با عمر شبے

اُخْرٰى وَالنَّاسُ يُصَلُّوْنَ بِصَلٰوةِ قَارِئِهِمْ قَالَ عُمَرُ

دیگر در حال آنکه مردم نماز میگذاردند بنماز امام خود گفت عمر رض

نِعْمَتِ الْبِدْعَةُ هٰذِهٖ وَالَّتِيْ تَنَامُوْنَ عَنْهَا اَفْضَلُ مِنَ الَّتِيْ

نیکو بدعت است این بدعت و آن نماز که خواب میکنید و غفلت میورزید شما از ان فاضلتر است ازان نماز

تَقُوْمُوْنَ يُرِيْدُ اٰخِرَ اللَّيْلِ وَكَانَ النَّاسُ يَقُوْمُوْنَ اَوَّلَهٗ

که قیام میکنید میخواست عمر آخر شب را و بودند مردم که قیام میکردند در اول آن

رَوَاهُمَا الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ فَقَدْتُّ

روایت کرد این حدیث هر دو را بخاری و روایت است از عائشه رض گفت عائشه که گم کردم و نیافتم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً فَاِذَا هُوَ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم را در شب نوبت خود پس ناگاه دیدم که آنحضرت

۱۰۱ بیرون رفتن آنحضرت از خانهٔ عایشه در شب برات بسوی بقیع و از بین الحدیث اجتماع و اداء نماز تراویح بجماعت صلی الله علیه وسلم ... زمان آنحضرت ... سنت است ... در سنه ۱۲۰۰

بِالْبَقِيْعِ فَقَالَ أَكُنْتِ تَخَافِيْنَ اَنْ يَحِيْفَ اللهُ عَلَيْكِ وَرَسُوْلُهٗ

در مقبرهٔ مدینهٔ مطهره است پس گفت آنحضرت که آیا بودی تو که میترسید با آنکه جور و ستم میکند خدا بر تو و پیغامبر او

قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنِّيْ ظَنَنْتُ اَنَّكَ اَتَيْتَ بَعْضَ نِسَائِكَ

گفت عائشه که گفتم یا رسول الله بدرستیکه من گمان بردم که تو آمدی به بعضے از زنان خود

فَقَالَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى يَنْزِلُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ اِلَى

پس فرمود آنحضرت که سببش آن بود که بدرستیکه خدا تعالے نزول میکند بفضل و رحمت در شب نیمه از شعبان بسوے

السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَغْفِرُ لِاَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ شَعْرِ غَنَمِ كَلْبٍ

آسمانیکه فرود تر از آسمان هاست پس می آمرزد بیشتر را از شمار موهای گوسپندان قبیله کلب که بیشترین عرب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَزَادَ رَزِيْنٌ مِمَّنْ اسْتَحَقَّ النَّارَ

روایه الترمذی و ابن ماجه و زیاده کرد رزین لفظ ممن استحق النار یعنی مستحق النار را

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم

قَالَ هَلْ تَدْرِيْنَ مَا فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ يَعْنِيْ لَيْلَةَ النِّصْفِ

که فرمود آیا در می یابی تو اے عائشه که چه چیز است درین شب از برکات و غرایب یعنے شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ قَالَتْ مَا فِيْهَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَقَالَ فِيْهَا اَنْ يُكْتَبَ

از شعبان گفت عائشه چه چیز است درین شب یا رسول الله پس فرمود آنحضرت که درین شب نوشته شود

كُلُّ مَوْلُوْدِ بَنِيْ اٰدَمَ فِيْ هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيْهَا اَنْ يُكْتَبَ كُلُّ

هر که زائیده شود از فرزندان آدم درین سال و دیگر در آن شب نوشته شود هر که

هَالِكٍ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ فِيْ هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيْهَا تُرْفَعُ اَعْمَالُهُمْ

هالک شود از فرزندان آدم درین سال و درین شب برداشته شود کردارهائے فرزندان آدم

وَفِيْهَا تَنْزِلُ اَرْزَاقُهُمْ فَقَالَتْ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا مِنْ اَحَدٍ

و در آن شب نازل کرده شود رزقهائے بنی آدم پس گفت عائشه ای پیغمبر خدا نیست هیچ یکے

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا بِرَحْمَةِ اللّٰهِ تَعَالٰى فَقَالَ مَا مِنْ اَحَدٍ

که در آید بهشت را مگر برحمة خدا تعالے پس گفت آنحضرت که نیست هیچ یکے که

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا بِرَحْمَةِ اللّٰهِ تَعَالٰى ثَلٰثًا قُلْتُ وَلَا اَنْتَ

در آید بهشت را مگر برحمة خدا تعالے گفت آنحضرت این کلمات را سه بار گفت عائشه که گفتم و نه در آئی بهشت را

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَوَضَعَ يَدَهٗ عَلٰى هَامَتِهٖ فَقَالَ وَلَا اَنَا اِلَّا

اے پیغمبر خدا پس نهاد آنحضرت دست مبارک خود را بر سر مبارک خود پس گفت و نه من می آیم بهشت را مگر

اَنْ يَّتَغَمَّدَنِيَ اللّٰهُ مِنْهُ بِرَحْمَتِهٖ يَقُوْلُهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ

بپوشد مرا خدا تعالے برحمة خود در حالیکه میگفت آنحضرت این کلمات را سه بار روایت کرده

الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى

بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از ابی موسی

الْاَشْعَرِيِّ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ

اشعری رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود آنحضرت که بدرستیکه خدا تعالے هر آینه

اللّٰهَ لَيَطَّلِعُ فِيْ لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَيَغْفِرُ لِجَمِيْعِ خَلْقِهٖ

واقف می شود بر احوال بندگان در شب نصف از شعبان پس می آمرزد مر همه خلق را

اِلَّا لِمُشْرِكٍ اَوْ مُشَاحِنٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ اَحْمَدُ

مگر کافر را و دشمن دارنده و کینه ورزنده مسلمانان را روایت کرده ابن ماجه و روایت کرده احمد

عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ وَفِيْ رِوَايَتِهٖ اِلَّا اثْنَيْنِ

از عبد الله بن عمرو بن العاص و در روایت احمد آمده که خدا می بخشد همه را مگر

مُشَاحِنٍ وَقَاتِلِ النَّفْسِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ

مشاحن را و خون ناحق ریزنده و کشنده نفس را و روایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم چون باشد شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ فَقُومُوا لَيْلَهَا وَصُومُوا يَوْمَهَا فَإِنَّ اللهَ تَعَالَى

از شعبان پس قیام کنید شب آنرا و روزه دارید روز آنرا پس بدرستیکه خدا تعالی

يَنْزِلُ فِيهَا لِغُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ أَلَا

نزول میکند برحمت درین شب بوقت غروب آفتاب بسوی آسمان دنیا پس میگوید آیا نیست

مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَلَا مُسْتَرْزِقٌ فَأَرْزُقَهُ أَلَا

هیچ آمرزش خواهنده پس بیامرزم مراو را آیا نیست هیچ روزی خواهنده پس روزی دهم او را آیا نیست

مُبْتَلًى فَأُعَافِيَهُ أَلَا كَذَا أَلَا كَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهْ

هیچ بلا رسیده پس برهانم او را از بلا آیا کذا و کذا کنایت است از انواع از ارباب حاجات میگوید خدا این کلمات را تا وقت طلوع فجر

بَابُ الْاِعْتِكَافِ

باب دربیان اعتکاف

عَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ

بود که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان تا آنکه میرانید او را

اللهُ تَعَالَى ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ بَعْدَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

خدای تعالی پس معتکف شدند ازواج مطهره آنحضرت بعد از وی متفق علیه

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از انس رض گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

وسلم که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان

فَلَمْ يَعْتَكِفْ عَامًا فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ اعْتَكَفَ عِشْرِينَ

پس اعتکاف نکرد یکسال پس وقتیکه شد سال آینده اعتکاف کرد دو ده شب یا قضا و دیگر را

دوست میدارد اعتکاف کند پس ثابت شد سنیت آن ۱۲

رواه الترمذي ورواه ابوداود وابن ماجة عن

روه الترمذي ورواه ابو داؤد وابن ماجه از

ابي بن كعب وعن عائشة رض قالت السنة على

ابی ابن کعب وروایت است از عایشه رض گفت عائیشه سنت بر

المعتكف ان لا يعود مريضا ولا يشهد جنازة

معتکف آنست که عیادت نکند مریض را وحاضر نشود نماز جنازه را

ولا يمس المرأة ولا يباشرها ولا يخرج لحاجة

ومساس نکند زن را ومباشرت نکند اورا وبیرون نیاید برای حاجتے

الا لما لا بد منه ولا اعتكاف الا بصوم ولا اعتكاف

مگر برای حاجتے که چاره نیست ازان ودرست نیست اعتکاف مگر بروزه ودرست نیست اعتکاف

الا في مسجد جامع رواه ابوداود وعن ابن عباس رض

مگر در مسجد جامع یعنے مسجد جماعت رواه ابوداؤد وروایت است از ابن عباس رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في

که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت در حق

المعتكف هو يعتكف الذنوب ويجرى له من

معتکف که آن منع کرده می شود وباز داشته می شود از گناهان وجاری داده میشود مر آنرا از

الحسنات كعامل الحسنات كلها رواه ابن ماجة

حسنات که فوت می شود او را بسبب اعتکاف او مثل عامل حسنات همه رواه ابن ماجه

كتاب فضائل القرآن

کتاب در بیان فضائل القرآن

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

پس هرگاه که خوانی قرآن را پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده

٣٦١

قل لئن اجتمعت الانس والجن على ان يأتوا بمثل هذا

بگو اگر جمع شوند آدمیان وجن بر آنکه بیارند مانند این

القرآن لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا

قران هرگز نیارند مانند آن اگرچه باشد بعض ایشان بعض را مددوهنده

ام يقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات

آیا میگویند بربسته است قرآن را بگو پس بیارید ده سوره مانند این بربافته

وادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين

وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا اگر راست گو هستید

وان كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة

واگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود پس بیارید یک سوره

من مثله وادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم

مانند آن وبخوانید مددگاران خودرا بجز خدا اگر هستید

صادقين ۝ فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار

راست گو پس اگر نکردید والبته نتوانید کرد پس حذر کنید از آن آتش سوزان

التي وقودها الناس والحجارة اعدت للكافرين ۝

که آتش انگیز آن مردمان وسنگها باشد آماده کرده شده است برای کافران

لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا

اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هرآیینه میدیدی آنرا نیایش کرده پاره پاره شده

من خشية الله انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون ۝

از خوف خدا هرآیینه ما فرو فرستادیم قرآن را وهرآیینه ما ویرا نگاه بانیم

انا انزلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون ۝ وهذا كتاب

هرآیینه ما فرستادیم آنرا قرآن عربی باشد که شما دریابید واین کتابی است

مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا وَ بُشْرٰى

باور دارنده در زبان عربی برائے آنکه بترساند ستمگاران را و برائے مژده دادن

لِلْمُحْسِنِيْنَ عَنْ عُثْمَانَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نیکوکاران را روایت است از عثمان رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللّٰه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ مَّنْ تَعَلَّمَ الْقُرْاٰنَ وَعَلَّمَهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم بهترین شما کسے که آموخت قرآن را و آموزانید آنرا رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللّٰه علیه

وَسَلَّمَ الْمَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ

وسلم نیکو دریابنده و استاد در قرآن بحفظ و تجوید با ملائکه که بزرگانند و نیکوکار

وَالَّذِيْ يَقْرَأُ الْقُرْاٰنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيْهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهٗ

و آن کسے که میخواند قرآن را و درمیماند در خواندن وے و خواندن قرآن برو دشوار است مر اورا

اَجْرَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

دو اجر است متفق علیه و روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ اِلَّا عَلَى اثْنَيْنِ رَجُلٌ

صلے اللّٰه علیه وسلم نیست جائز رشک بردن مگر بر دو کس یکے مردے

اٰتَاهُ اللّٰهُ الْقُرْاٰنَ فَهُوَ يَقُوْمُ بِهٖ اٰنَاءَ اللَّيْلِ وَاٰنَاءَ

که داده است او را خدا تعالے قرآن را پس آن مرد برمیخیزد بقرآن یعنے میخواند آنرا در ساعات

النَّهَارِ وَرَجُلٌ اٰتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ اٰنَاءَ

صبح و شام دوم مردیکه داده است او را مال پس آنمرد انفاق میکند از آن در ساعات

اللَّيْلِ وَاٰنَاءَ النَّهَارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ

صبح و شام متفق علیه و روایت است از ابن عباس رضـ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِیْ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ آنکسے کہ

لَیْسَ فِیْ جَوْفِہٖ شَیْءٌ مِّنَ الْقُرْاٰنِ کَالْبَیْتِ الْخَرِبِ رَوَاہُ

نیست در درون وے چیزے از قرآن ہمچو خانہ ویران است رواہ

التِّرْمِذِیُّ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ عَمْرٍو رض

الترمذے والدارمی در روایت است از عبد اللہ بن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یُقَالُ لِصَاحِبِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم گفتہ میشود مرصاحب

الْقُرْاٰنِ اِقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ کَمَا کُنْتَ تُرَتِّلُ فِی الدُّنْیَا

قرآن را بخوان وترقی مدارج کن وبتجوید بخوان قرآن را چنانکہ ترتیل میکردی دنیا

فَاِنَّ مَنْزِلَكَ عِنْدَ اٰخِرِ اٰیَةٍ تَقْرَأُھَا رَوَاہُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ

بدرستیکہ منزل تو نزد آخر آیتے کہ میخوانی آنرا رواہ احمد والترمذے

وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالنَّسَائِیُّ وَعَنْ اَبِیْ سَعِیْدٍ رض قَالَ قَالَ

وابو داود والنسائے در روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ الرَّبُّ تَبَارَكَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگوید پروردگار تبارک

وَتَعَالٰی مَنْ شَغَلَہُ الْقُرْاٰنُ عَنْ ذِکْرِیْ وَمَسْئَلَتِیْ اَعْطَیْتُہٗ

وتعالے کسے کہ بازدارد اورا قرآن از ذکر کردن من ودعا وسوال من میدہم اورا

اَفْضَلَ مَا اُعْطِی السَّائِلِیْنَ وَفَضْلُ کَلَامِ اللّٰہِ عَلٰی سَائِرِ

بیشتر از آنچہ میدہم سوال کنندگان را وفضل کلام خدا بر باقی کلام خلایق

الْکَلَامِ کَفَضْلِ اللّٰہِ عَلٰی خَلْقِہٖ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَالدَّارِمِیُّ

ہمچو فضل خدا ست بر مخلوق او رواہ الترمذی والدارمی

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والبیهقی در شعب ایمان و روایت است از ابن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند یک حرف از

كِتَابِ اللّٰهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لَا أَقُولُ

کتاب خدا پس مراورا ست نیکی و ہر نیکی جزا دادہ می شود بدہ چند او نمیگویم

الٓمّٓ حَرْفٌ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَامٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ رَوَاهُ

الم یک حرف است بل الف تنہا حرفست وہمچنین لام حرف ست و میم حرف است رواہ

التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ مُعَاذٍ الْجُهَنِيِّ رض قَالَ

الترمذی والدارمی و روایت است از معاذ الجہنی رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند قرآن را

وَعَمِلَ بِمَا فِيهِ أُلْبِسَ وَالِدَاهُ تَاجًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ضَوْءُهُ

وعمل کرد بچیزے کہ در قرآن است پوشانیدہ شوند پدر و مادر او تاج روز قیامت کہ روشنائی او

أَحْسَنُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ فِي بُيُوتِ الدُّنْيَا لَوْ كَانَتْ

خوشتر و قوی تر از روشنائی آفتاب باشد در خانہ ہاے دنیا اگر می بود آفتاب

فِيكُمْ فَمَا ظَنُّكُمْ بِالَّذِي عَمِلَ بِهٰذَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ

در خانہ ہای شما پس چیست گمان شما بآن کیسکہ بخواند و عمل کند بقرآن رواہ احمد و ابوداؤد

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

و روایت است از عقبہ بن عامر رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَوْ جُعِلَ الْقُرْآنُ فِي إِهَابٍ ثُمَّ

صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت اگر گردانیدہ می شد قرآن در پوستے پستر

الْتُقِيَ فِي النَّارِ مَا احْتَرَقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ رض

انداختہ مجمع شدہ در آتش نسوخت روایت الدارمی در روایت است از علی رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ بخواند قرآن را

فَاسْتَظْهَرَهُ فَأَحَلَّ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ

پس یاد کرد آنرا پس حلال گرداند حلال آنرا وحرام گرداند حرام آنرا در می آرد خدا تعالیٰ اورا

الْجَنَّةَ وَشَفَّعَهُ فِي عَشَرَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ

دربہشت وقبول میکند شفاعت اورا در دہ کس از اہل بیت وے کہ ہمہ ایشان بتحقیق

وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

واجب شدہ است مر ایشان را آتش رواہ احمد والترمذی وابن ماجہ

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

در روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَاقْرَءُوهُ فَإِنَّ مَثَلَ

علیہ وسلم بیاموزید قرآن را پس بخوانید آنرا پس بدرستیکہ حال

الْقُرْآنِ لِمَنْ تَعَلَّمَهُ فَقَرَأَهُ وَقَامَ بِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ مَحْشُوٍّ

قرآن مر کسے را کہ آموخت پس خواند آنرا وقیام کرد بدان ہمچو انبانی است کہ پر کردہ

مِسْكًا تَفُوحُ بِرِيحِهِ كُلَّ مَكَانٍ وَمَثَلُ مَنْ تَعَلَّمَهُ

بمشک میدمید بوئے وے در ہر جا وحال کسیکہ آموخت قرآن را

فَرَقَدَ فَهُوَ فِي جَوْفِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ أُوكِيَ عَلَى مِسْكٍ

پس خواب کرد حال آنکہ قرآن در شکم اوست ہمچو حال انبان مشک است کہ بستہ شدہ است بروے

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

رواہ الترمذی والنسائی وابن ماجہ در روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى قَرَأَ طٰهٰ وَيٰسٓ قَبْلَ اَنْ يَّخْلُقَ السَّمٰوَاتِ

بدرستیکہ خدا تعالٰی خواند یعنے اظہار کرد سورہ طٰہٰ و یٰس را پیش از آنکہ پیدا کند آسمان ہا

وَالْاَرْضَ بِاَلْفِ عَامٍ فَلَمَّا سَمِعَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ الْقُرْاٰنَ قَالَتْ

و زمین را بہزار سال پس ہرگاہ کہ شنیدند فرشتگان قرأت طٰہٰ و یٰس را گفتند فرشتگان

طُوْبٰى لِاُمَّةٍ يَّنْزِلُ هٰذَا عَلَيْهَا وَطُوْبٰى لِاَجْوَافٍ تَحْمِلُ هٰذَا

خیر و خوبی باد مر امتے را کہ فرود فرستادہ شود این ہر دو سورہ بر آن امت و خوبی باد مر آن شکمہا را

وَطُوْبٰى لِاَلْسِنَةٍ تَتَكَلَّمُ بِهٰذَا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ

و خوبی باد مر زبان ہا را کہ تکلم کنند باین رواہ الدارمی و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اَعْرِبُوا الْقُرْاٰنَ وَاتَّبِعُوْا غَرَآئِبَهٗ وَغَرَآئِبُهٗ فَرَآئِضُهٗ

اظہار کنید معانی قرآن را و پیروی کنید غرایب قرآن را و غرایب وے فرایض او

وَحُدُوْدُهٗ وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و حدود او ست و روایت است از عائشہ رض کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ قِرَآءَةُ الْقُرْاٰنِ فِي الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ مِنْ

وسلم گفت خواندن قرآن در نماز بہتر است از

قِرَآءَةِ الْقُرْاٰنِ فِيْ غَيْرِ الصَّلٰوةِ وَقِرَآءَةُ الْقُرْاٰنِ فِيْ غَيْرِ

خواندن قرآن در غیر نماز و خواندن قرآن در غیر

الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ مِنَ التَّسْبِيْحِ وَالتَّكْبِيْرِ وَالتَّسْبِيْحُ اَفْضَلُ

نماز افضل است از تسبیح و تکبیر و تسبیح بہتر است

مِنَ الصَّدَقَةِ وَالصَّدَقَةُ اَفْضَلُ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمُ

از صدقہ دادن در راہ خدا وصدقہ دادن بہتر است از روزہ داشتن وروزہ داشتن

جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَعَنْ عُثْمَانَ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ اَوْسٍ

سپر است از آتش دوزخ وروایت است از عثمان ابن عبد اللہ ابن اوس

الثَّقَفِيِّ عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الثقفی از جد خود کہ اوس است گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

قِرَاءَةُ الرَّجُلِ الْقُرْاٰنَ فِيْ غَيْرِ الْمُصْحَفِ اَلْفُ دَرَجَةٍ وَقِرَاءَتُهٗ

ثواب خواندن مرد قرآن را در غیر مصحف ہزار درجہ دارد وثواب خواندن او

فِي الْمُصْحَفِ تُضَعَّفُ عَلٰى ذٰلِكَ اِلٰى اَلْفَيْ دَرَجَةٍ وَعَنْ

در مصحف زیادہ کردہ می شود بر آن تا دو ہزار درجہ وروایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اِنَّ هٰذِهِ الْقُلُوْبَ تَصْدَاُ كَمَا يَصْدَاُ الْحَدِيْدُ اِذَا اَصَابَهُ

بدرستیکہ این دلہای مردم زنگ میگیرد یعنے تیرہ میگردد چنانکہ زنگ میگیرد آہن وقتیکہ میرسد آنرا

الْمَاءُ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا جِلَاؤُهَا قَالَ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ

آب گفتہ شد اے رسول خدا چیست سبب روشنی وصفائی وی گفت بسیار یاد کردن موت

وَتِلَاوَةُ الْقُرْاٰنِ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الْاَرْبَعَةَ فِيْ

وخواندن قرآن است روایت کرد بیہقی این چہار حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا اَنَّ نَبِيَّ اللّٰهِ صَلَّى

شعب ایمان وروایت است از حسن بصری از روے ارسال کہ آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ مِائَةَ اٰيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهُ

اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ بخواند در شبے صد آیت قرآن محاجات نکند وخصومت نساز

الْقُرْاٰنَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَمَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ مِائَتَيْ اٰيَةٍ

قرآن در آن شب و کسیکه بخواند در شبے دو صد آیت

كُتِبَ لَهٗ قُنُوْتُ لَيْلَةٍ وَمَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ خَمْسَ مِائَةِ اٰيَةٍ

نوشته شود برائے وے طاعت شب و کسیکه بخواند در شبے پنجصد آیت

اِلَى الْاَلْفِ اَصْبَحَ وَلَهٗ قِنْطَارٌ مِّنَ الْاَجْرِ قَالُوْا وَمَا الْقِنْطَارُ

تا هزار صبح میکند درحالیکه مرا وراست قنطار از اجر گفتند صحابه چیست قنطار

قَالَ اِثْنَا عَشَرَ اَلْفًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسَى

گفت آنحضرت قنطار مقدار دوازده هزار است رواه الدارمی و روایت است از ابی موسی

الْاَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت ابی موسی که فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

تَعَاهَدُوا الْقُرْاٰنَ فَوَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَهُوَ اَشَدُّ

رعایت و مداومت کنید بقرآن پس سوگند بخدا که بقا ذات من در دست قدرت اوست هر آئینه قرآن سخت

تَفَصِّيًا مِّنَ الْاِبِلِ فِيْ عُقُلِهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

از روے رها شدن از شتر که بسته باشد پاے وے در رسن متفق علیه و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَّمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْاٰنِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ

نیست از ما کسیکه تغنی نکند بقرآن یعنے مستغنے شود از همه رواه بخاری و روایت است از

الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

براء بن عازب رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ زَيِّنُوا الْقُرْاٰنَ بِاَصْوَاتِكُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ

وسلم بیارائید قرآن را بخوش آوازهاے شما رواه احمد و ابو داؤد

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رض قَالَ

وابن ماجه والدارمے درروایت است از سعد بن عباده رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِءٍ يَقْرَأُ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ مردیکہ می خواند

الْقُرْاٰنَ ثُمَّ يَنْسَاهُ اِلَّا لَقِيَ اللّٰهَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَجْذَمَ رَوَاهُ

قرآن را پستر فراموش گرداند آنرا مگر آنکہ پیش می آید خدارا روز قیامت منقطع الاعضا یعنی ہیچو بندہ

اَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

ابوداود والدارمے درروایت است از عبد اللہ بن عمرو رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمْ يَفْقَهْ

کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ نفہمید

مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ فِيْ اَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

کسیکہ خواند قرآن در کمتر از سہ روز روا ہ الترمذے

وَاَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ

وابوداود والدارمے درروایت است از عقبہ بن عامر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم جہر کنندہ قرآن را

كَالْجَاهِرِ بِالصَّدَقَةِ وَالْمُسِرُّ بِالْقُرْاٰنِ كَالْمُسِرِّ بِالصَّدَقَةِ

ہمچو آشکارا دہندہ است صدقہ را و آہستہ خوانندہ قرآن را ہمچو پنہان دہندہ است صدقہ را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ اللَّيْثِ

رواہ الترمذے وابوداود والنسائے درروایت است از لیث

بْنِ سَعْدٍ رض عَنِ ابْنِ اَبِيْ مُلَيْكَةَ عَنْ يَعْلَى ابْنِ مَمْلَكٍ رض

بن سعد رض کہ وے روایت میکند از ابن ابی ملیکہ از یعلے ابن مملک رض

أَنَّهُ سَأَلَ أُمَّ سَلَمَةَ رض عَنْ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

که وے پرسید از ام سلمه رض از قرارت پیغمبر صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَإِذَا هِيَ تَنْعَتُ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا

وسلم پس ناگاه ام سلمه صفت میکند قرأت آنحضرت را کشاده است حرف بعد از حرف جدا جدا

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

رواه الترمذی و ابو داود والنسائی وروایت است از حذیفه

رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِقْرَءُوا

رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخوانید

الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ

قرآن را بلحن عرب وخوش آوازهای ایشان ودور دارید خود را از لحن

أَهْلِ الْعِشْقِ وَلُحُونَ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ وَسَيَجِيءُ بَعْدِي

اهل عشق ولحن‌های اهل دو کتاب یعنی توریت وانجیل و زود باشد که بیاید پس از من

قَوْمٌ يُرَجِّعُونَ بِالْقُرْآنِ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ وَلَا يُجَاوِزُ

گروهے که ترجیع کنند بقرآن مانند سرود ولوحه ونمیگذرد قرآن

حَنَاجِرَهُمْ مَفْتُونَةٌ قُلُوبُهُمْ وَقُلُوبُ الَّذِينَ يُعْجِبُهُمْ

گلوهای ایشان را در فتنه انداخته شده است دلهای ایشان ودلهای آنکسان که خوش می‌آید ایشانرا

شَأْنُهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَرَزِينٌ فِي

حال ایشان رواه بیهقی در شعب ایمان ورزین در

كِتَابِهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ

کتاب خود وروایت است از براء بن عازب رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ

صلی الله علیه وسلم که میگفت نیک گردانید قرآن را بآوازهای خود

فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

زیرا کہ آواز خوش زیادہ میگرداند قرآن را در حسن رواہ الدارمی

وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَاصٍّ يَقْرَأُ

و روایت است از عمران بن حصین رض کہ او گذشت بر قصہ خوان قرآن میخواند

ثُمَّ يَسْأَلُ فَاسْتَرْجَعَ ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

و از مردم سوال میکرد پس استرجاع کرد عمران بستر گفت کہ شنیدم آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَلْيَسْأَلِ اللهَ بِهِ

علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ خواند قرآن را پس باید کہ سوال کند خدا را بقرآن

فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ أَقْوَامٌ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ يَسْأَلُونَ بِهِ

پس بدرستیکہ شان اینست زود باشد کہ بیایند گروہہا کہ بخوانند قرآن را و سوال کنند بآن

النَّاسَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ

از مردم رواہ احمد و الترمذی و روایت است از بریدہ گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند قرآن را

يَتَأَكَّلُ بِهِ النَّاسَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَوَجْهُهُ عَظْمٌ

درحالیکہ طلب اکل میکند بقرآن از مردم بیاید آنکس روز قیامت حال آنکہ روی وی استخوان است

لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ

کہ نیست در روی وی گوشت رواہ بیہقی در شعب ایمان و روایت است از

أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

انس بن مالک رض گفت گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

إِنَّ لِلّٰهِ أَهْلِيْنَ مِنَ النَّاسِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللهِ مَنْ هُمْ

بدرستیکہ مر خدا را است اہالیان و خواص از مردمان گفتند صحابہ ای پیغمبر خدا کیستند ایشان

حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ فَإِنَّ اللّٰهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ سُنَنَ الْهُدٰى وَإِنَّهُنَّ مِنْ

در جائیکه ندا کرده شود برای آنها پس بدرستیکه خدای تعالی شروع کرد برای پیغامبر شما راههای هدایت را و بدرستی این پنجگانه از

سُنَنِ الْهُدٰى وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هٰذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي

جملهٔ این طریقهاست و اگر ثابت شود آنکه شما گذارید نماز را در خانهای خود چنانکه میگذارد این شخص باز مانده در

بَيْتِهِ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَمَا مِنْ

خانهٔ خود هر آینه ترک کرده شوید طریقهٔ پیغامبر خود را و اگر ترک کنید طریقهٔ پیغمبر خود را هر آینه گمراه شوید و نیست هیچ

رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ ثُمَّ يَعْمِدُ إِلٰى مَسْجِدٍ مِنْ هٰذِهِ الْمَسَاجِدِ إِلَّا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را پس قصد رفتن کند بسوی مسجدی از مساجد مگر آنکه

كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً وَرَفَعَهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ

بنویسد خدای تعالی برای او بهر گامیکه میگذارد نیکی و ثواب و بلند گرداند برای او پایهٔ ارجمندی و کم گرداند از و

بِهَا سَيِّئَةً وَلَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النِّفَاقِ

بسبب آن بدی و بتحقیق دیدیم ما صحابه همه که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافق که نفاق او ظاهر بود

وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتٰى بِهِ يُهَادٰى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتّٰى يُقَامَ فِي الصَّفِّ

و بتحقیق بود مرد بیماری که آورده میشد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف بیماری بر دو مرد تا آنکه ایستاده کرده میشد بصف

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت کرده مسلم و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ سَمِعَ الْمُنَادِيَ فَلَمْ يَمْنَعْهُ مِنِ اتِّبَاعِهِ عُذْرٌ قَالُوا وَمَا

وسلم کسیکه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد او را از پیروی کردن آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

الْعُذْرُ قَالَ خَوْفٌ أَوْ مَرَضٌ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ الصَّلٰوةُ الَّتِي صَلّٰى رَوَاهُ

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمیشود از وی نماز که گذارده است روایت

أَبُو دَاوُدَ وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

ابوداود و دارقطنی و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ ثَلٰثَةٍ فِىْ قَرْيَةٍ وَّلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيْهِمُ الصَّلٰوةُ

صلی اللہ علیہ وسلم نیست سہ مرد در دیہی و یا در بادیہ کہ برپا کردہ نمیشود در میان ایشان نماز بجماعت

اِلَّا قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَاِنَّمَا يَاْكُلُ الذِّئْبُ

مگر آنکہ غالب شد برایشان شیطان پس بر تو باد کہ لازم گیری جماعت را زیرا کہ میخورد مگر گرگ گوسفندی را

الْقَاصِيَةَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالنَّسَائِىُّ **وَعَنْ** اَبِىْ هُرَيْرَةَ رَضِىَ

کہ دور افتادہ است رواہ احمد وابو داود ونسائی و در روایت است از ابی ہریرہ رضی

اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ صَلٰوةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَّعِشْرِيْنَ دَرَجَةً

اللہ تعالی عنہ نماز کہ با جماعت گذارند زیادتی میکند بر نماز یکہ تنہا بگذارد بہ بست و ہفت درجہ

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ **وَعَنْهُ** قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیہ روایت است از ابی ہریرہ رضی اللہ عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

وَالَّذِىْ نَفْسِىْ بِيَدِهٖ لَقَدْ هَمَمْتُ اَنْ اٰمُرَ بِحَطَبٍ فَيُحْطَبَ ثُمَّ اٰمُرَ

بخدای کہ بقای ذات من بدست قدرت اوست بتحقیق آہنگ کردم کہ امر کنم بجمع کردن ہیزم پس جمع کردہ شود ہیزم پس امر کنم

بِالصَّلٰوةِ فَيُؤَذَّنُ لَهَا ثُمَّ اٰمُرَ رَجُلًا فَيَؤُمَّ النَّاسَ ثُمَّ اُخَالِفَ اِلٰى

باذان گفتن برای نماز پس اذان گفتہ شود برای نماز پس امر کنم مردی را با امامت کردن پس امامت کند مردم را پس بیایم بسوی

رِجَالٍ وَفِىْ رِوَايَةٍ لَا يَشْهَدُوْنَ الصَّلٰوةَ فَاُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوْتَهُمْ

مردانیکہ و در روایتی این کلمات است حاضر نشوند برای نماز پس بسوزانم برایشان خانہای ایشان

وَالَّذِىْ نَفْسِىْ بِيَدِهٖ لَوْ يَعْلَمُ اَحَدُهُمْ اَنَّهٗ يَجِدُ عَرْقًا سَمِيْنًا اَوْ مِرْمَاتَيْنِ

بخدا سوگند اگر بداند یکی از ایشان کہ اوی یابد استخوان فربہ یا در و سم گاو

حَسَنَتَيْنِ لَشَهِدَ الْعِشَاءَ رَوَاهُ الْبُخَارِىُّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهٗ

گوسفند کہ نیکو در آید در نظر مرد و زن ہر آئینہ حاضر میگردد نماز عشا را رواہ بخاری و مسلم را مانند آنست

بَابُ تَسْوِيَةِ الصَّفِّ

باب در برابر کردن صف وقت نماز

عن النعمان ابن البشير رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى

و روایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم يسوي صفوفنا حتى كأنما يسوي بها القداح حتى رأى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را در نماز تا آنکه گویا برابر میکرد بآن صفها قداح را یعنی چوب تیر تا آنکه دید آنحضرت

انا قد عقلنا عنه ثم خرج يوما فقام حتى كاد ان يكبر فرأى رجلا

که ما بتحقیق فهمیدیم از قول و فعلش برابر کردن صف را پس آمد آنحضرت روزی پس استاد تا آنکه نزدیک بود که الله اکبر گوید پس دید مردی را

باديا صدره من الصف فقال عباد الله لتسون صفوفكم او

که بیرون رست سینه او از صف پس گفت ای بندگان خدا هر آئینه باید که برابر کنید شما صفهای خود را یا آنکه

ليخالفن الله بين وجوهكم رواه مسلم وعن عائشة

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا تعالی در میان ذاتهای شما رواه مسلم و روایت است از عائشه

رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا

وملئكته يصلون على ميامن الصفوف وعن ابي امامة

و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای راست از صفوف و از ابی امامه مرویست

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی

وملئكته يصلون على الصف الاول قالوا يا رسول الله وعلى

و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثاني قال ان الله وملئكته يصلون على الصف الاول قالوا يا

صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای

رسول الله وعلى الثاني قال ان الله وملئكته يصلون على الصف

پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود که بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف

الأول قالوا يا رسول الله وعلى الصف الثاني قال وعلى الثاني وقال

اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم و فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم سووا صفوفكم وحاذوا بين

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازند صفهای خود را و برابری کنید میان

مناكبكم ولينوا في ايدي اخوانكم وسدوا الخلل فان الشيطان

دوشهای خود و نرمی کنید در پیش دستهای برادران خود و بند کنید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

يدخل فيما بينكم بمنزلة الحذف يعني اولاد الضأن الصغار

میدر آید در میان شما در رنگ حذف مراد است از لفظ حذف بچهای میش که خرد باشند

رواه احمد وعن ابن عمر رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد احمد و از ابن عمر روایت رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم اقيموا الصفوف وحاذوا بين المناكب وسدوا

صلی الله علیه وسلم برپا کنید صفوف را و برابری کنید در میان دوشهای خود و بند کنید

الخلل ولينوا بايدي اخوانكم ولا تذروا فرجات الشيطان ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما و مگذارید فرجها شیطان را و کسیکه

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه ابوداود

وصل کند صف را وصل کند او را خدا تعالی و کسیکه ببرد و رخنه کند صف را ببرد و دور اندازد او را خدا تعالی روایت کرد ابو داود

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لا يزال قوم يتأخرون عن الصف الاول حتى يؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می نشینند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله في النار رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه

خدا تعالی در آتش روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

لم تفتح قط الا اليوم فنزل منه ملك فقال هذا ملك
وکشاده نشد هرگز مگر امروز پس فرود آمد از آن فرشته پس گفت جبرئیل ع که این فرشته است
نزل الى الارض لم ينزل قط الا اليوم فسلم فقال ابشر
که فرود آمده است بسوے زمین که فرود نیامده هرگز مگر امروز پس سلام گفت آن فرشته پس گفت
بنورين اوتيتهما لم يؤتهما نبي قبلك فاتحة الكتاب
بدو نورے که داده شد بتو داده نشد آن دو نور ہیچ پیغمبر پیش از تو یکے سوره الحمد
وخواتيم سورة البقرة لن تقرأ بحرف منهما الا اعطيته
و دیگر دو آیت که در آخر سوره بقره است یعنی از آمن الرسول تا آخر سوره هرگز نخوانی بحرفے از فاتحه و آمن الرسول مگر آنکه داده شود
وعن ابي الدرداء رض قال قال رسول الله صلى الله
و روایت است از ابی الدردا گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عليه وسلم ايعجز احدكم ان يقرأ في ليلة ثلث القران
علیه وسلم آیا عاجز می آید یکے از شما از آنکه بخواند در شبے ثلث قرآن را
قالوا وكيف يقرأ ثلث القران قال قل هو الله احد
گفتند صحابه چگونه خواند ثلث قرآن را در شب فرمود که سوره قل هو الله احد
يعدل ثلث القران رواه مسلم وروى البخاري عن
برابر است ثلث قرآن را رواه مسلم و روایت کرد بخاری از
ابي سعيد رض وعن انس رض قال قال رسول الله صلى
ابی سعید رض و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی
الله عليه وسلم ان لكل شيء قلبا وقلب القران يس
الله علیه وسلم بدرستیکه مر هر شے را دلیست و دل قرآن سوره یاسین است
ومن قرأ يس كتب الله له بقراءتها قراءة القران
و هر که بخواند سوره یٰسین می نویسد خدا تعالی مر او را بسبب خواندن آن ثواب خواندن قرآن

بیان فضیلت فاتحه و خواتیم سوره بقره

بیان فضائل سوره اخلاص و یٰسین

عشر مرات رواه الترمذي والدارمي وعن ابي هريرة

ده مرتبه رواه الترمذی والدارمی وازابی ہریرہ رضہ مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ حم

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ خواند سورۂ حم

الدخان في ليلة اصبح يستغفر له سبعون الف ملك

الدخان را در شب صبح میکند درحالیکه آمرزش میخواہند او را ہفتاد ہزار فرشتگان۔

رواه الترمذي وعن ابن عباس رض قال ضرب بعض

رواه الترمذے وروایت است از ابن عباس رضہ گفت کہ زد بعضے

اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خباءه على قبر وهو

از اصحاب پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم خیمہ خود را برگورے و وے

لا يحسب انه قبر فاذا فيه انسان يقرأ سورة تبارك

گمان نمی برد کہ آن قبر است پس ناگاہ در آن قبر آدمیست کہ میخواند سورہ تبارک

الذي بيده الملك حتى ختمها فاتى النبي صلى الله عليه

الذی بیدہ الملک تاآنکہ ختم کرد آنرا پس آمد وے پیغمبر خدا را صلی اللہ علیہ

وسلم فاخبره فقال النبي صلى الله عليه وسلم هي

وسلم پس خبر داد آنحضرت را باینحال پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ این سورہ مانع

المانعة هي المنجية تنجيه من عذاب القبر رواه الترمذي

مانعہ است این سورہ رستگاری دہندہ است رستگاری میدہد او را از عذاب القبر رواہ الترمذی

وعن ابن عباس رض وانس بن مالك رض قالا قال رسول الله

و روایت است از ابن عباس رضہ وانس بن مالک رضہ گفتند این ہردو کہ فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا زلزلت تعدل نصف القرآن

صلے اللہ علیہ وسلم کہ سورۂ اذا زلزلت برابر است نصف قرآن را

وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْاٰنِ وَقُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُوْنَ

و قل هو الله احد برابر است ثلث قرآن را و قل یا ایها الکافرون

تَعْدِلُ رُبُعَ الْقُرْاٰنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ

برابر است ربع قرآن را رواه الترمذی و روایت است از معقل بن

يَسَارٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يُصْبِحُ

یسار رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که گفت آنحضرت هر که بگوید هنگامیکه صبح کند

ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيْعِ الْعَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ

سه مرتبه اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم

فَقَرَأَ ثَلٰثَ اٰيَاتٍ مِنْ اٰخِرِ سُوْرَةِ الْحَشْرِ وَكَّلَ اللّٰهُ بِهٖ

پس بخواند سه آیت از آخر سوره حشر وکیل گرداند خدا تعالے بوے

سَبْعِيْنَ اَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّوْنَ عَلَيْهِ حَتّٰى يُمْسِيَ وَاِنْ مَاتَ

هفتاد هزار فرشته را که درود میفرستند بروے تا آنکه شام کند و اگر بمیرد آن کس

فِيْ ذٰلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيْدًا وَمَنْ قَالَهَا حِيْنَ يُمْسِيْ كَانَ

در آن روز می میرد شهید و کسیکه بگوید این سه آیت را هنگامیکه شام میکند با

بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ

بهمان مرتبه که در صبح ذکر کرده شد رواه الترمذی والدارمی و روایت است از انس رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَأَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَتَيْ

از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که گفت آنحضرت کسیکه بخواند هر روز دو صد

مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ مُحِيَ عَنْهُ ذُنُوْبُ خَمْسِيْنَ سَنَةً اِلَّا

بار قل هو الله احد محو کرده شود از وے گناهان پنجاه سال مگر

اَنْ يَكُوْنَ عَلَيْهِ دَيْنٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

آنکه باشد بروے وامے رواه الترمذی والدارمی

وَفِي رِوَايَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً وَلَمْ يَذْكُرْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ

و در روایت دارمی خواندن و پنجاه بار واقع شده و ذکر نکرده است دارمی این استثنا را که از الا

دَيْنٌ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَرَادَ

تا یکون علیه دین و از وے مرویست که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه خواہد که

أَنْ يَنَامَ عَلَى فِرَاشِهِ فَنَامَ عَلَى يَمِينِهِ ثُمَّ قَرَأَ مِائَةَ

خواب کند بر بستر خود پس بخوابد بر جانب راست خود پس بخواند صد

مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ يَقُولُ لَهُ الرَّبُّ

بار قل ہو اللہ احد وقتیکه باشد روز قیامت میگوید مر او را پروردگار

يَا عَبْدِيْ اُدْخُلْ عَلَى يَمِينِكَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

اے بندہ من در آئے بر جانب راست خود در بہشت رواہ الترمذے

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در روایت است از ابی ہریرة رض که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ فَقَالَ وَجَبَتْ قُلْتُ

شنید مردے را که میخواند قل ہو اللہ احد پس فرمود آنحضرت که واجب گشت گفتم

وَمَا وَجَبَتْ قَالَ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

چه واجب گشت فرمود آنحضرت بہشت رواہ مالک و ترمذی و نسائی

وَعَنْ أَيْفَعَ بْنِ عَبْدِ الْكَلَاعِيِّ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ

و در روایت است از ایفع بن عبد الکلاعے رض گفت ایفع که گفت مردے

يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْاٰنِ

اے پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کدام سورہ از قرآن

أَعْظَمُ قَالَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ قَالَ فَأَيُّ اٰيَةٍ فِي الْقُرْاٰنِ أَعْظَمُ

بزرگتر است فرمود آنحضرت قل ہو اللہ احد گفت مرد پس کدام آیت در قرآن بزرگتر است

قَالَ اٰيَةُ الْكُرْسِيِّ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ قَالَ فَاَيُّ

گفت آنحضرت آیة الکرسی که اللّٰه لا اله الا هو الحي القيوم تا آخر است گفت آن مرد پس کدام

اٰيَةٍ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ تُحِبُّ اَنْ تُصِيْبَكَ وَاُمَّتَكَ قَالَ

آیت است اے پیغمبر خدا دوست میداری که برسد خیر و دعا ترا و امت ترا گفت آنحضرت

خَاتِمَةُ سُوْرَةِ الْبَقَرَةِ فَاِنَّهَا مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَةِ اللّٰهِ

خاتمه سورهٔ بقر زیرا که آن از خزینہائے رحمت خدا است

مِنْ تَحْتِ عَرْشِهٖ اَعْطَاهَا هٰذِهِ الْاُمَّةَ لَمْ تَتْرُكْ خَيْرًا

از زیر عرش وے داده است آن را باین امت ترک نکرده است هیچ چیزے از خیر

مِنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

دنیا و آخرت مگر آنکه مشتمل است بروے و در گرفته است رواه الدارمی

وَعَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از عبد الملک بن عمیر بطریق مرسل گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فِيْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ شِفَاءٌ مِّنْ

صلے اللّٰه علیه وآله وسلم که در سوره فاتحة الکتاب شفا است از

كُلِّ دَاءٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

هر مرض جسمانی و روحانی اگر بطریق یقین بخواند رواه الدارمی و بیهقی در شعب ایمان

وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رض قَالَ مَنْ قَرَأَ اٰخِرَ

و روایت است از عثمان بن عفان رض گفت کسیکه بخواند آخر سوره

اٰلِ عِمْرَانَ فِيْ لَيْلَةٍ كُتِبَ لَهٗ قِيَامُ لَيْلَةٍ وَعَنْ مَكْحُوْلٍ

آل عمران در شبے نوشته می شود مر آنکس را ثواب بیدار شب و از مکحول مرویست

قَالَ مَنْ قَرَأَ سُوْرَةَ اٰلِ عِمْرَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَلَّتْ عَلَيْهِ

گفت کسیکه بخواند سوره آل عمران روز جمعه درود فرستند بر آنکس

الْمَلٰئِكَةُ اِلَى اللَّيْلِ رَوَاهُمَا الدَّارِمِيُّ وَعَنْ كَعْبٍ

واستغفار كنند مر او را فرشتگان تا شب رواهما الدارمي و روايت است از كعب رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اقْرَءُوْا سُوْرَةَ

بدرستيكه آنحضرت صلے الله عليه وسلم فرمود بخوانيد سوره

هُوْدٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ

هود را روز جمعه رواه الدارمي و روايت است از ابي سعيد خدري رض

اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَأَ سُوْرَةَ الْكَهْفِ

بدرستيكه آنحضرت صلے الله عليه وسلم فرمود كسيكه بخواند سوره كهف را

فِيْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ اَضَاءَ لَهُ النُّوْرُ مَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ رَوَاهُ

در روز جمعه روشن ميگردد مر او را نور ايمان درميان آنچه دو جمعه است رواه

الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ خَالِدِ بْنِ مَعْدَانَ

بيهقي در دعوات الكبير و روايت است از خالد بن معدان رض

قَالَ اقْرَءُوا الْمُنْجِيَةَ وَهِيَ الٓمٓ تَنْزِيْلُ فَاِنَّهٗ بَلَغَنِيْ اَنَّ

گفت خالد بخوانيد سوره كه رستگاري دهنده است و آن الٓمٓ تنزيل كه در وسجده است از براكه رسيده است

رَجُلًا كَانَ يَقْرَأُهَا مَا يَقْرَأُ شَيْئًا غَيْرَهَا وَكَانَ كَثِيْرَ

مردے بود كه ميخواند آنرا نميخواند چيزے را جز اين و بود آنمرد بسيار

الْخَطَايَا فَنَشَرَتْ جَنَاحَهَا عَلَيْهِ قَالَتْ رَبِّ اغْفِرْ لَهٗ

گناهگار پس پراگنده كرد اين سوره بال خود را بر آنمرد شفاعت كرد اين سوره و گفت اے پروردگار من

فَاِنَّهٗ كَانَ يُكْثِرُ قِرَاءَتِيْ فَشَفَّعَهَا الرَّبُّ تَعَالٰى فِيْهِ وَقَالَ

پس بدرستيكه بود آنمرد بسيار ميكرد خواندن مرا پس قبول شفاعت كرد پروردگار در حق آنمرد و گفت

اكْتُبُوْا لَهٗ بِكُلِّ خَطِيْئَةٍ حَسَنَةً وَّارْفَعُوْا لَهٗ دَرَجَةً

پروردگار بفرشتگان كه بنويسيد براے اين مرد بعوض هر بدي نيكي و بلند گردانيد براے وے درجه

وقال ایضا انها تجادل عن صاحبها فی القبر تقول اللهم

وگفت نیز بدرستیکه این سوره خصومت میکند در قبر از جانب خواننده خود باینطور که میگوید خداوندا

ان کنت من کتابک فشفعنی فیه وان لم اکن من کتابک

اگر هستم سوره از کتاب تو پس قبول کن شفاعت من در حق وی و اگر نیستم سوره از کتاب تو

فامحنی عنه وانها تکون کالطیر تجعل جناحها علیه

پس محو کن مرا از کتاب و بدرستیکه این سوره میگردد بقدرت خدا همچو جانور پرنده می اندازد بازو خود بر خواننده

فتشفع له فتمنعه من عذاب القبر وقال فی تبارک

پس شفاعت میکند مر او را پس منع میکند از عذاب قبر وگفت در سوره تبارک

مثله وکان خالد لا یبیت حتی یقرأهما وقال طاؤس

مانند این و بود خالد که شب نمیکرد تا آنکه میخواند این دو سوره را و گفت طاؤس تابعی

فضلتا علی کل سورة فی القران بستین حسنة رواه

تفضیل داده شده اند این دو سوره بر هر سوره که در قرآن است بشصت نیکی رواه

الدارمی وعن عطاء ابن ابی رباح قال بلغنی ان

الدارمی و روایت است از عطاء ابن ابی رباح گفت که رسیده است مرا بدرستیکه

رسول الله صلی الله علیه وسلم قال من قرأ یس فی

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره یسین در

صدر النهار قضیت حوائجه رواه الدارمی مرسلا

اول روز پرداخته شود حاجتهای وی روایت کرد اینحدیث را دارمی بطریق مرسل

وعن معقل بن یسار المزنی رض ان النبی صلی الله

و روایت است از معقل بن یسار المزنی رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله

علیه وسلم قال من قرأ یس ابتغاء وجه الله تعالی

علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره یسین از برای طلب رضای خدای تعالی

غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ فَاقْرَءُوهَا عِنْدَ مَوْتَاكُمْ
آمرزیده شود چیزے کہ پیش رفتہ است از گناہ وے پس بخوانید آنرا نزد مردہائے شا یعنی کیسکہ مشرف بموت

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ
رواه البیهقی در شعب ایمان و مرویست از علی رض گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِكُلِّ شَيْءٍ
شنیدم آنحضرت را صلے الله علیه وسلم که میگفت مر ہر چیزے را

عَرُوسٌ وَعَرُوسُ الْقُرْآنِ الرَّحْمٰنُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ
عروس است وعروس قرآن سوره رحمن است و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کیسکه بخواند سوره واقعه را

فِي كُلِّ لَيْلَةٍ لَمْ تُصِبْهُ فَاقَةٌ أَبَدًا وَكَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ
در ہر شب نمیرسد آنرا فاقه و درویشی ہرگز و بود ابن مسعود

يَأْمُرُ بَنَاتِهِ يَقْرَأْنَ بِهَا فِي كُلِّ لَيْلَةٍ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ
که امر میکرد دختران خود را که بخوانند این سوره را در ہر شب روایت کرد بیہقی ہر دو حدیث

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
در شعب ایمان و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا يَسْتَطِيعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ أَلْفَ
صلے الله علیه وسلم آیا نمی تواند یکے از شما که بخواند ہزار

آيَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ قَالُوا وَمَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقْرَأَ أَلْفَ آيَةٍ
آیت را در ہر روز گفتند صحابه کیست که می تواند که بخواند ہزار آیت با وجود موانع اعمال دیگر

فِي كُلِّ يَوْمٍ قَالَ أَمَا يَسْتَطِيعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ أَلْهَاكُمُ
در ہر روز فرمود آنحضرت آیا نمی تواند یکے از شما که بخواند سوره الهکم

عروس بالفتح زن و مرد نو بیاہ را
گویند بیبیاں و مردان را
یعنی جمع نشده ہمہ ظاہر
سدر

أَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَأْخُذُونَ أَوْ بِصَنِيعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُونَ

آیا بکردار اہل جاہلیت عمل میکنید یا بکار وپیشہ جاہلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُونَ فِي غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم که دعای بد کنم بر شما اینچنین دعائی که برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَأَخَذُوا أَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُودُوا لِذَٰلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی که پس گرفتند رداہای خودرا و باز برنگشتند بآن فعل رواه ابن ماجه

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ

وروایت است از ابن عمر رض گفت که نهی کرد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم از آنکه

تُتْبَعَ جَنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پس روی کرده شود جنازه را که با او نوحه گری باشد رواه احمد وابن ماجه وروایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُولُ

ابی امامه رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خدای تعالی ای فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْأُولَى لَمْ أَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول کوفتن مصیبت راضی نمیشوم ترا از روی ثواب غیر بهشت یعنی البته میدهم ترا بهشت رواه ابن ماجه

وَعَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست هیچ مرد مسلمانی و نه زن مسلمان که رسیده میشود بمصیبت پس یاد میکند آن مصیبت را

وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذَٰلِكَ اسْتِرْجَاعًا إِلَّا جَدَّدَ اللهُ

اگرچه دراز بود زمان آن پس نو پدید کند مر آن را یعنی مر آن مصیبت را استرجاع مگر که نو میکند

تبارك وتعالى عند ذلك فأعطاه مثل أجرها يوم أصيب

تبارک وتعالے ثواب را نزد آن پس امید بہ خدا او را مانند اجر او در روزے کہ رسیدہ است

بها رواه أحمد والبيهقي في شعب الإيمان وعن

بآن مصیبۃ رواہ احمد و بیہقی در شعب ایمان و روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

إذا انقطع شسع أحدكم فليسترجع فإنه من المصائب

کہ چون گسلد دوال نعل یکے از شما پس باید کہ استرجاع کند زیرا کہ گسستن دوال نیز از مصیبت

وعن أم الدرداء قالت سمعت أبا الدرداء يقول سمعت

و روایت است از ام الدرداء کہ گفت شنیدم ابو الدرداء را کہ میگفت شنیدم

أبا القاسم صلى الله عليه وسلم يقول إن الله تبارك

آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت بدرستیکہ خدا تبارک

وتعالى قال يا عيسى إني باعث من بعدك أمة إذا أصابهم

وتعالے فرمود بعیسے اے عیسے بدرستیکہ من برانگیزندہ ام پس از تو گروہی را کہ چون برسد ایشان را

ما يحبون حمدوا الله وإن أصابهم ما يكرهون احتسبوا

چیزیکہ دوست میدارند آنرا از نعمت شکر میگویند خدا را و اگر برسد ایشانرا چیزیکہ ناخوش دارند آنرا از بلاہا طلب ثواب

وصبروا ولا حلم ولا عقل فقال يا رب كيف

و صبر میکنند و حال آنکہ نیست ایشانرا بردباری و عقل و تدبیر پس گفت عیسی اے پروردگار من چگونہ

يكون هذا لهم ولا حلم ولا عقل فقال أعطيهم من

باشد این صبر و احتساب ایشانرا و حال آنکہ نیست حلم و عقل پس گفت پروردگار کہ میدہم من ایشان را از

حلمي وعلمي رواهما البيهقي في شعب الإيمان وعن

حلم خود و علم خود روایت کرد این دو حدیث را بیہقی در شعب ایمان و روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابو هريره رض گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم

لا يموت لمسلم ثلاثة من الولد فيلج النار إلا تحلة القسم

نمى ميرد مسلمانى را سه كس از فرزندان پس در آيد آتش دوزخ را مگر براى حلال گردانيدن سوگند حق سبحانه

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

متفق عليه و روايت است از وى گفت ابو هريره كه فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم لنسوة من الأنصار لا يموت لإحداكن ثلاثة

وسلم مر جماعه زنان را از قبيله انصار كه نمى ميرد مر يكى را از شما سه

من الولد فتحتسبه إلا دخلت الجنة فقالت امرأة منهن

فرزند پس صبر كند و طلب ثواب دارد مگر كه در آيد بهشت را پس گفت زنى از ميان ايشان

أو اثنان يا رسول الله قال أو اثنان رواه مسلم وفي رواية

يا دو فرزند هم ميرند اى پيغامبر خدا فرمود آنحضرت يا دو پسر نيز حكم او همين است رواه مسلم و در روايتى

لهما ثلاثة ولم يبلغوا الحنث وعنه قال قال رسول الله

مر ايشان را مسلم را چنين آمده نمى ميرند سه كس كه نرسيده اند بره و گناه را يعنى بالغ نشده اند و هم از وى گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول الله ما لعبدي المؤمن عندي

صلى الله عليه وسلم در حديث قدسى كه ميگويد خداى تعالى نيست مر بنده مسلمان را نزد من

جزاء إذا قبضت صفيه من أهل الدنيا ثم احتسبه إلا

پاداشى چون قبض كنم و ميرانم دوست خالص او را از اهل دنيا چنانچه فرزند پس صبر كند و نظر بر ثواب دارد مگر

الجنة رواه البخاري وعن ابن عباس قال قال

بهشت را رواه البخاري و روايت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان له فرطان من أمتي

پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم كسى كه باشد او را دو فرط از امت من

ادخله الله بهما الجنة فقالت عايشة رض فمن كان له

وی آوردا را خدا تعالی بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عایشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فرط من امتك قال ومن كان له فرط يا موفقة فقالت

یک فرط از امت تو پس آورا چه گفت فرمود و کسے که یا شد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بر تعلیم شرائع

فمن لم يكن له فرط من امتك قال فانا فرط امتي لن يصابوا

پس گفت عایشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو سال او چه باشد فرمود آنحضرت پس من فرط امت من ام هرگز مصیبت زده

بمثلي رواه الترمذي وعن ابي موسى الاشعري رض

بمانند مصیبت من رواه ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا مات ولد

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون میمیرد فرزند

العبد قال الله تعالى لملائكته قبضتم ولد عبدي

بنده میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بنده مرا

فيقولون نعم فيقول قبضتم ثمرة فؤاده فيقولون نعم

پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم پس میگوید باریتعالی قبض کردید میوهٔ دل او را پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم

فيقول ماذا قال عبدي فيقولون حمدك واسترجع

پس میگوید حق تعالی چه چیز گفت بندهٔ من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله و انا الیه راجعون گفت

فيقول الله ابنوا لعبدي بيتا في الجنة وسموه بيت

پس میگوید حق تعالی بنا کنید برای بندهٔ من خانهٔ در بهشت میگوید حق تعالی و نام نهید آنرا خانهٔ

الحمد رواه احمد والترمذي وعن ابي هريرة رض

حمد رواه احمد و الترمذی و روایت است از ابی هریره رض

ان رجلا قال له مات ابن لي فوجدت عليه هل سمعت

که مرد گفت مر او را مرد پسرے که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وے آیا شنیدی از

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهُ اَنْ يَسْتَجِيبَ
فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ شاد گرداند اورا کہ استجابت کند
اللّٰهُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
خدا تعالے دعاء اورا نزد بلاہای سخت پس باید کہ بسیار کند دعا را در نرمی رواہ الترمذے
وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُدْعُوا اللّٰهَ
وہم از وے است گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دعا کنید خدا را
وَاَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْاِجَابَةِ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ لَا يَسْتَجِيبُ
در حال آنکہ شما یقین کنندگانید باجابت وبدانید کہ خدا تعالے قبول نمی کند
دُعَاءً مِنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لَاهٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
دعا را از دل بیخبر بازی کنندہ مشغول بغیر حق رواہ الترمذے و روایت است از
مَالِكِ بْنِ يَسَارٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مالک بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
اِذَا سَاَلْتُمُ اللّٰهَ فَاسْئَلُوهُ بِبُطُونِ اَكُفِّكُمْ وَلَا تَسْئَلُوهُ
چون سوال کنید از خدا پس سوال کنید اورا بباطن کفہاے دست خود و سوال مکنید اورا
بِظُهُورِهَا وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَلُوا اللّٰهَ بِبُطُونِ
بپشتہای کف دست و در روایت ابن عباس رض گفت آنحضرت سوال بکنید از خدا بباطن
اَكُفِّكُمْ وَلَا تَسْئَلُوهُ بِظُهُورِهَا فَاِذَا فَرَغْتُمْ فَامْسَحُوا بِهَا
کفہاے دست شما و سوال مکنید اورا بظاہر کفہای دست خود پس چون فارغ شوید از دعا بس مالید
وُجُوهَكُمْ رَوَاهُ اَبُو دَاوُدَ وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ قَالَ
روہاے خود را رواہ ابو داود و روایت است از سلمان رض گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ رَبَّكُمْ حَيِيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ پروردگار شما صاحب حیا و کریم است شرم دارد

۱۴ و این بسبب آن
۱۵ ...
بہ سبب آنکہ ...
... دعا کنید ...
... ایشان ...

مِنْ عَبْدِهٖ اِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ اِلَيْهِ اَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

از بندهٔ خود وقتیکه بردارد هر دو دست خود بسوی پروردگار که باز گرداند دستهای بنده را خالی روا[ه] آن له

وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعْوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ عُمَرَ

و ابو داؤد و بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از عمر رض

قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ

گفت بود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم چون بر میداشت هر دو دست خود را

فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَحُطَّهُمَا حَتّٰى يَمْسَحَ بِهِمَا وَجْهَهٗ رَوَاهُ

در دعا فرود نمی آورد هر دو دست خود را تا آنکه مسح میکرد بآنها روی مبارک خود را روا[ه]

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُمُ الصَّائِمُ

صلے اللہ علیہ وسلم سه کس اند که رد کرده نمیشود دعای ایشان یکے از ان روزه دار است

حِيْنَ يُفْطِرُ وَالْاِمَامُ الْعَادِلُ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ يَرْفَعُهَا

در هنگامیکه افطار میکند دوم پادشاه عادل سوم دعاے ستم رسیده بر میدارد دعای مظلوم را

اللّٰهُ فَوْقَ الْغَمَامِ وَتُفْتَحُ لَهَا اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَيَقُوْلُ الرَّبُّ

خدا تعالے بالاے ابر و کشاده می شود براے وے درهای آسمان و میگوید پروردگار

وَعِزَّتِيْ لَاَنْصُرَنَّكِ وَلَوْ بَعْدَ حِيْنٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

سوگند به بزرگی من که هر آئینه یاری میدهم ترا اگرچه باشد پس از روزگارے رواه الترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثُ

و هم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم سه

دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيْهِنَّ دَعْوَةُ الْوَالِدِ وَدَعْوَةُ

دعا مستجاب اند نیست شک در اجابت آن سه اول دعا کردن پدر فرزند برا و دوم دعای

له ... مشغول ... الله ... [illegible]

الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْدَاؤُدَ

فر برائے خود یا برائے غیر وسوم دعا ستم رسیده رواه الترمذی و ابو داؤد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَسْأَلْ أَحَدُكُمْ رَبَّهُ حَاجَتَهُ كُلَّهَا حَتّٰى يَسْأَلَ

علیہ وسلم باید کہ بخواہد یکے از شما از پروردگار خود حاجت خود را ہمہ ہا تا آنکہ بخواہد

شِسْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ زَادَ فِي رِوَايَةٍ عَنْ ثَابِتٍ الْبُنَانِيِّ

دوال نعل خود چون شکستہ گردد زیادہ کردہ است راوی در روایتے از ثابت بنانی

مُرْسَلًا حَتّٰى يَسْأَلَهُ الْمِلْحَ وَحَتّٰى يَسْأَلَهُ شِسْعَهُ إِذَا انْقَطَعَ

بطریق ارسال این عبارت کہ تا آنکہ سوال کند ازوے نمک یک و تا آنکہ سوال کند ازوے دوال نعل چون شکستہ شود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رض قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه الترمذی و روایت است از ابی بن کعب رض گفت بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ذَكَرَ أَحَدًا فَدَعَا لَهُ بَدَأَ بِنَفْسِهِ

صلے اللہ علیہ وسلم چون یاد میکرد یکے را پس دعا میکرد او را آغاز میکرد بدعا برائے خود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ مَا

رواه الترمذی و روایت است از ابی سعید الخدری رض گفت نیست

مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُوْ بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيْهَا إِثْمٌ وَلَا قَطِيْعَةُ رَحِمٍ

ہیچ مسلمانے کہ دعا کند بدعائیکہ نیست در آن دعا بزہ و نہ بریدن خویشی

إِلَّا أَعْطَاهُ اللّٰهُ بِهَا إِحْدٰى ثَلٰثٍ إِمَّا أَنْ يُّعَجِّلَ لَهُ دَعْوَتَهُ

مگر آنکہ بدہد او را خدا تعالےٰ بآن دعا یکے از سہ خصلت یا آنکہ شتابی میکند برائے وی اجابت

وَإِمَّا أَنْ يَّدَّخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ وَإِمَّا أَنْ يَّصْرِفَ عَنْهُ

ویا آنکہ نگاه میدارد دعا او را برائے او در آخرت ویا آنکہ برمیگرداند ازوے

مِنَ السُّوْءِ مِثْلَهَا قَالُوْا اِذًا نُكْثِرُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی اَكْثَرُ

ازبدی مانند دعای که کرده است گفتند صحابه اکنون که دانستیم کہ دعا البتہ مستجاب است بسیار میکنیم دعا

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ

روایت کرده احمد و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَمْسُ دَعَوَاتٍ يُسْتَجَابُ لَهُنَّ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود پنج دعا است قبول کرده مے شود مر آنها را

دَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ حَتّٰى يَنْتَصِرَ وَدَعْوَةُ الْحَاجِّ حَتّٰى

یکے دعا ستم رسیده تا آنکه انتقام میکشد حق تعالی از ستم کننده دوم دعا قصد کننده حج بیت اللہ تا آنکه

يَصْدُرَ وَدَعْوَةُ الْمُجَاهِدِ حَتّٰى يَقْفُدَ وَدَعْوَةُ الْمَرِيْضِ

رجوع کند و سوم دعا جهاد کننده تا آنکه کم میکند اسباب و آلات یعنی فارغ میگردد از جهاد و چهارم دعای بیمار

حَتّٰى يَبْرَءَ وَدَعْوَةُ الْاَخِ لِاَخِيْهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ

تا آنکه به میگردد و پنجم دعای برادر مسلمان برای مسلمان دیگر غائبانہ باز فرمود

وَاَسْرَعُ هٰذِهِ الدَّعَوَاتِ اِجَابَةً دَعْوَةُ الْاَخِ لِاَخِيْهِ بِظَهْرِ

و زود تر این دعاها بقبول دعای برادر مسلمان برای مسلمان دیگر است غائبانہ

الْغَيْبِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ

روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از انس رض گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ دَعَا بِمِائَةِ دَعْوَةٍ

بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم اگر دعا میکرد صد بار

اِفْتَتَحَهَا وَخَتَمَهَا وَتَوَسَّطَهَا بِرَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

شروع میکرد دعا را و ختم میکرد آن دعا را و در میان آن دعا میگفت باین دعا که ربنا آتنا فی الدنیا حسنة

وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ابْنُ النَّجَّارِ جَمْعُ الْجَوَامِعِ

وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار روایت ابن النجار در جمع الجوامع

باب ذکر الله عز وجل والتقرب

باب ست در ذکر خدای عزیز جلیل و نزدیکی جستن

الیه فاذکرونی اذکرکم واشکروا لی ولا تکفرون

بسوی او پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و سپاس گوئید مرا و ناسپاسی مکنید مرا

الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله

آنانکه ایمان آوردند و آنانکه آرام می گیرند دلهای ایشان بیاد خدا

الا بذکر الله تطمئن القلوب الذین آمنوا

آگاه شو بیاد خدا آرام می گیرند دلها آنانکه ایمان آوردند

وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن

و کارهای نیک کردند خوشی باشد ایشان را و بهتر ست

مَآبٍ ○ وَمَنْ يَّعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهٗ شَيْطٰنًا

جایگاہ وہرکہ غافل شود ازیاد خدا بر گماریم برای او شیطان

فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ○ اَلَمْ يَاْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ

پس آن شیطان او را همنشین بود آیا وقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کنند آنکه خوف زده باشند دلهای

لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

وقت یاد کردن خدا و وقت یاد آوردن آنچه آمده است از وحی آن و روایت ست از ابی ہریرہ رض

وَاَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واز ابی سعید گفتند ہر دو کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم

لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَّذْكُرُوْنَ اللّٰهَ اِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

نہ نشینند ہیچ گروہے در حالیکہ ذکر میکنند خدا را مگر آنکہ احاطہ میکنند ایشان را ملائکہ

وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِيْنَةُ وَ

و می پوشد ایشان را انوار رحمت فرود می آید بر ایشان آسایش و

ذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيْمَنْ عِنْدَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یاد میکند ایشان را خدای تعالی در ان جماعت کہ نزد او بند رواہ مسلم و روایت ست از

اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی موسی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

مَثَلُ الَّذِيْ يَذْكُرُ رَبَّهٗ وَالَّذِيْ لَا يَذْكُرُ رَبَّهٗ مَثَلُ

حال آن کسی کہ یاد میکند پروردگار خود را و آنکسی کہ یاد نکند پروردگار خود را حال او مثل

الْحَيِّ الْمَيِّتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ

زندہ مردہ ست متفق علیہ و روایت ست از ابی ذر گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم کہ فرماید خدای تعالی

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ عَشْرُ اَمْثَالِهَا وَاَزِيْدُ وَمَنْ جَآءَ

کسیکه بیارد نیکی را یعنی عمل نیک کند پس مراو راست ده چندان ثواب و بیشتر هم میدهم و کسیکه بیارد

بِالسَّيِّئَةِ فَجَزَآءُ سَيِّئَةٍ مِّثْلُهَا اَوْ اَغْفِرُ وَمَنْ تَقَرَّبَ

بدی را یعنی عمل بد کند پس پاداش بدی مانند او ست یعنی یک بدی یا می آمرزم و کسیکه نزدیکی جوید

مِنِّيْ شِبْرًا تَقَرَّبْتُ اِلَيْهِ ذِرَاعًا وَّمَنْ تَقَرَّبَ اِلَيَّ ذِرَاعًا

از من مقدار یک شبر نزدیکی جویم من بسوی او مقدار یک ذراع و کسیکه نزدیکی جوید بسوی من یک ذراع

تَقَرَّبْتُ اِلَيْهِ بَاعًا وَّمَنْ اَتَانِيْ يَمْشِيْ اَتَيْتُهٗ هَرْوَلَةً

نزدیکی جویم بسوی وے مقدار یک باع و کسیکه بیاید مرا روان می آیم او را دوان

وَمَنْ لَّقِيَنِيْ بِقُرَابِ الْاَرْضِ خَطِيْئَةً لَا يُشْرِكُ بِيْ شَيْئًا

و کسیکه پیش آید مرا بمقدار زمین و پری آن از روی گناهان که شریک کرده باشد بمن چیزی را

لَقِيْتُهٗ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

پیش می آیم او را بمانند آن از روی آمرزیدن رواه مسلم و روایت ست از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرستیکه الله

تَعَالٰى قَالَ مَنْ عَادٰى لِيْ وَلِيًّا فَقَدْ اٰذَنْتُهٗ بِالْحَرْبِ

تعالی گفت کسیکه دشمن دارد دوستی را از دوستان من پس اذن دهم او را بجنگ

وَمَا تَقَرَّبَ اِلَيَّ عَبْدِيْ بِشَيْءٍ اَحَبَّ اِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ

و نزدیکی نجست بسوی من بندۂ من بهیچ چیزے که محبوب ترست بسوی من از چیزی که فرض گردانیدم

عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِيْ يَتَقَرَّبُ اِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتّٰى اُحِبَّهٗ

بر وے و همیشه است بندۂ من که نزدیکی جوید بسوی من بنوافل تا آنکه دوست دارم او را

فَاِذَا اَحْبَبْتُهٗ فَكُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِيْ يَسْمَعُ بِهٖ وَبَصَرَهٗ

پس چون دوست میدارم او را پس میباشم من شنوائی او که می شنود از ان و بینائی او

الذي يبصر به ويده التي يبطش بها ورجله التي

که می بیند بآن و میباشم دست آن که میگیرد بآن و میباشم پای وے که

يمشي بها وإن سألني لأعطينه ولئن استعاذني

راه میرود بآن و اگر سوال کند از من هر آئینه میدهم او را مطلوب او و اگر پناه جوید آن بنده از من

لأعيذنه وما ترددت عن شيء أنا فاعله ترددي

هر آئینه پناه میدهم او را و توقف نمی کنم در چیزے که من کننده آنم همچو تردد من

عن نفس المؤمن يكره الموت وأنا أكره مساءته ولا بد

از قبض کردن جان مؤمن که ناخوش میدارد مؤمن مرگ را و من ناخوش میدارم اندوهگین کردن او را و چاره

له منه رواه البخاري وعنه قال قال رسول الله

او را از مرگ روایت کرده بخاری و هم از وی مرویست که گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم إن لله ملائكة يطوفون في الطرق

صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکه مر خدای را فرشتگانند که میگردند در راه ها و گرد خانها

يلتمسون أهل الذكر فإذا وجدوا قوما يذكرون الله

میجویند خداوندان ذکر را پس چون می یابند گروهے را که ذکر میکنند خدا را

تنادوا هلموا إلى حاجتكم قال فيحفونهم بأجنحتهم إلى

آواز میدهند یکدیگر را و میگویند بیائید بسوی حاجت خود گفت آنحضرت پس گرد گرد میکنند اهل ذکر را ببالهای خود

السماء الدنيا قال فيسألهم ربهم وهو أعلم بهم ما يقول

تا آسمان دنیا گفت آنحضرت پس مے پرسد فرشتگان را رب ایشان حال آنکه وی تعالی داناتر است که چه میگویند

عبادي قالوا يقولون يسبحونك ويكبرونك ويحمدونك

بندگان من میگویند فرشتگان که پاکی یاد میکنند ترا و بزرگی میکنند ترا و ثنا می گویند ترا

ويمجدونك قال فيقول هل رأوني قال فيقولون لا

و عظمت می کنند ترا گفت آنحضرت پس میگوید پروردگار آیا دیده اند مرا گفت آنحضرت پس میگویند فرشتگان

وَاللهِ مَا رَأَوْكَ قَالَ فَيَقُولُ كَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي قَالَ فَيَقُولُونَ

سوگند بتو ندیده اند ترا گفت آنحضرت پس میگوید وی تعالی چگونه می بود حال ایشان اگر میدیدند مرا گفت آنحضرت پس میگویند

لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً وَأَشَدَّ لَكَ تَمْجِيدًا

اگر می دیدند ترا می بودند سخت تر در عبادت کردن مر ترا و سخت تر در تعظیم کردن مر ترا

وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا قَالَ فَيَقُولُ فَمَا يَسْأَلُونَ قَالُوا يَسْأَلُونَكَ

و بیشتر در تسبیح کردن مر ترا گفت آنحضرت پس میگوید وی تعالی پس چه چیز میخواهند میگویند فرشتگان میخواهند از تو

الْجَنَّةَ قَالَ يَقُولُ وَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لَا وَاللهِ

بهشت را گفت آنحضرت میگوید وی تعالی آیا دیده اند بهشت را گفت آنحضرت میگویند فرشتگان نه سوگند بخدا

يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

ای پروردگار ما ندیده اند گفت آنحضرت میگوید وی تعالی پس چگونه بود اگر میدیدند بهشت را گفت آنحضرت میگویند

لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا وَأَشَدَّ لَهَا

اگر میدیدند بهشت را می بودند سخت تر از روی حرص کردن در آن و می بودند سخت تر از روی طلب مر او را

طَلَبًا وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً قَالَ فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ قَالَ

و می بودند بزرگتر از روی رغبت کردن در آن میگوید وی تعالی پس از چه چیز پناه میجویند گفت آنحضرت

يَقُولُونَ مِنَ النَّارِ قَالَ يَقُولُ فَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

میگویند فرشتگان پناه میجویند از آتش دوزخ گفت میگوید وی تعالی آیا دیده اند دوزخ را گفت میگویند فرشتگان

لَا وَاللهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ

سوگند بخدا ندیده اند او را ای پروردگار میگوید وی تعالی چه حال باشد اگر میدیدند گفت

يَقُولُونَ لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا وَأَشَدَّ لَهَا

میگویند فرشتگان اگر میدیدند آتش را می بودند سخت تر از روی گریختن از آن آتش و می بودند سخت تر

مَخَافَةً قَالَ فَيَقُولُ فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ قَالَ

از روی ترسیدن مر آن را گفت پس میگوید وی تعالی پس گواه میگیرم شما را بدرستیکه آمرزیدم ایشان را گفت

يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ فِيهِمْ فُلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ اِنَّمَا جَاءَ

میگوید فرشتہ از فرشتگان کہ در ایشان فلانست کہ نیست از ایشان کہ بیامدہ است مگر

لِحَاجَةٍ قَالَ هُمُ الْجُلَسَآءُ لَا يَشْقٰى جَلِيْسُهُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

از جہت کار دیگر گفت خدا تعالیٰ این قوم ہمنشینان اند بدبخت نمی شود ہمنشین ایشان رواہ البخاری

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ بُسْرٍ رض قَالَ جَاءَ اَعْرَابِيٌّ اِلَى النَّبِيِّ

و روایت است از عبداللہ بن بسر رض گفت آمد بادیہ نشینی نزد پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ فَقَالَ طُوْبٰى

صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت کدام از مردمان بہتر است پس گفت آنحضرت خوشی باد

لِمَنْ طَالَ عُمُرُهٗ وَحَسُنَ عَمَلُهٗ قَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَيُّ الْاَعْمَالِ

مر کسے را کہ دراز شد عمر و نیک شد کردار وے گفت آن اعرابی یا رسول اللہ کدام عملہا است

اَفْضَلُ قَالَ اَنْ تُفَارِقَ الدُّنْيَا وَلِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ

کہ زیادہ تر است ثواب آن گفت آنحضرت اینست کہ جدا شوی دنیا را و بمیری در حالیکہ زبان تو تر بود از ذکر

اللّٰهِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

خدا رواہ احمد والترمذی و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ قَوْمٍ يَقُوْمُوْنَ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ گروہے کہ برخیزند

مِنْ مَجْلِسٍ لَا يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ فِيْهِ اِلَّا قَامُوْا عَنْ مِثْلِ

ازمجلس و ذکر نکنند خدا را در آن مجلس مگر آنکہ برخیزند از * مانند

جِيْفَةِ حِمَارٍ وَكَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ

مردار خر و باشد بر ایشان موجب حسرت رواہ احمد و ابو داؤد

وَعَنْ اُمِّ حَبِيْبَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ام حبیبہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ كَلَامِ ابْنِ آدَمَ عَلَيْهِ لَا لَهُ إِلَّا أَمْرٌ

علیہ وسلم ہر سخن آدمی زیانست بروے نہ سودی مر او را مگر امر کردن کسی

بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهْيٌ عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ ذِكْرُ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

با مر مشروع یا باز داشتن از نامشروع یا ذکر خدا تعالی رواه الترمذی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

و ابن ماجہ و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللّٰهِ فَإِنَّ

اللہ علیہ وسلم بسیار مگوئید سخن را بے ذکر خدا پس تحقیق

كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللّٰهِ قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ وَإِنَّ أَبْعَدَ

بسیاری سخن بے ذکر خدا سختی است مر دل را و بدرستیکہ دور ترین

النَّاسِ مِنَ اللّٰهِ الْقَلْبُ الْقَاسِي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

مردم از خدا صاحب دل سخت است رواه الترمذی

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اَلشَّيْطَانُ جَاثِمٌ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ فَإِذَا ذَكَرَ اللّٰهَ

شیطان نشینندہ است بر دل فرزند آدم پس چون ذکر می کند خدا را

خَنَسَ وَإِذَا غَفَلَ وَسْوَسَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ تَعْلِيقًا

جدا میگردد شیطان و چون غافل می شود وسواس میدہد روایت کرد آنرا بخاری بطریق تعلیق

وَعَنْ مَالِكٍ قَالَ بَلَغَنِي أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از مالک گفت رسید مرا کہ پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ ذَاكِرُ اللّٰهِ فِي الْغَافِلِينَ

علیہ وسلم بود کہ میگفت ذکر کنندہ خدا در میان غافلان

كَالْمُقَاتِلِ خَلْفَ الْفَارِّيْنَ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ كَغُصْنٍ

مانند قتال کننده است از پس گریزندگان و ذکر کننده خدا درمیان غافلان ہمچو شاخ

أَخْضَرَ فِي شَجَرٍ يَابِسٍ وَفِي رِوَايَةٍ مِثْلُ الشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ

سبز است در درخت خشک و در روایتے گفته مانند درخت سبز است

فِي وَسَطِ الشَّجَرِ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ مِثْلُ مِصْبَاحٍ

درمیان درختان خشک و ذکر کننده خدا درمیان غافلان مانند چراغے است

فِي بَيْتٍ مُظْلِمٍ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ يُرِيْهِ اللهُ مَقْعَدَهُ

در خانه تاریک و ذکر کننده خدا درمیان غافلان مینماید او را خدا جائے نشست او را

مِنَ الْجَنَّةِ وَهُوَ حَيٌّ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ يُغْفَرُ لَهٗ

در بہشت و او زنده است و ذکر کننده خدا درمیان غافلان آمرزیده می شود او را

بِعَدَدِ كُلِّ فَصِيْحٍ وَأَعْجَمٍ وَالْفَصِيْحُ بَنُوْ آدَمَ وَالْأَعْجَمُ

گناہان بشمار ہر گویا و ناگویا مراد بفصیح آدمیان اند و مراد باعجم

الْبَهَائِمُ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

چہارپایہا اند روایت کرد رزین و روایت است از ابی ہریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ تَعَالٰى يَقُوْلُ أَنَا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی می گوید من

مَعَ عَبْدِيْ إِذَا ذَكَرَنِيْ وَتَحَرَّكَتْ بِيْ شَفَتَاهُ رَوَاهُ

با بنده خودم برحمت و اعانت وقتیکه ذکر میکند مرا و می جنبانند بذکر من ہر دو لب خود را روایت

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ

البخارے و روایت است از عبد الله بن عمر رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهٗ كَانَ يَقُوْلُ لِكُلِّ شَيْءٍ صِقَالَةٌ وَصِقَالَةُ

علیه وسلم که آنحضرت بود که میگفت مر ہر چیز را که زنگ میگیرد مصقلہ است و مصقله

(حاشیہ:) ۹ یعنی ہمچو جہاد کنندہ است که بعد از جنگ ہزیمت و گریختن یاران خود بایستد قتال کند و نجات یابد و خوب سبب کافران ازو تفضیل جہاد در نصوصیا بعد ہزیمت جماعت در ۲ پاره است یعنی بعد الله ۲ ۱۰ بادرسید و هر بیداری که بعد مجنبد بلیغ بیناد جنبانکه گوینده ...

الْقُلُوبِ ذِكْرُ اللهِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْجَى مِنْ عَذَابِ اللهِ

دلہا ذکر خدا است ونیست ہیچ چیزی نجات دہندہ تر از عذاب خدا

مِنْ ذِكْرِ اللهِ قَالُوا وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ قَالَ وَلَا

از ذکر خدا تعالیٰ گفتند صحابہ ونہ جہاد کردن در راہ خدا گفت آنحضرت ونہ اینکہ

أَنْ يَضْرِبَ بِسَيْفِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

کارزار کند بہ شمشیر خود تا آنکہ منقطع شود یعنی کشتہ شود رواہ البیہقی

فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ

در دعوات الکبیر

بَابُ أَسْمَاءِ اللهِ الْحُسْنٰى

هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

اوست آنخدا کہ نیست ہیچ معبود مگر او دانندہ نہان و آشکارا

هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ۝ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

اوست بخشایندہ مہربان اوست آنخدا کہ نیست ہیچ معبود مگر او

الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ

پادشاہ نہایت پاک سلامت از ہمہ عیبہا امن دہندہ نگاہبان غالب

الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰنَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ هُوَ اللهُ

اصلاح کنندہ کار بندہا بزرگوار پاکی خدا راست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ

آفریدگار نو پدید آرندہ نگاہ دارندہ او راست نامہاے نیک بپاکی یاد میکنند

لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

او را ہرچہ در آسمانہا و زمین است و اوست غالب باحکمت

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِيْنَ

وخدا یراست نامهای نیک پس بخوانید او را بآن نامها و بگذارید آنان را

يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اَسْمَآئِهٖ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

که کجروی میکنند در نامهای خدا داده خواهد شد مرایشان را جزای آنچه میکردند

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى

آنخدا اینکه نیست هیچ معبود مگر او مر او راست نامهای نیک

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ تِسْعَةً وَّتِسْعِيْنَ اِسْمًا

الله علیه وسلم بدرستیکه خدا یتعالی را نود و نه نام است

مَنْ اَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

کسیکه یاد گیرد آن اسما را در آید به بهشت اوست خدا ئے که نیست هیچ معبود مگر اوست

اَلرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ

این دو اسم مشتق از رحمت اند و رحمن ابلغ پادشاه حقیقی نهایت پاک سالم از همه عیبها

اَلْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ

امن دهنده نگاهبان غالب اصلاح کننده کارهای بندگان را بزرگوار

اَلْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ

آفریدگار نو پیدا آرنده صورت دهنده در ارحام آمرزنده گناهان غالب شکننده پشت

اَلْوَهَّابُ الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِیْمُ الْقَابِضُ

عطا کننده رزق دهنده کشاینده درهای رحمت عالم است باشکار و نهان قبض و تنگی کننده

اَلْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ

بسط و فراخی کننده فرو آرنده کافران را بردارنده مومنان را عزیز گرداننده ذلیل گرداننده

اَلسَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ الْحَکَمُ الْعَدْلُ اللَّطِیْفُ

شنوا است نه بگوش بینا است نه بچشم حاکم داد دهنده لطیف و نرمی کننده

اَلْخَبِیْرُ الْحَلِیْمُ الْعَظِیْمُ الْغَفُوْرُ الشَّکُوْرُ

خبردار بردبار بزرگ پوشنده گناهان را ثواب جزیل دهنده

اَلْعَلِیُّ الْکَبِیْرُ الْحَفِیْظُ الْمُقِیْتُ الْحَسِیْبُ

بلند تر از همه مرتبه بزرگ نگاه دارنده خالق اقوات و رساننده آن کافی

اَلْجَلِیْلُ الْکَرِیْمُ الرَّقِیْبُ الْمُجِیْبُ الْوَاسِعُ

بزرگ قدر بزرگ و عزیز نگاهبان اجابت کننده دعا کشادگی دهنده

اَلْحَکِیْمُ الْوَدُوْدُ الْمَجِیْدُ الْبَاعِثُ الشَّهِیْدُ الْحَقُّ

صاحب حکمت دوست دارنده بسیار بزرگ برانگیزنده مرده ها را از گور حاضر یا گواه بر ظاهر و باطن ثابت

الْوَكِيلُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

وکیل کہ زمام تصرف بدست اوست — توانا — استوار — محب — ستوده

الْمُحْصِي الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ

داننده بتفصیل احاطه — ابتدا کننده — اعاده کننده — زنده کننده — میراننده

الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْوَاجِدُ الْمَاجِدُ الْوَاحِدُ

زنده ازلی — قایم بذات خود — واجب الوجود — بزرگ مجید — یکیست بذات خود

الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْمُقَدِّمُ

یکے بصفات خود — بے نیاز ومنزه — صاحب قدرت — صاحب اقتدار — پیش کننده

الْمُؤَخِّرُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ

پس کننده — اول ازلی — آخر ابدی — ظاهر وجود او بآیات وارض وسما — باطن

الْوَالِي الْمُتَعَالِي الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنْتَقِمُ

یاری کننده — بلند قدر — نکوئی کننده — رجوع برحمت کننده — پاداش کننده

الْعَفُوُّ الرَّؤُوفُ مَالِكُ الْمُلْكِ ذُوالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

محو کننده از سیئات — احسان کننده — نافذ است حکم او در مملکت — صاحب جلال وصاحب کرامت

الْمُقْسِطُ الْجَامِعُ الْغَنِيُّ الْمُغْنِي الْمُعْطِي

عادل — جمع کننده خلق را — بے نیاز — بے نیاز کننده — عطا کننده

الْمَانِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّورُ الْهَادِي

منع کننده — خالق ضرر — خالق نفع — منور — هدایت کننده

الْبَدِيعُ الْبَاقِي الْوَارِثُ الرَّشِيدُ الصَّبُورُ

بے مثل وبے مانند — دایم الوجود — باقی بعد فنائے موجودات — ارشاد دهنده — شکیبائی کننده

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ

روایت — الترمذی — وبیهقی — در دعوات — الکبیر

وَعَنْ اَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيْدَ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وروایت است از اسماء بنت یزید بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَالَ اسْمُ اللّٰهِ الْاَعْظَمُ فِيْ هَاتَيْنِ الْاٰيَتَيْنِ وَاِلٰهُكُمْ
وسلم گفت اسم اعظم درین دو آیت است یکے اینست کہ الٰھکم
اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ وَفَاتِحَةِ اٰلِ عِمْرَانَ
اله واحد تا آخر ودر اول سورۂ آل عمران کہ اینست
الٓمّٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
آلم اللہ لاالہ الا ہو الحی القیوم رواہ الترمذے
وَاَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدٍ رض
وابوداؤد وابن ماجہ والدارمی ودروایت است از سعد رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعْوَةُ
گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دعاے
ذِي النُّوْنِ اِذْ دَعَا رَبَّهٗ وَهُوَ فِيْ بَطْنِ الْحُوْتِ
یونس علیہ السلام وقتیکہ دعا کرد پروردگار خود را وحال آنکہ وے در شکم ماہی بود
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ ۝
لا الہ الا انت تا آخر است
لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِيْ شَيْءٍ اِلَّا اسْتُجَابَ لَهٗ
دعا نکرد بوے ہیچ مردے مسلمان در ہیچ چیز مگر آنکہ قبول کرد خدایتعالے دعا وے
رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ
رواہ احمد والترمذی ودروایت است از جابر رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسے کہ بگوید سبحان اللہ

الم الم
سیان روایت
بین الرحیم
الرحمن الرحیم
والحی القیوم الخ

العظيم وبحمده غرست له نخلة في الجنة رواه

العظيم وبحمده نشانده شود براے وے درخت خرما در بهشت رواه

الترمذي وعن الزبير رض قال قال رسول الله صلى

الترمذی وروایت است از زبیر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم ما من صباح يصبح العباد فيه إلا

الله علیه وسلم نیست هیچ صباحے که صبح میکنند درو بندگان مگر آنکه

منادٍ ينادي سبحوا الملك القدوس رواه الترمذي

آواز کننده یعنے فرشته آواز میکند تسبیح و تنزیه کنید خدا را که پادشاه مالک الملک پاک از جمیع نقائص است

وعن أبي سعيد الخدري رض قال قال رسول الله

وروایت است از ابی سعید الخدری رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال موسى يا رب علمني شيئا

صلی الله علیه وسلم گفت موسی علیه السلام ای پروردگار من بیاموز مرا چیزے

أذكرك به أو أدعوك به فقال يا موسى قل لا إله

که ذکر کنم ترا بدان چیز یا بخوانم ترا بآن چیز شک راوی است پس فرمود حق تعالی ای موسی بگو لا اله

إلا الله فقال يا رب كل عبادك يقول هذا إنما أريد

الا الله پس گفت موسی اے پروردگار من هر بنده تو میگوید این را میخواهم من

شيئا تخصني به قال يا موسى لو أن السموات السبع

مگر چیزے را که مخصوص و ممتاز گردانی تو مرا بدان چیز گفت حق تعالی ای موسی اگر ثابت شود که هفت

وعامرهن غيري والأرضين السبع وضعن في كفة

و آباد دارندگان آنها جز من یعنے عامل اهل آسمان و هفت زمین نهاده شوند در پلّه

ولا إله إلا الله في كفة لمالت بهن لا إله إلا الله رواه في شرح السنة

و نهاده شود لا اله الا الله در پلّه دیگر از ترازو هر آئینه میل می کند کفه لا اله الا الله و راجح می آید روایت کرده است آنرا بغوی در شرح السنه

بَابُ ثَوَابِ التَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّهْلِيلِ

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ الْمَلِكِ

بپاکی یاد میکنند خدا را هر آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است خدائے پادشاه

الْقُدُّوْسِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ

نهایت پاک غالب باحکمت پس بپاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ وَاِنْ

بپاکی یاد میکنند اورا آسمانهائے هفتگانه و زمین و هر که در میان اینها است و نیست

مِّنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهٖ وَلٰكِنْ لَّا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيْحَهُمْ

هیچ چیز مگر بپاکی یاد میکند بستایش او ولیکن شما فهم نمی کنید یاد کردن ایشان را

اِنَّهُ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ

هر آئینه وے هست بردبار آمرزگار روایت است از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاَنْ اَقُوْلَ سُبْحَانَ اللّٰهِ

فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم هر آئینه گفتن این چهار کلمه را

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ اَحَبُّ اِلَيَّ مِمَّا

دوست داشته شده تر است بسوے من از هر چیز

طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ

که بر آمده است بروے آفتاب یعنی از دنیا و ما فیها روایت کرد مسلم و هم از وی مرویست گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسے که بگوید این دو کلمه را

وَبِحَمْدِهٖ فِيْ يَوْمٍ مِّائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَاِنْ كَانَتْ

در روزے صد بار افگنده شود و کم کرده شود گناهان وے و اگرچه باشد گناهان او

مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مانند کف دریا در کثرت متفق علیه وہم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلِمَتَانِ خَفِيْفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ

صلی اللہ علیہ وسلم دو کلمہ اند سبک بر زبان

ثَقِيْلَتَانِ فِي الْمِيْزَانِ حَبِيْبَتَانِ اِلَى الرَّحْمٰنِ سُبْحَانَ اللّٰهِ

گران در میزان اعمال محبوب اند بسوے رحمن وآن سبحان اللہ

وَبِحَمْدِهٖ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

وبحمده سبحان اللہ العظیم است متفق علیه وروایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگوید این کلمہ را

وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيْرٌ فِيْ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَتْ لَهٗ عَدْلَ عَشْرِ

در روز صدبار باشد مراورا برابر ثواب دہ بردہ

رِقَابٍ وَكُتِبَتْ لَهٗ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ

کہ آزاد کردہ باشد ونوشتہ شود براے وے صد نیکی ومحو کردہ شود از وے صد بدی

وَكَانَتْ لَهٗ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهٗ ذٰلِكَ حَتّٰى يُمْسِيَ

وباشد این کلمات مراورا پناہ از شیطان وشر وے در آن روز کہ گفتہ است تا آنکہ شبانگاہ کند

وَلَمْ يَأْتِ اَحَدٌ بِاَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهٖ اِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ اَكْثَرَ

ونیارد ہیچ یکے عمل فاضلتر از آنچہ آوردہ است او مگر مردے کہ عمل کرد بیشتر

مِنْهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ رض عَنْ اَبِيْهِ

از آنچہ کہ او کردہ است متفق علیه وروایت است از عمرو بن شعیب رض از پدر خود

عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ

واو از جد عمرو گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بپاکی یاد کند

اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ

خدارا وبگوید سبحان الله صد بار در صبح وصد بار در شبانگاه باشد همچو کسیکه حج گذارده است صد

حَجَّةٍ وَمَنْ حَمِدَ اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ

حج وکسیکه حمد گوید خدارا وبگوید الحمد لله صد بار در بامداد وصد بار در شبانگاه

كَانَ كَمَنْ حَمَلَ عَلٰى مِائَةِ فَرَسٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَنْ هَلَّلَ

باشد همچو کسیکه سوار کرده است مردم را بر صد اسپ در راه خدا وکسیکه تهلیل کند وبگوید لا اله الا الله

اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ

صد بار در بامداد وصد بار در شبانگاه باشد همچو کسیکه آزاد کرده باشد

مِائَةَ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمٰعِيْلَ وَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ مِائَةً

صد برده را از اولاد اسمعیل وکسیکه به بزرگی یاد کند خدارا وبگوید الله اکبر صد بار

بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ لَمْ يَأْتِ فِيْ ذٰلِكَ الْيَوْمِ

در بامداد وصد بار در شبانگاه نیارد درین روز هیچ یکی عمل

أَحَدٌ بِأَكْثَرَ مِمَّا أَتٰى بِهٖ إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ ذٰلِكَ أَوْ

بیشتر از آنچه آورده است آنکس آنرا مگر کسیکه گفته است مثل آن یا

زَادَ عَلٰى مَا قَالَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ يُسَيْرَةَ

زیاده کرده است بر آنچه او گفته است رواه الترمذی وروایت است از یسیره بنت یاسر

وَكَانَتْ مِنَ الْمُهَاجِرَاتِ قَالَتْ قَالَ لَنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و بود از کسانیکه هجرت کرده بودند گفت فرمود مارا آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُنَّ بِالتَّسْبِيْحِ وَالتَّهْلِيْلِ وَالتَّقْدِيْسِ

الله علیه وسلم بر شما باد ای جماعه زنان که یاد کنید خدارا بنزاهت و پاکی بگفتن سبوح قدوس رب الملائکة والروح

وَاعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ

و عقد کنید و گره بندید بسر انگشتان زیرا که بدرستی که انامل و اصابع پرسیده می شوند روز قیامت

وَلَا تَغْفُلْنَ فَتَنْسَيْنَ الرَّحْمَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ

و غافل مباشید از زبان از ذکر خدا پس فراموش کرده شوید و محروم گردانیده شوید از رحمت رواه الترمذی و ابو داود

وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض بدرستی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ يَابِسَةِ الْوَرَقِ فَضَرَبَهَا بِعَصَاهُ

گذشت بر درخت خشک برگها پس زد آن درخت را بچوبی که در دست آنحضرت بود

فَتَنَاثَرَ الْوَرَقُ فَقَالَ إِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

پس افتادند برگها پس گفت آنحضرت که این کلمات

وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ لَتُسَاقِطُ ذُنُوبَ الْعَبْدِ كَمَا

می افگنند گناهان بنده را چنانکه

يَتَسَاقَطُ وَرَقُ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

میریزد برگهای این درخت رواه الترمذی

وَعَنْ مَكْحُولٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از مکحول رض از ابی هریره رض گفت ابو هریره فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

صلی الله علیه وسلم مرا که بسیار گو لا حول ولا قوة

إِلَّا بِاللّٰهِ فَإِنَّهَا مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ قَالَ مَكْحُولٌ فَمَنْ قَالَ لَا حَوْلَ

الا بالله پس زیرا که آن کلمات از گنج بهشت است گفت مکحول پس کسیکه گوید لا حول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا مَنْجَأَ مِنَ اللّٰهِ إِلَّا إِلَيْهِ كَشَفَ اللّٰهُ عَنْهُ

ولا قوة الا بالله و نیست رستگاری از خدا مگر بسوی او تعالی می کشاید خدای تعالی ازو

سَبْعِيْنَ بَابًا مِنَ الضُّرِّ اَدْنَاهَا الْفَقْرُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

هفتاد در ها از ضرر که ادنار آنها فقر است رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ دَوَاءٌ مِنْ تِسْعَةٍ وَّتِسْعِيْنَ

وسلم که این کلمات دوا است از نود و نه

دَاءً اَيْسَرُهَا الْهَمُّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعْوَاتِ الْكَبِيْرِ

درد آسان ترین آن درد ها اندوه است رواه البیهقی در دعوات الکبیر

كِتَابُ الْحَجِّ

وَاَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمَاتٌ

و تمام کنید حج و عمره را برای خدا حج موقت است بماه های دانسته شده

فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوْقَ وَلَا جِدَالَ

پس هر که لازم کرد بر خود درین ماه حج را یعنی احرام بست پس مخالطت زنان جایز نیست

فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمْهُ اللّٰهُ وَتَزَوَّدُوْا فَاِنَّ

در حج و هر چه میکنید از نیکی میداند او را خدا تعالی و توشه همراه گیرید هر آینه

خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَاتَّقُوْنِ يٰاُولِي الْاَلْبَابِ ۝ وَلِلّٰهِ

بهترین فواید توشه پرهیزگاریست و بترسید از من ای خداوندان خرد و حق خداست

عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا

بر مردمان حج خانه کعبه هر که توانائی دارد برفتن بسوی آن از جهت اسباب راه

وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ۝

و هر که کافر شود پس هر آینه خدا بے نیاز است از عالمیان

وعن ابی هریرة رض قال سئل رسول الله صلی الله

وروایت است از ابی هریره رض گفت پرسیده شد آنحضرت صلی الله

علیه وسلم ای العمل افضل قال ایمان بالله ورسوله

علیه وسلم که کدام کار افزون تر است در ثواب، فرمود آنحضرت فاضل ترین اعمال ایمان بخدا و رسول

قیل ثم ماذا قال الجهاد فی سبیل الله قیل ثم ماذا

گفته شد پس تر کدام عمل بهتر است فرمود آنحضرت کارزار کردن در راه خدا است گفته شد پس تر کدام عمل

قال حج مبرور وعنه قال قال رسول الله صلی الله

فرمود آنحضرت حج مقبول وروایت است ازو گفت فرمود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم من حج لله فلم یرفث ولم یفسق رجع

علیه وسلم کسیکه حج کند برای خدا نه برای ریا وسمعه پس رفث نکند وفسق نورزد باز گردد

کیوم ولدته امه متفق علیه وعنه قال قال

پاک از گناهان همچو پاک بودن او در روزی که زائیده است او را مادر او وهم ازوست گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم العمرة الی العمرة

آنحضرت صلی الله علیه وسلم عمره تا عمره دیگر

کفارة لما بینهما والحج المبرور لیس له جزاء الا

کفارتست مر گناهان را که واقع شوند میان آن دو عمره وحج مقبول نیست مر او را جزا مگر

الجنة متفق علیه وعن ابن عباس رض قال قال

بهشت متفق علیه وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم ان عمرة فی رمضان

آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بدرستیکه عمره کردن در رمضان

تعدل حجة متفق علیه وعن علی رض قال قال

برابر حج گذاردنست متفق علیه وروایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ مَلَكَ زَادًا وَّرَاحِلَةً

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ مالک باشد توشہ راہ واہل عیال و سواری کہ

تُبَلِّغُهٗ اِلٰی بَیْتِ اللّٰہِ وَلَمْ یَحُجَّ فَلَا عَلَیْہِ اَنْ یَّمُوْتَ یَهُوْدِیًّا

کہ برساند او را تا خانہ خدا و حج نکرد پس نیست تفاوت بروے کہ بمیرد کافر بردین یہود یا

اَوْ نَصْرَانِیًّا وَذٰلِكَ اَنَّ اللّٰہَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی یَقُوْلُ وَلِلّٰہِ

بردین نصارے واین وعید بجہت آنست کہ خدائے تبارک وتعالے میگوید وحق است مرخدا را

عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَیْہِ سَبِیْلًا رَوَاهُ

بر مردم قصد خانہ کعبہ بر ہر کہ میتواند راہ رفت بسوے وے رواہ

التِّرْمِذِیُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

الترمذی وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَاصَرُوْرَةَ فِی الْاِسْلَامِ رَوَاهُ

صلے اللہ علیہ وسلم نمی باید مسلمانرا کہ ترک حج وترک تزوج کند رواہ

اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ

ابو داود وہم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ اَرَادَ الْحَجَّ فَلْیُعَجِّلْ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَالدَّارِمِیُّ

علیہ وسلم کسے کہ خواہد حج را وقادر باشد بر ادا پس باید کہ شتابی کند و فرصت غنیمت داند رواہ

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ

وروایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَیْہِ وَسَلَّمَ تَابِعُوْا بَیْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَاِنَّهُمَا یَنْفِیَانِ

علیہ وسلم متابعت کنید میان حج وعمرہ یعنے بکنید ہر یکے را بعد از دیگرے پس بدرستیکہ حج وعمرہ دور میکنند

الْفَقْرَ وَالذُّنُوْبَ كَمَا یَنْفِی الْكِیْرُ خَبَثَ الْحَدِیْدِ وَالذَّهَبِ

فقر را وگناہان را چنانکہ دور میکند دمہای آہنگر ریم وچرک آہن وزر

ص وروت بعبادیہ
خود بسن حوروا متعلق
در کلمہ حج و جواہ
کہ از حضرت
ابو داؤد والدارمی
وبکون لحج در وبی اجر الذار
لی لوجہ جلیس فی سبیل اللہ
ا در وہ مبتو ہر در از زنان اجر
سمعتو بعفو ہزینگار
ارہنکہ سبیل بزین ست
کہ زار الفقر

وَالْفِضَّةِ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ رَوَاهُ

سیم را ونیست مرحج مبرور را ثواب مگر بهشت رواه

التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض كَانَ أَهْلُ

الترمذی والنسائی وروایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس بودند اهل

الْيَمَنِ يَحُجُّونَ فَلَا يَتَزَوَّدُونَ وَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ

یمن می برآمدند بحج پس توشه ئی بر داشتند و می گفتند ما متوکلانیم

فَإِذَا قَدِمُوا مَكَّةَ سَأَلُوا النَّاسَ فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سُبْحَانَهُ

پس وقتیکه می آمدند بمکه معظمه سوال میکردند از مردم پس وحی فرستاد خدا تعالی این آیت را

وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

یعنے توشه بردارید و پرهیز کنید از سوال زیراکه تقوے بهترین توشه است رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ عَلَى النِّسَاءِ

وروایت است از عائشه رض گفتم اے پیغمبر خدا آیا بر زنان

جِهَادٌ قَالَ نَعَمْ عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ لَا قِتَالَ فِيهِ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ

جهاد است گفت آنحضرت آرے بر زنان جهاد می است که نیست قتال در وے وآن حج و عمره است

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ

رواه ابن ماجة وروایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنَ الْحَجِّ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه باز ندارد اورا از حج

حَاجَةٌ ظَاهِرَةٌ أَوْ سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ مَرَضٌ حَابِسٌ فَمَاتَ

حاجتی ظاهر که عدم زاد و راحله است یا قهر مان ستمگر پادشاه یا بیماری بازدارنده یعنی نتواند آن سفر

وَلَمْ يَحُجَّ فَلْيَمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا

حج نکرد پس گو بمیرد آنکس اگر خواهد یهودی واگر خواهد نصرانی

رواه الدارمي وعن ابي هريرة رض عن النبي صلى

رواه الدارمي ودروايت است از ابي هريره رض از آنحضرت صلى

الله عليه وسلم انه قال الحاج والعمار وفد الله

الله عليه وسلم بدرستيكه آنحضرت فرمود كه حج كنندگان وعمره برآرندگان قدوم آرندگانند ورسيدگانند

ان دعوه اجابهم وان استغفروه غفر لهم رواه

اگر دعا ميكنند خدا را اجابت ميكند ايشانرا واگر طلب آمرزش كنند اورا آمرزد ايشان را رواه

ابن ماجة وعنه قال سمعت رسول الله صلى الله

ابن ماجه وهم از وے مرويست كه گفت ابو هريره شنيدم آنحضرت را صلى الله

عليه وسلم يقول وفد الله ثلثة الغازي والحاج

عليه وسلم كه ميگفت وفد خدا سه است يكے غازي دوم حج كننده

والمعتمر رواه النسائي والبيهقي في شعب الايمان

سوم عمره بجا آرنده رواه النسائي والبيهقي در شعب الايمان

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

ودروايت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه

وسلم اذا لقيت الحاج فسلم عليه وصافحه ومره

وسلم چون به بيني حاج را پس سلام كن بروے ودست وے را بگير وبفرما اورا

ان يستغفر لك قبل ان يدخل بيته فانه مغفور له

كه طلب آمرزش كند براے تو پيش از آنكه درآيد خانه خود را زيراكه وے آمرزيده شده است مر اورا

رواه احمد وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

رواه احمد ودروايت است از ابي هريره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من خرج حاجا او معتمرا او غازيا

صلى الله عليه وسلم كسيكه برآمد بحج يا بعمره يا بغزا

ثمرات في طريقه كتب الله له اجر الغازي والحاج

پس مرد در راه آن می نویسد خدا ایتعالی برای او اجر غزا کننده و حج گذارنده

والمعتمر رواه البيهقي في شعب الايمان وعن سهل

و عمره بر آرنده رواه البيهقي در شعب ايمان و روايت است از سهل

بن سعد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من

بن سعد ساعدی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ

مسلم يلبي الا لبى من عن يمينه وشماله من حجر او

مسلمانی که تلبیه میکند مگر آنکه تلبیه میکند کسیکه از جانب دست راست اوست و دست چپ او از سنگ یا

شجر او مدر حتى تنقطع الارض من ههنا رواه

درخت یا کلوخ تا آنکه منتهی میگردد زمین از اینجا و ازینجا عبارتست از منتهای ارض رواه

الترمذي وابن ماجة وعن عائشة رض قالت ان

الترمذی وابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت عائشه بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ما من يوم اكثر

آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیست هیچ روزے بیشتر

من ان يعتق الله فيه عبدا من النار من يوم عرفة

از آزاد کردن خدا ایتعالی در آن روز بنده را از آتش دوزخ از روز عرفه

وانه ليدنو ثم يباهي بهم الملائكة فيقول ما اراد

و بدرستیکه وی تعالی نزدیک می شود برحمت و مغفرت پس مفاخرت میکند به بندگان که حاضر اند بوقوف ملائکه را

هؤلاء رواه مسلم وعن عمرو بن شعيب عن

این بندگان من رواه مسلم و روایت است از عمرو بن شعیب از

ابيه عن جده ان النبي صلى الله عليه وسلم قال

پدر خود و از جد عمرو بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

خیر الدعاء دعاء یوم عرفة وخیر ما قلت انا والنبیون

بهترین دعاها دعای روز عرفه است و بهترین دعائے وذکریکه گفتم من و پیغمبران

من قبلی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک

که پیش از من بوده اند اینست از لا اله الا الله تا قدیر

وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر رواه الترمذی

رواه الترمذی

وعن طلحة بن عبید الله بن کریز ان رسول الله

و روایت است از طلحه بن عبید الله ابن کریز بدرستیکه آنحضرت

صلی الله علیه وسلم قال ما رأی الشیطان یوما هو

صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت دیده نشد شیطان در هیچ روزے که وے

فیه اصغر ولا ادحر ولا احقر ولا اغیظ منه فی

در آن روز خردتر باشد و نه دورتر و نه خوارتر و نه خشم و غصه خورنده تر از خودش در

یوم عرفة وما ذاک الا لما یری من تنزل الرحمة

روز عرفه باشد و نیست آن راندگی و خواری مگر از جهت چیزیکه ببیند از فرود آمدن رحمت بر آدمیان

وتجاوز الله عن الذنوب العظام الا ما رای یوم بدر

و در گذشتن خدا تعالیٰ از گناهان بزرگ مگر آنچه دیده شد از خواری شیطان روز بدر

فانه قد رای جبریل یزع الملئکة رواه مالک مرسلا

پس بدرستیکه شیطان بتحقیق دید جبرئیل را روز بدر که ترتیب میداد ملائکه را و صف‌ها راست میکند برای جنگ رواه مالک

وفی شرح السنة بلفظ المصابیح وعن جابر رض

و در شرح السنه بلفظے که در مصابیح است و روایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا کان

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون می باشد

۴ ان لفظوں سے اظہار اس بات کا ہے کہ ...
۴۵ ...

يوم عرفة إنّ الله ينزل إلى السماء الدنيا فيباهي بهم

روز عرفه بدرستيكه خدايتعالى فرود مى آيد بآسمانيكه پايان تراست پس مفاخرت ميكند بايشان

الملئكة فيقول انظروا إلى عبادي أتوني شعثا غبرا

فرشتگان را پس ميگويد سبحانه بنگريد بسوى بندگان من كه آمده اند بدرگاه رحمت من ژوليده موى

ضاجّين من كل فجّ عميق أشهدكم أني قد غفرت

فرياد كنندگان بتلبيه از هر راه كشاده و دور گواه ميگيرم شمارا برانيكه بدرستيكه آمرزيدم

لهم فيقول الملئكة يا ربّ فلان كان يرهق وفلان

ايشان را پس ميگويند فرشتگان اے پروردگار فلان كس از ميان اين حاضران مى بود كه نسبت

وفلانة قال يقول الله عزّ وجلّ قد غفرت لهم

و فلان مرد و فلان زن چنين و چنان اند گفت آنحضرت ميگويد خداى عز و جل بتحقيق آمرزيدم ايشانرا

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فما من يوم أكثر

گفت آنحضرت صلى الله عليه وسلم پس نيست روزى كه بيشتر

عتيقا من النار من يوم عرفة رواه في شرح السنة

آزاد شده ورے از آتش دوزخ از روز عرفه روايت كرد اينحديث را در شرح سنة

وعن عباس بن مرداس رض أنّ رسول الله صلى الله

و روايت است از عباس ابن مرداس رض بدرستيكه آنحضرت صلى الله

عليه وسلم دعا لأمته عشية عرفة بالمغفرة فأجيب

عليه وسلم دعا كرد مر امت خود را در شبانگاه روز عرفه بآمرزيده شدن گناهان پس اجابت

إني قد غفرت لهم ما خلا المظالم فإني آخذ للمظلوم

كرده شد بدرستى من بتحقيق آمرزيدم مرايشان را همه گناهان را جز مظالم كه مراد بآن حقوق عباد است پس بدرستيكه من

منه قال أي ربّ إن شئت أعطيت المظلوم من الجنة

از ظالم گفت آنحضرت اے رب من اگر خواهى بدهى مظلوم را از نعيم بهشت

وغفرت للظالم فلم يجب عشيته فلما اصبح بالمزدلفة

و بیامرزی مر ظالم را پس اجابت کرده نشد آنحضرت دعای در آن شبانگاه پس هنگامیکه صبح کرد آنحضرت بمزدلفه

اعاد الدعاء فاجيب الى ما سأل قال فضحك رسول الله

باز کرد دعا را پس اجابت کرده شد آنحضرت مر چیزیرا که سوال کرد گفت راوی پس خنده کرد آنحضرت

صلى الله عليه وسلم او قال تبسم فقال له ابو بكر وعمر

صلی الله علیه وسلم یا گفت راوی بجای ضحک تبسم پس گفتند مر آنحضرت را ابو بکر و عمر

بابي انت وامي ان هذه لساعة ما كنت تضحك فيها

پدر و مادر ما فدای تو باد بدرستیکه این ساعتی است که نبودی تو که خنده میکردی در وے

فما الذي اضحكك اضحك الله سنك قال ان عدو

پس چه چیز خندانید ترا همیشه خندان کند خدایتعالی دندان ترا گفت آنحضرت بدرستیکه دشمن

الله ابليس لما علم ان الله عز وجل قد استجاب دعائي

خدا که ابلیس است هنگامی که دانست که خدایتعالی بتحقیق اجابت کرد دعای مرا

وغفر لامتي اخذ التراب فجعل يحثوه على راسه

و بیامرزید امت مرا گرفت خاک پس گشت که می انداخت بهر دو دست خاک را بر سر خود

ويدعو بالويل والثبور فاضحكني ما رأيت من جزعه

و دعا میکرد بویل و ثبور پس در خنده در آورد مرا چیزیکه دیدم من از بیصبری و ناله و فریادی

رواه ابن ماجة وروى البيهقي في كتاب البعث والنشور نحوه

رواه ابن ماجه و روایت کرد بیهقی در کتاب بعث و نشور مانند این حدیث

باب فضائل مكة زادها الله تعالى شرفا

ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى

هر آئینه اول خانه که مقرر کرده شد برای مردمان آنست که در مکه است برکت داده شده و راه

لِلْعٰلَمِيْنَ ۝ فِيْهِ اٰيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ اِبْرَاهِيْمَ ۝ وَمَنْ

مر مردمان را در آن خانه نشانهای روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم ست و هر که

دَخَلَهٗ كَانَ اٰمِنًا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

در آید آنجا امین بود و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَّةَ مَا اَطْيَبَكِ مِنْ بَلَدٍ وَاَحَبَّكِ

صلی الله علیه وسلم مر مکه معظمه را که چه عجب شهرے تو و دوست داشته شده تو

اِلَيَّ وَلَوْلَا اَنَّ قَوْمِيْ اَخْرَجُوْنِيْ مِنْكِ مَا سَكَنْتُ

بسوے من اگر نمی بود اینکه قوم من بیرون کردند مرا از سکونت تو نمیکردم سکونت

غَيْرَكِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَدِيِّ

بجز تو رواه الترمذی و روایت است از عبد الله ابن عدی

بْنِ حَمْرَاءَ قَالَ رَاَيْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن حمراء گفت دیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

وَاقِفًا عَلَى الْحَزْوَرَةِ فَقَالَ وَاللّٰهِ اِنَّكِ لَخَيْرُ اَرْضِ اللّٰهِ

ایستاده بر حزوره پس فرمود آنحضرت خطاب بمکه معظمه کرده بدرستی تو بهترین زمین خدائی

وَاَحَبُّ اَرْضِ اللّٰهِ اِلَى اللّٰهِ وَلَوْلَا اَنِّيْ اُخْرِجْتُ مِنْكِ

و محبوب ترین زمین خدائی نزد خدا و اگر نمی بود اینکه بیرون آورده شدم من از تو

مَا خَرَجْتُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَيَّاشِ

بیرون نمی آمدم رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از عیاش

ابْنِ اَبِيْ رَبِيْعَةَ الْمَخْزُوْمِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابن ابی ربیعه المخزومی گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَزَالُ هٰذِهِ الْاُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا عَظَّمُوْا هٰذِهِ

علیه وسلم همیشه باشد این امت بخیر و سلامت در دین و دنیا مادامیکه تعظیم کنند این

الحرمة حق تعظيمها فاذا ضيعوا ذلك هلكوا رواه ابن ماجة

حرمت را یعنی حرمت مکه را حق تعظیم وے پس چون ضایع کنند آن حرمت را هلاک شوند رواه ابن ماجه

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

نزل الحجر الاسود من الجنة وهو اشد بياضا من اللبن

فرود آمده است حجر اسود از بهشت و وے دران حال زیاده تر بود در سفیدی از شیر

فسودته خطايا بني آدم رواه احمد والترمذي وعنه

پس سیاه گردانید او را گناهان اولاد آدم رواه احمد والترمذی وهم از وی مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم في الحجر والله ليبعثنه

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در شان حجر اسود بخدا سوگند هر آئینه بر انگیزد حجر اسود را

الله يوم القيمة له عينان يبصر بهما ولسان ينطق به

خدایتعالی روز قیامت در حالیکه مر او را دو چشم باشد که بیند بآن دو چشم و زبانے باشد که سخن گوید بآن

يشهد على من استلمه بحق رواه الترمذي وابن ماجة

گواهی دهد بر کسے که بوسه داد او را بحق یعنی با ایمان رواه الترمذی وابن ماجه

والدارمي وعن ابن عمر رض قال سمعت رسول الله صلى

والدارمی و روایت است از ابن عمر رض گفت شنیدم آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول ان الركن والمقام ياقوتتان من

الله علیه وسلم را که میفرمود بدرستیکه رکن و مقام ابراهیم هر دو یاقوت اند از

ياقوت الجنة طمس الله نورهما ولو لم يطمس نورهما

جنس یاقوت بهشت نا پدید کرده است خدایتعالی نور آن هر دو را اگر نا پدید نمیکرد نور هر دو را

لاضاء ما بين المشرق والمغرب رواه الترمذي

هر آئینه روشن میشد هر چه میان مشرق و مغرب است رواه الترمذی

وعن ابي هريرة رض ان النبي صلى الله عليه وسلم

وروایت است از ابی هریره رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال وكل به سبعون ملكا يعني الركن اليماني فمن قال

فرمود موکل گردانیده شده اند بوی هفتاد فرشته یعنی بر رکن یمانی پس کسیکه بگوید

اللهم اني اسئلك العفو والعافية في الدنيا والاخرة ربنا اتنا

از اللهم تا وقنا عذاب النار

في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار قالوا امين

میگویند آن فرشتگان آمین

رواه ابن ماجة

باب فضائل المدينة زادها الله تعالى كرامة

رواه ابن ماجه

این باب در فضایل مدینه است زیاده گرداند خدایتعالی بزرگی او را

عن سعد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از سعد بن وقاص رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اني احرم ما بين لابتي المدينة ان تقطع عضاهها او يقتل

بدرستیکه من حرام میگردانم میان هردو لابه مدینه که بریده شود درختان آن وکشته شوند

صيدها وقال المدينة خير لهم لو كانوا يعلمون لا يدعها

شکار آن و فرمود آنحضرت که مدینه بهتر است ایشان را اگر بدانند ترک نکند مدینه را

احد رغبة عنها الا ابدل الله فيها من هو خير منه

کسی از روی انکار مگر بدل میکند بجای او خدایتعالی کسی را که بهتر است از وی

ولا يثبت احد على لاوائها وجهدها الا كنت له شفيعا

و پای بر جا نماند هیچ یکی و صبر میکند بر سختی و گرسنگی و محنت مدینه مگر آنکه باشم مر او را شفاعت کننده

او شهيدا يوم القيامة رواه مسلم وعن ابي هريرة رض

و گواهی دهنده روز قیامت رواه مسلم وروایت است از ابی هریره رض

٥٣ لاوائها اي الشدة وضيق المعيشة ١٢ مجمع

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَصْبِرُ عَلَى

که گفت آنحضرت صلے الله علیه وسلم صبر نمیکند بر

لَأْوَاءِ الْمَدِيْنَةِ وَشِدَّتِهَا أَحَدٌ مِّنْ أُمَّتِي إِلَّا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا

سختی ومحنت مدینه هیچ یکے از امت من مگر اینکه میباشم او را شفیع

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض فِي

روز قیامت رواه مسلم وروایت است از عبد الله بن عمر رض در

رُؤْيَا النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَدِيْنَةِ رَأَيْتُ امْرَأَةً

خواب دیدن آنحضرت صلے الله علیه وسلم در شان مدینه دیدم زنے را

سَوْدَاءَ ثَائِرَةَ الرَّأْسِ خَرَجَتْ مِنَ الْمَدِيْنَةِ حَتّٰى نَزَلَتْ

سیاه ژولیده موسے بیرون آمد آن زن از مدینه تا آنکه فرود آمد

مَهْيَعَةَ فَتَأَوَّلْتُهَا أَنَّ وَبَاءَ الْمَدِيْنَةِ نُقِلَ إِلٰى مَهْيَعَةَ

موضعی که نام او مهیعه است گفت آنحضرت پس تعبیر کردم آن زن را که تب و بیمار مدینه برده شد بسوی مهیعه

وَهِيَ الْجُحْفَةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ

وآن موضع جحفه است رواه بخارے وروایت است از جابر بن

سَمُرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

سمره رض گفت شنیدم آنحضرت صلے الله علیه وسلم را که میگفت

إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى سَمَّى الْمَدِيْنَةَ طَابَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بدرستیکه خدایتعالی نام کرده است مدینه را طابه بر زبان حبیب خود رواه مسلم وروایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

أُمِرْتُ بِقَرْيَةٍ تَأْكُلُ الْقُرٰى يَقُولُوْنَ يَثْرِبُ وَهِيَ الْمَدِيْنَةُ

امر کرده شدم بهجرت بقریه که میخورد قریهاے دیگر را یعنے غالب آید و مدینه

تَنْفِي النَّاسَ كَمَا يَنْفِي الْكِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بدر میکند مدینه مردم را چنانچه دور میکند کوره آهنگران پلیدی آهن را متفق علیه

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

عَلَى أَنْقَابِ الْمَدِينَةِ مَلٰئِكَةٌ لَا يَدْخُلُهَا الطَّاعُونُ وَلَا

بر راهہاے مدینه فرشتگان نگاهبان اند که در نمی آید بمدینه طاعون و نه

الدَّجَّالُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

دجال متفق علیه و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنْ بَلَدٍ إِلَّا سَيَطَؤُهُ الدَّجَّالُ

صلی الله علیه و سلم نیست هیچ شهرے مگر آنکه در آید آنرا دجال

إِلَّا مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ لَيْسَ نَقْبٌ مِنْ أَنْقَابِهَا إِلَّا عَلَيْهِ

مگر مکه معظمه و مدینه منوره نیست هیچ راهے از راهہاے مدینه مگر آنکه بر وے

الْمَلٰئِكَةُ صَافِّينَ يَحْرُسُونَهَا فَيَنْزِلُ السَّبْخَةَ فَتَرْجُفُ

فرشتگان صف زده نگهبانی میکنند آنرا پس نزول خواهد کرد دجال شوره زمین را پس بجنباند

الْمَدِينَةُ بِأَهْلِهَا ثَلٰثَ رَجَفَاتٍ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ كُلُّ كَافِرٍ

مدینه ساکنان خود را سه بار جنبانیدن پس بیرون خواهد آمد بسوی او هر کافر

وَمُنَافِقٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ

و منافق متفق علیه و روایت است از سعد رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَكِيدُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ

پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بد سگالی نکند و ایذا ندهد اهل مدینه

أَحَدٌ إِلَّا انْمَاعَ كَمَا يَنْمَاعُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

هیچ یکے مگر آنکه بگدازد نمک در آب متفق علیه

وعن انس رض ان النبي صلى الله عليه وسلم كان اذا

در روایت است از انس رض که آنحضرت صلے الله علیه وسلم بود چون

قدم من سفر فنظر الى جدرات المدينة اوضع راحلته

قدوم می آورد از سفر پس نظر میکرد بسوے دیوار ہاے مدینه میراند شتر سوار خود را

وان كان على دابة حركها من حبها رواه البخاري وعنه

واگر سوار می بود بر دابه دیگر می دوانید آنرا از دوستی مدینه رواه بخارے وهم از انس است

ان النبي صلى الله عليه وسلم طلع له احد فقال هذا جبل

که ظاهر شد مر آنحضرت را جبل احد پس فرمود آنحضرت که این کوه است

يحبنا ونحبه اللهم ان ابراهيم حرم مكة واني احرم

که دوست میدارد ما را و دوست میداریم اورا الهی درستیکه ابراهیم حرام گردانید مکه را و درستیکه

ما بين لابتيها متفق عليه وعن ابن عمر رض قال

که میان دو سنگستان مدینه است متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من استطاع ان يموت

فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه میخواهد که بمیرد

بالمدينة فليمت بها فاني اشفع لمن يموت بها رواه احمد

در مدینه پس باید که بمیرد در مدینه پس بدرستیکه من شفاعت کنم آنرا که بمیرد در مدینه رواه احمد

والترمذي وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

والترمذے و از ابے هریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم اخر قرية من قرى الاسلام

صلے الله علیه وسلم آخر شهرے که خراب شود از شهر هاے اسلام

خرابا المدينة رواه الترمذي وعن ابي بكرة رض

نزد قیام قیامت مدینه است رواه الترمذی و روایت است از ابی بکره رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْمَدِيْنَةَ رُعْبُ

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم درنمی آید مدینه را ترس

الْمَسِيْحِ الدَّجَّالِ لَهَا يَوْمَئِذٍ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ

مسیح دجال آنرا در آن وقت آمدن دجال هفت درخواهد بود بر هر در

مَلَكَانِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

دو فرشته نگهبان نشسته رواه البخاری در روایت است از انس رض از آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ بِالْمَدِيْنَةِ ضِعْفَيْ مَا

الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت خداوندا بگردان در مدینه دوچند ازانچه

جَعَلْتَ بِمَكَّةَ مِنَ الْبَرَكَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ رَجُلٍ مِنْ

گردانیدهٔ در مکه از برکت متفق علیه در روایت است از مردے از

آلِ الْخَطَّابِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ زَارَنِيْ

اولاد خطاب از رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت کسیکه زیارت کند

مُتَعَمِّدًا كَانَ فِيْ جِوَارِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ سَكَنَ الْمَدِيْنَةَ

قصداً نه بطفیل کار دیگر باشد در همسایگی من در روز قیامت و کسیکه سکونت ورزد در مدینه

وَصَبَرَ عَلٰى بَلَائِهَا كُنْتُ لَهُ شَهِيْدًا أَوْ شَفِيْعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

و صبر کند بر بلاے وے باشم اورا گواهی دهنده و شفاعت کننده روز قیامت

وَمَنْ مَاتَ فِيْ أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بَعَثَهُ اللهُ مِنَ الْآمِنِيْنَ يَوْمَ

و کسیکه بمیرد در یکے از مکه و یا مدینه برانگیزاند اورا خدا تعالے با گروه بیخوفان در روز

الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ يَحْيَى

قیامت رواه بیهقی در شعب الایمان در روایت است از یحیی

بْنِ سَعِيْدٍ رض أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ

بن سعید رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نشسته بود

جَالِسًا وَقَبْرٌ يُحْفَرُ بِالْمَدِينَةِ فَاطَّلَعَ رَجُلٌ فِي الْقَبْرِ فَقَالَ بِئْسَ

دگورے کندہ میشد در مدینہ پس نظر کرد مردے در قبر پس گفت آنمرد بد

مَضْجَعِ الْمُؤْمِنِ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِئْسَمَا

خوابگاہ مومنست گور پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بد حرفے بود

قُلْتَ قَالَ الرَّجُلُ إِنِّي لَمْ أُرِدْ هٰذَا إِنَّمَا أَرَدْتُ الْقَتْلَ فِي

کہ تو گفتی گفت آنمرد بدرستیکہ من مراد ندا شتم کہ موت بہ مرے مومن جزاین نیست کہ تحسین مرکشتہ

سَبِيلِ اللّٰهِ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا مِثْلَ الْقَتْلِ

راہ خدا ارادہ کردم پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم نیست مردن در مدینہ

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مَا عَلَى الْأَرْضِ بُقْعَةٌ أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ يَكُونَ

مانند کشتہ شدن در راہ خدا بلکہ افضل نیست برزمین ہیچ جاے محبوب تر نزد من کہ باشد

قَبْرِي بِهَا مِنْهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ مَالِكٌ مُرْسَلًا وَعَنِ

قبر من درو سے از مدینہ سہ بار فرمود رواہ مالک وروایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض مَرْفُوعًا مَنْ حَجَّ فَزَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ

ابن عمر رض از روی مرفوع کسیکہ حج کند پس زیارت کند قبر مرا بعد از من باشد

كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

ہمچو کسے کہ زیارت کرد و ملاقات نمود مرا در زندگی من رواہ البیہقی در شعب الایمان

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ صَلٰوةٌ فِي مَسْجِدِي هٰذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلٰوةٍ فِيمَا

وسلم یک نماز در مسجد من کہ اینست بہتر است از ہزار نماز در

سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

غیر آن مگر در مسجد حرام واز ابی سعید الخدری رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تشد الرحال إلا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کجاوه‌ها مبندید مگر

إلى ثلاثة مساجد مسجد الحرام والمسجد الأقصى ومسجدي

کسو سه مسجد یکی مسجد حرام دوم مسجد اقصی سوم مسجد من که این است

هذا متفق عليه وعن أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ما بين بيتي ومنبري روضة من رياض

صلی الله علیه وسلم که درمیان بیت من و منبر من روضه از روضه های

الجنة ومنبري على حوضي متفق عليه وعن أنس

بهشت است و منبر من بر حوض کوثر باشد متفق علیه و از انس بن مالک رضـ مرویست

بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم یک نماز

الرجل في بيته بصلوة وصلوته في مسجد القبائل بخمس

مرد درخانه او یکنماز است و نماز او در مسجد قبیله برابر

وعشرين صلوة وصلوته في المسجد الذي يجمع فيه

بست و پنج نماز است و نماز او در مسجدیکه جمع شوند در آن بمقدار

بخمس مائة صلوة وصلوته في المسجد الأقصى بخمسين

پنج صد نماز است و نماز وے در مسجد اقصی ثواب پنجاه

ألف صلوة وصلوته في مسجدي بخمسين ألف صلوة

هزار نماز دارد و نماز وے در مسجد من ثواب پنجاه هزار نماز دارد

وصلوته في المسجد الحرام بمائة ألف صلوة رواه ابن ماجه

و نماز وے در مسجد حرام مقابل صد هزار نماز است رواه ابن ماجه

وعن عاصم الاحول قال سألت انس بن مالك أحرم

وروایت است از عاصم احول که سوال کردم از انس بن مالک آیا حرام کرد

النبي صلى الله عليه وسلم المدينة قال نعم حرام حرمها

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم مدینہ را گفت بلے حرام کردہ است آنرا

الله ورسوله لا يختلى خلاها فمن فعل ذلك فعليه

خدا ورسول او قطع کردہ نشود درخت آن پس اگر کسے کرد این پس بروے

لعنة الله والملئكة والناس أجمعين ش

لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردمان باشد

باب مناقب القريش والعرب

عن ابن عمر رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال

روایت است از ابن عمر رض که گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

لا يزال هذا الامر في قريش ما بقي منهم اثنان متفق

همیشه باشد امر خلافت در قریش تا وقتیکه باقی باشد از ایشان دو کس متفق

عليه وعن معاوية رض قال سمعت رسول الله

علیہ وروایت است از معاویہ رض گفت که شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول ان هذا الامر في قريش لا يعاديهم

صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت بدرستیکہ این امر خلافت در قریش است دشمنی نکند ایشانرا

أحد الا كبه الله على وجهه ما اقاموا الدين رواه البخاري

هیچ یکے مگر آنکہ بر روے افگند خدا تعالے او را مادامیکہ بر پا دارند قریش دین رواہ البخاری

وعن سعد عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من يرد

وروایت است از سعد از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ گفت کسیکہ خواہد

هَوَانَ قُرَيْشٍ اَهَانَهُ اللّٰهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

خواری قریش را خوار گرداند او را خدا تعالی رواه الترمذی و روایت است از

عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض قَالَ مَاتَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عمران بن حصین رض که گفت وفات فرمود آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم

وَهُوَ يَكْرَهُ ثَلٰثَةَ اَحْيَاءٍ ثَقِيْفٍ وَبَنِىْ حَنِيْفَةَ وَبَنِىْ اُمَيَّةَ

حال آنکه آنحضرت ناخوش میداشت سه قبیله را ثقیف و بنی حنیفه و بنی امیه

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه الترمذی و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِىْ ثَقِيْفٍ كَذَّابٌ وَّمُبِيْرٌ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ

صلی اللّٰه علیه وسلم در قبیله ثقیف یکے دروغ گو است و دیگر ہلاک کننده مردم نظلم گفته

بْنُ عِصْمَةَ يُقَالُ الْكَذَّابُ هُوَ الْمُخْتَارُ ابْنُ اَبِىْ عُبَيْدٍ وَالْمُبِيْرُ

بن عصمه گفته شد که دروغ گو آن مختار است ابن ابی عبید ست و خون ریز

هُوَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوْسُفَ وَقَالَ هِشَامُ بْنُ حَسَّانٍ اَحْصَوْا

آن حجاج بن یوسف است و گفت هشام بن حسان شمرده و ضبط کردند

مَا قَتَلَ الْحَجَّاجُ صَبْرًا فَبَلَغَ مِائَةَ اَلْفٍ وَّعِشْرِيْنَ اَلْفًا

آنچه کشته است حجاج بحبس و بند پس رسیده است عدد شان صد و بیست هزار را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوٰى مُسْلِمٌ فِى الصَّحِيْحِ حِيْنَ قَتَلَ

رواه الترمذی و روایت کرد مسلم در صحیح خود هنگامے که کشت

الْحَجَّاجُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ الزُّبَيْرِ قَالَتْ اَسْمَاءُ اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

حجاج عبد اللّٰه بن زبیر را گفت اسما بنت ابی بکر که ام ابن زبیر است که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّثَنَا اَنَّ فِىْ ثَقِيْفٍ كَذَّابًا وَّمُبِيْرًا

صلی اللّٰه علیه وسلم حدیث کرد ما را در ثقیف دروغ گو خواهد بود و خون ریز

فَاَمَّا الْكَذَّابُ فَرَاَيْنَاهُ وَالْمُبِيْرُ فَلَا اِخَالُكَ اِلَّا اِيَّاهُ

پس لکن دروغ گو پس دیدیم ما او را و خون ریز را گمان نمیبرم ترا مگر آن خطاب بحجاج کرد

وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از سلمان رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لَا تُبْغِضْنِىْ فَتُفَارِقَ دِيْنَكَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

وسلم دشمن مدار مرا پس جدا شوی از دین خود گفتم ای رسول خدا

كَيْفَ اُبْغِضُكَ وَبِكَ هَدَانَا اللّٰهُ قَالَ تُبْغِضُ الْعَرَبَ

چگونه دشمن دارم ترا حال آنکه بتو راه راست نمود ما را خدا تعالی گفت آنحضرت دشمن داری عرب را

فَتُبْغِضُنِىْ رَوَاهُ التِّرْمِذِىُّ وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ

پس دشمن داری مرا رواه الترمذی وروایت است از عثمان بن عفان رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ غَشَّ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکه خیانت کند

الْعَرَبَ لَمْ يَدْخُلْ فِىْ شَفَاعَتِىْ وَلَمْ تَنَلْهُ مَوَدَّتِىْ رَوَاهُ

عرب را در نیاید در شفاعت من و در نرسد او را دوستی من رواه

التِّرْمِذِىُّ وَعَنْ اُمِّ الْحَرِيْرِ مَوْلَاةِ طَلْحَةَ بْنِ مَالِكٍ

الترمذی وروایت است از ام الحریر آزاد کرده طلحه بن مالک

قَالَتْ سَمِعْتُ مَوْلَايَ يَقُوْلُ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفت شنیدم مولای خود را که میگفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ مِنِ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ هَلَاكُ الْعَرَبِ رَوَاهُ التِّرْمِذِىُّ

وسلم از جمله علامات نزدیک شدن قیامت هلاک شدن عرب است رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُلْكُ فِي قُرَيْشٍ وَالْقَضَاءُ فِي الْأَنْصَارِ
علیه وسلم خلافت در قریش است و قضاء در انصار است
وَالْأَذَانُ فِي الْحَبَشَةِ وَالْأَمَانَةُ فِي الْأَزْدِ يَعْنِي الْيَمَنَ
و بانگ نماز گفتن در قوم حبشه است و امانت ساختن در قبیله ازد است یعنی یمن
وَفِي رِوَايَةٍ مَوْقُوفًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
و در روایتے این حدیث موقوف است رواه الترمذی و روایت است از ابن عباس رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحِبُّوا الْعَرَبَ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دوست دارید عرب را
لِثَلَاثٍ لِأَنِّي عَرَبِيٌّ وَالْقُرْآنُ عَرَبِيٌّ وَكَلَامُ أَهْلِ الْجَنَّةِ
از جهت سه خصلت یکے آنکه من عربیم دوم آنکه قرآن بزبان عرب است سوم آنکه سخن اہل جنت
عَرَبِيٌّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ
عربیست رواه البیهقی در شعب الایمان

فِي فَضْلِ الْيَمَنِ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قَالَ أَتَاكُمْ أَهْلُ الْيَمَنِ هُمْ أَرَقُّ أَفْئِدَةً وَأَلْيَنُ قُلُوبًا
فرمود که آمدند شما را اہل یمن که رقیق تر است فؤاد شان و نرم تر دلهاے ایشان
الْإِيمَانُ يَمَانٍ وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَةٌ وَالْفَخْرُ وَالْخُيَلَاءُ فِي أَصْحَابِ
ایمان یمنی است و حکمت یمانیه است و نازیدن و ستایش نفس کردن در خداوندان
الْإِبِلِ وَالسَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ فِي أَهْلِ الْغَنَمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
شتر است و آرامش و آهستگی در خداوندان گوسفند است متفق علیه است

عَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ غِلَظُ

روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم سختی

الْقُلُوبِ وَالْجَفَاءُ فِی الْمَشْرِقِ وَالْاِیْمَانُ فِی اَھْلِ الْحِجَازِ

دلہا و درشتی خوے در مشرق است و ایمان در اہل حجاز

رَوَاہُ مُسْلِمٌ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ

رواہ مسلم در روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اَللّٰھُمَّ بَارِکْ لَنَا فِی شَامِنَا اَللّٰھُمَّ بَارِکْ لَنَا فِی یَمَنِنَا

وسلم خداوندا برکت دہ ما را در شام ما خداوندا برکت دہ ما را در یمن ما

قَالُوْا یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ وَفِی نَجْدِنَا قَالَ اَللّٰھُمَّ بَارِکْ لَنَا فِی شَامِنَا

گفتند اے رسول خدا و در نجد ما فرمود خداوندا برکت دہ ما را در شام ما

وَبَارِکْ لَنَا فِی یَمَنِنَا قَالُوْا یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ وَفِی نَجْدِنَا فَاَظُنُّہٗ

و برکت دہ ما را در یمن ما گفتند یا رسول اللہ و در نجد ما ابن عمر میگوید گمان میبرم

قَالَ فِی الثَّالِثَۃِ ھُنَاکَ الزَّلَازِلُ وَالْفِتَنُ وَبِھَا یَطْلُعُ

کہ فرمود در بار سوم آنجا یعنے در نجد زلزلہا است و فتنہا است و از نجد طلوع میکند

قَرْنُ الشَّیْطَانِ

قرن شیطان یعنے حزب و اعوان او

فِی فَضْلِ الْعَجَمِ

ھُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْاُمِّیِّیْنَ رَسُوْلًا مِّنْھُمْ یَتْلُوْا عَلَیْھِمْ

اوست آنکہ بر انگیخت در ناخواندگان پیغامبرے از قوم ایشان میخواند بر ایشان

اٰیٰتِہٖ وَیُزَکِّیْھِمْ وَیُعَلِّمُھُمُ الْکِتٰبَ وَالْحِکْمَۃَ وَاِنْ کَانُوْا

آیات او را و پاک میکند ایشانرا و می آموزد ایشان را کتاب و دانش و اگرچہ بودند ایشان

مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ وَّآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا

بیش از ین در گمراهی ظاهر ونیز مبعوث گردانید پیغمبر را در قومی دیگر ازانها که هنوز نه پیوسته اند

بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ

بامسلمانان واوست غالب باحکمت اینست فضل خدا میدهدش بهرکه

يَّشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

خواهد وخدا تعالی خداوند فضل بزرگ است وروایت است از ابی هریره رض

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلَا هٰذِهِ الْآيَةَ وَإِنْ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم خواند این آیت را واگر

تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ۝

روی گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر از شما باز نباشند آنجماعه مانند شما

قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَنْ هٰؤُلَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَ اللّٰهُ إِنْ تَوَلَّيْنَا

گفتند صحابه ای پیغامبر خدا کیستند آن جماعتی که یاد کرده است خدا تعالی که اگر روی گردانیم

اُسْتُبْدِلُوا بِنَا ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَنَا فَضَرَبَ عَلَى فَخِذِ

بجای ما گرفته می شوند پستر نباشند آنجماعت مانند ما در روی گردانی پس زد دست مبارک آنحضرت

سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ثُمَّ قَالَ هٰذَا وَقَوْمُهُ وَلَوْ كَانَ الدِّينُ

سلمان فارسی پستر فرمود جماعت سلمان است وقوم وی واگر باشد دین

عِنْدَ الثُّرَيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

نزد ستاره ثریا هر آینه میگرفتند دین را مردان فارس رواه الترمذی

وَعَنْهُ قَالَ ذُكِرَتِ الْأَعَاجِمُ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى

وهم از ابی هریره است گفت ذکر کرده شد اهل عجم نزد آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الله علیه وسلم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَا نَابِهِمْ اَوْ بِبَعْضِهِمْ اَوْ ثَوْمِنَّى بِلْمٍ اَوْ بِبَحْثِنَا لَمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

هر آئینہ من با ایشان یا ببعض ایشان یعنے عجمان اعتماد کنندہ ترم در حفظ دین از امکہ ابنیا یا بعض

فِي فَضْلِ الشَّامِ

وَاَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِيْنَ كَانُوْا يُسْتَضْعَفُوْنَ مَشَارِقَ

ومیراث دادیم گروہے را که ضعیف شمردہ می شدند مشارق

الْاَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِيْ بَارَكْنَا فِيْهَا قُلْنَا يَا نَارُ كُوْنِيْ

ومغارب زمینے که برکت نہادیم در آن گفتیم اے آتش باش خداوند

بَرْدًا وَّسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَاَرَادُوْا بِهٖ كَيْدًا فَجَعَلْنٰهُمُ

برودت و سلامت بر ابراہیم وخواستند با وفریب کردن پس ساختیم ایشانرا

الْاَخْسَرِيْنَ ۝ وَنَجَّيْنٰهُ وَلُوْطًا اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بَارَكْنَا فِيْهَا

زیانکار وبرہانیدیم ابراہیم را ولوط را بسوے زمینے که برکت نہادیم در آن

لِلْعٰلَمِيْنَ ۝ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِيْ بَارَكْنَا

تمامی عالم را وپیدا کردیم میان ایشان ومیان آن دہ ہا که برکت نہادیم

فِيْهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَّقَدَّرْنَا فِيْهَا السَّيْرَ سِيْرُوْا فِيْهَا

در آن یعنے شام دہ ہا متصل بایکدیگر ومقرر کردیم در آن آمد ورفت را سیر کنید درین دہ ہا

لَيَالِيَ وَاَيَّامًا اٰمِنِيْنَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رض قَالَ

شبہا وروز ہا ایمن شدہ وروایت است از زید بن ثابت رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طُوْبٰى لِلشَّامِ قُلْنَا

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم خوشی باد مر اہل شام را گفتیم ما

لِاَيٍّ ذٰلِكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ لِاَنَّ مَلٰٓئِكَةَ الرَّحْمٰنِ

از چہ چیز است این ما اے رسول خدا فرمود زیرا که فرشتہا ے خداے مہربان

بَاسِطَةٌ اَجْنِحَتَهَا عَلَيْهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

فراخ کننده بازوے خود را بر ایشان رواہ احمد والترمذے و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عبد اللہ بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

سَتَخْرُجُ نَارٌ مِّنْ نَحْوِ حَضْرَمَوْتَ اَوْ مِنْ حَضْرَمَوْتَ تَحْشُرُ

نزدیک است کہ برآید آتشے از جانب حضرموت یا از حضرموت جمع کند این آتش

النَّاسَ قُلْنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَمَا تَأْمُرُنَا قَالَ عَلَيْكُمْ بِالشَّامِ

مردم را گفتیم اے رسول اللہ چہ میفرماے ما را گفت آنحضرت بر شما باد کہ بروید بشام

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ شُرَيْحِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ ذُكِرَ

رواہ الترمذے و روایت است از شریح بن عبید گفت ذکر کردہ شدند

اَهْلُ الشَّامِ عِنْدَ عَلِيٍّ رض وَقِيْلَ الْعَنْهُمْ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ

اہل شام نزد امیر المومنین علی رض و گفتہ شد لعنت کن ایشان را یا امیر المومنین

قَالَ لَا اِنِّيْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

گفت لعنت نمیکنم ایشان را بدرستیکہ شنیدہ ام آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ

اَلْاَبْدَالُ يَكُوْنُوْنَ بِالشَّامِ وَهُمْ اَرْبَعُوْنَ رَجُلًا كُلَّمَا

ابدال میباشند بشام و ابدال چہل مرد اند ہر گاہ کہ

مَاتَ رَجُلٌ اَبْدَلَ اللّٰهُ مَكَانَهُ رَجُلًا يُسْقٰى بِهِمُ الْغَيْثُ

بمیرد مردے می آرد خدا تعالے در بدل او مردے دیگر آب دادہ می شود بوجود ایشان

وَيُنْتَصَرُ بِهِمْ عَلَى الْاَعْدَاءِ وَيُصْرَفُ عَنْ اَهْلِ الشَّامِ

و نصرت دادہ شوند بسبب ایشان بر دشمنان و برگردانیدہ می شود از اہل شام

بِهِمُ الْعَذَابُ وَعَنْ رَجُلٍ مِّنَ الصَّحَابَةِ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

ببرکت ایشان عذاب و روایت است از مردے از اصحاب رض بدرستیکہ آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم قال ستفتح الشام فاذا خیرتم المنازل

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود نزدیک است کہ فتح کردہ شود بلاد شام پس چون مخیر گردانیدہ شوید

فیها فعلیکم بمدینة یقال لها دمشق فانها معقل المسلمین

بودن را دران بلاد پس بر شما باد کہ اختیار کنید شہریکہ گفتہ می شود آنرا دمشق پس آن شہر پناہ مسلمانان است

من الملاحم وفسطاطها منها ارض یقال لها الغوطة

از حربہا و محل اجتماع شام از زمین دمشق زمینے است کہ گفتہ می شود او را غوطہ

رواهما احمد وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی

روا ہما احمد و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے

الله علیه وسلم الخلافة بالمدینة والملك بالشام وعن

اللہ علیہ وسلم خلافت در مدینہ است و ملک در شام و روایت است از

عمر رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم رأیت عمودا

عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دیدم ستونے را

من نور خرج من تحت رأسي ساطعا حتی استقر بالشام

از نور کہ بیرون آمد از زیر سر من بالا بر آیندہ تا آنکہ قرار گرفت در شام

رواهما البیهقي في دلائل النبوة وعن ابی الدرداء رض

رواہ بیہقی در دلائل النبوہ و روایت است از ابی درداء رض

ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال ان فسطاط

بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ مجمع

المسلمین یوم الملحمة بالغوطة الی جانب مدینة

مسلمانان روز جنگ غوطہ است جانب شہرے

یقال لها دمشق من خیر مدائن الشام رواه ابوداود

کہ گفتہ می شود آنرا دمشق کہ از بہترین شہر ہاے شام است رواہ ابوداود

وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَيَأْتِي مَلِكٌ مِنْ

در روایت است از عبد الرحمن بن سلیمان گفت نزدیک است بیاید پادشاہے از

مُلُوْكِ الْعَجَمِ فَيَظْهَرُ الْمَدَائِنَ كُلَّهَا اِلَّا دِمَشْقَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ

پادشاہان عجم پس غالب میگردد بر ہمہ شہر ہا مگر دمشق را روایت کرد ابوداود

بَابُ الْكَسْبِ وَطَلَبِ الْحَلَالِ

يٰاَيُّهَا النَّاسُ كُلُوْا مِمَّا فِي الْاَرْضِ حَلٰلًا طَيِّبًا وَّلَا تَتَّبِعُوْا

اے مردمان بخورید از آنچہ در زمین است حلال پاکیزہ و پیروی مکنید

خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ۝ اِنَّمَا يَاْمُرُكُمْ

گامہاے شیطان را ہر آئینہ او شمارا دشمن آشکارا جز این نیست کہ حکم میکند شمارا

بِالسُّوْٓءِ وَالْفَحْشَآءِ وَاَنْ تَقُوْلُوْا عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۝

بہ بدکاری و بیحیائی و آن کہ افترا کنید بر خدا آنچہ نمی دانید

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَاشْكُرُوْا

اے مسلمانان بخورید از پاکیزہ ہاے آنچہ روزی دادیم شمارا و سپاس گوئید

لِلّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ۝ عَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ

خدارا اگر اورا می پرستید روایت است از مقدام بن

مَعْدِ يْكَرِبَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا اَكَلَ

معدیکرب رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نخورد

اَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ اَنْ يَّاْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدَيْهِ وَاِنَّ نَبِيَّ اللّٰهِ

ہیچ یکے طعامے را بہتر از آنکہ بخورد از کار ہر دو دست خود بدرستیکہ نبی خدا علیہ

دَاوٗدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَاْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدَيْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

داود علیہ السلام بود کہ میخورد از عمل دستہاے خود روایت کرد بخاری

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا وَإِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى

و سلم بدرستیکه خدای تعالے پاکست قبول نمیکند مگر پاک را یعنے حلال را و بدرستیکه خدای تعالی

أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ

امر کرد مسلمانان را بچیزیکه امر کرد بدان پیغامبران را پس گفت ای پیغامبران

كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۝ وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا

بخورید از رزق های حلال و عمل کنید نیک و فرمود حق تعالے ای

الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ

مومنان بخورید از طعامهاے پاک آنچه داده ایم شما را پس تر یاد کرد آنحضرت مردیرا

يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ

که دراز میکند سفر را که محل مظنه اجابت دعاست ژولیده سر گرد آلود دراز میکرد هر دو دست خود را بسوی آسمان

يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ

اے رب حال آنکه خوردنی او حرام است و نوشیدنی او حرام است و پوشش او حرام است

وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و پرورش کرده شد بحرام پس چگونه قبول کرده شود دعا برای او رواه مسلم

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الْمَرْءُ مَا أَخَذَ مِنْهُ أَمِنَ

خواهد آمد بر مردم زمانے که باک ندارد مرد که چه چیز گرفته و خورده از حلال یا از

الْحَلَالِ أَمْ مِنَ الْحَرَامِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ النُّعْمَانِ

حلال یا از حرام رواه البخاری رحمه و روایت است از نعمان

بن بشیر رضؓ قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الحلال

بن بشیر رضؓ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آنچه حلال است

بیّن والحرام بیّن وبینهما مشتبهات لا یعلمهن کثیر

ظاهر است و آنچه حرام است نیز هویداست و در میان حلال و حرام چیزها است مشتبه نمی شناسند آنرا بسیاری

من الناس فمن اتقی الشبهات استبرأ لدینه وعرضه

از مردم پس کسیکه پرهیز کند شبهات را طالب برأت کرد مر دین خود و آبروی خود را

ومن وقع فی الشبهات وقع فی الحرام کالراعی یرعی حول

و کسیکه بیفتد در شبهات بیفتد در حرام مانند چرانده که بچراند گرد

الحمی یوشک ان یرتع فیه الا وان لکل ملک حمی الا وان

حمی نزدیک است که بچرد در حمی آگاه باشید بدرستیکه مر هر پادشاهی را حمی است و آگاه باشید که

حمی الله محارمه الا وان فی الجسد مضغة اذا صلحت

حمای خدا محارم اوست و آگاه باشید که در تن آدمی گوشت پاره ایست وقتیکه نیک شود

صلح الجسد کله واذا فسدت فسد الجسد کله الا وهی

نیک شود همه تن و چون تباه شود آن مضغه تباه شود همه تن خبردار باشید که آن پاره

القلب متفق علیه وعن ابی جحیفة رضؓ ان النبی

دل است متفق علیه و روایت است از ابی جحیفه رضؓ که آنحضرت

صلی الله علیه وسلم نهی عن ثمن الدم وثمن الکلب

صلی الله علیه وسلم منع کرد از فروختن خون و نهی کرد از بهای سگ

وکسب البغی ولعن اکل الربو وموکله والواشمة

و کسب بغی و لعنت کرد آنحضرت خورنده ربا را و لعنت کرد خوراننده ربا را و لعنت کرد واشمه

والمستوشمة والمصور رواه البخاری وعن عائشة

و مستوشمه را و لعنت کرد صورت گر را رواه البخاری و روایت است از عائشه رضؓ

قالت قال النبي صلى الله عليه وسلم إن أطيب ما أكلتم من

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ خوشترین وحلال ترین آنچہ میخورید از

كسبكم وإن أولادكم من كسبكم رواه الترمذي والنسائي

کسب شما است و بدرستیکہ اولاد شما از کسب شما اند رواہ الترمذی والنسائی

وابن ماجة وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه عن رسول الله

وابن ماجہ وروایت است از عبد اللہ بن مسعود رض از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لا يكسب عبد مال حرام فيتصدق

صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسب نکند ہیچ بندہ مال حرام را پس تصدق کند

منه فيقبل منه ولا ينفق منه فيبارك له فيه ولا يتركه

ازان کہ قبول کردہ شود آن تصدق و نہ خرچ کند ازان کہ برکت کردہ شود مر او را دران مال و نگذارد

خلف ظهره إلا كان زاده إلى النار إن الله لا يمحو السيئ

مال حرام را پس پشت خود مگر آنکہ باشد آن مال توشہ وے بسوی دوزخ بدرستیکہ خدا تعالے دور نمیکند بد را

بالسيئ ولكن يمحو السيئ بالحسن إن الخبيث لا يمحو

بہ بد ولکن محو میکند بد را بہ نیک بدرستیکہ پلید دور نمیکند

الخبيث رواه أحمد وكذا في شرح السنة وعن

پلید را رواہ احمد ہمچنان است در شرح السنۃ وروایت است از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يدخل الجنة

جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم در نمی آید بہشت را

لحم نبت من السحت وكل لحم نبت من السحت كانت النار

گوشتے کہ روئیدہ شدہ است از حرام و ہر گوشتے کہ روئیدہ از حرام باشد آتش

أولى به رواه أحمد والدارمي والبيهقي في شعب الإيمان

نزدیکتر و سزاوار تر باو رواہ احمد والدارمی وبیہقی در شعب الایمان

وَعَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رض قَالَ حَفِظْتُ مِنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
وروایت است از حسن بن علی رض که گفت یاد گرفتم از پیغمبر خدا صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعْ مَا يَرِيْبُكَ إِلٰى مَا لَا يَرِيْبُكَ فَإِنَّ الصِّدْقَ
علیہ وسلم بگذار چیزیرا که در شک می اندازد ترا بسوی چیزیکه در شک نمی اندازد زیرا که صدق
طُمَأْنِيْنَةٌ وَإِنَّ الْكَذِبَ رِيْبَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ
طمانینت دل است و بدرستیکه کذب سبب شک است رواه احمد والترمذی والنسائی
وَعَنْ عَطِيَّةَ السَّعْدِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وروایت است از عطیہ سعدی رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُوْنَ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ حَتّٰى يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ
وسلم نمیرسد بندہ بآنکه باشد از متقیان تا آنکه نگذارد چیزیرا که نیست باک
بِهٖ حَذَرًا لِمَا بِهٖ بَأْسٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ
دروی از جهت ترسیدن از چیزیکه دروی باک است رواه الترمذی و ابن ماجه وروایت است از
عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عبد اللہ بن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
طَلَبُ كَسْبِ الْحَلَالِ فَرِيْضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيْضَةِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ
طلب کسب حلال فرض است بعد از فرض رواه بیهقی در
شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّهٗ سُئِلَ عَنْ أُجْرَةِ
شعب الایمان وروایت است از ابن عباس رض که وے پرسیده شد از مزد
كِتَابَةِ الْمُصْحَفِ فَقَالَ لَا بَأْسَ إِنَّمَا هُمْ مُصَوِّرُوْنَ وَإِنَّهُمْ
نوشتن مصحف پس گفت باکے نیست نیستند ایشان مگر صورتگیر بدرستیکه ایشان
إِنَّمَا يَأْكُلُوْنَ مِنْ عَمَلِ أَيْدِيْهِمْ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ
نمیخورند مگر از عمل دستهاے خویش رواه رزین وروایت است از

رافع بن خديج رض قال قيل يا رسول الله اى الكسب اطيب

رافع بن خدیج رض گفت گفته شد اے پیغمبر خدا کدام کسب خوشتر است

قال عمل الرجل بيده وكل بيع مبرور رواه احمد وعن

فرمود عمل مرد است از دست خود و هر خرید و فروخت صحیح مقبول در شرع روایت احمد و روایت است از

نافع قال كنت اجهز الى الشام والى مصر فجهزت الى

نافع گفت بودم که میفرستادم وکلاے خود را بمال و اسباب بسوے شام و مصر پس تجهیز ساختم بسوے

العراق فاتيت الى ام المؤمنين عائشة رض فقلت لها

عراق پس آمدم نزد ام المومنین عائشه رض پس گفتم مر عائشه را

يا ام المؤمنين كنت اجهز الى الشام فجهزت الى العراق

اے مادر مومنان بودم که تجهیز میکردم هر بار بسوے شام پس تجهیز کردم این بار بسوے عراق

فقالت لا تفعل ومالك ولمتجرك فانى سمعت رسول الله

پس گفت عائشه مکن تجهیز بسوے عراق چه میکنی تو با تجارت خود پس بدرستیکه من شنیدم پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول اذا سبب الله لاحدكم رزقا

صلے الله علیه وسلم را که میگفت وقتیکه سبب گردانید خدا تعالی مر یکے را از شما رزقے

من وجه فلا يدعه حتى يتغير له او يتنكر له رواه احمد

بوجہے از وجوه باید که ترک ندهد آنرا تا آنکه تغیر و تنکر شود مر او را روایت احمد

وابن ماجة وعن عائشة رض قالت كان لابى بكر

و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت بود مر ابی بکر را

غلام يخرج له الخراج فكان ابو بكر يأكل من خراجه

غلام که بیرون می آورد برائے او وظیفه پس بود ابو بکر که میخورد از خراج آن غلام

فجاء يوما بشئ فاكل منه ابو بكر رض فقال له الغلام

پس آورد آن غلام چیزے را روزے از جنس طعام پس خورد ابو بکر از آن چیز پس گفت مر ابو بکر را غلام

تدری ما هذا فقال ابوبکر وما هو قال کنت تکهنت لانسانٍ

میدانی که چیست این طعام پس گفت ابوبکر چه چیز است گفت غلام بودم که کهانت کرده بودم مر یک

فی الجاهلیة وما احسن الکهانة الا انی خدعته فلقینی

در ایام جاهلیت و نیک نمیدانستم کهانت را لیکن من فریب داده بودم او را پس ملاقات کرد مرا آن مرد

فاعطانی بذلک فهذا الذی اکلت منه قالت فادخل

پس داد مرا بسبب آن کهانت پس این چیزیکه خوردی تو ازان است گفت عائشه پس در آورد

ابوبکر یده فقاء کل شیءٍ فی بطنه رواه البخاری

ابوبکر دست خود را در حلق خود پس قے کرد و بیرون انداخت هر چیز را بود در شکم وی رواه البخاری

وعن ابی بکر رض ان رسول الله صلی الله علیه وسلم

و روایت است از ابی بکر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال لا یدخل الجنة جسد غذی بالحرام وعن زید

فرمود در نمی آید بهشت را تنے که پرورده شده است بحرام و روایت است از زید

بن اسلم رض انه قال شرب عمر بن الخطاب لبنا واعجبه

بن اسلم رض بدرستیکه گفت نوشید عمر بن الخطاب رض شیر را و پسند آمد او را آن شیر

قال للذی سقاه من این لک هذا اللبن فاخبره انه ورد

گفت عمر آنرا که نوشانید آن شیر از کجا حاصل شده است ترا پس خبر داد آنکس که وی آمد

علی ماءٍ قد سماه فاذا نعم من نعم الصدقة وهم یسقون

بر جوئے بتحقیق نام برد آنرا پس ناگاه شتران از شتران زکات آنجا حاضر بودند و آنجا عت می کشیدند

فحلبوا لی من البانها فجعلته فی سقائی وهو هذا فادخل

پس دوشیدند برائے من از شیر های آنها پس گردانیدم آن شیر را در مشکیزه و آن این شیر است پس در آورد

عمر یده فاستقاء رواهما البیهقی فی شعب الایمان

عمر دست خود را و قے کرد رواهما البیهقی در کتاب شعب الایمان

وعن ابن عمر رض قال من اشترى ثوبا بعشرة دراهم

و روایت است از ابن عمر رض گفت کسیکه بخرد جامه را بده درهم

وفيه درهم حرام لم يقبل الله له صلوة ما دام عليه ثم

و در ان یک درهم حرام باشد قبول نمیکند خدا مر او را هیچ نمازے تا آنکه آن جامه بر تن وے باشد

ادخل اصبعيه في اذنيه و قال صمتا ان لم يكن النبي صلى

و در آورد ابن عمر انگشت خود را در هر دو گوشهاے خود و گفت کر باد این دو گوش من اگر نیست آنحضرت صلی

الله عليه وسلم سمعته يقوله رواه احمد والبيهقي في

الله علیه وسلم که شنیدم او را که میگفت آنرا رواه احمد والبیهقی در

شعب الايمان و قال اسناده ضعيف وعن ابان

شعب الایمان و گفت اسناد آن ضعیف است و روایت است از ابان

عن انس رض قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

از انس رض گفت گفتم اے پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اجعلني مستجاب الدعوة قال يا انس اطب كسبك تستجب دعوتك

بگردان مرا از کسانیکه دعا شان قبول کرده شود فرمود آنحضرت اے انس پاک گردان کسب را تا قبول کرده شود دعای تو

فان الرجل يرفع اللقمة الى فيه من حرام فما يستجاب

پس تحقیق هر مرد که می بردارد لقمه را بسوے دهن خود از حرام پس قبول کرده نشود دعا

له اربعين يوما رواه الديلمي

او چهل روز رواه دیلمی

باب المساهلة في المعاملة

وعن حذيفة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از حذیفه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

۲۱ ح یعنی اگر حرمت اینست که حرام است...

۲۲ ح ... انس رض ...

اِنَّ رَجُلًا کَانَ فِیْمَنْ کَانَ قَبْلَکُمْ فَاَتَاہُ الْمَلَکُ لِیَقْبِضَ

که مردے بود در میان آن کسانیکه بودند پیش از شما آمد او را فرشتهٔ مرگ تا بگیرد

رُوْحَہٗ فَقِیْلَ لَہٗ ھَلْ عَمِلْتَ مِنْ خَیْرٍ قَالَ مَا اَعْلَمُ قِیْلَ لَہٗ

جان او را پس گفته شد مر او را آیا کرده تو هیچ عمل از نیکی گفت آنرا نمیدانم گفته شد

اُنْظُرْ قَالَ مَا اَعْلَمُ شَیْئًا غَیْرَ اَنِّیْ کُنْتُ اُبَایِعُ النَّاسَ فِی

ببین گفت آنرا نمیدانم جز آنکه بودم که خرید و فروخت میکردم مردم را در

الدُّنْیَا وَاُجَازِیْھِمْ فَاُنْظِرُ الْمُوْسِرَ وَاَتَجَاوَزُ عَنِ الْمُعْسِرِ

دنیا و تقاضا میکردم پس مهلت میدادم توانگر را و درگذر میکردم از فقیر

فَاَدْخَلَہُ اللّٰہُ الْجَنَّۃَ مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَفِیْ رِوَایَۃٍ لِمُسْلِمٍ

پس داخل کرد او را خدا تعالی در بهشت متفق علیه و در روایت مسلم

نَحْوَہٗ عَنْ عُقْبَۃَ بْنِ عَامِرٍ رض وَاَبِیْ مَسْعُوْدٍ الْاَنْصَارِیِّ

مانند این روایت است از عقبه بن عامر رض و ابی مسعود انصاری رض

فَقَالَ اللّٰہُ تَعَالٰی اَنَا اَحَقُّ بِذَا مِنْکَ تَجَاوَزُوْا عَنْ عَبْدِیْ

پس گفت خدا تعالی که من کریم سزاوارترم بدان از تو درگذر کنید از بندهٔ من

وَعَنْ اَبِیْ قَتَادَۃَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ

و روایت است از ابی قتاده رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اِیَّاکُمْ وَکَثْرَۃَ الْحَلْفِ فِی الْبَیْعِ فَاِنَّہٗ یُنَفِّقُ ثُمَّ

علیه وسلم دور دارید خود را از بسیاری سوگند در بیع زیرا که سوگند رواج میدهد در کالا پس

یَمْحَقُ رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِیْ ھُرَیْرَۃَ رض قَالَ سَمِعْتُ

باطل میگرداند برکت را رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ الْحَلْفُ مُنَفِّقَۃٌ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت که سوگند محل رواج است

لِلسِّلْعَةِ مَمْحَقَةٌ لِلْبَرَكَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي ذَرٍّ

مر کالا ے را محل کاہیدن است برکت را متفق علیہ و روایت است از ابی ذر

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلٰثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ

از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت آنحضرت سہ کس اند کہ کلام نہ نماید ایشان را خدا

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يَنْظُرُ اِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ

روز قیامت و نظر رحمت نکند سوے ایشان و پاک نگرداند از گناہان وایشان را

اَلِيْمٌ قَالَ اَبُوْ ذَرٍّ خَابُوْا وَخَسِرُوْا مَنْ هُمْ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

دردناک گفت ابوذر نومید شدند و زیانکار شدند کیستند آنہا اے رسول خدا

قَالَ الْمُسْبِلُ وَالْمَنَّانُ وَالْمُنَفِّقُ سِلْعَتَهٗ بِالْحَلْفِ الْكَاذِبِ

گفت آنحضرت یکے از آن فرو گذارندہ ازار است بطریق تکبر دوم منت نہندہ بعد از عطا و سوم رواج دہندہ متاع خود بسوگند دروغ

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِي سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّاجِرُ الصَّدُوْقُ الْاَمِيْنُ مَعَ النَّبِيِّيْنَ

صلی اللہ علیہ وسلم بازرگان راست گو امانت دار محشور می شود روز قیامت با پیغمبران

وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَ

و صدیقان و شہیدان روایت کرد ترمذی و دارمی

الدَّارُ قُطْنِي وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض وَعَنْ

و دار قطنی و روایت کرد این حدیث را ابن ماجہ از ابن عمر رض و روایت است از

عُبَيْدِ بْنِ رِفَاعَةَ عَنْ اَبِيْهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عبید بن رفاعہ از پدر خود از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ التُّجَّارُ يُحْشَرُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فُجَّارًا اِلَّا مَنِ اتَّقٰى وَبَرَّ

فرمود آنحضرت سوداگران حشر کردہ می شوند روز قیامت فاجران مگر کسیکہ پرہیزگاری کند و احسان

وصدق رواه الترمذي وابن ماجة والدارمي وروى

و راست گو بد رواه الترمذی و ابن ماجه والدارمی و روایت است از

البيهقي في شعب الايمان عن البراء

بیهقی در شعب الایمان از براء

باب الربوا

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی نمایند آنرا در

سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها

راه خدا پس بشارت ده آنها را بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده می شود بر آن مال

في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

در آتش دوزخ پس داغ کرده میشود بآن پیشانیهای ایشان و پهلوهای ایشان و پشتهای ایشان

هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون

و گفته شود اینست آنچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

الذين يأكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذي

کسانیکه میخورند سود را برنخیزند از گور مگر چنانکه برمیخیزد کسیکه

يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما

دیوانه ساخت او را شیطان بسبب آسیب رسانیدن این بسبب آنست که سودخوران گفتند

البيع مثل الربوا واحل الله البيع وحرم الربوا فمن

سوداگری مانند سود است و حلال کرده است خدا سوداگری را و حرام ساخته است سود را پس کسیکه

جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف وامره

آمد او را پند از جانب پروردگار وی پس باز ماند از بگار ربا پس او راست آنچه گذشت و کار او مفوض

إِلَى اللّٰهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولٰئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ○

بمعا وکسیکہ باز گشت بسود خواری پس آن گروہ باشندگان دوزخ اند ہمیشہ اند باشند

يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي الصَّدَقٰتِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ

نابود می سازد خدا برکت سود را و افزون میسازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد ہر

كَفَّارٍ أَثِيمٍ ○ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ

ناسپاس گناہ گار را اے مومنان حذر کنید از خدا و ترک کنید انچہ ماندہ است

مِنَ الرِّبٰوٓا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ○ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ

از سود اگر ہستید از اہل ایمان پس اگر نکردید پس خبردار باشید بجنگے

مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ

از خدا و رسول او و اگر توبہ کردید پس شما راست اصل مالہای شما نہ شما ستم کنید

وَلَا تُظْلَمُونَ ○ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبٰوٓا

و نہ شما ستم کردہ شوید اے مومنان مخورید سود را

أَضْعٰفًا مُّضٰعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ○ وَاتَّقُوا

دو چندان تو بر تو و بترسید خدا را تا باشد کہ رستگار شوید و بترسید

النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِينَ ○ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ

از ان آتش کہ آمادہ کردہ شدہ است برای کافران و فرمان برید خدا و پیغامبر را

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ○ عَنْ جَابِرٍ رض قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللّٰهِ

شاید کہ شما مہربانی کردہ شوید روایت است از جابر رض گفت لعنت کردہ است آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰكِلَ الرِّبٰوا وَمُوْكِلَهُ وَكَاتِبَهُ

صلے اللہ علیہ وسلم خورندۂ ربا را و خورانندۂ ربا را و نویسندۂ آنرا

وَشَاهِدَيْهِ وَقَالَ هُمْ سَوَاءٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

و گواہان آنرا و فرمود کہ اینہا برابر اند در بود و لعنت رواہ مسلم و روایت است از ابی ہریرہ

جزو سوم ۳ / سیقول ۲

جزو سوم ۳ / سیقول ۲

عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيَأْتِيَنَّ عَلَى

از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ فرمود آنحضرت ہر آئینہ می آید بر

النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقٰى اَحَدٌ اِلَّا اَكَلَ الرِّبٰوا فَاِنْ لَمْ يَاْكُلْهُ

مردمان زمانے کہ باقی نمی ماند ہیچ یکے مگر آنکہ بخورد ربوا پس اگر نخورد ربا

اَصَابَهٗ مِنْ بُخَارِهٖ وَيُرْوٰى مِنْ غُبَارِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ

میرسد اورا از بخار واثر آن و روایت کردہ شد من غبارہ یعنے میرسد از گرد وے رواہ احمد وابو داود

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حَنْظَلَةَ

والنسائی وابن ماجہ و روایت است از عبد اللہ بن حنظلہ

غَسِيْلِ الْمَلَائِكَةِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کہ اورا غسیل ملائکہ گویند گفت عبد اللہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

دِرْهَمُ رِبٰوا يَاْكُلُهُ الرَّجُلُ وَهُوَ يَعْلَمُ اَشَدُّ مِنْ سِتَّةٍ وَّ

یک درہم کہ بخورد آنرا مرد حال آنکہ وے میداند کہ از سود است سخت تر است از شش

ثَلٰثِيْنَ زِنْيَةً رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي

و سی زنا رواہ احمد ودارقطنی و روایت کرد بیہقی در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض وَزَادَ وَقَالَ مَنْ نَبَتَ لَحْمُهٗ

شعب الایمان و زیادہ کرد بیہقی از ابن عباس یعنی ابن عباس رض و گفت کسیکہ بروید گوشت او

مِنَ السُّحْتِ فَالنَّارُ اَوْلٰى بِهٖ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

از حرام پس آتش دوزخ سزاوار است بوے و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرِّبٰوا سَبْعُوْنَ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم سود خوردن ہفتاد پارہ است

جُزْءًا اَيْسَرُهَا اَنْ يَّنْكِحَ الرَّجُلُ اُمَّهٗ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض

ادنی آن ہفتاد پارہ این است کہ وطی کند مرد مادر خود را و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الرِّبٰو
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم بدرستیکه مال ربا
وَاِنْ كَثُرَ فَاِنَّ عَاقِبَتَهٗ تَصِيْرُ اِلٰى قُلٍّ رَوَاهُمَا ابْنُ مَاجَةَ
اگرچه بسیار باشد پس تحقیق پایان کار وی باز میگردد بسوی کمی و نقصان روایت کرد هردو حدیث را ابن ماجه
وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَرَوٰى اَحْمَدُ الْاَخِيْرَ وَعَنْ
و بیهقی در شعب الایمان و روایت کرد احمد حدیث اخیر را و از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَتَيْتُ
ابی هریرة مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم آمدم
لَيْلَةَ اُسْرِيَ بِيْ عَلٰى قَوْمٍ بُطُوْنُهُمْ كَالْبُيُوْتِ فِيْهَا الْحَيَّاتُ
در شب معراج بر گروهے که شکمهای ایشان مانند خانهای که دران مارها اند
تُرٰى مِنْ خَارِجِ بُطُوْنِهِمْ فَقُلْتُ مَنْ هٰٓؤُلَاۤءِ يَا
دیده میشوند آن مارها از بیرون شکمهاے ایشان پس گفتم من کیستند این گروه اے
جِبْرَئِيْلُ قَالَ هٰٓؤُلَاۤءِ اٰكَلَةُ الرِّبٰوا رَوَاهُ اَحْمَدُ
جبرئیل گفت این گروه خورندهٔ ربا اند رواه احمد
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ رض اَنَّهٗ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ
و ابن ماجه و روایت است از علی مرتضی رض که وی شنید آنحضرت را
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ اٰكِلَ الرِّبٰوا
صلے الله علیه وسلم که لعنت میکرد خورندهٔ ربا را
وَمُوْكِلَهٗ وَكَاتِبَهٗ وَمَانِعَ الصَّدَقَةِ وَكَانَ
و خوراننده آنرا و کاتب آنرا و منع کنندهٔ زکوة را و بود آنحضرت
يَنْهٰى عَنِ النَّوْحِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض
که نهی میکرد از نوحه کردن رواه نسائی و از انس رض مروی است

ل م
بعض نسخ
تاکید کثیر
قلیل و ذلت
ذرا
موم

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَقْرَضَ أَحَدُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم چون بدہد یکے از شما دیگرے را

قَرْضًا فَأَهْدٰى إِلَيْهِ أَوْ حَمَلَهُ عَلَى الدَّابَّةِ فَلَا يَرْكَبْهُ

وام پس ہدیہ فرستد آن کہ قرض گرفتہ است کسے قرض دہندہ یا سوار گرداند او را بر مرکوب پس باید کہ سوار

وَلَا يَقْبَلْهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ جَرٰى بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ قَبْلَ ذٰلِكَ رَوَاهُ

و قبول نکند آن ہدیہ را مگر آنکہ جاریست و عادت شدہ است میان این و آن پیش از معاملہ قرض روا

ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ

ابن ماجہ و بیہقے در شعب ایمان و روایت است ہم از انس رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا أَقْرَضَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَأْخُذْ

صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت وقتیکہ قرض دہد مردے مرد دیگر را پس باید کہ ہدیہ نگیرد

هَدِيَّةً رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي تَارِيخِهِ هٰكَذَا فِي الْمُنْتَقٰى

از وام دہندہ روایت کرد بخاری در تاریخ خود این چنین است در منتقے

وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ بْنِ أَبِي مُوسٰى رض قَالَ قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ

و روایت است از ابی بردہ فرزند ابی موسی رض گفت قدوم آوردم مدینہ را

فَلَقِيتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ سَلَامٍ فَقَالَ إِنَّكَ بِأَرْضٍ فِيهَا الرِّبٰوا

پس ملاقات کردم عبد اللہ بن سلام را پس گفت عبد اللہ مرا بدرستیکہ تو بزمینے ہستی کہ در و ربوا

فَاشٍ فَإِذَا كَانَ لَكَ عَلٰى رَجُلٍ حَقٌّ فَأَهْدٰى إِلَيْكَ حِمْلَ تِبْنٍ

آشکارا است پس چون باشد مر ترا بر مردے حقے یعنے وامے پس بفرستد آن مرد بسوی تو پشتوارہ کاہ

أَوْ حِمْلَ شَعِيرٍ أَوْ حَبْلَ قَتٍّ فَلَا تَأْخُذْهُ فَإِنَّهُ رِبٰوا رَوَاهُ

یا پشتوارہ جو یا بفرستد بار علفے پس مگیر آنرا پس تحقیق آن حکم ربا دارد روایت کرد

الْبُخَارِيُّ وَعَنِ الْأَسْوَدِ بْنِ ذَهَبٍ رض دَخَلْتُ عَلٰى رَسُولِ اللّٰهِ

بخاری و روایت است از اسود بن ذہب در آمدم بر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اَلَا اُنَبِّئُكَ بِشَيْءٍ مِّنَ الرِّبٰوا عَسَى اللّٰهُ

صلی اللہ علیہ وسلم پس فرمود ایا خبر دہم ترا بچیزے کہ از ربا باشد عنقریب خدا تعالی

اَنْ يَنْفَعَكَ بِهٖ قُلْتُ بَلٰى قَالَ اِنَّ الرِّبٰوا اَبْوَابٌ اَلْبَابُ مِنْهُ عِدْلُ

نفع دہد ترا آن گفتیم ہان یا رسول خدا فرمود بدرستیکہ سود انواع واقسام است قسمی از آن برابر

تِسْعِيْنَ حُوْبًا اَدْنَاهَا فَجْرَةً كَاضْطِجَاعِ الرَّجُلِ مَعَ اُمِّهٖ وَاِنَّ

نود معصیت را ادنا گناہ آن بیحیائی است مانند خفتن مرد با مادر خود و بدرستیکہ

اَرْبَى الرِّبٰوا اِسْتِطَالَةُ الْمَرْءِ فِيْ عِرْضِ اَخِيْهِ بِغَيْرِ حَقٍّ اِبْنُ مَنْدَهْ وَاَبُوْ نُعَيْمٍ

سخت تر ربا آبرو ریزی مردیست برادر خود را بحق و ناروا روایت کرد این حدیث را ابن مندہ وابونعیم

بَابُ الْاِحْتِكَارِ

عَنْ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجَالِبُ

روایت است از عمر رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کشندہ

مَرْزُوْقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُوْنٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

رزق دادہ شدہ است ونگاہدارندہ لعنت کردہ شدہ رواہ ابن ماجہ والدارمی

وَعَنْ مَعْمَرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از معمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَنِ احْتَكَرَ فَهُوَ خَاطِئٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رض

کسیکہ احتکار کند پس آن عاصی و آثم است رواہ مسلم و روایت است از عمر بن الخطاب رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنِ احْتَكَرَ

گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ احتکار کند

عَلَى الْمُسْلِمِيْنَ طَعَامَهُمْ ضَرَبَهُ اللّٰهُ بِالْجُذَامِ وَالْاِفْلَاسِ

بر مسلمانان طعام ایشان را بزند او را خدا تعالی بجذام کہ مرضی مشہور است و بافلاس

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ

روایت ابن ماجه و بیهقی در شعب ایمان و رزین در کتاب خود

وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنِ احْتَكَرَ طَعَامًا أَرْبَعِينَ يَوْمًا يُرِيدُ بِهِ الْغَلَاءَ فَقَدْ بَرِئَ

کسیکه احتکار کند طعامی را چهل روز در حالیکه میخواهد بآن گرانی غله را پس بدرستیکه بیزار شد آن مرد

مِنَ اللهِ وَبَرِئَ اللهُ مِنْهُ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ مُعَاذٍ رض

از خدا و بیزار شد خدایتعالی ازوے روایت رزین و روایت است از معاذ رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ بِئْسَ الْعَبْدُ

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت بد بنده ایست

الْمُحْتَكِرُ إِنْ أَرْخَصَ اللهُ الْأَسْعَارَ حَزِنَ وَإِنْ أَغْلَاهَا فَرِحَ

احتکار کننده اگر ارزان گرداند خدا نرخ ها را اندوهگین گردد و اگر گران گرداند نرخها را شادمان گردد

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ وَعَنْ

روایت بیهقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنِ

ابی امامه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه

احْتَكَرَ طَعَامًا أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصَدَّقَ بِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ

احتکار کند غله چهل روز پس تصدق کرد بآن طعام نمی باشد آن تصدق کردن مر اورا

كَفَّارَةً رَوَاهُ رَزِينٌ

پوشنده گناه وی روایت رزین

بَابُ الْإِفْلَاسِ وَالْإِنْظَارِ وَالتَّشْدِيدِ فِي الدَّيْنِ

وَاِنْ کَانَ ذُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰی مَیْسَرَةٍ وَاَنْ تَصَدَّقُوْا خَیْرٌ
واگر باشد مفلسے پس لازم است مہلت دادن تا توانگر سے و آنکہ خیرات کنید بہتر است
لَّکُمْ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ وَاتَّقُوْا یَوْمًا تُرْجَعُوْنَ فِیْهِ اِلَی اللّٰهِ
شمارا اگر ہستید دانندہ و حذر کنید از آن روز کہ بازگردانیدہ شوید در آن بسوے خدا
ثُمَّ تُوَفّٰی کُلُّ نَفْسٍ مَّا کَسَبَتْ وَهُمْ لَا یُظْلَمُوْنَ ۝ عَنْ
پس تمام دادہ شود ہر شخصے آنچہ عمل کردہ است و ایشان ستم کردہ نشوند روایت است از
اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض اَنَّ النَّبِیَّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ کَانَ
ابی ہریرہ رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ بود
رَجُلٌ یُدَایِنُ النَّاسَ فَکَانَ یَقُوْلُ لِفَتَاهُ اِذَا اَتَیْتَ مُعْسِرًا
مردی کہ معاملہ میکرد مردمرا بوام پس بود آنمرد کہ میگفت مر غلام خودرا وقتیکہ بیائی توفقیری را
تَجَاوَزْ عَنْهُ لَعَلَّ اللّٰهَ اَنْ یَّتَجَاوَزَ عَنَّا قَالَ فَلَقِیَ اللّٰهَ فَتَجَاوَزَ
درگذر از وے شاید کہ خدا درگذرد از ما فرمود آنحضرت پیش آمد آنمرد خدارا پس گذشت خدای تعالیٰ
عَنْهُ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ اَبِیْ قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ
از وی متفق علیہ و روایت است از ابی قتادہ رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهٗ اَنْ یُّنْجِیَهُ اللّٰهُ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ شاد میگرداند او را کہ رستگار گرداند او را خدا
مِنْ کُرَبِ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ فَلْیُنَفِّسْ عَنْ مُّعْسِرٍ اَوْ یَضَعْ عَنْهُ
از اندوہہای روز قیامت پس باید کہ تاخیر کند طلب وام را از فقیر یا بنہد وام را از وے
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی
رواہ مسلم وہم از ابی قتادہ است گفت شنیدم آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ مَنْ اَنْظَرَ مُعْسِرًا اَوْ وَضَعَ عَنْهُ
اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ مہلت دہد معسر را یا بنہد وام را از وے

أَنْجَاهُ اللّٰهُ مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

رستگاری دهد او را خدا تعالی از اندوههای روز قیامت رواه مسلم و روایت است از

أَبِي الْيَسَرِ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی یسر رض گفت شنیدم آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم

يَقُوْلُ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ وَضَعَ عَنْهُ أَظَلَّهُ اللّٰهُ فِيْ ظِلِّهِ

که میگفت کسیکه مهلت دهد مفلس را یا بنهد وام را از گردن وی جای دهد او را خدا در سایه عنایت خود

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض قَالَ قَالَ

رواه مسلم و روایت است از عمران بن حصین رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهُ عَلٰى رَجُلٍ حَقٌّ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه باشد مر او را بر مردی حقے و وامے

فَمَنْ أَخَّرَهُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ

پس تاخیر کرد آنرا از کسیکه بروی حق است باشد مر صاحب حق را بهر روز ثواب صدقه رواه احمد

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ كَانَ لِيْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رض گفت که بود مرا بر آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ دَيْنٌ فَقَضَانِيْ وَزَادَنِيْ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ

وسلم وامے پس ادا کرد مرا و زیاده کرد چیزے بطریق انعام رواه ابوداود و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ أَبِيْ رَبِيْعَةَ قَالَ اسْتَقْرَضَ مِنِّي النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

عبد اللہ بن ابی ربیعه گفت قرض گرفت از من آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعِيْنَ أَلْفًا فَجَاءَهُ مَالٌ فَدَفَعَهُ إِلَيَّ وَقَالَ

علیه وسلم چهل هزار پس آمد آنحضرت را مالے پس دفع کرد آن چهل هزار را بسوی من و گفت

بَارَكَ اللّٰهُ تَعَالٰى فِيْ أَهْلِكَ وَمَالِكَ إِنَّمَا جَزَاءُ السَّلَفِ الْحَمْدُ

برکت کند خدا تعالی در اهل تو و در مال تو نیست پاداش قرض مگر حمد و شکر

۴۰
[illegible]

وَالْأَدَاءُ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَجُلًا
و ادا آن رواه النسائی وروایت است از ابی ہریرۃ رض کہ مردے
تَقَاضَى رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَغْلَظَ لَهُ فَهَمَّ أَصْحَابُهُ
طلب کرد از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس سخت گفت پس قصد کردند یاران وے
فَقَالَ دَعُوهُ فَإِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا وَاشْتَرُوا لَهُ بَعِيرًا
ایذای مرد را پس فرمود کہ بگذارید او را زیرا کہ مر صاحب حق را جای گفتن ہست و بخرید برای وے شتر
فَأَعْطُوهُ إِيَّاهُ قَالُوا لَا نَجِدُ إِلَّا أَفْضَلَ مِنْ سِنِّهِ قَالَ اشْتَرُوهُ
پس بدہید او را آن شتر گفتند اصحاب نمی یابیم مگر زیادہ تر از سال شتر وی فرمود بخرید آنرا
فَأَعْطُوهُ فَإِنَّ خَيْرَكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ
پس بدہید وی را زیرا کہ بہترین شما نیک ترین شما است در قضا دین متفق علیہ و ہم از وے مرویست
أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ
کہ پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود دیر داشتن توانگر وام را ظلم ہست
فَإِذَا أُتْبِعَ أَحَدُكُمْ عَلَى مَلِيٍّ فَلْيَتْبَعْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
پس چون در پیے فرستادہ شود یکے از شما بر توانگر یعنی حوالہ کردہ شود پس باید کہ در رو متفق علیہ و از
أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَخَذَ
ابی ہریرہ مرویست از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت کسیکہ بگیرد
أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَّى اللّٰهُ عَنْهُ وَمَنْ أَخَذَ
مالہاے مردم را یعنی بوام در حالتیکہ میخواہد اداے آن ادا میکند خدا تعالیٰ از جانب آن وکسیکہ
يُرِيدُ إِتْلَافَهَا أَتْلَفَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ
در حالیکہ میخواہد ہلاک کردن مال مردم را ہلاک میگرداند خدا بر وے یعنی اعانت نمیکند رواہ البخاری و از
أَبِي قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَرَأَيْتَ إِنْ قُتِلْتُ
ابی قتادہ رض گفت گفت مردے ای رسول خدا خبر دہ اگر کشتہ شوم د

(margin, handwritten): ١٩ [illegible]

فِي سَبِيلِ اللهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ يُكَفِّرُ اللهُ
دَر رَاه خدا صبر کننده امید ثواب دارنده و پشت نه دهنده آیا می پوشد خدا تعالی
عَنِّي خَطَايَايَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَمْ فَلَمَّا
از من گناهان من فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم آرے میپوشد گناہان ترا پس چون
أَدْبَرَ نَادَاهُ فَقَالَ نَعَمْ إِلَّا الدَّيْنَ كَذٰلِكَ قَالَ جِبْرَئِيْلُ رَوَاهُ
پشت آنمرد بس خواند او را پس گفت آنحضرت آرے می بخشد ہمہ گناہ را مگر وام ہمچنین گفت جبرئیل روا
مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ
مسلم در روایت است از عبد اللہ بن عمرو رض بدرستی کہ آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
علیہ وسلم فرمود آنحضرت آمرزیدہ می شود مر شہید را ہر گناہ مگر وام روایت مسلم
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
در روایت است از ابی ہریرۃ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتّٰى يُقْضٰى عَنْهُ رَوَاهُ
وسلم ذات مسلمان آویختہ شدہ است بوام وے کہ برخود دارد تا آنکہ گذاردہ شود دین
الشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ
الشافعی و احمد و الترمذی و ابن ماجۃ و الدارمی در روایت است از
الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
براء بن عازب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
صَاحِبُ الدَّيْنِ مَأْسُورٌ بِدَيْنِهِ يَشْكُو إِلٰى رَبِّهِ الْوَحْدَةَ يَوْمَ
خداوند دین محبوس و اسیر است بدین خود گلہ میکند بسوے پروردگار خود تنہائی و وحشت را روز
الْقِيَامَةِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدِ نِ الْخُدْرِيِّ
قیامت روایت در شرح السنۃ در روایت است از ابی سعید خدری رض

بعض نسخ در اینجا ... یعنی ... در اینجا ...

قَالَ اُتِیَ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ بِجَنَازَۃٍ لِیُصَلِّیَ عَلَیْہَا
گفت آوردہ شد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم جنازہ را تا بگذارد بروے نماز
فَقَالَ هَلْ عَلٰی صَاحِبِکُمْ دَیْنٌ قَالُوْا نَعَمْ قَالَ هَلْ تَرَکَ لَهٗ مِنْ
پس گفت آنحضرت آیا ہست بر وے دَین گفتند آرے ہست فرمود آیا گذاشتہ است مر دین را چیزے کہ
وَفَاءٍ قَالُوْا لَا قَالَ صَلُّوْا عَلٰی صَاحِبِکُمْ قَالَ عَلِیُّ ابْنُ اَبِیْ طَالِبٍ
وفا کند بادا آن گفتند نگذشتہ است فرمود نماز گذارید شما بر صاحب خود گفت علی رض ابن ابیطالب
عَلَیَّ دَیْنُهٗ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ فَتَقَدَّمَ فَصَلّٰی عَلَیْہِ وَفِیْ رِوَایَۃٍ مَعْنَاہُ
بر من دین اوست اے رسول خدا پس پیش آمد آنحضرت پس نماز گذارد برو و در روایتے دیگر معنی ہمین
وَقَالَ فَکَّ اللّٰہُ رِهَانَکَ مِنَ النَّارِ کَمَا فَکَکْتَ رِهَانَ اَخِیْکَ
و این زیادت کہ گفت آنحضرت در حق علی رض کہ خلاص گرداند خدا نفس ترا چنانکہ خلاص کردی نفس برادر
الْمُسْلِمِ لَیْسَ مِنْ عَبْدٍ مُّسْلِمٍ یَقْضِیْ عَنْ اَخِیْہِ دَیْنَهٗ اِلَّا فَکَّ
مسلمان خود را نیست ہیچ بندہ مسلمان کہ بگذارد از جانب برادر خود دام او را مگر آنکہ خلاص گرداند
اللّٰہُ رِهَانَهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَۃِ رَوَاہُ فِیْ شَرْحِ السُّنَّۃِ وَعَنْ
خدائے گرو اورا روز قیامت رواہ فی شرح السنۃ و روایت است از
ثَوْبَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَهُوَ
ثوبان رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بمیرد و حال آنکہ
بَرِیْءٌ مِنَ الْکِبْرِ وَالْغُلُوْلِ وَالدَّیْنِ دَخَلَ الْجَنَّۃَ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ
وے بیزار است از کبر و از خیانت کردن در غنیمت و از دام می در آید در بہشت رواہ الترمذی
وَابْنُ مَاجَۃَ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنْ اَبِیْ مُوْسٰی رض عَنِ النَّبِیِّ
و ابن ماجۃ و الدارمے و روایت است از ابی موسی رض از آنحضرت
صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ اَعْظَمَ الذُّنُوْبِ عِنْدَ اللّٰہِ اَنْ یَّلْقَاہُ
صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ بدرستیکہ بزرگترین گناہان نزد خدا آنست کہ پیش آید خدا را

بِهَا عَبْدٌ بَعْدَ الْكَبَائِرِ الَّتِي نَهَى اللّٰهُ عَنْهَا اَنْ يَّمُوْتَ رَجُلٌ

بآن گناهان بعد از گناهان کبیره که نهی کرده است خدای از آن آنست که بمیرد بنده وحال آنکه

وَعَلَيْهِ دَيْنٌ لَا يَدَعُ لَهُ قَضَاءً رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ

بروے وے دین است دینے که نگذارد بنده برای اداء وے رواه احمد وابوداود ودروایت است از

سَعْدِ بْنِ الْاَطْوَلِ قَالَ مَاتَ اَخِيْ وَتَرَكَ ثَلٰثَ مِائَةِ دِيْنَارٍ

سعد بن اطول رض گفت مرد برادر من وبگذاشت سه صد دینار

وَتَرَكَ وُلْدًا صِغَارًا فَاَرَدْتُّ اَنْ اُنْفِقَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ لِيْ

وگذاشت اولاد خرد وخواستم که خرج کنم آن دینارها را بر اولاد وے پس فرمود مرا

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَخَاكَ مَحْبُوْسٌ بِدَيْنِهٖ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه برادر تو محبوس است از وصول نعم بسبب دین

فَاقْضِ عَنْهُ قَالَ فَذَهَبْتُ فَقَضَيْتُ عَنْهُ ثُمَّ جِئْتُ فَقُلْتُ

پس ادا کن از وے دین را گفت پس رفتم پس قضا کردم دین را از وی پس آمدم پس گفتم

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَدْ قَضَيْتُ عَنْهُ وَلَمْ تَبْقَ اِلَّا امْرَاَةٌ تَدَّعِيْ

یا رسول الله بتحقیق ادا کردم دین را از وے وباقی نماند مگر زنے که دعوے میکند

دِيْنَارَيْنِ وَلَيْسَتْ لَهَا بَيِّنَةٌ قَالَ اَعْطِهَا فَاِنَّهَا صَادِقَةٌ

دو دینار را ونیست مر او را گواه گفت آنحضرت بده آنرا زیرا که وے راست میگوید شاید که بوحی دانست

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ جَحْشٍ قَالَ

رواه احمد وروایت است از محمد بن عبد الله ابن جحش گفت

كُنَّا جُلُوْسًا بِفِنَاءِ الْمَسْجِدِ حَيْثُ يُوْضَعُ الْجَنَائِزُ وَرَسُوْلُ اللّٰهِ

بودیم نشسته در صحن مسجد آنجا که نهاده میشد جنازها وحال آنکه آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ بَيْنَ ظَهْرَيْنَا فَرَفَعَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

صلی الله علیه وسلم نشسته بود میان ما پس برداشت پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم بصره قبل السماء فنظر ثم طأطأ

صلی اللہ علیہ وسلم بینائی خود را جانب آسمان پس نگاہ کرد بستر پست کرد

بصره ووضع يده على جبهته قال سبحان الله سبحان الله

بصر خود را و نہاد دست خود را بر پیشانی خود گفت سبحان اللہ سبحان اللہ

ماذا نزل من التشديد قال فسكتنا يومنا وليلتنا فلم نر

چہ چیز فرود آمد از سخت گرفتن گفت راوی پس خاموش بودیم ما در این روز و شب پس ندیدیم

إلا خيرا حتى أصبحنا قال محمد فسألت رسول الله صلى الله

مگر نیکی را تا آنکہ صبح کردیم گفت راوی محمد پس سوال کردم آنحضرت صلی اللہ

عليه وسلم ما التشديد الذي نزل قال في الدين والذي

علیہ وسلم را کہ چیست آن تشدید کہ فرود آمد گفت آنحضرت کہ آن تشدید در حق وام است قسم

نفس محمد بيده لو أن رجلا قتل في سبيل الله ثم عاش

بآنخدای کہ بقای محمد در دست اوست اگر ثابت شود کہ مردی کشتہ شد در راہ خدا بستر زندہ شد

ثم قتل في سبيل الله ثم عاش ثم قتل في سبيل الله

بستر کشتہ شد در راہ خدا بستر زندہ شد بستر کشتہ شد در راہ خدا

ثم عاش وعليه دين ما دخل الجنة حتى يقضى دينه رواه

بستر زندہ شد و حال آنکہ بر وی وام است در نمی آید بہشت را تا آنکہ ادا کردہ شود دین او روایت

أحمد وفي شرح السنة نحوه

احمد و در شرح سنہ مانند آن حدیث

باب الغصب

ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل وتدلوا بها إلى الحكام

و مخورید اموال خویشتن را در میان خویش بناحق و مرسانید اموال خود را بسوی حاکمان

لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ○

تا بخورید پاره از اموال مردمان بستم دانسته

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

ونزدیک مشوید بمال یتیم و دران تصرف مکنید مگر بعملے که آن نیکوتر باشد تا برسد بقوت خود یعنے بالغ شود

عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از سعید بن زید رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ مَنْ أَخَذَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ ظُلْمًا فَإِنَّهُ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ

وسلم کسیکه بگیرد یکبدست از زمین بستم پس تحقیق طوق گردانیده شود آن زمین

الْقِيَامَةِ مِنْ سَبْعِ أَرَضِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

روز قیامت از هفت زمین متفق علیہ وروایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ يَزِيدَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ

عبد اللہ بن یزید انصاری رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم که

نَهَى عَنِ النُّهْبَةِ وَالْمُثْلَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي حُرَّةَ

نهی کرد آنحضرت از نهبه یعنی غارت مال مسلم و از مثله یعنی عقوبت کردن ببریدن بینی و گوش روایت کرد بخاری و روایت است از ابی حره

الرَّقَاشِيِّ عَنْ عَمِّهِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

رقاشی از عم خود رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَظْلِمُوا أَلَا لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِءٍ إِلَّا بِطِيبِ

وسلم آگاه باشید که ظلم مکنید و آگاه باشید حلال نیست مال مردے مگر بخوشی

نَفْسٍ مِنْهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَالدَّارَقُطْنِيُّ

نفس از وے روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و دار قطنی

فِي الْمُجْتَبَىٰ وَعَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ رض قَالَ قَالَ

در کتاب مجتبی وروایت است از سالم و و پدر خود رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ اَخَذَ مِنَ الْاَرْضِ شِبْرًا
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگیرد از زمین یک بدست

بِغَیْرِ حَقِّہٖ خُسِفَ بِہٖ یَوْمَ الْقِیٰمَۃِ اِلٰی سَبْعِ اَرَضِیْنَ رَوَاہُ
بیحق شرعی فرو برده شود او را روز قیامت تا ہفت زمین رواه

الْبُخَارِیُّ وَعَنْ یَعْلٰی بْنِ مُرَّۃَ رضؓ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰہِ
بخاری و روایت است از یعلے بن مره رضؓ گفت شنیدم آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ مَنْ اَخَذَ اَرْضًا بِغَیْرِ حَقِّھَا کُلِّفَ
صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ بگیرد زمینے را بناحق تکلیف کرده شود

اَنْ یَّحْمِلَ تُرَابَھَا الْمَحْشَرَ رَوَاہُ اَحْمَدُ وَعَنْہُ قَالَ
کہ بردارد بر سر خاک آن در حشر رواه احمد وہم از وے مرویست کہ گفت

سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ اَیُّمَا رَجُلٍ ظَلَمَ
شنیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت ہر مردے کہ بظلم بگیرد

شِبْرًا مِّنَ الْاَرْضِ کَلَّفَہُ اللّٰہُ عَزَّ وَجَلَّ اَنْ یَّحْفِرَہٗ حَتّٰی یَبْلُغَ
یک شبر را از زمین تکلیف کند او را خدا عزوجل کہ بکند آن شبر زمین تا آنکہ برسد

اٰخِرَ سَبْعِ اَرَضِیْنَ ثُمَّ یُطَوَّقَہٗ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَۃِ حَتّٰی یُقْضٰی
آخر ہفت زمین را پس طوق گردانیده شود آن زمین او را تا آخر روز قیامت تا آنکہ تمام کرده شود

بَیْنَ النَّاسِ رَوَاہُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِیْ بَکْرَۃَ رضؓ قَالَ
حکم میان مردم رواه احمد و روایت است از ابی بکره رضؓ گفت

خَطَبَنَا النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَوْمَ النَّحْرِ قَالَ اِنَّ الزَّمَانَ
کہ خطبہ خواند ما را آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم روز نحر و گفت کہ زمان یعنے سال

قَدِ اسْتَدَارَ کَھَیْئَتِہٖ یَوْمَ خَلَقَ اللّٰہُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
بتحقیق باز گشت ہمچو ہیئت وے کہ در روز پیدا کردن خدا آسمان ہا و زمین را بود

۱۲

قال ابو عبید سمعوا ... جیشون امی ... [illegible]

السَّنَةُ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا مِنْهَا اَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ثَلٰثٌ مُتَوَالِيَاتٌ

سال دوازده ماه است از ان چهار ماه حرام است سه ماه پیهم آینده اند

ذُو الْقَعْدَةِ وَذُو الْحِجَّةِ وَالْمُحَرَّمُ وَرَجَبُ مُضَرَ الَّذِيْ بَيْنَ

وآن ذو القعده وذو الحجه ومحرم ورجب که منسوب است بقبیله مضر است آنکه میان

جُمَادٰى وَشَعْبَانَ وَقَالَ اَيُّ شَهْرٍ هٰذَا قُلْنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ

جمادی الاخری وشعبان است وگفت آنحضرت کدام ماه است این گفتیم ما خدا ورسول خدا

اَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا اَنَّهٗ سَيُسَمِّيْهِ بِغَيْرِ اسْمِهٖ فَقَالَ

داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم ما که آنحضرت نزدیک است که نام برد او را بجز نام او

اَلَيْسَ ذَا الْحِجَّةِ قُلْنَا بَلٰى قَالَ اَيُّ بَلَدٍ هٰذَا قُلْنَا اللّٰهُ

آیا نیست اینماه ذالحجه گفتیم ما آرے فرمود آنحضرت که کدام شهر است این گفتیم خدا

وَرَسُوْلُهٗ اَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا اَنَّهٗ سَيُسَمِّيْهِ بِغَيْرِ

ورسول خدا داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم تحقیق نزدیک است که نام برد آنرا

اسْمِهٖ قَالَ اَلَيْسَ الْبَلْدَةَ قُلْنَا بَلٰى قَالَ فَاَيُّ يَوْمٍ هٰذَا

نام او فرمود آیا نیست این بلده گفتیم آرے فرمود پس کدام روز است این

قُلْنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ اَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا اَنَّهٗ سَيُسَمِّيْهِ

گفتیم خدا ورسول خدا داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم که آنحضرت قریب است

بِغَيْرِ اسْمِهٖ قَالَ اَلَيْسَ يَوْمَ النَّحْرِ قُلْنَا بَلٰى قَالَ فَاِنَّ

که نام دیگر برد فرمود آنحضرت آیا نیست این روز نحر گفتیم آرے فرمود آنحضرت پس بدرستیکه

دِمَاءَكُمْ وَاَمْوَالَكُمْ وَاَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ

خونهای شما ومالهای شما وآبروهاے شما بر شما حرام است مانند حرمت

يَوْمِكُمْ هٰذَا فِيْ بَلَدِكُمْ هٰذَا فِيْ شَهْرِكُمْ هٰذَا وَسَتَلْقَوْنَ

روز شما که این است در شهر شما که این شهر است ونزدیک است که پیش آیید

۹۱ لتقييد رجب بمضر وانما قيده بها لزيادة البيان وازالة للبس عنه قالوا وقد كان بين بني مضر وبين ربيعة اختلاف في رجب فكانت مضر تجعل رجبا هذا الشهر المعروف الان وهو الذي بين جمادى وشعبان وكانت ربيعة تجعله رمضان فلهذا اضافه النبي صلى الله عليه وسلم الى مضر

سمی بذی ...

وَ رَبَّكُمْ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ أَلَا فَلَا تَرْجِعُوا بَعْدِي ضُلَّالًا

به پروردگار شما پس پرسد پروردگار شما از کردارهای شما آگاه باشید پس نگردید بعد از رفتن من از دنیا گمراهان

يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ

که بزند بعضے از شما گردنهای بعضی را آگاه باشید آیا هست که رسانیدم رسالت را گفتند آرے گفت آنحضرت

اللّٰهُمَّ اشْهَدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ أَوْعَى

بارخدایا گواه باش پس باید که برساند حاضر کسی را که غائب است پس بسا کسے که رسانیده شده است یاد دارنده تر است

مِنْ سَامِعٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّهُ سَمِعَ

از کسیکه شنیده است متفق علیه درروایت است از ابی ذر رض بدرستیکه او شنید

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنِ ادَّعَى مَا لَيْسَ لَهُ

آنحضرت صلی الله علیه و سلم را که میگفت کسیکه دعوی کرد چیزی را که نیست مر او را

فَلَيْسَ مِنَّا وَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پس آنکس نیست از ما و باید که بگیرد جای خود را از آتش رواه مسلم و روایت است از

خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ رض قَالَ غَزَوْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

خالد بن ولید رض گفت غزا کردم همراه آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَوْمَ خَيْبَرَ فَأَتَتِ الْيَهُودُ فَشَكَوْا أَنَّ النَّاسَ قَدْ

وسلم بروز جنگ خیبر پس آمدند یهود پس شکایت کردند که مردمان بتحقیق

أَسْرَعُوا إِلَى حَظَائِرِهِمْ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

سرعت کردند بسوی درختان خرمای ما پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا يَحِلُّ أَمْوَالُ الْمُعَاهِدِينَ إِلَّا بِحَقِّهَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

وسلم آگاه باشید که حلال نیست مالهاے اهل ذمه مگر بحق آن رواه ابوداود

بَابُ الْإِنْشَاءِ

عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
روایت است از عبد اللہ بن عمر رضہ گفت کہ لعنت کرد آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ
علیہ وسلم رشوت دہندہ را وگیرندہ را روا ہ ابو داؤد وابن ماجہ
وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْهُ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ وَرَوَاهُ اَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ
وروا ہ ترمذی از عبد اللہ واز ابی ہریرہ وروا ہ احمد والبیہقی
فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنْ ثَوْبَانَ وَزَادَ وَالرَّائِشَ يَعْنِيْ وَالَّذِيْ
در شعب ایمان از ثوبان مولی آنحضرت وزیادہ کرد بیہقی لفظ الرائش یعنی آنکس
يَمْشِيْ بَيْنَهُمَا وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
کہ پیام کند میان این ہردو واز ابی امامہ مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَفَعَ لِاَحَدٍ شَفَاعَةً فَاَهْدٰى لَهٗ هَدِيَّةً عَلَيْهَا
علیہ وسلم فرمود کسیکہ شفاعت کرد مر کسی را پس ہدیہ فرستادہ شد مر آنکس را براین شفاعت
فَقَبِلَهَا فَقَدْ اَتٰى بَابًا عَظِيْمًا مِنْ اَبْوَابِ الرِّبٰوا رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ
پس قبول کرد آنرا پس بتحقیق آمد او باب عظیم را از ابواب ربوا روا ہ ابو داؤد

بَابٌ فِي الْهِبَةِ وَالْهَدِيَّةِ

وَعَنْ اَنَسٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ
وروایت است از انس رض کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بود کہ
لَا يَرُدُّ الطِّيْبَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ
رد نمیکرد قسم خوش بوی را روا ہ بخاری ۔ وروایت است از ابی ہریرہ رض از
النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ تَهَادَوْا فَاِنَّ الْهَدِيَّةَ تُذْهِبُ
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ ہدیہ فرستید زیرا کہ ہدیہ دور میکند

وَحَرَ الصَّدْرِ وَلَا تَحْقِرَنَّ جَارَةٌ لِجَارَتِهَا وَلَوْ شِقَّ

وحر سینه را و باید که حقیر نپندارد هیچ زن برای زنی که همسایه اوست اگرچه

فِرْسِنِ شَاةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ

بفرستد سم گوسپند رواه ترمذی و روایت است از جابر رض که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ اُعْطِيَ عَطَاءً فَوَجَدَ فَلْيَجْزِ بِهٖ وَمَنْ

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه داده شده چیزی پس یافت آنکس را پس باید که پاداش دهد و

لَمْ يَجِدْ فَلْيُثْنِ فَاِنَّ مَنْ اَثْنٰى فَقَدْ شَكَرَ وَمَنْ كَتَمَ فَقَدْ كَفَرَ

نیابد پس باید که ثنا کند دهنده را زیرا که کسیکه ثنا گوید پس بتحقیق شکر کرد و کسیکه پنهان کند احسان را پس بتحقیق [illegible]

وَمَنْ تَحَلّٰى بِمَا لَمْ يُعْطَ كَانَ كَلَابِسِ ثَوْبَيْ زُوْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و کسیکه بیاراید خود را بچیزیکه داده نشد بیاراشد آنکس همچو پوشنده دو جامه دروغ رواه ترمذی

وَاَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ اُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ

و ابو داؤد و روایت است از اسامه بن زید گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صُنِعَ اِلَيْهِ مَعْرُوْفٌ فَقَالَ لِفَاعِلِهٖ

صلی الله علیه وسلم کسیکه کرده شد بسوی وی احسان پس گفت مر احسان کننده را

جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا فَقَدْ اَبْلَغَ فِي الثَّنَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

جزاک الله خیرا پس بتحقیق مبالغه کرد در ثنای او رواه ترمذی و روایت است

اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللهَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

شکر نگوید مردم را در احسان شکر نگوید خدای را رواه احمد و الترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت

تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تُذْهِبُ الضَّغَائِنَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

ہدیہ بفرستید زیرا کہ ہدیہ دور میکند کینہ ہا و دشمنی ہا را روایت ترمذی

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّى اللّٰہُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

ثَلٰثٌ لَا تُرَدُّ الْوَسَائِدُ وَالدُّهْنُ وَاللَّبَنُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

سہ چیز است کہ رد کردہ نشود یکے بالینہا دوم روغن سوم شیر روایت ترمذی

وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ قِيْلَ أَرَادَ بِالدُّهْنِ الطِّيْبَ وَعَنْ

و گفت این حدیث غریب است گفتہ شد کہ مراد آنحضرت از لفظ دہن خوشبوی است و از

أَبِي عُثْمَانَ النَّهْدِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّى اللّٰہُ عَلَيْهِ

ابی عثمان نہدی رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ إِذَا أُعْطِيَ أَحَدُكُمُ الرَّيْحَانَ فَلَا يَرُدَّهُ فَإِنَّهُ خَرَجَ

وسلم چون دادہ شود یکے از شما ریحان پس باید کہ رد نکند آنرا پس بدرستیکہ ریحان بیرون آمدہ است

مِنَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مُرْسَلًا وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

از بہشت روایت ترمذی مرسلا و از ابن عباس رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّى اللّٰہُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَائِدُ فِي هِبَتِهٖ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم باز گردندہ در ہبہ خود یعنی باز ستانندہ

كَالْكَلْبِ يَعُوْدُ فِي قَيْئِهٖ لَيْسَ لَنَا مَثَلُ السَّوْءِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

مانند سگ است کہ باز میگردد در قی خود و میخورد آنرا سزاوار نیست ما را حال و قصہ بدی روایت بخاری

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ وَابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰہُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عمر رض و ابن عباس رض بدرستیکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعْطِيَ عَطِيَّةً ثُمَّ يَرْجِعَ فِيْهَا

وسلم گفت حلال نیست مر مرد را کہ بدہد چیزے را از ہبہ و صدقہ و ہدیہ پس رجوع کند در وے

ہدیہ فرستادن ضغائن بغض و عداوت ہا مجمع

إلَّا الْوَالِدُ فِيْمَا يُعْطِيْ وَلَدَهٗ وَمَثَلُ الَّذِيْ يُعْطِي الْعَطِيَّةَ ثُمَّ يَرْجِعُ

مگر والد در آنچه میدهد فرزند خود را و حال آن کسے که میدهد چیزے را پستر رجوع میکند

فِيْهَا كَمَثَلِ الْكَلْبِ الَّذِيْ أَكَلَ حَتّٰى إِذَا شَبِعَ قَاءَ ثُمَّ عَادَ فِيْ

دران همچو حال سگ است که خورد چیزے را تا آنکه چون سیر شد قی کرد پستر باز گشت در

قَيْئِهٖ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

قے خود یعنے خوردن گرفت روایه ابوداود و ترمذی والنسائی و ابن ماجه

بَابُ الْوَصِيَّةِ

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

مَا حَقُّ امْرِءٍ مُسْلِمٍ لَهٗ شَيْءٌ يُوْصِيْ فِيْهِ يَبِيْتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا

نیست حق مردے مسلمانے که مر او را چیزی است که صلاحیت آن دارد که وصیت کرده شود درو بگذارد

وَوَصِيَّتُهٗ مَكْتُوْبَةٌ عِنْدَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض

وصیت وے نوشته شده است بنزد وے متفق علیه و روایت است از جابر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ عَلٰى وَصِيَّةٍ

گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه مرد بر وصیت یعنی در وقت مردن وصیت کرد

مَاتَ عَلٰى سَبِيْلٍ وَسُنَّةٍ وَمَاتَ عَلٰى تُقًى وَشَهَادَةٍ وَمَاتَ

مرد بر راه و بر روش دین و مرد بر تقوی و شهادت و مرد درحالیکه

مَغْفُوْرًا لَهٗ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

آمرزیده شده است مر او را رواه ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَطَعَ مِيْرَاثَ وَارِثِهٖ قَطَعَ اللّٰهُ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه قطع کند میراث وارث خود را قطع کند خدایتعالی

مِيْرَاثَهٗ مِنَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

میراث اورا از بہشت روز قیامت رواہ ابن ماجہ وروا بیہقی

فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض وَعَنْ اَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض

در شعب ایمان از ابی ہریرہ رض و روایت است از انس بن مالک رض

قَالَ كَانُوْا يَكْتُبُوْنَ فِيْ صُدُوْرِ وَصَايَاهُمْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

گفت بودند صحابہ رض کہ می نوشتند در شروع وصایای خود بسم اللہ الرحمن الرحیم

هٰذَا مَا اَوْصٰى بِهٖ فُلَانٌ اَنَّهٗ يَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ

این چیز لیست کہ وصیت کرد بآن فلان بدرستیکہ او گواہی میدہد باین کہ نیست خدا مگر خدای واحد

لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کہ نہ شریک است مراورا و بانیکہ محمد بندہ او و رسول اوست صلی اللہ علیہ وسلم

وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

وبانیکہ قیامت آیندہ است بلا شک وبانیکہ خدا برانگیزد کسے را کہ

الْقُبُوْرِ وَاَوْصٰى مَنْ تَرَكَ مِنْ اَهْلِهٖ اَنْ يَّتَّقُوا اللّٰهَ وَيُصْلِحُوْا

در قبور است و وصیت کرد کسے را کہ گذاشتہ است از اہل او بانیکہ بپرہیزند از خدا و صلح کنند

ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَيُطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ وَاَوْصَاهُمْ

در میان خود و فرمان برداری کنند خدا و رسول او را اگر ہستند مسلمان و وصیت کرد آنہارا

بِمَا اَوْصٰى اِبْرٰهِيْمُ بَنِيْهِ وَيَعْقُوْبُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى

بانکہ وصیت کرد ابراہیم فرزندان خود را و یعقوب بدرستیکہ خدا تعالےٰ برگزیدہ است

لَكُمُ الدِّيْنَ فَلَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ

برائے شما این دین را پس ازین جہان مروید مگر مسلمان

عب ض وسندہ صحیح

وسند آن صحیح است

بَابُ الْاِجَارَةِ

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى ثَلٰثَةٌ اَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

وسلم فرمود خدایتعالی سہ کس اند کہ من پیکار کنندہ ایشانم روز قیامت

رَجُلٌ اَعْطٰى بِيْ ثُمَّ غَدَرَ وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَاَكَلَ ثَمَنَهٗ

یکے مردیست کہ دادہ است عہد وپیمانہ بنام من لیکن بعد بیوفائی کرد و دیگر مردی کہ فروخت آزاد را پس خورد بہای آنرا

وَرَجُلٌ اسْتَاْجَرَ اَجِيْرًا فَاسْتَوْفٰى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِهٖ اَجْرَهٗ

وسوم مردیست کہ بکرایہ گرفت مزدوری را پس استیفا کرد ازوی یعنی عمل را و نداد او را مزدوری وی را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

رواہ بخاری وروایت است از عبداللہ بن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَعْطُوا الْاَجِيْرَ اَجْرَهٗ قَبْلَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدہید مزدور را مزداد پیش از آنکہ

اَنْ يَّجِفَّ عَرَقُهٗ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

خشک شود خوی او رواہ ابن ماجہ وروایت است از ابی ہریرہ رض

اَنَّهٗ عَلَّمَ رَجُلًا سُوْرَةً مِّنَ الْقُرْاٰنِ فَاَهْدٰى اِلَيْهِ ثَوْبًا

بدرستیکہ او تعلیم کرد مردی را یک سورہ از قرآن پس ہدیہ فرستاد آن مرد بسوی ابوہریرہ یک پارچہ

اَوْ خَمِيْصَةً فَذَكَرَ ذٰلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

یا خمیصہ بود پس ذکر کردہ شد مر آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم پس فرمود

اِنَّكَ اِنْ اَخَذْتَهٗ اُلْبِسْتَ ثَوْبًا مِّنَ النَّارِ عَبْدُ بْنُ حُمَيْدٍ وَرُوَاتُهٗ ثِقَاتٌ

بدرستیکہ تو اگر میگیری بپوشی تو پارچہ از آتش عبد بن حمید گفت کہ راویان این حدیث ہمہ ثقہ اند

كتاب النكاح

وَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ

و اگر دا نید کہ عدل نتوانند کرد در حق دختران یتیمہ پس نکاح کنید انچہ خوش آید شمارا

مِّنَ النِّسَآءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا

از سائر زنان دو دو و سہ سہ و چہار چہار پس اگر دانید کہ درینصورت نیز عدل نتوانید کرد

فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ اٰبَاؤُكُمْ

پس نکاح کنید یک زن را یا سریہ گیرید آنرا کہ مالک شدہ دستہای راست شما و نکاح مکنید کسیرا کہ نکاح با او کردہ

مِّنَ النِّسَآءِ إِلٰى مُحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسٰفِحِيْنَ عن عبد الله

از زنان تا لفظ محصنین غیر مسافحین روایت است از عبد الله

بن مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ

ای گروہ جوانان کسیکہ طاقت دارد از شما نکاح را پس باید کہ نکاح کند

فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ

پس بتحقیق کہ نکاح پوشندہ ترست مر نظر را و نگاہدارندہ ترست شرمگاہ را و کسیکہ طاقت نکاح ندارد پس بروست

بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ وِجَاءٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وعن عبد الله بن عمرو

کہ روزہ دارد پس بتحقیق روزہ داشتن آنکس را خصی کردن است و از عبد الله بن عمرو مروی است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الدُّنْيَا كُلُّهَا مَتَاعٌ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کہ دنیا ہمہ نفع گرفتن و آسایش است

وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ رواه مسلم وعن

و بہترین منافع دنیا زن نیکوکار است رواہ مسلم و از

ابی ھریرۃ رض ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قال ثلاثۃ

ابی ہریرہ رض بدرستیکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود سہ چیز اند

حق علی اللہ عونھم المکاتب الذی یرید الاداء والناکح الذی

کہ ثابت است مرخدارا یاری دادن ایشان یکی مکاتب کہ میخواہد ادا دوم نکاح کنندہ کہ

یرید العفاف والمجاھد فی سبیل اللہ رواہ الترمذی والنسائی

میخواہد پارسائی را سوم کسیکہ کارزار میکند در راہ خدا روایت است از ترمذی والنسائی

وابن ماجۃ وعنہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

وابن ماجہ وہم از ابی ہریرہ رض مرویست گفت کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

اذا خطب الیکم من ترضون دینہ وخلقہ فزوجوہ الا تفعلوہ

وقتیکہ خواستگاری کند بسوی شما کسیکہ راضی ہستید شما دین او را وخلق او را پس تزویج کنید او را اگر نکنید شما

تکن فتنۃ فی الارض وفساد عریض رواہ الترمذی

پیدا میشود آزمایش وبلا در زمین وتباہی وخرابی بسیار رواہ ترمذی

وعن معقل بن یسار قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

وروایت است از معقل بن یسار گفت کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

تزوجوا الودود الولود فانی مکاثر بکم الامم رواہ ابوداود

نکاح کنید زن دوست دارندہ شوہر را بسیار زائندہ را زیراکہ من غالب آیندہ ام بسبب شما امتہا را

والنسائی وعن عبد الرحمن بن سالم بن عتبۃ بن عویم

والنسائی وروایت است از عبد الرحمن بن سالم بن عتبہ بن عویم

بن ساعدۃ الانصاری عن ابیہ عن جدہ قال قال رسول اللہ

بن ساعدہ انصاری از پدرش وآن از جدش گفت فرمود آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم علیکم بالابکار فانھن اعذب افواھا

صلی اللہ علیہ وسلم بر شما است کہ نکاح کنید با ابکار زیراکہ ایشان شیرین تر اند دہنہا

واتق ارحاما وارضی بالیسیر رواه ابن ماجة مرسلا

و حمل گیرنده تر است رحمهای ایشان و راضی شونده ترانند باندک و آسان از اموال و خلق و جماع روایت کرده ابن ماجه

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لم تر للمتحابین مثل النکاح وعن انس قال قال

نمی بینی برای دو کسیکه دوست میدارند یکدیگر را مانند وصله نکاح و از انس مرویست گفت که فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم من اراد ان یلقی الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه اراده میکند که پیش آید درگاه حق را پاک و

طاهرا مطهرا فلیتزوج الحرائر وعن ابی امامة

پاک کرده شده پس باید که نکاح کند زنان اصیل و آزاد را و روایت است از ابی امامه رض

عن النبی صلی الله علیه وسلم انه یقول ما استفاد

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود حاصل نکرد

المؤمن بعد تقوی الله خیرا له من زوجة صالحة ان

مسلمان بعد از تقوای خدا هیچ چیزے بهتر مراورا از زن نیک خوی و خوبروی اگر

امرها اطاعته وان نظر الیها سرته وان اقسم

بفرماید مرد آن زن را فرمان برداری کند و اگر نگاه کند بسوی آن شاد گرداند او را و اگر سوگند خورد

علیها ابرته وان غاب عنها نصحته فی نفسها وماله روی

بر آن زن راست گو گرداند او را و اگر غائب گردد مرد از آن زن خیر خواهی کند او را در نفس خود و مال او

ابن ماجة الاحادیث الثلثة وعن عائشة رض

ابن ماجه این سه حدیث را و روایت است از عائشه رض

قالت قال النبی صلی الله علیه وسلم ان اعظم النکاح

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بزرگترین نکاح

برکة ایسره مؤنة وعن انس رض قال قال رسول الله

اندوی برکت آسان ترین از روی بار است و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم اذا تزوج العبد فقد استکمل نصف

صلی الله علیه وسلم وقتیکه نکاح کند بنده پس تحقیق کامل میگرداند نصف دین را

الدین فلیتق الله فی النصف الباقی رواهما البیهقی فی

پس باید که به پرهیزد خدا را در نصف باقی رواهما بیهقی در

شعب الایمان وعن ابی سعید وابن عباس رض

شعب الایمان و روایت است از ابی سعید وابن عباس رض

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من ولد له ولد

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه پیدا شود او را فرزند

فلیحسن اسمه وادبه فاذا بلغ فلیزوجه فان بلغ

پس باید که نام نیک دارد و ادب دهد او را پس چون برسد حد بلوغ را پس باید که نکاح کند او را پس اگر بالغ شد

ولم یزوجه فاصاب اثما فانما اثمه علی ابیه وعن

ونکرد نکاح او پس رسید آن فرزند گناه را پس جز این نیست که گناه او بر پدر او باشد و از

عمر بن الخطاب وانس بن مالک رض عن رسول الله صلی

عمر بن الخطاب رض مرویست و از انس بن مالک نیز از آنحضرت صلی

الله علیه وسلم قال فی التورٰیة مکتوب من بلغت

الله علیه وسلم فرمود آنحضرت در توریت نوشته است کسیکه برسد

ابنته اثنتی عشرة سنة ولم یزوجها فاصابت

دختر او دوازده سال را و نکاح نکند آنکس آن دختر را پس برسد آن دختر

اثما فاثم ذلک علیه رواهما البیهقی فی شعب الایمان

بزه را پس بزه آن بر آن کس است روایت کرده است آنرا بیهقی در شعب ایمان

بَابُ النَّظَرِ اِلَى الْمَخْطُوبَةِ وَبَيَانِ الْعَوْرَاتِ

باب در احادیث دیدن بسوی زنیکه خواستگاریش کنند و بیان اعضای نادیدنی

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الّٰتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ

و کلان سال از زنان آنانکه توقع نکاح ندارند پس نیست بر ایشان

جُنَاحٌ اَنْ يَّضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ

بزه در آنکه فرو نهند جامهای خود را نه ظاهر کنان آرایش را

وَاَنْ يَّسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ قُلْ

واگر پرهیزگاری کنند بهتر است ایشان را و خدا شنوا داناست بگو

لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

بمسلمان مردان که بپوشند چشمهای خود را و نگاه دارند شرمگاههای خود را

ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝ وَقُلْ

این پاکیزه تر است ایشان را هر آئینه خدا خبردار است بآنچه میکنند و بگو

لِّلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

زنان مسلمان را که بپوشند چشمهای خود را و نگاه دارند شرمگاههای خود را

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ

و آشکارا نکنند آرایش خود را مگر آنچه ظاهر شود از مواضع و باید که فرو گذارند

بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلَّا

دامنهای خود را بر گریبانهای خود و نه نمایند آرایش خود را مگر

لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ اٰبَائِهِنَّ اَوْ اٰبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَائِهِنَّ

بشوهران خویش یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران خویش

اَوْ اَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِي اِخْوَانِهِنَّ

یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش

أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ

یا پسران همشیرگان خویش یا زنان خویش یا آنچه مالک او شده است دستهای ایشان

أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ

یا تابعینکه صاحب شهوت نباشند از مردان یعنی پیران یا طفلانیکه

الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ

هنوز مطلع نشده اند بر شرمگاه زنان و نزنند زمین

بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ

بپای خویش تا دانسته شود آنچه نهان میکنند از زیور خویش و رجوع کنید بسوی خدا

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى

وسلم نظر نکند مرد بسوی عورت مرد و نه زن بسوی

عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ

عورة زن و نرسد مرد بسوی مرد در یک جامه

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ

رواه مسلم و روایت است از عقبه بن عامر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى

آنحضرت صلی الله علیه وسلم دور دارید خود را از در آمدن بر

النِّسَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ الْحَمْوَ قَالَ

زنان بیگانه پس گفت مردی یا رسول الله خبر ده مرا از حال حمو فرمود آنحضرت

الْحَمْوُ الْمَوْتُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رض

که حمو مرگ است یعنی فتنه در حمو بیشتر است متفق علیه و روایت است از جریر بن عبد الله رض

قال سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم عن نظر

گفت پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را از نظر

الفجاءة فأمرني أن أصرف بصري رواه مسلم

ناگهانی پس امر کرد مرا که بگردانم نظر خود را رواه مسلم

وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم إن المرأة تقبل في صورة شيطان وتدبر في

وسلم بدرستیکه زن پیش می آید در صورت شیطان و پس میرود در

صورة شيطان إذا أحدكم أعجبته المرأة فوقعت

صورت شیطان وقتیکه یکے از شما خوشش آید او را از زنے پس افتاد آن زن

في قلبه فليعمد إلى امرأته فليواقعها فإن ذلك يرد

در دل آنمرد پس باید که قصد کند آنمرد بسوے زن خود پس باید که جماع کند زن خود را پس آن جماع دور میکند

ما في نفسه رواه مسلم وعن جابر رض قال قال رسول الله

چیزیرا که در نفس وے است از میلان رواه مسلم و روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم إذا خطب أحدكم المرأة فإن

صلی الله علیه وسلم چون خواهد یکے از شما که خواستگاری کند زنی را پس اگر

استطاع أن ينظر إلى ما يدعوه إلى نكاحها فليفعل

بتواند نظر کند بسوے چیزیکه باعث می شود او را بسوے نکاح او پس باید که بکند

رواه ابو داود وعن المغيرة بن شعبة رض قال

رواه ابو داود و روایت است از مغیره بن شعبه رض که گفت

خطبت امرأة فقال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم

خواستگاری کردم زنی را پس فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

هَلْ نَظَرْتَ اِلَيْهَا قُلْتُ لَا قَالَ فَانْظُرْ اِلَيْهَا فَاِنَّهٗ اَحْرٰی

آیا دیدہ تو بسوے آن زن گفتم نظر نکردم بسوے آن فرمود نظر کن بسواو زیرا کہ نظر کردن سزاوار تر است

اَنْ یُّؤْدَمَ بَیْنَکُمَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ وَالنَّسَائِیُّ

بوقوع الفت واتفاق میان شما رواه احمد والترمذے والنسائے

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنْ بُرَیْدَةَ رض قَالَ قَالَ

وابن ماجہ والدارمے وروایت است از بریدہ رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِیٍّ یَا عَلِیُّ لَا تُتْبِعِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم علی مرتضی را اے علی تابع مگردان

النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَاِنَّ لَكَ الْاُوْلٰی وَلَیْسَتْ لَكَ الْاٰخِرَةُ

یک نظر را بنظر دیگر زیرا کہ بدرستیکہ جائز است ترا نظر نخستین وجائز نیست مر ترا نظر پسین

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنْ

روایت احمد والترمذے وابوداود والدارمے وروایت است از

عَلِیٍّ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهٗ یَا عَلِیُّ

علی رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم مرا امر کرد کہ اے علی

لَا تُبْرِزْ فَخِذَكَ وَلَا تَنْظُرْ اِلٰی فَخِذِ حَیٍّ وَّلَا مَیِّتٍ

ظاہر مکن ران خود را ونگاہ مکن ران زندہ را ونہ مردہ را

رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

روایت ابو داود وابن ماجہ درروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِیَّاكُمْ وَالتَّعَرِّیَ فَاِنَّ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دور دارید خود را از برہنگی زیرا کہ

مَعَكُمْ مَنْ لَا یُفَارِقُكُمْ اِلَّا عِنْدَ الْغَائِطِ وَحِیْنَ یُفْضِیَ الرَّجُلُ

باشما کسی است کہ جدا نمیشود از شما مگر نزد قضای حاجت و دیگر ہنگامے کہ میرسد مرد

إِلَى أَهْلِهِ فَاسْتَحْيُوهُمْ وَأَكْرِمُوهُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بسوی اہل خود جماع میکند پس شرم دارید ازیشان را وگرامی دارید ایشان را رواه ترمذی و روایت است از

أُمِّ سَلَمَةَ رض إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ام سلمه رض که وے بود نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

وَمَيْمُونَةَ رض إِذْ أَقْبَلَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و میمونه رض نیز بود ناگاه روی آورد ابن ام مکتوم که اعمی بود پس درآمد ابن ام مکتوم بر آنحضرت پس فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احْتَجِبَا مِنْهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَلَيْسَ

صلی الله علیه وسلم در پرده شوید از وے پس گفتم یا رسول الله آیا نیست

هُوَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وی کور که نمی بیند ما را پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أَفَعَمْيَاوَانِ أَنْتُمَا أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

آیا پس کور ید شما آیا نیستید شما که می بینید او را رواه احمد و الترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و ابو داود و روایت است از عمر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

قَالَ لَا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ رَوَاهُ

خلوت نکند هیچ مردے بزنے مگر آنکه باشد سوم آنها شیطان رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ مَا نَظَرْتُ وَمَا رَأَيْتُ

الترمذی و روایت است از عائشه رض گفت ندیدم یا گفت نگاه نکردم

فَرْجَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَطُّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اندام شرم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را هرگز رواه ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی امامه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَنْظُرُ إِلَى مَحَاسِنِ امْرَأَةٍ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَغُضُّ

فرمود آنحضرت نیست هیچ مسلمانی که نظر کند بسوی خوبیهای زنی اول بار پس تر فرو خوابانَد

بَصَرَهُ إِلَّا أَحْدَثَ اللّٰهُ لَهُ عِبَادَةً يَجِدُ حَلَاوَتَهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ

چشم خود را مگر آنکه نو پیدا گرداند خدا تعالی برای آنکس عبادتی را که بیابد شیرینی آنرا رواه احمد

وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا قَالَ بَلَغَنِي أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از حسن بصری رض بطریق مرسل گفت رسیده است مرا که پیغمبر آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَنَ اللّٰهُ النَّاظِرَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ

الله علیه وسلم فرموده است لعنت کند خدا نظر کننده را بسوی غیر و کسیرا که نظر کرده شده بسوی او

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

رواه بیهقی فی شعب الایمان

بَابُ الْمُبَاشَرَةِ

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ

و سوال میکنند ترا از حیض بگو که وے نجاست است پس یکسو شوید از زنان

فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ

در حال حیض و نزدیکی مکنید با ایشان تا آنکه پاک چون پاک شوند

فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ

پس بیائید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شما هر آئینه خدا دوست میدارد تائبان را

وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ

و دوست میدارد پاک شوندگان را و روایت است از ابی سعید رض که فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَعْظَمَ الْأَمَانَةِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بزرگترین امانت

عِندَ اللّٰهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَفِي رِوَايَةٍ اِنَّ مِنْ اَشَرِّ النَّاسِ

نزد خدا تعالیٰ روز قیامت ودر روایت دیگر این چنین آمده که بدترین مردم

عِندَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ الرَّجُلُ يُفْضِي اِلَى امْرَأَتِهِ

نزد خدا تعالیٰ در مرتبه روز قیامت مردیست که برسد بسوے زن خود

وَتُفْضِي اِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و برسد زن بسوے وے پس پراگنده کند راز نهانی آن زن را رواه مسلم و روایت است از

خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خزیمه بن ثابت رض بدرستیکه فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

قَالَ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ لَا تَأْتُوا النِّسَآءَ فِي

بدرستیکه خدا تعالیٰ شرم نمیدارد از حق میائید زنان را یعنی وطی مکنید در

اَدْبَارِهِنَّ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

دبرهاے ایشان رواه احمد والترمذی وابن ماجه والدارمی

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَلْعُونٌ مَنْ اَتَى امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا رَوَاهُ

علیه وسلم لعنت کرده شده است کسیکه بیاید زن خود را در دبر او رواه

اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوُدَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

احمد وابو داؤد وهم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِي يَأْتِي امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا لَا يَنْظُرُ

الله علیه وسلم بدرستیکه کسے که بیاید زن خود را در دبر او نظر نکند

اللّٰهُ اِلَيْهِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

خدا تعالیٰ بسوے او رواه در شرح السنه و روایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا ينظر الله الى

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نظر نمیکند خدا تعالی بسوی

رجل اتى رجلا او امرأة فى الدبر رواه الترمذى

مردے که بیاید مردے را یا زنے را در دبر رواه ترمذی

وعن ابى هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من اتى حائضا او امرأة فى دبرها او

علیه وسلم کسیکه بیاید زن حائضه را یا بیاید در دبر زن یا

كاهنا فصدقه بما يقول فقد كفر بما انزل على محمد

بیاید کاهن را پس تصدیق کرد کاهن را بچیزیکه گفته است پس تحقیق کافر شد بانچه فرود آورده شده

صلى الله عليه وسلم رواه ابن ماجة

صلی الله علیه وسلم رواه ابن ماجه

باب الوليمة وبيان اجابة الدعوة

باب در بیان طعام ولیمه و بیان قبول نمودن دعوت

عن انس رض ان النبى صلى الله عليه وسلم راى على

روایت است از انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دید بر

عبد الرحمن بن عوف اثر صفرة فقال ما هذا قال انى

عبد الرحمن بن عوف اثر زردی پس فرمود چه چیز است این زردی گفت عبد الرحمن

تزوجت امرأة على وزن نواة من ذهب قال بارك

من نکاح کرده ام زنے را بر وزن دانه خرما از طلا گفت آنحضرت برکت دهد

الله لك اولم ولو بشاة متفق عليه وعنه قال

خدا تعالی مر ترا ولیمه کن اگرچه بگوسپندے هم باشد متفق علیه و هم از وے روایت است گفت

اَوْلَمَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِيْنَ بَنٰى بِزَيْنَبَ

ولیمه کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگامیکه زفاف کرد بزینب

بِنْتِ جَحْشٍ فَاَشْبَعَ النَّاسَ خُبْزًا وَلَحْمًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

بنت جحش پس سیر گردانید مردم را بنان و گوشت روایت کرد بخاری

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيْمَةِ يُدْعٰى لَهَا الْاَغْنِيَاءُ

وسلم بدترین طعام طعام ولیمه است که خوانده میشوند برای آن توانگران

وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ وَمَنْ تَرَكَ الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ

و گذاشته میشوند درویشان و کسیکه ترک کند اجابت دعوت را پس بتحقیق نافرمانی کرد

وَرَسُوْلَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ

و رسول خدا را متفق علیه و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا دُعِيَ اَحَدُكُمْ اِلٰى

آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون خوانده شود یکے از شما بسوی

طَعَامٍ فَلْيُجِبْ فَاِنْ شَاءَ طَعِمَ وَاِنْ شَاءَ تَرَكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

طعام پس باید که بپذیرد آنرا پس اگر خواهد بخورد و اگر خواهد نخورد روایت کرد مسلم

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از عبد الله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ دُعِيَ فَلَمْ يُجِبْ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ

الله علیه وسلم کسیکه خوانده شد بطعامی پس اجابت نکرد پس بتحقیق نافرمانی کرد خدا و رسول او را

وَمَنْ دَخَلَ عَلٰى غَيْرِ دَعْوَةٍ دَخَلَ سَارِقًا وَخَرَجَ مُغِيْرًا

و کسیکه درآید ناخوانده درآید گویا که دزدی کننده است و بیرون آمد گویا که غارت کننده است

أَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَأْخُذُونَ أَوْ بِصُنْعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُونَ

آیا بکردار اهل جاهلیة عمل میکنید یا بکار و پیشه جاهلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُونَ فِي غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم که دعای بد کنم بر شما اینچنین دعائی که برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَأَخَذُوا أَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُودُوا لِذَلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی که پس گرفتند رداهای خود را و باز نگشتند بآن فعل رواه ابن ماجه

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ

و روایت است از ابن عمر رض گفت که نهی کرد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از آنکه

تُتْبَعَ جِنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پس روی کرده شود جنازه را که با او نوحه گری باشد رواه احمد و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُولُ

ابی امامه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خدا تعالی ای فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْأُولَى لَمْ أَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول کوفت مصیبت راضی نمیشوم ترا از روی ثواب غیر بهشت را یعنی البته دارایم ترا در بهشت رواه ابن ماجه

وَعَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست هیچ مرد مسلمانی و نه زن مسلمانی که رسیده میشود بمصیبتی پس یاد میکند آن مصیبت را

وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذَلِكَ اسْتِرْجَاعًا إِلَّا جَدَّدَ اللّٰهُ

اگرچه دراز بود زمان آن پس نو پدید کند مر آن را از مصیبت استرجاع مگر آنکه نو میکند

تَبَارَكَ وَتَعَالٰى عِنْدَ ذٰلِكَ فَاَعْطَاهُ مِثْلَ اَجْرِهَا يَوْمَ اُصِيْبَ
تبارک وتعالے نزدیک آن پس میدہد خدا او را مانند اجر آن در روزیکہ رسیدہ است
بِهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ
باں مصیبت روایت کرد احمد وبیہقی در شعب ایمان وروایت است از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
اِذَا انْقَطَعَ شِسْعُ اَحَدِكُمْ فَلْيَسْتَرْجِعْ فَاِنَّهُ مِنَ الْمَصَائِبِ
کہ چون گسستہ شود دوال نعل یکے از شما پس باید کہ استرجاع کند زیرا کہ گسستن دوال نیز از مصیبت است
وَعَنْ اُمِّ الدَّرْدَاءِ قَالَتْ سَمِعْتُ اَبَا الدَّرْدَاءِ يَقُوْلُ سَمِعْتُ
وروایت است از ام الدرداء کہ گفت شنیدم ابو الدرداء را کہ میگفت شنیدم
اَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ
آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت بدرستیکہ خدا تبارک
وَتَعَالٰى قَالَ يَا عِيْسٰى اِنِّيْ بَاعِثٌ مِنْ بَعْدِكَ اُمَّةً اِذَا اَصَابَهُمْ
وتعالے فرمود یعنی اے عیسے بدرستیکہ من برانگیزندہ ام پس از تو گروہی را کہ چون برسد ایشانرا
مَا يُحِبُّوْنَ حَمِدُوا اللّٰهَ وَاِنْ اَصَابَهُمْ مَا يَكْرَهُوْنَ احْتَسَبُوْا
چیزیکہ دوست میدارند او را از نعمت شکر میگویند خدا را واگر برسد ایشانرا چیزیکہ ناخوش دارند آنرا از بلیہ
وَصَبَرُوْا وَلَا حِلْمَ وَلَا عَقْلَ فَقَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ
وصبر میکنند وحال آنکہ نیست ایشانرا بردباری و عقل و تدبیر پس گفت عیسی اے پروردگار من چگونہ
يَكُوْنُ هٰذَا لَهُمْ وَلَا حِلْمَ وَلَا عَقْلَ فَقَالَ اُعْطِيْهِمْ مِنْ
باشد این صبر و احتساب ایشانرا وحال آنکہ نیست علم و عقل پس گفت پروردگار کہ میدہم من ایشانرا از
حِلْمِيْ وَعِلْمِيْ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ
حلم خود و علم خود روایت کرد این دو حدیث را بیہقی در شعب ایمان وروایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

لَا يَمُوتُ لِمُسْلِمٍ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْوَلَدِ فَيَلِجُ النَّارَ إِلَّا تَحِلَّةَ الْقَسَمِ

نمی میرد مسلمانے را سہ کس از فرزندان پس در آید آتش دوزخ را مگر برائے حلال گردانیدن و کشادن سوگند یعنی

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

متفق علیہ و روایت است از وے گفت ابوہریرہ کہ فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لِنِسْوَةٍ مِّنَ الْأَنْصَارِ لَا يَمُوتُ لِإِحْدَاكُنَّ ثَلَاثَةٌ

وسلم مر جماعہ زنان را از قبیلہ انصار کہ نمی میرد مر یکے را از شما سہ

مِنَ الْوَلَدِ فَتَحْتَسِبُهُ إِلَّا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ فَقَالَتِ امْرَأَةٌ مِّنْهُنَّ

فرزند پس صبر کند و طلب ثواب دارد مگر آنکہ در آید بہشت را پس گفت زنے از میان ایشان

أَوِ اثْنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ أَوِ اثْنَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِي رِوَايَةٍ

یا دو فرزند ہم بمیرند اے پیغامبر خدا فرمود آنحضرت یا دو بمیرند حکم او ہمین است روایت کرد اورا مسلم و در روایتے

لَهُمَا ثَلَاثَةٌ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مر بخاری و مسلم را چنین آمدہ نمی میرند سہ کس کہ نرسیدہ اند بزہ و گناہ را یعنی بالغ نشدہ اند و ہم از وے گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ اللهُ مَا لِعَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ عِنْدِي

صلے اللہ علیہ وسلم در حدیث قدسی کہ میگوید خدا تعالی نیست مر بندہ مسلمان مرا نزد من

جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا

پاداشی چون قبض کنم و بمیرانم دوست خالص او را از اہل دنیا چنانچہ فرزند پس صبر کند و نظر بر ثواب دارد مگر

الْجَنَّةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ

بہشت را روایت کرد اورا بخاری و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهُ فَرَطَانِ مِنْ أُمَّتِي

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسے کہ باشد اورا دو فرط از امت من

ادخله الله بهما الجنة فقالت عايشة رض فمن كان له

درآرد او را خداے تعالی بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عائشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فرط من امتك قال ومن كان له فرط يا موفقة فقالت

یک فرط از امت تو پس آورا ... فرمود و کسیکه باشد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بتعلیم شرایع

فمن لم يكن له فرط من امتك قال فانا فرط امتي لن يصابوا

پس گفت عائشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو مر او را چه باشد فرمود آنحضرت پس من فرط امت من ام هرگز مصیبت زده

بمثلي رواه الترمذي وعن ابي موسى الاشعري

بمانند مصیبت من روایت کرد ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا مات ولد

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون می میرد فرزند

العبد قال الله تعالى لملئكته قبضتم ولد عبدي

بنده میگوید خداے تعالی بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بنده مرا

فيقولون نعم فيقول قبضتم ثمرة فؤاده فيقولون نعم

پس میگویند فرشتگان آرے قبض کردیم پس میگوید باری تعالی قبض کردید میوه دل او را پس میگویند فرشتگان آرے قبض کردیم

فيقول ماذا قال عبدي فيقولون حمدك واسترجع

پس میگوید حق تعالی چه چیز گفت بنده من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله وانا الیه راجعون گفت

فيقول الله ابنوا لعبدي بيتا في الجنة وسموه بيت

پس میگوید حق تعالی بنا کنید برای بنده من خانه در بهشت و میگوید حق تعالی و نام نهید آنرا خانه

الحمد رواه احمد والترمذي وعن ابي هريرة رض

حمد روایت کرد احمد و الترمذی و روایت است از ابی هریره رض

ان رجلا قال له مات ابن لي فوجدت عليه هل سمعت

که مرد گفت مر او را مرد پسرے که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وے آیا شنیدی از

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَكْمَلُ الْمُؤْمِنِيْنَ اِيْمَانًا اَحْسَنُهُمْ خُلُقًا

صلی الله علیه وسلم کاملترین مسلمانان از روی ایمان نیکوترین ایشان از روی خلق

وَخِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ

و بهترین شما نزد خدا بهترین شما اند مر زنان خود را روایه ترمذی و هم از وی مرویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا دَعَى الرَّجُلُ امْرَاَتَهُ

گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخواند مرد زن خود را

اِلٰى فِرَاشِهِ فَاَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ لَعَنَتْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتّٰى تُصْبِحَ

بسوی بستر خود پس انکار کرد آن زن پس شب گذارد مرد خشمگین لعنت میکنند آن زن را فرشتگان تا صبح

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لَهُمَا قَالَ وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ

متفق علیه و در روایت بخاری و مسلم آمده که گفت آنحضرت سوگند بخدائیکه نفس من در قدرت اوست

مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُوْ امْرَاَتَهُ اِلٰى فِرَاشِهِ فَتَاْبٰى عَلَيْهِ اِلَّا كَانَ

نیست هیچ مردیکه بخواند زن خود را بسوی فراش خود پس ابا آورد آن زن الا مگر آنکه باشد

الَّذِيْ فِي السَّمَآءِ سَاخِطًا عَلَيْهَا حَتّٰى يَرْضٰى عَنْهَا وَعَنْ

کسیکه در آسمان است یعنی فرشتگان خشم کننده بر زن تا آنکه خوشنود گردد مرد از وی و روایت است از

عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ فِيْ نَفَرٍ

عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود در جماعت

مِّنَ الْمُهَاجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ فَجَاءَ بَعِيْرٌ فَسَجَدَ لَهٗ فَقَالَ اَصْحَابُهٗ

از مهاجرین و انصار پس آمد شتری پس سجده کرد آنحضرت را پس گفتند یاران آنحضرت

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ تَسْجُدُ لَكَ الْبَهَائِمُ وَالشَّجَرُ فَنَحْنُ اَحَقُّ اَنْ

ای رسول خدا سجده میکنند ترا چارپایه ها و درختان پس ما سزاوارتر ایم با نیکه

نَسْجُدَ لَكَ فَقَالَ اُعْبُدُوْا رَبَّكُمْ وَاَكْرِمُوْا اَخَاكُمْ

سجده کنیم ترا پس فرمود عبادت کنید پروردگار خود را و گرامی دارید برادر خود را

وَلَوْ كُنْتُ آمِرًا اَحَدًا اَنْ يَّسْجُدَ لِاَحَدٍ لَاَمَرْتُ الْمَرْاَةَ اَنْ تَسْجُدَ
و اگر می بودم که امر میکردم کسے را که سجده کند کسے را هر آئینه امر میکردم زن را که سجده کند
لِزَوْجِهَا وَلَوْ اَمَرَهَا اَنْ تَنْقُلَ مِنْ جَبَلٍ اَصْفَرَ اِلٰى جَبَلٍ اَسْوَدَ
مر شوهر خود را و اگر امر کند مرد زن را که ببرد سنگ را از کوه زرد بسوی کوه سیاه
وَمِنْ جَبَلٍ اَسْوَدَ اِلٰى جَبَلٍ اَبْيَضَ كَانَ يَنْبَغِىْ لَهَا اَنْ تَفْعَلَهٗ
و ببرد سنگ را از کوه سیاه بسوی کوه سفید لایق است اورا که بکند این کار
رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
رواه احمد و روایت است از جابر رض گفت که فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ لَا يُقْبَلُ لَهُمْ صَلٰوةٌ وَّلَا يَصْعَدُ لَهُمْ
علیہ وسلم سه کس اند که قبول کرده نمی شود ایشان را هیچ نماز و بالا نمیرود هیچ
حَسَنَةٌ اَلْعَبْدُ الْاٰبِقُ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلٰى مَوَالِيْهِ فَيَضَعَ يَدَهٗ
نیکی آن سه کس یکے ازان سه بنده گریخته تا آنکه باز آید بسوی صاحبان خود پس بنهد آن بنده دست
فِىْ اَيْدِيْهِمْ وَالْمَرْاَةُ السَّاخِطُ عَلَيْهَا زَوْجُهَا وَالسَّكْرَانُ
در دستهای ایشان و دوم زنے که خشم کننده است بران زن شوهر وے سوم مست
حَتّٰى يَصْحُوَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِىُّ فِىْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ
تا آنکه هشیار گردد رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از
اَسْمَاءَ رض اَنَّ امْرَاَةً قَالَتْ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنَّ لِىْ ضَرَّةً فَهَلْ
اسماء رض که زنے گفت ای رسول خدا بدرستیکه مرا انباغیست پس آیا هست
عَلَىَّ جُنَاحٌ اَنْ تَشَبَّعْتُ مِنْ زَوْجِىْ غَيْرَ الَّذِىْ يُعْطِيْنِىْ
بر من گناه اگر ظاهر کنم از شوهر خود جز آنچه میدهد مرا شوهر
فَقَالَ الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَابِسِ ثَوْبَىْ زُوْرٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
پس گفت آنحضرت ظاهر کننده خود را بچیزیکه داده نشده است مانند پوشنده دو جامه دروغ است متفق علیه

(حاشیه:) ۱ ... ۲ ... ۳ ... [illegible marginal notes in Urdu]

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

وروایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

اَلْمَرْأَۃُ اِذَا صَلَّتْ خَمْسَھَا وَصَامَتْ شَھْرَھَا وَاَحْصَنَتْ

زنے چون بخواند نماز پنجگانہ روزہ دارد ماہ رمضان را و نگاہ دارد

فَرْجَھَا وَاَطَاعَتْ بَعْلَھَا فَلْتَدْخُلْ مِنْ اَیِّ اَبْوَابِ الْجَنَّۃِ

شرمگاہ خود را و فرمان برداری کند شوہر خود را پس باید کہ داخل شود از ہر دریکہ خواہد بہشت را

شَاءَتْ رَوَاہُ اَبُوْ نُعَیْمٍ فِی الْحِلْیَۃِ وَعَنْ اَبِیْ ھُرَیْرَۃَ رض

روایت کرد اینحدیث را ابو نعیم در حلیہ وروایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَوْ کُنْتُ اٰمِرًا اَحَدًا

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم اگر می بودم امر کنندہ کسے را

اَنْ یَّسْجُدَ لِاَحَدٍ لَاَمَرْتُ الْمَرْأَۃَ اَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِھَا

باینکہ سجدہ کند مر کسے را ہر آئینہ امر میکردم زن را کہ سجدہ کند مر شوہر خود را

رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَعَنْ اُمِّ سَلَمَۃَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

رواہ ترمذی وروایت است از ام سلمہ رض گفت کہ فرمود آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اَیُّمَا امْرَأَۃٍ مَاتَتْ وَزَوْجُھَا عَنْھَا

صلی اللہ علیہ وسلم ہر زنے کہ بمیرد حال آنکہ شوہر آن زن از وے

رَاضٍ دَخَلَتِ الْجَنَّۃَ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَعَنْ طَلْقِ بْنِ

راضی است در می آید آن زن بہشت را رواہ ترمذی وروایت است از طلق بن

عَلِیٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اِذَا الرَّجُلُ

علی رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم وقتیکہ مرد

دَعَا زَوْجَتَہٗ لِحَاجَتِہٖ فَلْتَاْتِہٖ وَاِنْ کَانَتْ عَلَی التَّنُّوْرِ

بخواند زن خود را از برائے حاجت خود پس باید کہ بیاید آن زن شوہر خود را اگرچہ باشد آن زن بر تنور

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مُعَاذٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت کرد ترمذی و روایت است از معاذؓ از آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ لَا تُؤْذِي امْرَأَةٌ زَوْجَهَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا قَالَتْ

وسلم فرمود آنحضرت ایذا نکند ہیچ زنی شوہر خود را در دنیا مگر آنکہ میگوید

زَوْجَتُهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ لَا تُؤْذِيهِ قَاتَلَكِ اللّٰهُ فَإِنَّمَا هُوَ

زوجہ آن مرد کہ از حور عین است ایذا مکن شوہر خود را بکشد ترا خدا تعالیٰ زیرا کہ او مرد نیست

عِنْدَكِ دَخِيلٌ يُوشِكُ أَنْ يُفَارِقَكِ إِلَيْنَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

نزد تو مگر غریب و مسافر نزدیک است کہ جدائی میکند از تو بسوی ما روایت کرد ترمذی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و ابن ماجہ و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت کہ فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَبَّبَ امْرَأَةً عَلَى زَوْجِهَا أَوْ

صلی اللہ علیہ وسلم نیست بر طریقہ ما کسیکہ بدراہ کند زنی را بر شوہر وی یا

عَبْدًا عَلَى سَيِّدِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

بدراہ کند غلامی را بر خواجۂ وی روایت کرد ابو داؤد و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ النِّسَاءِ خَيْرٌ

گفت کہ پرسیدہ شد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ کدام از زنان بہتر است

قَالَ الَّتِي تَسُرُّهُ إِذَا نَظَرَ وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ وَلَا تُخَالِفُهُ فِي

گفت آن زنی کہ شاد و خوش گرداند مرد را چون نگاہ کند بروی و فرمان برداری کند مرد را چون امر کند

نَفْسِهَا وَلَا مَالِهَا بِمَا يَكْرَهُ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ

ذات خود و نہ در مال متصرف خود بچیزیکہ مکروہ و ناخوش دارد مرد را روایت کرد نسائی و بیہقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

در شعب ایمان و روایت است از ابن عباس رض کہ آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَرْبَعٌ مَنْ اُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ اُعْطِيَ

صلے اللہ علیہ وسلم فرمود چہار خصلت اند کہ ہر کرا دادہ شود پس بخشش دادہ شد

خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ قَلْبٌ شَاكِرٌ وَلِسَانٌ ذَاكِرٌ وَبَدَنٌ

او نیکی ہر دو جہان دلی شاکر یعنے شکر کنندہ منعم را وزبان ذکر کنندہ مر خدا . برا وتنے

عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرٌ وَزَوْجَةٌ لَا تَبْغِيْهِ خَوْنًا فِيْ نَفْسِهَا

بر بلا صبر کنندہ وزنیکہ طلب نمی کند برو خیانت در نفس خود

وَلَا مَالِهٖ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

ونہ در مال او روایت کرد بیہقے در شعب الایمان

بَابُ الطَّلَاقِ

عَنْ ثَوْبَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ثوبان رضا گفت کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اَيُّمَا امْرَأَةٍ سَاَلَتْ زَوْجَهَا طَلَاقًا فِيْ غَيْرِ مَا بَأْسٍ

ہر زنے کہ سوال کند شوہر خودرا طلاق در غیر حالت شدت

فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

پس حرام است برآن زن بوے بہشت رواہ احمد والترمذی .

وَاَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

وابوداود وابن ماجہ والدارمی وروایت است از ابن عمر رضا

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَبْغَضُ الْحَلَالِ اِلَى اللّٰهِ

از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ فرمود آنحضرت دشمن ترین حلال بسوے خدا

الطَّلَاقُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ

طلاق است رواہ ابوداود وروایت است از علی رضا از آنحضرت

۹

اسراف در وضو

طلاق و لعنت کردن و روزہ

تطیع اسراف کے

مردن وطلاق الولد

روزہ بکر دہ شدن وشوہر دادن

والطلاق للسلطان

وکنیز زبان و دو سقیح بد

ونز وزن ثنیں دور از زنا

مردن نامبرد ۱۲ ۱۲

انہی مبیت نکاح ۱۲

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا طَلَاقَ قَبْلَ نِكَاحٍ وَلَا عِتَاقَ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ گفت آنحضرت نیست طلاق دادن پیش از نکاح ونیست آزاد کردن

إِلَّا بَعْدَ مِلْكٍ وَلَا وِصَالَ فِي صِيَامٍ وَلَا يُتْمَ بَعْدَ احْتِلَامٍ

مگر بعد از ملک ونیست وصال در روزه داشتن ونیست یتیمی بعد از بلوغ

وَلَا رَضَاعَ بَعْدَ فِطَامٍ وَلَا صَمْتَ يَوْمٍ إِلَى اللَّيْلِ رَوَاهُ

ونیست شیرخوارگی بس از مدت شیرخوارگی ونیست خاموشی روز تا شب رواه

فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رض قَالَ قَالَ

در شرح السنه وروایت است از معاذ بن جبل رض گفت که فرمود

لِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا مُعَاذُ مَا خَلَقَ

مرا آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ اے معاذ نیافریده است

اللهُ شَيْئًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِتَاقِ

خدا تعالے چیزیرا برروے زمین که دوست تر باشد بسوے خدا تعالے از آزاد کردن

وَمَا خَلَقَ اللهُ شَيْئًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَبْغَضَ إِلَيْهِ

ونه پیدا کرد خدا تعالے چیزیرا برروے زمین که مبغوض تر باشد بسوے خدا

مِنَ الطَّلَاقِ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ

از طلاق رواه دارقطنے وروایت است از عبد الله

بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَعَنَ اللهُ الْمُحَلِّلَ وَالْمُحَلَّلَ لَهُ

بن مسعود رض که گفت لعنت کرده است خدا تحلیل کننده را ولعنت کرده است محلل له را

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ عَلِيٍّ

رواه دارمے ورواه ابن ماجه از علے

وَابْنِ عَبَّاسٍ وَعُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ

وابن عباس واز عقبه بن عامر

۴۲ نیست طلاق واقع پیش از نکاح نزد ما و امام شافعی و احمد ... و نزد ابو حنیفه ... نکاح ... ۴۴ ...

۴۵ ... طلاق ...

بَابُ حَقِّ الْمَمْلُوكِ عَلٰى سَيِّدِهٖ
باب در حق مملوک بر مالک او

وَحَقِّهٖ عَلَى الْمَمْلُوْكِ
وحق مالک بر مملوکش

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
روایت است از جابر بن سمرہ رض گفت کہ فرمود آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَعْطَى اللّٰهُ اَحَدَكُمْ خَيْرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهٖ
اللہ علیہ وسلم چون بدہد خدا یتعالیٰ یکے از شما را مال کثیر پس باید کہ آغاز کند در انفاق
وَاَهْلِ بَيْتِهٖ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ بَكْرِنِ الصِّدِّيْقِ رض
واہل بیت خود رواہ مسلم وروایت است از ابی بکر صدیق رض
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَيِّئُ
از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت کہ درنمی آید بہشت را بدصحبت
الْمَلَكَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ رَافِعِ
با مملوک رواہ ترمذے وابن ماجہ وروایت است از رافع
ابْنِ مَكِيْثٍ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ حُسْنُ
ابن مکیث کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم گفت نیکی کردن
الْمَلَكَةِ يُمْنٌ وَسُوْءُ الْخُلُقِ شُؤْمٌ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ
بمملوکان موجب برکت است وبدخلقی سبب بے برکتی است رواہ ابو داود واز
اَبِيْ مَسْعُوْدِ الْاَنْصَارِيِّ رض قَالَ كُنْتُ اَضْرِبُ غُلَامًا لِّيْ
ابی مسعود انصاری رض مرویست گفت بودم کہ میزدم غلامے را کہ مرا بود
فَسَمِعْتُ مِنْ خَلْفِيْ صَوْتًا اِعْلَمْ اَبَا مَسْعُوْدٍ لَلّٰهُ اَقْدَرُ
پس شنیدم از پس خود آوازے را کہ بدان ابا مسعود ہر آئینہ خدا توانا تر است

عَلَيْكَ مِنْكَ عَلَيْهِ فَالْتَفَتُّ فَإِذَا هُوَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

بر تو از تو انکه برین غلام هستی پس باز نگریستم پس ناگاه آن آواز کننده پیغمبر

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدا صلے اللہ علیہ وسلم بود پس گفتم اے رسول خدا صلے اللہ علیہ وسلم

هُوَ حُرٌّ لِوَجْهِ اللّٰهِ فَقَالَ أَمَا لَوْ لَمْ تَفْعَلْ لَلَفَحَتْكَ النَّارُ

این غلام آزاد کردم از براے ذات خدا پس گفت آنحضرت آگاه باش اگر نمیکردی تو او را آزاد هر آئینه سوختے ترا آتش

أَوْ لَمَسَّتْكَ النَّارُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ

یا مساس میکرد ترا آتش روایت کرد مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ ضَرَبَ

شنیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را که میگفت کسیکه بزند

غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ

غلامے را که مر او راست حدے که نکرده است یعنے بیگناه بزند یا طپانچه زند پس کفاره وی آنست

يُعْتِقَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ

که آزاد کند او را روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم

أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ قَذَفَ مَمْلُوكَهُ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را که میگفت کسیکه دشنام کند مملوک خود را

وَهُوَ بَرِيءٌ مِمَّا قَالَ جُلِدَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ

آنملوک پاک است از آنچه گفته است تازیانه زده می شود روز قیامت مگر آنکه باشد آن ملوک

كَمَا قَالَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

چنانکه گفته است متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَنَعَ لِأَحَدِكُمْ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم وقتیکه بسازد براے یکے از شما

خَادِمُهُ طَعَامَهُ ثُمَّ جَاءَ بِهِ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ

خدمتگار وے طعام اورا پس بیارد نزد او طعام را حال آنکه تحقیق والی شده است گرمی آتش و دود آنرا که در پختن طعام

فَلْيُقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا قَلِيلًا

پس باید که بنشاند اورا با خود پس باید که بخورد با او پس اگر باشد طعام قلیل که خورده شود

فَلْيَضَعْ فِي يَدِهِ مِنْهُ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس باید که بنهد در دست خادم از آن یک لقمه یا دو لقمه رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ جَعَلَ

وسلم مملوکان شما که برادر شما اند گردانیده است ایشان را خدا زیر دستهای شما پس کسیکه بگرداند

اللّٰهُ أَخَاهُ تَحْتَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا

خدا برادر انکس را خدمتگار وے پس باید که بخوراند اورا از آنکه خود میخورد و بپوشاند اورا از آنچه خود

يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفُهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ

میپوشد و تکلیف ندهد اورا چیزیکه غالب آید اورا پس اگر تکلیف کند اورا

مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِنْهُ عَلَيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

چیزیکه غالب آید اورا پس باید که یاری دهد اورا بر آن عمل متفق علیه و روایت است از

أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِذَا ضَرَبَ أَحَدُكُمْ خَادِمَهُ فَذَكَرَ اللّٰهَ فَارْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ

وقتیکه بزند یکے از شما خدمتگار خود را پس یاد کند وے خدا را یعنی طلب عفو کرد بنام خدا

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه الترمذی و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلی الله

قَالَ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ يَسَّرَ اللّٰهُ حَتْفَهُ وَأَدْخَلَهُ جَنَّتَهُ رِفْقٌ

گفت سه خصلت است که هرکه باشند آن خصلت در وی آسان میگرداند خدا مرگ او را و درمی آرد او را در بهشت خاص خود اول

بِالضَّعِيفِ وَشَفَقَةٌ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَإِحْسَانٌ إِلَى الْمَمْلُوكِ رَوَاهُ

با ناتوان دوم مهربانی و نیکی کردن بر مادر و پدر سوم نیکی و خوش خلقی ورزیدن بر مملوک روایه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابی امامه رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهَبَ لِعَلِيٍّ غُلَامًا فَقَالَ لَا تَضْرِبْهُ

صلی الله علیه وسلم بخشید مرعلی را رض غلامی را پس فرمود که مزن این غلام را بهیچ شی

فَإِنِّي نُهِيتُ عَنْ ضَرْبِ أَهْلِ الصَّلٰوةِ وَلَقَدْ رَأَيْتُهُ يُصَلِّي

پس بدرستی که من نهی کرده شده ام از زدن نماز گذارندگان و بتحقیق دیدم او را که نماز میگذارد

هٰذَا لَفْظُ الْمَصَابِيحِ وَفِي الْمُجْتَبٰى لِلدَّارَقُطْنِيِّ أَنَّ عُمَرَ

این لفظ است در مصابیح و در کتاب مجتبی که تصنیف دار قطنی است آنست که امیرالمومنین عمر

بْنَ الْخَطَّابِ رض قَالَ نَهَانَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن خطاب رض گفته است نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

عَنْ ضَرْبِ الْمُصَلِّينَ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ

از زدن نماز گذارندگان و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَاءَمَكُمْ مِنْ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ملائمت و موافقت کند شما را از

مَمْلُوكِيكُمْ فَأَطْعِمُوهُ مِمَّا تَأْكُلُونَ وَاكْسُوهُ مِمَّا تَلْبَسُونَ

مملوکان شما پس بخورانید او را از آنچه میخورید و بپوشانید او را از آنچه می پوشید

وَمَنْ لَا يُلَائِمُكُمْ مِنْهُمْ فَبِيعُوهُ وَلَا تُعَذِّبُوا خَلْقَ اللّٰهِ

و کسیکه موافقت نمیکند شما را از مملوکان پس بفروشید او را و عذاب مکنید خلق خدا را

رواه احمد وابوداود وعن ابي موسى رض قال لعن

رواه احمد وابو داود ودروایت است از ابی موسی رض که لعنت کرد

رسول الله صلى الله عليه وسلم من فرق بين الوالد

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بر کسیکہ جدائی کند درمیان والد

وولده وبين الاخ وبين اخيه رواه ابن ماجة

وولداو وجدائی کند میان برادر ومیان برادرِ وے رواہ ابن ماجہ

والدارقطني وعن ابي ايوب رض قال سمعت

ودار قطنی ودروایت است از ابی ایوب انصاری رض گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من فرق بين

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ تفریق کند درمیان

والدة وولدها فرق الله بينه وبين احبته يوم

والدہ وفرزندِ وے ببیع وہبہ وجز آن جدائی کند خدا تعالی میان وے ومیان دوستان وے روز

القيمة رواه الترمذي والدارمي وعن عبد الله

قیامت رواہ الترمذی والدارمی ودروایت است از عبد اللہ

بن عمر رض قال جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وسلم

بن عمر رض گفت آمد مردی بسوی آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

فقال يا رسول الله كم نعفو عن الخادم فسكت ثم

پس گفت آمرد یا رسول اللہ چند بار درگذاریم از تقصیرات خدمتگار پس خاموش ماند باز

اعاد عليه الكلام فصمت فلما كانت الثالثة قال

بار گردانید آمرد بآنحضرت این سخن را پس خاموش بود آنحضرت پس چون بار سوم شد فرمود آنحضرت

اعفوا عنه كل يوم سبعين مرة رواه ابوداود

عفو کنید از خادم هر روز هفتاد بار مقصود مبالغه است نه تعیین وتحدید چنانکه متعارف است در عدد رواه ابوداود

وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رض وَعَنْ

و روایت است از عبد الله بن عمرو رض و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِشِرَارِكُمُ الَّذِي يَأْكُلُ وَحْدَهُ وَيَجْلِدُ

آیا خبر نکنم شمارا که بدترین شما کدام فریق اند آن کسے که میخورد تنها و تازیانه میزند

عَبْدَهُ وَيَمْنَعُ رِفْدَهُ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ

غلام خود را و باز میدارد عطای خود را بروایه رزین و روایت است از ابی بکر

الصِّدِّيقِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

صدیق رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَيِّئُ الْمَلَكَةِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ أَلَيْسَ

در نمی آید در بهشت بدخلق با مملوکین گفتند صحابه یا رسول الله آیا نیست که

أَخْبَرْتَنَا أَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَكْثَرُ الْأُمَمِ مَمْلُوكِينَ وَيَتَامَى

خبر داده تو مارا که این امت تو بیشترین امتهای سابق است از روی مملوکان و یتیمان

قَالَ نَعَمْ فَأَكْرِمُوهُمْ كَكَرَامَةِ أَوْلَادِكُمْ وَأَطْعِمُوهُمْ

فرمود آنحضرت آری پس گرامی دارید ایشان را همچو گرامی داشتن فرزندان را و بخورانید بخورانید ایشان را

مِمَّا تَأْكُلُونَ قَالُوا فَمَا يَنْفَعُنَا الدُّنْيَا قَالَ فَرَسٌ تَرْتَبِطُهُ

از آنچه میخورید گفتند صحابه پس چه چیز نفع میکند مارا در دنیا فرمود آنحضرت نفع میکند شمارا اسپ

تُقَاتِلُ عَلَيْهِ فِي سَبِيلِ اللهِ وَمَمْلُوكٌ يَكْفِيكَ فَإِذَا

و قتال میکنید شما بران اسپ در راه خدا و غلامے که بندگی کند در کار تو پس وقتیکه

صَلَّى فَهُوَ أَخُوكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ سَهْلِ

نماز بگذارد آن غلام پس حکم برادر تو دارد روایه ابن ماجه و روایت است از سهل

ابن معاذ رض عن ابیه رض
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مسیح

بن الحنظلية قال مر رسول الله صلى الله عليه وسلم ببعير

بن حنظلیة گفت که گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بشترے که

قد لحق ظهره ببطنه فقال اتقوا الله في هذه البهائم

بتحقیق چسپیده بود پشت او بشکم وے از غایت گرسنگی پس فرمود بپرهیزید خدا را در رعایت حق این

المعجمة فاركبوها صالحة واتركوها صالحة رواه ابو داود

چارپایهای بے زبان پس سوار شوید آنها را درحالیکه قابل اند برای سواری و ترک کنید آنها را درحالیکه مانده نشده اند

وعن جرير رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جریر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم اذا ابق العبد لم تقبل له صلوة وفي رواية عنه

وسلم وقتیکه بگریزد بنده قبول نمی شود برای وی هیچ نمازے و در روایتے دیگر از جریر رض آمده

قال ايما عبد ابق من مواليه فقد كفر حتى يرجع اليهم

که هر بنده که بگریزد از صاحبان خود پس بتحقیق کافر شد تا آنکه بازگردد بسوے ایشان

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم نعما للمملوك ان يتوفه الله

صلی الله علیه وسلم نیکو چیزیست مملوک را که بمیراند اورا خدا

يحسن عبادة ربه وطاعة سيده نعما له متفق عليه

به نیک کردن عبادت پروردگار خود و خدمت صاحب خود. نیکو چیزیست این حال برای او متفق علیه

وعن عبد الله بن عمر رض ان رسول الله صلى الله

و روایت است از عبد الله بن عمر رض که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال ان العبد اذا نصح لسيده واحسن

علیه وسلم فرمود که بنده چون خیر خواهی و حق شناسی ورزد برائے صاحب خود و نیکو کند

عِبَادَةَ اللّٰهِ فَلَهُ اَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پرستش خدارا پس مرآن بنده راست مزد او دوبار متفق علیه

كِتَابُ الْعِتْقِ

کتاب در احادیث آزاد ساختن برده

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ اَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلِمَةً اَعْتَقَ اللّٰهُ بِكُلِّ عُضْوٍ

وسلم کسیکه آزاد کند برده مسلمان را آزاد کند خدا تعالی در مقابله هر اندامے از آن برده اندام را

مِنْهُ عُضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ حَتّٰى فَرْجَهٗ بِفَرْجِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از آنکس از آتش دوزخ تا آنکه عورت را بعورت وے متفق علیه

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ سَاَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رض گفت که پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

اَيُّ الْعَمَلِ اَفْضَلُ قَالَ اِيْمَانٌ بِاللّٰهِ وَجِهَادٌ فِيْ سَبِيْلِهٖ قَالَ قُلْتُ

که کدام عمل فاضل ترین عملهاست در ثواب فرمود آنحضرت دو چیز فاضل ترین عملهاست یکے ایمان و دوم کارزار کردن در

فَاَيُّ الرِّقَابِ اَفْضَلُ قَالَ اَغْلَاهَا ثَمَنًا وَاَنْفَسُهَا عِنْدَ اَهْلِهَا

پس کدام از بندگان بهتر است گفت گران ترین بندها است از روی بها و نفیس ترین بندها نزد کسان وے

قُلْتُ فَاِنْ لَمْ اَفْعَلْ قَالَ تُعِيْنُ صَانِعًا اَوْ تَصْنَعُ لِاَخْرَقَ قُلْتُ

ابو ذر میگوید گفتم پس اگر نکنم این کار را فرمود آنحضرت یاری دهی کاریگر را بکار و پیشه کنی مر کسیرا که کار نمیتواند کرد گفتم

فَاِنْ لَمْ اَفْعَلْ قَالَ تَدَعُ النَّاسَ مِنَ الشَّرِّ فَاِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ

یعنی اگر این را نیز نتوانم کرد گفت آنحضرت ترک دهی شر و مرا از شر پس بدرستیکه این خصلت که ترک بدی است خیرات

بِهَا عَلٰى نَفْسِكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

آن بر نفس خود متفق علیه و روایت است از براء بن عازب رض

قال جاء اعرابي الى النبي صلى الله عليه وسلم فقال علمني

گفت که آمد بادیه نشینی نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس گفت آن بادیه نشین بیاموز مرا

عملا يدخلني الجنة قال لئن كنت اقصرت الخطبة لقد

کاری که درآرد مرا ببهشت فرمود البته که اگر کوتاه کردی تو خطبه را برآینه

اعرضت المسئلة اعتق النسمة وفك الرقبة قال اوليسا

پهن ساختی سوال را آزاد کن نفس را و خلاص کن برده را گفت بدوی آیا نیستند عتق نسمه و فک رقبه

واحدا قال لا عتق النسمة ان تفرد بعتقها وفك الرقبة

یکی فرمود آنحضرت نیست عتق نسمه آنست که تنها و مستقل باشی تو بآزاد کردن آن و فک رقبه

ان تعين في ثمنها والمنحة الوكوف والفيء على ذي الرحم

آنست که اعانت کنی در بهای وی بده منحه شیردار را و بکن رجوع برحمت و احسان بر ذوی رحم اگرچه

الظالم فان لم تطق ذلك فاطعم الجائع واسق الظمآن

ظالم باشد پس اگر طاقت نداری آنرا پس بخوران چیزی گرسنه را و بنوشان تشنه را

وأمر بالمعروف وانه عن المنكر فان لم تطق ذلك فكف

و امر کن به نیکی و نهی کن از بدی پس اگر نمی توانی کرد آنرا پس نگاه دار

لسانك الا من خير رواه البيهقي في شعب الايمان

زبان خود را مگر از خیر روایت کرد بیهقی در شعب ایمان

وعن عمرو بن عبسة رض ان النبي صلى الله عليه

روایت است از عمرو بن عبسه رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال من بنى مسجدا ليذكر الله فيه بني له بيت

وسلم فرمود کسیکه بنا کند مسجدی را تا یاد کرده شود خدا در وی برآورده می شود برای او خانه

في الجنة ومن اعتق نفسا مسلمة كانت فديته من جهنم

در بهشت و کسیکه آزاد کند نفس مسلمان را باشد آن نفس سربهای او از آتش دوزخ

ومن شاب شيبة في سبيل الله كانت له نورا يوم القيمة

وکسیکه پیر شد یعنی در راه خدا میباشد ان شیبت مرا ورا نور روز قیامت

رواه في شرح السنة وعن سمرة بن جندب رضـ

رواه فی شرح السنة روایت است از سمره بن جندب رضـ

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل الصدقة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم افضل ترین صدقه

الشفاعة بها تفك الرقبة رواه البيهقي في شعب الايمان

شفاعت کردن است که بآن خلاص کرده میشود گردنها از قتل یا عذاب یا از بندگی رواه بیهقی در شعب الایمان

باب الايمان

لا يؤاخذكم الله باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم

مواخذه نمیکند ... بیهوده گوئی در سوگندهای شما لیکن مواخذه میکند از شما

بما عقدتم الايمان فكفارته اطعام عشرة مسكين

بسبب محکم کردن سوگندها بقصد پس کفارت یمین منعقده طعام دادن ده مسکین راست

من اوسط ما تطعمون اهليكم او كسوتهم او تحرير

از جنس میانه از آنچه میخورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان یا آزاد کردن

رقبة فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام ذلك كفارة

برده را پس کسیکه نیابد لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارت

ايمانكم اذا حلفتم واحفظوا ايمانكم كذلك

سوگندهای شما چون سوگند خورید یعنی حانث شوید و نگاه دارید سوگندهای خود را همچنین

يبين الله لكم ايته لعلكم تشكرون ولا تجعلوا

بیان میکند خدا برای شما آیتهای خود را تا بود که شما شکر کنید و مکنید

دیده و دانسته دروغ گوید و بحلف مستحکم کند ۱۳ ع جزء رکوع ۲ جزء ۲ رکوع ۱۴

اللّٰهَ عُرْضَةً لِاَيْمَانِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْا وَتَتَّقُوْا وَتُصْلِحُوْا

نام خدا را نشانه برای سوگند ہای خویش برای اجتناب آنکه نیکوکاری کنید و پرہیزگاری نمایید و صلح آرید

بَيْنَ النَّاسِ ط وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ٥ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ

درمیان مردم وخدا شنوا دانا است مواخذه نمیکند خدا از شما

بِاللَّغْوِ فِيْ اَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُّؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ

بر بیهوده گوئی در سوگند ہا شما ولیکن مواخذه میکند بانچه قصد کرده است دلهای شما

قُلُوْبُكُمْ ط وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ٥ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ

وخدا امرزنده بردبار است روایت است از ابن عمر رض که

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ يَنْهٰكُمْ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود که بدرستیکه خدایتعالیٰ باز میدارد و منع میکند

اَنْ تَحْلِفُوْا بِاٰبَائِكُمْ مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللّٰهِ

از سوگند خوردن به پدران خود کسیکه ہست سوگند خورنده پس باید که سوگند خدا بخورد

اَوْ لِيَصْمُتْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ ثَابِتِ بْنِ الضَّحَّاكِ رض

یا باید که خاموش باشد متفق علیه روایت است از ثابت بن ضحاک رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَلَفَ عَلٰى مِلَّةٍ

گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه سوگند خورد بر دینے

غَيْرِ الْاِسْلَامِ كَاذِبًا فَهُوَ كَمَا قَالَ وَلَيْسَ عَلَى ابْنِ

که غیر اسلام است چنانکه گوید اگر این کار کنم یهودی باشم درحالیکه بدروغ خورنده است این سوگند را پس آنکس

اٰدَمَ نَذْرٌ فِيْمَا لَا يَمْلِكُ وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهٗ بِشَيْءٍ فِي

آدم نذر در چیزیکه مالک آن نیست چنانکه گوید اگر شفا یابد بیمار من فلان غلام آزاد است و آن غلام ملک او نیست و کسیکه بکشد خود را بچیزی شود اگر چه

الدُّنْيَا عُذِّبَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَعَنَ مُؤْمِنًا فَهُوَ كَقَتْلِهٖ

در دنیا عذاب کرده شود بانچیز روز قیامت و کسیکه لعنت کند مسلمان را پس آن لعنت کردن مانند کشتن او است

ومن قذف مؤمنا بكفر فهو كقتله ومن ادعى دعوى

و کسیکه دشنام کند مسلمانی را بکفر پس آن مانند قتل اوست و کسیکه دعوی کند دعوی

كاذبة ليستكثر بها لم يزده الله الا قلة متفق عليه

دروغ تا حاصل کند بدان مال کثیر زیاده نگرداند او را خدا تعالی مگر کمی مال را متفق علیه

وعن ابي هريرة رض ان رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال من حلف على يمين فرأى خيرا منها

علیه وسلم فرمود کسیکه سوگند خورد بر یمین پس ببیند بهتر ازان یمین

فليكفر عن يمينه وليفعل رواه مسلم وعنه

پس باید که کفاره دهد از سوگند خود و بکند آن چیز را رواه مسلم و هم از ابی هریره مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يمينك على

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سوگند تو محمول است بر

ما يصدقك عليه صاحبك رواه مسلم وعنه

چیزیکه تصدیق میکند ترا صاحب تو که سوگند میدهد ترا رواه مسلم و هم از وی مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اليمين على نية

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سوگند بر نیت سوگند دهنده است

المستحلف رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله

که مراد باصاحب در حدیث سابق است رواه مسلم و هم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لا تحلفوا بآبائكم ولا بامهاتكم

صلی الله علیه وسلم سوگند مخورید به پدران خود و نه به مادران خود

ولا بالانداد ولا تحلفوا بالله الا وانتم صادقون

و نه سوگند بخورید به شریکان خدا یعنی بتان و نه سوگند بخورید بخدا مگر آنکه شما راست هستید

رواه ابوداود والنسائي وعن ابن عمر رض أنّ

رواه ابوداود والنسائی و روایت است از ابن عمر رض که

رسول الله صلی الله علیه وسلم قال من حلف علی یمین

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه سوگند خورد بر چیزی

فقال ان شاء الله تعالی فلاحنث علیه رواه الترمذی

پس گوید انشاء الله تعالی پس نیست شکستن بروی روایت کرد ترمذی

وابوداود والنسائی وابن ماجة والدارمی

وابوداود والنسائی وابن ماجه ودارمی

وعن ابی امامة رض قال قال رسول الله صلی

و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله علیه وسلم من اقتطع حق امرئ مسلم بیمینه

الله علیه وسلم کسیکه قطع کرد وجدا ساخت حق مرد مسلم را بسبب سوگند خود

فقد اوجب الله له النار وحرم علیه الجنة فقال

پس بتحقیق لازم می گرداند خدا مر آن بنده را آتش دوزخ وحرام گرداند بر وی بهشت پس گفت

له رجل وان کان شیئا یسیرا یا رسول الله قال

مر آنحضرت را مردی اگرچه باشد آن چیز اندک ای رسول خدا فرمود آنحضرت صلی

وان کان قضیبا من اراك رواه مسلم باب الاقضیة

اگرچه باشد مال شاخی از درخت مسواک رواه مسلم

وعن عبد الله بن انیس رض قال قال رسول الله

و روایت است از عبد الله بن انیس رض گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم ان من اکبر الکبائر الشرك بالله

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از گناهانی که کبیره ترین کبائر است شرک آوردن بخدا

ای کسیکه سوگند خورد بر چیزی ... (حاشیه)

وعقوق الوالدين واليمين الغموس وما حلف حالف

و آزاد کردن پدر و مادر و سوگند خوردن بر کار گذشته دیده و دانسته و سوگند نخورد هیچ سوگند خورنده

بالله يمين صبر فادخل فيها مثل جناح بعوضة الا

بخدا سوگند صبر پس در آورد دران یمین مانند بازوی پشه مگر آنکه

جعلت نكتة في قلبه الى يوم القيمة رواه الترمذي

گردانیده شود آن یمین نقطه سیاه در دل وی تا روز قیامت و باقیماند وبال او که در آن عالم ظاهر میشود رواه ترمذی

باب ايضا

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ثلثة لا يكلمهم الله يوم القيمة

صلی الله علیه وسلم سه کس اند که کلام نمیکند ایشان را خدایتعالی روز قیامت

ولا ينظر اليهم رجل حلف على سلعة لقد اعطى

و نظر نمیکند بسوی ایشان نظر عنایت یکی ازان مردیست که سوگند خورد بر کالای که بتحقیق داده شده است

بها اكثر مما اعطى وهو كاذب ورجل حلف على يمين

بایں کالا بیشتر ازان چه داده شد و حال آنکه وی دروغ گوست دریں سوگند و دوم مردیست که سوگند خورد بر سوگند

كاذبة بعد العصر ليقتطع بها مال رجل مسلم ورجل

دروغ بعد از وقت عصر تا جدا گرداند بوسے مال مرد مسلمان و سیوم مردے

منع فضل ماء فيقول الله اليوم امنعك فضلي كما

که منع کند زیادت آب را پس میگوید خدایتعالی روز قیامت امروز منع میکنم از تو فضل و کرم خود را

منعت فضل ماء لم تعمل يداك متفق عليه باب احياء الموات

چنانچه منع کردی تو فزونی آبی را که عمل نکرده و نساخته است هر دو دست تو متفق علیه

باب في النذور

باب در بیان نذرها

دروغ گوید بقصد اذهاب و اتلاف مال مسلمانی میکند ۱۲ اشعه فارسی مشکوٰة

عن ابي هريرة وابن عمر رض قالا قال رسول الله صلى

وروايت است از ابي هريره وابن عمر رض گفت آنحضرت صلى

الله عليه وسلم لا تنذروا فان النذر لا يغني عن القدر

الله عليه وسلم نذر مکنید یعنی باعتقاد آنکه نذر رد میکند قدر را زیرا که نذر سود نمیدهد از قضا

شيئا وانما يستخرج به من البخيل متفق عليه

چیزے را وجز این نیست که بیرون آورده می شود بسبب نذر از بخیل چیزے از مال متفق علیه

وعن عائشة رض ان رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال من نذر ان يطيع الله فليطعه ومن نذر

وسلم فرمود کسیکه نذر کند که اطاعت وفرمان برداری کند خدا را پس باید که اطاعت کند خدا را

ان يعصيه فلا يعصه رواه البخاري وعن عقبة

که نافرمانی کند خدا را پس نافرمانی نکند خدا را بل کفاره دهد رواه بخاری وروایت است از عقبه

بن عامر عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال كفارة

بن عامر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت آنحضرت کفاره

النذر كفارة اليمين رواه مسلم وعن انس رض

نذر کفاره یمین است رواه مسلم وروایت است از انس رض

ان النبي صلى الله عليه وسلم راى شيخا يهادى

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دید پیری را که راه میرود

بين ابنيه فقال ما بال هذا قالوا نذر ان يمشي الى

میان دو پسر خود تکیه بر آن ها کرده پس پرسید آنحضرت چیست حال این مرد پس گفتند نذر کرده است

البيت فقال ان الله تعالى عن تعذيب هذا نفسه لغني

بسوی کعبه پس فرمود آنحضرت بدرستیکه خدای تعالی از عذاب کردن این شخص نفس خود را و پیاده رفتن [illegible]

وَأَمَرَهُ أَنْ يَرْكَبَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ

وامر کرد او را که سوار شود از جهت عجز او از مشی و در روایتے مر مسلم را سر از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ ارْكَبْ أَيُّهَا الشَّيْخُ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

ابی ہریرہ رض این چنین آمدہ است کہ فرمود سوار شو ای پیر زیرا کہ خدا تعالی بے نیاز است

عَنْكَ وَعَنْ نَذْرِكَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

از تو و از نذر تو و روایت است از ابن عباس رض کہ آنحضرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ نَذَرَ نَذْرًا لَمْ يُسَمِّهِ فَكَفَّارَتُهُ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ نذر کند نذرے کہ نام او نبرد پس کفارہ او

كَفَّارَةُ يَمِينٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا فِي مَعْصِيَةٍ فَكَفَّارَتُهُ

کفارہ یمین است و کسیکہ نذر کرد نذرے را در معصیۃ پس کفارہ این

كَفَّارَةُ يَمِينٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا لَا يُطِيقُهُ فَكَفَّارَتُهُ

کفارہ یمین است و کسیکہ نذر کند نذرے را کہ طاقت ندارد کہ بجا آرد او را پس کفارہ او

كَفَّارَةُ يَمِينٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا أَطَاقَهُ فَلْيَفِ بِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

کفارہ یمین است و کسیکہ نذر کند نذرے را کہ طاقت دارد آنرا پس باید کہ وفا کند بآن نذر رواہ ابوداود

كِتَابُ الْقِصَاصِ

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ۝ وَجَزَاءُ

و آنانکہ چون برسد بدیشان تعدی ایشان انتقام می کشند و سزا ے

سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ

بدی بدی است مانند آن پس ہر کہ بگذارد و قضیہ را باصلاح آرد پس مزد او بر خدا است

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ

ہر آئینہ خدا دوست نمیدارد ظالمان را و ہر آئینہ کسیکہ انتقام کشد بعد مظلوم شدن خود پس اینجما

مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ
نیست بر ایشان ہیچ راه ملامت جز این نیست که راه ملامت بر آنجماعت است که ظلم میکنند
النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
بر مردمان و فساد میخواهند در زمین ناحق آنجماعت ایشان راست عذاب درددهنده
وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
وهر که صبر کند و بیامرزد هر آئینه این صفت از کارهای مقصودات اے مسلمانان
آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ
لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان آزاد در مقابله آزاد است و بنده
بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ
در مقابله بنده است و زن در مقابله زن است و شمارا بسبب قصاص زندگانی است
يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا
اے خداوندان عقل تا باشد که پرهیزگاری کنید وهر که بکشد مسلمان را
مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ
بقصد پس جزا او دوزخ است جاوید آنجا وخشم گرفته است برای خدا
وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ
ولعنت کرد او را و آماده ساخت برای او عذاب بزرگ و روایت است از عبد الله بن
مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
أَوَّلُ مَا يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِي الدِّمَاءِ
اول آنچه حکم کرده شود درمیان مردم روز قیامت در خونها باشد
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ
متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمر رض گفت بدرستیکه آنحضرت

جزء سیوم ع
جزء دوم ع

صلى الله عليه وسلم قال لزوال الدنيا اهون على الله

صلى الله عليه وسلم فرمود هر آئينه زوال دنيا وفاني شدن آن آسان تر است نزد خدا

من قتل رجل مسلم رواه الترمذي والنسائي

از كشتن يا كشته شدن مسلمان رواه ترمذي و نسائي

وعن ابي سعيد وابي هريرة رض عن رسول الله صلى

و روايت است از ابي سعيد و از ابي هريره رض از آنحضرت صلى

الله عليه وسلم قال لو ان اهل السماء والارض اشتركوا

الله عليه وسلم كه فرمود آنحضرت اگر ثابت شود كه همه آسمانيان و زمينيان شريك اند

في دم مؤمن لاكبهم النار رواه الترمذي وعن

در ريختن خون مسلمانے هر آئينه بر روے مى افگند ايشان را در آتش دوزخ رواه الترمذي و روايت است از

ابن عباس رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال يجيئ

ابن عباس رض از آنحضرت صلى الله عليه وسلم كه فرمود آنحضرت مى آرد

المقتول بالقاتل يوم القيمة ناصيته وراسه بيده

كشته شده كشنده را روز قيامت درحاليكه موئے پيشاني كشنده و سرے در دست مقتول است

واوداجه تشخب دما يقول يا رب قتلني حتى يدنيه

و رگهاے گردن وے مى ريزد خون از انها و ميگويد مقتول اى پروردگار من كشته است مرا اين شخص

من العرش رواه الترمذي والنسائي وابن ماجة

از عرش رواه ترمذي و نسائي و ابن ماجه

وعن ابي الدرداء عن رسول الله صلى الله عليه

و روايت است از ابي درداء از آنحضرت صلى الله عليه

وسلم قال كل ذنب عسى الله ان يغفره الا من مات

وسلم فرمود هر گناه اميد است كه بخشد آنرا خداے تعالى مگر آنكس كه بميرد

مُشْرِكًا اَوْ مَنْ يَقْتُلُ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

مشرک یا کسیکه بکشد مسلمانی را بقصد و دیده و دانسته رواه ابوداود والنسائی

عَنْ مُعَاوِيَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ

از معاویه ؓ و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِءٍ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که حلال نیست ریختن خون مرد

مُسْلِمٍ يَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنِّىْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَّا

مسلم که گواهی میدهد بالوهیت خدا و رسالت من این تاکید اسلام است مگر

بِاِحْدٰى ثَلَاثٍ اَلنَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالثَّيِّبُ الزَّانِىْ وَالْمَارِقُ

بسبب یکے از سه خصلت یکے ازان خصلتها قتل است عمدا یعنی در قصاص و دوم زنا است که رجم کرده شود

لِدِيْنِهِ التَّارِكُ لِلْجَمَاعَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

سوم برآمدن از دین بارتداد ترک دهنده مر جماعت مسلمانان را متفق علیه و روایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَنْ يَّزَالَ الْمُؤْمِنُ فِىْ فُسْحَةٍ مِّنْ دِيْنِهِ مَا لَمْ يُصِبْ دَمًا

همیشه است مسلمان در کشادگی و فراخی از امور دین مادام که نرسیده است وی بخون

حَرَامًا رَوَاهُ الْبُخَارِىُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

حرام رواه البخاری و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بکشد کافر عهد کننده را

لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَاِنَّ رِيْحَهَا تُوْجَدُ مِنْ مَّسِيْرَةِ

بانام برتر که حربی می باشد یا غیره نیابد بوی بهشت را و بدرستی که بوے بهشت یافته می شود از مسافت

شبیه است بکبیره بکشتن دو امر نزدیک اند بسبب دو دوزخ که دوزخ ابد و دوزخ در مدتی طویل است
کذا فی مجمع البحار ۱۲

تا حیات زنده ماند و مقصود آنست که هرگاه که حدیث رسید منه قتل بقصد عمدا

۳۴

خروج از دین بارتداد و اتباع راه خوارج که بیرون از جماعت
ائمه اند از اهل سنت

رد بر کذلک ۱۲ ؎ بزعم خلاف جماعت اهل سنت ۱۲

اربعین خریفا رواه البخاری وعن سعید بن المسیب
چهل سال رواه بخاری و روایت است از سعید بن مسیب رض
ان عمر ابن الخطاب رض قتل نفرا خمسة او سبعة برجل
که امیر المومنین عمر بن الخطاب رض کشت پنج مردرا یا هفت مردرا دربدل یک مرد
واحد قتلوه قتل غیلة وقال عمر رض لو تمالأ علیه
کشته بودند آنکسان بطریق غیله وگفت عمر رض اگر اتفاق میکردند وباری میدادند
اهل صنعاء لقتلتهم جمیعا رواه مالک وروی البخاری
ساکنان صنعا هر آئینه میکشتم ایشان را همه رواه مالک و روایت کرد بخاری
عن ابن عمر رض نحوه وعن جندب قال حدثنی فلان
از ابن عمر رض مانند آن و روایت است از جندب گفت که حدیث کرد مرا فلان صحابی
ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال یجیء المقتول
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که می آرد کشته شده
بقاتله یوم القیمة فیقول سل هذا فیم قتلنی فیقول
کشنده خودرا روز قیامت پس میگوید مقتول بخدا که بپرس این راچه جهت کشته است مرا
قتلت علی ملک فلان قال جندب فاتقها رواه النسائی
کشته ام اورا بر ملک و سلطنت فلان گفت جندب پس پرهیز کن نفس را رواه نسائی
وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله علیه
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم من اعان علی قتل مؤمن شطر کلمة لقی الله مکتوب
وسلم کسیکه مدد دهد کند بر قتل مسلم بنیم کلمه مراد بنیم کلمه اُق است از لفظ اقتل ملاقات میکند خدا را
بین عینیه آیس من رحمة الله رواه ابن ماجة
میان دو چشم وی این که ناامید است از رحمت خدا این شخص رواه ابن ماجه

سبب بانکه آن ملاقات شده که بمعنے جماعت است ۱۲

۱۰ مراد از خریف سال است
... گرچه بود رسیدن ... در یک فصل خریف ...
۱۱ ...
۱۲ ...
۱۳ ...

وعن ابن عمر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از ابن عمر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

اذا امسك الرجل الرجل وقتله الآخر يقتل الذي قتل

وقتیکه نگاه دارد مردے مردے را و بکشد او را مرد دیگر کشته شود آن کسیکه کشت

ويحبس الذي امسك رواه الدارقطني وعن طاؤس

و حبس کرده شود آنکسے که نگاه داشت رواه دار قطنی و روایت است از طاؤس

عن ابن عباس رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

ومن قتل عمدا فهو قود ومن حال دونه فعليه لعنة

و کسیکه کشته شود عمدا پس آن قتل موجب قصاص است و کسیکه حایل گردد درمیان آن قصاص بروے لعنت

الله وغضبه لا يقبل منه صرف ولا عدل رواه ابو داؤد

خدا و خشم اوست و پذیرفته نمی شود از وے توبه و نه فدیه رواه ابوداؤد

والنسائي وهذا طرف من الحديث وعن عمرو

و نسائی و این لفظ طرفی است از حدیث بزرگ و روایت است از عمرو

ابن شعيب رض عن ابيه عن جده ان رسول الله صلى الله

بن شعیب رض از پدرش و از جدش که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال من تطبب ولم يعلم منه طب فهو

علیه وسلم فرمود کسیکه طبیب گیرد خود را بتکلف و حال آنکه دانسته نشده است از وے طب پس آن

ضامن رواه ابو داؤد والنسائي باب الديات عن مشكوة

ضامن است رواه ابوداؤد و النسائی این حدیث را در مشکوة در باب دیات است

وعن ابي الدرداء رض قال سمعت رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی درداء رض گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ رَجُلٍ يُصَابُ بِشَيْءٍ فِي جَسَدِهِ
علیہ وسلم میگفت نیست ہیچ مردے کہ مصیبت زدہ شود در تن وے بقطع یا بجرح
فَتَصَدَّقَ بِهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ خَطِيئَةً
پس تصدق کند بآن یعنی عفو کند او را مگر آنکہ بلند گرداند او را خدا تعالیٰ بآن عفو پایہ در ثواب و کم کند از وے گناہے را
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ رض
رواہ ترمذی و ابن ماجہ در روایت است از خزیمہ بن ثابت رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَصَابَ ذَنْبًا
گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ برسد وارتکاب کند گناہے
أُقِيمَ عَلَيْهِ حَدُّ ذٰلِكَ الذَّنْبِ فَهُوَ كَفَّارَتُهُ رَوَاهُ فِي شَرْحِ
کہ اقامت کردہ شد برآنکس حد آن پس آن حد کفارت و محو کنندہ ان گناہ است رواہ در شرح
السُّنَّةِ بَابُ مَا لَا يُدْعَى عَلَى الْمَحْدُودِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض
السنۃ در باب ما لا یدعی علی المحدود در روایت است از علی رض
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَصَابَ حَدًّا
از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ رسید حدے را
فَعُجِّلَ عُقُوبَتُهُ فِي الدُّنْيَا فَاللّٰهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُثَنِّيَ عَلَى
پس شتاب کردہ شد عذاب آن در دنیا پس عذاب کردہ شود در آخرت زیراکہ خدا عادل تر است از آنکہ دو تا
عَبْدِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ أَصَابَ حَدًّا فَسَتَرَهُ اللّٰهُ
بندہ خود عقوبت در آخرۃ و کسیکہ برسد گناہے را پس بپوشد خدا آن گناہ را
عَلَيْهِ وَعَفَا عَنْهُ فَاللّٰهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي شَيْءٍ قَدْ
بروے و عفو کند از ان پس خدا بزرگتر است از انکہ باز گردد بعذاب کردن در چیزے کہ تحقیق
عَفَا عَنْهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ بَابٌ أَيْضًا وَعَنْ
عفو کرد از ان رواہ ترمذی و ابن ماجہ در باب مذکور نیز در روایت است از

ابی ہریرۃ رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

من تردی من جبل فقتل نفسہ فھو فی نار جھنم یتردی

کسیکہ بیندازد از بالای کوہ خود را پس بکشد نفس خود را پس آنکس در آتش دوزخ است می افتد

فیھا خالدا مخلدا فیھا ابدا ومن تحسی سما فقتل نفسہ

در وے ہمیشہ ہمیشہ داشتہ شدہ در آتش وکسیکہ بیاشامد زہر را پس بکشد خود را

فسمہ فی یدہ یتحساہ فی نار جھنم خالدا مخلدا فیھا ابدا

پس زہر او در دست او خواہد بود در حالیکہ می آشامد در آتش دوزخ ہمیشہ ہمیشہ داشتہ شدہ در آتش

ومن قتل نفسہ بحدیدۃ فحدیدتہ فی یدہ یتوجأ

وکسیکہ بکشد خود را باہنے مثل کارد و یا شمشیرے پس آہن او در دست اوست میزند

بھا فی بطنہ فی نار جھنم خالدا مخلدا فیھا ابدا متفق

بان حدید در شکم خود در آتش جہنم ہمیشہ ہمیشہ داشتہ شدہ در آتش دائما متفق

علیہ وعنہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

علیہ وہم از ابی ہریرہ مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

الذی یخنق نفسہ یخنقھا فی النار والذی یطعنھا

آنکسیکہ خفہ میکند نفس خود را خفہ میکند نفس خود را در آتش دوزخ وآنکسیکہ بنیزہ میزند نفس خود را

یطعنھا فی النار رواہ البخاری وعن جندب

میزند نفس خود را بنیزہ در آتش رواہ بخاری وروایت است از جندب

بن عبد اللہ رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

بن عبد اللہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

کان فیمن کان قبلکم رجل بہ جرح فجزع فاخذ سکینا

بود در آنکسانیکہ پیش از شما بودند مردے بوے جراحتی بود پس بیصبری کرد واب بیلاو

۴۱ ...

۴۲ ...

فَحَزَّ بِهَا يَدَهُ فَمَا رَقَأَ الدَّمُ حَتَّى مَاتَ قَالَ اللهُ تَعَالَى

پس برید از آن دست خود را پس بایستاد خون تا آنکه مرد فرمود خدای تعالی

بَادَرَنِي عَبْدِي بِنَفْسِهِ فَحَرَّمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ

شتابی کرد مرا بنده من بهلاک کردن جان خود پس حرام گردانیدم بروی بهشت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ الطُّفَيْلَ بْنَ عَمْرٍو الدَّوْسِيَّ

علیه وروایت است از جابر رض که طفیل بن عمرو دوسی

لَمَّا هَاجَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْمَدِينَةِ هَاجَرَ

وقتیکه هجرت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسوی مدینه منوره هجرت کرد

إِلَيْهِ وَهَاجَرَ مَعَهُ رَجُلٌ مِنْ قَوْمِهِ فَمَرِضَ فَجَزِعَ فَأَخَذَ

بسوی آنحضرت و هجرت کرد با طفیل مردی از قوم وی پس بیمار شد آن مرد پس بی صبری کرد پس گرفت آن مرد

مَشَاقِصَ لَهُ فَقَطَعَ بِهَا بَرَاجِمَهُ فَشَخَبَتْ يَدَاهُ حَتَّى مَاتَ

پیکانها که مر او را بود پس برید آن مرد بندهای انگشتان خود را پس روان شد خون از هر دو دست او تا آنکه مرد آن مرد

فَرَآهُ الطُّفَيْلُ بْنُ عَمْرٍو فِي مَنَامِهِ وَهَيْئَتُهُ حَسَنَةٌ

پس دید آن مرد را طفیل بن عمرو در خواب خود و حال آنکه صورت وی نیکو است

وَرَآهُ مُغَطِّيًا يَدَيْهِ فَقَالَ لَهُ مَا صَنَعَ بِكَ رَبُّكَ فَقَالَ

و دید او را در حالیکه پوشنده است هر دو دست خود را پس گفت طفیل مر آن مرد را چه معامله کرد با تو پروردگار

غَفَرَ لِي بِهِجْرَتِي إِلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیامرزید مرا بسبب هجرت کردن بسوی پیغمبر وی صلی الله علیه وسلم

فَقَالَ مَا لِي أَرَاكَ مُغَطِّيًا يَدَيْكَ قَالَ قِيلَ لِي لَنْ نُصْلِحَ

پس گفت طفیل چیست مرا که می بینم ترا پوشنده هر دو دست خود را گفت آن مرد گفته شد مرا هرگز صلاح نکنیم

مِنْكَ مَا أَفْسَدْتَ فَقَصَّهَا الطُّفَيْلُ عَلَى رَسُولِ اللهِ

از تو چیزی را که فاسد و تباه کردی تا آنکه پس خواند این قصه را طفیل بر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

صلی اللہ علیه وسلم پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم

اَللّٰهُمَّ وَلِيَدَيْهِ فَاغْفِرْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

بار خدایا چنانکه امرزیدی سایر اعضای او را بیامرز هر دو دست او را روایت کرد مسلم

بَابُ مَا لَا يُضْمَنُ مِنَ الْجِنَايَاتِ

باب در بیان جنایاتی که ضمان آن نیست

عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

روایت است از عبد اللہ بن عمرو گفت شنیدم آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ قُتِلَ دُوْنَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ

صلی اللہ علیه وسلم را که میگفت کسیکه کشته شد نزد مال خود از جهت دفع کردن زیان بیرون آن شهید است

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رضـ گفت که آمد مردے

فَقَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرَاَيْتَ اِنْ جَاءَ

پس گفت یا رسول اللہ صلی اللہ علیه وسلم خبر ده مرا که اگر بیاید

رَجُلٌ يُرِيْدُ اَخْذَ مَالِيْ قَالَ فَلَا تُعْطِهِ مَالَكَ قَالَ اَرَاَيْتَ

مردے که میخواهد گرفتن مال مرا گفت آنحضرت پس مده او را مال خود. گفت آن مرد خبر ده مرا

اِنْ قَاتَلَنِيْ قَالَ قَاتِلْهُ قَالَ اَرَاَيْتَ اِنْ قَتَلَنِيْ قَالَ فَاَنْتَ

اگر قتال کند مرا و خواهم که مرا بکشد چه کنم فرمود قتال کن او را و جنگ کن باو گفت خبر ده مرا اگر بکشد مرا فرمود

شَهِيْدٌ قَالَ اَرَاَيْتَ اِنْ قَتَلْتُهُ قَالَ هُوَ فِي النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

شهید هستی گفت آن مرد خبر ده مرا که اگر بکشم من او را حال او چیست فرمود آنحضرت که او در آتش دوزخ است روایت کرد مسلم

وَعَنْهُ اَنَّهُ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از ابی هریره مرویست که وے شنید آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم را

بیان جنایت که ضمان آن نیست و ضمان چیزی نیست ... نیست ضمان در او

يقول لو اطلع في بيتك احد ولم تاذن له فخذفته

که میگفت اگر مطلع می شد یعنی نگریست در خانه تو کسی و حال آنکه اذن نمیدادی تو مر او را پس می انداختی تو او را

بحصاة ففقات عينه ما كان عليك من جناح متفق

بسنگ ریزه پس کور میکردی تو چشم او را نمی بود بر تو هیچ گناهے متفق

عليه وعن عبد الله بن مغفل رض انه راى رجلا

علیه در روایت است از عبد الله بن مغفل رض که وے دید مردے را

يخذف فقال لا تخذف فان رسول الله صلى الله عليه

که او خذف میکند پس گفت خذف مکن زیراکه آنحضرت صلی الله علیه

وسلم نهى عن الخذف وقال انه لا يصاد به صيد ولا

وسلم نهی کرده است از خذف و گفت آنحضرت که خذف شکار کرده نمی شود بوی شکارے و

ينكأ به عدو ولكنها قد تكسر السن وتفقأ العين

مجروح کرده نمی شود بوی دشمن دین ولیکن این فعل با حصاة می شکند دندان کسی را و کور میکند چشم کسے را

متفق عليه وعن ابي موسى رض قال قال رسول الله

متفق علیه در روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا مر احدكم في مسجدنا وفي سوقنا

صلی الله علیه وسلم وقتیکه بگذرد یکے از شما در مسجد ما و در بازار ما

ومعه نبل فليمسك على نصالها ان يصيب احدا

و سایر مجامع در حکم آنست و حال آنکه با وی تیر است پس باید که نگاهبانی کند و دست نهد بر پیکان آن از جهت ترس

من المسلمين منها بشيء متفق عليه وعن ابي هريرة

از مسلمانان را از آن پیکانها چیزے از جراحت متفق علیه در روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يشير احدكم

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اشارت نکند یکے از شما

عَلٰى اَخِيْهِ بِالسِّلَاحِ فَاِنَّهٗ لَا يَدْرِيْ لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ

بر برادر خود از سلاح یعنے از آلات حدید زیراکہ وی نمی‌داند شاید کہ شیطان بگیرد سلاح را

فِيْ يَدِهٖ فَيَقَعُ فِيْ حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

در حالیکہ در دست اوست پس بیفتد در گودی از آتش دوزخ متفق علیہ وہم از ابی ہریرہ رضی اللہ عنہ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَشَارَ اِلٰى اَخِيْهِ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ اشارت کند بسوی برادر خود

بِحَدِيْدَةٍ فَاِنَّ الْمَلٰٓئِكَةَ تَلْعَنُهٗ حَتّٰى يَضَعَهَا وَاِنْ كَانَ

باہنے مثل تیر وشمشیر پس بدرستیکہ فرشتگان لعنت میکنند آنکس را تا آنکہ بنہد آن آہن را از دست خود واگرچہ

اَخَاهُ لِاَبِيْهِ وَاُمِّهٖ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ

مشار الیہ باشد برادر او مر پدر او را و مادر او را یعنی برادر حقیقی رواہ بخاری وروایت است از ابن عمر

وَاَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَمَلَ

وابی ہریرہ رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ فرمود کسیکہ بردارد

عَلَيْنَا السِّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَزَادَ مُسْلِمٌ وَمَنْ

بر ما آلات حرب را پس نیست از ما و بر طریقہ ما رواہ بخاری وزیادہ کرد مسلم و در روایت خود کسیکہ

غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَعَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْاَكْوَعِ رض قَالَ

خیانت کرد و ترک نصیحت کرد ما را پس نیست از ما وروایت است از سلمہ بن اکوع رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَلَّ عَلَيْنَا السَّيْفَ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ برکشد بر ما شمشیر را

فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ

پس نیست از ما رواہ مسلم وروایت است از ہشام بن عروہ از

اَبِيْهِ اَنَّ هِشَامَ بْنَ حَكِيْمٍ رض مَرَّ بِالشَّامِ عَلٰى اُنَاسٍ مِّنَ الْاَنْبَاطِ

پدر خود روایت میکند کہ ہشام بن حکیم رض گذشت در ملک شام بر مردمان از انباط

وقد أقيموا في الشمس وصب على رؤوسهم الزيت فقال

وحال آنکه ایستاده کرده شده اند در آفتاب و ریخته شده است بر سر ایشان روغن زیتون پس گفت

ما هذا قيل يعذبون في الخراج فقال هشام أشهد

چیست این حال گفته شد عذاب کرده می شوند بجهت خراج که مال واجبی میدهند پس گفت هشام گواهی میدهم

لسمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إن الله

هر آئینه شنیده ام آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدایتعالی

يعذب الذين يعذبون الناس في الدنيا رواه مسلم

عذاب میکند آن کسانی را که عذاب میکنند مردمان را در دنیا روایه مسلم

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم يوشك إن طالت بك مدة أن ترى قوما

علیه وسلم نزدیک است اگر دراز شود ترا مدت عمر که به بینی گروهی را که

في أيديهم مثل أذناب البقر يغدون في غضب الله ويروحون

در دستهای ایشان است مانند دمهای گاوان مراد تازیانه هاست که از چرم میباشد بامداد میکنند

في سخط الله وفي رواية ويروحون في لعنة الله رواه

در بی رضای خدایتعالی و در روایتی است این لفظ که و شام میکنند در لعنت خدایتعالی روایه

مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

مسلم و هم از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

صنفان من أهل النار لم أرهما قوم معهم سياط

که دو نوع و دو گروه اند از اهل دوزخ ندیده ام ایشان را نخواهم دید یکی گروهی اند که با ایشان تازیانها

كأذناب البقر يضربون بها الناس ونساء كاسيات

مانند دمهای گاوان میزنند بآن تازیانه مردم را و دوم عورات اند از زنان که خداوند پوشش اند

عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُؤُسُهُنَّ كَاَسْنِمَةِ الْبُخْتِ

یا پوشیده اند بعضی جای خود را اما برهنه اند گردانیده اند دلهای مردان را مائل بسوی خود و میل کننده اند بسوی مردان سرهای ایشان

الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا وَاِنَّ رِيحَهَا

که مائل اندان کوهانها بجهت کثرت فربهی نه در می آیند بهشت را و نمی یابند بوی بهشت وحال آنکه بوی بهشت

تُوجَدُ مِنْ مَسِيْرَةِ كَذَا وَكَذَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یافته میشود از مسافت چنین وچنین یعنے مسافت بعید در نهایت بعد رواه مسلم وروایت است از

جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا قَاتَلَ

جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه

اَحَدُكُمْ فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ فَاِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى خَلَقَ اٰدَمَ عَلٰى

قتال کند یکے از شما یعنی مضاربت کند و می صحت نماید اگرچه با کفار باشد پس باید که اجتناب کند روی را پس بدرستی

صُوْرَتِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ رض قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ

صورت خود متفق علیه وروایت است از جابر رض که نهی کرد آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ يَّتَعَاطَى السَّيْفُ مَسْلُوْلًا رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم از تناول شمشیر وگرفتن آن برکشیده و برهنه رواه

التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اِبْنِ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ

ترمذی وابو داود وروایت است از ابن عمر رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِجَهَنَّمَ سَبْعَةُ اَبْوَابٍ بَابٌ

صلی الله علیه وسلم فرمود مر دوزخ را هفت در است یک در

مِنْهَا لِمَنْ سَلَّ السَّيْفَ عَلٰى اُمَّتِيْ اَوْ قَالَ عَلٰى اُمَّةِ

ازان درها مر کسے راست که بکشد شمشیر را بر امت من یا گفت بجای علی امتی لفظ علی امة

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

محمد صلی الله علیه وسلم رواه ترمذی

بَابُ المَيْسِرِ وَالنَّرْدِ وَالشَّطْرَنْجِ وَغَيْرِه

يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَّ

سوال میکنند ترا از شراب وقمار بگو در هر دو گناه سخت است

مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَعَنْ

ونفعها است مردمان را بعضے در دنیا وگناه ایشان هر دو کلانتر است از نفع ایشان و روایت است از

بُرَيْدَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ

بریدة رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بازی کرد

بِالنَّرْدَشِيرِ فَكَأَنَّمَا صَبَغَ يَدَهُ فِي لَحْمِ خِنْزِيرٍ وَدَمِهِ

با نردشیر پس گویا که رنگین نمود دست خود را در گوشت خوک وخون وے

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَلَفَ فَقَالَ فِي حَلِفِهِ بِاللَّاتِ

الله علیه وسلم که فرمود کسیکه سوگند خورد پس بگوید در سوگند خود سوگند میخورم بلات

وَالْعُزّٰى فَلْيَقُلْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَمَنْ قَالَ لِصَاحِبِهِ

و عزے که نام دو بت است پس باید که توبه کند و تدارک نماید بکلمه توحید وکسیکه بگوید مر یار خود را

تَعَالَ أُقَامِرْكَ فَلْيَتَصَدَّقْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مُوسٰى

بیا قمار بازم با تو پس باید که تصدق کند بمالیکه بداق قمار خواسته است متفق علیه و روایت است از ابی موسی

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ بِالنَّرْدِ فَقَدْ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بازی کرد با نرد

عَصَى اللّٰهَ وَرَسُولَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

نافرمانی کرد آنکس خدا و رسول را رواه احمد وابو داؤد و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاٰى

ابی ہریرہ رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دید

رَجُلًا يَتْبَعُ حَمَامَةً فَقَالَ شَيْطَانٌ يَتْبَعُ شَيْطَانَةً رَوَاهُ اَحْمَدُ

مردے را کہ پس رفت کبوترے میرود پس فرمود کہ شیطان است کہ تابع میگردد شیطان خود را رواہ احمد

وَاَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

و ابوداود و ابن ماجہ و بیہقی در شعب ایمان

وَعَنْ عَلِيٍّ رض اَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ الشِّطْرَنْجُ هُوَ مَيْسِرُ

واز علی رض مروی است کہ او میگفت کہ شطرنج قمار

الْاَعَاجِمِ وَعَنِ ابْنِ شِهَابٍ اَنَّ اَبَا مُوْسَى الْاَشْعَرِيَّ رض

عجمیان است و از ابن شہاب مروی است بدرستیکہ ابا موسی اشعری رض

قَالَ لَا يَلْعَبُ بِالشِّطْرَنْجِ اِلَّا خَاطِئٌ وَعَنْهُ رض اَنَّهُ

گفت بازی نمی کند بہ شطرنج ہیچ یکے مگر گنہگار و ہم ازوی مرویست کہ وی

سُئِلَ عَنْ لَعِبِ الشِّطْرَنْجِ فَقَالَ هِيَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا يُحِبُّ اللّٰهُ

سوال کردہ شد از بازی شطرنج پس گفت کہ شطرنج از کار باطل است و دوست نمیدارد خدا تعالی

الْبَاطِلَ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

باطل را روایت کرد بیہقی این سہ حدیث ہا را در شعب ایمان

كِتَابُ الْحُدُوْدِ

اَلزَّانِيَةُ وَالزَّانِيْ فَاجْلِدُوْا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ

زن زنا کنندہ و مرد زنا کنندہ بزنید ہر یکے را از ایشان صد درہ

وَلَا تَاْخُذْكُمْ بِهِمَا رَاْفَةٌ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ

و باید در نگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری کردن شرع اگر ایمان آوردہ اید

بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ

بخدا و روز آخر و باید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعت از مسلمانان

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از عباده بن صامت رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اَقِيْمُوْا حُدُوْدَ اللّٰهِ فِى الْقَرِيْبِ وَالْبَعِيْدِ وَلَا تَاْخُذْكُمْ

وسلم برپا کنید حدهای خدارا به نزدیک و دور و باید که نگیرد شمارا

فِى اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

در دین خدا هیچ ملامت ملامت کننده رواه ابن ماجه و از ابن عمر رض مرویست

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِقَامَةُ حَدٍّ مِنْ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود برپا کردن حدے از

حُدُوْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ مِنْ مَطَرِ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً فِى بِلَادِ اللّٰهِ رَوَاهُ

حدود خدا بهتر است از باران چهل شب در تمام شهرهای خدا رواه

ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ النَّسَائِىُّ عَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رض وَعَنِ

ابن ماجه و رواه نسائی از ابی هریره رض و روایتست از

الْمُغِيْرَةِ رض قَالَ قَالَ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ لَوْ رَاَيْتُ رَجُلًا مَعَ

مغیره رض که گفت گفت سعد بن عباده اگر ببینم من مردے را با

امْرَاَتِىْ لَضَرَبْتُهُ بِالسَّيْفِ غَيْرَ مُصْفِحٍ فَبَلَغَ ذٰلِكَ

زن خود هرآئینه میزدم اورا بشمشیر غیر زننده بطرف شمشیر و عرض و پس رسید آن سخن

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَتَعْجَبُوْنَ مِنْ غَيْرَةِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس فرمود آنحضرت آیا تعجب میدارید شما از غیرت

سَعْدٍ وَاللّٰهِ اَنَا اَغْيَرُ مِنْهُ وَاللّٰهُ اَغْيَرُ مِنِّىْ وَمِنْ اَجْلِ

سعد سوگند بخدا من غیرت ناک ترام از وی و خدا غیرت ناک ترست از من و بسبب

غيرة الله حرم الله الفواحش ما ظهر منها وما بطن

غیرت خدا حرام گردانیده است خدا تعالی گناهان را هرچه ظاهر است ازان و هرچه پوشیده

ولا احد احب اليه العذر من الله ومن اجل ذلك بعث

و نیست کسے که محبوب تر باشد بسوی او عذر از خدا تعالی و باین سبب برانگیخت خدا

المنذرين والمبشرين ولا احد احب اليه المدحة من الله

پیغمبران ترسانندگان و خوشخبری رسانندگان را و نیست کسے محبوب تر بسوی او ستایش کردن از خدا

عز وجل ومن اجل ذلك وعد الله الجنة متفق عليه

عز وجل و بسبب آن وعده فرمود خدا بهشت متفق علیه

وعن ابي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله

و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی الله

عليه وسلم ان الله تعالى يغار وان المؤمن يغار وغيرة

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی غیرت میکند و بتحقیق مسلمان غیرت میکند و غیرت

الله ان لا ياتي المؤمن ما حرم الله متفق عليه باب اللعان مش

خدا آنست که نیاید مومن چیزے را که حرام گردانیده است خدا تعالی

باب اثم الزنا

ولا تقربوا الزنى انه كان فاحشة وساء سبيلا ٥

و نزدیک مشوید بزنا هرآئینه وی بیحیائی است و بد راهی است

عن عمرو بن العاص رضـ قال سمعت رسول الله صلى

از عمرو بن العاص رض مرویست گفت شنیدم من آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول ما من قوم يظهر فيهم الزنا الا اخذوا

الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ قومی که پیدا میگردد درایشان زنا مگر آنکه گرفته کرده

بِالسَّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرُّشَا إِلَّا أُخِذُوا بِالرُّعْبِ

بقحط ونیست هیچ قومی که پیدا و ظاهر میگردد در ایشان رشوتها مگر آنکه گرفته کرده میشوند بترس و بیم

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عُمَرَ رضه قَالَ إِنَّ اللهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا

روایه احمد و از عمر بن خطاب رض مرویست بدرستیکه خدای تعالی برانگیخته است محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَكَانَ

صلی الله علیه وسلم بدین ثابت و نازل فرموده است بروی کتاب پس بود

مِمَّا أَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى آيَةُ الرَّجْمِ رَجَمَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

از آنچه نازل نمود خدای تعالی آیه رجم رجم فرمود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ

الله علیه وسلم و رجم کردیم ما پس آنحضرت و رجم در کتاب

اللهِ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى إِذَا أُحْصِنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ إِذَا

خدا حق است بر کسیکه زنا کند وقتیکه محصن باشد از مردان و زنان وقتیکه

قَامَتِ الْبَيِّنَةُ أَوْ كَانَ الْحَبَلُ أَوِ الِاعْتِرَافُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

قایم شوند گواهان یا باشد حبل یعنی بار شکم از غیر زوج یا باشد اقرار متفق علیه

وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ رضه قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ

و از سمره بن جندب رض گفت که بود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ مَنْ رَأَى

علیه وسلم چون فارغ میشد از نماز صبح توجه میکرد بر ما بروی مبارک خود پس میفرمود کیست که دیده است

مِنْكُمُ اللَّيْلَةَ رُؤْيَا قَالَ فَإِنْ رَأَى أَحَدٌ قَصَّهَا فَيَقُولُ

از شما امشب خوابی را سمره گفت پس اگر میدید یکی خوابی را میخواند آنرا پس میگفت آنحضرت

مَا شَاءَ اللهُ فَسَأَلَنَا يَوْمًا فَقَالَ هَلْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدٌ

آنچه خواسته است خدا پس پرسید ما را روزی پس گفت آیا دیده است از شما هیچ یکی

رؤيا قلنا لا قال لكني رأيت الليلة رجلين أتياني فأخذا

خوابے ما گفتیم ندیده ایم فرمود لیکن من دیده ام امشب دو مرد را که آمدند مرا پس گرفتند

بيدي فأخرجاني إلى أرض مقدسة فإذا رجل جالس ورجل

دست مرا پس بیرون آوردند مرا بسوے زمین پاک پس ناگاه در آنجا مردے نشسته است و مردے

قائم بيده كلوب من حديد يدخله في شدقه فيشقه حتى

ایستاده در دست او کلوب است از آهن که میدرآرد آنرا در کلهٔ هر دو نشسته پس پاره میکند شدق او را

يبلغ قفاه ثم يفعل بشدقه الآخر مثل ذلك ويلتئم

تا آنکه میرسد پس سر او را پس تر میکند بشدق دیگر وے مانند آنچه کرده بود و بهم می آید

شدقه هذا فيعود فيصنع مثله قلت ما هذا قالا انطلق

این کلهٔ او پس باز میگردد پس میکند مانند آن پس گفتم آن دو مرد را چیست این گفتند آن برو

فانطلقنا حتى أتينا على رجل مضطجع على قفاه ورجل

پس رفتیم تا آنکه آمدیم بر مردے که افتاده است بر قفاے خود و مردے

قائم على رأسه بفهر أو صخرة يشدخ به رأسه فإذا

ایستاده است بر سر او سنگ در دست که می شکند بآن سنگ سر آن مرد را پس چون

ضربه تدهده الحجر فانطلق إليه ليأخذه فلا يرجع

میزند او را می غلطد سنگ دور افتد پس میرود آن مرد بجانب سنگ تا بگیرد آنرا پس باز نمیگردد

إلى هذا حتى يلتئم رأسه وعاد رأسه كما كان فعاد

بسوے این مرد تا آنکه به میگردد سر او و میشود سر او چنانکه بود پس باز می آید

إليه فضربه فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى

بسوے وی پس میزند او را پس پرسیدم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم ما تا آنکه

أتينا إلى ثقب مثل التنور أعلاه ضيق وأسفله واسع

آمدیم ما بسوے سوراخ که مانند تنور است بالاے آن ثقب تنگ است و پایان او فراخ

تَتَوَقَّدُ تَحْتَهُ نَارٌ فَإِذَا ارْتَفَعَتِ ارْتَفَعُوا حَتَّى كَادَ

می افروزد زیر آن تنور آتش پس چون بلند میشود آتش بلند میشوند مردم تا آنکه نزدیک است

أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا وَإِذَا خَمَدَتْ رَجَعُوا فِيهَا وَفِيهَا رِجَالٌ وَنِسَاءٌ

که بیرون آیند و چون فرو نشیند آن آتش رجوع میکنند در وی و درآن مردان و زنان اند

عُرَاةٌ فَقُلْتُ مَا هَذَا قَالَا انْطَلِقْ فَانْطَلَقْنَا حَتَّى أَتَيْنَا عَلَى

برهنه پس گفتم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم ما تا آنکه آمدیم ما بر

نَهَرٍ مِنْ دَمٍ فِيهِ رَجُلٌ قَائِمٌ عَلَى وَسَطِ النَّهَرِ وَعَلَى شَطِّ

جوی از خون اندران جوی مردیست ایستاده در میان جوی و بر کنار

النَّهَرِ رَجُلٌ بَيْنَ يَدَيْهِ حِجَارَةٌ فَأَقْبَلَ الرَّجُلُ الَّذِي فِي النَّهَرِ

جوی مردی دیگر است پیش وی سنگها است پس پیش آمد مردی که بود درمیان نهر

فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ رَمَى الرَّجُلُ بِحَجَرٍ فِي فِيهِ فَرَدَّهُ حَيْثُ

پس چون میخواهد که بیرون آید می زند آن مرد که بر کنار نهر است بسنگی در دهن آن مرد پس میگرداند او را بجا

كَانَ فَجَعَلَ كُلَّمَا جَاءَ لِيَخْرُجَ رَمَى فِي فِيهِ فَيَرْجِعُ كَمَا كَانَ

که بود پس ایستاد آن مرد بدین صفت که هرگاه می آید آن مرد تا بیرون آید می اندازد در دهن او سنگ پس باز میگردد چنانکه بود

فَقُلْتُ مَا هَذَا قَالَا انْطَلِقْ فَانْطَلَقْنَا حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى

پس پرسیدم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم ما تا آنکه رسیدیم ما [illegible] بستانی

رَوْضَةٍ خَضْرَاءَ فِيهَا شَجَرَةٌ عَظِيمَةٌ وَفِي أَصْلِهَا شَيْخٌ

بوستانی سبز که دران درختی بزرگ است و در بیخ آن درخت پیری است

وَصِبْيَانٌ فَإِذَا رَجُلٌ قَرِيبٌ مِنَ الشَّجَرَةِ بَيْنَ يَدَيْهِ نَارٌ يُوقِدُهَا

و اطفال پس ناگاه مردی است دیگر نزدیک آن درخت پیش او آتشی است که می افروزد آنرا

فَصَعِدَا بِي الشَّجَرَةَ فَأَدْخَلَانِي دَارًا وَسَطَ الشَّجَرَةِ لَمْ أَرَ قَطُّ

پس بردند مرا بالای آن درخت پس آوردند مرا در سرایی که میان آن درخت است که ندیدم هرگز

أَحْسَنَ مِنْهَا فِيهَا رِجَالٌ شُيُوخٌ وَشَبَابٌ وَنِسَاءٌ وَ

بهتر ازان پس دران مردان اند پیران و جوانان و زنان اند

صِبْيَانٌ ثُمَّ أَخْرَجَانِي مِنْهَا فَصَعِدَا بِي الشَّجَرَةَ فَأَدْخَلَانِي

و طفلان پستر بیرون آوردند مرا ازان پس بردند مرا بالای آن درخت پس آوردند مرا

دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ مِنْهَا فِيهَا شُيُوخٌ وَشَبَابٌ

سرائی را که بهتر و افضل بود ازان پس دران سرا پیران و جوانان اند

فَقُلْتُ لَهُمَا إِنَّكُمَا قَدْ طَوَّفْتُمَانِي اللَّيْلَةَ فَأَخْبِرَانِي عَمَّا

پس گفتم من مرا آن دو مرد را که بسیار گردانیدید شما مرا امشب پس خبر دهید مرا ازانچه

رَأَيْتُ قَالَا نَعَمْ أَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي رَأَيْتَهُ يُشَقُّ شِدْقُهُ

دیده ام گفتند هان اما مردی که دیدی که پاره کرده میشود کلاو

فَكَذَّابٌ يُحَدِّثُ بِالْكَذْبَةِ فَتُحْمَلُ عَنْهُ حَتَّى تَبْلُغَ الْآفَاقَ

پس مرد دروغگوست که خبر میدهد بدروغ پس یاد گرفته میشود آن حدیث دروغ ازو تا آنکه میرسد در اطراف عالم

فَيُصْنَعُ بِهِ مَا تَرَى إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ

پس کرده میشود چنین بوی که می بینی تا روز قیامت و آنکس که دیدی تو اورا

يُشْدَخُ رَأْسُهُ فَرَجُلٌ عَلَّمَهُ اللّٰهُ الْقُرْآنَ فَنَامَ عَنْهُ

که شکسته میشود سر او پس مردیست که تعلیم کرد اورا الله تعالی قرآن را پس خواب کرد از قرآن

بِاللَّيْلِ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ بِالنَّهَارِ يُفْعَلُ بِهِ مَا رَأَيْتَ إِلَى

در شب و عمل نکرد بانچه در قرآنست در روز کرده میشود بآن آنچه که دیدی تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ فِي النَّقْبِ فَهُمُ الزُّنَاةُ وَالَّذِي

روز قیامت و آنکس که دیدی تو اورا در سوراخ پس آن جماعه زناکارانند و آنکس

رَأَيْتَهُ فِي النَّهَرِ آكِلُ الرِّبٰوا وَالشَّيْخُ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي أَصْلِ

که دیدی تو اورا در نهر سود خوارست و پیر یکه دیدی تو اورا در بیخ

الشَّجَرَةِ اِبْرَاهِيْمُ وَالصِّبْيَانُ حَوْلَهُ فَاَوْلَادُ النَّاسِ وَالَّذِيْ

درخت ابراہیم خلیل است و طفلان گرد او یند پس اولاد مردم اند و کسیکہ

يُوْقِدُ النَّارَ مَالِكٌ خَازِنُ النَّارِ وَالدَّارُ الْاُوْلٰى الَّتِيْ دَخَلْتَ

می افروزد آتش را مالک است داروغہ دوزخ و سرائے پیشین کہ درآمدے تو

دَارُ عَامَّةِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَمَّا هٰذِهِ الدَّارُ فَدَارُ الشُّهَدَاءِ وَاَنَا

جائے عوام مسلمانان است و لیکن این سرائے دوم کہ حسن از اول او پس جائے شہیدان است و من

جِبْرَئِيْلُ وَهٰذَا مِيْكَائِيْلُ فَارْفَعْ رَاْسَكَ فَرَفَعْتُ رَاْسِيْ

جبرئیل ام و این میکائیل پس بردار سر خود را پس برداشتم من سر خود را

فَاِذَا فَوْقِيْ مِثْلُ السَّحَابَةِ وَفِيْ رِوَايَةٍ مِثْلُ الرَّبَابَةِ الْبَيْضَاءِ

پس ناگاہ بالائے سر من مانند ابر است و در روایتے آمدہ است کہ بالائے سر من مانند رباب سفید است

قَالَا ذٰلِكَ مَنْزِلُكَ قُلْتُ دَعَانِيْ اَدْخُلْ مَنْزِلِيْ قَالَا اِنَّهٗ

گفتند آن دو مرد کہ این مقام تست گفتم بگذارید مرا تا در آیم منزل خود را گفتند بدرستیکہ

بَقِيَ لَكَ عُمُرٌ لَمْ تَسْتَكْمِلْهُ فَلَوِ اسْتَكْمَلْتَهٗ اَتَيْتَ مَنْزِلَكَ

از عمر تو ہنوز باقی است کہ تمام نکردی تو آنرا پس اگر تمام میکردی آنرا می آمدے منزل خود را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ بَابُ الرُّؤْيَا مش

روایت کرد آنرا بخاری در باب رویا مشکوۃ

بَابُ اِثْمِ اللِّوَاطَةِ

عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از عکرمہ از ابن عباس گفت فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ وَجَدْتُّمُوْهُ يَعْمَلُ عَمَلَ قَوْمِ لُوْطٍ

اللہ علیہ وسلم کسیکہ بیابید شما او را کہ میکند فعل گروہ لوط

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ شَرَابٍ يَشْرَبُونَهُ بِأَرْضِهِمْ مِنَ
صلے اللہ علیہ وسلم از شرابے کہ مینوشیدند اہل یمن آنرا در زمین خود از
الذُّرَةِ يُقَالُ لَهُ الْمِزْرُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ذرہ گفتہ میشود ان شراب را مزر پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم
أَوَمُسْكِرٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ قَالَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ إِنَّ عَلَى اللهِ
ایا مسکر است آن گفت آمرد آرے مسکر است گفت آنحضرت ہر مسکر حرام است بدرستیکہ بر خدا
عَهْدًا لِمَنْ يَشْرَبُ الْمُسْكِرَ أَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ طِينَةِ الْخَبَالِ قَالُوا
عہد است ہر کسیرا کہ بنوشد مسکر را کہ بنوشاند اورا از طینت خبال گفتند صحابہ
يَا رَسُولَ اللهِ وَمَا طِينَةُ الْخَبَالِ قَالَ عَرَقُ أَهْلِ النَّارِ
یا رسول خدا و چیست طینت خبال فرمود خوی اہل آتش است یا گفت
أَوْ عُصَارَةُ أَهْلِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ
زرد آبے کہ میرود از اہل نار رواہ مسلم و روایت است از جابر رضـ
أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا أَسْكَرَ
کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود چیزیکہ مست میگرداند
كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ
بسیاری وے پس اندک وے نیز حرام است رواہ ترمذی و ابو داود
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ عَنْ رَسُولِ اللهِ
و ابن ماجہ و روایت است از عائشہ رضـ از آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا أَسْكَرَ مِنْهُ الْفَرَقُ فَمِلْءُ
صلے اللہ علیہ وسلم گفت چیزیکہ مست گرداند از وے فرق پس پری
الْكَفِّ مِنْهُ حَرَامٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ
کف دست اندو وے حرام است روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و ابو داود

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از انس رض گفت انس لعنت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فِي الْخَمْرِ عَشْرَةً عَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَشَارِبَهَا وَحَامِلَهَا

در مقدمهٔ خمر ده کس را آنرا کسیکه بیفشرد آنرا وکسیکه افشرده شده است برای وی وکسیکه بنوشد آنرا وکسیکه بردارد آنرا

وَالْمَحْمُوْلَةَ اِلَيْهِ وَسَاقِيَهَا وَبَائِعَهَا وَاٰكِلَ ثَمَنِهَا وَالْمُشْتَرِيْ

وهرکه برداشته شده است بسوی آن وکسیکه بنوشاند آنرا وکسیکه بفروشد وکسیکه بخورد قیمت آنرا وکسیکه خرید

لَهَا وَالْمُشْتَرٰى لَهٗ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ

آنرا وکسیکه خرید کرده شده است برای وی رواه ترمذی وابن ماجه وروایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَعَنَ اللّٰهُ الْخَمْرَ وَشَارِبَهَا وَسَاقِيَهَا وَبَائِعَهَا وَمُبْتَاعَهَا

که لعنت کرد خدایتعالی خمر را وکسیکه بنوشد. آنرا وکسیکه بنوشاند آنرا وکسیکه بفروشد آنرا وکسیکه خرید کند

وَعَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُوْلَةَ اِلَيْهِ

وکسیکه بیفشرد آنرا وکسیکه افشرده شده است برای وی وکسیکه برداشت آنرا وکسیکه برداشته شده است

رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ

رواه ابوداود وابن ماجه وروایت است از ابی هریره رض گفت

اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُتِيَ بِرَجُلٍ قَدْ

آورده شد نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که

شَرِبَ الْخَمْرَ فَقَالَ اضْرِبُوْهُ فَمِنَّا الضَّارِبُ بِيَدِهٖ وَ

که نوشیده بود خمر پس فرمود آنحضرت بزنید او را پس بود از ما زننده بدست خود و

الضَّارِبُ بِثَوْبِهٖ وَالضَّارِبُ بِنَعْلِهٖ ثُمَّ قَالَ بَكِّتُوْهُ فَاَقْبَلُوْا

زننده بجامهٔ خود وزننده بنعل خود پس گفت سرزنش کنید او را پس رو آوردند

عَلَيْهِ يَقُولُونَ مَا اتَّقَيْتَ اللّٰهَ مَا خَشِيْتَ اللّٰهَ وَمَا اسْتَحْيَيْتَ

بروی درحالیکه میگویند پرہیزگردی خدارا ونه ترسیدی خدارا وشرم نداشتی

مِنْ رَّسُوْلِ اللّٰهِ فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ اَخْزَاكَ اللّٰهُ فَقَالَ

از پیغمبر خدا پس گفتند بعضے از قوم خوار گرداند و رسوا کند ترا خدایتعالی گفت

لَا تَقُوْلُوْا هٰكَذَا لَا تُعِيْنُوْا عَلَيْهِ الشَّيْطَانَ وَلٰكِنْ قُوْلُوْا

مگویند همچنین یاری ندهید بروی شیطان را ولیکن بگوئید

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَهٗ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْهُ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

خداوندا بیامرز اورا خداوندا رحمت کن اورا روایه ابوداؤد و روایت است از

وَائِلِ الْحَضْرَمِيِّ اَنَّ طَارِقَ بْنَ سُوَيْدٍ سَاَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

وائل حضرمی که طارق بن سوید سوال کرد آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْخَمْرِ فَنَهَاهُ فَقَالَ اِنَّمَا اَصْنَعُهَا لِلدَّوَاءِ

علیه وسلم را از شرب خمر پس نهی کرد آنحضرت اورا پس گفت میکنم آنرا مگر برائے دوا

فَقَالَ اِنَّهٗ لَيْسَ بِدَوَاءٍ وَّلٰكِنَّهٗ دَاءٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس فرمود آنحضرت بدرستیکه آن نیست دارو ولیکن آن درد است رواه مسلم

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از عبدالله بن عمر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ يَقْبَلِ اللّٰهُ لَهٗ صَلٰوةً

الله علیه وسلم کسیکه بخورد خمررا قبول نکند خدایتعالی مراورا نماز

اَرْبَعِيْنَ صَبَاحًا فَاِنْ تَابَ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِ فَاِنْ عَادَ

چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند خدا بروے پس اگر عود کند بسوئے

لَمْ يَقْبَلِ اللّٰهُ لَهٗ صَلٰوةً اَرْبَعِيْنَ صَبَاحًا فَاِنْ تَابَ تَابَ اللّٰهُ

قبول نمیکند خدایتعالی برائے نماز چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند خدا

عليه فان عاد لم يقبل الله له صلوة اربعين صباحا فان

بروے پس اگر عود کند بشرب خمر قبول نمیکند خدا ایتعالی مر او را نماز چهل صباح پس اگر

تاب تاب الله عليه فان عاد الرابعة لم يقبل الله صلوة

توبه کرد رجوع میکند خدا بروے پس اگر عود کرد بخوردن خمر در کرت چهارم قبول نمیکند خدا برای وی نماز

اربعين صباحا فان تاب لم يتب الله عليه وسقاه من

چهل صباح پس اگر توبه کرد این بار رجوع نمیکند خدا بروے و می نوشاند او را از

نهر الخبال رواه الترمذي وروى النسائي وابن ماجة

جوی زرداب دوزخیان رواه ترمذی و روایت کرد این حدیث را نسائی و ابن ماجة

والدارمي عن عبد الله بن عمرو وعن عبد الله

و الدارمی از عبد الله بن عمرو رض و روایت است از عبد الله

بن عمرو رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يدخل

بن عمرو رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که فرمود در نمی آید

الجنة عاق ولا قمار ولا منان ولا مدمن خمر رواه

بهشت را آزار دهنده مادر و پدر را و در نمی آید بهشت را قمار بازنده و در نمی آید بهشت منت نهنده

الدارمي وفي رواية له ولا ولد زنية بدل قمار

دارمی و در روایتے مر او راست در نمی آید بهشت را ولد الزنا بجای قمار بازنده

وعن ابي امامة رض قال قال النبي صلى الله عليه

و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وسلم ان الله بعثني رحمة للعلمين وهدى للعلمين

وسلم بدرستیکه خدا ایتعالی فرستاده است مرا سبب رحمت مر جهانیان را و سبب هدایت مر جهانیان را

وامرني ربي عز وجل بمحق المعازف والمزامير والاوثان

و امر کرد مرا پروردگار من عز وجل بباطل کردن معازف و بکار آینده مزامیر شکستن بتها

وَاَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ وَحَلَفَ رَبِّيْ عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِيْ لَا يَشْرَبُ

و باطل کردن تمامہ سوم جاہلیت و گفتہ است پروردگار من سوگند میخورم بعزت خود کہ نہ نوشد

عَبْدٌ مِنْ عَبِيْدِيْ جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ اِلَّا سَقَيْتُهُ مِنَ الصَّدِيْدِ

ہیچ بندہ از بندگان من دمے یک جرعہ از شراب مگر آنکہ بنوشانم او را نہ زرداب

مِثْلَهَا وَلَا يَتْرُكُهَا مِنْ مَخَافَتِيْ اِلَّا سَقَيْتُهُ مِنْ حِيَاضِ الْقُدُسِ

مانند آن و نگذارد ہیچ بندہ خمر را از ترس من مگر آنکہ بنوشانم او را از حوضہای قدس

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

رواہ احمد و از ابن عمر رض مرویست کہ آن حضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ مُدْمِنُ

علیہ وسلم فرمود سہ مرد اند کہ بتحقیق حرام گردانیدہ است خدا بر ایشان بہشت را

الْخَمْرِ وَالْعَاقُّ وَالدَّيُّوْثُ الَّذِيْ يُقِرُّ فِيْ اَهْلِهِ الْخُبْثَ رَوَاهُ

خورندہ خمر دوم آزار کنندہ مادر و پدر را سوم مرد بیغیرت آنکہ قرار دہد بدی را در اہل و عیال خود رواہ

اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسَى الْاَشْعَرِيِّ رض اَنَّ النَّبِيَّ

رواہ احمد و نسائی و روایت است از ابی موسی اشعری رض کہ آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلٰثَةٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود سہ کس اند در نمی آیند بہ بہشت

مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَقَاطِعُ الرَّحِمِ وَمُصَدِّقٌ بِالسِّحْرِ رَوَاهُ اَحْمَدُ

مدمن خمر و برندہ رحم کہ بخویشان بدی کند و تصدیق کنندہ بسحر رواہ احمد

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُدْمِنُ

و از ابن عباس مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم مدمن

الْخَمْرِ اِنْ مَاتَ لَقِيَ اللّٰهَ كَعَابِدِ وَثَنٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رض

خمر اگر بمیرد پیش مے آید خدا را مانند پرستش کنندہ بت رواہ احمد و روایت است از ابی موسی

أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَا أُبَالِي شَرِبْتُ الْخَمْرَ أَوْ عَبَدْتُ هٰذِهِ

که میگفت وی باک ندارم که بنوشم من شراب یا پرستش کنم این

السَّارِيَةَ دُونَ اللّٰهِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ

ستون را جز خدای تعالی روایه نسائی و روایت است از حکم بن عتیبه

عَنْ أَنَسِ بْنِ حُذَيْفَةَ صَاحِبِ الْبَحْرَيْنِ قَالَ كَتَبْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

از انس بن حذیفه صاحب بحرین گفت که نوشتم من بسوی آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ النَّاسَ قَدِ اتَّخَذُوا بَعْدَ الْخَمْرِ أَشْرِبَةً تُسْكِرُ

صلی الله علیه وسلم بدرستی مردمان بتحقیق می سازند بعد از خمر شرابهای که

كَمَا يُسْكِرُ الْخَمْرُ مِنَ التَّمْرِ وَالزَّبِيبِ يَصْنَعُونَ ذٰلِكَ فِي الدُّبَّاءِ وَالْمُزَفَّتِ

مستی می آرد آنها چنانکه مستی می آرد خمر از خرما و مویز می سازند آنرا در دبا و مزفت

وَالنَّقِيرِ وَالْحَنْتَمِ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ كُلَّ

و نقیر و حنتم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستی هر

شَرَابٍ أَسْكَرَ فَهُوَ حَرَامٌ وَالْمُزَفَّتُ حَرَامٌ وَالنَّقِيرُ حَرَامٌ وَالْحَنْتَمُ

شراب که مست می گرداند پس آن حرام است و مزفت نیز حرام است و نقیر و حنتم

حَرَامٌ فَاشْرَبُوا فِي الْقِرَبِ وَشُدُّوا الْأَوْكِيَةَ فَاتَّخَذَ النَّاسُ فِي الْقِرَبِ

نیز حرام است پس بنوشید در مشکها و به بندید سر بند آن پس ساختند مردمان در مشکها

مَا يُسْكِرُهُمْ فَبَلَغَ ذٰلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَامَ فِي النَّاسِ فَقَالَ إِنَّهُ

چیزیکه در مستی می آرد ایشانرا پس رسید خبر آنحضرت را پس ایستاد آنحضرت در مردمان و خطبه خواند

لَا يَفْعَلُ ذٰلِكَ إِلَّا أَهْلُ النَّارِ أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَكُلَّ مُفَتِّرٍ حَرَامٌ وَكُلَّ مُخَدِّرٍ

پس فرمود بدرستی شان اینکه نمی کنند این فعل مگر دوزخی آگاه باشید هر مسکر حرام است و هر مفتر حرام

حَرَامٌ وَمَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ وَمَا

حرام است و چیزیکه در مستی می آرد بسیار وی پس اندک وی حرام است و چیزیکه

خَتَمَ الْقَلْبَ فَهُوَ حَرَامٌ رَوَاهُ اَبُوْ نُعَيْمٍ وَقَالَ الْحَكَمُ عَنْهُ مُرْسَلٌ بَابُ

می پوشد قلب را پس وے حرام ست روایت کرد ابو نعیم وگفت حکم از ابو نعیم این حدیث مرسل ست + باب

الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُوْدِ عَنْ عَائِشَةَ رضی اللہ عنہا اَنَّ قُرَيْشًا

در بیان احادیث وارد شده در شفاعت کردن در حد یعنی درخواست کردن از امام که در گذرد از اقامت حد + روایت ست از عائشہ

اَهَمَّهُمْ شَانُ الْمَرْاَةِ الْمَخْزُوْمِيَّةِ الَّتِيْ سَرَقَتْ فَقَالُوْا مَنْ يُّكَلِّمُ

یعنی صحابہ از قریش بوده اند و بگین ساخت ایشان را کار و حال آن زن مخزومیہ که دزدیده بود پس گفتند کیست که سخن کند

فِيْهَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوْا وَمَنْ يَّجْتَرِئُ

از جهت وے با پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم پس گفتند کیست که دلیری تواند کرد

عَلَيْهِ اِلَّا اُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ حِبُّ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بر آنحضرت مگر اسامہ بن زید که محبوب پیغمبر خداست صلے اللہ علیہ وسلم

فَكَلَّمَهُ اُسَامَةُ رض فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس سخن کرد آنحضرت را اسامہ رض پس گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اَتَشْفَعُ فِيْ حَدٍّ مِّنْ حُدُوْدِ اللّٰهِ ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ ثُمَّ قَالَ اِنَّمَا

آیا شفاعت می کنی تو در حدی از حدود خدا پس ایستاد آن حضرت پس خطبه خواند بعد ازان گفت

اَهْلَكَ الَّذِيْنَ قَبْلَكُمْ اَنَّهُمْ كَانُوْا اِذَا سَرَقَ فِيْهِمُ الشَّرِيْفُ

آنحضرت ہلاک گردانیده شدند آن کسانیکه پیش از شما بوده اند مگر آنکه ایشان بودند چون دزدی میکرد در میان ایشان شریف

تَرَكُوْهُ وَاِذَا سَرَقَ فِيْهِمُ الضَّعِيْفُ اَقَامُوْا عَلَيْهِ الْحَدَّ

و توانائی میگذاشتند او را و چون دزدید میان ایشان ناتوانی اقامت می کردند بر وے حد

وَاَيْمُ اللّٰهِ لَوْ اَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و سوگند خدا اگر ثابت شود که فاطمہ بنت محمد مصطفے صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

وسلم بدزدد هر آئینه سے برید م دست او را متفق علیه و روایت ست از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رضہ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عبداللہ بن عمر رضہ گفت عبداللہ شنیدم من آنحضرت را صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ حَالَتْ شَفَاعَتُهٗ دُوْنَ حَدٍّ مِنْ

وسلم که میگفت کسیکه حایل گردد و درمیان آید شفاعت او نزد حدی از

حُدُوْدِ اللّٰهِ فَقَدْ ضَادَّ اللّٰهَ وَمَنْ خَاصَمَ فِيْ بَاطِلٍ

حدود خدا پس بتحقیق ضدیت کرد خدا را و کسیکه پیکار کند در مخالف حق

وَهُوَ يَعْلَمُهٗ لَمْ يَزَلْ فِيْ سَخَطِ اللّٰهِ تَعَالٰى حَتّٰى يَنْزِعَ

و حال آنکه میداند آنرا که باطل است همیشه میباشد و در غضب خدا + تا آنکه باز ایدازان

وَمَنْ قَالَ فِيْ مُؤْمِنٍ مَا لَيْسَ فِيْهِ أَسْكَنَهُ اللّٰهُ

و کسیکه گوید در حق مسلمانی چیزیکه نیست درو از عیب نقصان جای کناد او را خدا تعالی

رَدْغَةَ الْخَبَالِ حَتّٰى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُوْ دَاوُدَ

در گل زرد آب دوزخیان تا آنکه بیرون آید از انچه گفته است + رواه احمد و ابو داود

وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلْبَيْهَقِيِّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ مَنْ أَعَانَ

و در روایتی بیهقی در شعب ایمان این لفظ است کسیکه یاری کند

عَلٰى خُصُوْمَةٍ لَا يَدْرِيْ أَحَقٌّ أَمْ بَاطِلٌ

در خصومتی که در نیابد که حق است یا باطل

فَهُوَ فِيْ سَخَطِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْزِعَ + + + + +

پس وی در غضب خداست تا آنکه باز آید

كِتَابُ الْإِمَارَةِ وَالْقَضَاءِ

بسم اللہ

يٰأَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوْا أَطِيْعُوا اللّٰهَ وَأَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ

ای مومنان فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغامبر را

وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ

و فرمان روایان را از جنس شما پس اگر اختلاف کنید در چیزی پس راجع کنید او را بسوی خدا

وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

و پیغامبر اگر اعتقاد میدارید بخدا و روز آخر

ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

این بهتر ست و نیکو تر باعتبار عاقبت

بَابُ ثَوَابِ الْعَادِلِينَ

بیان احادیثی که وارد شده است در بیان ثواب عادلان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ

ای زمرهٔ مومنان باشید قیام کنندگان برای خدا گواهان براستی

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا

و نه انگیزد شما را دشمنی گروهی از مشرکان بر آنکه عدل نکنید در باب ایشان عدل کنید

هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

که عدل نزدیکتر ست به پرهیزگاری و بترسید از خدا در ظلم بدرستیکه خدا داناست بانچه میکنید

وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

و اگر حکم کنی پس حکم کن میان آنها براستی و عدل بدرستیکه خدا دوست میدارد

الْمُقْسِطِينَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

عدل کنندگان را در حکم روایت ست از عبد الله بن عمر رض گفت فرمود آن حضرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ

صلی الله علیه و سلم آگاه باشید همه شما رعایانید و همه شما پرسیده می شوید

عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْإِمَامُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ

از رعیت خود پس امامی که قائم ست بر مردم با صلاح حال راعی ایشانست و وی سوال کرده می شود از حال رعیت خود

جزو ۳ حدیث ۱

جزو ۳ حدیث ۱

والرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عن رعيته

و مرد راعی است بر اهل خانهٔ خود و وے سوال کرده می شود از حال رعیت خود

والمرأة راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة

وزن راعی است بر خانهٔ شوهر خود و فرزندان او و وے سوال کرده مے شود

عنهم وعبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول

از ایشان و غلام مرد راعی است بر مال خواجهٔ خود و آن پرسیده شود

عنه ألا وكلكم مسئول عن رعيته متفق عليه

از آن آگاه باشید و همه شما سوال کرده شوید از رعیت خود متفق علیه

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال

و روایت ست از عبد الله بن عمرو بن عاص رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم إن المقسطين عند الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه امرای عادل دادگر نزد خدا

على منابر من نور عن يمين الرحمن وكلتا يديه يمين

بر منبرهاے از نور اند بجانب دست راست خدا و هر دو دست خدا راست اند

الذين يعدلون في حكمهم وأهليهم وما ولوا رواه

آنکسانیکه عدل و راستی مے کنند در احکام خود و اهلهای خود و عدل میکنند در چیزیکه والی اند روا

مسلم وعن عائشة عن رسول الله صلى الله

مسلم و روایت ست از عائشه رض از آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال تدرون من السابقون إلى ظل الله

علیه وسلم که فرمود آیا دانید که کیستند رسندگان بسوے سایهٔ خدا

عز وجل يوم القيامة قالوا الله ورسوله أعلم قال

عز و جل روز قیامت گفتند خدا و رسول وے دانا تراست فرمود آنحضرت

الَّذِيْنَ إِذَا أُعْطُوا الْحَقَّ قَبِلُوْهُ وَإِذَا سُئِلُوْهُ بَذَلُوْهُ

سابقان کسانے اند کہ چون دادہ شود ایشان را حق بپذیرند آنرا و چون سوال کردہ شوند حق را بذل کنند

وَحَكَمُوْا لِلنَّاسِ كَحُكْمِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ

و حکم کنند برای مردم مانند حکم کردن ایشان برای ذاتہای خود روایہ احمد

وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت ہست از ابی سعید رضـ کہ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَقْرَبَهُمْ

علیہ و سلم بدرستیکہ دوست داشتہ شدہ ترین مردم بسوے خدا روز قیامت و نزدیکترین

مِنْهُ مَجْلِسًا إِمَامٌ عَادِلٌ وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللهِ

از درگاہ خدا از روی مجلس پادشاہ دادگر ہست و بدرستیکہ دشمن داشتہ شدہ ترین مردم بسوے خدا

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَشَدَّهُمْ عَذَابًا وَفِيْ رِوَايَةٍ وَأَبْعَدَهُمْ

روز قیامت و سخت ترین مردم از روی عذاب و در روایتی این نیز آمدہ کہ دورترین ایشان

مِنْهُ مَجْلِسًا إِمَامٌ جَائِرٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

از خدا از روی مجلس پادشاہ جور کنندہ ہست رواہ ترمذی و روایت ہست از

عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

عمر بن الخطاب رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللهِ عِنْدَ اللهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ

علیہ و سلم بدرستیکہ فاضلترین بندگان خدا از روی قدر و مرتبہ در روز

الْقِيٰمَةِ إِمَامٌ عَادِلٌ رَفِيْقٌ وَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللهِ مَنْزِلَةً

قیامت پادشاہ دادگر مہربان نرم دل ہست و بدرستیکہ بدترین مردم در قدر و مرتبہ

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِمَامٌ جَائِرٌ خَرِقٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ

روز قیامت پادشاہ جور کنندہ نامہربان ہست رواہ بیہقی در شعب الایمان

وعن ابن عمر رضـ ان النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت ہست از ابن عمر رضـ کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ و سلم

قال ان السلطان ظل الله في الارض ياوي اليه كل

فرمود بدرستیکہ پادشاہ سایہ خداست در زمین پناہ میگیرد بسوی وی ہر

مظلوم من عباده فاذا عدل كان له الاجر وعلى

ستم دیدہ از بندگان خدا پس چون عدل کند سلطان باشد مر او را پاداش عدالت و وجب

الرعية الشكر واذا جار كان عليه الاصر وعلى

رعیت شکر گذاری و چون جور کند بر وے بار گناہ ہست و لازم ہست بر

الرعية الصبر رواه البيهقي في شعب الايمان

رعیت صبر کردن بر آن رواہ بیہقی در شعب الایمان

وعن معاوية رضـ قال قال رسول الله صلى الله

و روایت از حضرت معاویہ رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عليه وسلم يا معاوية ان وليت امرا فاتق الله واعدل

علیہ وسلم اے معاویہ اگر والی گردانیدہ شوی تو کارے را پس تقوی کن خدا را

قال فما زلت اظن اني مبتلى بعمل لقول النبي صلى

گفت پس ہمیشہ بودم کہ گمان می بردم کہ مبتلا گردانیدہ می شوم بعملے از جہت گفتن آنحضرت صلی

الله عليه وسلم حتى ابتليت رواه احمد والبيهقي

اللہ علیہ وسلم تا آنکہ مبتلا گردانیدہ شدم رواہ احمد و بیہقی رح

في دلائل النبوة وعن يحيى بن هشام عن يونس

در دلائل النبوۃ و روایت ہست از یحیی بن ہشام رح از یونس

ابن ابي اسحاق عن ابيه قال قال رسول الله

ابن ابی اسحاق از پدرش گفت فرمود آنحضرت

عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُؤُسُهُنَّ كَاَسْنِمَةِ الْبُخْتِ

یا پوشیده اند بعضی خود را اما برهنه اند گردانیده اند دلهای مردان را ای ال بسوی خود و میل کننده اند بسوی مردان سر ایشان

الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا وَاِنَّ رِيحَهَا

که مائل اند ان کوہان ها بجهت کثرت فربهی نه در می آیند بهشت را و نمی یابند بوی بهشت و حال آنکه بوی بهشت

تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یافته میشود از مسافت چنین و چنین یعنی مسافت بعید دور تا بعد روایه مسلم و روایت است از

جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا قَاتَلَ

جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه

اَحَدُكُمْ فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ فَاِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى خَلَقَ اٰدَمَ عَلٰى

قتال کند یکے از شما یعنی مضاربت کند و می صحت نماید اگرچه با کفار باشد پس باید که اجتناب کند روی را پس بدرستی

صُورَتِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ رض قَالَ نَهٰى رَسُولُ اللّٰهِ

صورت خود متفق علیه و روایت است از جابر رض که نهی کرد آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ يَتَعَاطَى السَّيْفُ مَسْلُولًا رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم از تناول شمشیر و گرفتن آن برکشیده و برهنه روایه

التِّرْمِذِيُّ وَاَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ

ترمذی و ابو داؤد و روایت است از ابن عمر رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِجَهَنَّمَ سَبْعَةُ اَبْوَابٍ بَابٌ

صلی الله علیه وسلم فرمود مر دوزخ را هفت در است یکے در

مِنْهَا لِمَنْ سَلَّ السَّيْفَ عَلٰى اُمَّتِيْ اَوْ قَالَ عَلٰى اُمَّةِ

ازان در ها مر کسے راست که بکشد شمشیر را بر امت من یا گفت بجای علی امتی لفظ علی امة

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

محمد صلی الله علیه وسلم روایه ترمذی

بَابُ الْمَيْسِرِ وَالنَّرْدِ وَالشَّطْرَنْجِ وَغَيْرِهِ

يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا اِثْمٌ كَبِيرٌ وَّ
سوال میکنند ترا از شراب و قمار بگو درین هر دو گناه سخت است

مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَاِثْمُهُمَا اَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَعَنْ
و نفع است مردمان را یعنی در دنیا و گناه این هر دو بزرگتر است از نفع آنها و روایت است از

بُرَيْدَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ
بریدة رض بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود کسیکه بازی کرد

بِالنَّرْدَشِيْرِ فَكَاَنَّمَا صَبَغَ يَدَهٗ فِيْ لَحْمِ خِنْزِيْرٍ وَّدَمِهٖ
با نردشیر پس گویا که رنگین نمود دست خود را در گوشت خوک و خون وے

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَلَفَ فَقَالَ فِيْ حَلْفِهٖ بِاللَّاتِ
الله علیه وسلم که فرمود کسیکه سوگند خورد پس بگوید در سوگند خود سوگند میخورم بلات

وَالْعُزّٰى فَلْيَقُلْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَمَنْ قَالَ لِصَاحِبِهٖ
و عزے که نام دو بت است پس باید که توبه کند و تدارک نماید بکلمه توحید و کسیکه بگوید مر یار خود را

تَعَالَ اُقَامِرْكَ فَلْيَتَصَدَّقْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رض
بیا قمار بازم با تو پس باید که تصدق کند تا کفاره قمار خواهی باشد متفق علیه و روایت است از ابی موسی

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ بِالنَّرْدِ فَقَدْ
بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود کسیکه بازی کرد با نرد پس بتحقیق

عَصَى اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ
نافرمانی کرد آنکس خدا و رسول را رواه احمد و ابو داود و روایت است از

اَبِی ھُرَیْرَۃَ رضہ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ رَاٰی

ابی ہریرہ رضہ کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم دید

رَجُلًا یَتْبَعُ حَمَامَۃً فَقَالَ شَیْطَانٌ یَتْبَعُ شَیْطَانَۃً رَوَاہُ اَحْمَدُ

مردے را کہ پس پشت کبوترے میرود پس فرمود کہ شیطانست کہ تابع میگردد شیطان خود را رواہ احمد

وَاَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَۃَ وَالْبَیْھَقِیُّ فِیْ شُعَبِ الْاِیْمَانِ

و ابوداود و ابن ماجہ و بیہقی در شعب ایمان

وَعَنْ عَلِیٍّ رضہ اَنَّہٗ کَانَ یَقُوْلُ الشِّطْرَنْجُ ھُوَ مَیْسِرُ

واز علی رضہ مرویست کہ او میگفت کہ شطرنج قمار

الْاَعَاجِمِ وَعَنِ ابْنِ شِھَابٍ اَنَّ اَبَا مُوْسَی الْاَشْعَرِیَّ رضہ

عجمیانست و از ابن شہاب مرویست بدرستیکہ ابا موسی اشعری رضہ

قَالَ لَا یَلْعَبُ بِالشِّطْرَنْجِ اِلَّا خَاطِیٌٔ وَعَنْہُ رضہ اَنَّہٗ

گفت بازی نمی کند بہ شطرنج ہیچ یکے مگر گنہگار و ہم ازوی مرویست کہ وی

سُئِلَ عَنْ لَعِبِ الشِّطْرَنْجِ فَقَالَ ھِیَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا یُحِبُّ اللّٰہُ

سوال کردہ شد از بازی شطرنج پس گفت کہ شطرنج از کار باطلست و دوست نمیدارد خدای تعالی

الْبَاطِلَ رَوَی الْبَیْھَقِیُّ الْاَحَادِیْثَ الثَّلٰثَۃَ فِیْ شُعَبِ الْاِیْمَانِ

باطل را روایت کرد بیہقی این سہ حدیث ہا را در شعب ایمان

کِتَابُ الْحُدُوْدِ

اَلزَّانِیَۃُ وَالزَّانِیْ فَاجْلِدُوْا کُلَّ وَاحِدٍ مِّنْھُمَا مِائَۃَ جَلْدَۃٍ

زن زنا کنندہ و مرد زنا کنندہ بزنید ہر یکے را از ایشان صد درہ

وَلَا تَاْخُذْکُمْ بِھِمَا رَاْفَۃٌ فِیْ دِیْنِ اللّٰہِ اِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ

و باید در نگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری کردن شرع اگر ایمان آوردہ اید

بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

بخدا و روز آخر وباید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعت از مسلمانان

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از عباده بن صامت رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ أَقِيمُوا حُدُودَ اللّٰهِ فِي الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ وَلَا تَأْخُذُكُمْ

وسلم برپا کنید حدهای خدا را به نزدیک و دور وباید که نگیرد شمارا

فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

در دین خدا هیچ ملامت ملامت کننده رواه ابن ماجه و از ابن عمر مرویست

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِقَامَةُ حَدٍّ مِنْ

بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود برپا کردن حدے از

حُدُودِ اللّٰهِ خَيْرٌ مِنْ مَطَرِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فِي بِلَادِ اللّٰهِ رَوَاهُ

حدود خدا بهترست از باران چهل شب در تمام شهرهای خدا رواه

ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ النَّسَائِيُّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض وَعَنِ

ابن ماجه و رواه نسائی از ابی هریره رض و روایتست از

الْمُغِيرَةِ رض قَالَ قَالَ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ لَوْ رَأَيْتُ رَجُلًا مَعَ

مغیره رض که گفت گفت سعد بن عباده اگر ببینم من مردے را با

امْرَأَتِي لَضَرَبْتُهُ بِالسَّيْفِ غَيْرَ مُصْفِحٍ فَبَلَغَ ذٰلِكَ

زن خود هرآئینه میزدم او را بشمشیر غیر زننده بطرف شمشیر عرض وی پس رسید آن سخن

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَتَعْجَبُونَ مِنْ غَيْرَةِ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم را پس فرمود آنحضرت آیا تعجب میدارید شما از غیرت

سَعْدٍ وَاللّٰهِ أَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَاللّٰهُ أَغْيَرُ مِنِّي وَمِنْ أَجْلِ

سعد سوگند بخدا من غیرتناکترم از وی و خدا غیرتناکترست از من و بسبب

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ويل للامراء

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وای مر امرا را

ويل للعرفاء ويل للامناء ليتمنين اقوام يوم

و وای مر عرفا را و وای مر امنا را هر آئینه آرزو کنند قومها روز

القيمة ان نواصيهم معلقة بالثريا يتجلجلون بين

قیامت کاشکی موی پیشانی ایشان آویخته باشد به پروین در حالیکه می جنبند

السماء والارض وانهم لم يلوا عملا رواه في شرح

یا در میان آسمان و زمین و تحقیق که والی نشدند بر هیچ عملی را روایت کرد آنرا در شرح

السنة وعن غالب القطان عن رجل عن جده قال

السنة و روایت است از غالب قطان تابعی از مردی که او روایت دارد از جد خود

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان العرافة

گفت جد او که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه عریف شدن

حق ولا بد للناس من عرفاء ولكن العرفاء في النار

حق است و چاره نیست مردم را از وجود عریفان و لیکن اکثر عریفان در آتش دوزخ اند

رواه ابو داود وعن ابي هريرة عن النبي صلى

روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی الله

الله عليه وسلم قال انكم ستحرصون على الامارة

علیه وسلم که فرمود بدرستیکه شما نزدیک است حرص کنید بر امارة

وستكون ندامة يوم القيمة فنعم المرضعة

و حکومت و نزدیک است که باشد آن امارة موجب پشیمانی روز قیامت پس نیکو شیر دهنده است

وبئست الفاطمة رواه البخاري وعن المقدام بن

امارة و بد از شیر باز دارنده است امارة روایت کرد این حدیث را بخاری و از مقدام بن

معدیکرب ان رسول الله صلی الله علیه وسلم ضرب

معدیکرب مرویست که آن حضرت صلی الله علیه وسلم زد

علی منکبیه ثم قال افلحت یا قدیم ان مت ولم

بر هر دو دوشهای وی پس فرمود بتحقیق رستگاری یافتی ای قدیم اگر

تکن امیرا ولا کاتبا ولا عریفا رواه ابو داود و

بحالیکه نباشی امیر و نه نویسنده امیر و نباشی عریف روایت کرد ابو داود

عن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلی الله

از عقبه بن عامر رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم لا یدخل الجنة صاحب مکس یعنی الذی

علیه وسلم در نمی آید بهشت را خداوند مکس یعنی آنکه می گیرد

یعشر الناس رواه احمد وابو داود والدارمی وعن ابی

ده یک از مردم روایت کرد احمد و ابو داود و دارمی و روایت است از

ذر قال قال لی رسول الله صلی الله علیه وسلم ستة

ابی ذر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرا شش روز که

ایام اعقل یا ابا ذر ما یقال لک بعد فلما کان الیوم

روز که فهم کن ای ابا ذر چیزیرا که گفته می شود ترا بعد ازین پس هرگاه که شد روز

السابع قال اوصیک بتقوی الله فی سر امرک وعلانیته

هفتم گفت آنحضرت وصیت می کنم ترا بپرهیزگاری خدا در نهان کار تو و آشکارا

واذا اساءت فاحسن ولا تسألن احدا شیئا وان سقط

و چون بد کنی کار بد را نیکی بیز کن که حسنه محو کند سیئه را و سوال مکن کسی را هیچ چیز و اگر

سوطک ولا تقبض امانة ولا تقض بین اثنین رواه احمد

تازیانه تو و قبض مکن امانت را و قاضی مشو میان دو کس روایت کرد احمد

وَعَنْ اَبِي اُمَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ

واز ابی امامه رض مرویست از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که آن حضرت

قَالَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَلِي اَمْرَ عَشَرَةٍ فَمَا فَوْقَ ذٰلِكَ اِلَّا اَتَى اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ

فرمود نیست مردے که والی وحاکم شود کار ده کس و بیش زیاده از آن مگر

مَغْلُوْلًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَدُهُ اِلٰى عُنُقِهِ فَكَّهُ بِرُّهُ اَوْ اَوْبَقَهُ

غل کرده شده روز قیامت دست وے بسوے گردن او که خلاص مے گرداند اورا

اِثْمُهُ اَوَّلُهَا مَلَامَةٌ وَاَوْسَطُهَا نَدَامَةٌ وَاٰخِرُهَا خِزْيٌ

یا هلاک مے گرداند او را بدی او ابتداے ولایت ملامت ست ومیان آن پشیمانی ست وآخر

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

روز قیامت رواه احمد واز عبدالله بن عمرو رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَظَرَ اِلٰى

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسے که نگاه کند بسوے

اَخِيْهِ نَظْرَةً يُخِيْفُهُ اَخَافَهُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

برادر خود نگاهے که میترساند آن برادر را بترساند او را خدا تعالی روز قیامت رواه البیهقی

فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَبِي سَعِيْدٍ رض عَنِ النَّبِيِّ

در شعب الایمان واز ابی سعید رض مرویست از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِكُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ عِنْدَ

صلی الله علیه وسلم که فرمود مر هر غادر را لوائی ست نزد سرین

اِسْتِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَفِي رِوَايَةٍ لِكُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

او بروے روز قیامت ودر روایتے دیگر آمده است که مر هر غادر را لوائیست روز قیامت

يُرْفَعُ لَهُ بِقَدْرِ غَدْرِهِ اَلَا وَلَا غَادِرَ اَعْظَمُ غَدْرًا مِنْ اَمِيْرِ عَامَّةٍ

که بلند گردانیده میشود آن علم برای وی براندازه غدر وے آگاه باشید که نیست هیچ غدر کننده بزرگتر

رواه مسلم وعن عمرو بن مرة رضي الله عنه انه قال لمعاوية

روایه مسلم و روایت است از عمرو رضی روایت میکند که وی گفت مر معاویه را

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من

که شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود کسیکه

ولاه الله شيئا من امر المسلمين فاحتجب دون حاجتهم و

والی و متصرف کرداند او را خدا تعالی چیزی را از کار مسلمانان پس در پرده شود آن کس

خلتهم وفقرهم احتجب الله دون حاجته وخلته وفقره

یعنی منع کند ارباب حاجت را از حاجات در پرده می شود خدا تعالی از فرود حاجات وی یعنی

فجعل معاوية رجلا على حوائج الناس رواه ابو داود

منع می کند از مطلوب و پس گردانید معاویه مردی را بر حاجتهای مردم رواه ابو داود

والترمذي وفي رواية له ولاحمد اغلق الله تعالى

والترمذی و در روایتی از ترمذی اینچنین است و مر احمد را نیز می بندد خدا تعالی

ابواب السماء دون خلته وحاجته ومسكنته

درهای آسمان را از فرود حاجات وی و محتاجی وی

وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه انه كان اذا بعث عماله

و روایت است از عمر بن خطاب رضی که وی بود چون میفرستاد عاملان خود را

شرط عليهم ان لا تركبوا برذونا ولا تاكلوا نقيا ولا

شرط می کرد بر ایشان که سوار نشوید بر اسب ترکی و مخورید میده را و نپوشید

تلبسوا رقيقا ولا تغلقوا ابوابكم دون حوائج الناس فان

جامهٔ تنک و نفیس را و نه بندید درهای خود را فرود حاجت های مردم پس اگر

فعلتم شيئا من ذلك فقد حلت بكم العقوبة ثم يشيعهم

بکنید چیزی را از ین پس بتحقیق فرود می آید بشما عذاب پس مشایعت می کرد عمر رضی عمال

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبد الله بن

رواه بيهقي در شعب الايمان ودروايت است از عبد الله بن

مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من

مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم نيست

حاكم يحكم بين الناس الا جاء يوم القيمة وملك اخذ

حاكمي كه حكم ميكند ميان مردم مگر آنكه مي آيد روز قيامت درحاليكه فرشته گيرنده است

بقفاه ثم يرفع راسه الى السماء فان قال القه القاه في

گردن اورا پستر برميدارد آن فرشته سر خود را بسوي آسمان پس اگر ميگويد خدا بيندازد اورا در

مهواة اربعين خريفا رواه احمد وابن ماجة والبيهقي

دوزخ مي اندازد فرشته اورا در محل افتادن چهل سال رواه احمد وابن ماجه وبيهقي

في شعب الايمان وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

در شعب ايمان ودروايت است از ابي هريره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم تعوذوا بالله من راس السبعين وامارة

صلى الله عليه وسلم پناه جوئيد بخدا از سر سال هفتاد واز امارة

الصبيان رواه احمد وعن جابر بن سمرة رض

خردان رواه احمد ودروايت است از جابر بن سمره رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ثلاثة

گفت شنيدم آنحضرت صلى الله عليه وسلم را كه ميفرمود سه خصلت است

اخاف على امتي الاستسقاء بالانواء وحيف السلطان

كه ميترسم برامت خود طلب كردن باران بمنازل قمر دوم جور وستم سلاطين

وتكذيب بالقدر رواه احمد وعن ابي ذر رض

وسوم انكار كردن تقدير الهي را رواه احمد ودروايت است از ابي ذر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كيف أنتم وأئمة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چگونه باشد حال شما با ائمه

من بعدي يستأثرون بهذا الفيء قلت أما والذي

بعد من که مستقل هستند باشند باین مال گفتم آگاه باشش سوگند بخدا

بعثك بالحق أضع سيفي على عاتقي ثم أضرب به حتى

که برانگیخته است ترا بحق بنهم شمشیر خود را بر گردن خود بستر میزنم بآن شمشیر تا آنکه

ألقاك قال أولا أدلك على خير من ذلك تصبر حتى

ملاقات میکنم ترا فرمود آنحضرت آیا راه نمایم ترا بر بهترین از شمشیر زدن صبر بکن تا آنکه

تلقاني رواه أبو داود وعن أبي أمامة رض

ملاقات میکنی مرا رواه ابوداود وروایت است از ابی امامه رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال إن الأمير إذا ابتغى

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت بدرستیکه امیر وقتیکه طلب کند

الريبة في الناس أفسدهم رواه أبو داود وعن أبي سعيد

شک وتهمت را در مردم تباه میکند ایشان را رواه ابوداود واز ابی سعید مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أفضل الجهاد

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین جهاد

من قال كلمة حق عند سلطان جائر رواه الترمذي

قول کسی است که میگوید کلمه حق را نزد سلطان جور کننده رواه الترمذی

وأبو داود وابن ماجة ورواه أحمد والنسائي عن

وابو داود وابن ماجه وروایت کرد احمد ونسائی از

طارق بن شهاب وعن ابن عباس رض عن النبي صلى الله

طارق بن شهاب وروایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله

۴ [illegible]

عليه وسلم قال من سكن البادية جفا ومن اتبع
عليه وسلم گفت آنحضرت کسیکه سکونت کند در بادیه سخت دل گردد وکسیکه همیشه در پی
الصيد غفل ومن أتى السلطان افتتن رواه احمد
صید رود غافل میگردد وکسیکه بیاید بسلطان را می افتد در بلا و فتنه رواه احمد
والترمذي والنسائي وفي رواية أبي داود من لزم
وترمذی ونسائی ودر روایت ابی داود این است کسیکه ملازمت کند
السلطان افتتن وما ازداد عبد من السلطان دنوا
سلطان را در فتنه افتد و زیاده نکند هیچ بنده از سلطان قرب ومنزلت
الا ازداد من الله بعدا وعن كعب بن عجرة رض
مگر آنکه زیاده میکند دوری را از خدا ودر روایت است از کعب بن عجره رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اعيذك بالله
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم در پناه خدا میدهم ترا
من امارة السفهاء قال وما ذاك يا رسول الله قال
از فرمان روائی بے خردان گفت کعب چیست امارت سفها اے پیغمبر خدا گفت آنحضرت
أمراء سيكونون من بعدي من دخل عليهم فصدقهم
امرا نزدیک که باشند بعد از من کسانیکه در آیند بر ایشان پس تصدیق کنند برای ایشان
بكذبهم واعانهم على ظلمهم فليسوا مني ولست
دروغ ایشان ویاری دهند ایشان را بظلم ایشان پس نیستند آن از من و نیستم
منهم ولم يردوا على الحوض ومن لم يدخل عليهم
از ایشان وهرگز در نیایند بر من حوض کوثر را وآنانکه در نیایند بر ایشان
ولم يصدقهم بكذبهم ولم يعنهم على ظلمهم
وتصدیق نکنند ایشان را بدروغ ایشان واعانت نکنند ایشان را بر ظلم ایشان

فَاُولٰئِكَ مِنِّیْ وَاَنَا مِنْهُمْ وَاُولٰئِكَ یَرِدُوْنَ عَلَیَّ الْحَوْضَ
پس آنکسان از من اند و من از ایشان هستم و آن کسان در می آیند بر من حوض را
رَوَاهُ التِّرْمِذِیُّ وَالنَّسَائِیُّ وَعَنْ اَبِیْ بَکْرَةَ رض قَالَ
رواه ترمذی ونسائی در روایت است از ابی بکره رض گفت
لَمَّا بَلَغَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَنَّ اَهْلَ فَارِسَ قَدْ
چون رسید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را اینکه فارسیان
مَلَّکُوْا عَلَیْهِمْ بِنْتَ کِسْرٰی قَالَ لَنْ یُّفْلِحَ قَوْمٌ
ملکه گردانیده اند بر خود دختر کسری را فرمود آنحضرت هرگز رستگار نمی شوند
وَلَّوْا اَمْرَهُمْ امْرَاَةً رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ
که والی گردانیدند در کار خود ها زنے را رواه بخاری

بَیَانُ مَا عَلَی الْقُضَاةِ

بیان آنچه بر قاضیان است

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ مَنْ جُعِلَ قَاضِیًا بَیْنَ النَّاسِ فَقَدْ ذُبِحَ بِغَیْرِ
وسلم کسیکه گردانیده شد قاضی میان مردم پس تحقیق ذبح کرده شد بے
سِکِّیْنٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ
کارد رواه احمد وترمذی وابوداود وابن ماجه
وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
مَنِ ابْتَغَی الْقَضَاءَ وَسَاَلَ وُکِلَ اِلٰی نَفْسِهٖ وَمَنْ اُکْرِهَ عَلَیْهِ
کسیکه طلب کند قضا را و سوال کند گذاشته میشود بسوی نفس وے و کسیکه اکراه کرده شد بر قضا

أنزل الله عليه ملكا يسدده رواه الترمذي وابو داود وابن ماجة

میفرستد خدا بر وی فرشته را که راست می گرداند کردار و گفتار او را رواه ترمذی و ابو داود و ابن ماجه

وعن بريدة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم القضاة

و روایت ست از بریده رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که قاضیان

ثلثة واحد في الجنة واثنان في النار فاما الذي في الجنة فرجل

سه قسم اند یکی در بهشت و دو قسم در آتش پس لیکن آن کسیکه در بهشت ست پس مردیست

عرف الحق فقضى به ورجل عرف الحق فجار في الحكم

که شناخت حق را پس حکم کرد بحق و مردی شناخت حق را پس جور کرد در حکم

فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في

پس آن کس در آتش ست و مردیکه حکم کرد برای مردم بنا بر جهل پس وی نیز در

النار رواه ابو داود وابن ماجة وعن ابي هريرة رض

آتش ست رواه ابو داود و ابن ماجه و روایت ست از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من طلب

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواهد

قضاء المسلمين حتى يناله ثم غلب عدله جوره فله

قضای مسلمان را تا آنکه بیابد او را بعد ازان غالب آید عدل او جور او را پس مر او راست

الجنة ومن غلب جوره عدله فله النار رواه ابو داود

بهشت و کسی که غالب آید جور او عدل او را پس مر او راست آتش دوزخ رواه ابو داود

وعن عائشة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت ست از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال ليأتين على القاضي العدل يوم القيمة يتمنى انه

که فرمود آن حضرت هر آینه می آید بر قاضی عادل روز قیامت آرزو می برد قاضی که ای کاش

لَمْ يَقْضِ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي تَمْرَةٍ قَطُّ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ سَعِيْدِ

حکم نمے کرد میان دو کس در یک خرما ہرگز روا احمد ✚ و روایت ست از سعید

بْنِ الْمُسَيَّبِ اَنَّ مُسْلِمًا وَيَهُوْدِيًّا اخْتَصَمَا اِلٰى عُمَرَ فَرَاَى الْحَقَّ

بن مسیب کہ مسلمان و یک یہودی خصومت کردند وآمدند بسوی عمر رضی پس دید عمر حق

لِلْيَهُوْدِيِّ فَقَضٰى لَهٗ عُمَرُ بِهٖ فَقَالَ لَهُ الْيَهُوْدِيُّ وَاللّٰهِ لَقَدْ

مر یہودی را پس حکم کرد جانب یہودی پس گفت مر عمر را یہودی بخدا سوگند ہر آئنہ

قَضَيْتَ بِالْحَقِّ فَضَرَبَهٗ عُمَرُ بِالدِّرَّةِ وَقَالَ مَا يُدْرِيْكَ

بتحقیق حکم کردی تو بحق پس زد آن یہودی را عمر رضی بدرّہ و گفت عمر رضی چہ چیز دریابد ترا کہ این

فَقَالَ الْيَهُوْدِيُّ وَاللّٰهِ اِنَّا نَجِدُ فِي التَّوْرٰىةِ اَنَّهٗ لَيْسَ قَاضٍ

پس گفت یہودی بخدا سوگند تا حق یافتیم در توریت اینکہ نیست حکم کنندہ

يَقْضِيْ بِالْحَقِّ اِلَّا كَانَ عَنْ يَمِيْنِهٖ مَلَكٌ وَعَنْ شِمَالِهٖ مَلَكٌ

کہ حکم کند بحق مگر آنکہ می باشد در جانب راست وی فرشتہ و در جانب چپ وی فرشتہ

يُسَدِّدَانِهٖ وَيُوَفِّقَانِهٖ لِلْحَقِّ مَا دَامَ عَلَى الْحَقِّ فَاِذَا تَرَكَ

دیگر کہ سداد می بخشند او را و توفیق مے دہند او را برای حق مادامیکہ آن حکم بر حق ست

الْحَقَّ عَرَجَا وَتَرَكَاهُ رَوَاهُ مَالِكٌ رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ

ما کر حق را بالا میروند آن دو فرشتہ و میگذارند او را روا مالک رحمۃ اللہ علیہ

بَابُ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَلْتَكُنْ مِّنْكُمْ اُمَّةٌ يَّدْعُوْنَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ

و باید کہ باشد از شما گروہے کہ بخوانند بسوی نیکو کارے و بفرمایند بکار پسندیدہ

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ يَا بُنَيَّ

و منع کنند از ناپسندیدہ و آن گروہ ایشانند رستگاران ❊ ای پسر من

أَقِمِ الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

برپا دار نماز را و بفرما بکار پسندیده و منع کن از ناپسندیده

وَاصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ

و صبر کن بر هرچه برسد ترا هر آئینه این مقدمه از کارهای

الْأُمُورِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ رض عَنْ

مقصود ست + در روایت ست از ابی سعید خدری رض از آنحضرت

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ رَأَى

صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه ببیند از

مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ

شما نامشروع را پس باید که تغییر دهد او را از دست خود پس اگر نتواند پس بزبان

فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذٰلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ رَوَاهُ

پس اگر نتواند پس باید که تغییر دهد بدل و این سست ترین ایمان ست رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ نُعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مسلم در روایت ست از نعمان بن بشیر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُدْهِنِ فِي حُدُودِ اللّٰهِ

صلی الله علیه وسلم حال و مثال سستی کننده در حدود شریعت

وَالْوَاقِعِ فِيهَا مَثَلُ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا سَفِينَةً فَصَارَ

و آنکه افتاده ست در حدود خدا مانند مثال حال قومی ست که نشستند در کشتی و قرعه انداختند پس

بَعْضُهُمْ فِي أَسْفَلِهَا وَصَارَ بَعْضُهُمْ فِي أَعْلَاهَا فَكَانَ الَّذِي

گشتند بعضی در درجه پست و گشتند بعضی در درجهای بلند از وی پس بود آنکه

فِي أَسْفَلِهَا يَمُرُّ بِالْمَاءِ عَلَى الَّذِي فِي أَعْلَاهَا

در پایان کشتی ست میگذشت با آب بر آنکسان که در بالای کشتی نشسته اند

فَتَأَذَّوْا بِهٖ فَأَخَذَ فَأْسًا فَجَعَلَ يَنْقُرُ أَسْفَلَ السَّفِيْنَةِ فَأَتَوْهُ

پس ازار میکشیدند بدان پس گرفت آنکس که در پایان ست تبری پس کاویدن گرفت شکستن پایان

فَقَالُوْا مَا لَكَ قَالَ تَأَذَّيْتُمْ بِيْ وَلَا بُدَّ لِيْ مِنَ الْمَاءِ فَإِنْ

پس گفتند چه شده هست ترا گفت ایذا کشیدید شما بسبب من و چاره نیست مرا از آب گرفتن پس اگر

أَخَذُوْا عَلٰى يَدَيْهِ أَنْجَوْهُ وَنَجَّوْا أَنْفُسَهُمْ وَإِنْ تَرَكُوْهُ

بگیرند و باز دارند از این کار آنرا رستگاری دهند او را و رستگاری دهند ذاتهای خود را و اگر

أَهْلَكُوْهُ وَأَهْلَكُوْا أَنْفُسَهُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

بگذارند او را هلاک میکنند او را و هلاک میگردانند ذاتهای خود را روایه بخاری و روایت ست از حذیفه

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ

بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند بخدای که بقبضه ذات من در

لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ وَلَتَنْهَوُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوْشِكَنَّ اللهُ

هر آئینه امر میکنید شما بمعروف ونهی میکنید از منکر یا نزدیک ست که خدا تعالی بفرستد

أَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ عِنْدِهٖ ثُمَّ لَتَدْعُنَّهٗ وَلَا

برشما عذابی از نزد خود پس هر آئینه دعا می کنید او را

يُسْتَجَابُ لَكُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَرِيْرِ بْنِ

وقبول کرده نشود دعا شما را روایه ترمذی و روایت ست از جریر بن

عَبْدِ اللهِ رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عبدالله رضـ گفت شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يَقُوْلُ مَا مِنْ رَجُلٍ يَكُوْنُ فِيْ قَوْمٍ يَعْمَلُ فِيْهِمْ بِالْمَعَاصِيْ

که میگفت نیست هیچ مردی که میباشد در قومی که میکند آنمرد در ایشان گناهان

يَقْدِرُوْنَ عَلٰى أَنْ يُّغَيِّرُوْا عَلَيْهِ وَلَا يُغَيِّرُوْنَ إِلَّا أَصَابَهُمُ اللهُ

قدرت دارند آنقوم بر تغیر دادن بر آن مرد و تغیر نمیدهند مگر برساند خدا آن قوم را

اللهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ قَبْلَ اَنْ يَمُوْتُوْا رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ

خدایتعالی از جهت آن عذاب پیش از انکه بمیرند رواه ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ عَدِيِّ بْنِ عَدِيٍّ الْكِنْدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مَوْلًى لَّنَا

و روایت ست از عدے بن عدی الکندے گفت عدی حدیث کرد مارا مولائے کہ بود ما را

اَنَّهُ سَمِعَ جَدِّيْ يَقُوْلُ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

که وی شنید جد مرا که میگفت شنیدم پیغمبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ حَتّٰى

وسلم را که میفرمود که خدایتعالے عذاب نمی کند اکثر قوم را بعمل چند مردم خاص ایشان تا آنکه

يَرَوُا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانَيْهِمْ وَهُمْ قَادِرُوْنَ عَلٰى اَنْ يُّنْكِرُوْهُ

ببینند عامه نامشروعی را میان خود حال آنکه ایشان می توانند که انکار کنند

فَلَا يُنْكِرُوْا فَاِذَا فَعَلُوْا ذٰلِكَ عَذَّبَ اللهُ تَعَالٰى الْعَامَّةَ

پس انکار نکنند و تغیر ندهند آنرا پس چون کنند این را عذاب میکند خدایتعالے عامه را

وَالْخَاصَّةَ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنِ الْعُرْسِ بْنِ

و خاصه را رواه در شرح السنه و روایت است از عرس ابن

عُمَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا عُمِلَتِ

عمیره رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود چون کرده شود

الْخَطِيْئَةُ فِي الْاَرْضِ مَنْ شَهِدَهَا فَكَرِهَهَا كَانَ كَمَنْ

گناه در زمین هر که حاضر بود آنرا پس ناخوش دارد آنرا باشد همچو کسے که

غَابَ عَنْهَا وَمَنْ غَابَ عَنْهَا فَرَضِيَهَا كَانَ كَمَنْ شَهِدَهَا

غایب است از ان و هر که غائب بود از ان پس راضی شود از ان باشد همچو کسیکه حاضر آنرا

رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ اَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِّنْ اَصْحَابِ

رواه ابوداود و روایت است از ابی البختری رض از مردے از یاران

النبي صلى الله عليه وسلم قال قال رسول الله صلى الله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم لن يهلك الناس حتى يعذروا من انفسهم

علیه وسلم هرگز هلاک نشوند مردم تا آنکه بسیار شود گناهان و عیبهای ایشان از ذاتهای ایشان

رواه ابوداود وعن عبد الله بن مسعود رض قال قال

رواه ابو داود و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لما وقعت بنو اسرائيل

آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگامی که افتادند بنی اسرائیل

في المعاصي نهتهم علماؤهم فلم ينتهوا فجالسوهم

در معصیتها باز داشتند ایشان را دانشمندان ایشان پس باز نماندند پس نشستند دانشمندان

وآكلوهم وشاربوهم فضرب الله قلوب بعضهم ببعض

و خوردند و نوشیدند با ایشان پس خلط کرد خدا تعالی دلهای بعض ایشان به بعض

فلعنهم الله على لسان داود وعيسى بن مريم ذلك

پس لعنت کرد بنی اسرائیل را خدا بر زبان داود و عیسی بن مریم علیهما السلام این لعنت

بما عصوا وكانوا يعتدون قال فجلس رسول الله صلى

بسبب تجاوز کردن ایشان بود از حد و گفت ابن مسعود پس نشست آنحضرت صلی

الله عليه وسلم وكان متكئا فقال لا والذي نفسي بيده

الله علیه وسلم و بود تکیه کرده پس فرمود بخدا سوگند تا آنکه بپیچید ایشان را

حتى تأطروهم اطرا رواه الترمذي وعن جابر رض

بپیچید سوی دیگر بپیچیدن دستهای ایشان و هم گیند رواه ترمذی و روایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اوحى الله عز وجل

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی فرستاد خدای تعالی

إلى جبرئيل عليه السلام أن اقلب مدينة كذا وكذا بأهلها

بسوے جبرئیل علیه السلام که برهم زن وگردان شهر چنین وچنین را با اهل شهر

فقال يا رب إن فيهم عبدك فلانا لم يعصك طرفة عين

پس گفت جبرئیل اے پروردگار درمیان اهل این شهر فلان بنده تست که معصیت نکرده آنرا

قال فقال اقلبها عليه وعليهم فإن وجهه لم يتمعر

گفت جبرئیل پس فرمود پروردگار گردان وبرهم زن آن بلده را برو وبر همه ایشان زیراکه روے آن بنده متغیر

في ساعة قط رواه البيهقي في شعب الإيمان

از جهت من یکساعت هرگز روایت کرد بیهقی در شعب ایمان

باب الظلم

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

هر آئینه خدا بدل نمیکند حالتے را که بقومے باشد تا وقتیکه ایشان بدل کنند آنچه در ضمیر ایشان است

إن الله لا يظلم الناس شيئا ولكن الناس أنفسهم يظلمون

هر آئینه خدا هیچ ظلم نه کند بر مردمان ولیکن مردمان بر خویشتن ستم میکنند

إن الله لا يظلم مثقال ذرة وإن تك حسنة يضاعفها

هر آئینه خدا ظلم نمیکند وزن ذره واگر آن عمل نیکی باشد دو چند ان میکند آنرا

ويؤت من لدنه أجرا عظيما ولو يؤاخذ الله الناس

وبدهد از نزدیک خود مزد بزرگ واگر گرفتار کند خدا مردمان را

بظلمهم ما ترك عليها من دابة ولكن يؤخرهم إلى أجل

بسبب ستم ایشان نگذارد بر زمین هیچ جنبنده ولیکن تاخیر میکند ایشان را تا وقت

مسمى فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

مقرر پس چون برسد آن وقت مقرر ایشان بلز نمانند ساعتے ونه پیش روند

عن ابن عمر رضه ان النبي صلى الله عليه وسلم قال الظلم

و روایت است از ابن عمر رضه هر آئینه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که ظلم کردن

ظلمات يوم القيمة متفق عليه وعن ابي هريرة رضه

سبب تاریکی است روز قیامت متفق علیه و روایت است از ابی هریره رضه

انه سمع رجلا يقول ان الظالم لا يضر الا نفسه فقال

که وے شنید مردے را که میگوید ظالم زیان نمیکند مگر نفس خود را پس گفت

ابو هريرة رضه بلى والله حتى الحبارى لتموت في وكرها

ابو هریره رضه آرے بخدا سوگند زیان میکند تا آنکه جبارے هر آئینه میرد

هزلا لظلم الظالم رواه البيهقي في

در آشیانه خود از لاغرے بسبب ظلم ظالم روایت کرد بیهقی این هر چهار حدیث را در

شعب الايمان وعن اوس بن شرحبيل انه سمع

شعب الایمان و روایت است از اوس بن شرحبیل رضه که وے شنید

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من مشى مع ظالم

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه برود با ظالم

ليقويه وهو يعلم انه ظالم فقد خرج من الاسلام

تا تقویت کند او را و حال آنکه آنکس میداند که وے ظالم است این کس بیرون آمد از اسلام

وعن علي رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از علی رضه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اياك ودعوة المظلوم فانما يسأل الله حقه وان الله

دور دار خود را از دعاے مظلوم زیرا که وے طلب میکند از خدا حق خود را و تحقیق خدا

لا يمنع ذا حق حقه وعن ابي امامة رضه ان رسول الله

منع نمیکند از صاحب حق حق او را و روایت است از ابی امامه رضه که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من شر الناس منزلة يوم القيمة
صلے الله عليه وسلم فرمود از بدترين مردم از روے مرتبہ نزد خدا روز قيامت
عبد اذهب اخرته بدنيا غيره رواه ابن ماجة وعن
بنده ايست كه ضايع كرد آخرت خود را بسبب دنياى غير خود رواه ابن ماجه و روايت است از
عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الدواوين
عائشه رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله عليه وسلم دواوين
ثلثة ديوان لا يغفر الله الاشراك بالله يقول الله عز وجل
سه است يكى صحيفه ايست كه نمى آمرزد خدا وآن شريك گردانيدن كسے را بخدا ميگويد خدا عز وجل
ان الله لا يغفر ان يشرك به وديوان لا يتركه الله
كه خدا تعالى نمى آمرزد شرك را وديوان دوم صحيفه ايست كه مهمل ميگذارد آنرا خدا
ظلم العباد فيما بينهم حتى يقتص بعضهم من بعض
وآن ظلم بندگان است درميان يكديگر تا آنكه قصاص بستانند بعضے ازيشان از بعضے
وديوان لا يعبأ الله به ظلم العباد فيما بينهم وبين الله
وصحيفه سوم است كه باك ندارد خدا بآن وآن ظلم بندگان است ميان خود وميان خدا
فذلك الى الله ان شاء عذبه وان شاء تجاوز عنه وعن
پس آن موكول است بارادت الهى اگر خواهد عذاب كند بنده را واگر خواهد تجاوز كند از آن واز
ابى موسى رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله
ابى موسے رض مرويست گفت فرمود آنحضرت صلے الله عليه وسلم بدرستيكه خدا
ليملى الظالم حتى اذا اخذه لم يفلته ثم قرأ وكذلك
هر آئينه مهلت ميدهد ظالم را تا آنكه وقتيكه بگيرد او را نمى گذارد او را بس خواند وهمچنين است
اخذ ربك اذا اخذ القرى وهى ظالمة الاية متفق عليه
گرفتن پروردگار تو چون بگيرد قريه ها را كه ظالم اند تا آخر آيه متفق عليه

ديوان صحائف اعمال
ديوان سيئات
مشرك ومتعلق بحقوق العباد
البته معاف نمى شود
وحقوق الله
ممكن است مغفرت
نامى ومستحب
هست

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلِمَةٌ لِأَخِيْهِ مِنْ عِرْضِهِ أَوْ شَيْءٍ فَلْيَتَحَلَّلْهُ

ہر کہ باشد مراو را مظلمہ مر برادر مسلمان را از آبروے کہ ریختہ یا از چیزے دیگر پس باید کہ بحلی خواہد

مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُوْنَ لَهُ دِيْنَارٌ وَّلَا دِرْهَمٌ إِنْ كَانَ لَهُ

از وے امروز پیش از آنکہ نباشد مراو را دینارے و نہ درہم اگر باشد او را

عَمَلٌ صَالِحٌ أُخِذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلِمَتِهِ وَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُ حَسَنَاتٌ

عمل نیک گرفتہ شود از وے باندازہ ظلم او و اگر نباشد مراو را نیکیہا

أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَحُمِلَ عَلَيْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

گرفتہ شود از بدیہای صاحب وے پس بر داشتہ شود برو رواه البخاری وہم از وے مرویست

أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَتَدْرُوْنَ مَا الْمُفْلِسُ قَالُوا

کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود مر صحابہ را آیا درمی یابید کہ مفلس کیست گفتند

الْمُفْلِسُ فِيْنَا مَنْ لَّا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ فَقَالَ إِنَّ الْمُفْلِسَ

کہ مفلس درمیان ما کسے است کہ نیست درہم مراو را و نہ متاع پس فرمود آنحضرت مفلس

مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَّأْتِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِصَلٰوةٍ وَّصِيَامٍ وَّزَكٰوةٍ

از امت من کسے است کہ بیاید روز قیامت بنماز و روزہ و زکوۃ

وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هٰذَا وَقَذَفَ هٰذَا وَأَكَلَ مَالَ هٰذَا وَسَفَكَ

و بیاید آنکس بانحالت کہ دشنام کردہ است این را و نسبت بزنا کرد این را و خورد مال این و ریخت

دَمَ هٰذَا وَضَرَبَ هٰذَا فَيُعْطٰى هٰذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَهٰذَا مِنْ

خون این را و زد این را پس دادہ می شود این شخص کہ دشنام خوردہ از نیکیہای وے و این شخص

حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُّقْضٰى مَا عَلَيْهِ أُخِذَ

از نیکیہای وے پس اگر فانی شود نیکیہای او پیش از آنکہ حکم کردہ شود بجزای آنچہ بروے است گرفتہ شود

در حاشیہ: یعنی پس باید کہ طلب کند از مظلوم حلال گردانیدن آن را

مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

از گناهان مظلومان پس انداخته شود بر ظالم پستر انداخته شود در آتش رواه مسلم

وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَتُؤَدُّنَّ

و هم از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر آئینه ادا کرده شود

الْحُقُوقَ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجَلْحَاءِ

حقها بسوے اهل حقوق روز قیامت تا آنکه قصاص گرفته می شود برائے گوسفند بے شاخ

مِنَ الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض أَنَّهُ

از گوسفند شاخ دار رواه مسلم و روایت است از معاویه رض که وے

كَتَبَ إِلَى عَائِشَةَ رض أَنِ اكْتُبِي إِلَيَّ كِتَابًا تُوصِينِي فِيهِ

بسوے عائشه صدیقه نوشت که بنویس برائے من مکتوبے که وصیت کنی مرا دران

وَلَا تُكْثِرِي فَكَتَبَتْ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي سَمِعْتُ

و زیادتی نکن پس نوشت عائشه رض سلام علیک لیکن بعد از سلام پس تحقیق شنیدم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنِ الْتَمَسَ رِضَاءَ اللهِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود کسیکه طلب کند خوشنودی خدا

بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللهُ مُؤْنَةَ النَّاسِ وَمَنِ الْتَمَسَ

با عدم خوشنودی مردم کفایت کند او را خدا تعالی بار گرانی مردم را و هر که طلب کند

رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللهِ وَكَلَهُ اللهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ

خوشنودی مردم را به ناخوشنودی خدا بگذارد او را خدا بسوے مردم والسلام

عَلَيْكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ حُبْشِيٍّ رض

بر تو رواه ترمذی و روایت است از عبدالله بن حبشی رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ببرد درخت کنار را

صَوَّبَ اللّٰهُ رَأْسَهٗ فِي النَّارِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَقَالَ هٰذَا الْحَدِيْثُ

واژگون گرداند خدا سر او را در آتش دوزخ رواه ابوداود وگفته است ابوداود این حدیث

مُخْتَصَرٌ يَعْنِيْ مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً فِيْ فَلَاةٍ يَسْتَظِلُّ بِهَا

مختصر است یعنی تمام حدیث اینست کسیکه ببرد سدره را در دشت که پناه میجوید بسایه او

اِبْنُ السَّبِيْلِ وَالْبَهَائِمُ عَبَثًا وَظُلْمًا بِغَيْرِ حَقٍّ يَكُوْنُ لَهٗ

مسافر وحیوانات از روی ستم وبغیر حقی که باشد مرآنکسے را

فِيْهَا صَوَّبَ اللّٰهُ رَأْسَهٗ فِي النَّارِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ بَابُ الشُّفْعَةِ

در آن سدره حقی نگون گرداند سر او را خدا در آتش دوزخ رواه ابوداود در باب شفعه

مش وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مشکات وروایت است از ابن عمر رض که بتحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَمَّا مَرَّ بِالْحِجْرِ قَالَ لَا تَدْخُلُوْا مَسَاكِنَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ

هرگاه میگذشت مقام حجر فرمود داخل مشوید سکونت گاه کسانیرا که ظلم کردند برجانهای خود

اِلَّا اَنْ تَكُوْنُوْا بَاكِيْنَ اَنْ يُّصِيْبَكُمْ مَا اَصَابَهُمْ ثُمَّ قَنَّعَ

مگر آنکه باشید شما گریه کنان بخوف اینکه برسد شمارا آنچه رسیده است ایشانرا بپوشید

رَأْسَهٗ وَاَسْرَعَ السَّيْرَ حَتّٰى اجْتَازَ الْوَادِيَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

سر خود را وبزود میرفت تا آنکه تجاوز نمود آن صحرا را متفق علیه

بَابُ الْغَضَبِ وَالْكِبْرِ

این باب در مذمت غضب وتکبر است

وَالَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبَائِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَاِذَا مَا

وبرای آنانکه پرهیز میکنند از گناهان کبیره واز بیحیائی ها وچون

غَضِبُوْا هُمْ يَغْفِرُوْنَ ۝ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

بخشم می آیند ایشان می آمرزند ومتاب رخساره خود را از طرف مردمان

سه جز ۲۱ رکوع ۱۱

وَلَا تَمْشِ فِی الْاَرْضِ مَرَحًا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ
و راه مرو در زمین خرامان هر آئینه خدا دوست نمیدارد هر نازنده خود
فَخُوْرٍ ه وَاقْصِدْ فِیْ مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ
ستاینده را و میانه روی کن در رفتار خود و پست کن آواز خود را
اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيْرِ ه وَسَارِعُوْا اِلٰى مَغْفِرَةٍ
هر آئینه بدترین آواز هر آئینه آواز خران باشد و شتاب کنید بسوی آمرزش
مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ
از پروردگار خود و بسوی بهشتی که پهنائی آن مانند آسمانها و زمین است آماده کرده شده
لِلْمُتَّقِيْنَ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ فِی السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْكَاظِمِيْنَ
برای پرهیزگاران آنانکه خرج میکنند در آسایش و سختی و فرو خورندگان
الْغَيْظَ وَالْعَافِيْنَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ه اِنَّ اللّٰهَ
خشم و عفو کنندگان از مردمان و خدا دوست میدارد نیکوکاران را هر آئینه خدا
لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُوْرًا ه عَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ
دوست نمیدارد کسی را که باشد متکبر خود ستاینده و از ابن عمر رض مرویست گفت
قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَجَرَّعَ عَبْدٌ اَفْضَلَ عِنْدَ
فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرو نبرد و نیاشامید نزد رب تعالی هیچ بنده فاضل
اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ يَكْظِمُهَا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللّٰهِ تَعَالٰى
خدای بزرگ و بلند از جرعه خشمی که فرو برده آنرا از جهت طلب خوشنودی خدای تعالی
رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيْمٍ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ رض
روایه احمد و روایت است از بهز بن حکیم از پدر خود و او از جد وی
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الْغَضَبَ لَيُفْسِدُ الْاِيْمَانَ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خشم گرفتن هر آئینه تباه میگرداند

كَمَا يُفْسِدُ الصَّبِرُ الْعَسَلَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

چنانکه تباه میگرداند صبر شهد را ودروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ گفت موسی بن عمران علیہ

السَّلَامُ يَا رَبِّ مَنْ أَعَزُّ عِبَادِكَ عِنْدَكَ قَالَ مَنْ إِذَا قَدَرَ غَفَرَ

السلام اے پروردگار من کیست عزیز ترین بندگان نزد تو فرمود عزیز ترین بندگان

وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ

وروایت است از انس رض کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ

خَزَنَ لِسَانَهُ سَتَرَ اللهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ كَفَّ غَضَبَهُ كَفَّ اللهُ

نگاه دارد زبان خود را از عیب مردم بپوشد خدا تعالی عیب او را وکسیکہ فرو خورد خشم خود را باز

عَنْهُ عَذَابَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنِ اعْتَذَرَ إِلَى اللهِ قَبِلَ اللهُ

ازان کس عذاب خود را روز قیامت وکسیکہ عذر خواہی کند بسوے خدا بپذیرد خدا

عُذْرَهُ رَوَى الْأَحَادِيثَ الثَّلَاثَةَ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

عذر او را روایت کرد این ہر سہ حدیث را بیہقی در شعب ایمان

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از ابی ذر رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

قَالَ إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنْ ذَهَبَ عَنْهُ

فرمود چون بخشم آید یکے از شما حال آنکہ وی ایستادہ است پس باید کہ بنشیند پس اگر رفت ازان

الْغَضَبُ وَإِلَّا فَلْيَضْطَجِعْ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

خشم بہتر ورنہ باید کہ بر پہلو بخسپد رواہ احمد و الترمذی وروایت است از

عَطِيَّةَ بْنِ عُرْوَةَ السَّعْدِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

عطیہ بن عروہ سعدے رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ

علیه وسلم بدرستیکه خشم کردن از شیطان است و بدرستیکه شیطان پیدا کرده شده

مِنَ النَّارِ وَإِنَّمَا يُطْفَأُ النَّارُ بِالْمَاءِ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ

از آتش و سرد کرده نمی شود آتش مگر بآب پس چون بخشم آید یکے از شما

فَلْيَتَوَضَّأْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ

باید که وضو بسازد رواه ابو داؤد و روایت است از ابی هریره رض که

رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْصِنِي قَالَ لَا تَغْضَبْ

مردی گفت مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که وصیت کن مرا فرمود خشم مگیر

فَرَدَّدَ ذَلِكَ مِرَارًا قَالَ لَا تَغْضَبْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

پس باز گردانید آمرد آن قول را فرمود خشم مگیر رواه بخاری وهم ازوے مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ

گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم نیست زبردست آنکس مردم را بر زمین

إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بلکه زبردست آنست که مالک باشد نفس خود را وقت غضب متفق علیه

وَعَنْ حَارِثَةَ بْنِ وَهْبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از حارثه بن وهب رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ كُلُّ ضَعِيفٍ مُتَضَعَّفٍ

علیه وسلم آیا خبر ندهم شما را باهل بهشت هر ضعیف که حقیری پندارند مردم او را

لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللهِ لَأَبَرَّهُ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ كُلُّ عُتُلٍّ

اگر سوگند خورد بر خدا راست گوی میگرداند حق تعالی او را آیا خبر ندهم شما را باهل دوزخ هر خصومت کننده

جَوَّاظٍ مُسْتَكْبِرٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

بباطل بخیل و متکبر متفق علیه و روایت است از ابن مسعود رض گفت

عمل رقم ۱۴

یعنی مجهول و ناتوان نماید ...

ومیکند یعنی ... هر دو بخیل ...

خصومت کننده ...

... جمع کننده ...

... ناشکر ...

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يدخل النار احد

فرمود آنحضرت صلى الله علیه وسلم در نمی آید دوزخ را هیچ یکی

في قلبه مثقال حبة من خردل من ايمان ولا يدخل الجنة

که در دل وی مقدار دانه خردل از ایمان باشد و در نمی آید بهشت را

احد في قلبه مثقال حبة من خردل من كبر رواه مسلم

هیچ یکی که در دل وی مقدار دانه خردل است از کبر رواه مسلم

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله علیه

وسلم ثلثة لا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم

وسلم سه کس اند که سخن نمیکند خدای تعالی با ایشان روز قیامت و ثنا نمیگوید بر ایشان

وفي رواية ولا ينظر اليهم ولهم عذاب اليم شيخ زان

و در روایتی این نیز آمده است و نظر نمیکند بسوی ایشان و مر ایشانرا عذاب دردناک است یکی پیر زانی

وملك كذاب وعائل مستكبر رواه مسلم وعن

دوم پادشاه دروغ گوینده سوم درویش تکبر کننده رواه مسلم و روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله علیه وسلم میفرماید

الله تعالى الكبرياء ردائي والعظمة ازاري فمن نازعني

خدایتعالی کبریا چادر من و عظمت ازار من است پس کسیکه نزاع کند

واحدا منهما ادخلته النار وفي رواية قذفته في النار

و مشارکت جوید بمن در یکی از این هر دو صفت داخل میکنم او را در آتش دوزخ و در روایتی بجای ادخلته قذفته

رواه مسلم وعن عمرو بن شعيب عن ابيه عن جده

رواه مسلم و روایت است از عمرو بن شعیب او از پدر خود و او از جد خود

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال يحشر المتكبرون

از آنحضرت صلى الله عليه وسلم روايت مى كند كه فرمود آنحضرت برانگيخته شوند

أمثال الذر يوم القيمة في صور الرجال يغشاهم

مانند مورچهاى خرد در روز قيامت در صورت مردان بگيرد پوشد ايشان را

الذل من كل مكان يساقون الى سجن في جهنم يسمى

خوارى از هر جا و هر سو رانده شوند بسوى زندانى در دوزخ كه ناميده شود

بولس تعلوهم نار الانيار يسقون من عصارة أهل النار

آن زندان بولس غلبه ميكند ايشان را آتش دوزخ كه آتش آتشهاست نوشانيده ميشوند ايشان را از

طينة الخبال رواه الترمذي وعن أسماء بنت عميس

ازرد آب وريم وخون داه ترمذى رح واز اسماء بنت عميس رض مرويست

قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول بئس

گفت شنيدم من آنحضرت صلى الله عليه وسلم را كه ميگفت بد

العبد عبد تخيل واختال ونسي الكبير المتعال بئس

بنده هست بنده كه بر خود زعم كبر كرد و خود را نيك خيال كرده و فراموش كرد خداوند بزرگ بلند قدر را بد

العبد عبد تجبر واعتدى ونسي الجبار الاعلى بئس

بنده هست بنده كه جبر نمود وظلم وفساد از حد در گذشت فراموش كرد خداوند جبار را كه بلند قدر است بد

العبد عبد سها ولها ونسي المقابر والبلى بئس العبد

بنده هست بنده كه فراموش كرد و مشغول شد بلهو ولعب فراموش كرد مقبرها را و پوسيدگى بدن را و بد بنده است

عتا وطغى ونسي المبتدأ والمنتهى بئس العبد عبد يختل الدنيا بالدين

كه از حد در گذشت و سركشى كرد و فراموشى كرد آغاز حال و انتهاى حال خود را بد بنده است آن بنده كه فريب ميدهد دنيا را بدين

بئس العبد يختل الدين بالشبهات بئس العبد

بد بنده هست بنده كه فريب ميدهد دين را بشبهات بد بنده هست

عَبْدُ طَمَعٍ يَقُودُهُ بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدُ هَوًى يُضِلُّهُ بِئْسَ الْعَبْدُ
بنده که طمع و حرص می کند او را بر در ارباب دنیا بد بنده ایست بنده که هوای نفس گمراه می گرداند او را بد
عَبْدُ رَغَبٍ يُذِلُّهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ
بنده ایست بنده که رغبت در دنیا خوار میکند او را روایت کرد ترمذی و بیهقی در شعب ایمان گفت بیهقی
قَالَ لَيْسَ إِسْنَادُهُ بِالْقَوِيِّ وَعَنْ عُمَرَ رض قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ
نیست اسناد این حدیث قوی و از امیر المومنین عمر رض مرویست گفت وقتیکه وی بر منبر بود
يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوَاضَعُوا فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
ای مردمان تواضع کنید زیرا که من شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه
وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ اللّٰهُ فَهُوَ فِي نَفْسِهِ صَغِيرٌ
وسلم که می گفت کسیکه تواضع کند با مردم از برای خدا بلند گرداند خدا مر شان او را پس آنکس در نفس خود
وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللّٰهُ فَهُوَ فِي أَعْيُنِ
و در چشمان مردم بزرگست و کسیکه تکبر کند فرو نهد خدا مر شان او را پس او در چشم
النَّاسِ صَغِيرٌ وَفِي نَفْسِهِ كَبِيرٌ حَتَّى لَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِمْ مِنْ كَلْبٍ
مردم حقیر ست و در نفس خود بزرگست تا آنکه هر آئینه وی سبکتر ست بر مردم از سگ
أَوْ خِنْزِيرٍ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
یا خوک و از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ وَثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ فَأَمَّا
علیه وسلم فرمود سه خصلت رستگاری دهنده است از عذاب و سه خصلت هلاک کننده است
الْمُنْجِيَاتُ فَتَقْوَى اللّٰهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ فِي
اما خصلتهای نجات دهنده یکی از آن پس پرهیزگاری از خدا است پنهان و آشکارا دوم گفتن براستی در
الرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ
خوشنودی و ناخوشنودی سوم میانه روی در توانگری و درویشی اما خصلتهای هلاک کننده

فهوى متبع وشح مطاع واعجاب المرء بنفسه وهي اشد

یکی هوای نفس که پیروی کرده شده است آن را دوم بخل حرص اطاعت کرده شده سوم معجب بودن مرد بنفس

هن رواه البيهقي الاحاديث الخمسة في شعب الايمان

بدترین خصلت‌هاء مذکوره است روایت کرد این احادیث پنج را بیهقی در شعب ایمان

كتاب الجهاد الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا

کتاب در جهاد آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

في سبيل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله

در راه خدا باموال خویشتن و جان خویش بزرگتر اند در مرتبه نزدیک خدا

واولئك هم الفائزون يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان

و اینجماعت ایشانند مطلب یابان + مژده میدهد ایشانرا پروردگار ایشان برحمت از نزدیک خود

وجنت لهم فيها نعيم مقيم خالدين فيها ابدا ان الله

و بوستانها که ایشانرا در انجا نعمت دایم بود باشندگان انجا همیشه هر آئینه

عنده اجر عظيم ان عدة الشهور عند الله اثنا

نزد خدا مزد بزرگ است هر آئینه شمار ماهها نزدیک خدا

عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والارض

دوازده ماه ست در کتاب خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین

منها اربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا

از الجمله چهار ماه ست حرام اینست دین درست پس ستم مکنید

فيهن انفسكم وقاتلوا المشركين كافة كما

درآن ماه ها برخویشتن و جنگ کنید با مشرکان همه ایشان چنانکه ایشان

يقاتلونكم كافة واعلموا ان الله مع المتقين

جنگ می کنند با شما همه شما و بدانید که خدا با متقیان ست +

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَا لَكُمْ اِذَا قِيْلَ لَكُمُ انْفِرُوْا

اى مسلمانان چيست شمارا كه چون شما گفته شود بيرون آئيد

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ اَرَضِيْتُمْ

در راه خدا گران شده ميل كنيد بسوى زمين آيا رضا شديد

بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْاٰخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

بزندگانى دنيا عوض آخرت پس نيست متاع زندگانى دنيا

فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا قَلِيْلٌ اِلَّا تَنْفِرُوْا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا

در برابر آخرت مگر اندكى اگر بيرون نيائيد عذاب كند شمارا عذابى

اَلِيْمًا وَّيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوْهُ شَيْئًا وَاللّٰهُ

دردناك و بدل شما گيرد قومى را بجز شما و هيچ زيان نرسانيد خدارا و خدا

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ يٰاَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ

بر همه چيز توانا ست اى پيغامبر جهاد كن

الْكُفَّارَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ

با كافران و با منافقان و درشتى كن بر ايشان و جاى ايشان دوزخ است

وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِهٖ

و وى بد جاى است هر آئينه خدا دوست ميدارد آنهارا كه جنگ ميكنند در راه خدا

صَفًّا كَاَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوْصٌ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ

صف زده گويا كه ايشان عمارتى هستند محكم با يكديگر چسپيده لازم كرده شد بر شما جنگ

وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسٰى اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْئًا وَّهُوَ خَيْرٌ

و آن دشوار است بر شما و شايد كه شما ناخوش داريد چيزيرا حال آنكه وى بهتر باشد

لَّكُمْ وَعَسٰى اَنْ تُحِبُّوْا شَيْئًا وَّهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ

شمارا و شايد دوست داريد چيزيرا حال آنكه وى بد باشد شمارا و خدا ميداند و شما نميدانيد

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُقَاتِلُوْنَ
مومنان کارزار میکنند در راه خدا وکافران می جنگند
فِيْ سَبِيْلِ الطَّاغُوْتِ فَقَاتِلُوْا اَوْلِيَاءَ الشَّيْطٰنِ اِنَّ كَيْدَ
در راه معبود باطل پس جنگ کنید با دوستان شیطان هر آئینه حیله
الشَّيْطٰنِ كَانَ ضَعِيْفًا ۝ اَيْنَمَا تَكُوْنُوْا يُدْرِكْكُّمُ الْمَوْتُ
شیطان سست است هرجا که باشید دریابد شمارا مرگ
وَلَوْ كُنْتُمْ فِيْ بُرُوْجٍ مُّشَيَّدَةٍ ۝ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِيْنَ
اگرچه باشید در محلهاے محکم وافزون داده است خدا مجاهدان را
عَلَى الْقٰعِدِيْنَ اَجْرًا عَظِيْمًا دَرَجٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَّرَحْمَةً
نسبت نشینندگان مزد بزرگ درجها از جانب خویش وآمرزش وبخشایش
وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۝ وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يَجِدْ
وهست خدا آمرزنده مهربان وهرکه ترک وطن بکند در راه خدا بیابد
فِي الْاَرْضِ مُرٰغَمًا كَثِيْرًا وَّسَعَةً وَمَنْ يَّخْرُجْ مِنْ بَيْتِهٖ
در زمین اقامت گاه بسیار وفراخی معیشت وهرکه بیرون رود از خانه خود
مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ
هجرت کنان بسوے خدا وپیغامبر او پس دریابد او را موت پس بتحقیق ثابت شد
اَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۝ ع ٠
مزد او بر خدا وهست خدا آمرزنده مهربان روایت است از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم
مَثَلُ الْمُجَاهِدِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ
حال جهاد کننده در راه خدا همچو حال روزه دارنده شب بیدار

القانت بآيات الله لا يفتر من صيام ولا صلوة حتى

طاعت كننده وقيام نماينده بآيات خداست كه سست نميشود آن صائم از صيام وقيام تا آنكه

يرجع المجاهد في سبيل الله متفق عليه وعنه قال

باز گردد جهاد كننده در راه خدا متفق عليه وهم از ابي هريرة مرويست گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم انتدب الله لمن خرج

كه فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم ضامن شد خدا تعالى هر كسى را كه بيرون آمده

في سبيله لا يخرجه الا ايمان بي وتصديق برسلي

بجهاد در حاليكه بيرون نمى آرد او را مگر ايمان بمن وراست گو دانستن پيغمبران مرا

ان ارجعه بما نال من اجر او غنيمة او ادخله الجنة متفق عليه

كه باز گردانم او را بآنچه يافته است از ثواب آخرت يا غنيمت يا در مى آرم او را در بهشت

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم والذي

وهم از وى مرويست گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بخدا سوگند كه

نفسي بيده لولا ان رجالا من المؤمنين لا تطيب انفسهم

اگر نمى بود ترس آنكه مردانى از مسلمانان خوش نمى شود نفسهاى ايشان

ان يتخلفوا عني ولا اجد ما احملهم عليه ما تخلفت

كه وا پس مانند وجدا شوند از من ونمى يابم آنكه بآن چيزى كه سوار كنم ايشان را بران

عن سرية تغزو في سبيل الله والذي نفسي بيده لوددت

از هر فوجى كه جنگ ميكند در راه خدا وبخدا سوگند كه جان من بدست اوست دوست ميدارم

ان اقتل في سبيل الله ثم احيى ثم اقتل ثم احيى ثم

كه كشته شوم در راه خدا پس زنده گردانيده شوم پس باز كشته شوم پس باز زنده گردانيده شوم

اقتل ثم احيى ثم اقتل متفق عليه وعن سهل

كشته شوم باز زنده گردانيده شوم پس كشته شوم متفق عليه ومرويست از سهل

بن سعد رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رباط

بن سعد رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نگاهداشتن سرحد اسلام

يوم في سبيل الله خير من الدنيا وما عليها متفق عليه

یک روز سرحد در راه خدا بهتر است از دنیا و هرچه بر دنیا است متفق علیه

وعن انس رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از انس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لغدوة في سبيل الله او روحة خير من الدنيا وما فيها

هر آئینه یک بامداد سیر کردن در راه خدا یا یک شبانگاه بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا است

متفق عليه وعن سلمان الفارسي رضـ قال سمعت

متفق علیه و روایت است از سلمان فارسی رضـ گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم رباط يوم وليلة خير من

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود که رباط یک روز و شب بهتر است از

صيام شهر وقيامه وان مات جرى عليه عمله الذي كان

روزه یکماه و شب بیداری آن و اگر بمیرد روان میگردد بروی ثواب عمل وی که بود

يعمله واجري عليه رزقه وامن الفتان رواه مسلم

عمل میکرد او را پاینده می شود بروی رزق وی و ایمن میگردد از فتنه اندازنده که فرشته عذاب قبر است رواه

وعن ابي عبس رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی عبس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما اغبرت قدما عبد في سبيل الله فتمسه النار رواه البخاري

گرد آلوده نگردد دو پای هیچ بنده در راه خدا پس مساس کند او را آتش دوزخ رواه بخاری

وعن ابي هريرة رضـ ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رضـ که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ لَا يَجْتَمِعُ الْكَافِرُ وَقَاتِلُهُ فِي النَّارِ أَبَدًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

فرمود جمع نمی شود کافر و کشندهٔ کافر در آتش دوزخ همیشه رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رضا گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يُكْلَمُ أَحَدٌ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكْلَمُ

وسلم مجروح گردانیده نمی شود هیچ یکے در راه خدا و خدا دانا تر است بکسے که مجروح گردانیده می

فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَجُرْحُهُ يَثْعَبُ دَمًا اللَّوْنُ

در راه وے مگر آنکه می آید روز قیامت و حال آنکه جراحت او میریزد خون رنگ رنگ

لَوْنُ الدَّمِ وَالرِّيحُ رِيحُ الْمِسْكِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

خون و بوے بوے مشک متفق علیه و روایت است از

أَبِي مُوسٰى رضـ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی موسی رضا گفت آمد مردے بسوے آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَقَالَ الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلْمَغْنَمِ وَالرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلذِّكْرِ وَالرَّجُلُ

پس گفت آمرزد مردے قتال میکند برای غنیمت و مردی قتال میکند برای نام و مردے

يُقَاتِلُ لِيُرٰى مَكَانُهُ فَمَنْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ قَالَ مَنْ قَاتَلَ

قتال میکند برای این غرض که دیده شود مکان او در شجاعت پس کیست در راه خدا گفت آنحضرت کسیکه

لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

برائے آنکه باشد کلمه خدا بلند تر پس اوست جهاد کننده در راه خدا متفق علیه

وَعَنْ أَنَسٍ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ جَاهِدُوا

و روایت ست از انس رضا از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود جهاد کنید

الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

کافران را بمالهای خود و بذاتهای خود و بزبانهای خود رواه ابوداود

والنسائي والدارمي وعن ابي هريرة رضه قال قال

ونسائي و دارمي و روايت است از ابي هريره رضه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افشوا السلام واطعموا الطعام

آنحضرت صلى الله عليه وسلم فاش كنيد سلام را و بخورانيد طعام را

واضربوا الهام تورثوا الجنان رواه الترمذي وعن

و بزنيد سرها را تا وارث گردانيده شويد بهشتها را رواه ترمذي و روايت است از

فضالة بن عبيد عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

فضاله بن عبيد از آنحضرت صلى الله عليه وسلم كه گفت

كل ميت يختم على عمله الا الذي مات مرابطا في سبيل

هر مرده ختم كرده مي شود بر همان عمل كه كرده است مگر آن كسيكه مرد نگهبان بوده در راه

الله فانه ينمى له عمله الى يوم القيمة ويامن من فتنة

خدا پس بدرستيكه شان اينست زياده كرده ميشود براى وى عمل وى تا روز قيامت و ايمن ميگردد از آزمايش

القبر رواه الترمذي وابوداود ورواه الدارمي

قبر رواه ترمذي و ابو داود و روايت كرد اين حديث را دارمي

عن عقبة بن عامر وعن معاذ بن جبل رضه انه سمع

از عقبه بن عامر و روايت است از معاذ بن جبل رضه كه وى شنيد

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من قاتل في

آنحضرت صلى الله عليه وسلم را كه ميگفت كه قتال كند در

سبيل الله فواق ناقة فقد وجبت له الجنة ومن جرح جرحا في

راه خدا مقدار ميان دو دوشيدن ماده شتر پس بتحقيق واجب ميگردد براى وى بهشت و كسيكه خسته كرده شد

سبيل الله او نكب نكبة فانها تجيء يوم القيمة كاغزر ما كانت لونها

راه خدا يا رنج رسانيده شود رنج رسانيدنى پس مى آيد روز قيامت بسيار تر بوده آن جراحت در دنيا رنگ

الزعفران وريحها المسك ومن خرج خراج في سبيل الله فان عليه

زعفران است وبوی آن مشک است وکسیکه بیرون آید ببدن وی ریش در راه خدا پس بدرستیکه بر وی

طابع الشهداء رواه الترمذي وابوداود والنسائي وعن ابي هريرة

مهر شهیدان است روایت کرده ترمذی وابوداود ونسائی وروایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يلج النار من بكى من

گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نمی آید آتش دوزخ را کسیکه بگریه از

خشية الله حتى يعود اللبن في الضرع ولا يجتمع على عبد

ترس خدا تا آنکه باز گردد شیر در پستان وجمع نمی شود بر بیچ بنده

غبار في سبيل الله ودخان جهنم رواه الترمذي

گرد در راه خدا ودود جهنم یعنی مجاهد در دوزخ نمی آید روایت کرده ترمذی

وزاد النسائي في اخرى في منخري مسلم ابدا وفي

وزیاده کرده است نسائی در روایت دیگر یعنی جمع نمیکرد دو غبار و دود در سوراخ بینی مسلمان هرگز ودر

اخرى له في جوف عبد ابدا ولا يجتمع الشح والايمان

روایت دیگر مر نسائی را جمع نمیکرد دو غبار و دود در درون بنده هرگز وجمع نمی شود بخل وایمان

في قلب عبد ابدا وعن ابن عباس رض قال قال

در دل بنده هرگز وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم عينان لا تمسهما النار

آنحضرت صلی الله علیه وسلم دو چشم اند که مساس نمیکند آن دو چشم را آتش دوزخ

عين بكت من خشية الله وعين باتت تحرس في سبيل الله

یکی چشمی که گریسته است از خوف خدا ودیگر چشمی که شب کرده که نگاهبانی میکند مجاهدان از کفر

رواه الترمذي وعن ابي هريرة رض قال مر رجل من

روایت کرده ترمذی وروایت است از ابی هریره رض گفت گذشت مردی از

اصحاب رسول اللہ بشعب فیہ عیینۃ من ماء عذبۃ

یاران آنحضرت بشعبے کہ درو سے چشمۂ بود از آب شیرین

فاعجبتہ فقال لو اعتزلت الناس فاقمت فی ھذا الشعب

پس خوش آمد آن چشمہ آن مرد را پس گفت آرزو کاشکے گوشہ میگرفتم از مردم پس اقامت میکردم درین شعب

فذکر ذلک لرسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فقال لا تفعل

پس ذکر کرده شد آن نزد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت آنحضرت مکن این

فان مقام احدکم فی سبیل اللہ افضل من صلوتہ فی بیتہ

زیراکہ بدرستی ایستادن یکے از شما در راه خدا فاضلتر است از نماز وے در خانہ خود

سبعین عاما الا تحبون ان یغفر اللہ لکم ویدخلکم

هفتاد سال آیا دوست میدارید شما کہ بیامرزد خدا تعالی شما را و در آرد شما را

الجنۃ اغزوا فی سبیل اللہ من قاتل فی سبیل اللہ فواق

در بہشت قتال کنید با کافران در راه خدا کسیکہ غزا کند در راه خدا مقدار زمان دوشیدن

ناقۃ وجبت لہ الجنۃ رواه الترمذی وعن عثمان

ناقہ واجب میگردد مر او را بہشت روایت ترمذی و روایت است از عثمان

عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قال رباط یوم فی

از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود بودن یکروز در

سبیل اللہ خیر من الف یوم فیما سواه من المنازل

سرحد کفر و بستن اسپان بہتر است از عبادت ہزار روز در غیر آنجا از منزلہا

رواه الترمذی وعن عبد اللہ بن حبشی ان النبی

روایت ترمذی و روایت است از عبد اللہ بن حبشی کہ آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم سئل ای الاعمال افضل قال

صلی اللہ علیہ وسلم پرسیده شد کہ کدام از عملہا ست کہ فاضلتر است گفت

طُولُ الْقِيَامِ قِيلَ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ

دراز ایستادن در نماز گفته شد پس کدام صدقه فاضلتر است فرمود طاقت فقیر

قِيلَ فَأَيُّ الْهِجْرَةِ أَفْضَلُ قَالَ مَنْ هَجَرَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفته شد پس کدام هجرت فاضلتر است فرمود کسیکه جدائی کرده چیزیرا که حرام کرده است خدا بروی

قِيلَ فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ قَالَ مَنْ جَاهَدَ الْمُشْرِكِينَ بِمَالِهِ

گفته شد پس کدام جهاد فاضل تر است فرمود کسیکه جهاد کرده کافران را بمال خود

وَنَفْسِهِ قِيلَ فَأَيُّ الْقَتْلِ أَشْرَفُ قَالَ مَنْ أُهْرِيقَ دَمُهُ

و جهاد کرده است بنفس خود گفته شد پس کدام کشته شدن در جهاد شریف تر است فرمود کشته شدن

وَعُقِرَ جَوَادُهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَفِي رِوَايَةِ النَّسَائِيِّ أَنَّ

و پی کرده شد اسپ او روایت کرد ابوداود و در روایت نسائی اینچنین آمده است که

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام یکی از اعمال فاضلتر است

قَالَ إِيمَانٌ لَا شَكَّ فِيهِ وَجِهَادٌ لَا غُلُولَ فِيهِ وَحَجَّةٌ

فرمود فاضلترین اعمال ایمان است که نیست شک در وی و جهادیست که نیست خیانت در وی

مَبْرُورَةٌ قِيلَ فَأَيُّ الصَّلٰوةِ أَفْضَلُ قَالَ طُولُ الْقُنُوتِ

که مقبول شده است گفته شد پس کدام نماز فاضلتر است فرمود نمازیکه قیام در وی دراز باشد

ثُمَّ اتَّفَقَا فِي الْبَاقِي وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ

پس اتفاق کردند هر دو در باقی حدیث و در روایت است از ابی امامه رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللّٰهِ مِنْ

صلی الله علیه وسلم که فرمود نیست چیزی دوست داشته شده تر بسوی خدا از

قَطْرَتَيْنِ وَأَثَرَيْنِ قَطْرَةُ دُمُوعٍ مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَقَطْرَةُ

دو قطره و دو نشان یکی قطره اشکها است از ترس خدا و قطره دیگر

دم يهراق في سبيل الله واما الاثران فاثر في سبيل الله

خونی که ریخته میشود در راه خدا و اما دو اثر پس یکی نشان زخم است در راه خدا

واثر في فريضة من فرائض الله تعالى رواه الترمذي

و دوم اثری در فریضه از فرایض خدا تعالی رواه ترمذی

وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال رسول الله صلى

و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم لا تركب البحر الا حاجا او معتمرا او

الله علیه وسلم سوار مشو در دریا مگر در حالیکه حج کننده یا عمره آرنده یا

غازيا في سبيل الله فان تحت البحر نارا وتحت النار

غزا کننده در راه خدا زیرا که زیر دریا آتش است و زیر آتش

بحرا رواه ابو داود وعن عبد الله بن عمرو رض ان

دریاییست رواه ابو داود و روایت است از عبد الله بن عمرو رض که پیغمبر

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال قفلة كغزوة رواه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بازگشتن مجاهد از سفر غزا مانند

ابو داود وعن ابي امامة رض قال خرجنا مع رسول

رواه ابو داود و روایت است از ابی امامه رض گفت بیرون آمدیم ما همراه آنحضرت

الله صلى الله عليه وسلم في سرية فمر رجل بغار فيه شيء

صلی الله علیه وسلم در پاره از لشکر پس گذشت مردی بغاری که در وی چیزی

من ماء وبقل فحدث نفسه بان يقيم فيه ويتخلى

از آب تره و سبزی بود پس حدیث کرد آن مرد با نفس خود که اقامت کند درین غار خلوت

من الدنيا فاستاذن رسول الله صلى الله عليه وسلم في

گزیند از دنیا پس طلب اذن کرد از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در اقامت

فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم إني لم أبعث باليهودية

پس فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه فرستاده نشده ام بملت یهودیت

ولا بالنصرانية ولكني بعثت بالحنيفية السمحة والذي نفس

ونه بملت نصرانیت ولیکن فرستاده شده ام بدین اسلام که ملت نرم و آسان است سوگند بخدائیکه

محمد بيده لغدوة أو روحة في سبيل الله خير من الدنيا

بقای ذات محمد در دست اوست هر آئینه سیر کردن در بامداد یا سیر کردن در شبانگاه در راه خدا

وما فيها ولمقام أحدكم في الصف خير من صلوته سبعين

و هر چه در وست هر آئینه ایستادن یکی از شما در صف قتال بهتر است از نماز گذاردن هفتاد

سنة رواه أحمد وعن أبي سعيد رض أن رسول الله

سال رواه احمد و روایت است از ابی سعید رض که آن حضرت

صلى الله عليه وسلم قال من رضي بالله ربا وبالإسلام

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه راضی و خوشنود گردد بخدا که پروردگاری است

دينا وبمحمد رسولا وجبت له الجنة فعجب

که دین وی است و راضی گردد بمحمد که رسول است واجب گردد برای وی بهشت پس خوشی کرد در این

لها أبو سعيد فقال أعدها علي يا رسول الله فأعا

کلمات را ابو سعید رض پس گفت اعاده کن این کلمات را برمن ای رسول خدا

عليه ثم قال وأخرى يرفع الله بها العبد مائة

پس اعاده کرد آنحضرت آن کلمات را بروی پیشتر گفت آنحضرت و دیگر خصلت است که بلند میگرداند خدا بآن

درجة في الجنة ما بين كل درجتين كما بين السماء

پایه در بهشت مسافت میان هر دو پایه چنان است که میان آسمان

والأرض قال وما هي يا رسول الله قال الجهاد في سبيل الله الجهاد في

و زمین است گفت ابو سعید چه چیز است آن خصلت یا رسول الله فرمود آنحضرت کار زار

سَبِیْلِ اللّٰہِ اَلْجِہَادُ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
جہاد کردن ست در راہ خدا رواہ مسلم و روایت ست از
اَبِیْ مُوْسٰی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اِنَّ
ابی موسی گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ درہای بہشت
تَحْتَ ظِلَالِ السُّیُوْفِ فَقَامَ رَجُلٌ رَثُّ الْہَیْئَۃِ فَقَالَ یَا اَبَا
زیر سایۂ شمشیرہاست پس ایستاد مردے کہنہ و بوسیدہ شکل و جامہ پس گفت ای ابا
مُوْسٰی اَنْتَ سَمِعْتَ رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ ھٰذَا
موسی تو شنیدۂ آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت این سخن را
قَالَ نَعَمْ فَرَجَعَ اِلٰی اَصْحَابِہٖ فَقَالَ اَقْرَأُ عَلَیْکُمُ السَّلَامَ ثُمَّ کَسَرَ
گفت آری شنیدم پس رجوع کرد آن مرد بسوی یاران خود پس گفت میخوانم بر شما سلام را پس
جَفْنَ سَیْفِہٖ فَاَلْقَاہُ ثُمَّ مَشٰی بِسَیْفِہٖ اِلَی الْعَدُوِّ فَضَرَبَ بِہٖ
نیام تیغ خود را پس بینداخت نیام را پس رفت با شمشیر خود بسوی دشمنان پس زد شمشیر
حَتّٰی قُتِلَ رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِیْ ھُرَیْرَۃَ رض قَالَ قَالَ
تا آنکہ کشتہ شد رواہ مسلم و روایت ست از ابی ہریرہ رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنِ احْتَبَسَ فَرَسًا
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بہ بندد اسپے را
فِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ اِیْمَانًا بِاللّٰہِ وَتَصْدِیْقًا بِوَعْدِہٖ فَاِنَّ شِبَعَہٗ وَرِیَّہٗ
در راہ خدا از جہت ایمان آوردن بخدا و از جہت راست داشتن وعدۂ حق پس بدرستیکہ سیری
وَرَوْثَہٗ وَبَوْلَہٗ فِیْ مِیْزَانِہٖ یَوْمَ الْقِیٰمَۃِ رَوَاہُ الْبُخَارِیُّ وَعَنْ
و سرگین او و بول او در میزان او باشد روز قیامت رواہ بخاری و روایت ست از
جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِّلنَّبِیِّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَوْمَ اُحُدٍ
جابر رض گفت کہ گفت مردی مر آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم روز جنگ احد

أَرَأَيْتَ إِنْ قُتِلْتُ فَأَيْنَ أَنَا قَالَ فِي الْجَنَّةِ فَأَلْقَى تَمَرَاتٍ فِي

کہ خبر دہید اگر کشتہ شوم پس کجاست جای من فرمود آنحضرت در بہشت است جای تو پس انداخت

يَدِهِ ثُمَّ قَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ

دست او بود پس جنگ کرد تا آنکہ کشتہ شد متفق علیہ و روایت است از ابن عباس گفت

بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَبْدَ اللهِ بْنَ رَوَاحَةَ فِي سَرِيَّةٍ

فرستاد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم عبد اللہ بن رواحہ را در فوجی و لشکر

فَوَافَقَ ذٰلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَغَدَا أَصْحَابُهُ وَقَالَ أَتَخَلَّفُ وَأُصَلِّي

پس موافق افتاد آن فرستادن جمعہ را پس وقت بامداد رفتند یاران او و گفت عبد اللہ پس مانم و نماز جمعہ میگذارم

مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ أَلْحَقُهُمْ فَلَمَّا صَلَّى

با پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بعد از آن لاحق میشوم ایشان را و ہمراہ شوم پس چون نماز گذارد

مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَآهُ فَقَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَغْدُوَ

با آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم دید آنحضرت او را پس فرمود چہ باز داشت ترا از بامداد برآمدن

مَعَ أَصْحَابِكَ فَقَالَ أَرَدْتُ أَنْ أُصَلِّيَ مَعَكَ ثُمَّ أَلْحَقُهُمْ فَقَالَ

با یاران تو پس گفت عبد اللہ خواستم کہ نماز جمعہ گذارم با تو بعد از آن برسم با ایشان پس فرمود

لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَدْرَكْتَ فَضْلَ غَدْوَتِهِمْ

اگر خرج کنی آنچہ را کہ در زمین است از اسباب و متاع ہمہ در نمی یابی تو فضل ثواب بامداد بیرون آمدن

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ بَابُ آدَابِ السَّفَرِ مش

روایت کرد این حدیث را ترمذی از باب آداب سفر مشکات

بَابُ ثَوَابِ الْإِعَانَةِ عَلَى الْجِهَادِ

باب بیان ثواب اعانت کردن بر جہاد از مال و اسباب

عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از زید بن خالد رض کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ فَقَدْ غَزَا وَمَنْ خَلَفَ غَازِيًا
فرمود کسیکه ساخته کند اسباب غازی را در راه خدا پس بتحقیق غزا کرد و کسیکه خلیفه گردد
فِي أَهْلِهٖ فَقَدْ غَزَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مَسْعُوْدٍ
در اهل وعیال وے پس تحقیق غزا کرد متفق علیه در روایت ست از ابی مسعود رضه
الْأَنْصَارِيِّ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ بِنَاقَةٍ مَخْطُوْمَةٍ فَقَالَ هٰذِهٖ فِي
انصاری رضه گفت آورد مردے شتر ماده را که با مهار بود پس گفت آن مرد این ناقه
سَبِيْلِ اللّٰهِ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَكَ
راه خداست پس فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم مر ترا
بِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ سَبْعُ مِائَةِ نَاقَةٍ كُلُّهَا مَخْطُوْمَةٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
باین یک ناقه روز قیامت ثواب هفتصد ناقه ست که همه آن مهار کرده شده ست رواه مسلم
وَعَنْ خُرَيْمِ بْنِ فَاتِكٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
در روایت ست از خریم بن فاتک رضه گفت فرمود آنحضرت صلے الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَنْفَقَ نَفَقَةً فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ كُتِبَ لَهٗ بِسَبْعِ
علیه وسلم کسیکه خرج کند خرچے را در راه خدا نوشته شود برای وی ثواب هفتصد
مِائَةِ ضِعْفٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ
مانند رواه ترمذی ونسائی در روایت ست از ابی امامه رضه
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الصَّدَقَاتِ
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم فاضل ترین صدقه ها
ظِلُّ فُسْطَاطٍ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمِنْحَةُ خَادِمٍ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ أَوْ طَرُوْقَةُ
سایه خیمه ست که بخشیده شود در راه خدا و بهترین صدقات هبه خادم ست در راه خدا یا ناقه
فَحْلٍ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ
که بگوید بجهند اورا شتر نر در راه خدا رواه ترمذی و هم از عبد الله بن عمرو مرویست که فرمود آنحضرت

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْغَازِيْ اَجْرُهُ وَلِلْجَاعِلِ اَجْرُهُ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم مرغازی را مزد اوست و مرجاعل را مزد او

وَاَجْرُ الْغَازِيْ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ عَلِيٍّ

و مزد غازی یعنے دو اجر ست رواہ ابوداؤد و روایت ست از علی

وَاَبِي الدَّرْدَاءِ وَاَبِيْ هُرَيْرَةَ وَاَبِيْ اُمَامَةَ وَعَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ وَعَبْدِ اللّٰهِ

و ابی درداء و ابی ہریرہ و ابی امامہ و عبداللہ بن عمر و عبداللہ بن عمرو

وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ وَعِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُمْ

و جابر بن عبداللہ و عمران بن حصین رضی اللہ تعالی عنہم

اَجْمَعِيْنَ كُلُّهُمْ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اجمعین ہمہ ایشان روایت میکنند از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

اَنَّهُ قَالَ مَنْ اَرْسَلَ نَفَقَةً فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَاَقَامَ فِيْ بَيْتِهِ فَلَهُ

ہر یک میگوید کہ آنحضرت فرمود ہر کہ بفرستد نفقہ را در راہ خدا و اقامت کند در خانہ خود پس

بِكُلِّ دِرْهَمٍ سَبْعُمِائَةِ دِرْهَمٍ وَمَنْ غَزَا بِنَفْسِهِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

مر او را بہر درہم ہفتصد درہم ست و کسیکہ غزا کند بذات خود در راہ خدا

وَاَنْفَقَ فِيْ وَجْهِهِ ذٰلِكَ فَلَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ سَبْعُمِائَةِ اَلْفِ دِرْهَمٍ

و انفاق کند در وجہ خدا پس مر او راست بہر درم ہفتصد ہزار درہم

ثُمَّ تَلَا هٰذِهِ الْاٰيَةَ وَاللّٰهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَّشَاءُ رَوَاهُ ابْنُ

پستر خواند آنحضرت این آیت را و خدا زیادہ کند ثواب مر کسے را کہ میخواہد رواہ ابن

مَاجَةَ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ماجہ و روایت ست از جابر بن سمرہ رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَنْ يَّبْرَحَ هٰذَا الدِّيْنُ قَائِمًا يُقَاتِلُ عَلَيْهِ

صلی اللہ علیہ وسلم ہمیشہ ہست این دین اسلام بر پا کارزار میکنند بر سر این دین گروہی

عِصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

جماعت از مسلمانان تا آنکه برپا می شود و می آید قیامت روایت مسلم

بَابُ إِثْمِ تَارِكِ الْجِهَادِ

این باب در بیان گناه ترک کننده جهاد است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ

علیه وسلم کسیکه مرد و غزا نکرد و حدیث نکرد بغزا نفس خود را

مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

می میرد بر شعبه از نفاق روایت مسلم و روایت است از ابی امامه رضـ

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُجَهِّزْ

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه غزا نکند و ساختگی نکند هیچ غازی را

غَازِيًا أَوْ يَخْلُفْ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ أَصَابَهُ اللّٰهُ بِقَارِعَةٍ

از مال و اسباب یا خلیفه نشود هیچ غازی را در اهل وی به نیکی میرساند او را خدا تعالی حادثه سخت

قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ

پیش از روز قیامت روایت ابو داود و روایت است از ابی هریره رضـ گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَقِيَ اللّٰهَ بِغَيْرِ أَثَرٍ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ملاقات کند خدا را بی نشانی

مِنْ جِهَادٍ لَقِيَ اللّٰهَ وَفِيهِ ثُلْمَةٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از جهاد ملاقات می کند خدا را و حال آنکه در دین وی رخنه است روایت ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رضـ که مردی گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

رَجُلٌ يُرِيدُ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَهُوَ يَبْتَغِي عَرَضًا مِنْ

مردیست که میخواهد جهاد با کافران در راه خدا و حال آنکه آنمرد طلب میکند متاعی از

عَرَضِ الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا أَجْرَ لَهُ

متاع دنیا پس فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم نیست ثواب آخرت مراورا

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ مُعَاذٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

رواه ابوداود و روایت است از معاذ رض گفت فرمود آن حضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْغَزْوُ غَزْوَانِ فَأَمَّا مَنِ ابْتَغَى وَجْهَ اللّٰهِ وَأَطَاعَ

علیه وسلم غزا کردن دو قسم است اما کسیکه طلب کند بغزا کردن ذات خدا و رضای وی

الْإِمَامَ وَأَنْفَقَ الْكَرِيمَةَ وَيَاسَرَ الشَّرِيكَ وَاجْتَنَبَ الْفَسَادَ

و فرمانبرداری کند بادشاه را و خرچ کند در راه خدا نفس مالهای برگزیده خود را و رفق نماید کسی که با وی شریک

فَإِنَّ نَوْمَهُ وَنُبْهَهُ أَجْرٌ كُلُّهُ وَأَمَّا مَنْ غَزَا فَخْرًا وَرِيَاءً

پس بتحقیق خواب وی و بیداری او موجب اجر و ثواب است اما کسیکه غزا کند بجهت نازیدن و برای ریا

وَسُمْعَةً وَعَصَى الْإِمَامَ وَأَفْسَدَ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَمْ يَرْجِعْ

وسمعه و بیفرمانی کند امام را و فساد کند در زمین پس بدرستیکه وی باز نمیگردد

بِالْكَفَافِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ

از غزا بسوا و ثواب رواه مالک و ابوداود و نسائی و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض أَنَّهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عبد الله بن عمرو رض بدرستیکه وی گفت یا رسول الله صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْجِهَادِ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ عَمْرٍو إِنْ قَاتَلْتَ

وسلم خبر ده مرا از جهاد که بچه باید کرد پس فرمود آنحضرت ای عبد الله بن عمرو اگر قتال کنی تو

صَابِرًا مُحْتَسِبًا بَعَثَكَ اللّٰهُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَإِنْ قَاتَلْتَ مُرَائِيًا

در حالتیکه صبر کننده و ثواب چشم دارنده زنده کند ترا خدا برانگیزد ترا خدا بصفت صبر و احتساب اگر قتال میکنی در حالتیکه ریا کننده

مكاثرا يبعثك الله مرائيا مكاثرا يا عبد الله بن عمرو

مکاثرت برانگیزد ترا خدا ریاکار و فخر کننده ای عبد الله بن عمرو

على اي حال قاتلت او قتلت بعثك الله على تلك الحال

و بر هر حالتی که کارزار کنی و کشته شوی برانگیزد ترا خدا تعالی بر همان حالت

رواه ابو داؤد وعن عبادة بن الصامت قال قال رسول الله

روایه ابو داؤد و روایت ست از عباده بن صامت رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من غزا في سبيل الله ولم ينو

صلی الله علیه وسلم کسیکه غزا کند در راه خدا و نیت نکند

الا عقالا فله ما نوى رواه النسائي

مگر بست آوردن ریسمان پس مر او راست آنچه نیت کرده است روایت کرد نسائی

باب مناقب الشهادة والشهداء

ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء

و مگوئید کسیرا که کشته شود در راه خدا که ایشان مردگانند بلکه ایشان زنده اند

ولكن لا تشعرون ۝ ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

ولیکن شما آگاه نمیشوید و گمان مکن کسانیکه کشته شدند در راه خدا مرده

بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم الله من فضله

بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده می شوند شادمان بانچه عطا کرده است

ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم

خدا ایشانرا از فضل خود و خوشوقت می شوند به سبب آنکه مومنان بایشان نپیوسته اند از دنبال ایشان

الا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ وعن المقدام

بسبب آنکه هیچ ترسی نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و از مقدام بن معدی کرب

بن معدیکرب رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

بن معدیکرب مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

للشهید عند الله ست خصال یغفر له فی اول دفعة

مر شهید را نزد خدا شش خصلت ست یکی آنکه آمرزیده میشود مر او را در اول دفعه

ویری مقعده من الجنة ویجار من عذاب القبر ویأمن من

ونموده میشود او را جای نشست وی از بهشت ونگاه داشته میشود از عذاب قبر وایمن میگردد از

الفزع الاکبر ویوضع علی راسه تاج الوقار الیاقوتة منها

ترس بزرگتر ونهاده میشود بر سر وی افسر عزت وتعظیم که یک جوهر از ان

خیر من الدنیا وما فیها ویزوج ثنتین وسبعین زوجة

بهتر ست از دنیا وهرچه در دنیاست از متاع وجفت کرده میشود او را هفتاد ودو زن

من الحور العین ویشفع فی سبعین من اقربائه رواه الترمذی

از حور بهشت ومقبول کرده میشود شفاعت او در هفتاد کس از خویشان وی روایت کرد این حدیث را

وابن ماجه وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله

ترمذی وابن ماجه واز ابو هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم الشهید لا یجد الم القتل الا کما یجد احدکم

علیه وسلم شهید نمی یابد درد قتل را مگر چنانکه می یابد یکی از شما

الم القرصة رواه الترمذی والنسائی والدارمی

درد گزیدن یک روایت ترمذی ونسائی ودارمی

وعن ابن عباس رض ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال

و روایت ست از ابن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

لما اصیب اخوانکم یوم احد جعل الله ارواحهم فی جوف

مر یاران شما را هنگامیکه مصیبت زده شدند برادران شما روز غزوه احد گردانید خدا تعالی روحهای ایشان را در درون

طَيْرٍ خُضْرٍ تَرِدُ أَنْهَارَ الْجَنَّةِ تَأْكُلُ مِنْ ثِمَارِهَا وَتَأْوِي

پرندهای سبز فرود می آیند آن پرنده ها جویهای بهشت را میخورند آن طیور از میوه های بهشت و پناه می گیرند

إِلَى قَنَادِيلَ مِنْ ذَهَبٍ مُعَلَّقَةٍ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ فَلَمَّا وَجَدُوا طِيبَ

بسوی قندیلها از طلا که آویخته شده اند آن قندیلها در سایهٔ عرش پس هنگامی که یافتند آن شهیدان

مَأْكَلِهِمْ وَمَشْرَبِهِمْ وَمَقِيلِهِمْ قَالُوا مَنْ يُبَلِّغُ إِخْوَانَنَا عَنَّا

خوشی طعام و شراب و خوابگاه خود را گفتند کیست که برساند خبر به برادران ما را از جانب ما

أَنَّا أَحْيَاءٌ فِي الْجَنَّةِ لِئَلَّا يَزْهَدُوا فِي الْجَنَّةِ وَلَا يَنْكُلُوا

اینکه بدرستیکه زندگانیم در بهشت تا آنکه برادران ما بی رغبتی نکنند در بهشت و سستی و بددلی نکنند

عِنْدَ الْحَرْبِ فَقَالَ اللّٰهُ تَعَالَى أَنَا أُبَلِّغُهُمْ عَنْكُمْ فَأَنْزَلَ اللّٰهُ تَعَالَى

در جنگ پس گفت خدای تعالی من میرسانم خبر برادران شما را از جانب شما پس فرود فرستاد خدای تعالی

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ

این آیات را و گمان مبر آن کسانی را که کشته شده اند در راه خدا که مردگان اند بلکه زندگان اند

إِلَى آخِرِ الْآيَةِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ

تا آخر آیت روایت کرد ابوداود و از ابی هریره رضی الله عنه مرویست

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ عُرِضَ عَلَيَّ أَوَّلُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود عرض کرده شد بر من نخستین

ثَلَاثَةٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ شَهِيدٌ وَعَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ وَعَبْدٌ أَحْسَنَ

کسانیکه می درآیند بهشت را یکی شهید دوم پارسا سوم بنده که نیکو کرده است بندگی خدا را

عِبَادَةَ اللّٰهِ وَنَصَحَ لِمَوَالِيهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

و نیکخواهی کرده مر صاحبان خود را روایت کرد ترمذی و گفت

أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ

انس رضی الله عنه فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ کسی که در آید

الجنة يحب ان يرجع الى الدنيا وله ما فى الارض من شيئ

بهشت را دوست دارد که باز گردد بسوی دنیا و باشد مر او را آنچه در زمین است از چیزی

الا الشهيد يتمنى ان يرجع الى الدنيا فيقتل عشر مرات لما

مگر شهید که آرزو دارد که باز گردد بسوی دنیا پس کشته شود ده بار از جهت آنچه

يرى من الكرامة متفق عليه وعن عبد الله بن

می بیند از بزرگی و ثواب متفق علیه و از عبد الله بن

عمرو بن العاص رض ان النبى صلى الله عليه وسلم قال

عمرو بن عاص رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

القتل فى سبيل الله يكفر كل شيئ الا الدين

کشته شدن در راه خدا کفایت می کند هر چیز یعنی هر گناه را مگر وام را

رواه مسلم وعن ابى هريرة رض ان رسول الله صلى الله

روایه مسلم و از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال يضحك الله الى رجلين يقتل احدهما

علیه وسلم فرمود خنده می کند خدا بسوی دو مرد که میکشد یکی از آن دو مرد دیگر را

الاخر يدخلان الجنة يقاتل هذا فى سبيل الله

در آیند هر دو مرد بهشت را قتال میکند این یکی در راه خدا

فيقتل ثم يتوب الله على القاتل فيستشهد متفق عليه

پس کشته می شود پس می در آید بهشت را پس رجوع مینماید خدا برحمت بر قاتل که کافر بود

وعن مسروق قال سألنا عبد الله بن مسعود عن هذه الاية

و روایت است از مسروق گفت پرسیدیم ما عبد الله بن مسعود را از تفسیر این آیت

ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

و گمان مبر آنان را که کشته شدند در راه خدا مرده بلکه زندگانند نزد پروردگار خود روزی داده می شوند

قال انا قد سألنا عن ذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت ابن مسعود بدرستیکه ما بتحقیق پرسیدیم از تفسیر این آیت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فقال ارواحهم في اجواف طير خضر لها قناديل معلقة

پس فرمود آنحضرت ارواح شهیدان در درون پرندگان سبز ست آن پرندگان را قندیلهاست آویخته

بالعرش تسرح من الجنة حيث شاءت ثم تأوي الى تلك القناديل

بعرش که حکم آشیانه دارد می چرند آن طیور از بهشت هر جا که میخواهند پس پناه میگیرند بسوی آن قندیل

فاطلع اليهم ربهم اطلاعة فقال هل تشتهون شيئا قالوا اي

پس مطلع شد بسوی ایشان پروردگار ایشان مطلع شدنی بعنایات خاص پس فرمود آیا خواهش دارید چیزی را

شيء نشتهي ونحن نسرح من الجنة حيث شئنا ففعل

چیز خواهیم وحال آنکه ما می چریم از بهشت هر جا که میخواهیم پس کرد

ذلك بهم ثلث مرات فلما رأوا انهم لن يتركوا من ان يسألوا

پروردگار این سوال را با ایشان سه بار پس هنگامی که دیدند ایشان که البته گذاشته نمی شوند از خواستن

قالوا يا رب نريد ان ترد ارواحنا في اجسادنا حتى نقتل

گفتند ای پروردگار میخواهیم که باز گردانی جانهای ما را در تنهای ما تا آنکه کشته شویم

في سبيلك مرة اخرى فلما رأى ان ليس لهم حاجة تركوا

در راه تو و شهید شویم بار دیگر پس چون دانست پروردگار تعالی که نیست ایشان را حاجتی گذاشته

رواه مسلم وعن انس رض قال قال رسول الله

برحالت اول روایت کرد مسلم روایت است از انس رض گفت که فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يعطى الشهيد ثلثا اول قطرة

صلی الله علیه وسلم داده می شود شهید را سه چیز اول قطره

من دمه يغفر له بها ذنوبه واول من يمسح التراب

از خون او آمرزیده میشود مر او را بسبب آن گناهان او و اول کسیکه پاک می کند خاک را

عن وجهه زوجته من الحور العين واذا وقع جنبه وقع

از روی وی زوجہ او باشد از زنان بہشت و چون واقع می شود پہلوی شہید بر زمین واقع

فی الجنة رواه الدیلمی وعن انس رض لما کان یوم احد

در بہشت روایت کرد دیلمی اینحدیث را و روایت ست از انس رض ہرگاه که بود جنگ احد

مر النبی صلی الله علیه وسلم بحمزة وقد جدع ومثل به

گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بحمزه بن عبدالمطلب حال آنکه پاره پاره کرده شده بود

فقال لولا ان تجد صفیة لترکته حتی یحشره الله من بطون

پس فرمود اگر نیافتمی ہر آئینه میگذاشتمی اورا تا آنکه محشور گرداند اورا خدا از شکمهای

السباع والطیر ولم یصل علی احد من الشهداء وقال

درندها و پرندها و نماز نگذارد آنحضرت بر ہیچ یکی از شہیدان و فرمود

انا شهید علیکم الیوم

که من گواهی دهنده ام بر شما امروز و فردا روز قیامت

باب اصناف الشهداء

این باب در اقسام شہید انست

عن سهل بن حنیف قال قال رسول الله صلی الله

روایت ست از سهل بن حنیف رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم من سأل الله الشهادة بصدق بلغه الله منازل

علیه وسلم کسیکه سوال کند از خدا تعالی شهادت بصدق رساند اورا خدا تعالی مرتبه

الشهداء وان مات علی فراشه رواه مسلم وعن ابی هریرة رض

شهیدان اگرچه بمیرد آنمرد بر فرش خود روایه مسلم در رواه السنة ست از ابی هریره

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما تعدون الشهید

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چه میشمارید که شهید کیست در میان شما

فِيكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَهُوَ شَهِيدٌ

گفتند یا رسول الله کسیکه کشته شده در راه خدا پس وے شہید ست

قَالَ إِنَّ شُهَدَاءَ أُمَّتِي إِذًا لَقَلِيلٌ مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَهُوَ

گفت آنحضرت بدرستیکه شہیدان امت من برین تقدیر مرآئنہ کم اند کسیکه کشته شود در راه خدا

شَهِيدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي الطَّاعُونِ

شہید ست وکسیکه میرد در راه خدا پس وے شہید ست وکسیکه میرد در علت طاعون

فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِيدٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پس وے شہید ست وکسیکه میرد در علت شکم پس وے شہید ست رواه مسلم روایت ست

أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الطَّاعُونُ

از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم که طاعون

شَهَادَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ

سبب شہادت ست ہر مسلمان ست متفق علیه روایت ست از عائشه رض گفت

سَأَلْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الطَّاعُونِ فَأَخْبَرَنِي

که پرسیدم آنحضرت صلے الله علیه وسلم را از حقیقة طاعون پس خبر داد مرا

أَنَّهُ عَذَابٌ يَبْعَثُهُ اللّٰهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَأَنَّ اللّٰهَ جَعَلَهُ رَحْمَةً

آنحضرت که طاعون عذابیست که میفرستد آنرا پروردگار بر ہر که بخواهد و خدا گردانیده ست طاعون را

لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يَقَعُ الطَّاعُونُ فَيَمْكُثُ فِي بَلَدِهِ صَابِرًا

مر مومنان را رحمت هیچ یکی که واقع میشود طاعون پس درنگ کند در شهر خود صبر کننده

مُحْتَسِبًا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ إِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ

و چشم دارنده مر اجر و ثواب در حالیکه یقین دارد که نمیرسد او را از مصیبت مگر آنچه نوشته ست خدا

شَهِيدٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صُرَدٍ قَالَ قَالَ

شہید رواه البخاری روایت ست از سلیمان بن صرد رض گفت که فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من قتله بطنه لم يعذب

آنحضرت صلى الله عليه وسلم کسیکه کشت او را شکم او عذاب کرده نشود

في قبره رواه أحمد والترمذي وعن ابن عباس قال قال

در قبر او رواه احمد و ترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم موت غربة شهادة رواه

آنحضرت صلى الله عليه وسلم مردن در غربت شهادت است رواه

ابن ماجة وعن عبد الله بن عمرو قال توفي رجل

ابن ماجه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت مرد مردی

بالمدينة ممن ولد بها فصلى عليه النبي صلى الله عليه وسلم

بمدینه از آن کسانیکه زائیده شده بودند بمدینه پس نماز گذارد بر او آنحضرت صلى الله عليه وسلم

فقال يا ليته مات بغير مولده قالوا ولم ذاك يا رسول الله صلى

پس فرمود آنحضرت ای کاشکی میمرد در غیر جای زائیدن خود گفتند اصحاب چرا است این آرزو ای پیغمبر خدا

الله عليه وسلم قال إن الرجل إذا مات بغير مولده قيس له

صلى الله عليه وسلم فرمود بدرستیکه مرد چون میمیرد در غیر مولد خود اندازه گرفته شود مر او را

من مولده إلى منقطع أثره في الجنة رواه النسائي وابن ماجة

از مولد او تا جای بریده شدن نشان پای او در بهشت رواه نسائی و ابن ماجه

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

من مات مريضا مات شهيدا ووقي فتنة القبر وغدي وريح

کسیکه مرد بیمار مرد شهید و نگاه داشته شود از فتنه قبر و عذاب شبی و میرسد بامداد و شبانگاه

عليه برزقه من الجنة رواه ابن ماجة والبيهقي في

بر وی رزق از بهشت رواه ابن ماجه و بیهقی در

شعب الایمان وعن جابر ان رسول الله صلی الله علیه

شعب ایمان و روایت است از جابر رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال الفار من الطاعون کالفار من الزحف والصابر

وسلم فرمود که گریزنده از طاعون همچو گریزنده از جنگ کافران است وصبر کننده

فیه له اجر شهید رواه احمد وعن سعید بن زید

در طاعون سزاوار اجر شهید است رواه احمد و روایت است از سعید بن زید رض

ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال من قتل دون

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه کشته شد نزد

دینه فهو شهید ومن قتل دون دمه فهو شهید ومن قتل

دین خود پس وی شهید است وکسیکه کشته شد نزد خون خود پس وی شهید است وکسیکه کشته

دون ماله فهو شهید ومن قتل دون اهله فهو شهید رواه

برای حفظ مال خود پس وی شهید است وکسیکه کشته شد نزد اهل وعیال خود پس وی شهید است

الترمذی وابوداود والنسائی وعن ام حرام رض عن

رواه ترمذی وابوداود ونسائی و روایت است از ام حرام رض از آن

النبی صلی الله علیه وسلم قال المائد فی البحر الذی

حضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت جنبنده دریا که میگردد

یصیبه القیء له اجر شهید والغریق له اجر شهیدین رواه

سرش بجنبیدن کشتی ومیرسد او را قی وغثیان مر او را مزد شهید است وغرق شونده در دریا مر او را

رواه ابوداود وعن ابی مالک الاشعری قال

رواه ابوداود و روایت است از ابی مالک اشعری رض گفت

سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول من فصل

که شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت کسیکه بیرون شود

في سبيل الله فمات او قتل او وقصه فرسه او بعيره

از وطن در راه خدا پس بمیرد یا کشته شود یا بیندازد او را اسپ وی یا شتر وی

او لدغته هامة او مات على فراشه بأي حتف شاء الله

یا بگزد او را گزنده یا مرد بر فرش خود بهر مردگی که خواهد خدا

فانه شهيد وان له الجنة رواه ابو داود وعن

پس بدرستیکه وی شهید است و بدرستیکه مر او راست بهشت روایت کرد ابو داود و روایت است از

عتبة بن عبد السلمي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

عتبه بن عبد سلمی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

القتلى ثلثة مؤمن جاهد بنفسه وماله في سبيل الله

کشتگان سه قسم اند یکی مسلمانی است که جهاد کرد بنفس خود و مال خود در راه خدا

فاذا لقي العدو قاتل حتى يقتل قال النبي صلى

پس چون ملاقات کرد دشمن را قتال کرد تا آنکه کشته شد فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم فيه فذلك الشهيد الممتحن في

الله علیه وسلم در شان این مؤمن پس آن شهید است امتحان کرده شده

خيمة الله تحت عرشه لا يفضله النبيون الا بدرجة النبوة

در خیمه خدا است زیر عرش وی فاضل و زیاده نمی شود آن شهید را پیغمبران مگر بدرجه نبوت

ومؤمن خلط عملا صالحا واخر سيئا جاهد بنفسه وماله

و دوم از کشتگان مسلمانیکه آمیخت کردار نیک و کردار بد جهاد کرد بنفس خود و مال خود

في سبيل الله اذا لقي العدو قاتل حتى يقتل قال النبي

در راه خدا وقتیکه ملاقات کند دشمن را قتال میکند تا آنکه کشته شود گفته است آنحضرت

صلى الله عليه وسلم فيه ممصمصة محت ذنوبه وخطاياه

صلی الله علیه وسلم در شان این مجاهد این سنانی ست که محو میکند گناه بد وی را

إِنَّ السَّيْفَ مَحَّاءٌ لِلْخَطَايَا وَأُدْخِلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَ

بدرستیکه شمشیر وکشته شدن بدان محو وپاک گرداننده ست مرگناهان را ودر آورده می شود از هر دری که

وَمُنَافِقٌ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فَإِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ حَتَّى

وسوم از کشتگان منافقی ست که جهاد کرد بنفس ومال خود پس چون ملاقات کرد دشمن را قتال میکند تا آنکه

يُقْتَلَ فَذَلِكَ فِي النَّارِ إِنَّ السَّيْفَ لَا يَمْحُو النِّفَاقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

کشته می شود پس آن منافق در آتش دوزخ ست بدرستی شمشیر محو نمی کند نفاق را . رواه دارمی

وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رض

وروایت ست از فضاله بن عبید انصاری که شنیدم عمر بن خطاب رض را

يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

که میگفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت

الشُّهَدَاءُ أَرْبَعَةٌ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

شهیدان چهار کس اند یکی مرد مسلمان نیک وبتر ایمان که ملاقات کرده ست دشمن را

فَصَدَقَ اللهَ حَتَّى قُتِلَ فَذَلِكَ الَّذِي يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ أَعْيُنَهُمْ

پس راست گو گردانید خدا را تا آنکه کشته شد آن مرد پس آن مرد آنکسی ست که بر میدارند مردم بسوی او

يَوْمَ الْقِيَامَةِ هٰكَذَا وَرَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى سَقَطَتْ قَلَنْسُوَتُهُ

روز قیامت خود همچنین برداشت سر خود را برای بیان تا آنکه افتاد کلاه وی بجهت مبالغه

فَمَا أَدْرِي أَقَلَنْسُوَةَ عُمَرَ أَرَادَ أَمْ قَلَنْسُوَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ

راوی گوید نمیدانم که کلاه عمر رض مراد داشته ست یا کلاه آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

علیه وسلم گفت آنحضرت وشهید دیگر مردی مؤمن نوی ایمان ست که ملاقات کرد

كَأَنَّمَا ضُرِبَ جِلْدُهُ بِشَوْكِ طَلْحٍ مِنَ الْجُبْنِ أَتَاهُ

گویا زده شده ست پوست او بخار های مغیلان خار دار از جهت ترسندگی آمد او را

سهم غرب فقتله فهو في الدرجة الثانية ورجل مؤمن

تیری که اندازه و معلوم نیست پس کشت او را پس این شهید در پایهٔ دوم ست و شهید سوم مرد مومن

خلط عملا صالحا وآخر سيئا لقي العدو فصدق الله حتى

که آمیخته ست کردار نیک را و کردار دیگر را که بد ست ملاقات کرد دشمن را پس تصدیق خدا را تا آنکه

قتل فذلك في الدرجة الثالثة ورجل مؤمن أسرف على

کشته شد پس آن مرد در درجهٔ سوم ست و چهارم مرد مسلمان ست و لیکن اسراف کرده ست بر

نفسه ولقي العدو فصدق الله حتى قتل فذلك في

نفس خود و معصیت ورزیده ست و ملاقات کرد دشمن را پس تصدیق کرد خدا را تا آنکه کشته شد پس آن مرد در

الدرجة الرابعة رواه الترمذي وعن أبي هريرة رض

پایهٔ چهارم ست از همه پایان تر رواه ترمذی و روایت ست از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الشهداء خمسة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که شهیدان پنج قسم اند

المطعون والمبطون والغريق وصاحب الهدم والشهيد

یکی آنکه بعلت طاعون مرده دوم آنکه بعلت اسهال و انتفاخ بطن جان داده ست سوم آنکه در آب غرق شده باشد

في سبيل الله متفق عليه وعن جابر بن عتيك قال

و پنجم کشته شود در راه خدا متفق علیه و روایت ست از جابر رض بن عتیک رض که گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الشهادة سبع

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که شهادت هفت نوع ست

سوى القتل في سبيل الله المطعون شهيد والغريق شهيد

سوای کشته شدن در راه خدا طاعون زده شهید ست و غرق شده شهید ست

وصاحب ذات الجنب شهيد والمبطون شهيد وصاحب الحريق

و صاحب ذات الجنب شهید ست و بعلت شکم مرده شهید ست و صاحب آتش زدگی

شَهِيدٌ وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ وَالْمَرْأَةُ تَمُوتُ

شہید است وکسیکہ مردہ است زیر ہدم بنا شہید است وزنیکہ بمیرد بسبب زائیدن

بِجُمْعٍ شَهِيدٌ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس آن نیز شہید است روایت کرد مالک وابوداود ونسائی

كِتَابُ الصَّيْدِ وَالذَّبَائِحِ

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ

حرام کردہ شد بر شما مردار وخون وگوشت خوک وانچہ آواز کردہ شود

لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ

برغیر خدا آن وانچہ بفشردن گلو مردہ باشد وانچہ بچوب وسنگ زدن مردہ باشد وانچہ از بلندی زیر افتاد وانچہ شاخ زدہ مردہ باشد

وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ

وانچہ خوردہ درندہ باشد مگر انچہ ذبح کنید وحرام کردہ شد انچہ ذبح شدہ بر بتہا

وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ

وانچہ قسمت کنید بر تیرہا این فسق است

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

روایت است از عبد اللہ بن عمرو بن العاص رضہ کہ آنحضرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا فَمَا فَوْقَهَا

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ کشت گنجشکی را پس چیزیرا کہ فوق اوست

بِغَيْرِ حَقِّهَا سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْ قَتْلِهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا

در صغر یا در کبر بغیر حق آن می پرسد او را خدا از قتل آن گفتہ شد یا رسول اللہ وچیست

حَقُّهَا قَالَ أَنْ يَذْبَحَهَا فَيَأْكُلَهَا وَلَا يَقْطَعَ رَأْسَهَا

حق کشتن او گفت آنحضرت حقش آنست کہ ذبح کند او را پس بخورد آنرا ونبرد سر او را

فيرمى بها رواه احمد والنسائى والدارمى وعن

پس بنیدازد آنرا رواه احمد ونسائی ودارمی در روایت است از

ابن عمر رض قال قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

ابن عمر رض گفت آنحضرت را شنیدم صلی الله علیه

وسلم ينهى ان تصبر بهيمة او غيرها للقتل متفق عليه

وسلم که نهی میکرد از انکه صبر داده شود یعنی حبس کرده شود چارپایه و غیر آن از برائے قتل

وعنه ان النبى صلى الله عليه وسلم لعن من اتخذ

وهم از وے مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم لعنت کرده است کسے را که گرفت چیزے

شيئا فيه الروح غرضا متفق عليه وعن جابر

چیزے را که درو روح است هدف ونشانه متفق علیه در روایت است از جابر رض

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الضرب فى

گفت که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از زدن در

الوجه وعن الوسم فى الوجه رواه مسلم وعنه

روئے لطماچه یا تازیانه وهم از آن که میباشد با حیوان نهی کرد از داغ کردن در رو رواه مسلم وهم

ان النبى صلى الله عليه وسلم مر عليه حمار وقد وسم

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گذشت بروے خرے حال آنکه تحقیق داغ کرده شده

فى وجهه قال لعن الله الذى وسمه رواه مسلم

در روئے آن حمار گفت آنحضرت لعنت کناد خدای تعالی آنکسی را که داغ کرده است او را رواه مسلم

وعن انس قال غدوت الى رسول الله صلى الله

در روایت است از انس رض بامداد بردم بسوئے آنحضرت صلی الله

عليه وسلم بعبد الله بن ابى طلحة ليحنكه فوافيته

علیه وسلم عبد الله بن ابی طلحه را تا تحنیک کند آنحضرت او را پس یافتم من آنحضرت را

فِي يَدِهِ الْمِيسَمُ يَسِمُ إِبِلَ الصَّدَقَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

درحالیکه در دست اوست آہنے داغ میکرد شتران زکوٰۃ را تا متمیز شوند از دیگر متفق علیہ

بَابُ ذِكْرِ الْكَلْبِ

باب در ذکر کلب یعنے کدام سگ نگاہداشتن جائز است وکدام جائز نیست

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَنِ اقْتَنَى كَلْبًا إِلَّا كَلْبَ مَاشِيَةٍ أَوْ ضَارٍ نُقِصَ مِنْ عَمَلِهِ

کسیکہ گرد آرد یعنے نگاہدارد سگے را مگر سگے کہ برای نگاہبانی مواشی نگاہدارد یا سگ شکاری نقصان

كُلَّ يَوْمٍ قِيرَاطَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

ہر روز دو قیراط متفق علیہ وروایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اتَّخَذَ كَلْبًا

کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگیرد سگے را

إِلَّا كَلْبَ مَاشِيَةٍ أَوْ صَيْدٍ أَوْ زَرْعٍ انْتَقَصَ مِنْ أَجْرِهِ

مگر سگے کہ نگاہبانی مواشی میکند یا شکار میکند یا نگاہبانی زراعت میکند نقصان کردہ میشود

كُلَّ يَوْمٍ قِيرَاطٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُغَفَّلٍ

ہر روز یک قیراط متفق علیہ وروایت است از عبد اللہ بن مغفل رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا أَنَّ الْكِلَابَ أُمَّةٌ

کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود اگر نمی بود کہ این سگان امتی

مِنَ الْأُمَمِ لَأَمَرْتُ بِقَتْلِهَا كُلِّهَا فَاقْتُلُوا مِنْهَا كُلَّ أَسْوَدَ

از امتہا اند ہر آئینہ امر میکردم بکشتن آن ہمہ پس چون سبیل نیست لکشتن ہمہ لیس بکشید

بَهِيمٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

کہ زبان کنندہ تر است رواہ ابوداود ودارمی وروایت است از ابن عباس رضی

قَالَ نَهَى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ التَّحْرِيْشِ بَيْنَ

که نهی کرده است آنحضرت صلی الله علیه وسلم از برغلانیدن و جنگ انداختن میان

الْبَهَائِمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

چارپایها روایت ترمذی وابوداود وروایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصْحَبُ الْمَلٰٓئِكَةُ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم همراه نمی شوند فرشتگان

رُفْقَةً فِيْهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

گروهے را که در آن سگ است ونه گروهے را که جرس است روایت مسلم و روایت است از ابن عباس

عَنْ مَيْمُوْنَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَصْبَحَ

از میمونه رض آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم صبح کرد

يَوْمًا وَاجِمًا وَقَالَ اِنَّ جِبْرَئِيْلَ كَانَ وَعَدَنِيْ اَنْ يَّلْقَانِيَ

روزے خاموش واندوهگین وگفت آنحضرت در بیان سبب دلگیری که جبرئیل وعده کرده بود مرا که ملاقات

اللَّيْلَةَ فَلَمْ يَلْقَنِيْ اَمَا وَاللّٰهِ مَا اَخْلَفَنِيْ ثُمَّ وَقَعَ فِيْ نَفْسِهٖ

امشب که گذشت پس ملاقات نکرد مرا آگاه باشید سوگند بخدا خلاف وعده نکرد جبرئیل باز بجهت سببے

جِرْوُ كَلْبٍ تَحْتَ فُسْطَاطٍ لَهٗ فَاَمَرَ بِهٖ فَاُخْرِجَ ثُمَّ اَخَذَ

سگ بچه که افتاده بود زیر خیمه که بود مر آنحضرت را پس امر کرد به برآوردن آن پس بیرون آورده شد

بِيَدِهٖ مَاءً فَنَضَحَ مَكَانَهٗ فَلَمَّا اَمْسٰى لَقِيَهٗ جِبْرَئِيْلُ فَقَالَ

بدست شریف آب را پس بپاشید آنحضرت در جائے که سگ بچه نشسته بود پس هرگاه شام کرد پیش آمد

لَقَدْ كُنْتَ وَعَدْتَّنِيْ اَنْ تَلْقَانِيَ الْبَارِحَةَ قَالَ اَجَلْ وَلٰكِنَّا

هر آئینه تحقیق وعده کرده بودی مرا که ملاقات خواهی کرد مرا دوشب گفت جبرئیل ولیکن ما فرشتگان

لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيْهِ كَلْبٌ وَلَا صُوْرَةٌ فَاَصْبَحَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

در نمی آئیم خانه را که در وی سگ است یا صورت پس صبح کرد پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يومئذ فامر بقتل الكلاب حتى انه يأمر

صلى الله عليه وسلم آن يوم كه شنيد از جبرئيل اين سخن پس امر كرد بكشتن سگان تا آنكه چنان شد كه امر

بقتل كلب الحائط الصغير ويترك كلب الحائط الكبير

بكشتن سگ بوستان خورد و بيگذاشت سگ بوستان بزرگ كه در آن زيادت احتياج است

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال كان رسول الله

روا مسلم و روايت است از ابی هريره رض كه بود آن حضرت

صلى الله عليه وسلم يأتي دار قوم من الانصار ودونهم

صلى الله عليه وسلم مے آمد سراے قومی از انصار را و نزد شان

دار فشق ذلك عليهم فقالوا يا رسول الله تأتي دار فلان

سراے ديگر بود پس دشوار آمد آمدن آنحضرت نزد آنقوم بر ايشان پس گفتند يا رسول الله مے آئی سراے فلان را

ولا تأتي دارنا فقال النبي صلى الله عليه وسلم لان في

و نمی آئی سراے ما را فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بهر آنكه در

داركم كلبا قالوا ان في دارهم سنورا فقال النبي

سراے شما سگ است گفتند بدرستيكه در سراے ايشان گربه است پس فرمود آن حضرت

صلى الله عليه وسلم السنور سبع رواه الدارقطني

صلى الله عليه وسلم گربه از قسم درنده است مضايقه ندارد رواه دارقطني

باب قتل المؤذيات

عن ابن عمر رض انه سمع النبي صلى الله عليه وسلم

روايت است از ابن عمر رض كه وے شنيد آنحضرت را صلى الله عليه وسلم

يقول اقتلوا الحيات واقتلوا ذا الطفيتين والابتر فانهما

كه ميگفت بكشيد ماران را و بكشيد مار خداوند دو طفيه را و بكشيد ماريرا كه نام او ابتر است پس بدرستيكه

يطمسان البصر ويستسقطان الحبل قال عبد الله فبينا

این دو قسم مار نابینا میگردانند بینائی را وطلب سقوط میکنند بار شکم را گفت عبد الله

انا اطارد حية اقتلها ناداني ابو لبابة لا تقتلها

آنکه حمله می آرم ماری را که بکشم او را آواز داد مرا ابو لبابه انصاری که مکش این مار را

فقلت ان رسول الله صلى الله عليه وسلم امر بقتل الحيات

پس گفتم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرده است بکشتن ماران تو چون منع می کنی

فقال انه نهى بعد ذلك عن ذوات البيوت وهن العوامر

پس گفت بدرستی آنحضرت نهی کرد بعد از امر کردن از کشتن خانه وایان ماران که خانه نشین اند

متفق عليه وعن ام شريك رض ان رسول الله صلى

متفق علیه و روایت است از ام شریک رض که آنحضرت صلی الله

الله عليه وسلم امر بقتل الوزغ وقال كان ينفخ على

علیه وسلم امر کرده است بکشتن سام ابرص فرمود آنحضرت دمید وزغ که دم میکرد

ابراهيم متفق عليه وعن سعد بن ابي وقاص ان

بر ابراهیم متفق علیه و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض

رسول الله صلى الله عليه وسلم امر بقتل الوزغ وسماه

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرد بقتل وزغ ونام کرده است اورا

فويسقا رواه مسلم وعن ابي هريرة رض ان رسول الله

فاسقک رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من قتل وزغا في اول ضربة

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بکشد سام ابرص را در اول زدن

كتبت له مائة حسنة وفي الثانية دون ذلك وفي الثالثة

نوشته میشود برای وی صد نیکی و بکشد او را در زدن دوم نوشته میشود برای او فرود صد نیکی

دُونَ ذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

نوشته می شود او را کمتر از آن دو م رواه مسلم و هم از وی روایت گفت فرمود آن حضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَصَتْ نَمْلَةٌ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَأَمَرَ بِقَرْيَةِ

صلی اللہ علیہ وسلم گزید مورچه پیغمبری از پیغمبران را پس امر کرد بقریه

النَّمْلِ فَأُحْرِقَتْ فَأَوْحَى اللّٰهُ تَعَالَى أَنْ قَرَصَتْكَ نَمْلَةٌ أَحْرَقْتَ

نملے که سوخته شود پس سوخته شد پس وحی فرستاد خدای تعالی بسوی آن پیغمبر از جهت آنکه گزید ترا یک

أُمَّةً مِنَ الْأُمَمِ تُسَبِّحُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ

مورچه سوختی تو گروهی را از گروههای چنین گروهی که تسبیح میکند خدا را متفق علیه و روایت است

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبُّوا الدِّيكَ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم دشنام مدهید خروس را

فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلٰوةِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ

زیرا که وی بیدار می گرداند برای نماز رواه ابو داود و روایت است از عبد الرحمن

ابْنِ أَبِي لَيْلٰى قَالَ قَالَ أَبُو لَيْلٰى قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابن ابی لیلے گفت که فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ظَهَرَتِ الْحَيَّةُ فِي الْمَسْكَنِ فَقُوْلُوا لَهَا إِنَّا

علیه وسلم چونکه پیدا آید مار در جائے سکونت پس بگوئید مر آن مار را بدرستیکه ما

نَسْئَلُكِ بِعَهْدِ نُوحٍ وَبِعَهْدِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ أَنْ لَا تُؤْذِينَا

سوال میکنیم ترا بعهد نوح و بعهد سلیمان بن داود این را که ایذا نکنی ما را

فَإِنْ عَادَتْ فَاقْتُلُوهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

پس اگر باز گردد و بیاید پس بکشید او را رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَا سَالَمْنَاهُمْ مُنْذُ حَارَبْنَاهُمْ وَمَنْ تَرَكَ شَيْئًا مِنْهُمْ خِيفَةً

صلح نکرده ایم ما ایشان را از ان باز که جنگ کرده ایم ما ایشان را و کسیکه ترک کند و بکشد چیزی را از ان مار ان

فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضـ قَالَ قَالَ

پس نیست آن کس از ما رواه ابوداؤد و روایت ست از ابن مسعود رضـ گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْتُلُوا الْحَيَّاتِ كُلَّهُنَّ

آن حضرت صلی اللّٰه علیه وسلم بکشید ماران همه ماران را

فَمَنْ خَافَ ثَأْرَهُنَّ فَلَيْسَ مِنِّي رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس کسیکه بترسد کینه کشی آنها را پس نیست آنکس از من رواه ابوداؤد والنسائی

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضـ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت ست از ابن مسعود رضـ که آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم

قَالَ اقْتُلُوا الْحَيَّاتِ كُلَّهَا إِلَّا الْجَانَّ الْأَبْيَضَ الَّذِي كَأَنَّهُ

فرمود بکشید ماران را همه ماران را مگر مار خورد سفید را آنکه مانند

قَضِيبُ فِضَّةٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ

شاخ نقره هست رواه ابوداؤد و روایت ست از ابی هریره رضـ گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا وَقَعَ الذُّبَابُ

فرمود آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم وقتیکه بیفتد مگس در آوند

فِي إِنَاءِ أَحَدِكُمْ فَامْقُلُوهُ فَإِنَّ فِي أَحَدِ جَنَاحَيْهِ دَاءً وَفِي

یکی از شما پس غوطه دهید او را در آن ظرف پس هر آئینه در یکی از دو بازو او زهر ست و در بازوی دیگر

الْآخَرِ شِفَاءً فَإِنَّهُ يَتَّقِي بِجَنَاحِهِ الَّذِي فِيهِ الدَّاءُ فَلْيَغْمِسْهُ كُلَّهُ رَوَاهُ

تندرستی پس هر آئینه نگاه میدارد نفس خود را بتقدیم بازوی خود که درو زهر ست پس باید که غوطه دهید

أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضـ عَنِ النَّبِيِّ

ابوداؤد و روایت ست از ابی سعید خدری رضـ از ان حضرت

۵ گفته اند شاید که نهی در کشتن این نوع بجهت آنست که وی زبان نمی کند و زهر ندارد ۱۲

صلی اللہ علیہ وسلم قال اذا وقع الذباب فی الطعام

صلی اللہ علیہ وسلم کہ گفت وقتیکہ بیفتد مگسے در طعام

فامقلوہ فان فی احد جناحیہ سما و فی الاخر شفاء وانہ

پس غوطہ زنید او را پس بدرستیکہ در یکی از دو بازوے او زہر ست و در بازوی دیگر شفاست و بدرستی و

یقدم السم و یوخر الشفاء رواہ فی شرح السنۃ وعن ابن

پیشتر می اندازد بازوی زہر را و پس مے اندازد بازوی شفا را رواہ در شرح السنۃ و روایت است از

عباس قال نھی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم عن قتل

ابن عباس رض کہ آنحضرت نھی کردہ ست صلی اللہ علیہ وسلم از کشتن

اربع من الدواب النملۃ والنحلۃ والھدھد والصرد رواہ

چھار از دواب یکے مور چہ کہ پیش از انکہ بگزد دوم مگس شہد سوم ہدہد چہارم صرد رواہ

ابوداؤد والدارمی وعن ابی ثعلبۃ الخشنی یرفعہ الجن

ابوداؤد و الدارمی و روایت ست از ابی ثعلبہ خشنی کہ رفع میکند حدیث را کہ بو

ثلثۃ اصناف صنف لھم اجنحۃ یطیرون فی الھواء

سہ گونہ اند و سہ قسم قسمے ہستند کہ مر ایشان را بازو ہاست کہ می پرند در ہوا

وصنف حیات وکلاب وصنف یحلون ویظعنون

و قسمے دیگر ماران و سگان اند و صنفے دیگر کہ فرود می آیند در جاہا و بقعہا و اقامت کنند در آن

رواہ فی شرح السنۃ

رواہ در شرح السنۃ

باب الاطعمۃ

باب در بیان آداب طعام

عن ابن عمر رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

روایت ست از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

لا یأکلن احدکم بشماله ولا یشربن بها فان الشیطان

البته باید که نخورد یکی از شما بدست چپ البته باید که ننوشد بدست چپ هم زیرا که شیطان میخورد

یأکل بشماله ویشرب بها رواه مسلم وعن جابر رض قال

بدست چپ و می نوشد بدست چپ رواه مسلم و روایت است از جابر رض گفت

سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ان الشیطان یحضر

شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه شیطان حاضر می شود

احدکم عند کل شیء من شانه حتی یحضر عند طعامه فاذا

یکی از شما را نزد هر چیز از شان آن یکی تا آنکه حاضر می شود نزد طعام وی پس چون

سقطت من احدکم اللقمة فلیمط ما کان بها من اذی ثم

بیفتد از دست یکی از شما لقمه پس باید که دور کند از آن لقمه چیزیکه مخلوط است بآن از آنچه کراهت می نماید...

لیأکلها ولا یدعها للشیطان فاذا فرغ فلیلعق اصابعه

بخورد آنرا و نگذارد آنرا برای شیطان پس چون فارغ شود از خوردن پس باید که بلیسد انگشتان

فانه لا یدری فی ای طعامه تکون البرکة رواه

پس بدرستیکه وی نمیداند که در کدام جزوی از اجزای طعام وی میباشد برکت رواه

مسلم وعن نبیشة عن رسول الله صلی الله علیه

مسلم و روایت است از نبیشه رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال من اکل فی قصعة فلحسها استغفرت له

وسلم فرمود کسیکه بخورد در کاسه پس بلیسد بعد از خوردن کاسه آمرزش میخواهد

القصعة رواه احمد والترمذی وابن ماجة والدارمی

برای وی کاسه رواه احمد والترمذی وابن ماجه والدارمی

وعن ابن عباس قال کان احب الطعام الی رسول الله

و روایت است از ابن عباس رض که بود دوست ترین طعام با نزد پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الثَّرِيْدُ مِنَ الْخُبْزِ وَالثَّرِيْدُ مِنَ الْحَيْسِ

صلے اللہ علیہ وسلم اشکنہ از نان و اشکنہ از حیس

رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اُمِّ هَانِئٍ رض قَالَتْ دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ

رواہ ابوداؤد در روایت ست از ام ہانی رض گفت کہ داخل شد بر من آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اَعِنْدَكِ شَيْءٌ فَقُلْتُ لَا اِلَّا خُبْزٌ

صلی اللہ علیہ وسلم پس پرسید آیا ہست نزد تو چیزے گفتم نیست چیزے مگر نان خشک

يَابِسٌ وَخَلٌّ فَقَالَ هَاتِي مَا اَقْفَرَ بَيْتٌ فِيْهِ خَلٌّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و سرکہ پس فرمود بیار آنچہ حاضر ست خالی نیست از نان خورش خانہ کہ در وے سرکہ ہست رواہ ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ جُحَيْفَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

در روایت ست از ابی جحیفہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لَا اٰكُلُ مُتَّكِئًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ قَتَادَةَ رض عَنْ

وسلم نمیخورم طعام را تکیہ کردہ رواہ بخاری در روایت ست از قتادہ رض که

اَنَسٍ رض قَالَ مَا اَكَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلٰى خِوَانٍ وَلَا

گفت انس رض نخورد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم طعام را نہادہ برخوان و نخورد

فِيْ سُكُرُّجَةٍ وَلَا خُبِزَ لَهٗ مُرَقَّقٌ قِيْلَ لِقَتَادَةَ عَلٰى مَا يَاْكُلُوْنَ

در سکرجہ یعنے اناء صغیر و پختہ نشد برای آنحضرت نان تنک نخوردہ ست گفتہ شد مر قتادہ را

قَالَ عَلَى السُّفَرِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ مَا

گفت بر سفرہ ہا رواہ بخاری در روایت ست از ابی ہریرہ رض کہ گفت

عَابَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَامًا قَطُّ اِنِ اشْتَهَاهُ اَكَلَهٗ

عیب نکرد پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم ہیچ طعامی را ہرگز و اگر خوش میداشت آن طعام را میخورد

وَاِنْ كَرِهَهٗ تَرَكَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

و اگر نا خوش میداشت ترک می نمود متفق علیہ در روایت ست از عائشہ گفت

ریزہ کردہ و سیکون
بفتح حا مہملہ و سکون یا
حسین خرما و روغن و
بعضے ماست یا پنیر آرد
یا نان خوردہ در آمیختہ
سازند و آن را حیس
بیشتر خانہ و دانہ بتقدیم
بیفتد قطعہ و بعضے یابس
بالفتح قلعہ انفر
یا قشری در حمل آمدہ از
زمینے کہ در آنجا آب
گیاہ نباشد و دانہ آن
بی نان قفر...

[illegible]

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يحب الحلواء والعسل

بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دوست میداشت حلوا و شهد را

رواه البخاري وعن جابر رض أن النبي صلى الله عليه وسلم

رواه البخاری و روایت ست از جابر رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

سأل أهله الأدم فقالوا ما عندنا إلا الخل فدعا به فجعل

طلبید از خانهٔ خود نانخورش را پس گفتند نیست نزد ما مگر سرکه پس طلبید سرکه را پس خوردن گرفت

يأكل به ويقول نعم الإدام الخل نعم الإدام الخل رواه مسلم وعن

نان با آن سرکه و میگفت بقصد مدح نیکو نانخورش ست سرکه نیکو نانخورش ست سرکه برای تاکید رواه مسلم و از

أبي أيوب قال كنا عند النبي صلى الله عليه وسلم فقرب طعام

ابی ایوب رض مرویست گفت بودیم ما نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس نزدیک گردانیده شد طعامی

فلم أر طعاما كان أعظم بركة منه أول ما أكلنا ولا أقل بركة

پس ندیدم هیچ طعامی را که بود عظیم تر از وی برکت از آن طعام در ابتدای وقت خوردن ما و ندیدم

في آخره قلنا يا رسول الله كيف هذا قال إنا ذكرنا اسم

در وقت آخر آن گفتیم ما ای رسول خدا چگونه بود حال این طعام که بود اول برکت داشت و در

الله حين أكلنا ثم قعد من أكل ولم يسم الله فأكل

آخر بی برکت شد فرمود آن حضرت که ما خوردیم در ابتدا بنام خدا و نشست کسیکه خورد و نام خدا نبرد

معه الشيطان رواه في شرح السنة وعن عائشة

با وی شیطان سبب بی برکتی این بود رواه فی شرح السنة و روایت ست از عایشه رض

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أكل أحدكم

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخورد یکی از شما

فنسي أن يذكر الله على طعامه فليقل بسم الله أوله وآخره

پس فراموش کند ذکر کردن نام خدا را بر طعام خود در اول پس باید که بگوید آخر یا اینجا که یاد آید بسم الله

رواه الترمذي وابو داود وعن امية بن مخشي رض قال

روایت کرده ترمذی و ابوداود و روایت است از امیه بن مخشی رض که

كان رجل يأكل فلم يسم حتى لم يبق من طعامه الا لقمة

بود مردی که طعام میخورد پس تسمیه نکرد تا آنکه باقی نماند از طعام وی مگر یک لقمه

فلما رفعها الى فيه قال بسم الله اوله وآخره فضحك

پس هرگاه که برداشت آن لقمه باقی مانده را بسوی دهن خود گفت آغاز بسم الله اوله وآخره پس

النبي صلى الله عليه وسلم ثم قال ما زال الشيطان يأكل

صلی الله علیه وسلم بستر فرمود بود شیطان که میخورد

معه فلما ذكر اسم الله استقاء ما في بطنه رواه ابو داود

با وی تا این هنگام پس اکنون برداشته نام خدا را دکرد شیطان چیزیکه در شکم وی بود رواه ابوداود

وعن ابي سعيد الخدري رض قال كان رسول الله

و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت بود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا فرغ من طعامه قال الحمد لله الذي

صلی الله علیه وسلم چون فارغ می شد از طعام خوردن میگفت شکر خدا را

اطعمنا وسقانا وجعلنا مسلمين رواه الترمذي وابو داود وابن

که بخورانید ما را طعام و بنوشانید آب را و گردانید ما را مسلمان رواه ترمذی وابوداود و ابن

ماجة وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم الطاعم الشاكر كالصائم الصابر رواه الترمذي

علیه وسلم آنکه میخورد و شکر بر نعمت حق میکند مانند کسیکه روزه میدارد و صبر میکند رواه ترمذی

وعن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم انه اتي

و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که آورده شد

بقصعة من ثريد فقال كلوا من جوانبها ولا تاكلوا من

نزد آنحضرت کاسه از اشکنه پس فرمود آنحضرت بخورید از جوانب و اطراف کاسه و مخورید از

وسطها فان البركة تنزل في وسطها رواه الترمذي

میانهٔ آن زیرا که برکت در طعام نازل مے شود بطعامیکه در میانه کاسه است رواه ترمذی

وعن عكراش بن ذويب قال اتينا بجفنة كثيرة

و روایت ہست از عکراش بن ذویب که آورده شدیم ما کاسه کلان را که بسیار بود

الثريد والوذر فخبطت بيدي في نواحيها واكل رسول الله

دروے اشکنه و گوشت پارها بی استخوان پس زدم دست خود را در هر جانب جفنه و خورد آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من بين يديه فقبض بيده اليسرى على

صلے الله علیه وسلم از پیش خود پس گرفت آنحضرت بدست چپ خود دست راست مرا و زدند دست

يدي اليمنى ثم قال يا عكراش كل من موضع واحد فانه

دست من بستر گفت ای عکراش بخور از یکجا زیرا که این یک

طعام واحد ثم اتينا بطبق فيه الوان التمر فجعلت اكل

طعام است بستر آورده شد نزد ما طبقے که در وے خرما رنگ رنگ بود پس خوردن گرفتم آنرا

من بين يدي وجالت يد رسول الله صلى الله عليه وسلم

از پیش خود بجهت آنکه شنیده ام از آنحضرت و جولان کرد دست پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

في الطبق فقال يا عكراش كل من حيث شئت فانه غير لون

در طبق و از هر جانب بستر و پس فرمود آنحضرت یا عکراش بخور از هر جانب که خواهی زیرا که این طعام

واحد ثم اتينا بماء فغسل رسول الله صلى الله عليه وسلم

یک رنگ نیست بستر آب آورده شد نزد ما پس شست پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

يديه ومسح ببلل كفيه وجهه وذراعيه وراسه وقال

هر دو دست خود را و مسح کرد بتری آب که در کف دست بود بر روے خود و مسح کرد هر دو دست خود را تا مرفقین و سر را

يَا عِكْرَاشُ هٰذَا الْوُضُوْءُ مِمَّا غَيَّرَتِ النَّارُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

ای عکراش این وضو از طعام ست که تغیر داده ست آنرا آتش و پخته شده ست رواه ترمذی

وَعَنْ اَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت ست از انس بن مالک رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيِّدُ اِدَامِكُمُ الْمِلْحُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

علیه وسلم بهترین نان خورش شما نمک ست رواه ابن ماجه و روایت ست

اَسْمَاءَ بِنْتِ اَبِيْ بَكْرٍ اَنَّهَا كَانَتْ اِذَا اُتِيَتْ بِثَرِيْدٍ اَمَرَتْ بِهٖ

از اسماء بنت ابی بکر که بود عادت وی چون آورده میشد اشکنه ترید کیفرمود پوشیده نگاه دارید

فَغُطِّيَ حَتّٰى تَذْهَبَ فَوْرَةُ دُخَانِهٖ وَتَقُوْلُ اِنِّيْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ

پس پوشیده میشد تا آنکه برود جوش و غلبه دود گرمی وی و میگفت بدرستی شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ هُوَ اَعْظَمُ لِلْبَرَكَةِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

صلی الله علیه وسلم که میگفت این نگاهداشتن طعام موجب بسیار برکت است رواه دارمی

وَعَنْ نُبَيْشَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

و از نبیشه رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

اَكَلَ فِيْ قَصْعَةٍ ثُمَّ لَحِسَهَا تَقُوْلُ لَهُ الْقَصْعَةُ اَعْتَقَكَ اللّٰهُ

بخورد در کاسه پستر بلیسد میگوید مراو را کاسه که آزاد کند ترا خدا

مِنَ النَّارِ كَمَا اَعْتَقْتَنِيْ مِنَ الشَّيْطَانِ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض

از آتش دوزخ چنانکه آزاد کردی تو مرا از شیطان رواه رزین و روایت ست از انس رض

قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ مِنَ الدُّبَّاءِ فَقُلْتُ

گفت بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثار و زیادتی میکرد از دبا پس گفتم

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنَّكَ لَتُحِبُّ الدُّبَّاءَ فَقَالَ الدُّبَّاءُ يُكَبِّرُ

ای رسول خدا بدرستیکه شما هر آئینه دوست میدارید کدو را پس فرمود کدو بزرگ می کند

الدماغ ويزيد في العقل الديلمي

دماغ را و زياده ميكند عقل را روايت كرد ديلمي

باب الأشربة وبيان أواني الذهب والفضة

باب در ذكر انواع شرابها وحكم آن و بيان ظروف زر و سيم

عن أنس قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

روايتست از انس رض گفت كه بود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

يتنفس في الشراب ثلاثا متفق عليه وزاد مسلم في رواية

كه نفس ميزد در آب خوردن سه نفس متفق عليه ست و زيادت كرد مسلم در روايتي ديگر اين لفظ را

ويقول إنه أروى وأبرأ وأمرأ وعن أم سلمة أن

وميگفت آنحضرت كه آب باين صفت سيركننده وصحت كننده وگوارتر است و از ام سلمه مرويست كه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الذي يشرب في آنية

آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود آن كسيكه مي نوشد در آوند

الفضة إنما يجرجر في بطنه نار جهنم متفق عليه وفي

نقره گويا مي نوشد آنكس جرعه جرعه با واز در شكم خود آتش دوزخ را متفق عليه و در

رواية لمسلم إن الذي يأكل ويشرب في آنية الفضة والذهب

روايت ديگر مر مسلم را اين عبارت ست هر كه مي نوشد در آوند نقره و زر

وعن حذيفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روايتست از حذيفه رض گفت شنيدم آنحضرت را صلى الله عليه

وسلم يقول لا تلبسوا الحرير ولا الديباج ولا تشربوا في آنية

وسلم كه ميگفت مپوشيد جامهاي ابريشمي را و نه ديبا و منوشيد در آوندهاي

الذهب والفضة ولا تأكلوا في صحافها فإنها لهم في الدنيا

طلا و نقره و مخوريد در كاسه هاي طلا و نقره زيرا كه اين اشيا مر كافران راست در دنيا

وَهِيَ لَكُمْ فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

و آن مر شما راست در آخرت متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشُّرْبِ مِنْ ثُلْمَةِ

گفت که منع فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم از خوردن آب از سوراخ

الْقَدَحِ وَأَنْ يُنْفَخَ فِي الشَّرَابِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

قدح و کوزه و مانند آن و منع کرد از دم دردمیدن در آب رواه ابو داود و روایت است از ابن عباس

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَكَلَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخورد

أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَأَطْعِمْنَا

یکے از شما طعامے را پس باید که بگوید خدایا برکت ده ما را در وی و طعام بخوران ما را

خَيْرًا مِنْهُ وَإِذَا سُقِيَ لَبَنًا فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ

طعامے بهتر ازین طعام که خوردیم و چون بنوشد شیر را پس باید که بگوید خدایا برکت ده ما را

وَزِدْنَا مِنْهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يُجْزِئُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ

و زیاده برسان ما را ازان باین وجه که نیست چیزے که کفایت کند از طعام و شراب

إِلَّا اللَّبَنُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ

مگر شیر رواه ترمذی و ابو داود و از ابن عمر رض

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَرِبَ فِي إِنَاءِ

مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بخورد آب در ظرفے

ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ أَوْ إِنَاءٍ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ ذٰلِكَ فَإِنَّمَا يُجَرْجِرُ

از طلا یا نقره یا بخورد در ظرفے که در آن ظرف چیزے از زر یا نقره ہست پس مے نوشد

فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ

و می کشد جرجر در شکم خود آتش دوزخ را رواه دارقطنی و روایت است از

ابي مالك الاشعري رض انه سمع رسول الله صلى الله

ابی مالک اشعری رض که وے شنید آنحضرت صلے اللہ

وسلم يقول ليشربن ناس من امتي الخمر يسمونها بغير اسمها

علیہ وسلم را کہ میگفت ہر آئینہ باشد کہ بخورند بعضے مردمان از امت من خمر را نام می نہند خمر را

رواه ابو داود وابن ماجه وعن جابر قال سمعت

رواہ ابو داؤد و ابن ماجہ در روایت ست از جابر رض گفت شنیدم

النبي صلى الله عليه وسلم يقول اذا سمعتم نباح الكلب

پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت چون بشنوید آواز سگ

ونهيق الحمير من الليل فتعوذوا بالله من الشيطان الرجيم

و آواز خران را در شب پس پناہ جوئید بخدا از شیطان رجیم

فانهن يرين ما لا ترون واقلوا الخروج اذا هدأت الرجل

زیرا کہ این سگان و خران می بینند چیزے را کہ نمی بینید شما و کمتر کنید بیرون آمدن را از خانہ وقتیکہ ساکن

فان الله عز وجل يبث من خلقه في ليلته ما يشاء واجيفوا

زیرا کہ خدا عز و جل پراگندہ و بیرون می آرد از خلق خود در شب چیزے را کہ میخواہد و بر ہم زنید و بند کنید

الابواب واذكروا اسم الله عليه فان الشيطان لا يفتح بابا

در خانہ ہا را و بگیرید نام خدا را بران زیرا کہ شیطان نمی تواند کشود در را

اذا اجيف وذكر اسم الله عليه وغطوا الجرار واكفؤا

چون بستہ شود و بردہ شود نام خدا و بپوشید دہان کوزہ ہا را کہ در وے

الانية واوكوا القرب رواه في شرح السنة وعن

آبست و قلب کنید ظرفہا را کہ خالی باشد از چیزے و ببندید دہان مشکہا را رواہ

ابن عباس قال جاءت فارة تجر الفتيلة فالقتها بين

ابن عباس رض گفت آمد موشے در حالیکہ میکشید این فارہ فتیلہ را پس انداخت فتیلہ را

يَدَيْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْخُمْرَةِ الَّتِيْ
پیش آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر سجاده حمره از حصیر که آنحضرت بران تشریف
كَانَ قَاعِدًا عَلَيْهَا فَاَحْرَقَتْ مِنْهَا مِثْلَ مَوْضِعِ الدِّرْهَمِ فَقَالَ
پس سوخت آن فاره از ان خمره موضع مقدار درهم پس فرمود
اِذَا نِمْتُمْ فَاَطْفِئُوْا سُرُجَكُمْ فَاِنَّ الشَّيْطَانَ يَدُلُّ مِثْلَ هٰذِهٖ
چون بخوابید بکشید چراغهاے خود را زیرا که شیطان راه می نماید مثل این موش را
عَلٰى هٰذَا فَيُحْرِقُكُمْ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ
بر این فعل پس سبب شیطان باعث می شود بر سوختن شما رواه ابوداود

بَابُ الضِّيَافَةِ

باب در بیان فضل ضیافت و آداب آن

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم
مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهٗ وَمَنْ
کسیکه ایمان دارد بخدا و روز آخرت پس باید که اکرام کند مهمان خود را و کسیکه
كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلَا يُؤْذِ جَارَهٗ وَمَنْ كَانَ
ایمان آرد بخدا و روز جزا پس باید که ایذا نرساند همسایه را و کسیکه باشد
يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا اَوْ لِيَصْمُتْ وَفِيْ
ایمان دارنده بخدا و روز جزا سخن نیک بگوید یا خاموش ماند و در
رِوَايَةٍ بَدَلَ الْجَارِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيَصِلْ
روایتے بدل جار این لفظ آمده کسیکه ایمان آرد بخدا و روز آخرت پس باید که
رَحِمَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ شُرَيْحٍ الْكَعْبِيِّ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ
رحم کند که موجب وصل شود متفق علیه روایت است از ابی شریح کعبی رض بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ایمان دارد باخدا وروز آخرت

فليكرم ضيفه جائزته يوم وليلة والضيافة ثلاثة

پس باید که اکرام کند مهمان خود را عطیه وتحفه وی یک روز ویک شب است وزمان مهمانداری سه روز است

ايام فما بعد ذلك فهو صدقة ولا يحل له ان يثوي

وبعد از آن هرچه دهد خیر زاید است وروا نیست مر مهمان را که اقامت کند نزد میزبان

عنده حتى يحرجه متفق عليه وعن ابي سعيد رض

تا آنکه در حرج ومشقت اندازد او را متفق علیه روایت است از ابی سعید رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال مثل المؤمن ومثل

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود قصه حال مؤمن بنسبت ایمان مانند قصه وحال

الايمان كمثل الفرس في آخيته يجول ثم يرجع الى آخيته وان

اسپ است در آخیه جولان میکند هر سو میگردد پس رجوع میکند آن با خیه باز میآید

المؤمن يسهو ثم يرجع الى الايمان فاطعموا طعامكم الاتقياء

مؤمن همچنین بسهو معصیت میکند پس رجوع میکند بسوی ایمان پس بخورانید طعام خود را بپرهیزگاران

واولوا معروفكم المؤمنين رواه البيهقي في شعب

وبدهید عطیه خود را همه مومنان را رواه بیهقی در شعب

الايمان وابو نعيم في الحلية وعن ابن عمر رض قال قال

الایمان وابو نعیم در حلیه ودر روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا وضعت المائدة فلا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه نهاده شود مائده پس باید که نایستد

يقوم رجل حتى ترفع المائدة ولا يرفع يده وان شبع حتى يفرغ

وبر نخیزد مردی تا آنکه برداشته شود مائده وبر ندارد دست از طعام اگرچه سیر گردد تا آنکه فارغ شود

الفقر وليعذر فان ذلك يخجل جليسه فيقبض يده وعسى

مردم از خوردن و اگر بردارد باید که عذر خواهد الا هر کند زیرا که دست برداشتن بعذر شرمنده میگرداند

ان يكون له في الطعام حاجة رواه ابن ماجة والبيهقي

و شاید که باشد جلیس او را نیز حاجت بطعام روا‌ه ابن ماجه و بیهقی

في شعب الايمان وعن عمر بن الخطاب قال قال رسول الله

در شعب الایمان و روایت است از عمر بن خطاب رضه گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم كلوا جميعا ولا تفرقوا فان البركة

صلی الله علیه وسلم بخورید با جماعة و جدا جدا مخورید زیرا که برکت

مع الجماعة رواه ابن ماجة وعن ابي هريرة رض قال

با جماعة است روا‌ه ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من السنة ان

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم از جمله سنت است که

يخرج الرجل مع ضيفه الى باب الدار رواه ابن ماجة وعن

بیرون آید مرد با مهمان خود جهت تکریم او تا در سرا روا‌ه ابن ماجه و روایت است از

ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الخير

ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خیر و برکت

اسرع الى البيت الذي يوكل فيه من الشفرة الى سنام البعير

زود تر رسنده است بسوی خانه که خورده میشود طعام یعنی با مهمانان از رسیدن کارد بکوهان شتر

رواه ابن ماجة وعن وحشي بن حرب عن ابيه عن جده

روا‌ه ابن ماجه و روایت است از وحشی بن حرب او روایت دارد از پدر و جد

ان اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم قالوا يا رسول الله

و وی بانقدر و حشی که بدرستیکه یعنی یاران آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای رسول خدا

٦٢٩

صلى الله عليه وسلم إنا نأكل ولا نشبع قال فلعلكم تفترقون

صلی الله علیه وسلم ما هر چند میخوریم سیر نمی شویم فرمود شاید جدا جدا میخورید

قالوا نعم قال فاجتمعوا على طعامكم واذكروا اسم الله

گفتند صحابه آری همچنین است فرمود آنحضرت پس اجتماع کنید بر طعام خود و ذکر کنید

يبارك لكم فيه رواه أبو داود

تا برکت داده شود مر شما را در طعام رواه ابو داود

باب في ذكر لباس النبي والنهي عن الإسبال

باب در بیان لباس آنحضرت و نهی از جر و اسبال

والأحمر والحرير وجلود السباع وثوب الشهرة

و در رنگ سرخ و لباس حریر و دیبا و پوست درنده ها و پارچه که برای شهرت است

عن أبي هريرة رض قال أخرجت إلينا عائشة كساء

روایت است از ابی هریره رض گفت بیرون آورد بسوی ما عائشه چادری

ملبدا وإزارا غليظا فقالت قبض روح رسول الله صلى الله

رقعها بر هم دوخته و ازاری درشت پس گفت قبض کرده شد روح پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم في هذين متفق عليه وعن عائشة رض قالت

علیه وسلم درین دو جامه متفق علیه و روایت است از عائشه رض گفت

كان فراش رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي ينام

بود بستر خواب آنحضرت صلی الله علیه وسلم که خواب کردی

عليه أدما حشوه ليف متفق عليه وعنها قالت كان

بر وی چرم دباغت کرده شده که درمیان او پوست خرما بود متفق علیه و هم از عائشه

وسادة رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي يتكئ عليه

بالش آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تکیه کردی بر وی

مِنْ اَدَمٍ حَشْوُهُ لِيفٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اُمِّ سَلَمَةَ رض قَالَتْ

از چرم و بافت کرده شده که میان وی پوست خرما بود رواه مسلم و روایت ست از ام سلمه رض گفت

كَانَ اَحَبُّ الثِّيَابِ اِلَى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقَمِيْصُ

که دوست داشته ترین جامها بسوی آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیراهن بود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيْدَ رض

رواه ترمذی و ابو داود و روایت ست از اسماء بنت یزید رض

قَالَتْ كَانَ كُمُّ قَمِيْصِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَى

گفت بود آستین پیراهن آنحضرت صلی الله علیه وسلم تا

الرُّسْغِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ

بند دست رواه ترمذی و ابو داود و روایت ست از ابن عمر رض گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اعْتَمَّ سَدَلَ بَيْنَ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون عمامه بست فرو میگذاشت گوشه

كَتِفَيْهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ كَبْشَةَ رض قَالَ كَانَ كِمَامُ اَصْحَابِ

دو شانهٔ خود رواه ترمذی و روایت ست از ابی کبشه که گفت بود کلاه یاران

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُطْحًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ سَمُرَةَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پهن و بسر چسپیده بود رواه ترمذی و روایت است از سمره

اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْبَسُوا الثِّيَابَ الْبِيْضَ فَاِنَّهَا اَطْهَرُ

که تحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بپوشید جامهای سفید را زیرا که جامهای سفید

وَاَطْيَبُ وَكَفِّنُوْا فِيْهَا مَوْتَاكُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ

پاکیزه و خوشتر است و کفن کنید در آن مرده های خود را رواه احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ عُبَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ

و روایت ست از عباده رض که گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر شما باد

بالعمائم فانها سيماء الملائكة وارخوها خلف ظهوركم

وسيارها زير كرد دستارها علامت فرشتگان ست وبگذاريد اطراف عمائم را پس پشت خود را

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عمرو بن شعيب

رواه بيهقي در شعب ايمان و روايت ست از عمرو بن شعيب

عن ابيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

از پدرش و پدر او از جد عمرو گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

ان الله يحب ان يرى اثر نعمته على عبده رواه الترمذي

بدرستيكه خدا دوست ميدارد كه ديده شود اثر نعمت خود بر بندهٔ خود رواه ترمذي

وعن معاذ بن انس ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روايت ست از معاذ بن انس رضه كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم

قال من اكل طعاما ثم قال الحمد لله الذي اطعمني هذا

فرمود كسيكه بخورد طعامى را پس بگويد شكر مر خدا را كه بخورانيد مرا اين خوردني و رسانيد مرا

الطعام ورزقنيه من غير حول مني ولا قوة غفر له ما تقدم

اين طعام را بى حول و بى قوة كه از جانب من باشد آمرزيده شود هرچه گذشته ست

من ذنبه رواه الترمذي وزاد ابوداود ومن لبس

از گناهان او رواه ترمذي و زياده كرد ابوداود و كسيكه بپوشد

ثوبا فقال الحمد لله الذي كساني هذا ورزقنيه من غير

جامه را پس بگويد شكر مر خدا را كه پوشانيد مرا اين را و داد مرا اين جامه را بى

حول مني ولا قوة غفر له ما تقدم من ذنبه وما تاخر

حول و بى قوة كه از جانب من باشد آمرزيده شود مر او را هرچه گذشته ست از گناهان وى

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روايت ست از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاؤدَ وَعَنِ

هر کس که مشابه کرد خود را بقومی پس آنکس از آن قوم ست رواه احمد و ابو داؤد و از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُلْ مَا شِئْتَ وَالْبَسْ مَا شِئْتَ مَا اَخْطَأَتْكَ

ابن عباس رض گفت بخور هر چیز را که میخواهی و بپوش هر چیز را که میخواهی مادامیکه نرسد ترا

اِثْنَانِ سَرَفٌ وَمَخِيْلَةٌ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِيْ تَرْجَمَةِ بَابٍ

دو خصلت اسراف و تکبر رواه بخاری در ترجمه بابی

وَعَنْ سَالِمٍ عَنْ اَبِيْهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت ست از سالم از پدرش و او از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم گفت

اَلْاِسْبَالُ فِي الْاِزَارِ وَالْقَمِيْصِ وَالْعِمَامَةِ مَنْ جَرَّ مِنْهَا شَيْئًا

که جرّ و اسبال که حرام ست نه تنها در ازار است بلکه در ازار و پیراهن و عمامه نیز میباشد کسیکه دراز کند

خُيَلَاءَ لَمْ يَنْظُرِ اللّٰهُ اِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ اَبُوْدَاؤدَ وَالنَّسَائِيُّ

و بکشد ازین جامها بطریق تکبر نظر نه کند خدا تعالی بجانب وی روز قیامت رواه ابوداؤد و نسائی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ

و ابن ماجه و روایت ست از ابی سعید خدری رض گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِزْرَةُ الْمُؤْمِنِ اِلٰى اَنْصَافِ

آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم که میگفت یعنی حالت محموده در ازار پوشیدن مومن تا نصف

سَاقَيْهِ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِ فِيْمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَعْبَيْنِ مَا اَسْفَلَ مِنْ

ساقین اوست نیست گناه بر مومن در پوشیدن ازار تا میانه نصف ساق و کعبها و شتالنگ هر چیزی که پایان است از شتالنگ

ذٰلِكَ فَفِي النَّارِ قَالَ ذٰلِكَ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ وَلَا يَنْظُرُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

پس آن در آتش دوزخ ست گفت آنرا سه بار و نظر رحمت نمی کند خدا تعالی روز قیامت

اِلٰى مَنْ جَرَّ اِزَارَهُ بَطَرًا رَوَاهُ اَبُوْدَاؤدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

بسوی کسیکه دراز میکند ازار خود را بطریق تکبر و خیلاء رواه ابوداؤد و ابن ماجه و روایت ست از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما اسفل من الكعبين من الازار في النار رواه البخاري

چیزیکه باشد پایان تر از دو شتالنگ از ازار در آتش دوزخ است رواه بخاری

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم بينما رجل يجر ازاره من الخيلاء خسف به فهو

وسلم در اثنای آنکه مردی میکشید ازار خود و تکبر و طغیان میرفت فرو برده شد او را پس او

يتجلجل في الارض الى يوم القيمة رواه البخاري وعن ابن

فرو میرود در زمین تا روز قیامت رواه بخاری و روایت است از ابن

عمر رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال من جر ثوبه خيلاء

عمر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بکشد جامه خود را بطریق تکبر

لم ينظر الله اليه يوم القيمة متفق عليه وعن

نظر عنایت نکند خدای تعالی بسوی او روز قیامت متفق علیه و روایت است از

ابي هريرة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود خدا

لا ينظر الله يوم القيمة الى من جر ازاره بطرا متفق عليه

نظر عنایت نکند روز قیامت بسوی کسیکه بکشد ازار خود بطریق تکبر و اسراف متفق علیه

وعن عبد الله ابن عمرو بن العاص قال رأى رسول الله

و روایت است از عبد الله ابن عمرو بن العاص رض گفت دید آنحضرت

صلى الله عليه وسلم علي ثوبين معصفرين فقال ان هذه

صلی الله علیه وسلم بر من دو جامه رنگین بعصفر پس فرمود که این جامها

من ثياب الكفار فلا تلبسها وفي رواية قلت اغسلهما قال بل

از جنس جامهای کافران ست پس مپوش آنها را و در روایتی آمده ست که گفت عبد الله بشویم

احرقهما رواه مسلم وعن عبد الله بن عمرو رض قال

بسوزان آن هر دو جامه را رواه مسلم و روایت ست از عبد الله بن عمرو رض که

مر رجل وعليه ثوبان احمران فسلم على النبي صلى الله

گذشت مردی و بروی دو جامه سرخ بود پس سلام کرد آن مرد بر پیغمبر خدا

عليه وسلم فلم يرد عليه رواه الترمذي وابو داود

صلی الله علیه وسلم پس جواب سلام وی نداد رواه ترمذی و ابو داود

وعن عمر وانس وابن الزبير وابي امامة رض عن

و روایت ست از عمر و انس و ابن زبیر و ابی امامه رض

النبي صلى الله عليه وسلم قال من لبس الحرير في

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم از هر چهار که فرمود آنحضرت هر که بپوشد جامه ابریشم در

الدنيا لم يلبسه في الآخرة متفق عليه وعن ابن عمر رض

دنیا نپوشد آن را در آخرت متفق علیه و روایت ست از ابن عمر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم انما

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نمی پوشد

يلبس الحرير في الدنيا من لا خلاق له في الآخرة متفق

حریر را در دنیا مگر کسی که نیست نصیب مر او را در آخرت متفق

عليه وعن حذيفة رض قال نهانا رسول الله

علیه و روایت ست از حذیفه رض گفت که نهی کرد ما را آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ان نشرب في آنية الذهب والفضة

صلی الله علیه وسلم از نوشیدن در ظرفهای طلا و نقره

وان نأكل فيها وعن لبس الحرير والديباج وان نجلس

و از خوردن در زین ظروف و از پوشیدن جامه ابریشمی و دیبا و از نشستن

عليه متفق عليه وعن ابن عمر ان النبي صلى الله

بر حریر و دیبا متفق علیه و روایت ست از ابن عمر رض که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم نهى عن لبس الحرير الا هكذا ورفع رسول الله

علیه وسلم نهی کرد از پوشیدن جامهای ابریشمی مگر اینچنین یعنی اینقدار و برداشت پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم اصبعيه الوسطى والسبابة وضمهما

صلی الله علیه وسلم دو انگشت خود را که میانه است و انگشتی که متصل ست از جانب [illegible] انگشت و پیوست این

متفق عليه وفي رواية لمسلم انه خطب بالجابية

متفق علیه و در روایتی مر مسلم را آمده که عمر رض خطبه خواند بجابیه

فقال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن لبس

پس گفت در خطبه نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از پوشیدن

الحرير الا موضع اصبعين او ثلث او اربع وعن ابي موسى

حریر مگر جای دو انگشت یا سه انگشت یا چهار انگشت و روایت ست از ابی موسی

الاشعري رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال احل

اشعری رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود حلال ساخته

الذهب والحرير للاناث من امتي وحرم على ذكورها

و مباح گردانیده شد استعمال طلا و پوشیدن ابریشم مر زنان را از امت من و حرام گردانیده شد استعمال هر یکی از آن

رواه الترمذي والنسائي وعن ابي ريحانة رض

رواه ترمذی و نسائی و روایت ست از ابی ریحانه رض

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن عشر عن الوشر والوشم

که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از ده خصلت از تیز کردن دندانها [illegible]

وَالْوَشْمِ وَالنَّتْفِ وَعَنْ مُكَامَعَةِ الرَّجُلِ الرَّجُلَ بِغَيْرِ شِعَارٍ

اطراف آن و از خلانیدن سوزن در پوست بدن و از کندن موی سفید از لحیه و رسی و از زمنات

وَمُكَامَعَةِ الْمَرْأَةِ الْمَرْأَةَ بِغَيْرِ شِعَارٍ وَأَنْ يَجْعَلَ الرَّجُلُ

دهم خوابی مرد با مرد بیجامه اگر خوف فتنه نباشد و نهی کرد از همخوابی زن با زن بیجامه و نهی کرد و از گردانیدن

فِي أَسْفَلِ ثِيَابِهِ حَرِيرًا مِثْلَ الْأَعَاجِمِ أَوْ يَجْعَلَ عَلَى

مرد در زیر جامهای خود جامه ابریشمی را مانند عجمان و نیز از گردانیدن مرد بر

مَنْكِبَيْهِ حَرِيرًا مِثْلَ الْأَعَاجِمِ وَعَنِ النُّهْبَى وَعَنْ

دوشهای خود حریر عجمیان و نهی کرد از

رُكُوبِ النُّمُورِ وَلُبُوسِ الْخَاتَمِ إِلَّا لِذِي سُلْطَانٍ رَوَاهُ

غارت کردن مال مردم را و نهی کرد از سواری بر پوست یوز و از پوشیدن خاتم مگر

أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

ابوداود و از ابی هریره رض مرویست که گفت آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصْحَبُ الْمَلٰئِكَةُ رُفْقَةً

صلی الله علیه وسلم همراه نمی روند فرشتگان گروهی را

فِيهَا جِلْدُ نَمِرٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

که در آن گروه جلد درنده ایست که آنرا یوز گویند رواه ابوداود و از ابن عمر رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَبِسَ

که فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بپوشد

ثَوْبَ شُهْرَةٍ فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللّٰهُ ثَوْبَ مَذَلَّةٍ فِي الْآخِرَةِ

ثوب شهرت را یعنی جامه نفیس بقصد تفاخر و تکبر در دنیا بپوشاند او را خدا تعالی جامه خسیس

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ بَابُ الْخَاتَمِ وَالنِّعَالِ وَالْأَجْرَاسِ

رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه + باب در بیان خاتم و امثال آن از جنس نعلها و جرس

وعن عبد الله بن عباس ان رسول الله صلى الله عليه

گفت عبد الله بن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم رأى خاتما من ذهب في يد رجل فنزعه فطرحه

وسلم دید انگشتری را از طلا در دست مردے پس بر کشید از اوپس انداخت

فقال يعمد احدكم الى جمرة من نار فيجعلها في يده فقيل للرجل

پس فرمود قصد میکند یکی از شما بسوے اخگرے از آتش دوزخ پس میگیرد آنرا در دست خود پس گفته

بعد ما ذهب رسول الله صلى الله عليه وسلم خذ خاتمك

بعد از رفتن آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بردار انگشتری خود را

انتفع به قال لا والله لا آخذه ابدا وقد طرحه رسول الله

نفع گیر و حاصل کن نفع گفت آن مرد سوگند بخدا نگیرم آنرا هرگز و حال آنکه بتحقیق انداخت

صلى الله عليه وسلم رواه مسلم وعن علي ان النبي

صلی الله علیه وسلم رواه مسلم + و از علی رض مرویست که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اخذ حريرا فجعله في يمينه واخذ ذهبا

صلی الله علیه وسلم گرفت جامه ابریشمی را پس نهاد آنرا در دست راست خود و گرفت طلا را

فجعله في شماله ثم قال ان هذين حرام على ذكور امتي

و نهاد آنرا در دست چپ خود پس فرمود که این دو چیز حرام ست هر یک از آن بر مردان امت من

رواه احمد وابو داود والنسائي وعن بريدة ان النبي

رواه احمد و ابو داود والنسائی و روایت است از بریده رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لرجل عليه خاتم من

صلی الله علیه وسلم گفت مر مردی را که بود بر وے انگشتری از

شبه ما لي اجد منك ريح الاصنام

برنج چیست مرا که می یابم از تو بوے بتان

فَطَرَحَهُ ثُمَّ جَاءَ وَعَلَيْهِ خَاتَمٌ مِنْ حَدِيدٍ فَقَالَ مَالِي أَرَى

پس انداخت آنمرد از خود انگشتری را پس تر آمد آنمرد و حال آنکه بود بر وے انگشتری از آهن پس فرمود

عَلَيْكَ حِلْيَةَ أَهْلِ النَّارِ فَطَرَحَهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ مِنْ أَيِّ

بر تو زیور و پوشش دوزخیان پس انداخت آنمرد آنرا پس عرض کرد ای رسول خدا از چه

شَيْءٍ أَتَّخِذُهُ قَالَ مِنْ وَرِقٍ وَلَا تُتِمَّهُ مِثْقَالًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

چیز بسازم انگشتری را فرمود بساز از نقره و تمام مکن انگشتری را تا مثقال بلکه کمتر از آن کن روایت کرد ترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ الزُّبَيْرِ أَنَّ مَوْلَاةً لَهُمْ ذَهَبَتْ

و ابو داود و نسائی و روایت است از عبد الله بن الزبیر که مولاة ایشان برد

بِابْنَةِ الزُّبَيْرِ إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَفِي رِجْلِهَا أَجْرَاسٌ فَقَطَعَهَا

دخترک زبیر را بسوی عمر ابن الخطاب رض در پای دخترک جرسها بود یعنی زنگوله

عُمَرُ وَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

بریده جرس که آواز میکرد پس جرسها را پیدا آمد عمر رض و گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می گفت

مَعَ كُلِّ جَرَسٍ شَيْطَانٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

با هر جرس شیطانی ست روایه ابو داود و روایت می کنند

بُنَانَةَ مَوْلَاةِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ حَيَّانَ الْأَنْصَارِيِّ

بنانه مولاة عبد الرحمن بن حیان انصاری

كَانَتْ عِنْدَ عَائِشَةَ رض إِذْ دُخِلَتْ عَلَيْهَا بِجَارِيَةٍ

از وی که بود نزد عائشه صدیقه رض ناگاه درآورده شد بر عائشه دخترک که بود بران جاریه

وَعَلَيْهَا جَلَاجِلُ يُصَوِّتْنَ فَقَالَتْ لَا تُدْخِلْنَهَا عَلَيَّ إِلَّا أَنْ تَقْطَعْنَ

جلاجل که آواز می کردند آن جلاجل پس گفت عائشه باید که در نیارد آن را مگر آنکه ببرید

جَلَاجِلَهَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَدْخُلُ

جلاجل او را از زیرا که من شنیده ام پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت در نمی آیند

الْمَلٰئِكَةُ بَيْتًا فِيْهِ جَرَسٌ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

فرشتگان خانه را که در وی جرس ست رواه ابو داود و روایت ست از ابی هریره رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ اَحَبَّ اَنْ يُّحَلِّقَ

که آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه دوست دارد که حلقه بیندازد

حَبِيْبَهٗ حَلْقَةً مِّنْ نَّارٍ فَلْيُحَلِّقْهُ حَلْقَةً مِّنْ ذَهَبٍ وَمَنْ اَحَبَّ اَنْ

در بینی یا در گوش دوست خود را از آتش دوزخ پس گو که حلقه بپوشاند او را از طلا

يُّطَوِّقَ حَبِيْبَهٗ طَوْقًا مِّنْ نَّارٍ فَلْيُطَوِّقْهُ طَوْقًا مِّنْ ذَهَبٍ وَمَنْ

که در گردن اندازد دوست خود را طوق از آتش پس گو که طوق سازد گردن او را از طلا و کسیکه

اَحَبَّ اَنْ يُّسَوِّرَ حَبِيْبَهٗ سِوَارًا مِّنْ نَّارٍ فَلْيُسَوِّرْهُ سِوَارًا مِّنْ ذَهَبٍ

دوست می دارد که بپوشاند دوست خود را دست برنجن از آتش پس گو که بیندازد در دست وی سوار

وَلٰكِنْ عَلَيْكُمْ بِالْفِضَّةِ فَالْعَبُوْا بِهَا رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

و لیکن بر شما باد که زیور که بسازید از نقره سازید پس لهو و لعب کنید بالفضه و بسازید زیور از وی رواه ابو داود

عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَمْنَعُ اَهْلَ

و روایت است از عقبه بن عامر رض که آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بود که منع میکرد آنها را که

الْحِلْيَةِ وَالْحَرِيْرِ وَيَقُوْلُ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ حِلْيَةَ الْجَنَّةِ وَحَرِيْرَهَا

اهل زیور و حریر بودند از پوشیدن آن و می گفت اگر هستید شما که دوست میدارید زیور بهشت را و

فَلَا تَلْبَسُوْهَا فِي الدُّنْيَا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ مَالِكٍ

پس نپوشید آنرا در دنیا رواه النسائی و منقول ست از امام مالک رح

قَالَ اَنَا اَكْرَهُ اَنْ يُّلْبَسَ الْغِلْمَانُ شَيْئًا مِّنَ الذَّهَبِ لِاَنَّهٗ بَلَغَنِيْ

که میگفت من مکروه می پندارم که پوشانیده شود پسرگان را چیزے از جنس طلا زیرا که بتحقیق

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهٰى عَنِ التَّخَتُّمِ بِالذَّهَبِ فَاَنَا اَكْرَهُهٗ لِلرِّجَالِ

که پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نہی کرده از پوشیدن خاتم طلا پس من مکروه می پندارم

الكبير منهم والصغير رواه في الموطأ وعن ثوبان رضـ

کلان را از ایشان خردان را از ایشان روایت کرد در موطا و روایت است از ثوبان رضـ

قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا سافر كان

گفت ثوبان بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون قصد مسافرت میکرد بود

آخر عهده بإنسان من أهله فاطمة رضـ وأول من يدخل

آخر عهد آنحضرت یعنی سخن وصیت وی با آدمی که از اهل خانه آنحضرت بود فاطمه یعنی بعد از همه

عليها فاطمة فقدم من غزاة وقد علقت مسحا أو سترا

بر وی در وقت قدوم از سفر فاطمه پس قدوم آورد آنحضرت از جنگی در حال آنکه آویخته بود فاطمه پلاسی

على بابها وحلت الحسن والحسين قلبين من فضة فقدم

بر در خانه خود و پوشانیده بود فاطمه حسن و حسین را دو دستوانه از نقره پس قدوم آورد آنحضرت

فلم يدخل فظنت أن ما منعه أن يدخل ما رأى فهتكت

پس نه آمد بر فاطمه موافق عادت پس گمان برد فاطمه که آنچه باز داشت آنحضرت را از در آمدن بود چیزیست

الستر وفككت القلبين عن الصبيين وقطعته منهما فانطلقا

پرده و پس بدرید فاطمه پرده را و جدا کرد هر دو دستوانه را از هر دو کودک و برید هر یکی دو دستوانه را پس رفتند هر دو

إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم يبكيان فأخذه منهما فقال يا

بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در حالیکه میگریستند پس گرفت آنحضرت را از ایشان چیزی را گفت

ثوبان اذهب بهذا إلى آل فلان إن هؤلاء أهلي أكره أن

ثوبان ببر این را بسوی آل فلان بدرستیکه اینها که اهل اولاد من اند مکروه می پندارم که

يأكلوا طيباتهم في حياتهم الدنيا يا ثوبان اشتر لفاطمة

بخورند لذائذ خود را آنچه خوش آید در زندگانی ایشان در جهان ای ثوبان بخر از برای فاطمه

قلادة من عصب وسوارين من عاج رواه أحمد وأبو داود

گردن بندی را از عصب بخر و دو دستواره را از عاج رواه احمد و ابو داود

بَابُ اللِّحَى فِي الشَّوَارِبِ وَالنَّهْيِ عَنْ نَتْفِ

باب در مسائل لحیه و شوارب و منع برکندن

الشَّيْبِ وَذِكْرِ الْخِضَابِ وَالْقَزَعِ وَالْاِكْتِحَالِ

موی سفید و ذکر خضاب و قزع و سرمه

وَالْمُخَنَّثِيْنَ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ وَالْوَصْلِ وَالْوَشْمِ

و مخنثین و مترجلات و وصل و وشم

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

خَالِفُوا الْمُشْرِكِيْنَ اَوْفِرُوا اللِّحٰى وَاَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَفِيْ رِوَايَةٍ

مخالفت کنید مشرکان را پس وافر و دراز کنید ریشان را و کوتاه و پست کنید بروتها را

اَنْهِكُوا الشَّوَارِبَ وَاَعْفُوا اللِّحٰى مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ ✻ وَعَنْ

آمده است که انهاک یعنی بمبالغه کوتاه کنید بروتها را و فرو گذارید بحال خود ریشها را متفق علیه

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْفِطْرَةُ

ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنت قدیمه

خَمْسٌ اَلْخِتَانُ وَالْاِسْتِحْدَادُ وَقَصُّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيْمُ

پنج است یکی ختان دوم استعمال حدیده یعنی حلق عانه و سوم کوتاه کردن سبلت و چهارم گرفتن

الْاَظْفَارِ وَنَتْفُ الْاِبْطِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَنَسٍ رض

ناخنهای دست و پای و برکندن موی بغل متفق علیه و روایت است از انس رض

قَالَ وُقِّتَ لَنَا فِيْ قَصِّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيْمِ الْاَظْفَارِ وَنَتْفِ الْاِبْطِ

گفت وقتی معین کرده آنحضرت ما را در کوتاه کردن سبلت گرفتن ناخنها و برکندن موی بغل

وَحَلْقِ الْعَانَةِ اَنْ لَا نَتْرُكَ اَكْثَرَ مِنْ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و حلق عانه که ترک نکنیم و نگذاریم بیشتر از چهل روز رواه مسلم و روایت است از ابن عمر

قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُصُّ وَيَأْخُذُ مِنْ
گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم می برید یا می گرفت از
شَارِبِهٖ وَكَانَ اِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ الرَّحْمٰنِ يَفْعَلُهٗ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
بروت خود و بود ابراهیم که آنرا مے کرد رواه ترمذی
وَعَنْ زَيْدِ بْنِ اَرْقَمَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
و روایت است از زید بن ارقم که آنحضرت صلی الله علیه
سَلَّمَ قَالَ مَنْ لَّمْ يَأْخُذْ شَارِبَهٗ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ
وسلم فرمود کسیکه نگیرد از بروت خود و پست نکرد آنرا پس نیست از ما رواه احمد و
وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ
ترمذی و نسائی و روایت است از عمرو بن شعیب از پدرش از جد عمرو
اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَأْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهٖ
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که میگرفت از لحیه مبارک خود را
مِنْ عَرْضِهَا وَطُوْلِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ رُوَيْفِعِ
از پهنا سے وے و درازی وے یعنی از جانب لحیه رواه ترمذی روایت است از رویفع
بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ لِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن ثابت رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
يَا رُوَيْفِعُ لَعَلَّ الْحَيٰوةَ سَتَطُوْلُ بِكَ بَعْدِيْ فَاَخْبِرِ النَّاسَ
ای رویفع شاید که زندگانی دراز گردد ترا پس از من پس خبر ده مردم را
اَنَّ مَنْ عَقَدَ لِحْيَتَهٗ اَوْ تَقَلَّدَ وَتَرًا اَوِ اسْتَنْجٰى بِرَجِيْعِ
بدرستی کسیکه گره زند ریش خود را یا کسیکه قلاده سازد زه را یا استنجا کند به پس افگنده
دَابَّةٍ اَوْ عَظْمٍ فَاِنَّ مُحَمَّدًا مِّنْهُ بَرِيْءٌ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ
چارپایه یا با استخوان بدرستیکه محمد صلی الله علیه وسلم از هر که این کار کند بیزار است

(حاشیه: ۱۰ وترا عقد می بستند... کردند و می گفتند... و اینجا مراد... می بوزید... و دفع نظر و حفظ... از آفات می آویختند... و بعضی... و برای دفع عین... و نسبته... سود...)

بَابُ اٰدَابِ الخَلَاءِ مِنْ مِشْكٰوةِ وَعَنْ يَحْيٰى بْنِ سَعِيْدٍ

باب آداب الخلاء از مشکوة و روایت ست از یحیی بن سعید رض

اَنَّهُ سَمِعَ سَعِيْدَ بْنَ الْمُسَيَّبِ رض يَقُوْلُ كَانَ اِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ

که وی شنید سعید بن المسیب رض را که میگفت بود ابراهیم خلیل

الرَّحْمٰنِ اَوَّلَ النَّاسِ ضَيَّفَ الضَّيْفَ وَاَوَّلَ النَّاسِ اخْتَتَنَ

الرحمن اول کسیکه ضیافت مهمان کرد و اول کسیکه کرد ختنه

وَاَوَّلَ النَّاسِ قَصَّ شَارِبَهُ وَاَوَّلَ النَّاسِ رَاَى الشَّيْبَ

و اول کسیکه پست کرد بروت خود را و اول کسیکه دید پیری را و موی سفید را

فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هٰذَا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى وَقَارٌ

پس گفت ای پروردگار من چیست این گفت پروردگار تبارک و تعالی این علامت وقار است

يَا اِبْرَاهِيْمُ قَالَ يَا رَبِّ زِدْنِيْ وَقَارًا رَوَاهُ مَالِكٌ

گفت ابراهیم ای پروردگار من زیادت گردان مرا موجب وقار رواه مالک

وَعَنْ كَعْبِ بْنِ مُرَّةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت ست از کعب بن مره رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي الْاِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ

علیه و سلم که فرمود آنحضرت کسیکه پیر شد در مسلمانی میباشد پیری مر او را سبب روشنائی

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ

روز قیامت رواه ترمذی و نسائی و روایت ست از عمرو بن

شُعَيْبٍ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

شعیب از پدرش و او از پدر خود که جد عمرو ست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْتِفُوا الشَّيْبَ فَاِنَّهُ نُوْرُ الْمُسْلِمِ مَنْ شَابَ شَيْبَةً

علیه و سلم نه چینید موهای سفید را از برای آنکه پیری نورانیت مسلمان است کسیکه پیر شود پیرشدنی در مسلمانی

فِى الْاِسْلَامِ كَتَبَ اللّٰهُ لَهٗ بِهَا حَسَنَةً وَّكَفَّرَ عَنْهُ بِهَا خَطِيْئَةً

در مسلمانی می نویسد خدای تعالی برای وی بسبب آن نیکی را و محو می گرداند از آنکس بسبب آن گناهی را

وَرَفَعَهٗ بِهَا دَرَجَةً رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ

و بلند می گرداند او را بجهت آن پایه روایت کرده ابو داود و از ابی هریره رضی الله عنه مرویست

اَنَّ النَّبِىَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ الْيَهُوْدَ وَالنَّصٰرٰى

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه یهود و نصاری

لَا يَصْبُغُوْنَ فَخَالِفُوْهُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

خضاب نمی کنند پس مخالفت کنید ایشان را متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ مَرَّ عَلَى النَّبِىِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ قَدْ خَضَبَ

گفت که گذشت بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که تحقیق خضاب کرده بود

بِالْحِنَّاءِ فَقَالَ مَا اَحْسَنَ هٰذَا قَالَ فَمَرَّ اٰخَرُ قَدْ خَضَبَ

بحنا پس فرمود آنحضرت چه خوبست این گفت ابن عباس پس از آن گذشت دیگری که خضاب کرده

بِالْحِنَّاءِ وَالْكَتَمِ فَقَالَ هٰذَا اَحْسَنُ مِنْ هٰذَا ثُمَّ مَرَّ اٰخَرُ

بحنا و کتم پس فرمود این بهتر از اول است پس از آن گذشت دیگری

قَدْ خَضَبَ بِالصُّفْرَةِ فَقَالَ هٰذَا اَحْسَنُ مِنْ هٰذَا كُلِّهٖ

که خضاب کرده بود بزردی پس فرمود این بهتر است از همه آنها

رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِىِّ صَلَّى اللّٰهُ

روایت کرده ابو داود و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَكُوْنُ قَوْمٌ فِىْ اٰخِرِ الزَّمَانِ يَخْضِبُوْنَ

علیه وسلم فرمود که خواهند بود قومی در آخر زمان که خضاب می کنند

بِهٰذَا السَّوَادِ كَحَوَاصِلِ الْحَمَامِ لَا يَجِدُوْنَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ

باین رنگ سیاهی که مثل چینه دانهای کبوتر است نمی یابند بوی بهشت را

رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ نَافِعٍ ابْنِ عُمَرَ رض
روایت کرد ابوداؤد و نسائی و روایت است از نافع بن عمر رض
قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهٰى عَنِ
گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ نہی کرد از
الْقَزَعِ قِيْلَ لِنَافِعٍ مَا الْقَزَعُ قَالَ تُحْلَقُ بَعْضُ رَأْسِ الصَّبِيِّ
قزع گفتہ شد مر نافع را قزع چیست گفت ستردہ شود پارہ از سر کودک
وَيُتْرَكُ الْبَعْضُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَأَلْحَقَ بَعْضُهُمُ التَّفْسِيْرَ بِالْحَدِيْثِ
و گذاشتہ شود پارہ دیگر متفق علیہ و لاحق کردہ اند بعضے ازراویان این تفسیر قزع را
وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و از ابن عمر رض مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
رَأٰى صَبِيًّا قَدْ حُلِقَ بَعْضُ رَأْسِهٖ وَتُرِكَ بَعْضُهٗ فَنَهَاهُمْ
دید کودکی را کہ بتحقیق حلق کردہ شدہ بعضے از سروے و ترک کردہ شدہ بعضے دیگر از سروے
عَنْ ذٰلِكَ وَقَالَ احْلِقُوْا كُلَّهٗ أَوِ اتْرُكُوْا كُلَّهٗ رَوَاهُ
اولیای صبی را ازان و فرمود حلق کنید تمام سر را یا بگذارید تمام آن را روایت
مُسْلِمٌ وَعَنِ الْحَجَّاجِ بْنِ حَسَّانَ رض قَالَ دَخَلْنَا عَلٰى
مسلم و روایت است از حجاج بن حسان رض گفت در آمدیم ما
أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض فَحَدَّثَتْنِيْ أُخْتِيَ الْمُغِيْرَةُ قَالَتْ
بر انس بن مالک رض پس حدیث کرد مرا خواہر من مغیرہ گفت
يَوْمَئِذٍ أَنْتَ غُلَامٌ وَلَكَ قَرْنَانِ أَوْ قُصَّتَانِ فَمَسَحَ
کہ در آن روز تو پسر خرد بودی و بود مر ترا در آن وقت دو گیسو یا دو قصہ پس مسح کرد انس
رَأْسَكَ وَبَرَّكَ عَلَيْكَ وَقَالَ احْلِقُوْا هٰذَيْنِ أَوْ قُصُّوْهُمَا
سر ترا و دعای برکت کرد بر تو و گفت تراشید این دو گیسو را یا پست کنید

فَإِنَّ هٰذَا زِيُّ الْيَهُودِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

پس بدرستیکه این هیئت یهود است رواه ابوداود و روایت ست از ابن عباس

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اكْتَحِلُوا بِالْإِثْمِدِ

که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود سرمه کنید باثمد

فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ وَزَعَمَ أَنَّ النَّبِيَّ

زیرا که آن سرمه جلا میدهد بینائی را و میرویاند موی پلک او زعم کرد ابن عباس که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَتْ لَهُ مُكْحُلَةٌ يَكْتَحِلُ بِهَا كُلَّ

صلی الله علیه وسلم بود مر او را سرمه دان که سرمه میکرد بوی هر

لَيْلَةٍ ثَلٰثَةً فِي هٰذِهِ وَثَلٰثَةً فِي هٰذِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

شب سه بار درین یعنی چشم راست و سه بار درین یعنی چشم چپ رواه ترمذی

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت ست از ابن عباس رض گفت لعنت کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَقَالَ

مخنثان را از مردان و زنان را که در هیئت مشابهه بمردان کنند و فرمود آنحضرت

أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ قَالَ

بیرون کنید مخنثان را از خانهاے خود رواه بخاری وهم از ابن عباس رض روایت ست گفت

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ اللّٰهُ الْمُتَشَبِّهِينَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم لعنت کند خدا تعالی تشبه کنندگان را

مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ

از مردان بزنان و مشابه شوندگان از زنان بمردان

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللّٰهِ

رواه البخاری و روایت ست از ابی هریره رض گفت که لعنت کرد آن حضرت

صلى الله عليه وسلم الرجل يلبس لبسة المرأة والمرأة

صلى الله عليه وسلم مردی را که می پوشد پوشش زن را و زن را

تلبس لبسة الرجل رواه ابو داود وعن ابن

که می پوشد پوشش مرد را رواه ابو داود و روایت است از ابن

ابی مليكة رض قال قيل لعائشة رض ان امرأة تلبس

ابی ملیکه رض گفت پرسیده شد مر عائشه را که زنی هست که می پوشد

النعل قالت لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الرجلة

نعلین را که مخصوص است بمردان پس گفت لعنت کرد آنحضرت صلى الله عليه وسلم آن زنان که

من النساء رواه ابو داود وعن ابي هريرة رض قال

مشابه شوند بمردان رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره رض گفت

اتي رسول الله صلى الله عليه وسلم بمخنث قد خضب

آورده شد نزد پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم مخنثی که بتحقیق رنگ کرده بود

يديه ورجليه بالحناء فقال رسول الله صلى الله عليه

دستها و پاهای خود را بحنا پس فرمود آن حضرت صلى الله عليه

وسلم ما بال هذا قالوا يتشبه بالنساء فامر به فنفي

وسلم که چه حال دارد این شخص گفتند که وی مشابه میسازد خود را بزنان پس امر فرمود آنحضرت او را پس اخراج کرده شد

الى النقيع فقيل يا رسول الله الا نقتله فقال اني نهيت

بسوی نقیع پس گفته شد ای رسول خدا آیا نکشیم او را پس گفت آنحضرت بیشک منع کرده شده ام

عن قتل المصلين رواه ابو داود وعن عائشة رض

از کشتن نماز گذاران رواه ابو داود و روایت است از عائشه رض

ان هندا بنت عتبة قالت يا نبي الله بايعني فقال

که هنده بنت عتبه گفت ای رسول خدا بیعت کن مرا پس فرمود آنحضرت

لا أُبايِعُكِ حتّى تُغَيِّري كَفَّيْكِ فكأنّهما كفّا سَبُعٍ

بیعت نمی کنم ترا تا آنکه تغییر دهی هر دو کف دست خود را پس گویا دو کف تو دو کف درنده است

رواه أبو داود وعن عمّار بن ياسرٍ رض قال قَدِمْتُ

روایت کرد ابو داود و روایت است از عمار بن یاسر رض گفت آمدم بر اهل و عیال خود

على أهلي من سفرٍ وقد تشقّقت يداي فخلّقوني بزعفرانٍ فغدوتُ

از سفرے حال آنکه بتحقیق کفیده بود هر دو دست من پس خلوق آلیدند مرا بزعفران پس آمدم بامداد

على النبيّ صلّى الله عليه وسلّم فسلّمتُ عليه فلم

بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس سلام کردم بر آنحضرت پس

يَرُدَّ عليَّ وقال اذهب فاغسل هذا عنك رواه

نداد جواب سلام بر من وگفت برو پس بشوی این را از خود روایت

أبو داود وعن أبي موسى رض قال قال رسول الله

ابو داود و مروی است از ابی موسی رض گفت فرمود آنحضرت

صلّى الله عليه وسلّم لا يقبل الله صلوة رجلٍ في جسده

صلی الله علیه وسلم قبول نمی کند خدا تعالی نماز مردی را که باشد در تن او

شيءٌ من خلوقٍ رواه أبو داود وعن ابن عمر رض

چیزے از خلوق روایت کرد ابو داود و روایت است از ابن عمر رض

أنّ النبيّ صلّى الله عليه وسلّم قال لعن الله الواصلة

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود لعنت کند خدا زنی را که موی پیوند

والمستوصلة والواشمة والمستوشمة

موی های خود را بموی های دیگر و زنی را که بگوید دیگری را که پیوند دهد و لعنت کند خدا واشمه و مستوشمه را

متّفق عليه

متفق علیه

بَابُ التَّصَاوِيرِ

عَنْ أَبِي طَلْحَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
مرویست از ابی طلحه گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَدْخُلُ الْمَلٰئِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تَصَاوِيرُ
علیه وسلم در نمی آیند فرشتگان خانۂ را که در وی سگ ست و نہ آنخانه که در وی
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى
متفق علیه و از عائشه رض مرویست از آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
اللہ علیه وسلم فرمود سخت ترین مردم از روی عذاب روز قیامت
الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
آن کسان اند که مشابهت میکنند به پیدایش خدا تعالی متفق علیه و از
أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
ابی هریره رض مرویست گفت که شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیه
وَسَلَّمَ يَقُولُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ
وسلم که میفرمود که میفرماید خدا تعالی و کیست ظالمتر از کسیکه رفت که پیدا می کند
كَخَلْقِي فَلْيَخْلُقُوا ذَرَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا حَبَّةً أَوْ شَعِيرَةً مُتَّفَقٌ
همچو پیدا کردن من پس باید که پیدا کنند ذره را یعنی مورچه را یا پیدا کنند دانه را یا جو را متفق
عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ سَمِعْتُ
علیه و از عبد اللہ بن مسعود رض روایت ست که گفت شنیدم
رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا
آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم را که میفرمود سخت ترین مردم از روی عذاب

عِندَ اللهِ المُصَوِّرُونَ مُتَّفَقٌ عَلَيهِ وَعَنِ ابنِ عَبَّاسٍ رض

نزد خدا صورتگران اند متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ كُلُّ

گفت که شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود هر صورتگر

مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يُجعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا نَفسًا فَتُعَذِّبُهُ فِي

در دوزخ است گردانیده میشود مر او را بهر صورتیکه ساخته است آن را ذاتی پس عذاب میکند

جَهَنَّمَ قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ رض فَاِن كُنتَ لَابُدَّ فَاعِلًا فَاصنَعِ

در دوزخ گفت ابن عباس رض پس اگر هستی تو البته سازنده صورت پس بساز صورت

الشَّجَرَ وَمَا لَا رُوحَ فِيهِ مُتَّفَقٌ عَلَيهِ وَعَن اَبِي هُرَيرَةَ

درخت را و چیزی که نیست جان در وی متفق علیه و از ابی هریره رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ يَخرُجُ عُنُقٌ مِنَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بیرون می آید گردنی از

النَّارِ يَومَ القِيٰمَةِ لَهَا عَينَانِ تُبصِرَانِ وَاُذُنَانِ تَسمَعَانِ

آتش روز قیامت که باشد مر آن را دو چشم که می بیند و دو گوش که می شنود

وَلِسَانٌ يَنطِقُ يَقُولُ اِنِّي وُكِّلتُ بِثَلٰثَةٍ بِكُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

و زبانیکه سخن میکند میگوید هر آینه من وکیل ساخته شده ام بسه کس که آنها را عذاب کنم یکی متکبر گردنکش

وَكُلِّ مَن دَعَا مَعَ اللهِ اِلٰهًا اٰخَرَ وَبِالمُصَوِّرِينَ رَوَاهُ التِّرمِذِيُّ

و کسیکه بخواند با خدای عز وجل خدای دیگر و بصورتگران رواه ترمذی

وَعَن سَعِيدِ بنِ اَبِي الحَسَنِ قَالَ كُنتُ عِندَ ابنِ عَبَّاسٍ رض

و روایت است از سعید بن ابی الحسن گفت بودم من نزد ابن عباس رض

اِذ جَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا ابنَ عَبَّاسٍ اِنِّي رَجُلٌ اِنَّمَا مَعِيشَتِي

چون ناگهان آمد ابن عباس را مردی پس گفت ای ابن عباس بدرستیکه من مردی ام که زندگانی من

مِن صَنعَةِ يَدَيَّ وَاِنِّي اَصنَعُ هٰذِهِ التَّصَاوِيرَ فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ رض

مگر از پیشهٔ دست من و بتحقیق که من پیشه میکنم این صورتها را پس گفت ابن عباس رض

لَا اُحَدِّثُكَ اِلَّا مَا سَمِعتُ مِن رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ

حدیث نمیکنم ترا مگر آنچه شنیده ام از پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ سَمِعتُهُ يَقُولُ مَن صَوَّرَ صُورَةً فَاِنَّ اللّٰهَ مُعَذِّبُهُ

وسلم شنیدم آنحضرت را که میفرمود کسیکه صورتگری کند صورتی را پس بتحقیق خدا تعالی عذاب

حَتّٰى يَنفُخَ فِيهِ الرُّوحَ وَلَيسَ بِنَافِخٍ فِيهَا اَبَدًا فَرَبَا الرَّجُلُ

تا آنکه دمد در آن جان را حال آنکه نیست آنکس دمنده در آن جان را گاهی پس تنگ شدم آن مرد

رَبوَةً شَدِيدَةً وَاصفَرَّ وَجهُهُ فَقَالَ وَيحَكَ اِن اَبَيتَ اِلَّا

تنگ شدن سخت و زرد گشت روی آن مرد از شنیدن این حدیث پس گفت ابن عباس ای تو اگر اباکنی تو از

اَن تَصنَعَ فَعَلَيكَ بِهٰذَا الشَّجَرِ وَكُلِّ شَيءٍ لَيسَ فِيهِ

همه چیز با مگر آنکه پیشه کنی صورتگری را پس بر تو باد این قسم که صورت درختان است و هر چیزی که نیست در وی

رُوحٌ رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَعَن عَائِشَةَ رض قَالَت لَمَّا

جان رواه البخاری و از عائشه رض مرویست که گفت وقتیکه

اشتَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ بَعضُ نِسَائِهِ

بیمار شد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کردند بعضی از زنان آنحضرت

كَنِيسَةً يُقَالُ لَهَا مَارِيَةُ وَكَانَت اُمُّ سَلَمَةَ وَاُمُّ حَبِيبَةَ

کنیسه را که گفته میشد آنرا ماریه و بودند ام سلمه و ام حبیبه

اَتَتَا اَرضَ الحَبَشَةِ فَذَكَرَتَا مِن حُسنِهَا وَتَصَاوِيرَ فِيهَا

رسیده بودند بزمین حبشه پس یاد کردند از خوبی آن کنشت و صورتهای که در آن بود

فَرَفَعَ رَأسَهُ فَقَالَ اُولٰئِكَ اِذَا مَاتَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ

پس برداشت آنحضرت سر خود را پس فرمود آن جماعه اند که چون بمیرد در ایشان مردی صالح

بنوا على قبره مسجدا ثم صوروا فيه تلك الصور اولئك

بنا کنند بر سر گور او مسجدی را پس تر تصویر کنند در آن مسجد آن صورتها را آنها

شرار خلق الله متفق عليه وعن ابن عباس رض

بدترین خلق خدا اند متفق علیه وروایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

اشد الناس عذابا يوم القيمة من قتل نبيا او قتله

سخت ترین مردم از روی عذاب روز قیامت کسی است که کشت پیغمبر را یا کسیکه کشت او را

نبي او قتل احد والديه والمصورون وعالم لم

پیغمبر یا کسیکه کشت یکی از پدر و مادر خود را و صورتگران و عالمیکه

ينتفع بعلمه رواه البيهقي في شعب الايمان

سود نکند بعلم خود رواه البیهقی در شعب الایمان

باب الفال والطيرة

عن ابي هريرة رض قال سمعت رسول الله صلى الله

روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله

عليه وسلم يقول لا طيرة وخيرها الفال قالوا وما

علیه وسلم را که میفرمود شگون بد گرفتن را تاثیری نیست و بهترین اقسام طیر فال نیک گرفتن است

الفال قال الكلمة الصالحة يسمعها احدكم متفق عليه

گفتند چیست فال فرمود سخن نیک که بشنود آنرا یکی از شما و فال گیرد از آن متفق علیه

وعنه رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لا عدوى ولا طيرة ولا هامة ولا صفر وفر من المجذوم

نيست تجاوز علت از يكى بديگرى ونيست طيره ونه هامه ونه صفر وبگريز از مجذوم

كما تفر من الاسد رواه البخاري وعن

چنانكه ميگريزى از شير رواه البخارى واز

عبد الله بن مسعود رض عن رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن مسعود رض مرويست كه آنحضرت صلى الله عليه

وسلم قال الطيرة شرك قاله ثلثا وما منا الا ولكن

وسلم فرمود فال بد گرفتن از اعمال مشركان است اين سخن را سه بار فرمود ونيست هيچ كس از ما

الله يذهبه بالتوكل رواه ابو داود والترمذي

وليكن خدا تعالى مى برد آنرا بسبب توكل رواه ابو داود وترمذى

وعن بريدة رض ان النبي صلى الله عليه

روايت است از بريده رض كه آنحضرت صلى الله عليه

وسلم كان لا يتطير من شيء فاذا بعث عاملا سأل

وسلم بود كه فال بد نمى گرفت از هيچ چيز پس چون ميفرستاد كسى را عامل مى پرسيد

عن اسمه فاذا كان اعجبه اسمه فرح به ورئي

از نام وى پس چون خوش مى آمد آنحضرت صلعم را نام وى خوشحال ميشد بدان وظاهر ميشد اثر خوشحالى

بشر ذلك في وجهه وان كره اسمه رئي كراهة

آن از روى مبارك وى واگر مكروه ميداشت نام ويرا ديده ميشد اثر كراهت

ذلك في وجهه فاذا دخل قرية سأل عن اسمها فان

آن در روى مبارك وى صلعم پس چون در مى آمد ديهى را مى پرسيد نام آنرا پس اگر

اعجبه اسمها فرح به ورئي بشر ذلك في وجهه

خوش مى آمد آنحضرت را نام وى خوشحال ميشد بدان وديده ميشد اثر خوشى آن در روى مبارك وى صلعم

وَاِنْ كَرِهَ اِسْمَهَا رُأِيَ كَرَاهِيَةُ ذٰلِكَ فِيْ وَجْهِهٖ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ
واگر ناخوش میداشت نام او را ظاهر میشد ناخوشی آن در روی شریف وی صلعم رواه ابوداود

بَابُ الْكِهَانَةِ

عَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى
از عائشہ رض مرویست گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ الْمَلٰئِكَةَ تَنْزِلُ فِي الْعَنَانِ
علیہ وسلم را که میفرمود بدرستی که فرشتگان فرود می آیند در عنان
وَهُوَ السَّحَابُ فَتَذْكُرُ الْاَمْرَ قُضِيَ فِي السَّمَاءِ فَتَسْتَرِقُ
که وی سحاب است پس ذکر میکنند کاری که تقدیر کرده شده است در آسمان پس می دزدند
الشَّيٰطِيْنُ السَّمْعَ فَتَسْمَعُهٗ فَتُوْحِيْهِ اِلَى الْكُهَّانِ
شیاطین سمع را پس می شنوند پس میرسانند آنرا بسوی کاهنان
فَيَكْذِبُوْنَ مَعَهَا مِائَةَ كَذْبَةٍ مِنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ رَوَاهُ
پس دروغ برمی بندند کاهنان با آن کلمات صد دروغ را از نزد خود رواه
الْبُخَارِيُّ وَعَنْ حَفْصَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
بخاری و روایت است از حفصہ رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَتٰى عَرَّافًا فَسَاَلَهٗ عَنْ شَيْءٍ
صلی اللہ علیہ وسلم هر کسیکه بیاید عراف را پس بپرسد آنرا از چیزی
لَمْ تُقْبَلْ لَهٗ صَلٰوةُ اَرْبَعِيْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
قبول کرده نشود آنکس را نماز چهل شب و روز رواه مسلم و مرویست از
ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

٦٥٥

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَبَسَ عِلْمًا مِنَ النُّجُومِ اِقْتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ

علیه وسلم کسیکه حاصل میکند پاره از علم نجوم حاصل میکند شاخے از

السِّحْرِ زَادَ مَا زَادَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ

سحر زیادت کرد اقتباس سحر را چندانکه زیادت کرد اقتباس نجوم را رواه احمد وابوداود وابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

وازابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَتٰى كَاهِنًا فَصَدَّقَهٗ بِمَا يَقُوْلُ اَوْ اَتٰى

علیه وسلم هر که بیاید کاهن را پس تصدیق کند در آنچه می گوید یا بیاید

اِمْرَاَتَهٗ حَائِضًا اَوْ اَتٰى اِمْرَاَتَهٗ فِيْ دُبُرِهَا فَقَدْ بَرِئَ

یعنی وطی کند زن خود را در حالت حیض یا وطی کند زن خود را در دبر او پس بتحقیق بیزار شد

مِمَّا اُنْزِلَ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ

از آنچه فرستاده شده است بر محمد صلے الله علیه وسلم رواه

اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ قَتَادَةَ رض قَالَ خَلَقَ اللّٰهُ

احمد وابوداود واز قتاده رض مرویست گفت که پیدا کرد خدا تعالی

تَعَالٰى هٰذِهِ النُّجُوْمَ لِثَلٰثٍ جَعَلَهَا زِيْنَةً لِّلسَّمَاءِ وَرُجُوْمًا

این ستاره ها را برای سه فائده اول گردانیده است الله تعالی آنرا زینت

لِّلشَّيَاطِيْنِ وَعَلَامَاتٍ يُّهْتَدٰى بِهَا فَمَنْ تَاَوَّلَ فِيْهَا

مر شیاطین را ونشانهای که راه یافته شود بدان پس کسیکه بیان کرد در وی

بِغَيْرِ ذٰلِكَ اَخْطَاَ وَاَضَاعَ نَصِيْبَهٗ وَتَكَلَّفَ مَا لَمْ

سوای این خطا کرد از منهج صواب وضائع کرد بهره خود را و برخود گرفت کاری را که نمی

يَعْلَمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ تَعْلِيْقًا وَفِيْ رِوَايَةِ رَزِيْنٍ

توانند دانست روایت کرد بخاری بطریق تعلیق و در روایت رزین این است

وَتَكَلُّفَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَمَا لَا عِلْمَ لَهُ بِهِ وَمَا عَجَزَ عَنْ عِلْمِهِ

و تکلف کرد چیزی که سودمند نیست و چیزی که نیست او را علم بدان و تکلف کرد در دانستن چیزی

الْأَنْبِيَاءُ وَالْمَلَائِكَةُ وَعَنِ الرَّبِيعِ مِثْلُهُ وَزَادَ وَاللّٰهِ مَا جَعَلَ

پیغمبران و فرشتگان و از ربیع مرویست مانند آن و زیاده کرد و سوگند بخدا نگردانیده

اللّٰهُ فِي نَجْمٍ حَيَوٰةَ أَحَدٍ وَلَا رِزْقَهُ وَلَا مَوْتَهُ وَإِنَّمَا يَفْتَرُونَ

الله تعالی در هیچ کوکبی زندگانی کسے و نه رزق کسے و نه موت کسے و جز این نیست که بر می بندند

عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَيَتَعَلَّلُونَ بِالنُّجُومِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

بر خدا تعالی دروغ را و بهانه می جویند به نجوم و روایت ست از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَبَسَ

گفت فرمود رسول خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه حاصل کند

بَابًا مِنْ عِلْمِ النُّجُومِ لِغَيْرِ مَا ذَكَرَ اللّٰهُ فَقَدِ اقْتَبَسَ

علم نجوم را برای غیر کارے که ذکر کرده ست الله تعالی پس تحقیق حاصل کرد

شُعْبَةً مِنَ السِّحْرِ الْمُنَجِّمُ كَاهِنٌ وَالْكَاهِنُ سَاحِرٌ

شعبهٔ از سحر منجم حکم کاهن دارد و کاهن حکم ساحر

وَالسَّاحِرُ كَافِرٌ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ

و ساحر کافر ست رواه رزین و از ابی سعید رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ

گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم اگر

أَمْسَكَ اللّٰهُ الْقَطْرَ عَنْ عِبَادِهِ خَمْسَ سِنِينَ ثُمَّ أَرْسَلَهُ

بند کند خدا تعالی باران را از بندگان خود پنج سال مثلاً پستر بفرستد باران را

لَأَصْبَحَتْ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ كَافِرِينَ يَقُولُونَ سُقِينَا

هر آئینه صبح کنند طائفه از مردم بحالت کفر میگویند آب داده شدیم ما

بَابُ الرُّؤْيَا

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ
از ابی ہریرہ رض مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
قَالَ مَنْ رَآنِي فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَآنِي فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ
فرمود کسیکہ دید مرا در خواب پس بتحقیق دید مرا زیرا کہ شیطان تمثیل نمی تواند
فِي صُورَتِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
در صورت من متفق علیہ وازابی ہریرہ رض مرویست گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ رَآنِي فِي الْمَنَامِ فَسَيَرَانِي
صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ دید مرا در خواب پس قریبست کہ ببیند مرا
فِي الْيَقَظَةِ وَلَا يَتَمَثَّلُ الشَّيْطَانُ بِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
در بیداری ونمی تواند کہ تمثیل کند شیطان بصورت من متفق علیہ واز
أَبِي قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی قتادہ رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم
الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللّٰهِ وَالْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا رَأَى
خوابہای خوش از جانب خداست وعلامت لطف اوست وخوابہای ناخوش از شیطانست پس چون
أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثْ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ وَإِذَا رَأَى
یکی از شما خوابی کہ خوش دارد آنرا پس باید کہ نگوید مگر کسی را کہ دوست دارد وچون بیند
مَا يَكْرَهُ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهَا وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ
خوابی را کہ ناخوش دارد آنرا پس باید کہ پناہ جوید بخدا از شر آن واز شر شیطان

اور جو کوئی مجھے خواب میں دیکھے اس نے واقعی مجھے دیکھا کیونکہ شیطان میری صورت نہیں بن سکتا
جو کوئی مجھے خواب میں دیکھے وہ عنقریب مجھے بیداری میں دیکھے گا
اچھا خواب اللہ کی طرف سے ہے اور برا خواب شیطان کی طرف سے

وليتفل ثلثا ولا يحدث بها احدا فانها لن تضره

و باید که تف کند سه بار و نگوید آن خواب را بکسی زیرا که نگفتن البته ضرر نمی کند او را

متفق عليه وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى

متفق علیه و از جابر رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی

الله عليه وسلم اذا رأى احدكم الرؤيا يكرهها

الله علیه و سلم چون ببیند یکی از شما خوابی را که ناخوش دارد آن را

فليبصق عن يساره ثلثا وليستعذ بالله من الشيطان ثلثا

پس باید که آب از دهن افگند بجانب دست چپ خود سه بار و باید که پناه جوید بخدا از شیطان سه بار

وليتحول عن جنبه الذي كان عليه رواه مسلم

و باید که بگردد از پهلوی خود که بود بر آن پهلو رواه مسلم

وعن ابي رزين العقيلي رض قال قال رسول الله

و از ابی رزین عقیلی رض مرویست گفت فرمود رسول خدا

صلى الله عليه وسلم رؤيا المؤمن جزء من ستة

صلی الله علیه و سلم خوابهای مومن پاره ایست از شش

واربعين جزءا من النبوة وهي على رجل طائر

و چهل پاره های از نبوة و این رؤیا بر پای طایر است

ما لم يحدث بها فاذا حدث بها وقعت واحسبه قال

تا آنکه نگفته است آنرا پس چون گفت خواب را باغیر واقع میگردد و آنکه تعبیر کرده می پندارم آنحضرت

لا يحدث بها الا حبيبا او لبيبا رواه الترمذي وعن

فرمود مگو خواب را مگر با دوست یا شخص دانا رواه ترمذی و مرویست از

ابن عباس قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه و سلم را

يَقُولُ مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلُمٍ لَمْ يَرَهُ كُلِّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ

که میفرمود کسیکه دروغ بندد خوابی را که ندیده است آنرا تکلیف کرده میشود که بندد میان

وَلَنْ يَفْعَلَ وَمَنِ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ

و هرگز نمی تواند کرد و کسیکه گوش نهد بسوی سخن قومی که آنرا ناخوش [illegible]

أَوْ يَفِرُّونَ مِنْهُ صُبَّ فِي أُذُنَيْهِ الْآنُكُ يَوْ[illegible]

یا میگریزند از وی ریخته میشود در هر دو گوش وی سرب

صَوَّرَ صُورَةً عُذِّبَ وَكُلِّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا [در آن]

و کسیکه تصویر کند صورتی را عذاب کرده میشود و تکلیف کرده میشود باینکه روح دمد

وَلَيْسَ بِنَافِخٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و نیست در دمنده روح رواه مسلم

وَتَكَلَّفَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَمَا لَا عِلْمَ لَهُ بِهِ وَمَا عَجَزَ عَنْ عِلْمِهِ

و تکلف کرد چیزی کہ سود مند نیست و چیزی کہ نیست او را علم بدان و تکلف کرد در دانستن چیزی

الْاَنْبِيَاءُ وَالْمَلٰئِكَةُ وَعَنِ الرَّبِيعِ مِثْلُهُ وَزَادَ وَاللّٰهِ مَا جَعَلَ

پیغمبران و فرشتگان و از ربیع مرویست مانند آن و زیادہ کرد و سوگند بخدا نگردانیدہ

اللّٰهُ فِي نَجْمٍ حَيٰوةَ اَحَدٍ وَلَا رِزْقَهُ وَلَا مَوْتَهُ وَاِنَّمَا يَفْتَرُوْنَ

اللہ تعالی در ہیچ کوکبے زندگانی کسے و نہ رزق کسے و نہ موت کسے و جز این نیست کہ بر می بندند

عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَيَتَعَلَّلُوْنَ بِالنُّجُوْمِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

بر خدا تعالی دروغ را و بہانہ مے جویند بہ نجوم و روایت ست از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَبَسَ

گفت فرمود رسول خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ حاصل کند

بَابًا مِنْ عِلْمِ النُّجُوْمِ لِغَيْرِ مَا ذَكَرَ اللّٰهُ فَقَدِ اقْتَبَسَ

علم نجوم را برای غیر کارے کہ ذکر کردہ است اللہ تعالی پس بتحقیق حاصل کرد

شُعْبَةً مِنَ السِّحْرِ الْمُنَجِّمُ كَاهِنٌ وَالْكَاهِنُ سَاحِرٌ

شعبہ از سحر منجم حکم کاہن دارد و کاہن حکم ساحر

وَالسَّاحِرُ كَافِرٌ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ

و ساحر کافر ست رواہ رزین و از ابی سعید رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم اگر

اَمْسَكَ اللّٰهُ الْقَطْرَ عَنْ عِبَادِهِ خَمْسَ سِنِيْنَ ثُمَّ اَرْسَلَهُ

بند کند خدا تعالی باران را از بندگان خود پنج سال باز فرستد باران را

لَاَصْبَحَتْ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ كَافِرِيْنَ يَقُوْلُوْنَ سُقِيْنَا

ہر آئینہ صبح کنند طائفہ از مردم بحالت کفر میگویند آب دادہ شدیم ما

بنوعِ المجدح رواه النسائی

بمنزل نمرکہ نام وے مجدح ہست رواہ النسائی

باب الرؤیا

عن ابی ہریرۃ رض ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

از ابی ہریرہ رض مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قال من رأنی فی المنام فقد رأنی فان الشیطان لا یتمثل

فرمود کسیکہ دید مرا در خواب پس بتحقیق دید مرا زیراکہ شیطان تمثیل نمی تواند

فی صورتی متفق علیہ وعن ابی ہریرۃ رض قال قال رسول اللہ

در صورت من متفق علیہ واز ابی ہریرہ رض مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم من رأنی فی المنام فسیرانی

صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ دید مرا در خواب پس قریبست کہ ببیند مرا

فی الیقظۃ ولا یتمثل الشیطان بی متفق علیہ وعن

در بیداری ونمی تواند کہ تمثیل کند شیطان بصورت من متفق علیہ واز

ابی قتادۃ رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

ابی قتادہ رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم

الرؤیا الصالحۃ من اللہ والحلم من الشیطان فاذا رأی

خوابہای خوش از جانب خداست وعلامت لطف اوست وخوابہای ناخوش از شیطانست پس چون

احدکم ما یحب فلا یحدث بہ الا من یحب واذا رأی

یکی از شما خوابی کہ خوش دارد آنرا پس باید کہ نگوید مگر کسی را کہ دوست دارد وچون ببیند

ما یکرہ فلیتعوذ باللہ من شرہا ومن شر الشیطان

خوابی را کہ ناخوش دارد آنرا پس باید کہ پناہ جوید بخدا از شر آن واز شر شیطان

وليتفل ثلثا ولا يحدث بها احدا د

و باید که تف کند سه بار و نگوید آن خواب را بکسی

متفق علیه وعن جابر رض

متفق علیه واز جابر رض مرویست گفت

الله علیه وسلم اذا رای احد

الله علیه وسلم چون بیند یکی از شما

فلیبصق عن یساره ثلثا ولیـ

پس باید که آب از دهن افگند بجانب دست چـ

ولیتحول عن جنبه الذی

و باید که بگردد از پهلوی خود که بود بر

وعن ابی رزین العقیلی

واز ابی رزین عقیلی رض مروی

صلی الله علیه وسـ

صلی الله علیه وسـ

واربعین جزءا

وچهل پاره های از

ما لم یحدث بها و

تا آنکه نگفته است آنرا پس

لا یحدث الا حبیبا

که فرمود مگو خواب را مگر با دوست یا

ابن عباس قال

ابن عباس رض گفت